

بنگاهها چطور در دوران بدون سرمایه اداره شوند؟

## از چاله به چاه



سرمقاله: ضرورت یک اقدام

مسئولیت اجتماعی و چگونگی عمل به آن طبق بودجه

جامعه فراموش شده

مقاله‌ای از مسعود نیلی

مالیات گرفتن از انرژی بهترین شیوه است

جواد صالحی اصفهانی در گفت و گو با «آینده نگر» از مسائل اقتصاد ایران می گوید

## چطور بیمه تکمیلی با تخفیف و قسطی بگیریم؟

### چه کسانی می‌توانند این بیمه را بگیرند؟

یک نفر هستید، یک کسب‌وکار کوچک دارید  
یا صاحب یک شرکت بزرگ هستید.

می‌توانید با تخفیف و قسطی از خدمات بیمه تکمیلی اتاق  
بازرگانی تهران استفاده کنید.

### بیمه تکمیلی درمان برای اعضای اتاق بازرگانی تهران

- بدون محدودیت تعداد برای اعضای حقوقی
- بیمه انفرادی برای اعضای حقیقی
- امکان پرداخت قسطی

در اغلب شرکت‌های بیمه امکان دریافت بیمه تکمیلی  
درمان برای واحدهای کوچک وجود ندارد، اما با همکاری اتاق  
بازرگانی تهران با بیمه آسیا این امکان برای کسانی که کارت  
عضویت اتاق را دارند وجود دارد. واحدهای اقتصادی کوچک  
هم می‌توانند برای اعضای خود بیمه تکمیلی دریافت کنند

### دیگر خدمات بیمه‌ای ویژه اعضای اتاق تهران

- بیمه ثالث: تقسیط بلندمدت
- بیمه آتش‌سوزی: فقط ۱۱۹ هزار تومان
- بیمه بدنه: تا سقف ۲۵٪ تخفیف + تقسیط بلندمدت
- بیمه باربری: تا سقف ۲۵٪ تخفیف + تقسیط بلندمدت
- بیمه مکمل بازنشستگی: امکان پرداخت ماهانه
- کارت اختصاصی باشگاه مشتریان بیمه‌ای اتاق تهران

## داشتن کارت عضویت اتاق بازرگانی تهران چه کمکی به کسب‌وکارها می‌کند؟

### مزایای گرفتن کارت عضویت اتاق تهران

- ثبت برند، شرکت و تغییر آن
- صدور ویزای تجاری
- دریافت مشاوره رایگان
- اعزام هیات تجاری به کشورهای خارجی
- برقراری ارتباط با بازرگانان خارجی
- دریافت خدمات بیمه و بیمارستان بازرگانان
- استفاده از خدمات حل‌اختلاف و داوری
- اطلاع از اخبار، دریافت کتاب و نشریات تخصصی

### مدارک مورد نیاز برای اشخاص حقیقی

- داشتن حداقل ۲۰ سال سن
- کارت ملی و شناسنامه
- امضا تعهدنامه منشور عضویت
- داشتن مدرک تحصیلی حداقل دیپلم
- پرداخت حق ورودی و حق عضویت سالانه
- پروانه فعالیت اقتصادی
- یا معرفی‌نامه از پارک علم‌وفناوری و مراکز رشد
- یا گواهی ثبت در دفتر تجاری از حوزه مربوطه

### مدارک مورد نیاز برای اشخاص حقوقی

- داشتن حداقل ۲۰ سال سن
- کارت ملی و شناسنامه
- امضا تعهدنامه منشور عضویت
- داشتن مدرک تحصیلی حداقل دیپلم
- پرداخت حق ورودی و حق عضویت سالانه
- ارائه روزنامه تاسیس شرکت تا آخرین تغییرات
- ارائه کلیه صفحات اساسنامه شرکت
- پروانه فعالیت اقتصادی
- یا معرفی‌نامه از پارک علم‌وفناوری و مراکز رشد
- یا گواهی ثبت در دفتر تجاری از حوزه مربوطه

اطلاع از خدمات: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

توییتر: [twitter.com/TCCIM](https://twitter.com/TCCIM) اینستاگرام: [instagram.com/TCCIM.pr](https://www.instagram.com/TCCIM.pr)

تلگرام: [t.me/TehranChamber](https://t.me/TehranChamber) آپارات: [www.aparat.com/TCCIM](https://www.aparat.com/TCCIM)

کدپستی: ۱۵۱۹۱۷۶۱۳ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۸۱۸

**ضرورت یک اقدام**  
تنگناهای مالی بنگاه‌های بخش خصوصی

**کامنت**  
ژیزک: این نقد نیازمند تغییر است

**اعداد ماه**  
سه‌م دانش‌بنیان‌ها از اقتصاد

**آینده ما**  
عصر نوظهورها

**ویژه ۲۰۲۴**  
جهان در یک نگاه

**رساله**  
جامعه فراموش شده

**آکادمی**  
شمالی اقتصاد

**نگاه**  
مبارزه با فساد، لازمه امنیت اقتصادی

**راهبرد**  
دست‌انداز

**توسعه**  
مالیات بی‌سود

**چشم‌انداز**  
دست‌اندازهای اروپایی‌شدن

**جاده ابریشم**  
غول باستانی دیروز، غول لجستیک امروز

**کار آفرینان**  
کار آفرینی با خیال

**تجربه**  
یک دستاورد چینی!

**آینده پژوهی**  
شلیک به صلح

**چهره‌ها**  
نخستین افتخار اقتصادی آمریکا

**ژورنال**  
گندآب‌ها در مزارع

**کتاب ضمیمه**  
درباره غلامعلی سلیمانی و برادران عمید حضور



صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران  
مدیرمسئول: مسعود خوانساری  
شورای سیاست‌گذاری: بهمن عشقی، مصطفی درویشی، ابراهیم بهادرانی، فریدون وردی‌نژاد  
شهاب جوانمردی، رامین خسرو خاور، عطاالله اشرفی اصفهانی  
سر دبیر: بهراد مهرجو  
تحریریه: محمد عدلی، کاوه شجاعی، فرزانه سالمی، سعید ارکان‌زاده، آرش پور ابراهیمی، لیلا ابراهیمیان  
نسیم بنایی، سوسن سیرجانی، متین دخت والی‌نژاد، فاطمه صدقی، فاطمه برزگر  
مرضیه محمودی، الیاس براهویی‌نژاد  
پادکست: کریم نیکونظر

آلتیه طراحی  
مدیر هنری: رضا دولت‌زاده  
ویرایش عکس: علیرضا لاجورد  
ویراستاری: بابک آتشین‌جان  
ناظر فنی: هانی شمس

مخاطبان ماهنامه آینده‌نگر می‌توانند، دیدگاه‌ها و انتقادات خود را از طریق پست الکترونیک و همچنین شماره تلفن‌های تحریریه با ما در میان بگذارند.  
Email: ayandehnegarmag@gmail.com www.tccim.ir

نشانی: خیابان خالداسلامبولی، روبه‌روی خیابان ۲۱، پلاک ۸۲  
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران  
تلفن امور اشتراک: ۱۸۶۶

چاپ: هم‌میهن فارس      تلفن: ۴۶۸۹۶۳۳۰



برای دریافت اشتراک

آیندهنگر

با شماره

۱۸۶۶

تماس بگیرید



انجمن بازرگان، صنایع، معادن و کشاورزی تهران  
TEHRAN CHAMBER OF COMMERCE,  
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE



# جشنواره ایمین الضرب

نهمین جشنواره  
ایمین الضرب  
کارآفرینان

اختتامیه اول اسفند ۱۴۰۲



## ضرورت یک اقدام

### چرا جمعه و شنبه باید تعطیل باشد؟



محمود نجفی عرب

رئیس اتاق تهران

گاهی حرف سرراست و دقیق به نتیجه نمی‌رسد و بعضی مضامین را باید با زبان کنایه بیان کرد. این نوع کنایه و مطایبه جامعه هدف را بیشتر به فکر می‌اندازد. مثلاً اینکه ساموئلسون نوبلیست اقتصاد در کنایه به کسانی که خودشان را محور پیش‌بینی اقتصاد می‌دانستند، گفته بود: «بازار سهام ۹ بحران از ۵ بحران اقتصاد را پیش‌بینی کرده‌است.» در جمله او طنز و کنایه با هم ترکیب شده‌اند. در متون تاریخی آمده که او به برخی اقتصاددانان مدعی پیش‌بینی اقتصاد، کنایه زده که حتی بازار هوشمندی مثل بورس هم در تحلیل شرایط اشتباه می‌کند. در این شرایط دیگر از اقتصاددان یا تحلیل‌گر چه انتظاری می‌رود؟

گاهی فراموش می‌کنیم که اقتصاد دانشی متکی به واقعیت‌ها و منافع است. لاجرم هر عملی در زمین اقتصاد برای دستیابی به منفعت بیشتر صورت می‌گیرد و هر اقدامی که این منفعت را مخدوش کند، نكوهیده است. واقعیت این است که اقتصاد ایران به سبب تحریم‌های خارجی و خودتحریمی‌ها، آینده از مشکلات ریز و درشت است. منفعت کشور و مردم هم در این قرار دارد که هر اقدامی می‌تواند به انجام رساند که اقتصاد ایران بهینه‌تر عمل کند. نفع این وضعیت هم برای تمام طبقات جامعه است. اما ناگهان اتفاقات و اظهارنظرهایی صورت می‌گیرد که معادله واقع‌بینی و منفعت‌گرایی را برهم می‌زند. مثال بارز برای اثبات این ادعا، مجادلات چندین ساله برای تغییر روزهای تعطیل هفته است.

برای بهره‌وری بیشتر و ارتباط موثرتر با جهان، بارها پیشنهاد شده که تعطیلات آخر هفته کشور به دو روز جمعه و شنبه تغییر کند. بیش از ۹۰ درصد کشورهای جهان در روزهای شنبه و یکشنبه تعطیل‌اند و دیگر کشورها هم تلاش کرده‌اند خودشان را به این تقویم نزدیک کنند. اما در مورد ایران، آنچه امروز در تقویم وجود دارد، تعطیلات رسمی جمعه است. حتی پنج‌شنبه‌ها هم به صورت کامل تعطیل نیست و عملاً نظام دوگانه‌ای در مورد آن وجود دارد به طوری که برخی ادارات و نهادهای دولتی و خصوصی تعطیل یا نیمه‌تعطیل‌اند و برخی دیگر تا نصفه روز کار می‌کنند و تعدادی هم مثل هر روز دیگری به فعالیت ادامه می‌دهند. این وضعیت به طور مشخص عامل پرمزنده نظم اقتصادی است. ضمن آن که از منظر مصرف انرژی و مسائل ترافیکی هم وضعیت دوگانه پنج‌شنبه‌ها، به زیان اقتصاد ایران تمام شده‌است.

نکته قابل توجه این که الگوی تعطیلات در ایران با هیچ کشور توسعه‌یافته‌ای قابل مقایسه نیست. شمار تعطیلات در اکثر کشورهای جهان بین ۱۱۰ تا ۱۲۹ روز است. در ایران اما با احتساب ۲۷ روز تعطیلی رسمی اعم از تعطیلات ملی، شمسی و قمری و ۵۲ روز تعطیلی آخر هفته جمعه، تعداد روزهای تعطیل به ۷۹ روز می‌رسد. براین اساس ایران و جیبوتی تنها کشورهای جهان به شمار می‌آیند که روزهای تعطیلشان محدود به آخر هفته می‌شود. بنابراین در صورتی که تعطیلات آخر هفته به دو روز افزایش یابد، شمار روزهای تعطیل در ایران به ۱۲۹ روز می‌رسد که از این نظر با الگوی جهانی انطباق بیشتری دارد.

متأسفانه این درک هنوز در برخی ارکان سیاست‌گذاری ایجاد نشده که تصمیم‌گیری در مورد تعطیلات آخر هفته، تنها حرکتی در جهت بهبود وضعیت اقتصادی نیست، بلکه جلوگیری از اتلاف منابع حساب می‌شود. به این جهت که اکنون ارتباط موثر

اقتصاد ایران با جهان ۳ و نیم روز است که در صورت تصویب تعطیلات روز پنج‌شنبه و جمعه، این عدد به ۳ روز کاهش پیدا می‌کند. یعنی شرایط از امروز هم بدتر می‌شود. برای تغییر این شرایط و دستیابی به نظم ارتباطی بیشتر با اقتصاد جهانی پیشنهاد شده که تعطیلات آخر هفته به جمعه و شنبه موقوف شود. اما عجیب این که با چنین خواسته صریح و سرراستی مخالفت می‌شود. در حالی که تعدادی از کشورهای مسلمان منطقه حتی روزهای جمعه را به صورت نیمه‌تعطیل درآورده‌اند و روزهای شنبه و یکشنبه را تعطیل رسمی کرده‌اند و تعدادی دیگر هم به فکر تغییر الگوی تعطیلات به روزهای شنبه و یکشنبه‌اند، در ایران همچنان پافشاری بر الگو و نظم قدیمی ادامه دارد. مزایای تعطیلات روز جمعه و شنبه اینهاست: بهینه‌سازی حقوق نیروی کار و همگام‌سازی با بازارهای جهانی و مبادی گمرکی به منظور تسهیل فرایندهای تجاری و مبادلات بین‌المللی، توسعه اقتصاد گردشگری و ارتقای بهره‌وری، ایجاد فرصت رقابت با بازیگران دنیا که پیش از این از مزیت فرصت تقویمی بهره‌مند بوده‌اند، بهره‌مندی از مدل‌ها و برنامه‌های زمان‌بندی شده اقتصادی در سطح جهان.

البته تعطیلات دو روز پایان هفته اثرات اجتماعی قابل ملاحظه‌ای هم دارد که از جمله آن می‌توان به تقویت هرچه بیشتر صنعت فرهنگ و افزایش سهم تفریح و سرگرمی در زندگی مردم اشاره کرد. کمک به توسعه راه اجتماعی از طریق تقویت بخش خدماتی در حوزه گردشگری، توسعه ساختارهای اثربخشی اجتماعی، تنش‌زدایی از بستر جامعه و ارتقای بهره‌وری از مسیر افزایش روحیه و نشاط و پویایی اجتماعی را می‌توان از دیگر مزیت‌های تغییر الگوی تعطیلات ارزیابی کرد.

همان‌طور که مطالعات معاونت اجتماعی شهرداری تهران نشان داده، بخش مهمی از مردم تهران احساس سرزندگی نمی‌کنند. دلیل این وضعیت هم ریشه‌های اقتصادی و هم اجتماعی دارد. این که حداقل از طریق تعطیلات بیشتر به سمت نشاط‌آفرینی افزون‌تر حرکت انجام گیرد، از جمله اثرات اجتماعی مثبت این طرح است.

ضمن آن که استفاده از تجربیات کشورهای همسایه نشان می‌دهد که تغییر تقویم تعطیلی نه‌تنها به زیان آنها نبوده، بلکه موجب بهبود شرایط اقتصادی و زیستی در این کشورها نیز شده‌است. جالب است که کشورهای منطقه حدود ۱۵ سال قبل اقدام به تغییر الگوی تعطیلات خود به جمعه و شنبه کردند.

اساساً هدف از اصلاح نظام تعطیلات پایان هفته توجه به دو موضوع بوده‌است: اول ارتقای نظام اداری و رفاهی شهروندان و دوم بهبود وضعیت اقتصادی کشور. در صورت انجام سناریوی تعطیلات پنج‌شنبه و جمعه، شاید هدف اول محقق شود ولی اقتصاد نه‌تنها بهبود پیدا نمی‌کند، بلکه با بحران‌های بیشتری هم مواجه می‌شود. حالا در شرایطی که فشارهای ناشی از تحریم‌ها افزایش پیدا کرده، دامنه روابط خارجی کشور محدود شده، تجارت کالایی با مخاطره مواجه شده و آینده اقتصاد کشور در خطر قرار گرفته، نباید با اقدامات داخلی به این بحران‌ها دامن زد، آن هم در شرایطی که حتی تمام کشورهای منطقه تعطیلات پایان هفته را به دو روز جمعه و شنبه موقوف کرده‌اند. وقتی از خودتحریمی صحبت می‌شود، اشاره به چنین وضعیتی است. این که با تصمیمات پرخاطا و با ریسک بالا، نظام اقتصادی کشور و آینده فعالیت‌های بخش خصوصی و عمومی مورد تهدید قرار می‌گیرد.

امیدوارم که سیاست‌گذاران کشور توجه داشته‌باشند که اقدامات تاثیرگذار و قابل انجایی مانند ساماندهی تعطیلات آخر هفته می‌تواند کمک موثری به فعالیت‌های اقتصادی کند و اقدامی خلاف آن باز هم جامعه اقتصادی را با دلسردی مواجه می‌سازد. امیدوارم در مسیر عقل و منطق حرکت کنیم. ■

# چه می‌خوانید؟

چرا باید آینده‌نگر بخوانید و چه مطالبی می‌خوانید؟

## ویژه ۲۰۲۴

«جهان در یک نگاه» عنوان پرونده اصلی پیش‌بینی تحولات سال آینده است. ما به این سوال پاسخ می‌دهیم که در سال جدید کسب و کارها و صنایع به کدام سو می‌روند؟ در این پرونده ۴۶ صفحه‌ای از زوایای مختلف به تحولات سال آینده میلادی می‌پردازیم. این مطالب برگرفته از مهم‌ترین مقاله‌ها و گزارش‌های نشریات جهانی از جمله اکونومیست است که هر ساله ویژه‌نامه‌ای به مناسبت سال جدید میلادی منتشر می‌کند. دبیر بین‌الملل اکونومیست مهم‌ترین روندهای سال جدید را مرور کرده است و به ۱۰ جریان اصلی در سال نو میلادی پرداخته است. او از احتمال وقوع جنگ سرد دوم گفته و اینکه در نقاط مختلف جهان از جمله آمریکا امسال انتخابات در پیش است. او نوشته: «رای‌دهندگان در آمریکا باید تکلیف دونالد ترامپ را مشخص کنند. در حال حاضر بررسی‌ها نشان می‌دهد بیش از ۳۳ درصد احتمال دارد که او به عنوان رئیس‌جمهوری بعدی آمریکا انتخاب شود. هر چند رای‌گیری بین ایالت‌ها در آمریکا صورت می‌گیرد اما در نهایت، نتیجه آن می‌تواند نقش تعیین‌کننده داشته باشد. به عبارت ساده‌تر، حال‌وهوای سیاسی جهان به وضعیت آمریکا بستگی دارد و ترامپ در این زمینه می‌تواند نقشی تعیین‌کننده داشته باشد. برای مثال، کمک‌های نظامی آمریکا به اوکراین، کاملاً وابسته به نتیجه انتخابات است.» او در بخش دیگری از مطالبش هم به تحولات هوش مصنوعی پرداخته و نوشته است: «کسب‌وکارها بیش از هر زمانی به فناوری‌های پیشرفته وابسته شده‌اند. آن‌ها به دنبال روش‌هایی هستند تا هوش مصنوعی را بهبود بخشند و از آن نهایت بهره را ببرند. همچنین به دنبال بهترین شیوه قانون‌گذاری هستند تا مقررات دستشان را در این مسیر نبندد و همچنان بتوانند از آن نهایت بهره را ببرند.» در این پرونده مطلب دیگری درباره پیش‌بینی وضعیت ۱۵ صنعت در سال آینده وجود دارد. مرکز تحقیقات اکونومیست به صنایعی همچون خودرو، دفاع و فضا، انرژی، مواد غذایی و کشاورزی، خدمات مالی، مراقبت از سلامت، زیرساخت، فناوری اطلاعات، رسانه و سرگرمی، فلزات و معدن، مسکن، خرده‌فروشی، ورزش، ارتباط از راه دور، و سفر و گردشگری پرداخته است. در این متن نوشته شده: «صنعت سفر و گردشگری به آینده‌ای روشن و روزهایی خوش در سال ۲۰۲۴ امید دارد. البته بیشترین امید به این است که میزان گرمای خورشید زیاد نباشد. برای اینکه جلوی آتش‌سوزی‌های گسترده در جنگل‌ها گرفته شود به ویژه در شرایطی که گرما رکورد تاریخی به ثبت رسانده است، بسیاری از مسافران ترجیح می‌دهند بدون کودکان خود در تابستان به سفر بروند. خطوط هواپیمایی هم برنامه‌های خود را با این مسافران مطابقت می‌دهند. ورودی گردشگران بین‌المللی دوباره افزایش پیدا می‌کند و در ۱ میلیارد و ۸۰۰ میلیون نفر به سطوح سال ۲۰۱۹ و پیش از همه‌گیری کرونا می‌رسد. البته در چین همچنان نکاتی برای رعایت کردن وجود دارد و محدودیت‌ها هم کم نیست. بسیاری از مسافران همچنان طی سفرهای خود به سایر نقاط جهان از برخی موارد احساس نگرانی می‌کنند.» از دیگر مطلب خواندنی این شماره می‌توان به «ژئوپلیتیک ۲۰۲۴ برای کارآفرینان» اشاره کرد. در این متن پیشنهادهایی برای راه‌اندازی کسب‌وکارها در سال ۲۰۲۴ ارائه شده است.



## نگاه

«مبارزه با فساد، لازمه امنیت اقتصادی» عنوان اصلی پرونده این شماره نگاه است که به موضوع مبارزه با فساد در اقتصاد ایران اختصاص دارد و به اقداماتی که بخش خصوصی در مبارزه با فساد انجام داده می‌پردازد. در این پرونده مطالبی از عباس آرگون عضو هیئت رئیسه اتاق تهران، حسن فروزان‌فرد، رئیس کمیسیون حکمرانی سازمانی اتاق تهران، مهرداد عباد عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران و پیمان مولوی اقتصاددان منتشر شده است. عباس آرگون در بخشی از یادداشت خود نوشته است: «مهم‌ترین پیامد فساد بی‌اعتمادی است. زمانی که فساد وجود داشته باشد سرمایه اجتماعی تهدید می‌شود. فساد به اعتماد عمومی آسیب می‌زند و در نتیجه بسیاری از افراد از کشور مهاجرت می‌کنند. باید گلوگاه‌ها و منافذ فساد بسته شوند. فساد همیشه بوده، بنابراین باید عوامل فساد را از بین برد.» همچنین حسن فروزان‌فرد در متن خود نوشته است: «باید بینیم سرمایه‌های اجتماعی چگونه به وجود می‌آیند. در یک فضای اجتماعی سالم، رفتار صادقانه، گفتار صادقانه و شفافیت عملکرد زمینه‌ها را برای توسعه سرمایه‌های اجتماعی فراهم می‌کنند، کار به جایی می‌رسد که افراد از یکدیگر انتظاری جز صداقت در گفتار و رفتار و شفافیت ندارند. وقتی فضای در چنین موقعیتی قرار می‌گیرد و این گونه پیش می‌رود آن وقت چرخ‌های اقتصاد و چرخ‌های تعاملات اجتماعی به گونه دیگر و شایسته می‌چرخند. حالا فرض کنیم که دروغ‌گویی و نبود شفافیت مبنای تعاملات باشند؛ پیش فرض همه این باشد که آنچه که می‌شنوند و می‌بینند واقعیت نیست و همراه با خطا و فساد آلود است در چنین موقعیتی اساساً زمینه شکل‌گیری سرمایه‌های اجتماعی مهیا نمی‌شود و آنچه در تعاملات انسانی به صورت معمول وجود دارد آهسته، آهسته از دست می‌رود.»



## چهره‌ها

در بخش چهره‌ها به برندگان نوبل می‌پردازیم و در دومین شماره درباره پل ساموئلسون نوشته‌ایم. نخستین افتخار اقتصادی آمریکاست. در این مطلب نوشته شده: «سال ۱۹۷۰ سال بود که برای دومین بار نوبل اقتصاد به اقتصاددان‌ها تعلق می‌گرفت. در این سال برای نخستین بار یک آمریکایی یعنی پل ساموئلسون موفق به دریافت این جایزه پرافتخار شد. آکادمی اعلام کرد سهم و نقشی که پل در توسعه نظریه‌های مدرن اقتصادی داشته باعث شده شایسته دریافت این جایزه شود. آثار این اقتصاددان از جنبه‌های مختلف به علم اقتصاد کمک کرده و بابت همین قضیه، نوبل دریافت کرده است.» یکی از معروف‌ترین آثار پل ساموئلسون، کتابی است با عنوان «علم اقتصاد: مقدمه‌ای بر تحلیل» که نخستین بار در سال ۱۹۴۸ منتشر شد و پس از آن مورد استفاده دانشجویان علم اقتصاد قرار گرفت. این کتاب، کاملاً جامع است و همه سرفصل‌ها و اصول اقتصادی را پوشش داده و به همین دلیل دانشجویان رشته اقتصاد می‌توانند برای تکمیل دانش اقتصادی خود از آن نهایت بهره را ببرند.»



## رساله

در بخش رساله این شماره به موضوع «مسئولیت اجتماعی و چگونگی عمل به آن طبق بوجه» پرداخته‌ایم. مسعود نیلی اقتصاددان به همراه زهرا کاویانی و سعید عباسیان در مقاله‌ای ویژه به کاهش فقر و نابرابری و ارائه خدمات اجتماعی در ایران پرداخته است. در بخشی از این متن آمده است: «از ابتدای انقلاب تاکنون، موضوعاتی از قبیل کاهش فقر و نابرابری و ارائه خدمات اجتماعی، برای همه دولت‌ها و در تمام سیاست‌گذاری‌ها مهم بوده و مکرراً راجع به آن صحبت و برنامه‌ریزی می‌شده است. دولت‌های ما خودشان را در مقابل ارائه خدمات آموزشی، انواع خدمات‌رسانی در حوزه سلامت و بهداشت عمومی مسئول می‌دانسته‌اند. شعارها همیشه در این حوزه بوده و واقعاً هم سیاست‌گذار در مقابل شعاری که می‌داده، صادق بوده و این احساس مسئولیت حتی شکل هویتی به خود گرفته بوده است. از همان ابتدای انقلاب در راستای کاهش فقر و نابرابری بنیادها و نهادهایی مانند بنیاد مستضعفان و کمیته امام خمینی تشکیل شد. مصادره‌های گسترده‌ای صورت گرفت که نه با دلایل سیاسی بلکه کاملاً با هدف تعدیل ثروت و درآمد انجام شد. تلقی آن بود که دولت باید آب، برق و گاز و آموزش و بسیاری دیگر از خدمات را برای گروه‌هایی از جامعه به صورت رایگان عرضه کند. همه اینها در راستای نقشی بوده که دولت به عنوان ایفای مسئولیت اجتماعی برای خود قائل بوده است. حال سؤال این است که بعد از نیم قرن تلاش برای کاهش فقر و نابرابری، در چه وضعیتی قرار داریم و آیا تلاش‌های ما توانسته مفید باشد؟»



## توسعه

در بوجه سال ۱۴۰۲، دولت فشارهای مالیاتی را افزایش داده و انواع و اقسام مالیات‌ها را برای جبران کسری بوجه تدوین کرده است. در پرونده بخش توسعه به موضوع مالیات پرداخته‌ایم و به این سوال پاسخ داده‌ایم که آیا با افزایش مالیات می‌توان کسری بوجه را جبران کرد؟ در این پرونده مطالبی از سید مرتضی افقه، دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز، ناصر ذاکری، کارشناس اقتصادی، خالد توکلی، جامعه‌شناس توسعه، مسعود سپهر، جامعه‌شناس سیاسی، کمال اطهری، پژوهشگر ارشد حوزه توسعه، صادق پیوسته جامعه‌شناس، علی اصغر سعیدی، جامعه‌شناس و اقتصاددان و... منتشر شده است. در این پرونده گفت‌وگویی با جواد صالحی اصفهانی، استاد اقتصاد دانشگاه ویرجینیانک منتشر شده است. او گفته: «معتقدم بین مالیات‌ستانی و پاسخگویی دولت‌ها رابطه مستقیم علت-معلولی وجود ندارد. در طول تاریخ ایران، تمام دولت‌ها مالیات‌گیر بودند ولی هیچ وقت پاسخگو نبودند. چون دولت زور داشت. رسیدن به دموکراسی از مسیر مالیات‌ستانی بحث پیچیده‌ای است. این اصل که دولت اگر به جامعه نیاز نداشته باشد، پاسخگو هم نخواهد بود، اصل درستی است اما کافی نیست. در کشورهایی که درآمد مردم از مسیر بهره‌وری است و دولت نگران پایین رفتن بهره‌وری است، در وهله اول علاقه‌مند می‌شود که بهره‌وری افراد و اقتصاد بالاتر رود و در مرحله بعدی به خود افراد علاقه‌مند می‌شود. مثل این است که دولت شهروندان را منبع درآمد حساب کند و مراقبت کند که بهره‌وری‌شان پایین نیاید یا مهاجرت نکنند. بین مالیات‌گیری و پاسخگویی، اصل بهره‌وری هم است که باید به آن توجه شود.»



## کارآفرین

در این شماره کارآفرین با زندگی تیری هرمس طراح مد، والت دیزنی کارآفرین و تولیدکننده فیلم آمریکایی، لری پیچ از بنیان‌گذاران گوگل و تراویس کالانیک، موسس شرکت اوبر پرداخته‌ایم. در مورد والت دیزنی نوشته شده: «استعدادهای بزرگ معمولاً از کودکی شکوفا می‌شوند. همین اتفاق در مورد والت دیزنی هم رخ داد. او سنی نداشت که متوجه شد توانایی منحصر به فردی در نقاشی و روایت‌گری دارد. داستان‌هایی خارق‌العاده را به زبان تصویر بیان می‌کرد. علاقه وافری که از کودکی به هنر نشان داد و ممارست و پشتکار بی‌وقفه برای دست یافتن به رؤیاهایش باعث شد همه آن رویاها رنگ واقعیت به خود بگیرند. سال ۱۹۲۳ وقتی تازه قدم به ۲۲ سالگی گذاشته بود با برادرش، روی دیزنی، استودیوی برادران دیزنی را راه‌اندازی کرد. به این ترتیب دوره‌ای انقلاب در عرصه ساخت انیمیشن به دست والت دیزنی پایه‌ریزی شد. از آن به بعد، شاهد تحولاتی بزرگ و عمیق در دنیای انیمیشن بوده‌ایم.» همچنین در متن تراویس کالانیک، موسس شرکت اوبر نوشته شده: «سیلیکون ولی به واسطه ماهیتش که به فناوری ارتباط دارد، همیشه در حال تغییر است. به همین دلیل همیشه می‌توان قصه‌ها و داستان‌های هیجان‌انگیزی در آن پیدا کرد، مثلاً قصه تراویس کالانیک، کسی که در دوره‌ای به اوج رسید و دوباره به مرور، سقوط کرد. کالانیک را به عنوان یکی از جنجالی‌ترین چهره‌های سیلیکون ولی می‌شناسند. او هم‌بنیان‌گذار و مدیرعامل سابق اوبر است که نقشی حیاتی و مهم در تحولات صنعت حمل‌ونقل ایفا کرد و چهره‌ای جهانی به آن بخشید.»



## کتاب ضمیمه

در بخش کتاب ضمیمه یک و دو به زندگی غلامعلی سلیمانی صاحب هلدینگ سولیکو و برند محصولات لبنی کاله و برادران عمید حضور و فرزندانشان صاحبان گروه صنعتی کفش بلا پرداخته شده است. در متن عمید حضور نوشته شده: «در سال‌های ابتدایی حکومت پهلوی اول، مرد جوانی به نام حسن در یک زیرپله کوچک در بازار تهران، دکان خرازی داشت. او به سختی تلاش می‌کرد تا با این کار چرخ زندگی خود، مادر و خواهر و برادرانش را بچرخاند. اما همان دکان کوچک خرازی شروع مسیری بود که در دهه ۵۰ تمام ایران، فامیلی آن مرد جوان یعنی عمید حضور را می‌شناختند. فرزندان حسن، پس از او راه پدر را ادامه دادند و صاحب یکی از برندهای مشهور در زمینه تولید کفش در ایران شدند. بسیاری از نسل‌های قدیمی هنوز هم خاطراتی از محصولات گروه صنعتی کفش بلا دارند. حتی ممکن است در کمد‌ها و انباری‌های قدیمی رد و نشانی از محصولات چرمی بلا پیدا شود. اما بلا و برادران عمید حضور سرگذشتی پرفراز و نشیب داشتند. هنوز هم در برخی خیابان‌ها مغازه‌هایی با این برند وجود دارد، اما این بلا آن بلایی نیست که روزگاری دومین توزیع‌کننده بزرگ کفش در ایران بود.»





**بررسی برنامه راهبردی اتاق تهران در دور دهم**  
جمعه و شنبه، تعطیلات دوازده روزه پایان هفته  
نمایندگان بخش خصوصی خواستار شدند

اعضای هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران در یک نشست فوق‌العاده محورهای برنامه راهبردی اتاق تهران برای دوره دهم را بررسی کردند. همچنین در این نشست بیانیه اتاق تهران در مورد ساماندهی تعطیلات پایان هفته منتشر شد که طی آن تصویب تعطیلات رسمی دوازده روزه و قرارگیری آن در روزهای جمعه و شنبه پیشنهاد و توصیه شد. اعضای هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران در یک نشست فوق‌العاده که به صورت حضوری و مجازی برگزار شد، اصول و محورهای برنامه راهبردی اتاق در دور دهم را مورد بحث و بررسی قرار دادند. این برنامه راهبردی بر پایه گسترش عضویت و افزایش تعداد اعضا، آشنایی بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی استان تهران با اتاق و خدمات آن، افزایش بهره‌مندی اعضا از خدمات اتاق، توسعه مسئولیت اجتماعی، حل حداقل چهار مسئله محوری کسب‌وکار در تعامل با دولت و حاکمیت تدوین شده است. همچنین در پایان این جلسه نمایندگان بخش خصوصی در اتاق تهران، ضمن اعلام حمایت از اصلاح لایحه قانون مدیریت خدمات کشوری و ساماندهی تعطیلات پایان هفته که هم‌اکنون در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است، خواستار قرارگیری تعطیلات پایان هفته در روزهای جمعه و شنبه شدند.

**حرکت به سمت ایجاد بزرگ‌ترین مرکز تست خودرو خاورمیانه** - ۱۴۰۲/۱۰/۱۹

**محدودیت‌های نفس‌گیر برای دانش‌بنیان‌ها** - ۱۴۰۲/۱۰/۱۹

در هفتمین نشست کمیسیون اقتصاد سلامت اتاق بازرگانی تهران، مسایل و مشکلات کسب‌وکارهای دانش‌بنیان مورد واکاوی قرار گرفت و فعالان این حوزه از عدم توجه دولت برای حمایت درست و هدفمند، ناتوانی وزارت بهداشت از ارزیابی محصولات دانش‌بنیان، شرایط سخت تولید برای شرکت‌های دانش‌بنیان حوزه سلامت انتقاد کردند. بررسی چالش‌های فرآوردی شرکت‌های دانش‌بنیان حوزه سلامت، موضوع هفتمین جلسه کمیسیون اقتصاد سلامت اتاق بازرگانی تهران بود. در این جلسه که با حضور نمایندگان از شرکت‌های دانش‌بنیان حوزه سلامت و همچنین نمایندگان از معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری و صندوق نوآوری و شکوفایی برگزار شد، فعالان بخش خصوصی نسبت به عواقب بی‌اعتنایی دولت به تولید دانش‌بنیان، برخورد‌های سلیقه‌ای و وضع مقررات دست و پاگیر در این حوزه هشدار دادند.



اعضای هیئت رئیسه و هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران در آستانه روز ملی هوای پاک با حضور در مجتمع آزمایشگاهی ایمنی و سنجش آلاینده‌های خودرو، از مراحل مختلف آزمون‌هایی که در این بنگاه صنعتی بخش خصوصی روی خودروها و موتورسیکلت‌های تولیدی و مونتاژی کشور انجام می‌گیرد، بازدید کردند و با برنامه‌های توسعه‌ای این مجتمع از جمله تبدیل شدن به بزرگ‌ترین مرکز تست خودروی خاورمیانه در آفاق آشنا شدند. در آستانه روز ملی هوای پاک، اعضای هیئت رئیسه و جمعی از اعضای هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران، با محوریت کمیسیون انرژی اتاق، از مجتمع آزمایشگاهی ایمنی و سنجش آلاینده‌های خودرو متعلق به شرکت بازرسی کیفیت و استاندارد ایران (ISQI) بازدید کردند و با آزمایشگاه‌های فنی و خدمات این شرکت بخش خصوصی آشنا شدند.

**امضای تفاهم‌نامه همکاری اتاق تهران و شرکت شهرک‌های صنعتی تهران** - ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

**تداوم رضایتمندی ۹۸ درصدی مراجعان به بیمارستان بازرگانان** - ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

در نشست مشترک اعضای هیئت متولیان بیمارستان بازرگانان و هیئت رئیسه اتاق بازرگانی تهران که به مرور عملکرد این مرکز درمانی اختصاص داشت، اعلام شد بیش از ۹۸ درصد مراجعان از روند درمان خود در این بیمارستان اعلام رضایت کرده‌اند. اعضای هیئت متولیان بیمارستان بازرگانان و هیئت رئیسه اتاق بازرگانی تهران با حضور در این مرکز درمانی از بخش‌های مختلف این بیمارستان بازدید کردند. این جلسه مشترک با هدف استماع گزارش جامع عملکرد این مرکز درمانی برگزار شد و طی آن رئیس بیمارستان بازرگانان علاوه بر ارائه توضیحات در زمان بازدید، از عملکرد بخش‌های مختلف بیمارستان، روند درمان و رضایت مراجعان گزارش دارد. در این نشست علاوه بر اعضای هیئت متولیان بیمارستان و هیئت رئیسه اتاق تهران، مهدی فضلی، مدیرعامل گروه صنعتی گلرنگ حضور داشت.



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران و شرکت شهرک‌های صنعتی تهران با هدف رشد و توسعه فضای کسب‌وکار کشور و تسهیل امور فعالان اقتصادی و صنایع کوچک و متوسط مستقر در شهرک‌ها و نواحی صنعتی، تفاهم‌نامه همکاری امضا کردند. این تفاهم‌نامه همکاری روز یکشنبه ۱۷ دی‌ماه با حضور رئیس، هیئت رئیسه و دبیرکل اتاق تهران و مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی تهران به همراه معاون صنایع کوچک سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران به امضا رسید. در چارچوب امضای این تفاهم‌نامه، آمادگی دو نهاد بخش خصوصی دولتی برای همکاری در راستای تقویت توان بنگاه‌های کوچک و متوسط در تولید و نوآوری در محصولات و خدمات و همچنین، توسعه بازارهای صادراتی این بنگاه‌های بخش، اعلام شد.

**تراز منفی ۱۲ میلیارد دلاری در تجارت خارجی** - ۱۴۰۲/۱۰/۱۷

**کاهش قابل توجه صادرات خدمات فنی و مهندسی** - ۱۴۰۲/۱۰/۱۶

نشست هشتم کمیسیون عمران، احداث و امور زیربنایی اتاق بازرگانی تهران برگزار شد و طی آن به مسائل مختلفی چون برنامه‌های کمیسیون، ارتباط با تشکل‌ها، دیدار با مقامات دولتی و حاکمیتی و همچنین مشکلاتی مانند کاهش قابل توجه صادرات خدمات فنی و مهندسی در سال‌های اخیر پرداخته شد. ابتدا ایرج رهبر رئیس کمیسیون عمران، احداث و امور زیربنایی اتاق تهران با اشاره به کاهش قابل‌توجه صادرات خدمات فنی و مهندسی طی سال‌های اخیر و رسیدن این میزان صادرات از ۲ میلیارد دلار در سال به زیر ۵۰۰ میلیون دلار تاکید کرد که مشکلات پیش روی صدور خدمات فنی و مهندسی بسیار فراوان است و نمی‌توان مانع بزرگ تحریم را نادیده گرفت و باید در برنامه راهبردی اتاق تهران هم به مسئله تحریم و هم مسئله صدور خدمات فنی و مهندسی توجه ویژه‌ای شود. او همچنین گفت: «در فاصله برگزاری جلسه کمیسیون، دو نشست مهم برگزار شد. یکی دیدار با سخنگوی دولت، آقای بهادری جهرمی بود که موضوع آن ارائه گزارشی درباره نهضت ملی مسکن بود و دیگری هم دیدار با رئیس مجلس که در این دیدار آقای قالیباف تاکید کرد که ساخت مسکن باید توسط بخش خصوصی انجام شود.»



در هفتمین جلسه کمیسیون تسهیل و توسعه تجارت، نحوه استفاده از ظرفیت‌های صندوق ضمانت صادرات ایران به بحث گذاشته شد. رئیس این کمیسیون نیز در این جلسه، آماری از تجارت خارجی با تمرکز بر صادرات غیرنفتی ارائه کرد و از تراز منفی ۱۱/۹ میلیارد دلاری در تجارت خارجی طی ۹ ماهه سال ۱۴۰۲ خبر داد. کاوه زرگران رئیس کمیسیون تسهیل و توسعه تجارت در ابتدای این جلسه به مرور برخی رویدادهای حوزه تجارت پرداخت و با اشاره به نرجهایی که برای خرید تضمینی گندم در سال آینده مطرح می‌شود، مدتی است که نرجهایی مبنی بر تعیین نرخ ۱۹ هزار و ۵۰۰ تومانی برای خرید تضمینی گندم مطرح می‌شود و البته انتظار کشاورزان هم این است که چنین نرخی برای این محصول تعیین شود. او گفت: پرداخت این مبلغ به کشاورزان گندمکار ایرادی ندارد اما بهتر است دولت بین قیمت گندم و پاداش گندمکاران تمایز قائل شود.





## ژیزک: این نقد نیازمند تغییر است



جمیل خادر

محقق دانشگاه بیت‌لمح

اسلاوی ژیزک، فیلسوف غربی اخیراً در مورد جنگ میان اسرائیل و فلسطین، نظراتی داشته که جنجال‌آفرین بوده است. جنگ اخیر اسرائیل در غزه، باعث شده ژیزک سعی کند به عنوان فیلسوف، کشمکش در این منطقه را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. با این حال، به نظر می‌رسد این فیلسوف غربی توانایی کافی برای تحلیل جزئیات و پیچیدگی‌های این جنگ را نداشته و در نتیجه در ارائه تحلیلی دقیق و کارآمد، ناموفق بوده است. ظاهراً این اندیشمند اهل اسلوانی، برای اسرائیل حق دفاع از خود را قائل شده و در عین حال، تلاش کرده میان خودش و اقدامات اسرائیل علیه فلسطین، فاصله‌ای بگذارد. این در حالی است که ژیزک در گذشته نقدی سختگیرانه در مورد صهیونیسم داشت و معتقد بود اسرائیل اقدام به اشغال‌گری کرده است. به این ترتیب، موضع فعلی ژیزک هنوز جای تغییر و اصلاح دارد. اگر واقعاً از ابتدا اشغال‌گری صورت گرفته بود، حق دفاع مقوله‌ای پیچیده می‌شود. در نهایت، شاید لازم باشد ژیزک نقد اخیر خود را با رویکردهای قبلی‌اش هماهنگ و همسو کند

## آرژانتین: آغاز به کار میلی



ماتیاس بیانچی

تحلیل‌گر آرژانتینی

خاویر میلی، اقتصاددان لیبرترین و تحلیل‌گر اقتصادی برنامه‌های تلویزیونی به عنوان رئیس‌جمهوری آرژانتین آغاز به کار کرد. او توانست با جنجال‌های بسیاری به ریاست‌جمهوری در این کشور دست پیدا کند. از جمله وعده‌های او، تعطیلی بانک مرکزی در آرژانتین، دلاری کردن اقتصاد و خصوصی‌سازی بخش سلامت و آموزش بود. حالا که کارش را در دفتر ریاست‌جمهوری این کشور آغاز کرده، دست به کار شده تا یکی یکی وعده‌هایش را اجرایی کند. برنامه‌های او واقعاً در دست‌راستی‌ترین حالت ممکن قرار دارد. به عبارت دیگر، می‌توان او را نماینده راست‌گرایان افراطی هم دانست. میلی چالش‌های بسیاری برای اجرای برنامه‌هایش خواهد داشت. از بحران‌های اقتصادی گرفته تا مسائل اجتماعی، سد رهش خواهد بود. با این حال، ظاهراً میلی قول داده که به تک‌تک حرف‌هایش عمل کند و تحولی بزرگ در اقتصاد آرژانتین رقم بزند. این برنامه‌ها یا اقتصاد آرژانتین را به کلی نابود خواهد کرد، یا این کشور را از بحران تورم نجات خواهد داد.

## زلنسکی: مرد فراموش شده



اندرو میروویچا

تحلیل‌گر الجزیره

تا همین چند ماه پیش، ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهوری اوکراین و کشورش جزو اولویت‌های سیاستمداران غربی بودند. این روزها اما شاهد کم‌رنگ شدن حمایت‌ها از این شخص هستیم. در حال حاضر در آستانه دوسالگی جنگ روسیه و اوکراین قرار داریم. با این حال، علاقه به مسائل اوکراین در جهان به شدت کاهش پیدا کرده است. رسانه‌ها نسبت به گذشته، توجه کمتری به اخبار مربوط به اوکراین نشان می‌دهند. حتی توجه به جنگ اسرائیل و فلسطین هم باعث شده میزان توجه به اخبار اوکراین کاهش پیدا کند. یکی از نکات مهم این است که اوکراین در شرایط حساس قرار گرفته، در حالی که باید انتخابات ریاست‌جمهوری در این کشور برگزار شود، زلنسکی تاکید کرده که تا پایان این جنگ اجازه برگزاری انتخابات را نمی‌دهد. در چنین شرایطی، احتمال اینکه فساد سیاسی در این کشور رخ دهد، بعید نیست. با این حال، مهم‌ترین مسئله این است که زلنسکی از مهم‌ترین سیاستمداران در دنیا به چهره‌ای فراموش شده تبدیل شده است.

## کیسینجر، جنایتکار یا مصلح سیاسی؟



احمد تواج

روزنامه‌نگار و فیلم‌ساز

هنری کیسینجر، سیاستمدار کارکننده آمریکایی در ۱۰۰ سالگی از دنیا رفت. او یکی از پرآوازه‌ترین مشاوران امور خارجی در آمریکا بود. در حالی که او توانست جایزه نوبل صلح را در سال ۱۹۷۳ دریافت کند، برخی معتقدند کیسینجر یک جنایتکار جنگی بود. منتقدان می‌گویند او در دورانی که قدرت سیاسی را در اختیار داشت، منجر به از دست رفتن جان میلیون‌ها نفر شد، عمده این افراد در جنوب شرق آسیا از دنیا رفتند. در واقع او جزو کسانی بود که بمباران بزرگمانه ویتنام و کامبوج را تایید کرد. این چهره سیاسی در بسیاری از موارد با کشتار مردم آسیایی مخالفی نشان نمی‌داد و به این ترتیب می‌توان او را مسئول برخی از این جنایات دانست. منتقدان معتقدند این چهره سیاسی توجهی به جان انسان‌ها نداشته و در نتیجه جلوی کشتار مردم را در کشورهای آسیایی نگرفته با این حال جایزه نوبل صلح را دریافت کرده است. شاید او جزو کسانی بود که باید محاکمه می‌شد با این حال، به جای محاکمه، جایزه دریافت کرد و به چهره‌ای معروف تبدیل شد.

## پاکستان: هوش مصنوعی در خدمت خان



آصف شهباز

تحلیل‌گر رویترز

عمران خان، نخست‌وزیر پیشین پاکستان در حال حاضر در زندان به سر می‌برد. این زندانی بودن، مانع فعالیت‌های سیاسی او نشده است. اخیراً این چهره سیاسی ویدیویی را به کمک هوش مصنوعی منتشر کرده و به این ترتیب با رویکردی متفاوت تلاش کرده تا توجه رای‌دهندگان پاکستانی را به صورت خودش جلب کند. اتفاق جالب این است این ویدیوی ساختگی بیش از یک میلیون بار در یوتیوب دیده شده و این یعنی عمران خان به هدف خودش رسیده است. خان در این ویدیو به چالش‌های حزبی پرداخته و تاکید کرده که هیچ‌کس نباید مجبور به کاری شود. او مدت‌هاست که در معرض اتهامات مختلف قرار گرفته و به همین دلیل سر از زندان و دادگاه در آورده، با این حال همچنان امیدوار است که بتواند به نخست‌وزیری در این کشور دست پیدا کند. ظاهراً او قرار است از نیروهای نظامی هم برای پیشبرد اهداف خود بهره بگیرد با این حال خودش چنین مسئله‌ای را تاکنون تکذیب کرده است.

## دموکراسی: پاسخ در اختیار ترامپ است



مارک بندیک

تحلیل‌گر سیاسی

یکی از بزرگ‌ترین پرسش‌ها در مورد سال ۲۰۲۴ این است که چشم‌انداز سیاسی به چه صورت خواهد بود. در سال میلادی جدید، بسیاری از کشورها انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار خواهند کرد و تعداد زیادی از مردم جهان پای صندوق‌های رای می‌روند. یکی از مهم‌ترین کشورها در این زمینه، آمریکا است. در روسیه هم مردم مشخص می‌کنند که دوباره ولادیمیر پوتین به ریاست‌جمهوری می‌رسد یا خیر. هندی‌ها هم برای نخست‌وزیر خود یعنی نارندرا مودی، تعیین تکلیف می‌کنند. با این حال، پرسش اینجاست که دموکراسی در کدام مسیر قرار خواهد گرفت؟ بهترین پرسش را می‌توان در نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا جستجو کرد. به احتمال زیاد دوباره دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا به نبرد با جو بایدن، رئیس‌جمهوری فعلی این کشور خواهد رفت. به این ترتیب تا حد زیادی، می‌توان پاسخ را در این یافت که در بزرگ‌ترین قدرت سیاسی جهان، چه اتفاقی رخ می‌دهد و چه کسی به قدرت می‌رسد؟ اگر دوباره ترامپ به قدرت برسد، دموکراسی در جهان هم ممکن است به خطر بیفتد. به این ترتیب باید در انتظار برگزاری انتخابات در آمریکا باشیم و ببینیم مردم آمریکا جهان را به کدام سمت هدایت خواهند کرد.

## سهم دانش بنیان‌ها از اقتصاد

استارت‌آپ‌ها بوری می‌شوند

با راه‌اندازی بازار نوآفرین در فرابورس قرار است حضور شرکت‌های استارت‌آپی در بورس پررنگ شود. به گفته دهقانی فیروزآبادی معاون علمی رئیس جمهور در حال حاضر سهم شرکت‌های دانش بنیان از تولید ناخالص داخلی ۳ درصد است که قرار است بر اساس برنامه ۵ ساله هفتم این سهم با ۵ درصد ارتقا به ۸ درصد برسد و در یک افق ۱۵ ساله به ۵۰ درصد از اقتصاد ملی برسد. در حال حاضر ۹۸ شرکت دانش بنیان در بازار سرمایه حضور دارند که با پذیرش شرکت‌های جدید تا آخر سال این تعداد قرار است به ۱۲۰ شرکت ارتقا یابد. در حال حاضر شرکت‌های بزرگ اقتصاد دیجیتال نظیر دیجی کالا به دنبال ورود به بورس هستند اما هنوز این موضوع وارد فاز اجرایی نشده است.

۳ درصد

شرکت‌های دانش بنیان ۳ درصد از تولید ناخالص داخلی را بر عهده دارند

## واردات ۱۰/۵ میلیون موبایل

مسافران چقدر گوشی وارد کردند؟

در ۹ ماه سال جاری ۱۰ میلیون و ۵۴۵ هزار و ۵۲۸ دستگاه گوشی تلفن همراه به دو شیوه تجاری و مسافری وارد کشور شد. ارزش این تعداد گوشی تلفن همراه ۲ میلیارد و ۲۳۷ میلیون و ۷۵۵ هزار دلار بوده است. در این مدت ۱۰ میلیون و ۱۷۹ هزار و ۸۶۰ دستگاه به ارزش ۲ میلیارد و ۲۵ میلیون و ۲۶۲ هزار دلار به شیوه تجاری و ۳۶۵ هزار و ۶۶۸ دستگاه به ارزش ۲۱۲ میلیون و ۴۹۳ هزار دلار به شیوه مسافری وارد گردید. این واردات شامل ردیف‌های تعرفه‌ای مختلف نظیر گوشی‌های تلفن همراه هوشمند و گوشی تلفن همراه با صفحه کلید غیر لمسی است.

۲۰۲

میلیارد دلار

میزان واردات گوشی تلفن همراه

در ۹ ماهه امسال به ۲۰۲ میلیارد دلار رسید

## مطالبات سنگین صندوق توسعه از دولت

سرمایه‌گذاری نفتی برای وصول طلب

صندوق توسعه ملی اعلام کرده است که این صندوق ۱۰۰ میلیارد دلار از دولت طلب دارد. به موجب قوانین بودجه و قوانین بالادستی در سال‌های مختلف مبالغی از سوی دولت از حساب صندوق توسعه ملی برداشته شده یا مبالغی که باید واریز می‌شد، به صندوق داده نشده است و به حساب دولت رفته است یا در مورد اعطای تسهیلات صندوق به برخی طرح‌های نفتی که با تضمین شرکت ملی نفت انجام شده است و مجموع این مطالبات طی ۱۲ سال فعالیت صندوق توسعه ملی، در حال حاضر به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار رسیده است. صندوق توسعه برای وصول مطالبات قصد دارد با روش‌های مختلف مانند سرمایه‌گذاری در میدین بالادست نفت و گاز که در قالب برنامه هفتم توسعه و پیشرفت آمده است، علاوه بر برگشت سرمایه جدید، بتواند از محل عایدات میدان نفتی، مطالبات قبلی خود از دولت را به تدریج وصول کند.

۱۰۰

میلیارد دلار  
صندوق توسعه ملی  
۱۰۰ میلیارد دلار از دولت  
طلب دارد

## تجارت خارجی به کدام سو می‌رود؟

تراز تجاری مثبت با احتساب نفت

طبق پیش‌بینی تجارت خارجی ایران با احتساب نفت خام، مجموع صادرات کشور در سال جاری ۸۸ میلیارد دلار خواهد بود. مجموع واردات نیز ۷۰ میلیارد دلار برآورد شده است. بر اساس اعلام گمرک کشور در ۹ ماهه ابتدایی سال جاری در حدود ۲۷ میلیارد دلار درآمد حاصل از صادرات نفت بوده و ۳۶٫۵ میلیارد دلار نیز از صادرات غیر نفتی درآمد کسب شده است، این در حالی است که در همین زمان در مجموع ۴۸ میلیارد دلار کالا وارد کشور شده است که تراز تجاری ۱۶ میلیارد دلاری با احتساب صادرات نفت را نشان می‌دهد. البته تراز تجارت غیرنفتی ایران امسال به میزان قابل توجهی منفی شده است.

۲۷ میلیارد دلار

در ۹ ماهه امسال میزان صادرات نفت خام ۲۷ میلیارد دلار بوده است

## شناسایی خانه‌های خالی ادامه دارد

مالیات از خانه‌های خالی اجرا می‌شود؟

اطلاعات بیش از ۴۰ هزار واحد مسکونی خالی جدید به سازمان امور مالیاتی ارسال شده است. طبق اعلام وزارت راه و شهرسازی، در مرحله اول نیز اطلاعات بالغ بر ۱۹۲۹۰ خانه خالی برای سال مالیاتی ۱۴۰۱ معرفی شده بود که با این حساب از ابتدای امسال در مجموع ۵۹۵۰۳ واحد مسکونی خالی بر اساس سامانه املاک و اسکان طی دو نوبت به سازمان امور مالیاتی معرفی شده است. بر اساس ماده ۵۴ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی هر خانه‌ای که بیش از ۱۲۰ روز در یک سال مالیاتی خالی باشد مشمول دریافت مالیات است و شناسایی این خانه‌ها بر اساس ماده ۱۶۹ مکرر همان قانون، از طریق سامانه املاک و اسکان صورت پذیرد.

۵۹ هزار

از ابتدای امسال تا پایان آذر بیش از ۵۹ هزار واحد مسکونی خالی شناسایی شد

## افزایش درآمد گمرک

شارژ مالی دولت با عوارض و حقوق گمرکی

میزان وصولی و واریز به خزانه از سوی گمرک ایران در ۹ ماه سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل ۴۵ درصد افزایش نشان می‌دهد. جمع کل وصولی‌ها و واریز به خزانه از سوی گمرک در ۹ ماه امسال به رقم ۱۳۴ هزار و ۷۹۷ میلیارد تومان رسید. میزان حقوق ورودی وصولی کالاها در ۹ ماه امسال بالغ بر ۴۳ هزار و ۴۹۴ میلیارد تومان شده که حاکی از افزایش ۴۳ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل است. میزان حقوق ورودی وصولی کالاها به علاوه خودرو، گوشی تلفن همراه بالای ۶۰۰ دلار و ۲۳ ردیف درآمدی گمرک در مدت یاد شده به ۶۶ هزار و ۳۶۶ میلیارد تومان رسید که نسبت به مدت مشابه سال قبل با رشد ۷۳ درصدی همراه بود. میزان مالیات بر ارزش افزوده وصولی نیز در همین مدت به رقم ۶۸ هزار و ۴۳۱ میلیارد تومان رسید که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۵ درصد افزایش نشان می‌دهد.

**۱۳۴ هزار میلیارد تومان**

گمرک ایران در ۹ ماهه امسال بیش از ۱۳۴ هزار میلیارد تومان درآمد کسب کرده است

## افزایش شکاف بین واردات و صادرات

واردات افزایش یافت

آمار تجارت خارجی در ۹ ماهه امسال نشان می‌دهد که حجم تجارت خارجی با احتساب صادرات نفت، به ۱۱۲,۴ میلیارد دلار رسید. در ۹ ماه سال جاری ۲۸,۷ میلیون تن کالا به ارزش ۴۸,۴ میلیارد دلار وارد کشور شده که از نظر ارزش ۱۲ درصد و از لحاظ وزنی ۶ درصد رشد نشان می‌دهد. در ۹ ماه امسال ۱۰۱ میلیون تن کالا به ارزش ۳۶,۴ میلیارد دلار وارد کشور شده که از نظر وزنی ۲۶ درصد رشد کرده و از نظر ارزش تغییری نداشته است. در این مدت به ارزش ۲۶,۵ میلیارد دلار صادرات نفت و گاز رقم خورد که از نظر ارزش نسبت به مشابه سال قبل ۱۰ درصد رشد کرده است.

**۱۲ میلیارد دلار**

تراز تجاری در ۹ ماهه امسال به منفی ۱۲ میلیارد دلار رسید

## سهم بالای کالاهای اساسی از واردات

ذرت در صدر کالاهای اساسی وارداتی

در ۹ ماهه سال جاری ۱۸ میلیون و ۳۷۴ هزار تن کالا اساسی به ارزش ۱۲ میلیارد و ۱۱۶ میلیون دلار وارد کشور شد. ذرت بیشترین حجم واردات کالاهای اساسی را به خود اختصاص داده که به وزن ۷ میلیون و ۲۳۵ هزار تن و به ارزش ۲ میلیارد و ۸۰۴ میلیون دلار بوده که از نظر وزنی ۱۸ درصد و از لحاظ ارزش ۱۳,۹ درصد رشد نشان می‌دهد. دومین قلم کالاهای اساسی وارداتی شامل روغن‌های خوراکی نیمه جامد و مایع خام به وزن یک میلیون و ۳۶۶ هزار تن و به ارزش ۲ میلیارد و ۶۴ میلیون دلار بوده که از لحاظ وزنی ۲۰,۲ درصد رشد کرده و از لحاظ ارزشی ۳,۸ درصد رشد کرده است. سومین قلم مربوط به انواع دانه‌های روغنی به وزن ۲,۲ میلیون تن و به ارزش ۱,۷ میلیارد دلار بوده است که از نظر وزنی ۱۰,۴ درصد و از لحاظ ارزش ۲,۵ درصد رشد داشته است. واردات برنج در ۹ ماه سال جاری ۸۱۸ هزار تن به ارزش ۹۶۱ میلیون دلار بوده که از نظر وزنی ۴۲ درصد کاهش داشته و از لحاظ ارزش ۵۰,۴ درصد افت کرده است. قلم دیگر مربوط به گندم است که ۲,۲ میلیون تن گندم به ارزش ۹۲۳ میلیون دلار وارد کشور شده که از نظر وزنی ۲۹,۸ درصد و ارزشی ۳۵ درصد کاهش داشته است.

**۱۲۰۱**  
میلیارد دلار  
ارزش کالاهای  
اساسی وارداتی در ۹  
ماهه امسال به ۱۲۰۱ میلیارد  
دلار رسید

## اختلاف نهادهای آماری بر سر رشد اقتصادی

نرخ تشکیل سرمایه مثبت شد

بر اساس آمار بانک مرکزی، در ۶ ماهه اول سال ۱۴۰۲ رشد ۴,۷ درصد برای اقتصاد ثبت شد. این در حالی است که مرکز آمار ایران این نرخ را ۷,۵ درصد اعلام کرده است. اختلاف آماری قابل توجهی در زمینه رشد اقتصادی میان دو نهاد آماری ایران وجود دارد. طبق گزارش بانک مرکزی، رشد اقتصادی کشور در ۶ ماه اول سال ۱۴۰۲ «با احتساب نفت» و «بدون احتساب نفت» نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب با افزایش ۴,۷ و ۳,۶ درصدی همراه شده است. «تشکیل سرمایه ثابت ناخالص» در سه‌ماهه دوم سال ۱۴۰۲ رشد ۶,۴ درصدی نسبت به دوره مشابه سال قبل و رشد ۴,۵ درصدی در شش‌ماهه اول سال ۱۴۰۲ داشته است.

**۴.۷ درصد**

بانک مرکزی رشد اقتصاد ایران در نیمه اول سال را ۴.۷ درصد اعلام کرد

## افزایش مالیات‌ستانی

تناسب زمانی در دریافت مالیات وجود ندارد

سازمان امور مالیاتی از وصول ۶۳۱ هزار میلیارد تومان درآمد مالیاتی در ۸ ماه نخست امسال خبر داد. با این وجود به گفته دادستان دیوان محاسبات، یکی از مهم‌ترین مشکلات در حوزه مالیاتی، عدم رعایت تناسب زمانی در میزان وصولی از مودیان است بدین صورت که در ۱۰ ماهه نخست هر سال ۲۰ درصد و در ماه‌های بهمن و اسفند، حدود ۸۰ درصد درآمدهای مالیاتی اخذ می‌گردد که این امر موجب ایجاد اختلال در پیشبرد برنامه‌های اقتصادی دولت خواهد شد.

**۶۳۱ هزار میلیارد تومان**

مالیات دریافتی در ۸ ماهه امسال به ۶۳۱ هزار میلیارد تومان رسید

## سازمان‌ها

## سازمان ملل هشدار داد

## جهان جهنم می‌شود

تلاش‌های کشورهای مختلف جهان برای کاهش انتشار کربن تاکنون به نتیجه معناداری ختم نشده است. سران همه کشورهای می‌دانند که باید برای مدیریت تغییرات اقلیمی، میزان انتشار کربن را کاهش دهند. با این حال، اقدامات جدی و اثربخشی در این زمینه صورت نگرفته و به همین دلیل همچنان باید شاهد گرمایش زمین باشیم. انتظار می‌رود زمین بازم هم گرم‌تر شود و این یعنی فاجعه‌های زیست‌محیطی در انتظار بشر است. سازمان ملل در این زمینه هشدارهای جدی ارائه کرده و تاکید دارد که اگر اقدامی عملی صورت نگیرد، سال ۲۰۲۴ می‌تواند گرم‌ترین سالی باشد که انسان‌ها تاکنون در تمام تاریخ تجربه کرده‌اند. ذوب شدن یخ‌های قطب بزرگ‌ترین نگرانی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در رابطه با گرمایش زمین است. با این حال، اتفاقات می‌توانند بزرگ‌تر و ترسناک‌تر از این باشند.

## ۲,۹ درجه سانتی‌گراد

به میانگین دمای زمین تا پایان این قرن اضافه خواهد شد  
اگر بیشتر اقدامی جدی برای مهار تغییرات اقلیمی نداشته باشد

## صندوق بین‌المللی پول گزارش داد

## حرکت دنیا به سمت تجارت دیجیتال

تجارت دیجیتال به امری رایج در دنیای امروز تبدیل شده است. با این حال، به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران باید به فکر تعیین محدودیت‌هایی در این زمینه باشند، در غیر این صورت شاهد بروز مشکلاتی در این عرصه خواهیم بود. تجارت دیجیتالی می‌تواند مزایایی منحصر به فرد داشته باشد، برای مثال به دیجیتالی کردن اقتصاد کمک می‌کند، بهره‌وری را افزایش می‌دهد، میزان تولید را بالا می‌برد و همچنین ثابت شده که در کسب و کارهای مختلف می‌تواند نقشی بسیار کمک‌کننده برای زنان داشته باشد. به این ترتیب، بهره‌گیری از این شکل تجارت، به مرور افزایش پیدا خواهد کرد و در نتیجه برای اینکه مشکلی در آینده ایجاد نشود، مقامات کشورها باید به فکر ایجاد قوانین و چهارچوب‌هایی در این زمینه باشند تا جلوی بروز بحران و مشکل را بگیرند.

## ۳,۸۲ تریلیون دلار ارزش تجارت جهانی

محصولات حوزه دیجیتالی نظیر نرم‌افزارها  
در سال ۲۰۲۳ بوده و قرار است افزایش پیدا کند

## گزارش فانو از زیتون

## خیزش قیمت‌ها ناشی از تغییرات اقلیمی است

تغییرات اقلیمی و وخامت شرایط آب‌وهوایی در اروپا باعث شده قیمت برخی از محصولات افزایش شدیدی پیدا کند، یکی از محصولات، زیتون است. فانو در این زمینه گزارشی تهیه کرده و نشان داده که قیمت این محصول چه اندازه افزایش یافته است. درخت‌های زیتون جزو گیاهانی هستند که طی قرن‌ها در زمینه دوام آورده‌اند. با این حال، به نظر می‌رسد تغییرات اقلیمی حتی این درختان مقاوم را هم دچار مشکل کرده است. خشکسالی از جمله مواردی است که روی گیاهان از جمله درخت‌های زیتون اثر منفی گذاشته است. در سال ۲۰۲۳، کشورهای اروپایی گرم‌ترین هوارا تجربه کرده‌اند، این گرمای بی‌سابقه، اثرش را روی محصولات مختلف گذاشته و اکنون شاهد نتیجه فاجعه‌بار آن هستیم. خیزش قیمت زیتون هم ناشی از همین مسئله است.

## ۱۱۵ درصد

افزایش قیمت زیتون  
اسپانیایی در فاصله یک  
سال رخ داده که خیزش  
قیمت بی‌سابقه‌ای را در این  
محصول نشان می‌دهد

## نگاه بانک جهانی به فقر در سالی که گذشت

## درآمد کمتر از ۲ دلار در روز یعنی چه؟

فقر مفرط در کشورهایی با درآمد متوسط، روندی نزولی داشته اما در کشورهای فقیر و آسیب‌پذیر، شاهد چنین روند نزولی نیستیم. مهم‌ترین مسئله‌ای که باید به آن توجه شود این است که چرا در کشورهای فقیر، مسیر فقر نزولی نمی‌شود؟ در حال حاضر حدود ۷۰۰ میلیون نفر در سرتاسر جهان در فقر مفرط زندگی می‌کنند. این افراد روزانه کمتر از ۲ دلار و ۱۵ سنت درآمد دارند. البته روند فقر در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ کاملاً نزولی بود و کاهش ۴۰ درصدی را تجربه کرد با این حال، بعد از همه‌گیری کرونا، فقر دوباره به یکی از مسائل بزرگ در جهان تبدیل شد. براساس آخرین برآوردها در سال ۲۰۲۳، مبارزه در مقابل فقر تا حدود زیادی متوقف شده و شاهد دستاورد بزرگی در میان کشورها در این زمینه نیستیم. با این حال، تلاش برای ریشه‌کنی فقر باید ادامه پیدا کند.

## گزارش بدهی‌های بین‌المللی نشان داد

## حال کشورهای در حال توسعه خوب می‌شود

یکی از سازمان‌های زیرمجموعه بانک جهانی، سازمانی است که بدهی‌های بین‌المللی را گزارش می‌دهد و آمارها را در این زمینه تهیه می‌کند. این سازمان اخیراً ۵۰ ساله شده است. بیش از ۱۲۰ کشور در این نهاد مورد بررسی قرار می‌گیرند. سال گذشته، بزرگ‌ترین هشدار این سازمان به کشورها می‌داد، این بود که نتوانستند حجم بدهی‌های خود را مدیریت کنند. عمده این هشدار هم مربوط به کشورهایی با درآمد پایین و متوسط است. فقیرترین کشورها هنوز با معضل بدهی دست‌وپنجه نرم می‌کنند اما کشورهای در حال توسعه و با درآمد متوسط، توانستند تا حدودی از شرایط بحرانی فاصله بگیرند. طبق آخرین گزارش‌ها، خطرات بدهی‌ها تا حدود قابل توجهی کاهش پیدا کرده و شرایط از محدوده بحرانی خارج شده است. افزایش هزینه‌های مصرف‌کننده می‌تواند منجر به افزایش بدهی‌ها شود.

## ۴۴۳,۵ میلیارد دلار

میزان بدهی که کشورهای در حال توسعه توانسته‌اند  
در سال ۲۰۲۲ پرداخت کنند و بار بدهی خود را کاهش دهند

## ۷۰۰ میلیون نفر در جهان روزانه کمتر از

۲ دلار و ۱۵ سنت درآمد دارند و این یعنی با معیارهای امروزی،  
در فقر مفرط به‌سر می‌برند

شرکت اپل تا اطلاع ثانوی ساعت‌های مچ‌اش را در آمریکا نمی‌فروشد. چند شرکت آمریکایی که تجهیزات پزشکی می‌فروشند مدعی شده‌اند که اپل واچ، در زمینه اندازه‌گیری فشارخون، ایده‌های آن‌ها را دزدیده است و در نتیجه می‌خواهند جلوی فروش این ابزار را بگیرند. به این ترتیب شرکت اپل فعلاً ساعت‌هایش را در آمریکا نمی‌فروشد.

## رسانه‌ها

### مرور الجزیره بر شرکت ماسک حال ایکس خوب است؟

ایلان ماسک، میلیاردر آمریکایی مدتی است که توفیر را خریداری کرده، نام آن را به «ایکس» تغییر داده و سیاست‌های آن را متحول کرده است. همین تحولات باعث شده برخی از تحلیل‌گران اقتصادی نسبت به آینده این شرکت بدبین شوند. با این حال، اخیراً یکی از مدیران داخلی ادعای متفاوتی کرده و گفته تعداد کاربران جدید در این شبکه اجتماعی افزایش یافته است. برخی از تحلیل‌گران می‌گفتند تغییر سیاست‌های ماسک در این شرکت باعث شده ۷۵ میلیون دلار از درآمدهای حاصل از آگهی‌ها از دست برود. با این حال، مدیران معتقدند اوضاع این شرکت با روی کار آمدن ماسک نه تنها بدتر نشده، بلکه بهبود هم پیدا کرده و حتی متقاضیان جدید پیدا کرده است. به این ترتیب، دعوی در این زمینه به راه افتاده و هنوز باید صبر کنیم تا ببینیم نتیجه سیاست‌های ماسک چه می‌شود.

**۱۰ میلیون نفر کار بر جدید در ماه دسامبر یعنی**  
آخرین ماه از سال ۲۰۲۳ به تعداد کاربران شرکت ایکس  
یا همان توئیتر سابق اضافه شده است

### گزارش اختصاصی رویترز سود ترکیه از جنگ روسیه

جنگ روسیه هرچند به ضرر روسیه، اوکراین و کشورهای غربی تمام شده، برای برخی کشورها سود زیادی به همراه داشته است. برای مثال ترکیه یکی از برندگان اصلی در این جنگ به شمار می‌آید. شرکت‌های ترکی موفق شده‌اند نفت را با تخفیف‌های سنگین از روسیه بخرند و به این ترتیب توانسته‌اند در زمینه خرید انرژی دست کم ۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۳ سود کنند. تجارت با روسیه برای ترکیه با سود کلانی همراه است. نکته اینجاست که اکثر کشورهای جهان به دنبال تحریم روسیه هستند، به‌ویژه کشورهای اروپایی اما ترکیه به جای همراهی با اروپایی‌ها، مسیر منافع خودش را در پیش گرفته و در نهایت با روسیه همراهی کرده که به همین خاطر توانسته به سود هم دست پیدا کند. کشورهای اروپایی با این رویه‌ای که ترکیه در پیش گرفته، موافق نیستند و سعی دارند این کشور را از همکاری با روسیه منصرف کنند.

**۲ میلیارد دلار از مسیر جنگ روسیه به شرکت‌های**  
ترکی فعال در حوزه انرژی در سال ۲۰۲۳ سود رسیده است

### گاردین خبر داد

### تلاش متا برای شفافیت بخشی به انتخابات آمریکا

شرکت متا به تازگی بیش از ۴ هزار و ۸۰۰ حساب کاربری جعلی را از میان برده است. گفته می‌شود این حساب‌ها از طرف چینی‌ها راه‌اندازی شده بودند و هدفشان اثرگذاری روی انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا بوده است. در واقع همه این حساب‌های کاربری جعلی سعی داشته‌اند محتوای نادرست را در فضای مجازی منتشر کنند یا فضایی چندقطبی به وجود آورند. این در حالی است که آمریکایی‌ها خودشان را برای انتخابات ریاست‌جمهوری در پایان سال ۲۰۲۴ آماده می‌کنند. فیسبوک و اینستاگرام از زیرمجموعه‌های شرکت متا هستند، در نتیجه حساب‌های کاربری جعلی هم در همین شبکه‌های اجتماعی بوده است. ظاهر آن طرف این حساب‌ها، مطالبی به زبان انگلیسی منتشر می‌شده که هدفش اثرگذاری بر انتخابات در آمریکا بوده است. در واقع، هدف اصلی از این کار، ایجاد تنش در فضای سیاسی آمریکاست که شرکت متا تلاش دارد این اهداف را خنثی کند.

**۴۸۰۰ مورد**

حساب کاربری جعلی در  
اینستاگرام و فیسبوک از  
طرف شرکت متا بسته شده،  
چرا که هدفش اثرگذاری  
منفی روی انتخابات  
آمریکا بوده است

### رویترز گزارش داد

### اندونزی در انتظار رئیس‌جمهوری تازه نفس

اندونزی به زودی باید انتخابات ریاست‌جمهوری را برگزار کند. در حال حاضر سه نفر نامزد هستند که وعده داده‌اند تحولاتی اساسی در زندگی مردم ایجاد کنند. ضعف اقتصادی چین روی اکثر اقتصادهای آسیایی اثر منفی گذاشته و اندونزی هم یکی از آن‌هاست. رشد تولید ناخالص داخلی این کشور کاهش پیدا کرده و از ۵٫۷ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۴٫۹ درصد در پایان سال ۲۰۲۳ رسیده است. سال ۲۰۲۲ برای اندونزی سال بدی نبود و توانست به رشد اقتصادی مشهودی پس از حدود یک دهه دست پیدا کند. با این حال، سال جدید آنطور که باید پیش نرفته و حالا مردم امیدشان به رئیس‌جمهوری جدید است. این اقتصاد توانسته در فاصله سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ یعنی حدود یک دهه، ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار شغل جدید ایجاد کند. حالا نیاز دارد که پیشرفتی بیش از پیش را به ثبت برساند.

### تحلیل بلومبرگ از برزیل

### رقابت برزیلی‌ها با هند

برزیل یکی از اعضای گروه ۲۰ به شمار می‌آید. این اقتصاد در حال حاضر به رهبری لولا داسیلوا پیش می‌رود. رئیس‌جمهوری این کشور تلاش دارد این کشور را از بحران اقتصادی نجات دهد تا بتواند به مقبولیت در سطح بین‌المللی هم دست پیدا کند. برزیلی‌ها خودشان را با هند مقایسه می‌کنند و بر این باورند که باید از این اقتصاد نوظهور پیشی بگیرند. مهم‌ترین برنامه رئیس‌جمهوری این کشور، مهار گرسنگی و فقر در برزیل است. علاوه بر آن، برزیلی‌ها تلاش دارند سوخت‌های فسیلی را طوری مدیریت کنند که بتوانند به انرژی‌های تجدیدپذیر برسند و به این ترتیب اصلاحات اقتصادی را در خاک خود پیش ببرند تا چهره‌ای مقبول به لحاظ اقتصادی در جهان به دست آورند. برزیل در حالی با گروه ۲۰ همکاری می‌کند که در گروه بریکس هم عضویت دارد و به این ترتیب به نوعی سعی دارد خودش را فعال در عرصه بین‌المللی نشان دهد. با این حال، برزیل باید مشکلات اقتصادی‌اش را از خانه و در خانه حل کند.

**۸۵ درصد** از تولیدات جهانی و دوسوم  
از جمعیت جهان را کشورهای عضو گروه ۲۰  
تشکیل می‌دهند که برزیل عضو آن است

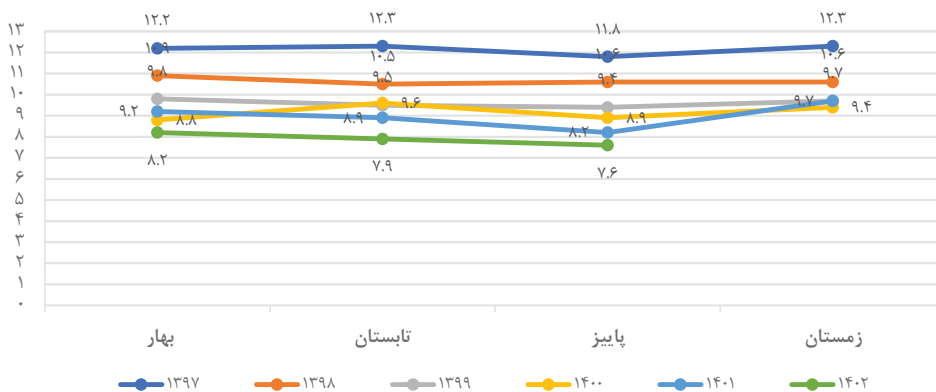
**۵٫۳ درصد** میزان نرخ بیکاری اندونزی  
در سال ۲۰۲۳ بوده که کاهش کمتر از یک درصدی نسبت  
به سال گذشته را تجربه کرده است



## کاهش نرخ بیکاری جمعیت فعال به ۴۱.۵ درصد رسید

بررسی نرخ بیکاری افراد ۱۵ ساله و بیش تر در پاییز امسال نشان می‌دهد که ۷.۶ درصد از جمعیت فعال (شاغل و بیکار) بیکار بوده‌اند. این شاخص، نسبت به فصل مشابه سال قبل، ۶۰۰ درصد کاهش یافته است. در پاییز ۱۴۰۲، به میزان ۴۱.۵ درصد جمعیت ۱۵ ساله و بیش تر، از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند، یعنی در گروه شاغلان یا بیکاران قرار گرفته‌اند. این نرخ نسبت به فصل مشابه سال قبل ۵.۰ درصد افزایش یافته است. جمعیت شاغلین ۱۵ ساله و بیش تر در این فصل ۲۴ میلیون و ۷۷۵ هزار نفر بوده که نسبت به فصل مشابه سال قبل ۷۰۶ هزار نفر افزایش داشته است. بررسی اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی نشان می‌دهد که در پاییز ۱۴۰۲، بخش خدمات با ۵۲.۱ درصد بیش ترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است. در مراتب بعدی بخش‌های صنعت با ۲.۳۴ درصد و کشاورزی با ۰.۱۳ درصد قرار دارند. نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله حاکی از آن است که ۲۰.۶ درصد از فعالان این گروه سنی در پاییز ۱۴۰۲ بیکار بوده‌اند. بررسی تغییرات فصلی نرخ بیکاری این افراد نشان می‌دهد، این نرخ نسبت به فصل مشابه در سال قبل (پاییز ۱۴۰۱) ۴.۱ درصد افزایش یافته است.

نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیش تر در فصول متوالی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲



# ۱۴.۴

درصد

نرخ بیکاری گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال در پاییز امسال

# ۵۲.۱

درصد

سهم بخش خدمات از اشتغال در پاییز امسال

## افزایش قیمت مسکن پدیده رکود تورمی در بازار ملک

گزارش مرکز آمار ایران از افزایش قیمت آپارتمان مسکونی در تهران حکایت دارد. این در حالی است که گزارش‌های میدانی از بازار ملک نشان‌دهنده کاهش معاملات و حکمرانی رکود در این بازار است. با این حساب می‌توان گفت بازار مسکن در معرض یک رکود تورمی قرار دارد و شرایط این بازار در ماه‌های آینده در تعمیق این شرایط یا نجات آن از این پدیده بسیار تعیین‌کننده خواهد بود. طبق گزارش مرکز آمار ایران در آبان ماه ۱۴۰۲ شاخص قیمت آپارتمان‌های مسکونی شهر تهران به عدد ۲۸۲.۵ رسیده است که نسبت به ماه قبل (۳.۲۷۸)، ۵.۱ درصد افزایش داشته است. این در حالی است که تورم ماهانه مسکن در ماه مهر -۰.۰ درصد بوده و با این حساب این شاخص ۱.۲ واحد درصد افزایش داشته است. در آبان ماه ۱۴۰۲ تورم نقطه به نقطه قیمت آپارتمان‌های مسکونی شهر تهران به عدد ۶۸.۷ درصد رسیده است. تورم نقطه به نقطه این ماه در مقایسه با ماه قبل (۵.۷۴ درصد) ۵.۸ واحد درصد کاهش داشته است. نرخ تورم سالانه آبان ماه ۱۴۰۲ آپارتمان‌های مسکونی شهر تهران به عدد ۸۶.۳ درصد رسیده است که نسبت به همین اطلاع در ماه قبل (۶.۸۵ درصد)، ۷.۰ واحد درصد افزایش داشته است.

شاخص قیمت آپارتمان‌های مسکونی شهر تهران



# ۶۸.۷

درصد

میزان افزایش قیمت مسکن در آبان امسال نسبت به آبان سال گذشته

# ۱.۵

درصد

میزان افزایش قیمت آپارتمان در آبان امسال

## افزایش نرخ تورم ماهانه شاخص قیمت‌ها کوتاه نمی‌آید

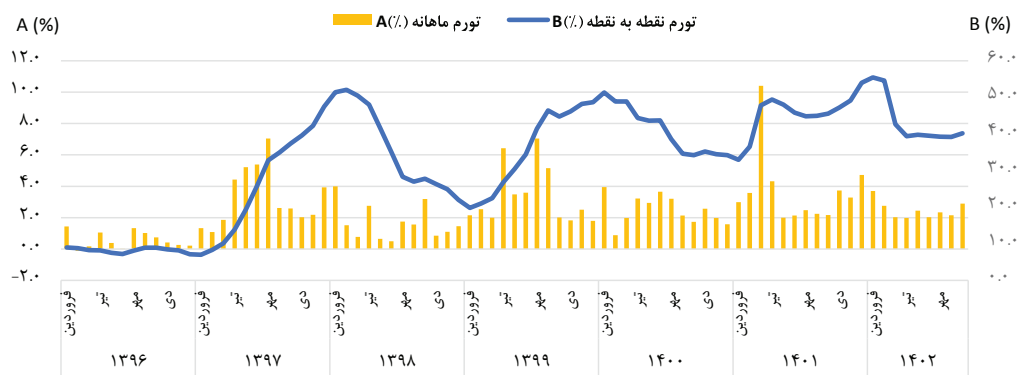
# ۴۱.۹

درصد

نرخ تورم برای دهک  
اول در آذر

گزارش مرکز آمار ایران از نرخ تورم نشان می‌دهد که در پایان آذر امسال نرخ تورم ماهانه و نرخ تورم نقطه به نقطه افزایش یافته است. نرخ تورم ماهانه در حالی که به ۲۰.۹ درصد رسیده است که در آبان این شاخص ۲۰.۲ درصد برآورد شده بود. نرخ تورم نقطه به نقطه نیز از ۳۹.۲ در آبان به ۴۰.۲ در آذر رسید. در آذرماه ۱۴۰۲، تورم نقطه به نقطه خانوارهای کشور، ۴۰،۲ درصد بوده است؛ یعنی خانوارهای کشور به طور میانگین، ۲۰.۴۰ درصد بیشتر از آذرماه ۱۴۰۱ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند. در آذر امسال، تورم ماهانه خانوارهای کشور برابر ۲،۹ درصد بوده است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات»، ۱،۴ درصد و برای گروه عمده «کالاهای غیرخوراکی و خدمات»، ۳،۲ درصد بوده است. در این ماه نرخ تورم سالانه برای خانوارهای کشور به ۴۴،۴ درصد رسیده که نسبت به همین اطلاع در ماه قبل، ۰،۵ واحد درصد کاهش یافته است.

درصد تغییرات شاخص قیمت در دهک‌های هزینه‌ای کل کشور در آذر ماه ۱۴۰۲



# ۴۶

درصد

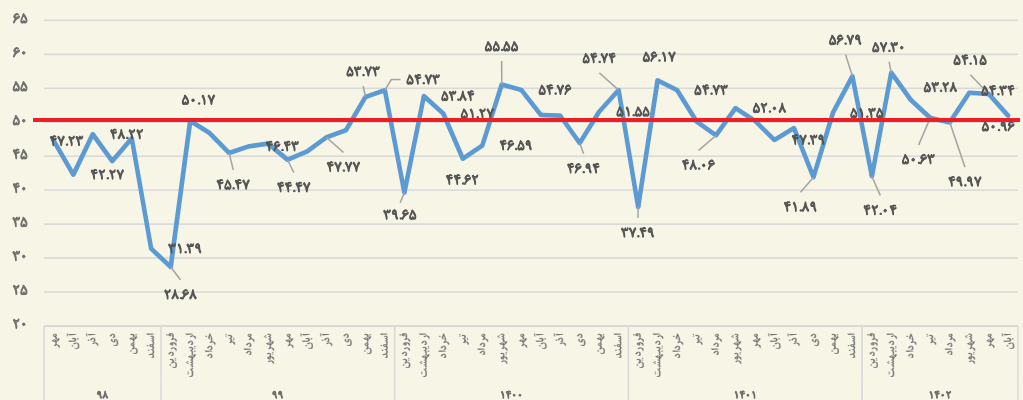
نرخ تورم برای دهک  
دهم در آذر

## کاهش انتظار رونق

## شاخص مدیران خرید در مرز رکود و رونق

گزارش شاخص مدیران خرید (PMI) اقتصاد نشان می‌دهد در آبان امسال، کلیت اقتصاد ایران شرایط منقبض تری را نسبت به ماه‌های قبل تجربه کرده و با رسیدن عدد شاخص به ۵۰،۹۶، عملاً به مرز رونق و رکود برگشته است. گرچه در این ماه شاخص بخش صنعت تغییر محسوسی نسبت به ماه قبل نداشته و شاخص این بخش روی رقم ۵۳،۲۳ ایستاده است؛ اما اوضاع در سایر بخش‌های اقتصاد چندان مساعد نبوده است (شاخص مدیران خرید هر چه به سمت ۱۰۰ حرکت کند نشانه رونق و هر چه به سمت صفر برود نشانه رکود است). طبق بررسی‌های مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، در آبان ماه، شاخص میزان فعالیتهای کسب‌وکار (۵۱،۴۳) کمترین مقدار چهار ماهه اخیر را به ثبت رسانده و شاخص میزان سفارش‌های جدید مشتریان (۴۶،۸۹) نیز به کمترین مقدار سه ماه اخیر رسیده است. نکته قابل توجه در گزارش شاخص آبان ۱۴۰۲ این است که برخلاف بسیاری از ماه‌های گذشته، این بار انتظارات فعالان اقتصادی نسبت به فعالیتهای در ماه آتی (۵۶،۰۱) نیز به میزان قابل توجهی کاهش یافته و به کمترین مقدار در ۸ ماه اخیر رسیده است. بررسی مؤلفه‌های شاخص مدیران خرید (PMI) و اظهارات فعالان اقتصادی حاکی از این است که در آبان ماه، کسب‌وکارها با کمبود شدید نقدینگی و سرمایه در گردش مواجه بوده و در تأمین مواد اولیه موردنیاز دچار چالش شده‌اند.

مقایسه شاخص کل اقتصاد



# ۵.۸

درصد

میزان کاهش شاخص  
مدیران خرید در آبان

# ۱۳.۱

درصد

میزان کاهش سفارش  
جدید مشتریان در  
آبان



## نیوزویک: چقدر قربانی؟

چند نفر لازم است کشته شوند تا بتوان گفت تعدادشان خیلی زیاد است؟

مجله نیوزویک عکس روز جلد آخرین شماره خود را به جنگ غزه اختصاص داده است. تیتیر مجله می‌پرسد چند نفر باید کشته شوند تا جامعه جهانی به این نتیجه برسد که تعداد خیلی زیادی از دست رفتانند و باید جلوی این جنگ گرفته شود. مجله نیوزویک گاهی مسایل خیلی محلی آمریکا را پوشش می‌دهد که برای مخاطبان بین‌المللی چندان جذاب نیست. یکی از این مسایل که در این شماره نیز منعکس شده است، ماجرای مشکلات سلامت روان بازیکن تنیس، نوامی اوساکا، است که از رفتن به کنفرانس خبری خودداری کرده است و به تدریج روشن شده است که با مشکلات حاد روانی دست و پنجه نرم می‌کند. این اطلاعات از کتاب زندگینامه جدیدی که اوساکا منتشر کرده روشن شده است. نارضایتی نسل هزاره در آمریکا از برنامه‌های تأمین اجتماعی و حمایت‌هایی که دولت برای شهروندان جامعه تدارک می‌بیند، از جمله موضوعاتی است که در آخرین شماره نیوزویک به آن پرداخته شده است. نسل بومرها یا کسانی که پس از جنگ جهانی دوم در آمریکا به دنیا آمده بودند از برنامه‌های تأمین اجتماعی ایالات متحده راضی بودند و فرزندان خود را که شامل نسل هزاره می‌شدند را تشویق می‌کردند از خدمات تأمین اجتماعی استفاده کنند و حق بیمه و عوارض خود را بپردازند. اما حالا با کاهش کیفیت خدمات بیمه‌ای، جوان‌ها و نسل زد برخلاف نسل‌های گذشته به برنامه‌های تأمین اجتماعی بدبین هستند و نمی‌خواهند آن را دنبال کنند. نیوزویک پرونده مفصلی نیز درباره تیلور سویفت دارد که خواننده جوان آمریکایی است و مخاطبان و هواداران بسیار زیاد و پرشوری در سراسر جهان دارد. جالب است که نویسنده این مطلب گفته است که سویفت تنها کسی است که می‌تواند آمریکایی‌ها را با یکدیگر متحد کند. ایالات متحده در سال‌های گذشته دچار نوعی دوقطبی شدید شده است که شهروندان این کشور را از هم دور کرده است و نشانه‌های آن را می‌توان در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ و خاصه در حمله هواداران او به ساختمان کنگره آمریکا دید. نویسنده مطلب می‌گوید که سلب‌بیتی‌های جمهوری همچون تیلور سویفت می‌توانند این مردم را دوباره با هم سازگار و یکپارچه کنند. این شماره نیوزویک چند مطلب فرهنگی و هنری هم دارد که درباره رخدادهای داخلی آمریکایی در هالیوود است. جنگ اوکراین همچنان یکی از موضوعات مهم مجلات از جمله نیوزویک است و استفاده از جنگنده‌های اف ۱۶ توسط اوکراینی‌ها در جنگ روسیه با اوکراین در این شماره برجسته شده است.

## هاروارد بیزینس ریویو: طرز فکر راهبری

چطور خاطر تان جمع باشد که همیشه در لحظه تصمیم درست را می‌گیرید

اولین شماره مجله هاروارد بیزینس ریویو در سال جدید میلادی به طرز فکر مدیران در مواجهه با فرصت‌های جدید پرداخته است. مطلب روی جلد این شماره می‌گوید که چگونه مدیران می‌توانند اطمینان داشته باشند که همواره در لحظات حساس تصمیم‌های درستی می‌گیرند و می‌توانند به سؤال‌ها جواب درستی بدهند. این مهارت خاصه زمانی بیشتر جلوه می‌کند که مدیران به مشکلات حادی برمی‌خورند و باید تصمیم‌های سختی بگیرند. طرح روی جلد این شماره یک حیوان است که نیمی از آن گربه و نیمی از آن ببر است و به خصلت دوگانه مدیران اشاره می‌کند که هم باید خصوصیات گربه و هم خصوصیات ببر را در تصمیم‌گیری‌ها و لحظات حساس کسب‌وکار داشته باشند. یکی از مطالب جالب این شماره هاروارد بیزینس ریویو درباره شرکت‌های خانوادگی و رازهای موفقیت آن‌هاست. شرکت‌های خانوادگی در ایالات متحده آمریکا یکی از پدیده‌هایی است که از دیرباز وجود داشته است و هنوز هم بسیاری از شرکت‌های آمریکایی تحت تسلط و مدیریت خانواده‌های بزرگ و ریشمدار هدایت می‌شود. این شماره به این پرداخته است که این شرکت‌ها چه ویژگی‌هایی داشته‌اند که اغلب به موفقیت دست پیدا کرده‌اند. در این زمینه با مدیرعامل چند شرکت خانوادگی صاحب‌نام نیز صحبت شده و گزارش مصاحبه آن‌ها به چاپ رسیده است. مطلبی در این شماره مجله به انتشار رسیده است که به رهبری شرکت‌ها و کسب‌وکارها در حین حرکت آن‌ها پرداخته است. معمولاً وقتی که کسب‌وکاری می‌خواهد راه بیفتد، سرمایه‌گذاران و بنیان‌گذاران آن پیش از راه‌اندازی کسب‌وکار برنامه‌های و نقشه‌ای برای آن می‌کشند و تلاش می‌کنند که آن برنامه منسجم و همه‌جانبه را پیش ببرند. این مطلب می‌گوید که چطور می‌توان شرکت‌ها را در جریان فعالیت‌هایی که می‌کنند و مسیری که دارند پیش می‌برند هدایت کرد و به نتیجه رساند و راه و روش را اصلاح کرد. چند مطلب در این شماره هاروارد بیزینس ریویو درباره این نوشته شده است که درباره راهبری و مدیریت شرکت‌ها در لحظه و آن واحد است. این مهارتی نیست که همه مدیران داشته باشند و مهار بسیار دشواری هم به حساب می‌آید. یکی از یادداشتهای جالب این شماره به موضوع همدلی با کارکنان در زمان‌های سخت کسب‌وکارها پرداخته است. در زمان‌های که یک شرکت به مشکل می‌خورد خیلی از بندها و اتصال‌ها از هم می‌گسلد و ایجاد همدلی در این ایام یکی از پیچیده‌ترین و دشوارترین کارهایی است که مدیران باید انجام دهند تا بتوانند انسجام کسب‌وکارها را حفظ کنند.





### اکونومیست: بایدن ناکارآمد

آنچه از رییس جمهور آمریکا برمی آید با آنچه از او انتظار می رود بسیار فاصله دارد

هفته نامه اکونومیست در اولین شماره خود در سال جدید میلادی عکسی از جو بایدن را روی جلد برده است و با تیترو عکسی که انتخاب کرده گفته است که آنچه از رییس جمهور فعلی آمریکا برمی آید بسیار فاصله دارد با آنچه از او انتظار می رود. بایدن زمانی رییس جمهور شد که آمریکایی ها می خواستند از شر دونالد ترامپ راحت شوند و جز او شخصیت برجسته ای نبود که بتواند با ترامپ رقابت کند. بنابراین بایدن به نوعی به ناچار به جامعه آمریکا و سیاستمداران این کشور تحمیل شد. ولی حالا که نگاه می کنند به سال های گذشته می بینند با رییس جمهوری طرف هستند که سنی نزدیک ۸۰ سال دارد و خیلی از کارهایی را که از یک رییس جمهور انتظار می رود نمی تواند انجام دهد. به علاوه ضعفها و سستی هایی دارد که او را فردی ضعیف نشان می دهد. بنابراین در سال جدید میلادی که سال انتخابات ریاست جمهوری آمریکا هم هست، رسانه ها در پی پیدا کردن یک رییس جمهور جدید و قدرتمند هستند و بدشان نمی آید که کیسه ای هم به تن بایدن بکشند. وضعیت بازارهای بورس در آمریکا و افت وخیزهای زیادی که در این بازارها رخ داده، موضوع یکی دیگر از مطالب مهمی است که در این شماره اکونومیست به آن پرداخته شده است. در این شماره تفسیر و پیش بینی مهمی نیز درباره اقتصادهای آینده جهان چاپ شده است که می خواهد نشان دهد آیا هند و اندونزی و عربستان سعودی اقتصادهای بزرگ آینده جهان خواهند بود. جنگ اوکراین و روسیه همچنان از موضوعات داغ این شماره است. نویسندگان این مطلب می خواهند نشان دهند که اوکراین چه ارتباطی با امنیت در غرب دارد. مصاحبه ای با ولودیمیر زلنسکی، رییس جمهور اوکراین، نیز در همین شماره به چاپ رسیده است. وضعیت عمران خان در پاکستان و وزیر خارجه تایوان از جمله شخصیت هایی هستند که در اولین شماره اکونومیست در سال ۲۰۲۴ به آن ها پرداخته شده است. بخش خصوصی در کوبا و رشد این بخش و همچنین افزایش جرایم اقتصادی در برزیل نیز از مسائلی است که در این شماره به انتشار رسیده است. جایگاه و وضعیت انتخاباتی ترامپ در سپهر سیاسی آمریکا نیز از مطالبی است که برجسته شده است و مخصوصاً با تحرکاتی که طرفداران ترامپ داشته اند و دادگاه های ایالتی که می خواهند او را محروم از شرکت در انتخابات کنند، این موضوع به مسئله داغی در مطبوعات و رسانه های غربی تبدیل شده است.



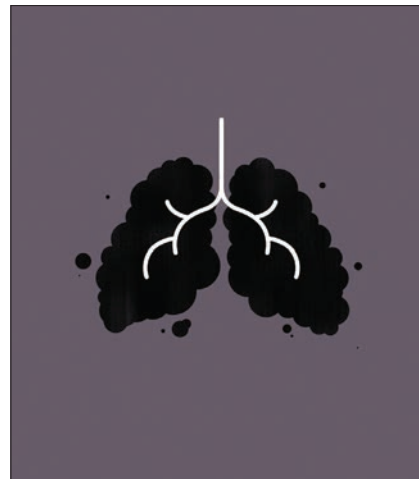
### نیو ساینتیست: دهانت را خوب باز کن

چرا اسرار تندرستی در دهان شما جا خوش کرده است

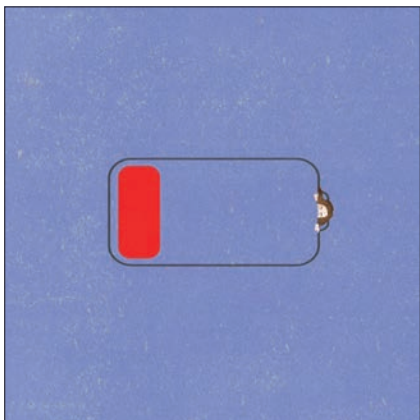
شماره جدید مجله علمی و ترویجی نیو ساینتیست طرح روی جلد جالبی دارد: کسی که دهانش را بسیار زیاد باز کرده و تا ته حلقش معلوم است. تیترو روی جلد هم می گوید دهانت را خوب باز کن. مطلب درباره این است که چطور اسرار و رموز تندرستی و سلامت افراد در دهانشان جا خوش کرده است و از روی نشانه هایی که در دهان وجود دارد می توان به وضعیت سلامتی آدم های پی برد. همه ما هم این تجربه را داریم که وقتی به پزشک مراجعه می کنیم، گاهی پیش می آید که دکتر به ما می گوید دهانت را باز کن و مذاقهای در نشانه های سلامتی و بیماری در دهان می کند و به نتایج می رسد و تصمیماتی می گیرد. یکی دیگر از مطالب خواندنی این شماره نیو ساینتیست درباره کتاب های علمی و غیرداستانی بازار بین المللی کتاب است که البته فقط شامل کتاب های انگلیسی زبان می شود. مجلات فرهنگی و اجتماعی در آخر سال میلادی معمولاً فهرستی را از آنچه خوانندگان می توانند در حوزه های ادبی و هنری استفاده کنند معرفی می کنند که کتاب هم جزو این موارد است. نیو ساینتیست نیز در همین راستا تلاش کرده است که کتاب های جالبی را که خوانندگان می توانند در سال میلادی آینده برای خواندن انتخاب کنند معرفی کنند. اما چون این مجله در زمینه علمی و ترویج علم گام برمی دارد، بنابراین سعی کرده است به معرفی کتاب های غیرداستانی و علمی بپردازد. در این فهرست نام ۲۰ عنوان کتاب آمده است. کاهش وزن یکی از موضوعاتی است که در این شماره مجله بدان پرداخته شده است. مطلبی در این زمینه منتشر شده است که پیش بینی می کند در سال ۲۰۲۴ یک داروی کاهش وزن جدید به بازار می آید که معروفترین داروهای لاغری موجود در بازار را پشت سر می گذارد. این شماره مجله در آخرین روزهای سال گذشته میلادی به چاپ رسید و چند مطلب در پیش بینی سال جدید میلادی دارد. یکی از این مطالب به تغییر اقلیم در جهان پرداخته است که می گوید در سال ۲۰۲۴ گرمایش زمین بدتر از وضعیت فعلی خواهد شد. سال ۲۰۲۳ گرم ترین سال جهان از وقتی بوده است که دمای هوای کره زمین ثبت شده است. اما گزارش نیو ساینتیست می گوید که دانشمندان و محققان حوزه تغییر اقلیم پیش بینی کرده اند که سال ۲۰۲۴ گرم تر هم باشد و با این وضع سال جدید میلادی نیز رکوردی برای گرمایش زمین به حساب می آید. زمزمه این رکوردشکنی از همایش اقلیمی دبی در اواخر سال ۲۰۲۳ شروع شده بود.



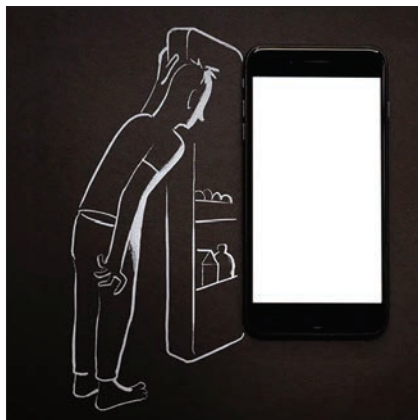
مناقشه اثر پاول کنستانتین



آلودگی هوا اثر جولیو باناسیرا



ری شارژ اثر گیولیا رزا



عادت اثر کریستف نیمان



ریسک‌پذیری اثر کریستف نیمان



انرژی پاک اثر کیارا کاوالرا



خوشی اثر گرهارد هادرر



انرژی بادی اثر واحه عابد

..... آینده ما .....

# عصر نوظهورها

اقتصاد جهان سال ۲۰۲۳ را چگونه به اتمام رساند و چه مسیری را در سال ۲۰۲۴ پیش رو دارد؟



# خوش آمدگویی به اقتصادهای نوظهور

## سال ۲۰۲۴ را سال بازیگران جدید در میدان اقتصاد جهانی می‌دانند

داشتند و در سال ۲۰۲۴ رشد بیشتری را تجربه خواهند کرد.

### رشد اقتصادی صادرکنندگان نفت

بر خلاف اینکه صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی می‌کند که در سال آینده وضعیت اقتصاد ایران بدتر شود اما در مورد خاورمیانه و آسیای مرکزی چنین دیدگاهی را ندارد. ارزیابی صندوق نشان می‌دهد که این منطقه در سال ۲۰۲۳ رشد ۲ درصدی را تجربه کرده است و در سال آینده هم به رشد ۳٫۴ درصدی دست می‌یابد. تورم مصرف‌کننده هم از ۱۸ درصد در سال گذشته به ۱۵٫۲ درصد در سال جاری میلادی کاهش می‌یابد. در این بین IMF در داده‌های خود، ارقام رشد، تورم و بیکاری صادرکنندگان نفت خاورمیانه و آسیای مرکزی را از سایر کشورهای این منطقه به طور منفک اعلام کرده است.

بر این اساس، رشد صادرکنندگان نفت در سال ۲۰۲۴ نسبت به سال ۲۰۲۳ همانند کل منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی است. اما تورم در این منطقه از ۱۲٫۹ درصد به ۹٫۴ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش می‌یابد. شکاف تورم صادرکنندگان با غیرصادرکنندگان نفت نشان می‌دهد که صادرکنندگان نفت به دلیل افزایش قیمت نفت از گذشته تاکنون (۳ سال گذشته) که ناشی از آثار کرونا و برهم‌ریختگی اوضاع ژئوپلیتیک است، سود کرده‌اند و تورم ناشی از آن را به کشورهای واردکننده منتقل کرده‌اند؛ به طوری که تورم صادرکنندگان در سال جاری میلادی ۵٫۸ درصد کمتر از واردکنندگان نفت در خاورمیانه و آسیای مرکزی است.

IMF در مورد نرخ بیکاری در این منطقه (صادرکنندگان نفت) هم ارزیابی‌های خود را ارائه کرده است؛ البته داده‌های مربوط به بیکاری ناقص است اما بر مبنای آنچه منتشر شده است، بالاترین نرخ بیکاری متعلق به ایران است. دسترسی IMF به آمارهای ایران ناشی از سیاست باز مرکز آمار ایران است که داده‌های بازار کار را به صورت فصلی و مرتب منتشر می‌کند اما سایر کشورها به جز کویت، آذربایجان و قزاقستان شفافیت ندارند.

### عملکرد خوب عراق و قزاقستان

در کل ارزیابی صندوق از صادرکنندگان نفت در خاورمیانه و آسیای مرکزی نشان می‌دهد که قزاقستان به عنوان اقتصاد نوظهور، در صدر رشد اقتصادی قرار دارد. رشد اقتصادی قزاق‌ها در سال ۲۰۲۳ به ۴٫۶ درصد می‌رسید اما در سال جاری به ۴٫۲ درصد می‌رسد.

اگر سال ۲۰۲۳ در سایه جنگ در اوکراین آغاز شد، شروع سال ۲۰۲۴ با امواج سهمگین جنگ در غزه و التهاب در دریای سرخ همراه شده است. از سال ۲۰۱۹ که کرونا ظهور کرد تا امروز، جهان رنگ آرامش را به خود ندیده است. سلسله‌ای از اتفاقات پشت سر هم، بر اقتصاد کشورها تاثیر گذاشته‌اند تا خواب را از چشمان دولت‌ها بگیرند. جنگ‌هایی که به پا شده‌اند، هم از بحران‌هایی چون کرونا که آثارشان هنوز بر شاخص‌های اقتصادی کشورها به جا مانده است، جدا نیستند.

### جهان از منظر صندوق بین‌المللی پول

سال ۲۰۲۳ به لحاظ شرایطی که در سال جاری میلادی تجربه خواهیم کرد، کلیدی محسوب می‌شود. پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول (IMF) از سال ۲۰۲۳ حکایت از این داشت که رشد اقتصادی در جهان به ۳ درصد کاهش می‌یابد و حدود همین میزان رشد هم در سال ۲۰۲۴ اتفاق می‌افتد؛ یعنی ۲٫۹ درصد. البته در اقتصاد ۰٫۱ درصد کاهش رشد اقتصادی، فاجعه‌بار است و به افزایش فقر و فلاکت و کاهش رفاه می‌انجامد. این در شرایطی است که رشد سال ۲۰۲۲ با تمام چالش‌هایی که از ناحیه آثار به جا مانده از کرونا و جنگ در اوکراین تجربه می‌کرد، به ۳٫۵ می‌رسید.

گرچه IMF پیش‌بینی کرده است که تورم جهان در سال ۲۰۲۴ کاهش می‌یابد اما افزایش تنش‌ها در دریای سرخ و نامشخص بودن زمان پایان جنگ غزه، می‌تواند جهت‌گیری تورم را تغییر دهد. از این رو، بررسی دقیق شاخص‌های اقتصادی، تصویر روشن‌تری از چشم‌انداز پیش رو به دست می‌دهد. برای بررسی شاخص‌های اقتصادی کشورها، چشم‌انداز سال ۲۰۲۴ آنها را با عملکرد سال ۲۰۲۳ به مقایسه گذاشتیم. این‌گونه روشن می‌شود که کدام مناطق و کشورها در مقابل بحران‌های مختلف، اقتصاد بادوام‌تری

### پیام عابدی

خبرنگار بخش آینده‌ما

### چرا باید خواند:

سال ۲۰۲۳ به پایان

رسید و تحلیل‌های

جهانی برای پیش‌بینی

سال ۲۰۲۴ مهم‌ترین

داده‌های مراکز

پژوهشی و رسانه‌ای

جهان را به خود

اختصاص داد. مرور

سرگذشت اقتصاد

جهان در سال گذشته

میلادی و بررسی

پیش‌بینی‌ها از روند

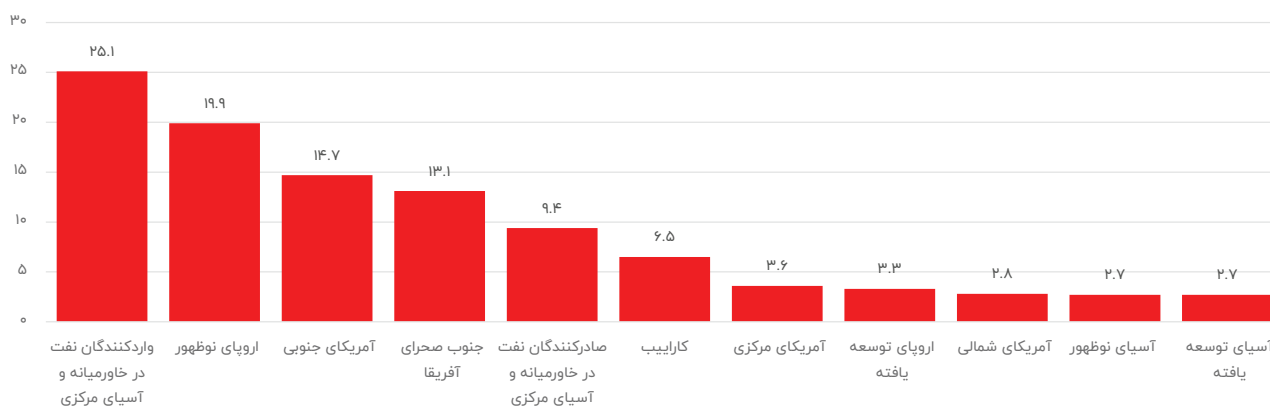
اقتصاد جهانی در سال

جدید، تصویری از

معادلات جهانی ارائه

می‌دهد.

بیشترین تورم منطقه‌ای در سال ۲۰۲۴ - درصد



اقتصاد جهان در سال ۲۰۲۴ دیگر به کشورهای توسعه یافته روی خوش نشان نخواهد داد. مدتی است که اقتصادهای نوظهور قابل حذف و نادیده گرفته شدن نیستند. صندوق بین المللی پول در گزارش های خود پیرامون وضعیت اقتصاد جهان در ۲۰۲۴ بر همین واقعیت صحنه می گذارد.

سال ۲۰۲۴ نرخ بیکاری در پورتوریکو بالاتر از سایرین است و پیش بینی می شود که بیکاری در این کشور با اندکی کاهش نسبت به سال ۲۰۲۴ به ۶٫۸ درصد برسد.

### منطقه یورو، ضعیف تر از همیشه

با اینکه اقتصاد منطقه یورو در حال بهبود است و پیش بینی IMF هم همین را نشان می دهد اما نرخ رشد منطقه کم است. تورم و نرخ بیکاری هم همچنان بالا هستند. کشورهای حوزه یورو هنوز نتوانسته اند رشد سال ۲۰۲۲ را پس بگیرند. در این سال، شاهد رشد ۳٫۳ درصدی اقتصاد حوزه یورو بودیم اما در ۲۰۲۳ اقتصاد این منطقه ۲٫۶ درصد کوچک تر شد و به رشد ۰٫۷ درصدی رضایت داد. صندوق بین المللی پول پیش بینی می کند که رشد این منطقه در سال ۲۰۲۴ به ۱٫۲ درصد برسد. اما تورم همچنان در سطح بالای ۳ درصد باقی می ماند. تورم منطقه یورو در سال گذشته میلادی ۵٫۶ درصد بود اما به مدد رشدی که به دست آمده است، می توانیم شاهد کاهش آن به ۳٫۳ درصد در سال ۲۰۲۴ باشیم. نرخ بیکاری هم که همچنان در سطح بالای ۶ درصد قرار دارد، بالاتر از این میزان می ماند و از ۶٫۶ درصد در سال گذشته به ۶٫۵ درصد در ۲۰۲۴ کاهش می یابد.

ارزیابی IMF از عملکرد کشورهای حوزه یورو، نشان می دهد که ایرلند به عنوان یکی از آزادترین اقتصادهای جهان، در سال ۲۰۲۴ به رشد ۳٫۳ درصدی دست می یابد که بالاترین نرخ رشد در حوزه یورو محسوب می شود. ایرلندی ها که در نیمه دوم قرن نوزدهم برای کارگری به آمریکا مهاجرت کرده بودند، امروز اقتصادی بازتر از آمریکا دارند. تقریباً ۱۲ درصد آمریکایی ها اجداد ایرلندی دارند. آمریکایی هایی که اجداد ایرلندی (پدر بزرگ و مادر بزرگ) دارند، بر اساس سیاست های مهاجرتی ایرلند، می توانند اقامت این کشور را دریافت کنند؛ موضوعی که مورد استقبال آمریکایی ها قرار گرفته است.

### بازارهای نوظهور شرق آسیا و کارایی

نمی توان به رشد اقتصاد جهان پرداخت و دو منطقه نوظهور با رشدهای بالا را فراموش کرد؛ منظور آسیای شرقی و جنوب شرقی و حوزه کارایی است. IMF بیشترین رشدها را برای این بخش از جهان در سال ۲۰۲۴ در نظر گرفته است. در آسیا رشد اقتصادی از ۵٫۲ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۴٫۸ درصد در سال جاری می رسد. تورم هم در این منطقه پایین است؛ گرچه از ۲٫۶ به ۲٫۷ درصد در سال ۲۰۲۴ می رسد. پایین ترین نرخ بیکاری هم در این منطقه متعلق به تایلند است که به ۱٫۱ درصد در سال ۲۰۲۴ می رسد؛ یکی از پایین ترین نرخ های بیکاری در جهان. اما بیشترین رشد در این منطقه نصیب هند می شود؛ رشدی که در سال ۲۰۲۴ به ۶٫۳ درصد می رسد؛ البته نسبت به سال ۲۰۲۳ تغییری نداشته است. در سوی مقابل اقتصادهای نوظهور آسیا، حوزه کارایی (دومینیکا، باربادوس، باهاماس، بلیز و...) را داریم. بالاترین رشد اقتصادی در کل جهان در سال ۲۰۲۴ مربوط به کارایی است. رشد این حوزه در سال جاری به ۸٫۳ درصد خواهد رسید؛ گرچه هنوز ۱٫۵ درصد کمتر از ۲۰۲۳ است. ■

تورم این کشور هم از ۱۵ درصد به ۹ درصد کاهش می یابد؛ در حالی که نرخ بیکاری آن در حدود ۴٫۸ درصد ثابت می ماند. اما اگر بخواهیم از کشوری تقدیر کنیم نه قزاقستان بلکه عراق است. اقتصاد این کشور در سال ۲۰۲۳ منفی ۲٫۷ درصد رشد کرد اما در سال آینده به ۲٫۹ رشد دست می یابد؛ نشانه ای از اینکه سرمایه گذاری گسترده ای در این کشور در حال انجام است.

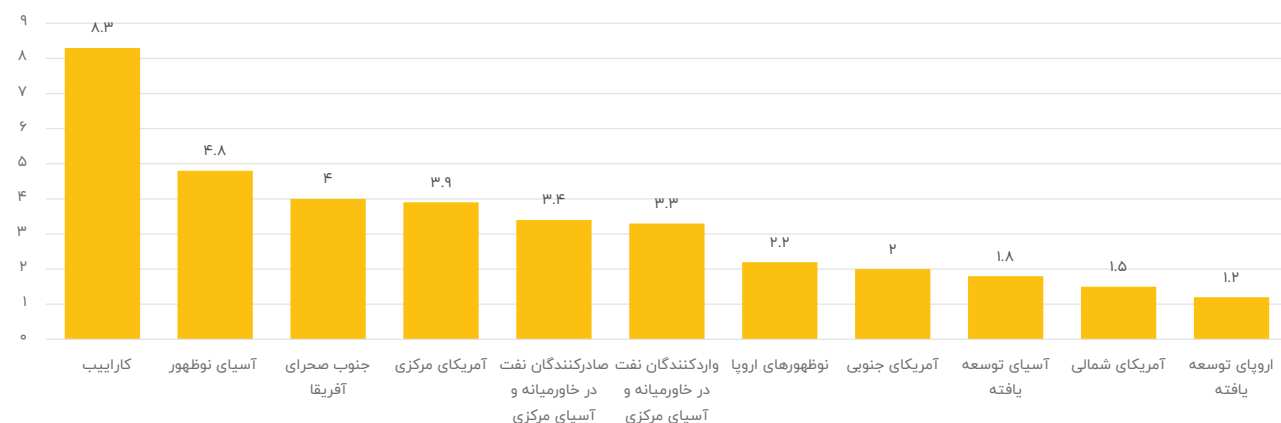
تورم هم در این کشور از ۵٫۳ درصد در ۲۰۲۳ به ۳٫۶ درصد کاهش می یابد. اقتصاد عربستان هم رشد می کند و پس از عراق، بیشترین رشد را تجربه خواهد کرد. بر این اساس، عربستان رشد ۰٫۸ درصدی در ۲۰۲۳ را به ۴ درصد در سال آینده می رساند. با وجود اینکه بیشتر کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی رشد اقتصادی و کاهش تورم را برای اقتصاد خود به ارمان می آورند، ایرانی ها با کاهش رشد اقتصادی از ۳ به ۲٫۵ درصد در سال ۲۰۲۴ روبرو خواهند شد؛ امری که به کاهش سطح رفاه آنها منجر می شود. با توجه به اینکه صندوق پیش بینی می کند که تورم ایران در سال جاری میلادی به ۳۲٫۵ درصد برسد، همچنان ایران بالاترین تورم را در میان صادرکنندگان نفت در خاورمیانه و آسیای مرکزی خواهد کرد. نرخ بیکاری ایران هم ۹٫۴ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۹٫۶ درصد افزایش می یابد.

### چشم انداز آمریکای شمالی

اقتصاد منطقه آمریکای شمالی در سال آینده با رشد کم و تورم کمتر در سال ۲۰۲۴ نسبت به سال ۲۰۲۳ ترسیم شده است. این به معنای افزایش قدرت خرید در این منطقه است. اقتصاد آمریکای شمالی در سال ۲۰۲۳ با چالش های بسیاری همراه بوده است؛ به طوری که رشد اقتصادی آن ۲٫۱ درصد از سوی IMF ارزیابی شده است. بیشترین رشد در آمریکای شمالی در سال گذشته میلادی مربوط به مکزیک بود؛ اقتصاد نوظهور منطقه که می خواهد سری در میان سرها در آورد اما با معضل فساد، ضعف حوزه های نظارتی و باندهای جنایتکار طرف است. این باندها ابایی از کشتن روزنامه نگاران و مخالفان خود ندارند. مکزیک در سال ۲۰۲۳ رشد ۳٫۲ درصدی را تجربه کرد. البته اقتصاد مکزیک در نیمه اول سال ۲۰۲۳ حول ۳٫۷ درصد رشد کرده بود. تورم پایین و نیروی کار ارزان که سرمایه را از آمریکا جذب این کشور می کند، موجب شده است که رشد مکزیک به فراتر از رشد اقتصادی آمریکا و کل منطقه آمریکای شمالی برسد.

IMF سطح انتظار خود از آمریکای شمالی را در سال ۲۰۲۴ پایین آورده است، در نتیجه رشد اقتصاد مکزیک هم برای سال آینده کاهشی است. پیش بینی صندوق این است که سال ۲۰۲۴ اقتصاد آمریکای شمالی تنها ۱٫۵ درصد رشد می کند و رشد مکزیک هم فراتر از ۲٫۱ درصد نمی رود. البته تورم در آمریکای شمالی در روند کاهشی از ۴٫۲ درصد در سال گذشته به ۲٫۸ درصد می رسد. مکزیک، در سال آینده میلادی نرخ بیکاری کمتری خواهد داشت اما در کل تمام ۴ کشور حوزه شمالی قاره آمریکا (مکزیک، مکزیک، کانادا و پورتوریکو) به دلیل کاهش نرخ رشد، با افزایش نرخ بیکاری مواجه خواهند شد.

بیشترین رشد اقتصادی منطقه ای در سال ۲۰۲۴ - درصد



## بحران‌های ناتمام

## اقتصاد ایران در معادلات و پیش‌بینی مجامع بین‌المللی با چه تصویری مواجه است؟

درصد سبب تولید محصول ناخالص را به خود اختصاص داده است، از کاهش توزیع گاز آسیب می‌بیند و دیگر قادر به کار نیست. دلیل آن هم واضح است؛ طبق داده‌های منتشرشده از سوی کمیسیون انرژی مجلس، ۷۰ درصد تولید برق کشور به گاز وابسته است. به این ترتیب اقتصاد ایران بادی را که کاشته در کمتر از ۱۰ سال آینده در قالب طوفان کسری گاز و برق و تعطیلی بیشتر بخش‌های اقتصادی برداشت می‌کند.

## مقایسه وضعیت ایران با عراق

بنابراین نباید بر این تحلیل پافشاری کرد که رشد اقتصادی ۳ درصدی در سال ۲۰۲۳ سیگنال خوبی برای رشد‌های بیشتر در آینده محسوب می‌شود. برای درک بهتر بی‌معنا بودن این مقایسه، می‌توان وضعیت رشد اقتصادی ایران با یک کشور را به قیاس گذاشت و آن را تحلیل کرد. برای نمونه، رشد اقتصادی عراق در سال ۲۰۲۳ به منفی ۲٫۷ درصد می‌رسید؛ رشدی مایوس‌کننده برای کشوری با جمعیت اکثراً جوان، که می‌خواهد اقتصادش را ترقی ببخشد و با تعدد شرکای اقتصادی به سیاست خارجی‌اش توازن دهد. اما مزیت اقتصاد عراق اینجاست که تورمش به ۵٫۳ درصد در سال ۲۰۲۳ می‌رسید. در نتیجه با اینکه رشد اقتصادی عراق ۵٫۷ درصد کمتر از ایران بود اما سرعت رشد قیمت کالاها و خدمات در این کشور ۴۱٫۷ درصد کمتر از ایران است. عراق با این تورم پایین، نسبت به ایران، مزیت بالاتری برای جذب سرمایه دارد. در همین حال، دولت این کشور در قبال سرمایه‌گذاران رویکرد بازی را در پیش گرفته است؛ موردی که در ایران یافت نمی‌شود.

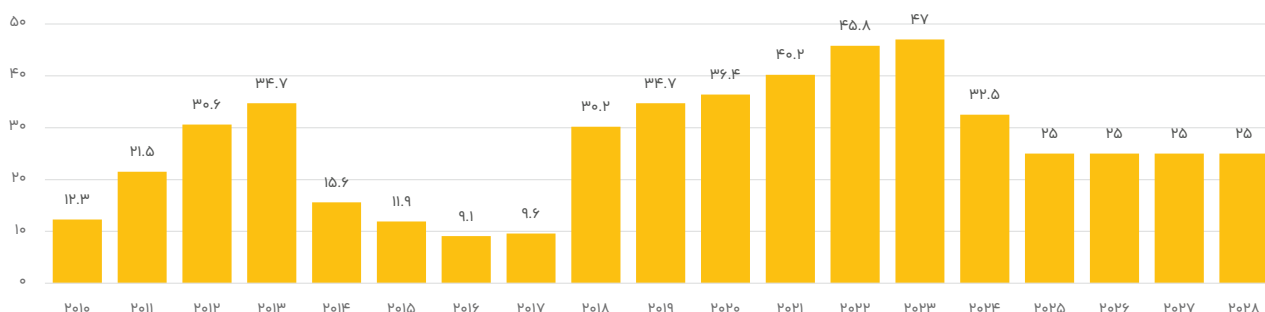
قانون شماره ۱۳ هیات سرمایه‌گذاری عراق به همین منظور در سال ۲۰۰۶ تصویب شد. بر اساس این قانون، سرمایه‌گذار صرف نظر از ملیت، از کلیه مزایا، امکانات و ضمانت‌نامه‌های موجود بهره‌مند می‌شود. این قانون ۵ مزیت ویژه برای سرمایه‌گذار قائل است. بر این اساس سود حاصل از سرمایه‌گذاری پس از پرداخت تمامی تعهدات و بدهی‌ها به دولت عراق، امکان خارج شدن از این کشور را دارد. مزیت دوم این است که شرکت سرمایه‌گذاری می‌تواند سهام خود را در بازار بورس عراق عرضه کند و در ضمن می‌تواند برای تامین مالی خود اوراق قرضه منتشر کند. مزیت سوم اجازه اراضی لازم برای پروژه به سرمایه‌گذاران تا ۵۰ سال است. قانون شماره ۱۳ اجازه داده است که زمان اجازه زمین برای پروژه‌هایی که صرفه اقتصادی و آینده دارند، تمدید شود. اینکه سرمایه‌گذار بتواند پروژه خود را نزد هر شرکت بیمه در داخل عراق یا خارج عراق بیمه کند، مزیت

اقتصاد ایران دو ویژگی مشخص دارد: متورم بودن پول و قیمت کالاها و خدمات، و سرعت رشد پایین. در تازه‌ترین گزارش صندوق بین‌المللی پول (IMF) از اقتصاد جهان در سال ۲۰۲۳ و چشم‌انداز سال ۲۰۲۴ این دو ویژگی با ارقام بیان شده‌اند. IMF می‌گوید که اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۳ به طور حقیقی ۳ درصد رشد کرده است. در همین مدت، هزینه تمام‌شده برای مصرف‌کننده ۴۷ درصد نسبت به سال ۲۰۲۲ رشد کرده است. منظور از رشد حقیقی، اعمال تاثیر تورم بر رشد اسمی است؛ چرا که رشد حقیقی با حذف تورم معیار دقیق‌تری برای سنجش میزان بزرگ‌شدن اقتصاد محسوب می‌شود. ممکن است که عده‌ای بگویند که اقتصاد بسیاری از کشورها در سال ۲۰۲۳ حتی کمتر از این میزان رشد کرده است اما باید به این واقعیت توجه داشت که تورم بالا دستاوردهای رشد اقتصادی بالاتر را از بین می‌برد. تورم بالا میل به سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. بازتاب این واقعیت را می‌توان در سر به سر شدن نرخ سرمایه‌گذاری و نرخ استهلاک سرمایه در ایران دید. این یعنی رشد سرمایه‌گذاری در بسیاری از بخش‌ها به صفر رسیده است و سرمایه‌گذاری جدیدی در آنها صورت نمی‌گیرد. در نتیجه رشد اقتصادی فاقد اثر خواهد شد.

## تاثیر تشکیل سرمایه صفر در اقتصاد

از طرفی بخش اعظمی از همین رشد ناشی از آینده‌فروشی و نه یک رشد اثربخش در حوزه‌های مولد است. حدود ۱۶ درصد از سبب محصول ناخالص داخلی (GDP) مربوط به استخراج نفت و گاز است؛ در حالی که همین بخش‌ها به دلیل فشاری که به آنها وارد می‌شود و شکل نگرفتن سرمایه‌گذاری جدید، در حال اضمحلال هستند. برای نمونه، میدان گازی پارس جنوبی، نیاز به ۶۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری دارد. به گفته اردشیر دادرس، رئیس انجمن سی.ان.جی کشور در صورتی که این میزان سرمایه‌گذاری صورت بگیرد، تولید گاز کشور به ۱٫۴ میلیارد مترمکعب در روز در سال ۱۴۱۰ افزایش می‌یابد. در صورتی که این میزان سرمایه تزریق نشود، «تولید گاز کشور از حدود ۶۸۰ میلیون مترمکعب تولید روزانه در سال ۱۴۰۱ به روزانه ۳۵۰ میلیون مترمکعب در افق ۱۴۱۰ خواهد رسید. تولید کاهش خواهد یافت و رسیدن به تولید ۳۵۰ میلیون مترمکعب در روز بعد از سال ۱۴۱۰ دشوار شده و بحران اصلی ناترازی گاز در کشور شروع می‌شود.» پس می‌توان نتیجه گرفت که رشد اقتصاد ایران که تا حد زیادی به استخراج نفت و گاز متکی است، در سال‌های آینده، کاهش می‌یابد. از آنجا که بخش خدمات هم ۵۴

نرخ تورم ایران به روایت بانک جهانی - درصد



اقتصاد ایران برای عبور از بحران‌هایی که در پیش رو دارد، باید به جذب سرمایه بپردازد و تورم خود را کاهش دهد. این در شرایطی است گزارش صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۲۴ کاهش می‌یابد.

نرخ رشد اقتصادی ایران به روایت بانک جهانی - درصد



۷,۹ درصد از GDP را به خود اختصاص داده بود.

### خوش بینی IMF در مورد تورم

البته صندوق بین‌المللی پول انتظار دارد که تورم سال ۲۰۲۴ در ایران کاهش پیدا کند؛ موضوعی که ناشی از درک صندوق از شرایط کلی اقتصاد جهان است؛ شرایطی که مبتنی بر کاهش سطح جهانی تورم است. IMF پیش‌بینی می‌کند که سطح تورم جهانی از ۶,۶ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۴,۳ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش یابد. صندوق پیش‌بینی کرده است که تورم ایران متأثر از این فضای کلی از ۴,۷ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۳,۵ درصد در سال جاری کاهش یابد. به نظر می‌رسد که پیش‌بینی صندوق در مورد میزان تورم ایران، خوش‌بینانه باشد؛ چرا که اقتصاد کشور با کسری تراز عملیاتی ۳۰۵ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومانی در بودجه سال آینده خود مواجه است.

البته میزان تراز عملیاتی در لایحه بودجه سال آینده نسبت به سال جاری ۳۲ درصد کمتر شده است اما این میزان کسری در کنار افزایش ۵۴,۵ درصد مالیات بر اشخاص حقوقی، افزایش ۵۴,۵ درصدی مالیات بر کالاها و خدمات و افزایش ۲۳,۳ درصدی مالیات بر درآمد، فشار تورم را به مصرف‌کننده منتقل می‌کند؛ در حالی که بر اساس آمار صندوق بین‌المللی پول، اقتصاد ایران در سال جاری میلادی ۰,۵ درصد کمتر از سال گذشته رشد حقیقی خواهد داشت. روی هم رفته با اینکه بار استقراض دولت در سال ۱۴۰۳ نسبت به امسال کم می‌شود اما این فشار از بین نمی‌رود؛ بلکه از دولت به افراد حقیقی و حقوقی منتقل می‌شود. این در شرایطی است که عراق به لطف بودجه نفتی بزرگ‌تر، مالیات کمتر و جذب سرمایه بیشتر، رشد اقتصادی خود را از منفی ۲,۷ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۲,۹ درصد می‌رساند. در واقع عراق در سال جاری میلادی ۵,۶ درصد رشد می‌کند که ۲,۲۴ برابر رشد ایران است.

### کمیت‌های تراز حساب جاری

مثبت شدن تراز حساب جاری برای کشورها، به این معنی است که وزن صادرات آنها به لحاظ ارزش دلاری بر وارداتشان می‌چربد. تراز حساب جاری در ایران طبق ارزیابی IMF در سال ۲۰۲۳ به ۳,۴ درصد می‌رسد و در سال جاری میلادی به رشد ۳,۷ درصد می‌رسد. با وجود اینکه دولت‌ها علاقه دارند که حساب جاری مثبت را یک دستاورد خاص برای خودشان نشان دهند اما در اقتصاد، این مورد دستاورد چندانی محسوب نمی‌شود. اقتصاد کشورها برای تهیه نیازهایشان در برخی سال‌ها گاهی بیشتر وارد می‌کنند و کمتر صادر می‌کنند. در این بین، آنچه دستاورد محسوب می‌شود، رشد اقتصادی پایدار است. برای نمونه حساب جاری قزاقستان در سال ۲۰۲۳ منفی ۱,۵ درصد بود اما رشد اقتصادی این کشور یکی از بالاترین رشدها در جهان بود و به ۴,۶ درصد در سال ۲۰۲۳ می‌رسید. ■

چهارم قانون ۱۳ است. قانون‌گذار حتی به فکر رفع مشکل انتقالات ارزی سرمایه‌گذار هم هست. در نتیجه مزیت پنجم این‌گونه تعریف شده است که سرمایه‌گذار می‌تواند دینار عراق یا دلار خود را نزد هر بانکی که خواست (داخل عراق یا خارج عراق) قرار دهد و از این حساب برای پروژه خود استفاده کند.

عراق مزیت‌های دیگری هم قائل شده است؛ از جمله نبود شرط برای استخدام اجباری کارگر عراقی از سوی سرمایه‌گذار، امکان مالکیت ۱۰۰ درصدی سرمایه از سوی سرمایه‌گذار خارجی، انتقال سرمایه و سود بدون محدودیت، برخورد بدون تبعیض با سرمایه‌گذار داخلی و خارجی، پوشش بیمه تضمین سرمایه‌گذاری چندجانبه (MIGA) و پوشش خطرات مصادره اموال و ارزهای خارجی سرمایه‌گذاران. با این رویکرد، عراق قصد دارد که تا سال ۲۰۲۵ حدود ۱۵۰ میلیارد دلار سرمایه در زیرساخت‌های خود جذب کند. عراق تنها ۶ میلیارد جذب سرمایه برای بندر بزرگ فاو تدارک دیده است؛ تا یک پروژه عظیم در منطقه خلیج فارس داشته باشد. بندر فاو پس از تکمیل، عراق را به ترکیه و از آنجا به اروپا متصل می‌کند.

### توزیع مخارج دولت در مالیات‌ستانی

عراق برای تکمیل نیاز خود به نقدینگی در سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ سالانه ۱۵۰ میلیارد دلار بودجه تخصیص می‌دهد. عمده منابع این بودجه هم با صادرات نفت تامین می‌شود. عراقی‌ها در ماه دسامبر ۲۰۲۳ بیش از ۸,۳۰ میلیارد دلار نفت صادر کردند که ۱۰۸ میلیون بشکه نفت را در بر می‌گرفت؛ یعنی روزانه بیش از ۳ میلیون و ۴۸۳ هزار بشکه. ۹۹ میلیارد و ۷۲۰ میلیون دلار از بودجه این کشور با نفت تامین می‌شود. این در شرایطی است که درآمد نفتی ایران به دلیل تحریم‌ها در سال ۱۴۰۳ حدود ۵۸۲ همت پیش‌بینی شده است که معادل حدود ۱۱ میلیارد و ۶۳۰ میلیون دلار است. در واقع عراقی‌ها ۸,۵ برابر ایران در بودجه خود درآمد نفتی دارند تا فشار مالیات‌ستانی را به اقتصاد منتقل نکنند. این در شرایطی است که در ایران درآمدهای مالیاتی دولت در بودجه ۱۴۰۳ به طور میانگین به یکباره ۴۹,۸ درصد افزایش می‌یابد.

این در حالی است که صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرده است که رشد حقیقی اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۴ به ۲,۵ درصد می‌رسد. در نتیجه مالیات سال آینده ۱۹,۹۵ برابر رشد حقیقی اقتصاد ایران رشد می‌کند. در نتیجه ضمن اینکه سرعت رشد اقتصاد ایران با این میزان مالیات‌ستانی کاهش پیدا می‌کند، آثار تورمی آن به اقتصاد منتقل می‌شود و به کاهش قدرت مصرف مردم منجر می‌شود. در واقع هزینه مصرف دولت (مصرف نهایی دولت) بزرگ‌تر و هزینه مصرف خصوصی کوچک می‌شود. کافی است که بدانیم در تابستان امسال، از کل رشد ناخالص محصول داخلی بر حسب هزینه مصرف ۱۶,۶ درصد آن در دست دولت بود. در مقابل هزینه نهایی خانوارها در همین فصل تنها

# مسیر بازارها کجاست؟

## بازارهای جهانی در سال ۲۰۲۴ با انتظار رشد قیمت کامودیتی‌ها همراه است

طلا از سوی سرمایه‌گذاران نهادی است. عمده‌ترین تقاضا برای این بخش را بانک‌های مرکزی کشورها ایجاد می‌کنند.

بانک‌های مرکزی در ۳ ماهه اول سال ۲۰۲۳ بیش از ۲۸۷ تن طلا، در ۳ ماهه دوم ۲۰۲۳ بیش از ۱۷۴ تن طلا و در ۳ ماهه سوم هم بیش از ۳۳۷ تن خرید کرده‌اند. هنوز آمار ۳ ماهه چهارم ۲۰۲۳ منتشر نشده است. اما با توجه به اینکه خرید طلا در سال ۲۰۲۲ از سوی بانک‌های مرکزی تا ۳ ماهه سوم سال به بیش از ۷۰۰ تن می‌رسید و در پایان سال به بیش هزار تن، انتظار می‌رود که ۲۰۲۳ هم بانک‌ها مرکزی سبد خرید خود را از طلا پر کنند و در سال ۲۰۲۴ هم رکود تقاضا در سال ۲۰۲۲، ۲۰۲۳ یا به همین میزان در بازار ورود کنند.

### چشم‌انداز طلا در ۲۰۲۴

البته تقویت شاخص دلار (DXY) بهبود رشد اقتصاد چین، پایان جنگ در غزه و بازگشت آرامش به دریای سرخ جایگاه طلا را به خطر می‌اندازند. همان‌طور که در ۱ سال گذشته ریزش بیش از ۱ درصدی شاخص دلار موجب تقویت طلا شده است. این روند می‌تواند با تقویت دلار معکوس شود. عاملی که موجب تقویت دلار می‌شود و بازارها را تحت تاثیر قرار می‌دهد کاهش نرخ بهره در آمریکا است. کاهش این نرخ به افزایش بازدهی اوراق قرضه منجر می‌شود و بازدهی بازارها از جمله طلا را کاهش می‌دهد. در حال حاضر نرخ بهره شبانه در آمریکا در محدوده ۵.۲۵-۵.۵ قرار دارد اما انتظار می‌رود که اعضای فدرال رزرو حداقل ۳ بار نرخ بهره را در سال ۲۰۲۴ کاهش دهند. در نهایت انتظار می‌رود که تا سال ۲۰۲۶ نرخ بهره به محدوده ۲-۲.۲۵ درصد برگردد.

آغاز کاهش نرخ بهره به معنای پایان دادن به چرخه‌ای است که در آن ۱۱ بار بیابایی نرخ بهره افزایش یافت. اینکه کاهش نرخ بهره برای افزایش اعمال سیاست‌های انبساطی و خروج از رکود مدنظر قرار گیرد، دور از نظر نیست؛ چرا که تورم آمریکا در حال کاهش است. صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی می‌کند که نرخ تورم در آمریکا از ۴.۱ درصد به ۲.۸ درصد در سال جاری کاهش یابد. پس باید انتظار داشت که در طول سال ۲۰۲۴ بازدهی اوراق قرضه دولت آمریکا حتی به

اقتصاد جهان در سال ۲۰۲۳ عاری از شوک‌های قیمتی نبود. تنش‌های ژئوپلیتیک بیشتر از سایر عوامل بر تن بازارها از جمله بازار کامودیتی‌ها لرزه انداخت. گرچه در یک ماهه منتهی به پایان سال ۲۰۲۳ شاهد افت بازارها بودیم اما شوک‌های قیمتی به اندازه کافی آثار خود را بر بازارها خالی کردند. برخی از بازارها بیشتر از شاخص تورم مصرف‌کننده تورم رشد کردند. در سال ۲۰۲۳ متوسط جهانی نرخ تورم ۶.۹ درصد بود اما برخی بازارها مانند کامودیتی طلا توانستند ۲ برابر این میزان رشد و سرمایه‌گذاران را خشنود کنند.

### رشد خیره‌کننده طلا در ۲۰۲۳

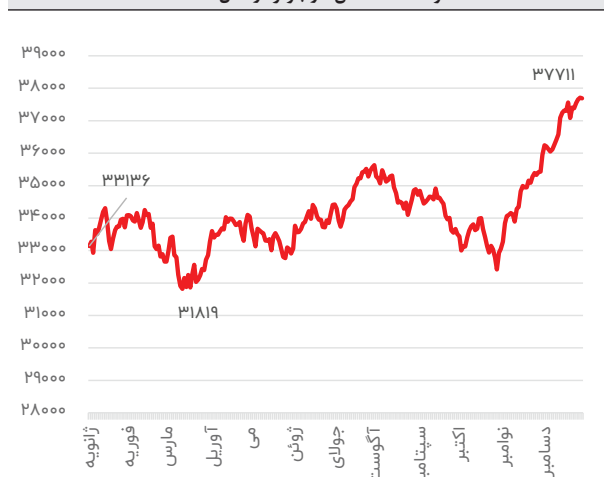
طلا بازاری بود که توانست در ۱۲ ماهه ۲۰۲۳ حدود ۱۱ درصد رشد کند. نااطمینانی در اقتصاد جهان مهم‌ترین دلیل برای پناه بردن به طلا محسوب می‌شود. بدهی ۲۳.۹ تریلیون دلاری دولت آمریکا که بارها دولت بایدن بر سر افزایش سقف آن به منظور جلوگیری از تعطیلی دولت با کنگره به اختلاف خورد، یکی از مهم‌ترین عوامل نااطمینانی است. در حال حاضر، بدهی دولت آمریکا ۱۲۲.۱۸ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور را در بر می‌گیرد. این نااطمینانی زمانی تشدید می‌شود که بدانیم در سال ۲۰۰۰ بدهی دولت آمریکا معادل ۵۴.۸۵ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور بود. با توجه به اینکه حجم اقتصاد آمریکا تا سال ۲۰۲۲ به ۲۵.۴۳۹ تریلیون دلار می‌رسید و این حجم GDP برترین در جهان محسوب می‌شود، افزایش سقف بدهی دولت آمریکا به شدت، نااطمینانی در کل جهان را افزایش می‌دهد. در این شرایط طبیعی است که مصرف‌کنندگان طلا را لنگرگاهی امن بدانند.

در چنین شرایطی است که انس طلا در سال گذشته از ۲۰۰۰ دلار عبور کرد و در پایان ۲۰۲۳ بیشتر از ۲۲۰ دلار رشد کرد. البته عواملی دیگر هم برای نااطمینانی وجود دارد؛ از جمله احتمال افزایش تورم به دلیل تنش‌های ژئوپلیتیک در دریای سرخ، نامعلوم بودن زمان پایان جنگ در غزه و احتمال حمله چین به تایوان. تورم خود بهترین دلیل برای اتکا به طلا در پرتوی شخصی سرمایه‌گذاران محسوب می‌شود. عامل دیگری که می‌تواند بر طلا تاثیر بگذارد، افزایش ذخایر جهانی

روند قیمت جهانی طلا در سال ۲۰۲۳



نوسانات شاخص داو جونز در سال ۲۰۲۳





افزایش قیمت کامودیتی‌ها در سال ۲۰۲۴ بدترین خبری است که می‌توان به دولت‌ها داد و بهترین خبر برای سرمایه‌گذاران است. رشد کامودیتی طلا در سال ۲۰۲۳ خیره‌کننده بود و انتظار می‌رود که به روند خود ادامه دهد.

### چشم‌انداز نفت در ۲۰۲۴

علیرغم اینکه قیمت نفت در بیشتر کشورهای در انتهای سال ۲۰۲۳ نسبت به ابتدای فروریخت اما از ۶ ماه پیش تا امروز شاهد افزایش قیمت‌ها هستیم. در ۶ ماه گذشته بهای نفت برنت (دریای شمال) ۰٫۹۱ درصد، نفت سبک لوتیزینای آمریکا ۲ درصد، نفت وست تگزاس ۰٫۸۸ درصد، نفت کوره آمریکا ۲ درصد، نفت اوپک ۰٫۹۷ درصد، نفت سبک نیجریه ۴٫۹۹ درصد، نفت فوق سبک آرکانزاس ۷٫۵ درصد و سبک نفتی مکزیک ۴٫۶ درصد رشد کرده است. به نظر می‌رسد نفت که روندی را که از نیمه سال گذشته آغاز کرده، حفظ کرده است. تحلیل‌گران بازار نفت دو عامل را برای این افزایش قیمت شناسایی کرده‌اند. به نظر می‌رسد که برخورد عامل دوم با عامل اول، موجب تشدید نااطمینانی و افزایش قیمت‌ها شده است. عامل دوم، افزایش تنش‌ها در لیبی و تاثیر آن بر تولید میدان نفتی شراره است که به عامل اول، یعنی اوتیمانوم بین‌المللی به حوثی‌ها برای توقف حملات به کشتی‌هایی که از دریای سرخ عبور می‌کنند، برخورد کرده است. اما رشد قیمت نفت در سال ۲۰۲۴ دلایل دیگری هم دارد. از نظر موسسه گلدمن ساکس قیمت نفت در سال ۲۰۲۴ بین ۷۰ تا ۱۰۰ دلار خواهد بود؛ چرا که شاهد کاهش سرمایه‌گذاری در سوخت‌های فسیلی و هزینه‌های بالای سرمایه‌گذاری در سوخت‌های کربنی در عوض سرمایه‌گیری کمتر انرژی‌های نو هستیم.

### بازار گندم در ۲۰۲۳-۲۰۲۴

کامودیتی‌های نرم، به محصولات کشاورزی گفته می‌شود که بازارشان تحت تاثیر شرایط اقلیمی و فصلی است. یکی از کامودیتی‌ها محبوب در سبد تجارت جهانی گندم است که دولت‌ها به تغییرات قیمت آن حساس هستند. قیمت هر بوشل گندم از ۷۴۵ دلار در ابتدای سال ۲۰۲۳ به ۶۲۴ دلار در انتهای آن رسید؛ نشانه‌ای از کاهش حدود ۱۷ درصدی. کاهش قیمت گندم برای دولت‌ها پیام خوبی است؛ چرا که هر ساله میلیون دلار صرف پرداخت یارانه بر روی آرد و نان می‌کنند تا هزینه محصول نهایی را کاهش دهند. کاهش قیمت گندم به توافق اوکراین با روسیه و کشورهای دیگر بر سر صادرات بخشی از گندم اوکراین برمی‌گردد. این اولین بار پس از ۵ ماه است که غلات اوکراین از بندر اودسا خارج می‌شود. با این وجود، هیچ تضمینی برای حفظ این توافق وجود ندارد. ۲۰ میلیون متریک تن گندم از همین طریق صادر شد. در همین حال، استرالیا تولید گندم خود را به ۴۲ میلیون متریک تن افزایش داده است. بانک جهانی پیش‌بینی می‌کند که قیمت گندم در سال جاری میلادی ۵٫۶ درصد دیگر کاهش یابد. با این وجود، تهدیداتی وجود دارد که می‌تواند چشم‌انداز کاهش قیمت را متوقف کند. ارزیابی وزارت کشاورزی آمریکا نشان می‌دهد که ذخایر جهانی گندم از ۲۶۹ میلیون تن به ۲۵۸ میلیون تن کاهش یابد. همچنین با تداوم کاهش بارندگی، چشم‌انداز خوبی برای تولید جهانی وجود ندارد؛ به ویژه اینکه حجم تقضای چین برای واردات گندم بالاست. این موضوع می‌تواند سطح تقاضای سایر کشورها را کم کند و موجب افزایش قیمت بشود. ■

میزان بسیار کم افزایش پیدا کند اما این به معنای فروپاشی بازار طلا نیست؛ چرا که کاهش تورم آمریکا از ۶٫۴ درصد در ابتدای سال ۲۰۲۳ به ۳٫۱ درصد در پایان این سال، موجب شده است که بازدهی نرخ اوراق قرضه ۱۰ ساله آمریکا به ۳٫۹ درصد برسد. همچنین بازدهی اوراق با سررسید ۸ هفته به ۵٫۴ درصد می‌رسد. در نتیجه، بازدهی بدهی در حالت عادی هم بالاتر از تورم است. به نظر نمی‌رسد که آمریکا با افزایش غیرمنتظره نرخ اوراق، سایر بازارها را در خطر فروپاشی قرار دهد. بر این اساس، پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۲۴ طلا همچنان دارای محبوب برای سرمایه‌گذاری باقی بماند.

### نوسان قیمت نفت در ۲۰۲۳

نفت به عنوان کامودیتی سخت (موجود در طبیعت) در سال ۲۰۲۳ در نوسان بود تا تولیدکنندگان آن و معامله‌گران مشتقات، هم خشنود شوند و هم نگران. افزایش تنش‌ها از ۱۷ اکتبر (۱۵ مهر) امسال در خاورمیانه و واکنش‌های پس از آن که به تشدید تنش‌ها در دریای سرخ زد و پای یک ائتلاف نظامی به رهبری آمریکا را به منطقه کشاند، کم در این نوسان موثر نبود. ۲۳ روز پس از آغاز این جنگ، اینقدر جهان در شوک به سر می‌برد که بانک جهانی هشدار داد که قیمت نفت می‌تواند به ۱۵۰ دلار در هر بشکه، افزایش یابد. بانک جهانی اعلام کرد که قیمت مواد خام هم می‌تواند بین ۳ تا ۷۵ درصد افزایش پیدا کند. در کل، بانک جهانی چند سناریو را برای آینده قیمت نفت ترسیم کرد. در سناریو اول احتمالی به اندازه ۵۰۰ هزار تا ۲ میلیون بشکه در روز ایجاد می‌شود که قیمت نفت را به ۹۰ تا ۱۰۳ دلار می‌رساند. در سناریوی دوم حجم اختلال در بازار به ۳ تا ۵ میلیون بشکه در روز می‌رسد. بر این اساس، قیمت نفت به ۱۰۹ تا ۱۲۱ دلار افزایش می‌یابد. در سناریوی سوم هم عرضه ۶ تا ۸ میلیون بشکه در روز در دست‌انداز می‌افتد که در نتیجه قیمت نفت ۱۵۰ دلار افزایش می‌یابد. با این وجود، افزایش قیمت نفت در سال ۲۰۲۳ اینقدر چشم‌گیری نبود که به حد کم‌اثرترین سناریوی اختلال در بازار نفت برسد. قیمت سبک نفت اوپک در ابتدای سال ۲۰۲۳ به ۸۱ دلار می‌رسید اما در پایان این سال ۷۳ دلار را به خود دید. در نتیجه قیمت ۹ درصد کاهش یافت. بهای نفت خام وست تگزاس از ۷۸ دلار به ۷۱ دلار در پایان سال ۲۰۲۳ رسید. در این مورد هم شاهد کاهش ۹ درصدی قیمت بودیم. برخلاف نفت اوپک و وست تگزاس، نفت اورال روسیه در پایان سال، نسبت به ابتدای سال دارای جهش بود. بر این اساس، بهای اورال از ۵۲ به ۶۰ دلار رسید که نشانه رشد ۱۴ درصدی است. سبک نفت هند در همین مدت از ۸۱ به ۷۷ دلار رسید که در نتیجه ۵ درصد کاهش یافت. نفت خیلی سبک عربستان از ۸۶ دلار به حوالی ۸۲ دلار سقوط کرد که کاهش ۴ درصدی را نشان می‌دهد. نفت جنوب چین از ۸۱ دلار به ۷۰٫۹۹ دلار کاهش یافت؛ برابر ۱۳ درصد. در همین مدت، نفت سبک آذری آذربایجان از ۹۴ دلار به ۷۲ درصد کاهش به ۸۷ دلار رسید.

نوسانات شاخص یورونکست در سال ۲۰۲۳



روند قیمت جهانی نفت برنت در سال ۲۰۲۳



# دو سناریو برای بازارهای استراتژیک

## سال ۲۰۲۴ برای بازارها چه احتمالی می‌توان در نظر گرفت؟



احسان سلطانی

تحلیل‌گر بازارهای مالی

درصد افزایش می‌دهد. این شوک تورمی نفت بر تورم اصلی هم تاثیر می‌گذارد و دستاورهای کاهش تورم را برهم می‌زند. عامل دیگری که موجب برانگیختن احتیاط می‌شود، بدهی آمریکا است. این بدهی در سطح ملی به ۳۴ تریلیون دلار می‌رسد؛ حتی صحبت‌هایی در مورد افزایش سقف آن به ۵۰ تریلیون دلار مطرح است.

در نتیجه وقتی می‌بینیم که شرایطی برای خوش‌بینی وجود دارد، در همان حال عواملی وجود دارند که بدبینی را برمی‌انگیزند. در چنین شرایطی ذخیره‌سازی دارایی‌هایی که ارزش درآمدها را حفظ کنند، ذهن مردم را در سال ۲۰۲۴ به خود مشغول خواهد کرد. در حال حاضر، سفته‌بازی سنگینی بر روی طلا شکل گرفته است. در یک سناریوی محتاطانه می‌توان این‌گونه تصور کرد که طلا در شیب ملایم ۵ تا ۱۰ درصد در سال ۲۰۲۴ رشد می‌کند اما چنانچه اوضاع اقتصاد جهان متأثر از ریسک‌های ژئوپلیتیک برهم بریزد، می‌توان انتظار رشد بیشتر طلا را هم داشت؛ به طوری که قیمت آن از ۲۵۰۰ دلار به ازای هر انس عبور کند. در نتیجه طلا در پرتفوی سرمایه‌گذاری افراد جای خواهد داشت. در ایران هم طلا می‌تواند مورد استقبال سرمایه‌گذاران قرار بگیرد؛ هم به خاطر بهای انس و هم به دلیل افزایش احتمالی قیمت دلار در سال ۱۴۰۳. در حال حاضر، فشار قیمت‌های جهانی چندان به بازارهای ایران منتقل نشده است اما اگر ریسک‌های ژئوپلیتیک تاثیر خود را بگذارند، می‌توان انتظار داشت که قیمت دلار ۲۰ تا ۲۵ درصد در سال آینده افزایش پیدا کند. به ویژه پس از انتخابات مجلس، می‌توان انتظار چنین افزایشی را داشت.

در کنار طلا، سهام ۵۰۰ شرکت برتر آمریکا (S&P 500) هم انتظار رشد را می‌کشد. در یک سال گذشته این شاخص ۲۳ درصد رشد کرده است. اگر بهبود اقتصاد آمریکا سریع‌تر اتفاق بیفتد و با سناریوهای بدبینانه مواجه نشویم، شاخص دلار تقویت می‌شود. با توجه به اینکه S&P 500 با دلار هم‌جهت رفتار می‌کند، می‌توان شاهد رشد هردو با یکدیگر بود. در کل، اگر بخواهیم به اقتصاد جهان در سال ۲۰۲۴ ریزتر نگاه کنیم، می‌توان انتظار داشت که ریزش و رشد قیمت کامودیتی‌ها با شیب زیادی صورت نمی‌گیرد. برخی کامودیتی‌ها مانند طلا که به آن اشاره کردم، اطمینان بیشتری برای رشد بالاتر دارند اما در مورد نفت با توجه به تقاضای جهانی نمی‌توان انتظار رشد زیاد را داشت؛ مگر اینکه تنش‌های ژئوپلیتیک ورق را برگردانند و شرایط دیگری را رقم بزنند. برای مثال درگیری‌ها در خاورمیانه وارد سطح بالاتری از تنش بشود یا شاهد منازعات جدیدی در شرق آسیا باشیم. برخلاف اینکه سال گذشته انتظار می‌رفت که منازعات خاورمیانه قیمت نفت، طلا و... را در صعود وحشتناکی قرار دهند، اما چنین اتفاقی رخ نداد. البته این به معنای کم شدن آتش جنگ نیست اما اقتصاد جهان تمایلی به تشدید شدن تنش‌ها ندارد و بازیگران درگیر در منازعات ژئوپلیتیک در حال کنترل سطح تنش‌ها هستند. از آنجا که افزایش قیمت نفت بدون یک جرقه خیلی محتمل نیست، در نتیجه قیمت نفت ایران هم نمی‌تواند چشم‌انداز افزایشی را به خود ببیند؛ به خصوص رشد قیمت به ۱۰۰ تا ۱۲۰ دلار در هر بشکه با شرایط کنونی محتمل نیست. ■

اقتصاد جهان در سال ۲۰۲۴ اطمینان بیشتری را نسبت به سال ۲۰۲۳ تجربه می‌کند اما باید چند موضوع را در نظر داشته باشیم و آنها را در دو سناریو تحلیل کنیم. در سناریوی اول، خوش‌بین هستیم و در سناریوی دوم احتیاط را پیشه می‌کنیم. در سناریوی خوش‌بینانه ۳ عامل تقاضای جهانی (Global demand)، فشار عرضه جهانی (global supply pressures) و سیاست پولی (Monetary policy) را در نظر می‌گیریم. انتظار داریم که تقاضای جهانی سال آینده به دلیل ابهام در احیای اقتصاد چین و کند بودن سرعت بازیابی تجارت جهانی، کاهش یابد. با توجه به اینکه تقاضای جهانی ۳۰ درصد در ایجاد تورم سهم دارد، کند شدن رشد تقاضا تاثیر بالایی بر میزان تورم می‌گذارد. در نتیجه سرعت رشد تورم کمتر می‌شود. صندوق بین‌المللی پول رشد تورم را ۴ درصد در سال ۲۰۲۴ پیش‌بینی می‌کند که نسبت به سال ۲۰۲۳ بیشتر از ۲ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

کاهش فشار بر عرضه جهانی هم عامل دومی است که باید مورد توجه قرار گیرد. در سال ۲۰۲۴ اختلافات عرضه دوران کرونا کم شده است. با توجه به اینکه تقاضای جهانی هم کاهش می‌یابد، انتظار می‌رود که قیمت نفت در سال جاری کاهش یابد. در نتیجه کاهش قیمت نفت که در سال گذشته ادامه داشت، امسال هم ادامه پیدا می‌کند. نفت سهم ۴۰ درصدی در تورم جهانی دارد و کاهش قیمت آن منجر به کاهش تورم می‌شود. در مورد سیاست‌های پولی هم بر این عقیده هستیم که کاهش نرخ بهره با سرعت انجام نمی‌شود و بانک‌های مرکزی در مورد آن احتیاط می‌کنند؛ چرا که تورم به رغم کاهش، همچنان بالاست. در نتیجه ما شاهد انقباض در رشد نقدینگی خواهیم بود؛ به ویژه در آمریکا و کشورهای توسعه‌یافته که با احتیاط بیشتری به مسئله تورم نگاه می‌کنند. در سناریوی احتیاطی اما باید به این واقعیت توجه داشته باشیم که جهان درگیر تنش‌های ژئوپلیتیک است و احتمال ایجاد شوک‌های تورمی وجود دارد. تورم اصلی (Core inflation) همچنان بالاست. منظور از تورم اصلی، تورم کالاها و خدمات منهای هزینه‌های غذا و انرژی است. این دو مورد، به دلیل نوسان بالایی که دارند، در محاسبه تورم اصلی کنار گذاشته می‌شوند. تورم اصلی در سال ۲۰۲۴ هنوز کمتر از تورم کل کاهش یافته است. اگر بانک‌های مرکزی به این نتیجه برسند که تورم اصلی کاهش می‌یابد، نرخ بهره را کاهش می‌دهند اما در حال حاضر چنین چشم‌اندازی وجود ندارد؛ به اضافه اینکه تنش‌های ژئوپلیتیک هم حاکم هستند و می‌توان انتظار شوک‌های قیمتی جدید را داشت. با توجه به اینکه ۳۰ درصد از تولید جهانی نفت، مربوط به منطقه خاورمیانه است، تنش‌های ژئوپلیتیک، بسیار تورمی عمل خواهند کرد و اقتصاد جهان را به چالش می‌گیرند. چند پژوهش‌نشان می‌دهند ۱۰ درصد افزایش قیمت نفت، تورم جهانی را به میزان ۰،۳۵

روند قیمت جهانی مس در سال ۲۰۲۳



نوسانات شاخص ترکیبی بورس شانگهای در سال ۲۰۲۳



..... ویژه 2024 .....

# جهان در یک نگاه

در سال جدید کسب و کارها و صنایع به کدام سو می روند؟





## جهان در پیش رو

تقویم سال ۲۰۲۴؛ مهم‌ترین رویدادهای سال جدید کدام هستند؟

اندونزی به عنوان سومین دموکراسی بزرگ جهان، انتخابات ریاست‌جمهوری خود را در روز ولنتاین برگزار خواهد کرد.

### مارس

فصل مسابقات فرمول یک در بحرین آغاز خواهد شد و به جای یکشنبه، بازی‌ها از شنبه شروع می‌شود. با این اقدام، جلوی هم‌پوشانی مسابقات با ماه رمضان هم گرفته می‌شود. سیزدهمین بازی‌های آفریقایی در غنا آغاز خواهد شد. قرار بود بازی‌ها در سال ۲۰۲۳ برگزار شوند اما ساخت‌وسازها باعث شد این بازی‌ها به سال بعد موکول شود. نود و ششمین دوره جوایز اسکار در لس‌آنجلس برگزار خواهد شد. چه کسی اسکار امسال را به خانه می‌برد؟

### آوریل

آمریکایی‌ها در سرتاسر این قاره باید در انتظار خورشید گرفتگی کامل باشند. در این فرایند کسوف، سایه ماه کاملاً روی خورشید می‌افتد و ساکنان قاره آمریکا می‌توانند این صحنه را ببینند. نشست بهاری صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در واشنگتن برگزار می‌شود. بریتانیایی‌ها جشن مربا و مارمالاد می‌گیرند. این جشن برای تشویق مردم به درست کردن مربا است!

### ژانویه

شش کشور به گروه اقتصاد «بریکس» ملحق می‌شوند تا «بریکس پلاس» شکل بگیرد. اعضای فعلی برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی هستند. کشورهای آرژانتین، مصر، اتیوپی، ایران، عربستان سعودی و امارات متحده عربی هم به اعضای پیشین ملحق می‌شوند.

ابتدایی‌ترین نسخه میکی‌ماوس عمومی می‌شود چرا که طبق قوانین حق چاپ در آمریکا، وقتی از یک کاراکتر، ۹۵ سال می‌گذرد، وارد عرصه عمومی خواهد شد. با این حال، نسخه‌های جدیدتر و به‌روزتر میکی‌ماوس همچنان در اختیار دیزنی خواهد بود.

برای نخستین بار طبق توافقی که میان ۱۳۰ کشور در سال ۲۰۲۱ وضع شد، حداقل مالیات ۱۵ درصدی شرکتی در سرتاسر جهان اعمال خواهد شد. به این ترتیب، شرکت‌هایی که به جابه‌جایی سود خود به سایر کشورها، برای فرار مالیاتی تلاش می‌کردند، ناموفق خواهند ماند. انتخابات ریاست‌جمهوری تایوان برگزار خواهد شد، یعنی در سرزمینی که چین ادعای مالکیت بر آن را مطرح می‌کند. نتیجه این انتخابات بی‌تردید روی روابط این کشور با چین و آمریکا اثر خواهد گذاشت.

### فوریه

چینی‌ها سال نو را جشن می‌گیرند. سال‌ها از آغاز خواهد شد. کسانی که با نماد اژدها متولد شده‌اند، خلاق، کنجکاو، مصمم و صریح شناخته می‌شوند.

### چرا باید خواند:

حالا که سال ۲۰۲۴

از راه رسیده، این

پرسش وجود دارد

که در سال جدید

باید در انتظار چه

رویدادها و اتفاقاتی

باشیم؟ در این

بخش، اکونومیست

تقویمی تدارک دیده و

مهم‌ترین اتفاقات سال

تو را در آن به ترتیب

آورده است. منتظر این

رویدادها باشید.

رویدادها و

مناسبت‌های بسیاری

در سال ۲۰۲۴ وجود

دارد که باید به آن‌ها

توجه داشته باشید.

برخی از آن‌ها را به

انتخاب اکونومیست

ببینید.

# 2024

آژانس فضایی ژاپن با عنوان «آکسا» قرار است ماموریت اماماپکس را انجام دهد و ماههای پیرامون مریخ را بررسی کند. این عملیات کاوشگرانه تا سال ۲۰۲۵ پیش می‌رود و در نهایت کاوشگر در سال ۲۰۲۹ به زمین بازمی‌گردد تا اطلاعاتش را در اختیار ساکنان زمین قرار دهد.

## اکتبر

جیمی کارتر، رئیس‌جمهوری اسبق آمریکا که عمر درازی در میان روسای جمهوری داشته، ۱۰۰ ساله خواهد شد.

نمایشگاه هنر هنگ کنگ افتتاح خواهد شد و توجه جهان به این رخداد فرهنگی معطوف می‌شود.

منچستری‌ها در انگلستان میزبان بزرگ‌ترین کنفرانس صنعت موسیقی جهان خواهند بود. نشست سالانه اصلی میان صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برگزار خواهد شد. ناسا به عنوان سازمان فضایی آمریکا کاوشگری را به مشتری می‌فرستد تا امکان زندگی در آن را بیشتر بررسی کند. احتمالاً این کاوشگر در سال ۲۰۳۰ به مشتری می‌رسد.

## نوامبر

دنیا به آمریکا خیره خواهد شد و مردم در این کشور بالاخره پای صندوق‌های رای می‌روند تا تکلیف رئیس‌جمهوری آینده کشورشان را مشخص کنند. علاوه بر آن، تکلیف ۴۳۵ صندلی کنگره و همچنین ۳۴ صندلی از ۱۰۰ صندلی مجلس سنا هم مشخص خواهد شد. این بزرگ‌ترین رویداد سال آینده خواهد بود.

نشست تغییرات اقلیمی با عنوان کاپ ۲۹ برگزار خواهد شد. در حال حاضر هنوز مشخص نیست چه کشوری میزبان خواهد بود. بیش از نیم قرن از سفر نخستین انسان به ماه می‌گذرد.

## دسامبر

سازمان فضایی هند ماهواره‌ای با اسم شوکرایان به سیاره زهره می‌فرستد تا این سیاره را از نزدیک مورد کاوش و بررسی قرار دهد. آخرین بار ژاپن تلاش کرد در سال ۲۰۱۰ عملیاتی در این زمینه انجام دهد و هند دومین کشور فعال در این زمینه خواهد بود. در این برنامه کاوشی، شرایط جوی و شیمیایی در زهره (نونوس) مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این کاوشگر به دنبال فسفین می‌گردد و اگر این عنصر را پیدا کند یعنی حیات و زندگی در این سیاره وجود دارد.

## اواخر سال ۲۰۲۴

اتحادیه اروپا برنامه «نظام ورود خروج» یا EES را راه‌اندازی خواهد کرد. شهروندانی که متعلق به اتحادیه اروپا نیستند و وارد منطقه شنگن می‌شوند باید نام خود را به ثبت برسانند. در این فرایند ورود و خروج، شهروندان باید پاسپورت خود را اسکن کنند. این عملیات برای افزایش امنیت به‌ویژه در دوران برگزاری بازی‌هایی نظیر المپیک صورت می‌گیرد. ■

## می

گالری‌های مختلف و موزه‌ها در لندن قرار است نقاشی‌های منحصر به فردی را به نمایش درآورند. برخی از آثار ون‌گوگ هم در این نمایشگاه در معرض دیدم عموم قرار خواهد گرفت.

مسابقه یوروویژن در سوئد برگزار خواهد شد. این هفتمین بار است که سوئد میزبان این برنامه می‌شود.

ماراتن دیوار بزرگ در چین رخ می‌دهد و بسیاری از افراد در آن شرکت خواهند کرد.

## ژوئن

جام جهانی بیستم مردان آغاز خواهد شد و قرار است آمریکا میزبان اصلی آن باشد. علاقه‌مندان به کریکت به آمریکا می‌روند تا رویدادهای ورزشی را دور هم تماشا کنند. در سپتامبر هم جام جهانی بیستم زنان برگزار خواهد شد.

مردم در سرتاسر دنیا روز جهانی دویدن را جشن می‌گیرند. این اقدام هم برای تفریح است و هم برای حفظ سلامت و تناسب اندام.

انتخابات پارلمان اروپایی متشکل از ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا برگزار خواهد شد تا تکلیف ۷۲۰ صندلی مشخص شود.

مسابقات فوتبال یورو ۲۰۲۴ در آلمان آغاز می‌شود. یک هفته بعد هم در آمریکا، مسابقات کوپا آمریکا برگزار خواهد شد.

## جولای

رهبان کشورهای عضو ناتو در واشنگتن دور هم جمع می‌شوند تا نشست سالانه‌شان را برگزار کنند و در هفتاد و پنجمین سالگرد ناتو، اتحاد خود را به جهانیان نشان دهند.

حزب جمهوری خواه نامزد نهایی خود را برای انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا مشخص خواهد کرد. لحظات سرنوشت‌سازی در آمریکا خواهد بود.

المپیک ۲۰۲۴ با یک افتتاحیه متفاوت در پاریس برگزار خواهد شد. برنامه‌های متفاوتی برای نخستین بار در مراسم افتتاحیه در نظر گرفته شده است.

## اگوست

اندونزی پایتخت خود را از جاکارتا برای نخستین بار به نوسانتارا تغییر خواهد داد. این مراسم در روز جشن استقلال اندونزی رخ می‌دهد.

حزب دموکرات هم تکلیف نامزد خود را برای انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا مشخص خواهد کرد. این لحظه هم برای دنیا مهم خواهد بود.

بازی‌های پارالمپیک در پاریس برگزار خواهد شد.

## سپتامبر

«نشست آینده» سازمان ملل در نیویورک برگزار می‌شود. نمایندگان که در این نشست شرکت می‌کنند، درباره حکمرانی در جهان با هدف بهبود شرایط اقلیمی و حل چالش‌ها در این زمینه گفت‌وگو خواهند کرد.

در حالی که رشد اقتصادی در چین آهسته شده، تنش‌ها بر سر تایوان افزایش پیدا کرده است. آمریکا هم به دنبال محدودسازی دسترسی چین به فناوری‌های پیشرفته است. همه این‌ها نشان می‌دهد که احتمال دارد دو کشور دوباره به سمت جنگ سرد حرکت کنند.

[ سال ۲۰۲۴ ]

# ۱۰ جریان اصلی سال نو

## دبیر بین‌الملل اکونومیست مهم‌ترین روندهای سال جدید را مرور می‌کند

و پر آشوب شود. بسیاری از تحلیل‌گران می‌گویند که حق فلسطینی‌ها در سرزمینشان نادیده گرفته شده است. احتمال دارد شاهد گسترش تنش‌ها در منطقه باشیم. شاید هم منطقه به سمت صلحی بزرگ‌تر حرکت کند. آمریکا در این زمینه می‌تواند نشان دهد که چقدر قدرت و نفوذ سیاسی در این منطقه دارد.

### بی‌نظمی چندقطبی

آمریکا سعی دارد در آسیا نفوذ داشته باشد، به‌ویژه به این خاطر که متوجه خیزش چین شده و رقابتی جدی با این کشور دارد. جنگ روسیه در اوکراین هم دارد. اسرائیل و غزه هم به این ماجرا اضافه شده‌اند. روی هم رفته، جهان وضعیتی آشفته دارد و به سمت چندقطبی شدن و حتی جنگ سرد حرکت می‌کند. در حال حاضر شاهد بی‌ثباتی عمیق در منطقه هستیم.

### جنگ سرد دوم

در حالی که رشد اقتصادی در چین آهسته شده، تنش‌ها بر سر تایوان افزایش پیدا کرده است. آمریکا هم به دنبال محدودسازی دسترسی چین به فناوری‌های پیشرفته است. همه این‌ها نشان می‌دهد که احتمال دارد دو کشور دوباره به سمت جنگ سرد حرکت کنند.

### جغرافیای جدید انرژی

تغییر مسیر به سمت انرژی‌های پاک باعث شده کشورهای که در این زمینه ذخایری دارند به عنوان قدرتهای این عرصه مطرح شوند. در حال حاضر، نفت و گاز همچنان اهمیت دارند اما مسئله گرمایش زمین باعث شده که توجه به انرژی‌های پاک چندبرابر شود. به این ترتیب رقابت و جنگ اصلی، اکنون بر سر منابع انرژی پاک است.

### عدم قطعیت در اقتصاد

عملکرد اقتصادهای غربی در سال ۲۰۲۳ بهتر از آن چه تصور می‌شد، بود. با این حال، هنوز هم می‌توان سایه خطر را بر سر اقتصادهای توسعه‌یافته مشاهده کرد. نرخ بهره‌های بانکی افزایش پیدا کرده و هر چه این وضعیت بیشتر ادامه پیدا کند، وضعیت شرکت‌ها و مصرف‌کنندگان هم سخت‌تر خواهد بود. البته تلاش بر این است که جلوی رکود اقتصادی را بگیرند. در این بین، انتظار می‌رود که چین وارد رکود تورمی شود.

### هوش مصنوعی واقعی می‌شود!

کسب‌وکارها بیش از هر زمانی به فناوری‌های پیشرفته وابسته شده‌اند. آن‌ها به دنبال روش‌هایی هستند تا هوش مصنوعی را بهبود ببخشند و از آن نهایت بهره را ببرند. همچنین به دنبال بهترین شیوه قانون‌گذاری هستند تا مقررات دستشان را در این مسیر نبندد و همچنان بتوانند از آن نهایت بهره را ببرند.

### متحدسازی جهان؟

در نهایت پاریس قرار است میزبان بازی‌های المپیک باشد و انتظار می‌رود جهان در این رویداد متحد شود و در کنار هم قرار گیرد. با این حال، باز هم مشخص نیست که آیا این اتحاد رخ خواهد داد یا خیر.

به این ترتیب اصلی‌ترین جریان‌هایی که در سال ۲۰۲۴ باید دنبال شوند، مواردی هستند که در بالا به آن‌ها اشاره شد. ■

زندگی سرشار از اتفاقات نامنتظره است. گاهی تنش‌های نظامی نامنتظره رخ می‌دهند و گاهی پیشرفت‌های هوش مصنوعی همه را در شوک فرو می‌برد. دنیا با سرعت نور در حال تغییر و تحول است، از شرایط خاورمیانه بگیرد تا نحوه درمان جاقی! با این حال باز هم می‌توان تا حدودی حدس زد که در یک الی دو سال آینده باید بیشتر در انتظار چه جریان‌هایی باشیم. ما می‌خواهیم در این سرمقاله کوتاه، مهم‌ترین جریان‌های سال ۲۰۲۴ را مرور کنیم، مواردی که معتقدیم باید دنبال شوند چرا که قرار است جهان پیرامونمان را تغییر دهند. این ده مورد را در ادامه بخوانید.

### فصل شلوغ رای‌دهی

برای نخستین بار در تاریخ، در یک سال، شاهد بیشترین تعداد برگزاری انتخابات در کشورهای مختلف هستیم. مردم در سرتاسر جهان برای رای دادن به نفع دموکراسی، پای صندوق‌های رای می‌روند. بیش از ۷۰ انتخابات در سال ۲۰۲۴ برگزار خواهد شد. این یعنی ۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون نفر باید سر نوشت دموکراسی را در کشور خود تعیین کنند. این نخستین بار است که بیش از نیمی از جمعیت جهان یک‌باره پای صندوق رای می‌رود. البته ناگفته نماند که هر چند میزان رای‌گیری‌ها بالا رفته اما الزاماً میزان دموکراسی افزایش نیافته است. بسیاری از انتخاباتی که قرار است در سال جدید برگزار شود، نه آزاد است و نه عادلانه.

### انتخاب جهانی در آمریکا

رای‌دهندگان در آمریکا باید دونالد ترامپ را مشخص کنند. در حال حاضر بررسی‌ها نشان می‌دهد بیش از ۳۳ درصد احتمال دارد که او به عنوان رئیس‌جمهوری بعدی آمریکا انتخاب شود. هر چند رای‌گیری بین ایالت‌ها در آمریکا صورت می‌گیرد اما در نهایت، نتیجه آن می‌تواند روی کل دنیا اثر بگذارد. به عبارت ساده‌تر، حال‌وهوای سیاسی جهان به وضعیت آمریکا بستگی دارد و ترامپ در این زمینه می‌تواند نقشی تعیین‌کننده داشته باشد. برای مثال، کمک‌های نظامی آمریکا به اوکراین، کاملاً وابسته به نتیجه انتخابات است.

### اروپا، قدم بردار!

اروپایی‌ها باید هر چه سریع‌تر در مورد اوکراین تصمیم بگیرند، متحد شوند و تجهیزات نظامی را در اختیار این کشور قرار دهند، در غیر اینصورت مقابل ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه شکست خواهند خورد. اوکراین برای ادامه این جنگ به حمایت‌های اقتصادی گسترده‌ای نیاز دارد تا بتواند دوام بیاورد. علاوه بر آن، اگر ترامپ قدرت را در اختیار بگیرد، اوکراین به کمک‌های اروپایی نیاز صدچندان پیدا خواهد کرد.

### آشوب در خاور میانه

حمله حماس به اسرائیل و پس از آن، حملات تلافی‌جویانه اسرائیل در غزه باعث شده که منطقه خاورمیانه دوباره وارد شرایطی پرتنش



صنعت خودروسازی در سال ۲۰۲۴ همچنان به روند کند و آهسته سال پیش خود ادامه خواهد داد. فروش جهانی باز هم به سطوح پیش از همه‌گیری کرونا نخواهد رسید. فقط ۳ درصد خودروی جدید نسبت به سال ۲۰۲۳ در جهان فروخته خواهد شد.

[ کسب‌وکارها در سال جدید ]

## پیش‌بینی وضعیت ۱۵ صنعت در سال ۲۰۲۴

مرکز تحقیقات اکونومیست وضع کسب‌وکارها در سال ۲۰۲۴ را نشان می‌دهد



۴. شکاف میان زیرساختی که جهان نیاز دارد و آنچه می‌گیرد به ۳ تریلیون دلار رسیده است. آسیا باید سرمایه‌گذاری‌های خود را در این زمینه دست‌کم ۴ درصد افزایش دهد تا بتواند با شرایط مطابقت پیدا کند.

۵. درآمدها در صنعت آگهی‌ها ۵ درصد افزایش پیدا می‌کند که این اتفاق به لطف انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا خواهد بود و همچنین رویدادهای ورزشی بزرگ نظیر المپیک پاریس.

۶. گردشگری بین‌المللی به‌رغم مشکلات ژئوپلیتیکی و همچنین عدم قطعیت اقتصادی همچنان رشد خواهد شد و درآمد بی‌سابقه ۱٫۵ تریلیون دلاری را به همراه خواهد داشت. البته بعد از همه‌گیری قیمت‌ها هم در این صنعت افزایش یافته است.

۷. جهان پیرتر و خاکستری‌تر می‌شود و در نتیجه هزینه‌ها برای سلامت هم افزایش پیدا می‌کند. در این سال یک نفر از هر ده نفر بالای ۶۵ سال خواهد بود. مراقبت از سلامت یک‌دهم از تولید ناخالص داخلی جهان را تشکیل خواهد داد.

۸. آمریکا ۸۸۶ میلیارد دلار صرف دفاع خواهد کرد. عمده این هزینه صرف اوکراین و مقابله با چین خواهد شد. آمریکا باید به همسایه‌های چین نظیر ژاپن، تایوان و فیلیپین کمک کند تا از خودشان دفاع کنند.

۹. وسایل نقلیه برقی پیش‌تاز هستند و عمده قوت و قدرت خود را از حمایت‌های دولتی می‌گیرند. یکی از هر چهار خودروی تولیدی جدید، برقی خواهد بود و بیش از نیمی از آن‌ها در چین فروخته خواهد شد.

مسائلی وجود دارند که در سال ۲۰۲۴ باید توجهی ویژه به آن‌ها داشته باشید تا بتوانید اوضاع کسب‌وکارها را بهتر رصد و حتی پیش‌بینی کنید. در ابتدا به بررسی ۱۰ جریان اصلی در کسب‌وکارها در سال ۲۰۲۴ می‌پردازیم

۱. بانک‌های مرکزی از جمله فدرال رزرو یا همان بانک مرکزی آمریکا نرخ بهره را کاهش خواهند داد چرا که قیمت‌ها روندی نزولی را در پیش گرفته‌اند. تورم جهانی همچنان ۵ درصد خواهد بود و مصرف‌کننده همچنان باید صرفه‌جویی کند.

۲. در میان تلاش‌هایی که برای کاهش روند تغییرات اقلیمی صورت گرفته، مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر به ۱۱ درصد رسیده که رکورد جدیدی محسوب می‌شود. البته سوخت‌های فسیلی همچنان چهارپنجم از کل تقاضای انرژی جهان را تشکیل می‌دهند.

۳. هزینه‌ها در زمینه فناوری‌های ارتباطی حدود ۹ درصد افزایش یافته است. هوش مصنوعی فضای متفاوت ایجاد کرده که همه می‌دانند درآمد زیادی به همراه خواهد داشت.

چرا باید خواند:

نشریه اکونومیست

همیشه در سالنامه

خود به مرور صنایع

و کسب‌وکارهای

مختلف می‌پردازد

و تلاش می‌کند

پیش‌بینی‌هایی در

مورد کسب‌وکارها

و همچنین صنایع

گوناگون داشته

باشد. این بخش به

همین پیش‌بینی‌ها

اختصاص داده شده

است.

حدود ۲۵ درصد از خودروهای تولیدی جدید، برقی خواهند بود که بیش از نیمی از آن‌ها در چین فروخته خواهد شد. سوددهی بازار خودروهای برقی همچنان متکی بر حمایت‌های دولتی خواهد بود. خودروسازان چینی به دلیل معافیت از پرداخت مالیات، می‌توانند راحت‌تر تولید و در نهایت بیشتر سود کنند. به این ترتیب صادرات آن‌ها هم افزایش خواهد یافت. خریداران آمریکایی به دنبال قیمت‌های پایین‌تر خواهند بود. خودروسازان بریتانیایی هم باید توجه بیشتری به خودروهای برقی نشان دهند.

آمریکا، چین، ژاپن و کشورهای اتحادیه اروپا رقابت تنگاتنگی بر سر تولید خودروهای برقی خواهند داشت. آن‌ها می‌خواهند سرمایه‌گذاری‌های خود را در این زمینه و به‌ویژه در رابطه با باتری‌های خودروهای برقی افزایش دهند. آمریکا در حال افزایش ظرفیت است. رنو با شراکت نسان برنامه‌هایی را پیش می‌برد. تسلا هم به دنبال تولید خودروهایی با هدف فروش در بازارهای چین و اروپاست. ماشین‌های بدون راننده هم در اروپا مورد استقبال واقع خواهند شد.

**موردی جذاب برای دنبال کردن: باتری‌های بهتر** با لیتیومی با چالش‌هایی در سال ۲۰۲۴ مواجه خواهند شد چرا که رقابت در زمینه تولید انواع آن‌ها بیشتر می‌شود. از همه مهم‌تر اینکه چین احتمالاً انقلابی در زمینه باتری‌ها رقم خواهد زد. تیوتا هم اعلام کرده که برنامه‌ای در سال ۲۰۲۴ در رابطه با باتری‌ها آغاز می‌کند که فناوری‌اش تا سال ۲۰۲۷ تکمیل خواهد شد.

## دفاع و فضا

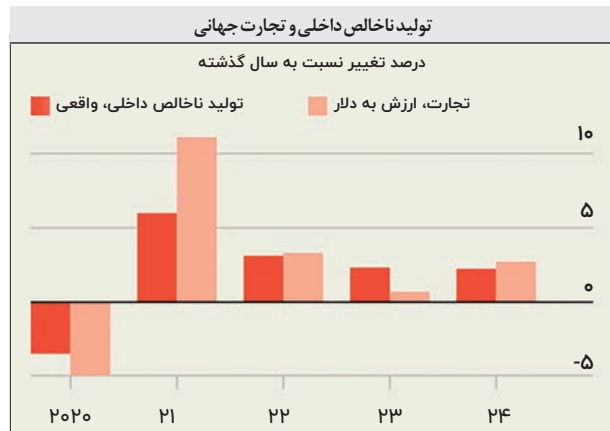
۲

اوکراین به نبرد خود مقابل روسیه ادامه می‌دهد و روابط چین و آمریکا تیره و تار می‌شود. قدرت‌های نظامی هم سعی دارند در این بین، بودجه‌های دفاعی خود را افزایش دهند. حدود یک سوم از اعضای ناتو قرار است بیش از ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف امور دفاعی کنند. آن‌ها همچنین وارد هفتاد و پنجمین سال از اتحاد خود خواهند شد. فنلاند، که به تازگی به ناتو ملحق شده هم در این جمع خواهد بود. بریتانیا و لهستان به قدر کافی هزینه خواهند کرد و فرانسه کمی از آن‌ها عقب می‌ماند. سوئد که به تازگی به عضویت ناتو درآمده هم احتمالاً در این زمینه هزینه‌اندکی خواهد کرد.

آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین هزینه‌کننده در عرصه امور دفاعی، حدود ۸۸۶ میلیارد دلار می‌فروشد. احتمالاً حدود ۱۳ میلیارد دلار از این رقم صرف اوکراین خواهد شد. این در حالی است که آمریکا تا کنون ۴۵ میلیارد دلار در این زمینه هزینه کرده است. آمریکایی‌ها قرار است جنگنده‌های نسل جدیدتر را هم وارد میدان کنند. استارت‌آپ‌ها هم در زمینه امور نظامی و دفاعی فعال‌تر خواهند شد و سرمایه‌گذاری‌های بیشتری روی آن‌ها می‌شود. بودجه دفاعی آمریکا به صورت کلی رشد ۳ درصدی خواهد داشت که خیلی زیاد نیست به‌ویژه با در نظر گرفتن تورم در این کشور. این در حالی است که چین به عنوان رقیب آمریکا افزایش ۷ درصدی را در نظر گرفته است.

ترس از چین باعث می‌شود در میان کشورهای آسیایی هزینه برای امور دفاعی افزایش پیدا کند. فیلیپین به دنبال افزایش دورقمی بودجه دفاعی‌اش است. ژاپن هم بودجه دفاعی خود را به حد بی‌سابقه‌ای افزایش می‌دهد. تایوان هم به صورت اجبار، افراد را وادار به خدمت سربازی خواهد کرد و موشک‌های تدافعی‌اش را بیشتر می‌کند. هند همچنان بزرگ‌ترین خریدار سلاح‌های روسی خواهد بود. این کشور تکیه زیادی به کشورهای

۱۰. حدود ۶۰ درصد از شرکت‌های آمریکایی اجازه داده‌اند که کارکنانشان از خانه کار کنند. به این ترتیب یک‌پنجم از کل دفاتر کاری در آمریکا خالی خواهند بود. اروپا در این زمینه سختگیرتر بوده و در نتیجه نرخ خالی بودن دفاترهای کاری، ۸ درصد است.



با در نظر گرفتن ۱۰ نکته‌ای که در مورد فضای کسب‌وکارها به آن اشاره شد، در مورد صنایع باید در انتظار چه وضعیتی باشیم؟ تنش‌های ژئوپلیتیک میان چین و آمریکا تشدید شده و در سال ۲۰۲۴ می‌تواند بدتر هم شود. البته تورم روندی نزولی در پیش می‌گیرد و این نکته‌های مثبت ارزیابی می‌شود. در ادامه به بررسی چند صنعت مهم پرداخته شده است.

## خودرو

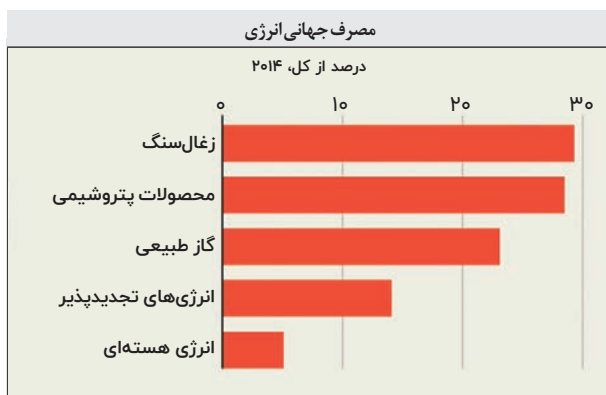
۱

صنعت خودروسازی در سال ۲۰۲۴ همچنان به روند کند و آهسته سال پیش خود ادامه خواهد داد. فروش جهانی باز هم به سطوح پیش از همه‌گیری کرونا نخواهد رسید. فقط ۳ درصد خودروی جدید نسبت به سال ۲۰۲۳ در جهان فروخته خواهد شد. به دلیل تلاش برای کاهش انتشار کربن، اقبال به خودروهای بنزینی کم می‌شود. با این حال، خودروهای برقی با استقبال زیادی مواجه خواهند شد.





فروش دارو در جهان از ۱/۶ تریلیون دلار عبور خواهد کرد. در این زمینه آمریکا رتبه سوم جهان و چین رتبه دوم را در دنیا خواهد داشت. رقابت در زمینه دارو هم در سال ۲۰۲۴ بالا می‌گیرد که باعث می‌شود قیمت داروها کاهش پیدا کند. داروهای ضد جاقی بیش از هر چیزی طرفدار پیدا خواهند کرد. همه‌گیری هنوز فراموش نشده اما اثر آن بسیار کم‌رنگ شده است.



غربی دارد. چین هم از خرید پاکستان در زمینه سلاح، نفع می‌برد. آمریکا، چین و ژاپن هر سه به دنبال تولید موشک‌های هایپرسونیک خواهند بود. روسیه هم از همه جلوتر است چراکه در جنگ قرار دارد.

### انرژی

۳

هر چند مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر با خیزش ۱۱ درصدی به رکورد جدیدی دست پیدا کرده، باز هم سوخت‌های فسیلی حدود ۸۰ درصد از تقاضای انرژی جهان در سال ۲۰۲۴ را برآورده خواهد کرد. مصرف نفت رشد یک درصدی خواهد داشت چراکه اقتصادها در مسیر بهبود قرار گرفته‌اند. با این حال، افزایش تولید نفت از طرف عربستان سعودی و آمریکا منجر به ثبات قیمت نفت و حفظ آن روی ۸۵ دلار در ازای هر بشکه خواهد شد. به عبارت ساده‌تر، قیمت نفت افزایش چشمگیری نخواهد داشت. زغال سنگ و گاز هم با افزایش نسبی مصرف مواجه می‌شود. البته سرمایه‌گذاران در رابطه با سرمایه‌گذاری روی زغال سنگ مردد هستند. بریتانیا و احتمالاً ایتالیا، تاسیسات برق خود را که از طریق زغال سنگ تامین می‌شود، تعطیل می‌کنند. اما آسیا همچنان با ولع به دنبال سوخت‌های کثیف و آلاینده است.

سوزاندن سوخت‌های فسیلی منجر به تولید ۷۰ درصدی انتشارات کربنی در سال ۲۰۲۴ نسبت به سال ۱۹۹۰ می‌شود. به این ترتیب پیگیری اهداف انرژی پاک هم جدی‌تر می‌شود. بریتانیا هم شرکت‌های خود را وادار می‌کند اهداف کربن صفر را دنبال کنند. اتحادیه اروپا یارانه‌هایی برای توافق‌های سبز در نظر خواهد گرفت. آمریکا هم می‌خواهد صرفه‌جویی در مصرف انرژی را در پیش بگیرد. چین هم قرار است رشد اقتصادی بر پایه کربن را به حداقل برساند.

مصرف انرژی بادی و خورشیدی نسبت به سطوح سال ۲۰۱۹ دو برابر خواهد شد. بخشی از این ماجرا به اجرای قوانینی در آمریکا و اروپا مربوط می‌شود. هزینه تولید انرژی هم کاهش پیدا می‌کند اما همچنان نسبت به سطوح سال ۲۰۲۰ بین ۱۰ تا ۱۵ درصد بیشتر است. حداقل ۱۱ راکتور هسته‌ای افتتاح می‌شوند. از جمله آن‌ها می‌توان به مواردی در ترکیه و بنگلادش اشاره کرد. سرمایه‌گذاری در زمینه هیدروژن در آلمان روندی افزایشی پیدا کرده و همچنین در اردن و بسیاری از دیگر نقاط جهان. با این حال، انرژی‌های تجدیدپذیر و هسته‌ای فقط ۲۰ درصد از کل انرژی جهان را تامین می‌کنند. یکی از موانع در زمینه توسعه، مقوله تغییرات اقلیمی است که منجر به خشکسالی و در نتیجه کاهش انرژی‌های آبی شده است.

### خدمات مالی

۴

افزایش نرخ بهره بانکی در سال ۲۰۲۴ متوقف خواهد شد. بسیاری از بانک‌ها هم روند سوددهی را تغییر می‌دهند. کاهش درآمد حاصل از بهره‌های بانکی می‌تواند به وام‌دهندگان آمریکایی ضررهایی را وارد کند. اکثر بانک‌های اتحادیه اروپا بعد از سال سخت ۲۰۲۳ شاهد افت وام‌های ناهنجار خواهند بود. به این ترتیب تکیه به بانک‌های مرکزی هم کاهش پیدا می‌کند. بانک‌های آسیایی قوی‌ترین رشد را تجربه می‌کنند و چین همچنان به حمایت خود از بازار بحران زده مسکنش ادامه می‌دهد.

تعداد شعبات بانکی و همچنین دستگاه‌های خودپرداز کاهش پیدا خواهد کرد چرا که بانکداری دیجیتالی متحول می‌شود و بیشتر به استقبال مردم روبه‌رو می‌شود. بانک‌های اتحادیه اروپا به دنبال بهره‌گیری از روش‌های دیجیتالی خواهند بود. لرزه‌ها در بازار فین‌تک یا فناوری مالی ادامه خواهد داشت. بسیاری از سرمایه‌گذاران در انتظار سوددهی استارت‌آپ‌هایی هستند که روی آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده‌اند. بازار نقدینگی غنی‌تر می‌شود که عمده آن از طرف بازارهای نوظهور و سهام فناوری خواهد بود. در آسیا هم هند طرفدارانی پیدا خواهد کرد در زمینه امور بانکی و خدمات مالی.

قانون‌گذاری در زمینه امور مالی افزایش خواهد یافت. در اکثر کشورها، مقررات‌گذاری در این زمینه پیشرفت قابل توجهی را تجربه خواهد کرد. بیمه‌گران هم با قوانین جدیدی روبه‌رو خواهند شد.

### موردی جذاب برای دنبال کردن: فضای مالی!

گزارش‌ها در زمینه تغییرات اقلیمی و اثرات بر آن در سال ۲۰۲۴ افزایش پیدا می‌کند. استانداردهای بین‌المللی در زمینه پایداری هم جدی‌تر می‌شوند. به این ترتیب این مسئله می‌تواند روی فضای مالی در میان آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها اثرگذار باشد.

### مواد غذایی و کشاورزی

۵

بخش تحقیقات اکونومیست پیش‌بینی کرده که قیمت سوخت و کود کاهش پیدا کند و به این ترتیب میزان برداشت محصولات هم در سال ۲۰۲۴ متحول می‌شود و این مسئله روی شاخص‌های مربوط به قیمت‌های محصولات کشاورزی اثر می‌گذارد. این دومین سالی خواهد بود که چنین اتفاقی رخ می‌دهد. البته ریسک‌های زیادی برای این پیش‌بینی وجود دارد. این مسئله می‌تواند روی میزان عرضه مواد غذایی در جهان اثر منفی بگذارد. جنگ و همچنین وضعیت





کرونا هم بیشتر خواهد شد. مصر برنامه بیمه سلامت خود را توسعه خواهد داد؛ اسلوانی خودش را برای برنامه‌های درازمدت حوزه سلامت آماده می‌کند. هند در انتخابات خود با مقوله افزایش هزینه‌های سلامت به عنوان یک معضل روبه‌رو است و احتمالاً باید هزینه‌ها را پیش از برگزاری انتخابات بالا ببرد و این مسئله‌ای بزرگ است. آمریکا به دنبال کاهش هزینه‌های سلامت است. بخش خصوصی هم در زمینه مراقبت از سلامت رشد خواهد کرد. آمازون و وال‌مات هر دو کلینیک‌های جدید سلامت راه‌اندازی می‌کنند.

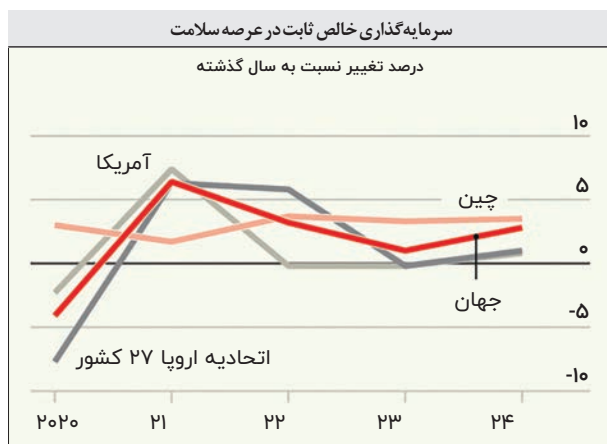
فروش دارو در جهان از ۱٫۶ تریلیون دلار عبور خواهد کرد. در این زمینه آمریکا رتبه سوم جهان و چین رتبه دهم را در دنیا خواهد داشت. رقابت در زمینه دارو هم در سال ۲۰۲۴ بالا می‌گیرد که باعث می‌شود قیمت داروها کاهش پیدا کند. داروهای ضد چاقی بیش از هر چیزی طرفدار پیدا خواهند کرد. همه‌گیری هنوز فراموش نشده اما اثر آن بسیار کمرنگ شده است.



**موردی جذاب برای دنبال کردن: تعریف مرگ!** برخی از دادگاه‌ها برای اینکه بگویند فردی از دنیارفته، روی مغز او تمرکز می‌کنند که ببینند عملکرد قابل قبولی دارد یا خیر. برخی معتقدند مغز کلاً نباید عملکرد داشته باشد در حالی که برخی دیگر می‌گویند اگر مغز عملکردش کند شود و هم مرگ رخ داده است. در آمریکا قوانین در این زمینه تهیه خواهد شد که می‌تواند روی تعریف مرگ و فرد متوفی اثر بگذارد.

وخمیم مواد غذایی منجر به گرسنگی بیش از ۳۴۵ میلیون نفر در جهان خواهد شد. عدم قطعیت بسیار بالا گرفته و به مسئله‌ای مهم در منطقه دریای سیاه تبدیل خواهد شد. عمده این مسئله به جنگ میان روسیه و اوکراین مربوط می‌شود. پدیده ال‌نینو که از گرم شدن آب‌های اقیانوس اطلس ناشی شده هم از دیگر مواردی است که روی شرایط اقتصادی اثر منفی می‌گذارد. هزینه آن برای اقتصاد جهان طبق برخی برآوردها ۳ تریلیون دلار خواهد بود. انتظار می‌رود ال‌نینو در سال ۲۰۲۴ کمی فرونشست کند با این حال در آفریقا، آسیا و آمریکای مرکزی شاهد اثرات آن خواهیم بود. دولت‌ها معمولاً در واکنش به چنین بحران‌هایی با یارانه سعی می‌کنند جلوی تشدید شرایط بحرانی را بگیرند. در کشورهایی نظیر هند به فکر کنترل قیمت و قیمت‌های دستوری می‌افتند. تصمیم‌های هند به عنوان کشوری که تولیدکننده اصلی مواد غذایی در دنیای امروز محسوب می‌شود، از اهمیتی ویژه برخوردار است. خوردن غذاهای سالم هم به رویه‌ای مهم در سال جدید تبدیل خواهد شد. کانادا به دنبال محدودسازی تبلیغات تنقلات است. لهستان سعی دارد مصرف نوشیدنی‌های انرژی‌زا به کودکان را ممنوع کند. حتی در کشورهای در حال توسعه‌ای نظیر کلمبیا و فیلیپین هم قرار است تعرفه‌های روی مصرف نوشیدنی‌های قندی نظیر نوشابه و مواد غذایی فرآوری شده قرار دهند.

**موردی جذاب برای دنبال کردن: پودر قدرت!** در سال ۲۰۲۴ یک شرکت فنلاندی قرار است نوعی پودر پروتئینی تولید کند که به صورت تخمیری به تغذیه میکروبیها تبدیل می‌شود. این پودر می‌تواند بسیار مغذی باشد و ظاهراً از طرف سنگاپور هم تاییدیه‌ای دریافت کرده است.



## زیرساخت

می‌توان گفت بهبود زیرساخت فرسوده ایالات متحده آمریکا از اولویت‌های اصلی افرادی که در انتخابات به جو بایدن رای دادند، نبود. با این حال، بایدن به تلاش‌هایی که در راستای نوسازی زیرساخت‌های حمل و نقل و برق انجام داده است، می‌بازد. البته قطعاً عایدی او از این دستاوردها به‌کندی سوی او روانه خواهد شد. سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص آمریکا، که در نقش‌نمایی برای هزینه‌های زیرساخت عمل می‌کند، از لحاظ ارزش واقعی کمتر از ۱ درصد در سال ۲۰۲۴ افزایش پیدا خواهد کرد. این در حالی است که چنین پارامتری در سطح جهان افزایشی ۲٫۷ درصدی را تجربه می‌کند. با نرخ کمتر از ۱ درصد، شکاف بین هزینه‌های زیرساخت آمریکا و نیازهای طی دهه منتهی به ۲۰۲۹ به ۲٫۶ تریلیون دلار، یا سالانه ۲۶۰ میلیارد دلار، می‌رسد.

## مراقبت از سلامت

پول در سال ۲۰۲۴ نمی‌تواند همه بیماری‌های موجود در صنعت مراقبت از سلامت را درمان کند. هزینه‌های سلامت، همچنان از طرف همه‌گیری و تورم ارتقا پیدا می‌کنند و بیش از ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را به خود اختصاص خواهد داد. با این حال همچنان امید به زندگی مردم در نیجریه ۳۰ سال کمتر از مردم هنگ‌کنگ خواهد بود. حتی در چین شرایطی، ۱۰ درصد از انسان‌ها در جهان ۶۵ ساله یا بیشتر خواهند بود. کشورهای توسعه‌یافته با جمعیت پیر تلاش می‌کنند نیروهای کار حوزه سلامت را جذب کنند. بسیاری از نیروهای کار حوزه سلامت هم دچار فرسایش می‌شوند و حتی برخی استعفا خواهند کرد.

دولت‌ها تلاش می‌کنند این شکاف‌ها را پر کنند. حدود ۸۰ درصد از هزینه‌ها از طرف منابع دولتی حاصل می‌شود برای مثال مالیات یا بیمه اجباری می‌شود، حتی از زمان همه‌گیری

مس همپنجان برای سرمایه‌گذاری‌های سبز بهترین فلز است و در این عرصه می‌درخشد. تقاضا برای این فلز در اقتصاد دیجیتال هم وجود دارد چرا که مس کاربرد زیادی در ساخت کابل‌های الکتریکی و باتری‌ها دارد. قیمت آلومینیوم از طرف شرکت‌های ساخت‌وساز آسیایی و تولیدکنندگان خودرو در این منطقه تعیین می‌شود.

بزرگ‌ترین تأخیرها مربوط به افتتاح تاسیسات تولید چیپ شرکت تی‌اس‌ام‌سی در آمریکا است که ابتدا قرار بود در سال ۲۰۲۴ کار خود را آغاز کند، اما حالا افتتاح را تا ۲۰۲۵ به تعویق افتاده‌است. مهندسی مجدد زنجیره‌های تامین برای اهداف ژئوپلیتیکی منجر به این خواهد شد که خود نوآوری در عرصه فناوری امری ساده جلوه کند.

### رسانه و سرگرمی

۹

با اینکه صنعت آگهی‌ها در جهان در سال ۲۰۲۳ وضعیتی مایوس‌کننده داشت، اکنون به درآمدهای حاصل از آن در سال جدید میلادی امیدهای بسیاری است. دنتسو، یکی از غول‌های رسانه‌ای پیش‌بینی کرده که صنعت آگهی‌ها رشد ۵ درصدی را در سال ۲۰۲۴ تجربه کند و به ارزش ۷۶۲٫۵ میلیارد دلار برسد. بخشی از این ماجرا از انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا ناشی می‌شود؛ بخشی هم به خاطر بازی‌های المپیک در پاریس و همچنین بازی‌های فوتبال یورو ۲۰۲۴ است. تبلیغات دیجیتالی تقریباً نیمی از کل هزینه‌های تبلیغات را در بر می‌گیرد. خردفروشی‌ها هم می‌توانند آگهی‌هایی روی وبسایت‌ها بگذارند و فروش خود را چندبرابر کنند. البته فعلاً مصرف‌کنندگان خیلی خرج نمی‌کنند.

خیزش آگهی‌های دیجیتالی در حالی پیش می‌رود که نگرانی‌ها بر سر حریم خصوصی تشدید شده است. گوگل در سال ۲۰۲۴ روسیه ایل را در پیش می‌گیرد و کوکی‌های طرف سوم را می‌بندد. اما عمده توجه به سمت گوگل است که از این طریق تلاش دارد روی آگهی‌های دیجیتالی سلطه داشته باشد. در اروپا، دومین دادگاه علیه گوگل شکل گرفته و قرار است پرونده این غول فناوری را به آمریکا بکشاند تا به آن رسیدگی کنند. هر چند مقامات آمریکایی اغلب به دنبال این هستند که هر نهادی خودش قوانینش را تعیین کند، اما ممکن است در این زمینه ناچار به مداخله شوند و حتی استفاده از هوش مصنوعی را در رابطه با تبلیغات سیاسی، محدود کنند. حداقل انتظار می‌رود این اتفاق در سال ۲۰۲۴ رخ بدهد چرا که قرار است انتخابات برگزار شود و باید جلوی نشر اطلاعات نادرست گرفته شود.

محتوایی که هوش مصنوعی تولید می‌کند منجر به دردهایی برای هالیوودی‌ها شده است. نگرانی‌ها درباره رقابت ربات‌ها بالا گرفته و انتظار می‌رود اعتصاب نویسندگان و بازیگران بیش از پیش شود. با این وضعیت امکان دارد برخی از پر فروش‌ترین فیلم‌ها در اعتراض به وضعیت هوش مصنوعی به اکران در نیابند. این مسئله همچنین می‌تواند درآمد حاصل از گیشه‌ها را در آمریکا تحت تأثیر خود قرار دهد یعنی آن را کم کند. رقابت میان غول‌های رسانه‌ای هم بیشتر می‌شود. هر کدام تلاش می‌کنند بخشی از این بازار پرسود را در اختیار خود بگیرند. باز هم باید ببینیم در این سال چه اتفاقاتی برای رسانه‌ها رقم می‌خورد

این شکاف در آسیا بیشتر هم هست و به ۴۵۹ میلیارد دلار در سال می‌رسد که سهمی عمده از شکاف سالانه جهانی ۳ تریلیون دلاری دارد. با این حال، سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص آسیا در سال ۲۰۲۴ رشد قابل توجه ۴ درصدی را تجربه خواهد کرد. اندونزی به تنهایی ۲۸ میلیارد دلار را به این مسئله اختصاص خواهد داد و از این طریق سرمایه‌های زیاد وارد عرصه زیرساخت خود می‌کند. تمرکز چین از سوی دیگر بر روی توسعه زیرساخت دیجیتال و مدیریت پسماند خواهد شد. آلمان پیشروی رشد سرمایه‌گذاری ۱ درصدی اروپا خواهد بود و ۶۱ میلیارد دلار را روانه زیرساخت‌های سبز خواهد کرد. سرمایه‌گذار در انرژی بادی و خورشیدی، که عمده آن در چین رخ می‌دهد، در سطح جهان رکورد خواهد زد. کشورهای حوزه بالتیک که از بازی‌های روسیه در بازار انرژی هراس دارند، اصلاً علاقه ندارند که شبکه برق خود را هم‌سرنوشت شبکه برق اروپای مرکزی ببینند. تسلا و دیگر خودروسازان در سال آینده شبکه‌های شارژ خودرو را احداث خواهند کرد. هند به دنبال احداث بزرگراه‌های عظیم است و در این زمینه بودجه‌های معادل آمریکای «عشق ماشین» در نظر گرفته‌است.

**موردی جذاب برای دنبال کردن: کمربند یا آمادگی برای سقوط؟** پس از بیش از یک دهه، برنامه کمربند و جاده چین نیازمند یک شروع مجدد است. سرمایه‌گذاری در آفریقا سقوط کرده، پاکستان غرق در بدهی است و ایتالیا می‌خواهد از این مسیر خارج شود. چین در سال ۲۰۲۴ باز دومین منبع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پس از آمریکا خواهد بود. با این حال پروژه‌های مربوط به کمربند و جاده را با دقت بیشتری ارزیابی می‌کند و به دنبال کسب کمک از کشورهای اتحادیه بریکس خواهد بود.

### فناوری اطلاعات

۸

به گزارش گروه مشاور گartner، پس از چند سال کند و آهسته، هزینه جهانی در زمینه فناوری اطلاعات در سال ۲۰۲۴ با افزایشی تقریباً ۹ درصدی به اوج خود خواهد رسید. هزینه مربوط به توسعه سخت‌افزار باز هم افزایش پیدا می‌کند. تعداد بارهای مربوط به کامپیوترهای شخصی هم باز به ۲۶۱ میلیون خواهد رسید، که البته کماکان پایین‌تر از اوج خود در سال ۲۰۱۹ است. هوش مصنوعی پر استفاده‌ترین کلیدواژه جهان فناوری خواهد بود. کسب‌وکارها توجه خود را متوجه هوش مصنوعی و دیگر فناوری‌های جدید خواهند کرد تا از طریق آن بتوانند بهره‌وری را افزایش دهند، هزینه‌ها را کاهش دهند و ریسک‌ها را مدیریت کنند. با این حال هوش مصنوعی به اندازه دلخواه مدافعانش درآمد تولید نخواهد کرد.

با پیاده‌سازی کامل «لایحه بازارهای دیجیتال» در سال ۲۰۲۴، اتحادیه اروپا جایگاه خود را به عنوان رگولاتور فناوری جهانی تحکیم خواهد کرد. قوانین مربوط به هوش مصنوعی زمان و انرژی زیادی را به خود متوجه می‌کند و مقررات‌گذاران به دنبال تعریف کردن نقاط چک و بررسی برای

بالتا خواهند بود. الگوریتم‌ها به منبع اصلی نگرانی برای حملاتی سایبری و پخش اخبار جعلی تبدیل می‌شوند و قانون‌گذاران اتحادیه اروپا باز هم با قاطعیت با این مسئله برخورد خواهند کرد. اعضای این بلوک تا ماه اکتبر باید همکاری و همراهی کامل را با قوانین وضع شده برای مبارزه با حملات سایبری به انجام برسانند. در همین حال، بانک مرکزی اروپا در آستانه دورانی از عدم قطعیت اقتصادی، تاب‌آوری سایبری بانک‌های اصلی خود را به آزمایش خواهد گذاشت.

پیشرفت‌های فناوری تقاضای نیمه‌رساناهای پیشرفته‌تری را افزایش می‌دهد، حتی در حالی که انحصار تامین مواردی مانند چیپ‌های حافظه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دولت‌های غربی با استفاده از یارانه‌های فراوان به دنبال این خواهند بود که تولیدکننده‌های نیمه‌رساناها را به خود جذب کنند و از این طریق با سلطه چین بر این صنعت مقابله کنند. با این حال، باید منتظر اخباری مبنی بر کمبود نیروی کار و به تأخیر افتادن افتتاح کارخانه‌ها باشیم. یکی از



## فلزات و معدن

۱۰

هر چند قیمت بسیاری از محصولات کشاورزی در سال ۲۰۲۴ سقوط خواهد کرد، اکثر فلزات گران قیمت‌تر خواهند شد. مس همچنان برای سرمایه‌گذاری‌های سبز بهترین فلز است و در این عرصه می‌درخشد. تقاضا برای این فلز در اقتصاد دیجیتال هم وجود دارد چرا که مس کاربرد زیادی در ساخت کابل‌های الکتریکی و باتری‌ها دارد. قیمت آلومینیوم از طرف شرکت‌های ساخت‌وساز آسیایی و تولیدکنندگان خودرو در این منطقه تعیین می‌شود. هر چه تقاضای آن‌ها بیشتر باشد، افزایش قیمت هم محسوس‌تر خواهد بود. فولاد هم با افزایش قیمت مواجه می‌شود اما همچنان ۳۶ درصد زیر اوج قیمت خود در سال ۲۰۲۱ خواهد بود. طلا و پلاتینیوم هم در نگاه سرمایه‌گذاران، فلزاتی درخشان خواهند بود که در شرایط توقف افزایش نرخ بهره، می‌توانند دارایی امن به شمار آیند و احتمالاً روی آن‌ها سرمایه‌گذاری خواهد شد.

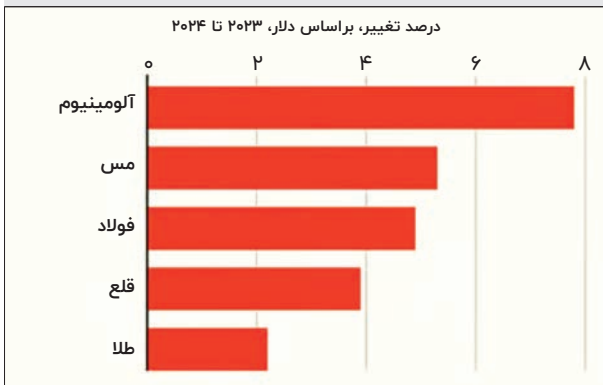
هر فلزی در سال ۲۰۲۴ نمی‌درخشد. نیکل و روی هر دو در سال ۲۰۲۲ به اوج رسیدند، اکنون اما تولیدکنندگان در اندونزی و چین منجر به سرکوب قیمت این فلزات شده‌اند. لیتیم هم احتمالاً با مازاد عرضه در بازار مواجه خواهد شد که می‌تواند منجر به کاهش قیمتش شود. این اتفاق از سمت زیمبابوه رخ می‌دهد، این کشور بیشترین ذخایر لیتیم را در جهان دارد. قیمت زغال‌سنگ هم به مرور کم می‌شود، به‌ویژه به این خاطر که بحران انرژی از سمت روسیه کمتر شده است. تولیدکنندگان فولاد و آلومینیوم در اروپا با هزینه‌هایی مواجه می‌شوند که مکانیزم‌های کارشان را تغییر می‌دهد.

اروپا و آمریکا هر دو تلاش دارند جلوی سلطه چین بر مواد معدنی حیاتی را بگیرند، به‌ویژه آن دسته از مواد معدنی که برای انرژی پاک کاربرد دارد. این یعنی سرمایه‌گذاری در معادن همه‌جا صورت خواهد گرفت، از استرالیا گرفته تا شیلی. انگولا و بوتسوانا هم با هم متحد می‌شوند تا الماس استخراج کنند. خصوصی‌سازی تولید الماس در انگولا می‌تواند در این زمینه نقش آفرین باشد.

**موردی جذاب برای دنبال کردن: معدن، معدن، معدن!** سازمان ملل به دنبال ایجاد قوانین برای حفر معدن بر بستر دریاها است. برخی از کشورها نظیر کانادا، نروژ، ژاپن و کره جنوبی به دنبال روش‌هایی هستند که حفر معدن در بستر دریاها آزاد شود و در سال ۲۰۲۴ این کار را انجام دهند با این حال برخی از فعالان محیط زیست معتقدند چنین اقداماتی منجر به به آسیب‌های زیست‌محیطی می‌شود و در نتیجه تلاش دارند جلوی این اقدامات را بگیرند.

## قیمت فلزات

درصد تغییر، براساس دلار، ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۴



## مسکن

۱۱

سرمایه‌گذاران در بازار مسکن در سال ۲۰۲۴ انتظار اتفاقات خوبی را ندارند. آن‌ها می‌دانند که الگوی سرمایه‌گذاری در این بازار تغییر کرده است. حدود ۶۰ درصد از شرکت‌های آمریکایی به کارکنان خود اجازه داده‌اند که دور کار باشند و به این ترتیب دفاتر کاری در این کشور خارجی از سکنه شده است. طبق برخی آمار به دست آمده، یک پنجم از دفاتر کاری در آمریکا خالی شده است. خلا دفاتر کاری در کانادا به ۱۵ درصد افزایش پیدا کرده اما در اروپا فقط ۸ درصد است چرا که اروپایی‌ها با دور کاری و محیط کاری هیبرید چندان موافق نیستند. بازار مسکن چین همچنان پر آشوب باقی خواهد ماند. البته دولت به حمایت خود از این بخش ادامه می‌دهد. سایر کشورهای آسیایی اما احتمالاً شاهد بهبود اوضاع خواهند بود.

کاهش عرضه در زمینه مسکن می‌تواند به بهبود قیمت در برخی از نقاط دنیا کمک کند. علاوه بر آن، برخی از پروژه‌ها با تاخیر مواجه شده‌اند یا حتی به کلی لغو شده‌اند و اکنون امکان دارد که با این ترفندها دوباره شرایطشان بهبود پیدا کند. احتمالاً در سال ۲۰۲۴ ساخت ساختمان‌های سبز و دوست‌دار محیط‌زیست بیش از هر زمانی رایج خواهد شد. ایجاد ساختمان‌هایی به عنوان مرکز مراقبت از سلامت اوج می‌گیرد و رواج پیدا می‌کند. اواخر سال ۲۰۲۴، نرخ بهره روندی نزولی را در پیش می‌گیرد و سرمایه‌گذاران دوباره به بازار مسکن باز می‌گردند. در بریتانیا هم تلاش‌هایی صورت گرفته تا سرمایه‌گذاران به بازار مسکن اعتماد پیدا کنند. چین هم خریدارانی برای مسکن به دویی و استرالیا می‌فرستد.

برخی از دفاتر کاری که متروکه شده‌اند، براساس موازین قانونی، به محلی برای سکونت تبدیل خواهند شد. شرایط برای اجاره خانه در اکثر نقاط دنیا دشوار خواهد بود. در آمریکا مردم ترجیح می‌دهند خانه اجاره کنند تا اینکه بخرند اما در لندن شرایط برعکس است. بسیاری از شهرهای جهان با مشکل کمبود مسکن مواجه هستند.

## خرده‌فروشی

۱۲

تورم رفته‌رفته در حال کاهش است و به این ترتیب باید در انتظار افزایش فروش واقعی در سال ۲۰۲۴ باشیم. این رشد در سال جدید دو برابر سال ۲۰۲۳ خواهد بود. البته مصرف‌کنندگان به این سادگی از نرخ بهره بالا نمی‌گذرند. اکثر خرده‌فروش‌های غربی با ملایمت و آرامی در مسیر بهبود پیش می‌روند. بریتانیا و



محتوایی که هوش مصنوعی تولید می‌کند متجر به دسرهایی برای هالیوودی‌ها شده است. نگرانی‌ها درباره رقابت ربات‌ها بالا گرفته و انتظار می‌رود اعصاب نویسندگان و بازیگران بیش از پیش شود. با این وضعیت امکان دارد برخی از پر فروش‌ترین فیلم‌ها در اعتراض به وضعیت هوش مصنوعی به اکران درنیایند. این مسئله همچنین می‌تواند درآمد حاصل از گیشه‌ها را در آمریکا تحت تاثیر خود قرار دهد، یعنی آن را کم کند.

باید قاعدتاً باید بازار جهانی گوشی‌های هوشمند را از رکود فعلی خود خارج کند. سامسونگ و اپل کماکان بزرگ‌ترین شرکت‌های تولیدکننده گوشی هوشمند خواهند بود، اما شرکت ترازن چین (مالک برندهای تکنو، آیتل و اینفینیکس) بنابر گزارش برخی از تحلیل‌گران وارد ۵ تولیدکننده اصلی جهان خواهد شد.

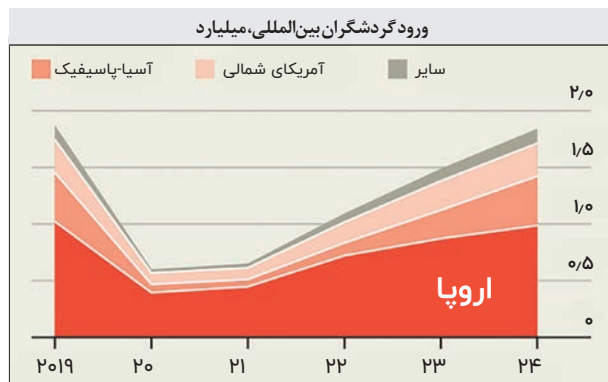
موردی جذاب برای دنبال کردن: مواجهه با واقعیت. ویزن پرو، هدست واقعیت افزوده و واقعیت مجازی اپل، بالاخره در سال ۲۰۲۴ وارد بازار فروش می‌شود. این محصول با قیمت ۳۴۹۹ دلاری خود، گران‌تر از رقیب خود از شرکت متا، کوئست ۳، است. محصول شرکت متا تنها ۴۹۹ دلار قیمت دارد. البته اپل قصد دارد نسخه‌ای ارزان‌تر در آینده روانه بازار کند.

### سفر و گردشگری

صنعت سفر و گردشگر به آینده‌ای روشن و روزهایی خوش در سال ۲۰۲۴ امید دارد. البته بیشترین امید به این است که میزان گرمای خورشید زیاد نباشد. برای اینکه جلوی آتش‌سوزی‌های گسترده در جنگل‌ها گرفته شود به‌ویژه در شرایطی که گرما رکورد تاریخی به ثبت رسانده است، بسیاری از مسافران ترجیح می‌دهند بدون کودکان خود در تابستان به سفر بروند. خطوط هواپیمایی هم برنامه‌های خود را با این مسافران مطابقت می‌دهند. ورودی گردشگران بین‌المللی دوباره افزایش پیدا می‌کند و در ۱ میلیارد و ۸۰۰ میلیون نفر به سطوح سال ۲۰۱۹ و پیش از همه‌گیری کرونا می‌رسد. البته در چین همچنان نکاتی برای رعایت کردن وجود دارد و محدودیت‌ها هم کم نیست. بسیاری از مسافران همچنان طی سفرهای خود به سایر نقاط جهان از برخی موارد احساس نگرانی می‌کنند.

بهرغم همه نگرانی‌ها، همچنان انتظار می‌رود که هزینه‌های بین‌المللی برای گردشگری به رکورد ۱٫۵ تریلیون دلار برسد. پروازهای داخلی هم جزو مواردی هستند که حائز اهمیت هستند که اکنون به میزان پیش از همه‌گیری کرونا رسیده‌اند. سود حاصل از این مسیر همچنان پایین است. شرکت‌های فعال در زمینه تولید وسایل حمل‌ونقل فضایی و هوایی تلاش دارند تولیدات جدیدی به دست خطوط هواپیمایی برسانند. کیفیت هواپیمای خطوط هواپیمایی حتی در ارزان‌ترین بخش‌ها هم قرار است افزایش پیدا کند. بسیاری از مسافران دومی را به عنوان مقصد خود انتخاب می‌کنند. آن‌ها به بلندمدت‌ترین هتل‌ها می‌روند تا شکل جدیدی از سفر را تجربه کنند. برخی هم به هتل‌های مدرن و امروزی در تگزاس می‌روند که البته نرخ کرایه آن‌ها بسیار بالاست.

**موردی جذاب برای دنبال کردن: دست‌تکان دادن برای خداحافظی.** از اواخر سال ۲۰۲۴، مسافرانی که می‌خواهند به منطقه شنگن در اروپا سفر کنند باید از قبل اطلاع بدهند، نوعی ویزا را داشته باشند که به مدت سه سال اعتبار داشته باشد و در نهایت محدودیت‌های بسیاری را تجربه خواهند کرد. این مسئله با هدف افزایش امنیت صورت گرفته است. در نهایت ۱ میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفری که قرار است به اروپا سفر کنند و از ۶۰ کشور مختلف می‌آیند، اطمینان می‌دهند که هدفی جز گردشگری ندارند. ■



آلمان در این مسیر بسیار آهسته پیش خواهند رفت اما در نهایت مشکلی ندارند و اوضاع خرده‌فروشی در آن‌ها بهبود پیدا می‌کند. در این بین، آمریکا همچنان اوضاع سختی را در زمینه خرده‌فروشی سپری خواهد کرد.

حتی چین به عنوان کشوری که دومین بازار خرده‌فروشی در جهان به شمار می‌آید، رشد ۴ درصدی را تجربه خواهد کرد که بسیار اندک است، به‌ویژه در مقایسه با دوران پیش از همه‌گیری کرونا. بازار مسکن در چین یکی از مواردی است که باعث شده اوضاع خرده‌فروشی هم در این کشور چندان مطلوب نباشد. مالزی، تایلند و ویتنام در این زمینه اوضاع بهتری را تجربه خواهند کرد و در زمینه خرده‌فروشی، قدرت دارند. بهترین وضعیت اما برای هند است که در آن، قوانین به سمتی پیش می‌رود که تامین مالی هم صورت می‌گیرد و به کمک فناوری‌های جدید، خرده‌فروشی رونق پیدا کرده است.

موردی جذاب برای دنبال کردن: آلدی اما خوبی! خیلی‌ها آلدی را می‌شناسند، یکی از قدیمی‌ترین و سنتی‌ترین خرده‌فروشی‌ها در جهان. این سوپرمارکت زنجیره‌ای آلمانی، به شدت رشد خواهد کرد. در نیمه نخست سال ۲۰۲۴ قرار دادهایی دارد که به واسطه آن ۴۰۰ فروشگاه جدید جنوب شرق آمریکا می‌خرد. در حال حاضر سهم آلدی در بازار خرده‌فروشی آمریکا تنها ۲ درصد است. اما با اتفاقی که قرار است رخ دهد، انتظار دارد این سهم افزایش قابل توجهی را تجربه کند.

### ورزش

پاریس میزبان بازی‌های المپیک در تابستان سال ۲۰۲۴ خواهد بود. این سومین بار در یک قرن است که این کشور به عنوان میزبان انتخاب شده است. مراسم افتتاحیه قرار است شکلی کاملاً متفاوت داشته باشد. فوتبال نایبانیان هم زیر برج ایفل یا در نزدیکی آن برگزار می‌شود. قوانین در زمینه سکونت بازدیدکنندگان از بازی‌ها و هواداران، قرار است کمی سختگیرانه‌تر باشد تا مشکلات تروریستی پیش نیاید و شرایط را بحران نکند.

سایر رویدادهای ورزشی در سال جدید با المپیک رقابت می‌کنند. بازی‌های فوتبال وورو ۲۰۲۴ یکی از آن‌هاست که در آلمان در ماه ژوئن برگزار خواهد شد. این بازی‌ها شش هفته پیش از بازی‌های پاریس آغاز می‌شوند. بازی‌های آفریقایی در غنا اما یک سال به تعویق افتادند. کوپا آمریکا هم در آمریکا برگزار می‌شود. جام آفریقایی در ساحل عاج برگزار می‌شود. رویدادهای زنانه هم وجود خواهد داشت. برای مثال دوچرخه‌سواران هم تور فرانسه را برگزار می‌کنند. جام‌های زنانه در آمریکا انجام خواهد شد. برای نخستین بار قرار است کسانی که تغییر جنسیت داده‌اند در بازی‌ها حضور رسمی داشته باشند. پیش از این مردانی که تغییر جنسیت داده بودند، به دلیل ماجراهای هورمون تستسترون، اجازه نداشتند در بازی‌ها شرکت کنند.

### ارتباط از راه دور

به گزارش جی‌اس‌ام‌ای، در سال ۲۰۲۴، شبکه‌های ۴جی جای ۵جی را به عنوان فناوری مسلط موبایل در چین خواهد گرفت. با این حال، به کار بستن ۵جی تنها ۲۰ درصد از جهان را در بر خواهد گرفت. شرکت اریکسون، که تولیدکننده زیرساخت‌های ارتباط از راه دور است، انتظار دارد که یک‌چهارم از جمعیت جهان کماکان در سال ۲۰۲۴ دسترسی مناسبی به شبکه باند عریض موبایل نداشته باشند.

کمک از آسمان خواهد رسید. ایلان ماسک، پس از کمک به اوکراین برای متصل ماندن به جهان در طول جنگ، امیدوار است که با دریافت تاییدیه‌های مختلف، پوشش خدمات اینترنت ماهواره‌ای استارلینک خود را در سال ۲۰۲۴ به اندونزی برساند. این مسئله دسترسی و سرعت انتقال را در کشوری آسیایی بهبود خواهد بخشید که دارای یکی از ضعیف‌ترین نرخ نفوذهای اینترنت در این قاره است. جف بزوس، یک میلیاردر دیگر، هم از پروژه کوپیر، که به دنبال فرستادن اولین ماهواره تجاری به فضا در سال ۲۰۲۴ است، حمایت می‌کند.

البته برخی از کشورهای از سلطه آمریکا بر آسمان رضایت ندارند؛ چین، اتحادیه اروپا و روسیه هم به دنبال ارسال ماهواره‌های خود را به فضا پرتاب خواهند کرد. گسترش اینترنت



گرافیتی بر دیوار  
خانه ویران شده‌ای  
در غزه

[ جهان ۲۰۲۴ ]

## جنگی برای آغاز تمام جنگ‌ها

نگاهی به تحولات پیش رو در غرب آسیا و شمال آفریقا

اتحادیه عرب استقبال کردند؛ مذاکراتی بین یمن و عربستان سعودی انجام شد و همچنین ترکیه دوباره مناسبات خود با عربستان سعودی، امارات متحده عربی، مصر و اسرائیل را بهبود بخشید.

در همین حال، روند متناقضی نیز در طول سال ۲۰۲۳ جریان داشت؛ به طوری که تنش‌ها بین برخی بازیگران اصلی منطقه به خصوص در کشورهایی مثل سوریه، لیبی و یمن ادامه داشت. در اواسط آوریل بود که مناقشه جدیدی در سودان آغاز شد و نیروهای ارتش این کشور را در برابر نیروهای شبه‌نظامی قرار داد. از سوی دیگر، جنگ روسیه و اوکراین همچنان به تأثیرگذاری روی خاورمیانه و شمال آفریقا ادامه داد و این مسئله به خصوص در زمینه تأمین مواد اولیه غذایی قابل مشاهده بود. در این دوران ایران به روسیه نزدیک‌تر شد. مناقشه دیگر در منطقه هم در منطقه جنوب قفقاز رخ داد و نیروهای آذربایجان با کمک نظامی اسرائیل طی عملیات نظامی قرمباغ را تصرف کردند. این تحول به سود ترکیه و به ضرر ایران و روسیه تمام شد.

در این دوران، دولت جو بایدن در آمریکا به شدت درگیر تلاش‌هایش برای مقابله با چین و محدود کردن پیشرفت تکنولوژیک و تجاری آن بود و از سوی دیگر هم به تأمین مالی و تسلیحاتی برای

جنگ در غزه و تبعات منطقه‌ای آن در سه ماهه آخر سال ۲۰۲۳ میلادی در صدر اخبار جهان بود و هنوز هم هست و مباحث درباره آینده خاورمیانه و شمال آفریقا را وارد مراحل جدیدی کرده است. با این حال خیلی‌ها به یاد دارند که سال ۲۰۲۳ میلادی با شرایطی کاملاً متفاوت در این منطقه آغاز شده بود. در آن زمان به نظر می‌رسید برخی کشورها به دنبال تنش‌زدایی و عادی‌سازی مناسبات افتادند و تازه از تبعات بسیار گسترده جنگ سوریه رهایی یافته‌اند و به دنبال افق‌های جدیدی افتادند. حسی که در اوایل سال ۲۰۲۳ ایجاد شده بود این بود که به دنبال کاهش شدید نفوذ آمریکا در منطقه، برخی کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که آمریکا شریک قابل اعتمادی نیست و بنابراین آنها باید گام‌هایی جدید برای حل مشکلات و رفع دغدغه‌های امنیتی خودشان بردارند. به همین جهت بود که در ماه مارس ۲۰۲۳ میلادی، خبر توافق برای عادی‌سازی نسبی مناسبات بین دو قدرت منطقه‌ای یعنی ایران و عربستان سعودی منتشر شد و واسطه این تحول هم چین بود.

به همین ترتیب، برخی کشورهای عربی در اقدامی بی‌سابقه در دوازده سال اخیر، از حضور بشار اسد رییس‌جمهور سوریه در نشست

ترجمه: فرزانه سالمی

خبرنگار بخش آینده‌پژوهی

منبع: انستیتو خاورمیانه

چرا باید خواند:

جنگ غزه چنان ابعاد

گسترده‌ای دارد که آینده‌ی

تمام کشورهای غرب آسیا

و شمال آفریقا و همچنین

نقش آفرینان خارجی در

منطقه را تحت تأثیر قرار

می‌دهد. به مناسبت آغاز

سال ۲۰۲۴ به بررسی

تحولات احتمالی ناشی

از این جنگ بر اقتصاد

و سیاست این مناطق

پرداخته‌ایم.

حسی که در اوایل سال ۲۰۲۳ ایجاد شده بود این بود که برخی کشورهای عربی به این نتیجه رسیده‌اند که آمریکا دیگر شریک قابل اعتمادی در خاورمیانه نیست.

از سوی دیگر در کشورهایی مانند سوریه و یمن، معضلات اقتصادی عدیده‌ای وجود دارد که در سال ۲۰۲۴ نیز تداوم خواهند یافت. در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا کشورهای زیادی با درآمد متوسط وجود دارند که همچنان در سال ۲۰۲۴ میلادی در حال تلاش برای کاهش نرخ بیکاری و تورم خواهند بود و البته برخی از آنها مثل ترکیه دچار بار بدهی شدیدی نیز هستند. کشورهای مثل مصر و اردن نیز در این منطقه با ملغمه‌ای از چالش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مواجه‌اند که با توجه به تداوم جنگ غزه و نزدیکی این کشورها به فلسطین، ممکن است تحولات جدیدی را نیز رقم بزنند. اگر بخواهیم اوضاع منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا را از لحاظ جنگ‌های خارج از فلسطین بررسی کنیم، باید به لیبی، سوریه و سودان اشاره کنیم که همچنان دچار جنگ داخلی هستند؛ هرچند که شدت آن مثلا در سودان بیشتر است.

### آمریکای بلا تکلیف

وقتی به سال ۲۰۲۴ و تحولات احتمالی در آن دقت کنیم این طور به نظر می‌رسد که در این سال آمریکا با چالش‌های بسیار زیادی در غرب آسیا و شمال آفریقا مواجه خواهد بود. واضح‌ترین این است که جنگی فعال و گسترده در غزه جریان دارد و از لحاظ امنیتی مشکل بزرگی برای اسرائیل و متحدانش درست کرده است. همچنین تهدیدی دائمی از سوی ایران و پروکسی‌هایش علیه آمریکا در منطقه وجود دارد.

با این حال، برخی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش روی سیاست خارجی آمریکا در منطقه خاورمیانه را باید درونی دانست. دستگاه سیاست‌گذاری و نظام سیاسی آمریکا به صورت واضح در زمینه تدوین و اجرای یک استراتژی منسجم در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا مشکل دارد و از همین بابت، امتیازاتی را به رقبای خود در منطقه واگذار کرده است. این موضوع را شاید بتوان از سه جبهه بررسی کرد. اول اینکه دولت بایدن چالش‌های بزرگی در زمینه تدوین سیاست خود در زمینه امنیت داخلی داشته و عدم موفقیت در مواجهه با این مشکل باعث شده که توانایی آمریکا در رسیدن به استراتژی موثر در

کشورهای  
غربی مذاکراتی  
با دولت مصر  
کرده‌اند و مسئله  
بخشودن شدن  
بدهی‌های سنگین  
خارجی مصر را  
به عنوان مشوقی  
در مقابل پذیرش  
فلسطینی‌ها در  
حاکم مصر مطرح  
کرده‌اند

اگر جنگ با اشغال کامل غزه توسط اسرائیل به پایان برسد، شکی نیست که تنش به بخش‌های دیگر منطقه سرایت خواهد کرد.



اوکراین مشغول بود تا اهدافش علیه روسیه را تامین کند. با این حال، آمریکا از منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا نیز چشم برداشته بود و به دنبال اهداف تجاری و سیاسی‌اش در کنار متحدانی مثل اسرائیل، هند و امارات متحده عربی بود. از همه مهم‌تر اینکه آمریکا تلاش زیادی کرد تا عادی‌سازی روابط بین عربستان سعودی و اسرائیل را بگیرد تا از این طریق، راه‌های تجاری جدید در منطقه هم مورد استفاده قرار بگیرد و به چاره‌ای در برابر نفوذ چین، روسیه و ایران تبدیل شود. اما این امید از همان ابتدا به خاطر سیاست‌های افراطی دولت بنیامین نتانیاهو در خطر بود و به دنبال آغاز جنگ غزه نیز به علامت سوال‌های بسیار بیشتری برخورد. در مجموع شاید بتوان گفت ۲۰۲۳ سالی بود که اول و آخرش به شدت تفاوت داشت و کاسه و کوزه‌های زیادی را به هم ریخت. تبعات تحولات این سال به وضوح در سال ۲۰۲۴ میلادی ادامه خواهد داشت. اگر بخواهیم واضح‌تر بگوییم، هر اتفاقی که در ادامه جنگ غزه بیفتد بر تمام منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا تأثیری عمیق خواهد داشت.

### جنگ به هدف اشغال

در بررسی اکثر تحولات سال ۲۰۲۴ باید فرضیه تداوم جنگ در غزه را در نظر داشته باشیم. واقعیت این است که اگر جنگ غزه با اشغال کامل غزه توسط اسرائیل به پایان برسد و اسرائیل به گسترش شهرک‌سازی‌هایش در کرانه باختری ادامه بدهد، شکی نیست که تنش به بخش‌های دیگر منطقه سرایت خواهد کرد. درگیری‌ها با حضور آمریکا وارد مراحل دشوارتری خواهد شد و بازگرانی مثل یمن و ایران در این میان بیکار نخواهند نشست. از سوی دیگر، اگر جنگ غزه با اشغال کامل غزه به پایان برسد، هیچ آمیدی به اینکه عربستان سعودی و کشورهای عربی دیگر بتوانند به عادی‌سازی واقعی مناسباتشان با اسرائیل ادامه بدهند وجود نخواهد داشت. علت این است که افکار عمومی در کشورهای عربی با مواضع دولت‌های عربی هماهنگ نیست. افکار عمومی همراه با فلسطین است و به عادی‌سازی روابط با اسرائیل روی خوش نشان نمی‌دهد. از سوی دیگر، به‌هم‌ریختگی‌های مختلف در منطقه ممکن است به قدرت‌گیری مجدد گروه‌های رادیکال نظامی مشابه داعش منجر شود.

شاید صاحب‌نظران خوش‌بین‌تر این امید را داشته باشند که جنگ غزه به روند موثری برای صلح بیانجامد و منطقه نیز از این بابت سود ببرد و بازیگران منطقه‌ای به تنش‌زدایی بپردازند. اما این نگاه با توجه به اوضاع کنونی منطقه چندان منطقی به نظر نمی‌رسد.

در سطوح داخلی نیز در کشورهای مختلف غرب آسیا و شمال آفریقا تحولاتی در راه است. در مصر، تونس، الجزایر و ایران انتخابات در راه است. اما بیشترین توجه در منطقه روی مسائل داخلی اسرائیل خواهد بود؛ چون بنیامین نتانیاهو و دولت راست‌گرای افراطی‌اش حتی پیش از جنگ غزه هم تحت فشار زیادی بودند و احتمال اینکه با تداوم جنگ، این دولت بتواند از فشارهای سیاسی جان سالم بدر ببرد کم است. در واقع احتمال تغییر سیاسی در اسرائیل بالا است.

منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا در سال ۲۰۲۴ میلادی همچنان از لحاظ اقتصادی دچار مشکلات زیاد خواهد بود. البته صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرده که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی منطقه از ۲ درصد در سال ۲۰۲۳ میلادی به ۳.۴ درصد در سال ۲۰۲۴ برسد. با این حال، شکاف درآمدی در بسیاری از کشورهای منطقه بالاست و کاهش این شکاف، چالشی جدی برای دولت‌ها به شمار می‌رود.



خاورمیانه به شکل قابل توجهی پایین بیاید. از آن بدتر اینکه مشغولیت آمریکا با موضوع جنگ روسیه و اوکراین و همین طور تلاش واشینگتن برای رقابت با چین در آسیا هیچ یک به نتایج دلخواه دولت بایدن منجر نشده‌اند.

دوم اینکه ناتوانی دولت بایدن در رسیدن به موضعی جامع و فعال در زمینه نظامی و دیپلماتیک در خاورمیانه باعث طولانی شدن مسئله مهمی مثل جنگ غزه شده است. تا پیش از آغاز جنگ اخیر در هفت اکتبر ۲۰۲۳، دولت بایدن تلاش داشت نشان دهد که به دنبال چارچوبی برای همکاری‌های منطقه‌ای (یا همان عادی‌سازی مناسبات برخی کشورهای عربی با اسرائیل) و همین طور ایجاد کوریدورهای اقتصادی و تجاری با تکیه بر این عادی‌سازی است. این رویکرد اما پس از وقوع جنگ غزه به گل نشست.

سوم اینکه ۲۰۲۴ سالی است که انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در آن برگزار می‌شود و تکلیف برخی کرسی‌ها در مجلس نمایندگان و سنای آمریکا نیز در همین چارچوب در ماه نوامبر روشن خواهد شد. در جریان تمام کمپین‌های انتخاباتی در آمریکا، موضوع سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه همواره داغ است و از طرف هر دو حزب، نظرات مختلفی درباره آینده و گذشته این سیاست‌ها مطرح می‌شود. امسال هم پرسش‌های زیادی در این باره مطرح خواهد شد؛ هر چند که موضع هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه آمریکا در باب مهم‌ترین مناقشه کنونی در جهان یعنی جنگ غزه واضح است و هر دو حزب حامی اسرائیل هستند. با این حال، مباحثی که در جریان کمپین انتخاباتی آمریکا مطرح می‌شود می‌تواند سیگنال‌های گیج‌کننده‌ای به دوستان و دشمنان آمریکا در غرب آسیا و شمال آفریقا بفرستد و باعث شود که آنها به خصوص در سال ۲۰۲۵ - یعنی بعد از روشن شدن تکلیف انتخابات ریاست جمهوری آمریکا - دست به اقدامات جدیدی بزنند و استراتژی آمریکا در منطقه را بیشتر از پیش بی‌اثر کنند. در منطقه خاورمیانه تهدیدهای زیادی علیه آمریکا وجود دارد؛ اما هیچ کدام از آنها به اندازه پلاتکلیفی خود آمریکایی‌ها در تعیین استراتژی خاورمیانه‌ای‌شان اهمیت ندارد.

### کاهش رشد و افزایش ریسک

در اکتبر ۲۰۲۳، وقتی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی گزارشی

چشم‌انداز خود را درباره منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا منتشر کردند، به کاهش شدید رشد اقتصادی سالانه منطقه در سال ۲۰۲۳ اشاره شده بود. در این گزارش آمده بود رشد اقتصادی منطقه که در سال ۲۰۲۲ میلادی ۶ درصد بوده، به دلیل کاهش تولید نفت در برخی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس کاهش پیدا کرده و به ۲ درصد رسیده است. هر دو نهاد پیش‌بینی کردند که رشد اقتصادی منطقه در سال ۲۰۲۴ افزایش یابد و به ۳.۵ درصد برسد؛ هر چند که این رقم همچنان پایین‌تر از سطح انتظار است و بیشتر هم‌فعالیت‌های غیرنفتی را شامل خواهد شد.

بعد از انتشار گزارش اما وقایع جدیدی هم رخ داد. جنگ غزه چشم‌انداز اقتصادی منطقه برای سال ۲۰۲۴ را حتی برای برخی کشورها تیره‌تر هم کرده است. اخبار تایید نشده از صندوق بین‌المللی پول حاکی از آن است که پیش‌بینی‌ها برای رشد اقتصادی منطقه پایین آورده شده زیرا احتمال می‌رود کشورهای بیشتری در جنگ درگیر شوند.

اقتصادهای درگیر در جنگ - مثل اقتصاد غزه، اسرائیل و کرانه باختری - همین حالا هم لطمه سنگینی دیده‌اند. پیش‌بینی‌های برنامه توسعه سازمان ملل متحد حاکی از آن است که با تداوم سه ماهه جنگ غزه، تعداد افرادی که در غزه در فقر زندگی می‌کنند افزایش ۴۵ درصدی خواهد داشت. از آنجا که بخش زیادی از منازل در غزه ویران شده است، سه چهارم از جمعیت غزه دچار آوارگی هستند و تاثیر این وضعیت بر اقتصاد غزه آن قدر زیاد است که رشد تولید ناخالص داخلی غزه را به میزان ۵۰ درصد کاهش خواهد داد.

در اسرائیل نیز کاهش شدید سرمایه‌گذاری، مصرف خصوصی و گردشگری باعث شده که پیش‌بینی‌ها درباره رشد اقتصادی از ۳ درصد به ۲.۳ درصد در سال ۲۰۲۳ میلادی کاهش یابد. بنا بر گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، این رقم برای سال ۲۰۲۴ حتی کمتر و نزدیک به ۱.۵ درصد خواهد بود.

در کشورهای اطراف مثل مصر و اردن نیز مشکلات اقتصادی زیادی حس می‌شود. بخش گردشگری تشکیل‌دهنده ۳۵ تا ۴۰ درصد از درآمد صادراتی مصر، اردن و لبنان بود و منبع مهمی برای ارز خارجی و اشتغال در این کشورها به شمار می‌آمد. این درآمدها به شدت از جنگ غزه لطمه خورده است و همزمان، جنگ باعث کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نیز سرمایه‌گذاری خصوصی شده است. عده زیادی نیز از اسرائیل خارج شده‌اند و به کشورهای اصلی محل زندگی خود - از جمله آمریکا - برگشته‌اند و طبعاً سرمایه‌شان را هم با خود برده‌اند. واقعیت این است که وقتی فضا بی‌ثبات و نامطمئن باشد ریسک زیادی متوجه کسب و کارها و خانوارها می‌شود و وضعیت مالی آنها را تحت فشار قرار می‌دهد. اگر جنگ غزه تداوم داشته باشد و گسترش هم پیدا کند، تاثیر اقتصادی آن احتمالاً برای همه طرفین بیشتر خواهد شد و حتی به مناطق دیگر سرایت خواهد کرد و پیش‌بینی‌های ۴ تا ۵ درصدی رشد اقتصادی در آنها را به شدت پایین خواهد آورد.

در حال حاضر، اقتصاد جهان در قیاس با اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی در موقعیت بهتری برای جذب شوک شدید نفتی است. اما تداوم جنگ غزه می‌تواند کاهش شدید تامین نفت و گاز از سوی برخی از تولیدکنندگان منطقه‌ای را به دنبال داشته باشد. همچنین خطر مسدود شدن کانال سوئز یا تنگه هرمز و آسیب دیدن تاسیسات انرژی می‌تواند علاوه بر منطقه، تاثیرات جهانی داشته باشد و رشد اقتصادی جهانی را مختل کند. حتی کاهش موقتی تامین نفت و گاز از سوی

احتمالاً در آینده نزدیک خشونت‌ها همچنان با شدت در سودان ادامه داشته باشد؛ به خصوص با توجه به اینکه قاچاق سلاح، خودرو، طلا و انسان نیز در میان این آشفتگی به شدت پا گرفته است

بحران لبنان یک شبه ایجاد نشده که حالا هم ناگهان راهی برای حل و فصلش پیدا شود





اگر جنگ غزه به اشغال کامل غزه به پایان برسد، هیچ امیدی به اینکه عربستان سعودی و کشورهای عربی دیگر بتوانند به عادی سازی واقعی مناسبانشان با اسرائیل ادامه بدهند وجود نخواهد داشت.



مصر بارها در بستن گذرگاه رفح با اسرائیل همکاری کرد اما اخیراً این گذرگاه را برای عبور کامیون‌های امدادی باز گذاشته بود که جلوی آن هم توسط اسرائیل گرفته شد.

کار برد. اسرائیل نیز به دنبال آن است که در سیاست‌های سایبری خود، به چالش کشیدن ایران را در اولویت قرار دهد و به زیرساخت‌ها در ایران به همین طریق آسیب بزند. بازیگر مهم دیگر در این عرصه روسیه است که در مقابل دریافت حمایت نظامی و صنعتی ایران، در زمینه سایبری حامی ایران است. بنابراین، شاید ایران آن قدرها هم که اسرائیل می‌خواست یک هدف سایبری ساده در سال ۲۰۲۴ نباشد. نکته دیگر این است که در عصر شبکه‌های اجتماعی، موضوع جنگ هم پیچیدگی‌های بیشتری پیدا می‌کند و در دوران جنگ غزه نیز همین اتفاق افتاده است. از توییتر گرفته تا تیک‌تاک، از فیس‌بوک گرفته تا اینستاگرام، انواع اطلاعات درست و غلط درباره جنگ در حال پخش شدن است و جبهه جدیدی از جنگ در همین راستا به وجود آمده است. بازیگران دولتی و غیردولتی در این جبهه جدید ایفای نقش می‌کنند و به نظر می‌رسد که در سال ۲۰۲۴ و با تداوم جنگ، این جبهه تقویت هم بشود. این جبهه در عین حال می‌تواند روی انتخابات پیش رو در آمریکا و نقاط دیگر جهان و همچنین در بن‌بست‌های ژئوپلیتیک نقش مهمی ایفا کند.

#### از نجات سیاسی تا سقوط سیاسی

احتمال اینکه در سال ۲۰۲۴ تحولات سیاسی داخلی عظیمی در اسرائیل رخ بدهد زیاد است. تا پیش از آغاز جنگ در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ هم افکار عمومی اسرائیل از بنیامین نتانیاهو ناراضی داشت چون دولت او در تلاش برای کنترل قوه قضاییه بود و این موضوع به تظاهرات ضد نتانیاهو منجر شده بود. پس از آغاز جنگ، افکار عمومی باز از او خشمگین و ناراضی بود چون اقدام موثر و بموقعی برای پیش‌بینی یا مقابله با حمله حماس از سوی نتانیاهو صورت نگرفته بود. بخش زیادی از جامعه اسرائیل به همین جهت خواهان استعفا او بودند اما با تداوم جنگ، این صداها آهسته‌تر شد. با این حال، تداوم جنگ به تقویت مواضع راست‌گرا در اسرائیل و تقابل مواضع میانه‌رو با آنها منجر شده و شکاف‌های جدیدی در افکار عمومی اسرائیل به وجود آورده است. رقباتی سیاسی نتانیاهو حالا یک هدف مشترک جدید دارند و آن هم ساقط کردن او از قدرت و کاهش نفوذ احزاب راست‌گرای افراطی است.

تولید کنندگان هم می‌توانند قیمت انرژی در جهان را افزایش بدهند و این افزایش، در کنار اختلال‌هایی که پس از جنگ اوکراین در زمینه زنجیره تامین غذا و انرژی رخ داد، بازارهای جهانی را به سمتی نامعلوم و دشوار خواهد کشاند. بر اساس آخرین گزارش چشم‌انداز بانک جهانی درباره کامودیتی‌ها، اگر اختلالی مشابه تحریم نفتی اعراب در سال ۱۹۷۳ رخ بدهد، میزان تامین نفت جهانی روزانه بین ۶ تا ۸ میلیون بشکه کاهش خواهد یافت و این مسئله می‌تواند قیمت‌ها را بین ۵۶ تا ۷۵ درصد افزایش دهد و به ۱۴۰ تا ۱۵۷ دلار در هر بشکه برساند.

شکی نیست که اقتصاد جهان در قیاس با دهه ۱۹۷۰ میلادی وابستگی کم‌تری به نفت دارد. با این حال، مشابه‌سازی الگوهای اقتصاد کلان حاکی از این است که به ازای هر ده دلار افزایش در قیمت هر بشکه نفت، رشد جهانی به میزان ۰.۱ درصد کاهش پیدا خواهد کرد و تورم جهانی نیز افزایش ۰.۲ درصدی خواهد داشت. بر اساس گزارش اخیر سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، شوک بزرگ در قیمت نفت که بر اثر مسدود شدن مسیرهای کشتیرانی رخ دهد، می‌تواند جریان تجارت را مختل کند و قیمت دارایی‌ها را در سطح جهان کاهش دهد و اقتصادهای پیشرفته را (که طبق پیش‌بینی‌ها امسال رشد ۱.۴ درصدی خواهند داشت) دچار رکود تومی کند؛ به طوری که تولید کاهش و تورم افزایش یابد.

#### سایه سایبری سال

در سال ۲۰۲۴ میلادی دو مسئله بر فضای سایبری و تکنولوژیک در غرب آسیا تأثیرگذار خواهند بود: اولی جنگ سرد تکنولوژیک بین آمریکا و چین است و دومی هم جنگ غزه. آمریکا به شکل فزاینده‌ای مناسبات دوجانبه با متحدان و شرکایش را از درپچه رقابت با چین نظاره می‌کند. به همین دلیل است که پیش‌بینی می‌شود واشینگتن در سال ۲۰۲۴ نیز به دنبال اعمال فشار بر متحدانی مثل عربستان سعودی، اسرائیل و امارات متحده عربی باشد تا همکاری‌هایشان را با چین محدود کنند. این فشار به خصوص در زمینه تکنولوژی‌های استراتژیک مثل هوش مصنوعی بالا خواهد بود.

این رویه را می‌توان در قوانین جدیدی مشاهده کرد که وزارت بازرگانی آمریکا وضع کرده تا دستیابی چین به چیپ‌ها (تراشه‌ها) ی پر کاربرد در تکنولوژی‌های مرتبط با هوش مصنوعی از طریق کشورهای ثالث کاملاً محدود شود. عربستان سعودی و امارات متحده عربی در این زمینه قربانی فشارهای آمریکا هستند؛ آن هم در شرایطی که خودشان می‌خواهند به این تکنولوژی در زمینه الگوهای زبانی هوش مصنوعی دست پیدا کنند. چنین تحولاتی در حوزه تکنولوژی می‌تواند در آینده به انقلاب دیجیتال در کشورهای حوزه خلیج فارس بیانجامد. با این حال، آمریکا در این زمینه به دنبال اهداف خودش است. از سوی دیگر، نهادهای اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا با دیده شک و تردید به هر نوع همکاری تکنولوژیک چین با کشورهای حوزه خلیج فارس می‌نگرند و در تلاش‌اند این مسیر را به سمت آمریکا منحرف کنند.

گذشته از مسئله رقابت با چین، سال ۲۰۲۴ میلادی احتمالاً سالی است که در آن استفاده از سلاح‌های سایبری به خاطر تداوم جنگ غزه و همچنین رویارویی ایران و اسرائیل بیشتر خواهد شد. ایران و اسرائیل سال‌هاست که در نبرد سایبری با یکدیگر بسر می‌برند و به دفعات حملات سایبری به پایگاه‌های داده و همین‌طور زیرساخت‌ها در همین راستا صورت گرفته است. به دنبال آغاز جنگ غزه، ایران در این زمینه حملات سایبری خود را با پیچیدگی و دفعات بیشتری به



تروما، بحران اقتصادی، بی‌رهن بودن و معضلات دیگر مواجه باشند.

### ماریچ پیش روی لبنان

حداقل پنج سال است که لبنان به صورت مداوم درگیر بحران‌های پیچ در پیچ بوده است. در سال ۲۰۱۹ میلادی لبنان با بدترین بحران مالی و اقتصادی در تاریخش مواجه شد و ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی را نیز تجربه کرد. در سال ۲۰۲۰ میلادی و در شرایطی که بحران کرونا در جریان بود، انفجار بزرگی در بندر بیروت رخ داد که کشته‌شدن صدها و آواره‌شدن هزاران شهروند لبنانی را نیز به همراه آورد. شاید بتوان گفت لبنان از این بحران‌ها هرگز سر بلند نکرد. بخش عظیمی از جمعیت این کشور در حال حاضر در فقر چندجانبه به سر می‌برند و دسترسی به خدمات عمومی اولیه ندارند. در سال ۲۰۲۳ لبنان طبق معمول با بحران‌های مربوط به دولت، رییس جمهور و بانک مرکزی و حتی ارتش مواجه بود. اما از همه بدتر اینکه با آغاز جنگ غزه و سرایت آن به لبنان، شرایط سخت‌تری بر این کشور حکمفرما شده است. هر لحظه احتمال یک جنگ تمام‌عیار با اسرائیل هم وجود دارد که می‌تواند اقتصاد لبنان را به نابودی بکشاند و بنابراین احتمالش هست که در سال ۲۰۲۴ میلادی لبنان با بی‌ثباتی زیادی دست و پنجه نرم کند.

واقعیت این است که پیش‌بینی آنچه که در دوران جنگ‌ها رخ می‌دهد اصلاً آسان نیست. احتیاطی که تاکنون باعث شده حزب‌الله با اسرائیل وارد جنگ تمام‌عیار نشود را نباید همیشگی فرض کرد. اخیراً وزیر دفاع اسرائیل به این نکته اشاره کرد که اسرائیل خواهان عقب‌نشینی حزب‌الله تا رودخانه لیتانی است و این کار را شاید به زور انجام دهد. این نشانه‌های واضح است از اینکه اوضاع در مرز لبنان و اسرائیل هر لحظه ممکن است تغییر کند یا قواعد درگیری طرفین با سرعت تحول یابد. از سوی دیگر، حماس خواهان سلاح‌دست‌گرفتن فلسطینی‌هایی است که در خاک لبنان به سر می‌برند. اگر این اتفاق در سال ۲۰۲۴ بیفتد، باز هم لبنان در معرض خطر جنگ قرار خواهد

عربستان در تلاش است موقعیت امارات به عنوان مرکز مالی منطقه را در سال‌های آینده از آن خودش کند

تحولات  
شبیه‌میرانگیزی  
مثل اعزام ناوهای  
آمریکایی به  
مناطق نزدیک به  
لبنان، نشان‌دهنده  
این است که سایر  
بازیگران منطقه‌ای  
نیز به دنبال  
سو، استفاده از  
بحران‌های لبنان  
هستند

با این حال، تداوم جنگ غزه باعث شده امید اسرائیل به عادی‌سازی مناسبات با کشورهای عربی کم شود و این نکته‌ای است که اسرائیل قبلاً رویش حساب زیادی باز کرده بود و توافق‌نامه‌هایی را نیز در زمینه‌های تجاری و امنیتی با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به امضا رسانده بود. البته همین حالا هم در پشت پرده، مناسبات تجاری اسرائیل با برخی کشورهای عربی مهم ادامه دارد. هر چند که حالا اسرائیل چاره‌ای ندارد جز اینکه توجه خاص خود را معطوف به کشورهای عربی نزدیک‌تر مثل مصر و اردن کند و مناسبات استراتژیک با آنها را مورد تأکید قرار دهد. در واقع جنگ غزه هیچ راه دیگری برای اسرائیل باقی نگذاشته است. احتمالاً اسرائیل در میان کشورهای حوزه خلیج فارس نیز دوباره به دنبال متحد و شریک خواهد گشت؛ هر چند که ممکن است حضور عربستان سعودی در این زمینه در سال ۲۰۲۴ کاملاً کم‌رنگ شود و بحرین و امارات متحده عربی جایگزین او در اتحاد با اسرائیل بگیرند. قطر هم به دلیل سیاست‌های متفاوت از سایر کشورهای حوزه خلیج فارس، گزینه خوبی برای مذاکره با اسرائیل است؛ به خصوص چون مناسباتش با گروه‌های فلسطینی گسترده است.

در این میان، چشم‌انداز آینده برای فلسطینی‌ها شاید هیچ وقت این قدر نامشخص نبوده است. جنگ غزه تلفات و خسارات و آوارگی‌هایی بی‌سابقه برای فلسطینی‌ها ایجاد کرده است. جدا از تلفات انسانی که روز به روز بالاتر می‌رود، نزدیک به ۱.۸ میلیون نفر از ۲.۳ میلیون ساکن غزه مجبور به جابجایی از خانه‌هایشان شده‌اند و زیرساخت‌های شهری و امکانات بهداشتی و سوختی و غذایی از بین رفته‌اند. حتی در لحظه‌ای هم که جنگ پایان یابد، امیدی به بازسازی غزه وجود ندارد و تأثیر خشونت شدید سه ماه اخیر تا نسل‌ها در فلسطین احساس خواهد شد. از آنجا که مقامات فلسطینی در کرانه باختری هم نتوانسته‌اند جلوی حملات مشابه به این منطقه را بگیرند، احتمال گسترش حملات اسرائیل از غزه به سمت کرانه باختری هم وجود دارد و احتمالش هست که در سال ۲۰۲۴ جامعه فلسطین با وضعیت بی‌سابقه‌ای از

در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا کشورهای زیادی با درآمد متوسط وجود دارند که همچنان در سال ۲۰۲۴ میلادی در حال تلاش برای کاهش نرخ بیکاری و تورم خواهند بود و البته برخی از آنها مثل ترکیه دچار بار بدهی شدیدی نیز هستند.

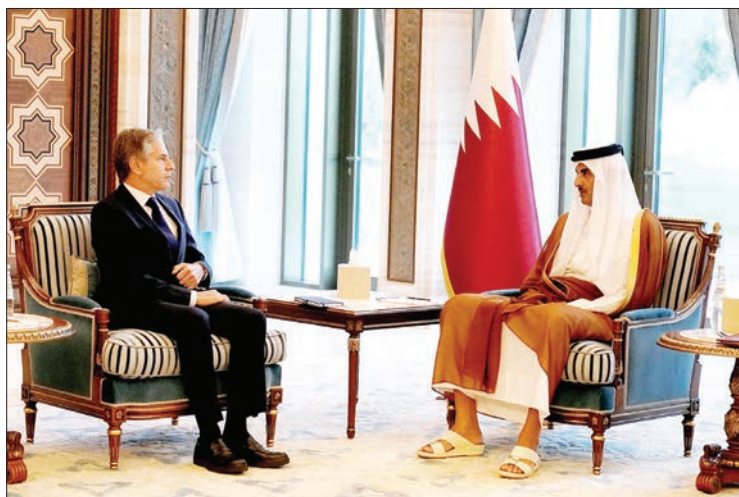
مصر از لحاظ حکومتی ارتباط خوبی با اسرائیل دارد و وضعیتی که در جریان جنگ در مرزهای مصر و فلسطین رخ داد، مطلوب دولت مصر نیست. بنا بر گزارش‌ها، گذرگاه رفح از سمت مصر بسته نشده اما اسرائیل بارها آن را از طرف دیگر بمباران کرد و به همین جهت، امکان رد شدن کامیون‌های حامل کمک و مواد غذایی از طریق گذرگاه رفح وجود نداشته است. از سال ۲۰۰۶ به بعد، مصر بارها در بستن گذرگاه رفح با اسرائیل همکاری کرد اما در جریان جنگ اخیر، این گذرگاه را برای عبور کامیون‌های امدادی باز گذاشته بود که جلوی آن هم توسط اسرائیل گرفته شد.

چنین تصمیمی تا حد زیادی بر مبنای خواسته افکار عمومی مصر صورت گرفت. حمایت عمومی از فلسطین در میان مردم مصر بسیار بالاست و آنها همکاری دولت مصر با اسرائیل را بر نمی‌تابند. این موضوع در کنار بد شدن وضعیت اقتصادی مصر، می‌تواند چالش بزرگی برای دولت عبدالفتاح السیسی در انتخابات آینده درست کند و حتی خطرهای امنیتی برای دولت او به وجود بیاورد. دولت مصر در عین حال در زمینه تعداد آوارگان فلسطینی که ممکن است به سمت مرزهایش بیایند هم نگرانی دارد. این در حالی است که اسرائیل از همان ابتدای جنگ غزه به وضوح روی این نکته تاکید کرده که غزه باید از جمعیتش خالی شود و هر کس که از جنگ جان سالم به در برد، باید به سرزمین‌های دیگر از جمله مصر برود. حتی کشورهای غربی مذاکراتی در این زمینه با دولت مصر کردند و مسئله بخشودن شدن بدهی‌های سنگین خارجی مصر را به عنوان مشوقی که می‌تواند در مقابل پذیرش فلسطینی‌ها در خاک مصر به دولت مصر اعطا شود مطرح کردند. با این حال، دولت مصر هنوز به این موضوع روی خوش نشان نداده است و در این زمینه موضع مشترکی با کشورهای عربی دیگر دارد.

البته باید به این نکته توجه داشت که اگر فلسطینیان وادار شوند به سمت مرزهای مصر بیایند، این کشور که الان هم پذیرای ۹.۵ میلیون نفر آواره از کشورهای اطراف است چاره‌ای جز پذیرش آنها به دلایل بشردوستانه نخواهد داشت. اما این نگرانی در میان مقامات مصری وجود دارد که این مسئله باعث شود پایگاهی برای فعالیت نظامی علیه اسرائیل در خاک مصر به وجود بیاید و علاوه بر بار مالی، بار سیاسی هم برای دولت مصر همراه داشته باشد. در هر سناریویی که بخواهیم

کشوری که بتواند  
از لحاظ مالی،  
لجستیکی و  
سیاسی شرایط  
بهتری را برای  
آمریکا فراهم کند  
شاید بتواند قطر  
را در زمینه اتحاد  
با آمریکا پشت سر  
بگذارد

قطر چاره‌ای نخواهد داشت جز آن‌که ارزش خودش به عنوان شریک منطقه‌ای آمریکا را به هر شکلی ثابت کند.



گرفت. از آنجا که لبنان تا همین لحظه هم دچار بحران اقتصادی بزرگی بوده، به نظر می‌رسد که در صورت وقوع جنگ، تبعات سیاسی و امنیتی بسیار شدیدی در انتظار این کشور خواهد بود.

معضل بزرگ لبنان این است که تا وقتی بحران اقتصادی این کشور مدیریت نشود، امیدی به حل و فصل بحران‌های دیگر هم نمی‌توان داشت. البته این نکته را نباید فراموش کرد که بحران لبنان یک‌شبه ایجاد نشده که حالا هم ناگهان راهی برای حل و فصلش پیدا شود. با این حال، تحولات شبه‌مبارانگیزی مثل اعزام ناوهای آمریکایی به مناطق نزدیک به لبنان، نشان‌دهنده این است که سایر بازیگران منطقه‌ای نیز به دنبال سوءاستفاده از بحران‌های لبنان هستند و این خطر بزرگتری برای لبنان در سال ۲۰۲۴ خواهد بود.

### مصائب مصر

روزی که جنگ روسیه و اوکراین شروع شد، هر امیدی که به پیش‌بینی آینده مصر وجود داشت دود شد و به هوارفت. اقتصاد مصر از این جنگ تاثیر زیادی گرفت؛ هر چند که به نظر می‌آید جنگ از مرزهای جغرافیایی مصر دور بوده و قاعدتاً نباید چنین تاثیری به جامی گذاشت. با این حال، آغاز جنگ اوکراین در واقع نشان‌دهنده ضعف‌های جدی در اقتصاد مصر بود. این اقتصاد حتی هنوز از تبعات بحران کرونا هم سر بلند نکرده بود. مصر بزرگ‌ترین واردکننده گندم در جهان است و هشتاد درصد از گندم مورد نیاز خود را از روسیه و اوکراین وارد می‌کند. با آغاز جنگ، محموله‌های گندم به مقصد مصر دچار اختلال شد و قیمت گندم به میزان ۳۳ درصد افزایش پیدا کرد و باعث شد بودجه مصر برای یارانه گندم که پیش‌تر ۳.۲ میلیارد دلار بود ناگهان به میزان دو میلیارد دلار افزایش پیدا کند. این تحول چاره‌ای باقی نگذاشت جز اینکه مصر به سراغ ذخایر ارزی خود برود. از آن بدتر اینکه به دنبال آغاز جنگ، سرمایه‌های زیادی از مصر خارج شد.

در همین حال، وام سه میلیارد دلاری که مصر از صندوق بین‌المللی پول گرفت، چهارمین وام مشابه در شش سال اخیر بود و نتوانست آن تاثیر پنی‌سیلین‌وار و درمانگر که دولت مصر انتظارش را داشت با خود به همراه بیاورد. بخشی از این ناکامی به سیاست‌های ارزی دولت مصر و تحولات ناشی از کاهش نقش دولت در اقتصاد برمی‌گشت. در عین حال کاهش ارزش پوند مصر دیگر بیش از این امکان‌پذیر نیست. تورم در سپتامبر ۲۰۲۳ به بالاترین سطح خود در مصر رسید و از ۳۸ درصد گذشت. این فشار شدیدی بر مردم مصر آورد؛ جمعیتی که تقریباً ۳۰ درصدش زیر خط فقر زندگی می‌کنند. از سوی دیگر، محدودیت‌هایی که دولت در حوزه ارزی اعمال کرد باعث احتکار ارزی و ایجاد یک سیستم تبادل ارزی غیررسمی و موازی شد. در کنار همه این مشکلات، مصر در زمینه جذب سرمایه مستقیم خارجی نیز با چالش‌های جدیدی مواجه شد.

پیش‌بینی‌ها در مورد وضعیت اقتصادی مصر در سال ۲۰۲۴ میلادی حاکی از آن است که احتمال بهبود اوضاع تا سه ماهه سوم این سال وجود نخواهد داشت. بنابر گزارش صندوق بین‌المللی پول، نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی مصر در حال حاضر در میان اقتصادهای نوظهور در بالاترین سطح یعنی ۹۲.۷ درصد قرار دارد. مجموعه این شرایط باعث شده که موسسه مودیز رتبه اعتباری مصر را پایین بیاورد، بازبینی برنامه صندوق بین‌المللی پول به تاخیر بیفتد و این کشور در خطر حذف شدن از برخی شاخص‌ها قرار بگیرد. جنگ غزه نیز همچنان به تاثیرگذاری روی مصر ادامه خواهد داد.



اوضاع مصر در سال ۲۰۲۴ را قرار دهیم، تردیدی نباید داشت که سال سختی در انتظار این کشور است.

### فراز و فرودها در خلیج فارس

وقایع ماههای اخیر در فلسطین باعث شد برخی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در موقعیت دشواری در رابطه با متحدان غربی شان قرار بگیرند و شاید قطر مهم‌ترین آنها بود. قطر در موارد زیادی معتمد آمریکا بوده و به دلیل ارتباطاتش با گروه‌های مسلح ضد بشار اسد در جریان جنگ سوریه هم کمک زیادی به منافع آمریکا کرد. اما نزدیکی قطر به مقامات فلسطینی موضوعی است که امسال ممکن است فشارهایی را از سوی آمریکا و اسرائیل روی قطر به همراه بیاورد. به همین جهت احتمال دارد که نقش قطر در منطقه به عنوان متحدی استراتژیک برای آمریکا تغییراتی را تجربه کند.

از آنجا که در سال ۲۰۲۴ میلادی انتخابات ریاست جمهوری و همچنین انتخابات برای کرسی‌هایی در کنگره آمریکا برگزار خواهد شد، سیاستمداران آمریکایی بی شک روی متحدان آمریکا در خاورمیانه متمرکز خواهند شد. احتمالش هست که جلسات استماع جدیدی در خصوص تجدید نظر درباره تضمین‌های امنیتی آمریکا به این کشور کوچک اما ثروتمند در منطقه خلیج فارس برگزار شود. این موضوع به خصوص از این جهت اهمیت دارد که بزرگ‌ترین پایگاه آمریکا در منطقه خاورمیانه در قطر قرار دارد و اخیراً کشورهای مثل عربستان سعودی، امارات متحده عربی و بحرین به گرفتن جای قطر در این زمینه توجه ویژه نشان داده‌اند. کشوری که بتواند از لحاظ مالی، لجستیکی و سیاسی شرایط بهتری را برای آمریکا فراهم کند شاید بتواند قطر را در این زمینه پشت سر بگذارد و البته سیاستمداران آمریکایی اصلاً به این موضوع بی‌توجه نیستند. جمهوری خواهان و همچنین بخش عظیمی از چهره‌های اسرائیل دوست در حزب دموکرات احتمالاً در جریان کمپین‌های انتخاباتی امسال در امریکای این موضوع و همچنین موضوع تجارت آزاد با قطر تاکید خواهند کرد. با این اوصاف، قطر چاره‌ای نخواهد داشت جز آن که ارزش خودش به عنوان شریک منطقه‌ای آمریکا را به هر شکلی ثابت کند. احتمالش هست که مذاکره با مقامات حماس از جمله جاهایی باشد که قطر ایفای نقش کند. در ماه‌های پیش رو، فرسودگی ناشی از جنگ در اسرائیل و منطقه زیاد خواهد شد و احتمالش هست که کشوری مانند قطر بتواند از این فرصت برای نقش‌آفرینی خودش استفاده کند و علاوه بر حماس، با ایران و حزب‌الله هم مذاکراتی داشته باشد. با این حال، شکی نیست که قطر همچنان با اهداف درازمدت آمریکا در منطقه همخوانی دارد؛ هر چند که رقابت‌های سنگین قطر با کشورهای مثل عربستان سعودی و امارات متحده عربی هم مسئله سرنوشت‌سازی است. ریاض و ابوظبی خودشان هم در زمینه تجاری و نفوذ سیاسی در حال رقابت سنگینی هستند؛ رقابتی که پیش‌تر در زمینه جنگ یمن وارد مراحل حساسی شده بود. حالا هم عربستان در تلاش است موقعیت امارات به عنوان مرکز مالی منطقه را در سال‌های آینده از آن خودش کند. این درگیری‌ها هم ممکن است در سال ۲۰۲۴ روی مناسبات این کشورها با متحدان غربی‌شان تعیین‌کننده شود.

### عراق و احتمال تداوم فساد

در صورتی که جنگ غزه در سال ۲۰۲۴ به همین شکل ادامه داشته باشد، شکی نیست که گروه‌های شبه‌نظامی عراقی به هدف قرار دادن

منافع آمریکا در عراق و سوریه ادامه خواهند داد. این گروه‌ها بارها به وضوح اعلام کرده‌اند که تا وقتی ارتش آمریکا از عراق و سوریه خارج نشود، همواره احتمال هدف قرار دادن این نیروها وجود خواهد داشت. واکنش آمریکا در برابر این حملات این بوده که برخی از فرماندهان نظامی طرف مقابل را هدف ترور قرار بدهد. اما در صورتی که تعداد این برخوردها بیشتر شود، دولت عراق از سوی افکار عمومی تحت فشار قرار خواهد گرفت تا به صورت رسمی برای خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق تلاش کند. این در حالی است که حضور نیروهای نظامی آمریکا در شمال شرقی سوریه نیز ادامه دارد.

احتمالش زیاد است که دولت محمد السودانی نخست وزیر عراق فعلاً و تا زمان فرا رسیدن انتخابات پارلمانی بعدی در عراق (سال ۲۰۲۵) بر سر قدرت باقی بماند. در نتیجه تمام انتخابات محلی که در این فاصله برگزار می‌شود در واقع به شکل‌گیری واضح‌تر اتحادهای سیاسی در عراق تا انتخابات ۲۰۲۵ کمک خواهد کرد.

در همین میان اما تحولات دیگری هم در عراق جریان دارد. مثلاً اینکه عراق برداشت پول نقد و معاملات مالی به دلار آمریکا را ممنوع کرد. احتمالش هست که این اقدام، راه همکاری با ایران و سوریه در زمینه دورزدن تحریم‌ها را محدود کند. در همین حال دولت عراق در ظاهر وعده داده که مقابله با فساد را هدف اصلی خود قرار داده است. اما کارنامه این دولت در سال ۲۰۲۳ میلادی کاملاً ناامیدکننده بود و بعید به نظر می‌رسد که در سال ۲۰۲۴ هم اتفاق قابل‌تاملی در این حوزه بیفتد. السودانی هم مثل رهبران پیشین عراق سعی کرده در این زمینه پا روی دم احزاب سیاسی و چهره‌های مهم از جمله اعضای دولت ائتلافی نگذارد. همه آنها از فساد مالی در سطوح بالای حکومتی سود می‌برند و بسیاری از قراردادهای عظیم در سطوح محلی و فدرال

افزایش  
هزینه‌های ساخت  
و ساز در کنار  
مشکلات اقتصادی  
و نیز افزایش  
شدید اجاره در  
ترکیه، در مجموع  
باعث سخت‌شدن  
زندگی برای افراد  
آسیب‌دیده از زلزله  
شده است

دولت عراق در ظاهر وعده داده که مقابله با فساد را هدف اصلی خود قرار داده است. اما کارنامه این دولت در سال ۲۰۲۳ کاملاً ناامیدکننده بود.



مشغولیت آمریکا با موضوع جنگ روسیه و اوکراین و همین طور تلاش واشینگتن برای رقابت با چین در آسیا هیچ یک به نتایج دلخواه دولت بایدن منجر نشده‌اند.

سال ۲۰۲۴ نیز ادامه بدهد و در ماه می به نقطه اوج تورم (با نرخ ۷۰ تا ۷۵ درصد) برسد. بر اساس همین پیش‌بینی احتمال دارد که نرخ تورم در ترکیه تا پایان سال ۲۰۲۴ میلادی کاهش یابد و به ۳۶ درصد برسد. از سوی دیگر، انتظار می‌رود نرخ بیکاری در ترکیه نیز همچنان تداوم داشته باشد.

در همین میان، برای میلیون‌ها نفری که در زلزله فوریه ۲۰۲۳ میلادی بی‌خانمان شدند اوضاع در سال ۲۰۲۴ نیز چندان بهتر نخواهد شد. بیش از سه میلیون نفر در جریان این فاجعه منازل خود را از دست دادند و صدها هزار نفر از آنها همچنان در اردوگاه‌های موقتی زندگی می‌کنند. اردوغان وعده داده بود که شهرهای ویران شده بر اثر زلزله را ظرف یک سال بازسازی کند. این روند در فاصله فوریه تا ماه می ۲۰۲۳ (زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری) واقعاً هم سریع بود اما از آن پس به آهستگی پیش می‌رود. افزایش هزینه‌های ساخت و ساز در کنار مشکلات اقتصادی کشور و نیز افزایش شدید اجاره در ترکیه، در مجموع باعث سخت‌شدن زندگی برای افراد آسیب‌دیده از زلزله شده است.

نکته دیگر در مورد ترکیه در سال ۲۰۲۴ این است که در ماه مارس قرار است انتخابات شهرداری‌های ترکیه برگزار شود. هدف اردوغان فعلاً این است که شهرهای استانبول و آنکارا را از دست مخالفان خود در بیاورد. این دو شهر از سال ۲۰۱۹ میلادی شهرداری‌هایی از حزب جمهوری‌خواه خلق ترکیه (اپوزیسیون اصلی در برابر اردوغان و حزب عدالت و توسعه) داشتند. اردوغان علاقمند است که با پس‌گرفتن این دو شهر، جلوی اوج‌گیری مخالفت‌ها با دولتش را بگیرد. با این حال، سرنوشت این دو شهر در انتخابات آینده اصلاً قطعی نیست. اخیراً تحولاتی رخ داده که می‌تواند به سود اپوزیسیون تمام شود؛ مثلاً اینکه حزب جمهوری‌خواه خلق ترکیه حالا یک رهبر جوان و پرنرزی به نام اوزگوز اوزل دارد که باعث تقویت روحیه مخالفان رجب طیب اردوغان و امیدواری آنها به شکست حزب عدالت و توسعه شده است. حزب سومی به نام حزب خوب (ایبی) هم در انتخابات حاضر است که برخلاف گذشته، از نامزد حزب جمهوری‌خواه خلق ترکیه حمایت نکرده است و بنابراین دو دستگی در آرای مخالفان اردوغان از همین حالا دیده می‌شود. این در حالی است که احتمال دارد حزب عدالت و توسعه از حمایت برخی احزاب راست‌گرای دیگر در انتخابات برخوردار باشد.

خبر بد دیگر برای مخالفان اردوغان این است که او در حال تلاش برای تدوین قانون اساسی جدیدی برای ترکیه است که ارزش‌های مورد نظر حزب او را در برگیرد. او می‌خواهد قانون اساسی را طوری تغییر دهد که شرط کسب «پنجاه به علاوه یک درصد» از آرا برای انتخاب رئیس‌جمهور در این کشور از میان برداشته شود. این شرط باعث شده که اردوغان و حزیش بدون یاری احزاب راست‌گرای افراطی، دچار کمبود رای در مقابل اپوزیسیون باشند و این مشکلی بزرگ برای آینده حزب عدالت و توسعه است. علت اصرار اردوغان به تغییر این شرط هم در واقع به وضعیت خودش در انتخابات برمی‌گردد. با این اوصاف به نظر می‌رسد که در سال ۲۰۲۴ هم این کشمکش‌ها بر سر قدرت در ترکیه ادامه داشته باشد.

### پاکستان همیشه نگران

پاکستان سال ۲۰۲۴ را هم با نگرانی شروع می‌کند. این کشور مدت‌هاست که با وضعیت وخیم اقتصادی، قطبی‌شدگی شدید سیاسی، مشکلات امنیتی لاینحل و شکاف‌های اجتماعی دست



هدف اردوغان فعلاً این است که شهرهای استانبول و آنکارا را از دست مخالفان خود در بیاورد

همیشه به آنها می‌رسد.

تحول دیگری که در سال ۲۰۲۴ در عراق اتفاق خواهد افتاد، اجرایی‌شدن مرحله اول پروژه به‌هم‌پیوستگی برقی است که عراق را به کشورهای حوزه خلیج فارس وصل می‌کند. این خط انتقال می‌تواند سالانه پانصد مگاوات برق به جنوب عراق برساند و علاوه بر کاهش خاموشی‌های دائمی در عراق، میزان وابستگی آن به منابع انرژی ایران را کم کند.

نکته بعدی هم به مناسبات بین بغداد و اربیل در سال ۲۰۲۴ برمی‌گردد. این مناسبات تقریباً دینامیکی مشابه با سال ۲۰۲۳ را دنبال خواهد کرد و توازن قدرت دوباره به سمت دولت مرکزی خواهد بود. انتخابات پارلمانی کردستان عراق که قبلاً دو بار عقب افتاده بود قرار است در فوریه ۲۰۲۴ برگزار شود و احتمال دارد که نتیجه آن به تعمیق شکاف‌های سیاسی موجود بین دو حزب عمده اصلی کرد منتهی شود. در آن صورت میزان نفوذ اقتصادی و سیاسی دولت مرکزی عراق بر کردستان عراق همچنان بالا باقی خواهد ماند.

### چشم‌انداز ناهنجار ترکیه

سال ۲۰۲۳ میلادی سالی سخت برای ترکیه بود. در آغاز این سال، زلزله شدیدی در ترکیه رخ داد که ده‌ها هزار کشته و تعداد زیادی مجروح و بی‌خانمان به جا گذاشت. نرخ تورم سال به سال در ترکیه در این سال به ۷۳ درصد رسید که بالاترین رقم در ۲۳ سال اخیر بود. افزایش شدید قیمت مواد غذایی و انرژی باعث شد زندگی میلیون‌ها نفر در ترکیه سخت شود. در همین حال، رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه به سیاست‌های سابق خود که مخالفان داخلی زیادی هم پیدا کرده، ادامه می‌داد. عده‌ای در ترکیه به روی کار آمدن چهره جدید امید بسته بودند اما در انتخابات ماه می حتی چشم‌انداز دلسردکننده‌تری پیش روی آنها قرار گرفت و هیچ چیز در ترکیه تغییر نکرد. حال پرسش این است که سال ۲۰۲۴ برای ترکیه چگونه خواهد بود؟

در زمینه اقتصادی، اردوغان در سال ۲۰۲۳ سیاست‌هایی را در پیش گرفت که در قیاس با گذشته، واقع‌گراتر بودند. با این حال، چشم‌انداز اقتصادی ترکیه در سال ۲۰۲۴ همچنان تیره به نظر می‌رسد. بانک مرکزی ترکیه پیش‌بینی کرده که نرخ تورم، حرکت صعودی خود را در

حزب مسلم‌لیگ  
پاکستان (نواز  
شریف) و حزب  
خلق پاکستان در  
تلاش هستند از  
خلا سیاسی به  
وجود آمده به  
دنبال برکناری  
عمران خان به  
سود خود استفاده  
کنند



در اواخر سال ۲۰۲۳ یا به طور دقیق‌تر در دسامبر این سال، مذاکرات میانجیگری در خصوص بحران سودان در جده به حال تعلیق درآمد؛ چون طرفین مناقشه به تعهدات خود پایبند نبودند و غیرنظامیان بار دیگر در میان خشونت دو طرف قرار گرفتند. به نظر می‌رسد که در آینده نزدیک خشونت‌ها همچنان با شدت در سودان ادامه داشته باشد؛ به خصوص با توجه به اینکه قاچاق سلاح، خودرو، طلا و انسان نیز در میان این آشفتگی به شدت پا گرفته است. نکته خطرناک در مورد سودان در سال ۲۰۲۴ این است که به رغم اهمیت ژئواستراتژیک این کشور، مسائل بین‌المللی دیگر مثل جنگ غزه باعث شده‌اند که توجه کم‌تری به بحران عظیم سودان مبذول شود و حتی ابعاد و علل آن هم برای بسیاری از تصمیم‌گیرندگان خارجی نامعلوم و بی‌اهمیت جلوه کند.

### ■ زنجیرهای جنگ بر گردن سوریه

چشم‌انداز سوریه در سال ۲۰۲۴ بسیار تیره و تار است. برنامه جهانی غذا از روز اول این سال کمک خود به سوریه را قطع می‌کند و این در حالی است که نیاز به کمک بشردوستانه در این کشور بالاست. حدود ۶۵ درصد از مردم سوریه با مشکل عدم امنیت غذایی مواجه‌اند و اکثر جمعیت این کشور نیز زیر خط فقر زندگی می‌کنند. اوضاع سوریه حتی پیش از قطع‌شدن این کمک‌ها هم بد بود اما وضعیت جدید ممکن است باعث شود عده بیشتری از مردم وادار به ترک کشور شوند. ارزش پوند سوریه در مقابل دلار به شدت پایین آمده و همچنان هم این روند ادامه دارد. از سوی دیگر، بلاای طبیعی مثل زلزله نیز که در سال ۲۰۲۳ گریبان سوریه و ترکیه را گرفت تاثیر خود را بر اجتماع و اقتصاد این کشور باقی گذاشته است. با این حال در اواسط سال ۲۰۲۳ و پیش از آغاز جنگ غزه، تلاش‌هایی برای عادی‌سازی روابط کشورهای عربی حوزه خلیج فارس با سوریه انجام شد که نوید خوبی برای آینده و همکاری‌های چندجانبه منطقه‌ای بود؛ هر چند که تحولات بعدی در منطقه این موضوع را کمرنگ کرد. از آنجا که روسیه نیز همچنان با موضوع جنگ اوکراین سرگرم است، احتمال اینکه در سال ۲۰۲۴ میلادی حرکت دیپلماتیک موثری در رابطه با سوریه انجام دهد کم است.

احتمالاً اسرائیل  
دوباره در میان  
اعراب به دنبال  
متحد و شریک  
خواهد گشت؛ هر  
چند که ممکن است  
حضور عربستان  
سعودی کمرنگ  
شود و بحرین و  
امارات متحده  
عربی جایش را در  
اتحاد با اسرائیل  
بگیرند

ارزش روپیه پاکستان بسیار  
پایین است و حجم صادرات  
این کشور هم کم است.



پنجه نرم می‌کند. پاکستان در اواسط سال ۲۰۲۳ میلادی یک وام سه میلیارد دلاری جدید از صندوق بین‌المللی پول دریافت کرد و برخی کشورهای حوزه خلیج فارس هم وعده‌هایی مبنی بر سرمایه‌گذاری‌های میلیاردی در این کشور ارائه دادند. با این حال، پاکستان با تعهدات بدهی خارجی بسیار عظیمی (۲۱ میلیارد دلار برای سال ۲۰۲۴) مواجه است. ذخایر ارزی این کشور بسیار کم است، ارزش روپیه پاکستان بسیار پایین است و حجم صادرات این کشور هم کم است. هزینه واردات مواد غذایی و نیز قیمت سوخت نیز در این کشور بسیار بالاست. این در حالی است که محصول گندم در سال ۲۰۲۳ در این کشور بسیار خوب بود و پاکستان دارد از نفت تخفیف‌خورده روسیه هم بهره می‌برد.

در عرصه سیاسی، انتخابات عمومی پیش روی پاکستان در فوریه ۲۰۲۴ اهمیت زیاد دارد و شاید آزمونی مهم برای گذار دموکراتیک و تغییرات پویا در عرصه قدرت در این کشور باشد. پاکستان در شرایطی وارد انتخابات می‌شود که عمران خان نخست‌وزیر سابق کنار گذاشته شده و احزاب سیاسی اصلی از جمله حزب مسلم لیگ پاکستان (نواز شریف) و حزب خلق پاکستان در تلاش هستند از خلا سیاسی به وجود آمده در کشور به سود خود استفاده کنند. انتظار می‌رود که هیچ حزبی به تنهایی قادر به پیروزی در این انتخابات نباشد و بنابراین نیاز به ایجاد ائتلاف میان حزبی برای تشکیل دولت احساس می‌شود. نتایج انتخابات در نهایت می‌تواند تعیین‌کننده آینده مناسبات ارتش و دولت هم در پاکستان باشد. سابقه تاریخی در پاکستان نشان می‌دهد که دولت‌های ائتلافی در این کشور عمر کوتاهی دارند و معمولاً مسئولیت‌های خود را به درستی انجام نمی‌دهند یا در نهایت به ارتش اجازه می‌دهند که نفوذ بیشتری در امور حکومتی پیدا کند.

موضوع مهم دیگر نیز چالش‌های امنیتی پیش روی پاکستان است. احتمالاً هست که در سال ۲۰۲۴ برخی گروه‌های شبه‌نظامی تندرو دوباره در این کشور قدرت بگیرند. از سال ۲۰۲۱ و با به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان، گروه تحریک طالبان در پاکستان نیز دوباره قدرتمند شده است. حملات تروریستی در پاکستان دوباره افزایش پیدا کرده و تعداد جنگجویانی که موفق شده‌اند در مناطق روستایی پاکستان نفوذ کنند نیز بالا رفته است. تداوم جنگ غزه و خشم مردم از بی‌عملی دولت در این خصوص و همچنین مشکلات اقتصادی و اجتماعی در پاکستان ممکن است همگی به واکنش‌های زیادی از سوی مردم پاکستان در سال ۲۰۲۴ منتهی شود.

در واقع شرایط در پاکستان به شکلی است که احتمال بهبود آن در سال ۲۰۲۴ چندان محتمل به نظر نمی‌رسد. تنها در صورتی که یک دولت توانا و باثبات در پاکستان روی کار بیاید و بتواند سیاست‌گذاری درستی انجام دهد، احتمال بهبود وضعیت اقتصادی و امنیتی در این کشور وجود خواهد داشت.

### ■ ویرانی‌های سودانی

سودان در اکثر ماه‌های سال ۲۰۲۳ در جنگ داخلی بسر برد. درگیری‌ها باعث ویرانی خارطوم (پایتخت سودان) و سایر شهرهای مهم این کشور شد و خشونت بی‌سابقه‌ای گریبان غیرنظامیان را گرفت. اوضاع در دارفور غربی از همه بدتر بود و بیش از شش میلیون نفر مجبور به ترک خانه‌هایشان شدند. اوضاع طوری وخیم بود که تصور می‌شد از آن بدتر امکان ندارد. اما در سال ۲۰۲۴ احتمال بدتر شدن اوضاع در سودان هم وجود دارد.

موضوع هر دو حزب دموکرات و جمهوری خواه آمریکا در باب مهم ترین مناقشه کنونی در جهان یعنی جنگ غزه واضح است و هر دو حزب حامی اسرائیل هستند.

درگیر و توافق برای برگزاری انتخابات باشیم باید آن را تحولی بزرگ در لیبی به شمار بیاوریم. از آنجا که طرفین درگیر باید برای حصول به این هدف از بخشی از قدرت خود صرف نظر کنند، دشواری قضیه حتی بیشتر هم هست.

اما در میان مشکلات عدیده موجود در لیبی - از فساد و مهاجرت غیرقانونی گرفته تا مشکلات اقتصادی و بی ثباتی سیاسی - نیروهای حاضر در عرصه سیاسی این کشور در تلاشند تا موقعیت کنونی خود را حفظ کنند و علتش هم این است که اکثرشان متوجه قدرت گیری خلیفه حفتر با کمک روسیه شده اند و حس می کنند که نباید از قافله قدرت جا بمانند. حمایتی که روس ها از خلیفه حفتر می کنند باعث ناراحتی آمریکا است اما تاکنون کار خاصی در این خصوص از دست آمریکا برنیا آمده است؛ به خصوص با توجه به اینکه روسیه روی گسترش حضور نظامی خود در آفریقا به خصوص در لیبی تاکید زیادی دارد.

با توجه به شرایط سیاسی کنونی لیبی، پیش بینی می شود که درگیری های سیاسی واضحی در سال ۲۰۲۴ در این کشور رخ بدهد و مثلاً احتمالش هست که نخست وزیر فعلی از قدرت کنار گذاشته شود و دولت جدیدی روی کار بیاید؛ هر چند که این موضوع احتمالاً احیای دوباره نبردهای میان گروه های شبنظامی را به همراه خواهد داشت. با این حال، از آنجا که اکثر قدرت های خارجی در حال حاضر بیشتر به جنگ غزه و جنگ اوکراین توجه نشان می دهند، این احتمال وجود دارد که لیبی در سال ۲۰۲۴ از تاثیر بیش از حد این بازیگران خارجی کمی رها باشد.

#### زور آزمایی به شیوه یمن

یمن مدت هاست که موقعیت خود را به عنوان یک بازیگر مهم جنگی اثبات کرده است. این روزها خبر مقابله با کشتی های اسرائیلی در دریای سرخ مورد توجه رسانه هاست؛ موضعی که واکنش صریح یمن به حملات اسرائیل به فلسطینیان بوده است. نباید فراموش کرد که یمنی ها مدت ها درگیر جنگ بوده اند و بحران در این کشور چنان عمیق بود که هر اطمینانی به مداخله سازمان ملل متحد یا نهادهای جهانی دیگر را به کل از بین برد. جنگ در یمن از سال ۲۰۱۴ شروع شد و به دنبال آن، ائتلافی از کشورهای عربی که عربستان سعودی و امارات متحده عربی جزوش بودند چند سال در یمن هزینه نظامی دادند اما موفق به شکست انصارالله یمن نشدند.

در نهایت در آوریل ۲۰۲۲ عربستان تلاش کرد خودش را از مهلکه یمن بیرون بیاورد و مذاکرات دیپلماتیک را با انصارالله و متحدانش آغاز کند. با این حال، اختلافات شدید بین عربستان سعودی و امارات بر سر منافعشان در یمن باعث شد آنها نتوانند استفاده خاصی از دوران پساجنگ یمن ببرند. در همین حال، یمنی ها مصالحه را نپذیرفتند و خواهان خروج بی قید و شرط ائتلاف سعودی از یمن و ارائه غرامت سنگین برای بازسازی این کشور از سوی نیروهای متخاصم شدند. واقعیت این است که ائتلاف به رهبری عربستان در موقعیتی در یمن قرار گرفت که سال ها سعی کرده بود از آن پرهیز کند؛ موقعیتی که انصارالله یمن در آن به موشک های موثر دسترسی دارد و قادر به بسیج نیروهای زیادی است (فقط در اطراف شهر معارب پنجاه هزار نیروی آماده به جنگ وجود دارد). همچنین گروه های رقیب در یمن به شدت ضعیف شده اند و تهدیدی برای قدرت انصارالله به شمار نمی آیند.

انصارالله که بخشی از محور مقاومت است هدف خود را رسیدن

با این اوصاف می توان نتیجه گرفت که روند سیاسی بازگشت سوریه به مناسبات دیپلماتیک منطقه و کاهش احتمالی ابعاد مناقشه در برخی مناطق این کشور احتمالاً در سال ۲۰۲۴ میلادی پیشرفتی نخواهد داشت. در صورت تداوم جنگ غزه در سال ۲۰۲۴، سوریه جبهه های ثانویه برای خصومت های ژئوپلیتیکی منطقه خواهد بود و گروه های شبنظامی منطقه ای که علیه آمریکا کار می کنند، مواضع نیروهای آمریکایی در سوریه را با پهباد و راکت و موشک هدف قرار خواهند داد و در مقابل، اسرائیل و آمریکا نیز به حملات خود علیه مواضع این گروه ها ادامه خواهند داد.

اگر جنگ غزه باعث تشدید بیش از اندازه این درگیری ها شود، ممکن است سرنوشت نیروهای آمریکایی که به همراه متحدانشان شمال شرق سوریه را اشغال کرده و از نفت آن استفاده می کنند تغییر کند. این مسئله به خصوص با توجه به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۲۴ و مباحث سیاست خارجی آمریکا در جریان آن ممکن است مورد توجه قرار بگیرد.

#### مناقشات لایبخل لیبی

از زمان آغاز شورش ها در لیبی در فوریه ۲۰۱۱ تاکنون، این کشور هیچ روز باثباتی به خود ندیده است. همواره گروه های شبنظامی مختلف در این کشور در حال درگیری هستند و گاهی مناقشات خشونت آمیز بسیار جدی تری هم رخ می دهد. یکی از بدترین این موارد در ژوئیه سال ۲۰۱۴ رخ داد که به ویرانی و بسته شدن فرودگاه بین المللی طرابلس انجامید. همچنین در سال های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ میلادی معروف ترین جنگ سالار لیبی یعنی خلیفه حفتر سعی کرد طرابلس را با کمک ارتش خصوصی واگنر و با حمایت اردن، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و فرانسه بگیرد، اما موفق نشد.

رسیدن به مصالحه سیاسی به منظور برگزاری انتخابات پارلمانی و انتخابات ریاست جمهوری در لیبی تحت نظارت نماینده ویژه سازمان ملل متحد نیز در لیبی به امری چالش برانگیز تبدیل شده و مسیر انتخابات در این کشور هنوز هموار نشده است. در چنین شرایطی، اگر در سال ۲۰۲۴ شاهد پیشرفتی در زمینه مصالحه اولیه رهبران طرفین

نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی مصر در حال حاضر در میان اقتصادهای نوظهور در بالاترین سطح یعنی ۹۲.۷ درصد قرار دارد

در صورت تداوم جنگ غزه در سال ۲۰۲۴، سوریه جبهه ای ثانویه برای خصومت های ژئوپلیتیکی منطقه خواهد بود





ایجاد اختلال در مسیرهای کشتیرانی بین‌المللی که علیه اسرائیل صورت می‌گیرد ممکن است به تحریم‌های سنگینی علیه یمن منجر شود.

نقش احتمالی اروپا و آمریکا در آن به کل لغو شد) خودش ماجرای مفصلی بود و تنها باقیمانده آن هم یک مسیر تجارت دریایی است که اوکراین و متحدانش ایجاد کردند. این مسیر که از رومانی و بلغارستان (هر دو از اعضای ناتو در منطقه دریای سیاه) می‌گذرد احتمالاً در سال ۲۰۲۴ هم مسیری برای انتقال غلات خواهد بود؛ هر چند که اصلاً کافی نیست.

در این میان، شاید یکی از مسائل محقق‌شده در جریان جنگ اوکراین که واشینگتن و متحدانش را مشغول نگه داشته و هنوز راهی برای آن پیدا نشده، همکاری ایران با روسیه است که در مقابل، حمایت‌هایی را نیز از جانب روسیه به دنبال داشته است. احتمالش هست که در سال ۲۰۲۴ هم اروپا و آمریکا به دنبال راه‌حل برای ایجاد اختلال در این رابطه دوجانبه باشند.

### دو دریچه برای افغانستان

چشم‌انداز افغانستان در سال ۲۰۲۴ را شاید بتوان از دریچه دو لنز مختلف دید. در اولی، افغانستان تا حدی قادر به رسیدن به وضعیت نرمال خواهد بود: نرمال خوب یا نرمال بد. از آنجا که افغانستان سال‌ها و دهه‌ها توجه جامعه جهانی را معطوف خودش کرده بوده، شاید دوران بعد از روی کار آمدن مجدد طالبان در قیاس با دوران‌های قبلی کم‌سر و صدا به‌شمار بیاید. در چارچوب چنین سناریویی، بعید است افغانستان ۲۰۲۳ و افغانستان ۲۰۲۴ تفاوت خیلی زیادی با هم داشته باشند. وضعیت حکومت طالبان در افغانستان حالا به گونه‌ای است که هیچ چالش داخلی یا خارجی خاصی که آنها را تهدید کند وجود ندارد. شکی نیست که دولت طالبان با مشکلات مالی مواجه است اما بحران‌هایی مثل امنیت غذایی و دارویی در افغانستان انگار مشکل جامعه بین‌المللی هستند و نگرانی در مورد آنها در میان کشورهای دیگر بیشتر از خود مقامات طالبان است.

از سوی دیگر، درست است که جامعه جهانی از برخی سیاست‌های اجتماعی طالبان - مثل محدود کردن حضور زنان در اجتماع و تحصیل آنها- نگرانی دارد، ولی فشار خاصی هم بر این حکومت اعمال نکرده است. تصویری که در ابتدای به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان وجود داشت این بود که کشورهای دیگر آنها را

حکومت طالبان عملاً قابلیت نهادی بالایی ندارد، در زمینه سیاست‌گذاری بی‌تجربه است و حتی تجربه اولیه حکومتداری را هم ندارد

به مکه و بیت‌المقدس قرار داده است و به همین جهت بود که با آغاز جنگ غزه، موقعیتی برای این گروه یمنی پیش آمد تا هدف خود را برای مقابله با اسرائیل دنبال کند. قابلیت یمنی‌ها در ایجاد اختلال در مسیرهای کشتیرانی بین‌المللی در دریای سرخ حالا حتی اطمینان بیشتری هم در خصوص تحقق این اهداف به انصارالله داده است. گفته می‌شود که از زمان آغاز جنگ غزه ۲۵ هزار نیروی جدید نیز جذب انصارالله شده‌اند.

به رغم این تحولات، یمن در سال ۲۰۲۴ با معضلاتی نیز مواجه خواهد بود؛ مثلاً اینکه در صورت تداوم موضع فعلی انصارالله، احتمال وقوع درگیری در داخل یمن و مداخله بازیگران خارجی در آن دوباره زیاد خواهد شد. در عین حال، ایجاد اختلال در مسیرهای کشتیرانی بین‌المللی که علیه اسرائیل صورت می‌گیرد ممکن است به تحریم‌های سنگینی علیه یمن منجر شود و وضعیت اقتصادی این کشور را بیشتر تحت تاثیر قرار دهد.

### دریای سیاه، تحت تاثیر خاورمیانه

حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ میلادی باعث شد منطقه دریای سیاه به شکلی بی‌سابقه در صدر اخبار جهان قرار بگیرد و این وضعیت در سال ۲۰۲۳ هم ادامه یافت. جنگ اوکراین نشان داد که منطقه دریای سیاه قدرتی برای امنیت غذایی جهانی اهمیت دارد. اما این را هم ثابت کرد که دریای سیاه به منطقه‌ای برای رقابت استراتژیک شدید تبدیل شده است. در همین راستا شاهد بودیم که ایران در سال ۲۰۲۳ به بازیگر نوظهوری در این منطقه تبدیل شد و متحدی در عرصه نظامی برای روسیه بود.

به دنبال آغاز جنگ غزه، توجهات از جنگ اوکراین تا حدی برداشته شد و میزان پرداختن به این موضوع در رسانه‌ها هم کاهش یافت. اما به نظر می‌رسد که در سال ۲۰۲۴ همچنان رقابت استراتژیک بین روسیه، ایران، ترکیه و آمریکا در این منطقه ادامه داشته باشد و انواع مواجهه‌های مختلف را در بر بگیرد. در واقع جنگ اوکراین دریچه‌ای خواهد بود برای آن که تحولات منطقه قفقاز جنوبی را نیز بررسی کنیم.

اگر اتفاق شگفت‌آور و غیرمنتظره‌ای در سال ۲۰۲۴ در منطقه قفقاز نیفتد، جنگ اوکراین به شکل‌های مختلف در این سال ادامه خواهد یافت. آمریکا به عنوان حامی مالی و نظامی بزرگ اوکراین در این جنگ، در خصوص سطح کمک‌هایی که می‌خواهد در این سال به اوکراین ارائه بدهد باید تصمیم‌های سختی بگیرد چون سال ۲۰۲۴ سال انتخابات در آمریکا هم هست و ممکن است عوامل داخلی دیگری روی این تصمیم‌گیری‌ها تاثیر بگذارند. این تصمیمات احتمالاً سرعت جنگ در سال‌های آینده را تعیین خواهند کرد. در عین حال، نباید فراموش کرد که نتیجه این جنگ در نهایت نه تنها روی سرنوشت منطقه دریای سیاه، بلکه روی وضعیت امنیتی آینده کشورهای اروپا و حوزه اقیانوس اطلس تاثیر خواهد گذاشت. حتی مقامات این کشورها در دوران جنگ اوکراین به این موضوع اشارات زیادی کرده‌اند.

وقوع جنگ اوکراین در دو سال اخیر باعث شد میزان وصل بودن منطقه دریای سیاه با تحولات خاورمیانه هم خودش را بیشتر نشان دهد. در میان این نقاط ارتباطی، می‌توان به مسئله امنیت غذایی اشاره کرد که شاید مهم‌ترین تحول جهانی ناشی از جنگ اوکراین بود. فراز و نشیب‌های مربوط به توافق صادرات غلات (که در ابتدا با وساطت ترکیه انجام شده بود اما به خاطر انفجار خطوط لوله نوردستریم و



به ازای هر ده دلار افزایش در قیمت هر بشکه نفت، رشد جهانی به میزان ۰.۱ درصد کاهش پیدا خواهد کرد و تورم جهانی نیز افزایش ۰.۲ درصدی خواهد داشت.

به دنبال ارائه برداشتهای خاص عقیدتی خود و ارتباط دادن آن با حکومتداری خواهد بود. در چنین شرایطی، آشنایی با هنجارهای مورد نظر طالبان هم ممکن است وارد مراحل جدیدی شود و جامعه جهانی هم احتمالاً چارهای نخواهد داشت جز اینکه با همین هنجارها کنار بیاید.

### بن بست بین مراکش و الجزایر

الجزایر و مراکش مدت‌هاست که در یک بن بست دیپلماتیک سخت بسر می‌برند و الجزایر از اوت سال ۲۰۲۱ مناسبات خود با مراکش را قطع کرده است و مراکش را به حمایت از گروه‌های جدایی طلب در صحرای آفریقا که علیه الجزایر کار می‌کنند متهم کرده است. به نظر نمی‌رسد که در سال ۲۰۲۴ هم امیدی به حل مشکلات این دو کشور مغربی (در شمال آفریقا) وجود داشته باشد. هر دوی آنها به دنبال قدرت و غلبه مناطقی بیشتر هستند و باید دید در سال جدید چه تحولات بنیان‌کنی می‌تواند اوضاع را برای آنها تغییر دهد. این در حالی است که هر دو کشور الجزایر و مراکش مسیرهای دیپلماتیک کاملاً مخالف با هم را در پیش گرفته‌اند.

الجزایر در سال ۲۰۲۳ درخواست پیوستن به بریکس را داشت که طبق روایاتی به دلیل مخالفت هند نتوانست آن را محقق کند. به همین جهت، الجزایر سعی کرده از کرسی خود به عنوان عضو غیردائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان اهرمی دیپلماتیک برای نقش‌آفرینی در عرصه جهانی و پیشبرد اهداف خود در تقابل با اسرائیل استفاده کند. این در حالی است که دولت مراکش با اسرائیل همکاری داشته و دارد؛ هرچند که افکار عمومی در این کشور طرفدار فلسطین هستند و در تمام بازی‌های فوتبال در این کشور هم شعارهای حمایتی گسترده از فلسطین سر داده می‌شود. با این حال، روی هم تلنبار شدن مشکلات و بحران‌های بین دو کشور الجزایر و مراکش می‌تواند خطر بزرگی برای صحرای غربی باشد. در همین میان، اروپا با نگرانی به تحولات شمال آفریقا نگاه می‌کند. به رغم اینکه احتمال رویارویی نظامی دو کشور بالا نیست، اما اروپا همواره می‌خواهد که نزدیکی‌اش به منطقه شمال آفریقا باعث سرازیر شدن آوارگان آفریقایی به سمت اروپا نشود. ■



جنگ اوکراین ثابت کرد که دریای سیاه به منطقه‌ای برای رقابت استراتژیک شدید تبدیل شده است

به رسمیت نخواهند شناخت. اما در نهایت برخی کشورها با گذشت زمان در موضع خود تجدید نظر کرده‌اند و مناسبات دیپلماتیک و اقتصادی محدودی با طالبان دارند. این خودش نوعی به رسمیت شناخته شدن است.

اما اگر از دریچه لنز دوم به افغانستان در سال ۲۰۲۴ بنگریم، باید انتظار وضعیت دشواری را در این سال داشته باشیم. واقعیت این است که بحران‌های مختلف در افغانستان در جبهه‌های مختلف ممکن است تقویت شوند و دغدغه‌های داخلی و خارجی جدیدی را به وجود بیاورند. از جمله آنها می‌توان به افزایش فقر، احتمال بروز ناآرامی اجتماعی، مسائل حقوق بشری، مسائل اقلیمی و عدم مقابله با فعالیت گروه‌های تروریستی اشاره کرد.

به این چالش‌ها باید نگرانی‌ها درباره وضعیت مردم عادی را اضافه کرد. تقریباً دو سوم از جمعیت افغانستان نیاز شدیدی به مواد غذایی، خدمات درمانی و سرپناه دارند. از سوی دیگر، پاکستان عذر جمعیت زیادی از آوارگان افغانی را خواسته و ۳۷۵ هزار نفر از آنها را به افغانستان بازگردانده است که این هم خودش به چالش بزرگی تبدیل شده است.

در این چشم‌انداز تیره و تاریک، می‌توان حکومت طالبان را مشاهده کرد که قابلیت نهادی بالایی ندارد، در زمینه سیاست‌گذاری بی تجربه است و حتی تجربه اولیه حکومتداری را هم ندارد. همه این مسائل باعث تشدید بحران‌های افغانستان در سال ۲۰۲۴ خواهند شد. طالبان همواره مدعی است که ساختاری سلسله‌مراتبی از قدرت دارد و قدرت و نفوذ در این کشور از سمت رهبر آنها یعنی حبیب‌الله آخوندزاده به سمت سایر رهبران جریان دارد. با این حال، وضعیت قانون اساسی در این کشور و اختیارات طالبان در آن کاملاً نامشخص است. احتمال دارد که در سال ۲۰۲۴ میلادی افغانستان شاهد ارائه پیش‌نویس قانون اساسی امارت اسلامی افغانستان باشد. اما اینکه در چنین سندی چقدر به وحدت ملی توجه شده باشد مشخص نیست و احتمالش هست که در جامعه پریحران افغانستان، چنین پیش‌نویسی هم به منبع جدید مناقشه تبدیل شود.

آنچه که مسلم است این است که از هر دریچه‌ای به چشم‌انداز افغانستان در سال ۲۰۲۴ نگاه کنیم، شاهد این خواهیم بود که طالبان

وضعیت حکومت طالبان حالا به گونه‌ای است که هیچ چالش داخلی یا خارجی خاصی که آنها را تهدید کند وجود ندارد.



[ آینده جهان ]

# ژئوپلیتیک ۲۰۲۴ برای کارآفرین‌ها

امسال بدون درک مناسبات و روندهای کنونی دنیا نمی‌توانید استراتژی مناسبی برای کسب‌وکار خود طراحی کنید

شرکت EY Parthenon مشاور در استراتژی جهانی با ۹ هزار کارمند است که زیرمجموعه Ernst & Young به حساب می‌آید. ارنست اند یانگ که جزو گروه «چهار حسابرس بزرگ» دنیاست در بخش‌های حسابداری، مالی، حقوقی، تجاری، راهبردی به شرکت‌های بزرگ مشاوره می‌دهد. گزیده‌ای از تازه‌ترین گزارش این موسسه را که ویژه مدیران عامل این شرکت‌ها نوشته شده بخوانید تا درک کلان تری از شرایط ماه‌های آینده داشته باشید.



در سال‌های گذشته به طور مداوم شاهد افزایش تنش‌های ژئوپلیتیک بوده‌ایم و محیط بین‌المللی طی سال ۲۰۲۴ همچنان پرنوسان و بی‌ثبات خواهد بود. مدیران شرکت‌ها حالا چاره‌ای ندارند که این اختلالات ژئوپلیتیکی را پیش‌بینی کنند و برای آن برنامه بریزند.

نه مناسبات و منافع کاملاً اقتصادی.

این یعنی با قوانین سختگیرانه‌تری در حوزه‌های صادرات و واردات روبرو خواهیم شد اما طبیعتاً در این بخش تمرکز اصلی دولت‌ها روی محصولاتی خواهد بود که استراتژیک به حساب خواهند آمد؛ مثلاً شرکت‌های فعال در حوزه‌های نیمه‌رساناها، شبکه‌های مخابراتی، تکنولوژی‌های انرژی‌های سبز، خودروهایی برقی و بیوتکنولوژی بیش از گذشته با دخالت‌های دولتی مواجه خواهند شد. این شرکت‌ها و شرکت‌های مشابه از این پس باید در بخش تامین مواد اولیه و همچنین سرمایه‌گذاری‌های آینده خود به دولت‌ها حساب پس بدهند.

در مقیاس جهانی این روند باعث می‌شود که روند گرانی و تورمی که در دوران کرونا آغاز شد ادامه پیدا کند و همچنین کشورها نگرانند دستاوردهای علمی‌شان به آسانی در اختیار رقبا قرار گیرد.

این دو روند کلان - چندقطبی‌شدن و کاهش اتکا به خارج - در طول سال آینده به شکل‌های مختلفی خود را نشان می‌دهد که ما آن را به ۱۰ تحول اصلی ژئوپلیتیکی سال ۲۰۲۴ تقسیم کرده‌ایم. اکثر این تحولات کاملاً تازه نیستند و تداوم تحولات دو سال گذشته‌اند که دچار تغییراتی شده است. در واقع ما انتظار داریم که ۹ روند از ۱۰ روند استراتژیک سال ۲۰۲۳ را به صورتی دیگر در سال ۲۰۲۴ ببینیم.

این ۱۰ تحول به ما نشان خواهد داد که چطور طی سال‌های آینده ایده جهانی‌سازی هم دچار تحولات اساسی خواهد شد. همین حالا هم داریم نشانه‌هایش را می‌بینیم: تحولات چندقطبی‌شدن فضای ژئوپلیتیک کنونی را به سمت شکل‌گیری بلوک‌های مشخص‌تر و شبکه‌هایی از متحدان خواهد کشاند و هم‌زمان تلاش برای کاهش ریسک به رقابت بیشتر کشورها در بخش سیاست‌گذاری‌های اقتصادی منجر می‌شود. البته این رقابت بیشتر در حوزه‌های استراتژیک اقتصاد دیده خواهد شد و گرنه در بخش‌های دیگر بلوک‌های تجاری بین کشورهای دوست تقویت خواهد شد. اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۴ چندشاخه‌تر خواهد شد. این گزارش ویژه را بخوانید تا برای دنیای جدید آماده‌تر باشید.

## سه استراتژی پر منفعت و کم‌ریسک برای ۲۰۲۴

دو روند کلی چندقطبی‌شدن و ریسک‌گریزی که ۲۰۲۴ را شکل خواهد داد برای شرکت‌ها در سراسر دنیا فرصت‌ها و چالش‌های بزرگی به وجود می‌آورد. هر کدام از ۱۰ تحولی که در این گزارش ویژه بررسی می‌کنیم روی هر شرکت تأثیر متفاوتی خواهد گذاشت و تصمیم‌گیری سریع مدیریت شرکت را می‌طلبد. طبیعتاً سطح تأثیر این



## مقدمه: درک جهان ۲۰۲۴

اواخر دهه ۲۰۱۰ و اوایل دهه ۲۰۲۰ را می‌توان سال‌های افزایش تنش‌های ژئوپلیتیک و همچنین تغییرات جدی در سیاست‌گذاری در بازارهای کلیدی نام گذاشت. حالا که ما به سمت نیمه دهه ۲۰۲۰ حرکت می‌کنیم محیط بین‌المللی همچنان پرنوسان و بی‌ثبات خواهد بود. مدیران شرکت‌ها در این میانه چاره‌ای ندارند که

این اختلالات ژئوپلیتیکی را پیش‌بینی کنند و برای آن برنامه بریزند. برای درک بهتر وضعیت جهان در ۲۰۲۴ باید دو روند اصلی را فهمید که باقی روندها در زیرمجموعه این دو قرار می‌گیرند:

## روندهای کلان دنیا در سال ۲۰۲۴

### حرکت به سمت چندقطبی شدن

احتمال اینکه در حوزه‌های مختلف شاهد تغییراتی عظیم در محیط ژئوپلیتیک کنونی باشیم روز به روز بالا می‌رود؛ آینده روابط بین قدرت‌های بزرگ (آمریکا، اتحادیه اروپا و چین) همچنان نامعلوم است. به همین خاطر دولت‌هایی که به لحاظ ژئوپلیتیک مواضع متغیری اتخاذ می‌کنند قدرت بیشتری می‌گیرند چون حمایتشان از یکی از طرفین می‌تواند تعیین‌کننده باشد.

به همین خاطر طی سال‌های آینده بازارهای نوظهور (Emerging) و بازارهای مرزی (frontier) به طور فزاینده‌ای نسبت به آنچه که استانداردهای دوگانه کشورهای غربی قلمداد می‌کنند انتقاد خواهند کرد. (بازارهای مرزی از جنس کشورهای در حال توسعه‌اند اما از بازارهای نوظهور پریسک‌تر و کوچک‌ترند) در کل منتظر این باشید که بازیگران کوچک‌تر - چه دولتی و چه غیر دولتی - بتوانند در صحنه منطقه‌ای تأثیرگذارتر باشند. این حرکت به سمت جهان چندقطبی به احتمال زیاد کمک می‌کند که روندهای کنونی تنوع‌بخشی در حوزه اقتصادی تشدید شوند؛ در دوران کرونا، شرکت‌ها و کشورها متوجه شدند که مانند گذشته نمی‌توانند به زنجیره‌های تامین (supply chains) که از نقاط دور دنیا شروع می‌شوند اطمینان کرد. کشورهای گوناگون مرزهای خود را بستند تا هم از ورود ویروس به کشور جلوگیری کنند و هم دچار کمبود منابع نشوند. (مثل تجربه بسته‌شدن چین که جلوی مشکل در اقتصاد این کشور را گرفت اما به دیگر بازارها ضربه بدی زد چون به واردات چین وابسته بودند) به جز کرونا، حالا مسئله رقابت جدی بین کشورها و بین بلوک‌های سیاسی را داریم و به همین خاطر کشورها ترجیح می‌دهند فقط کشورهای نزدیک یا دوست جنس وارد کنند.

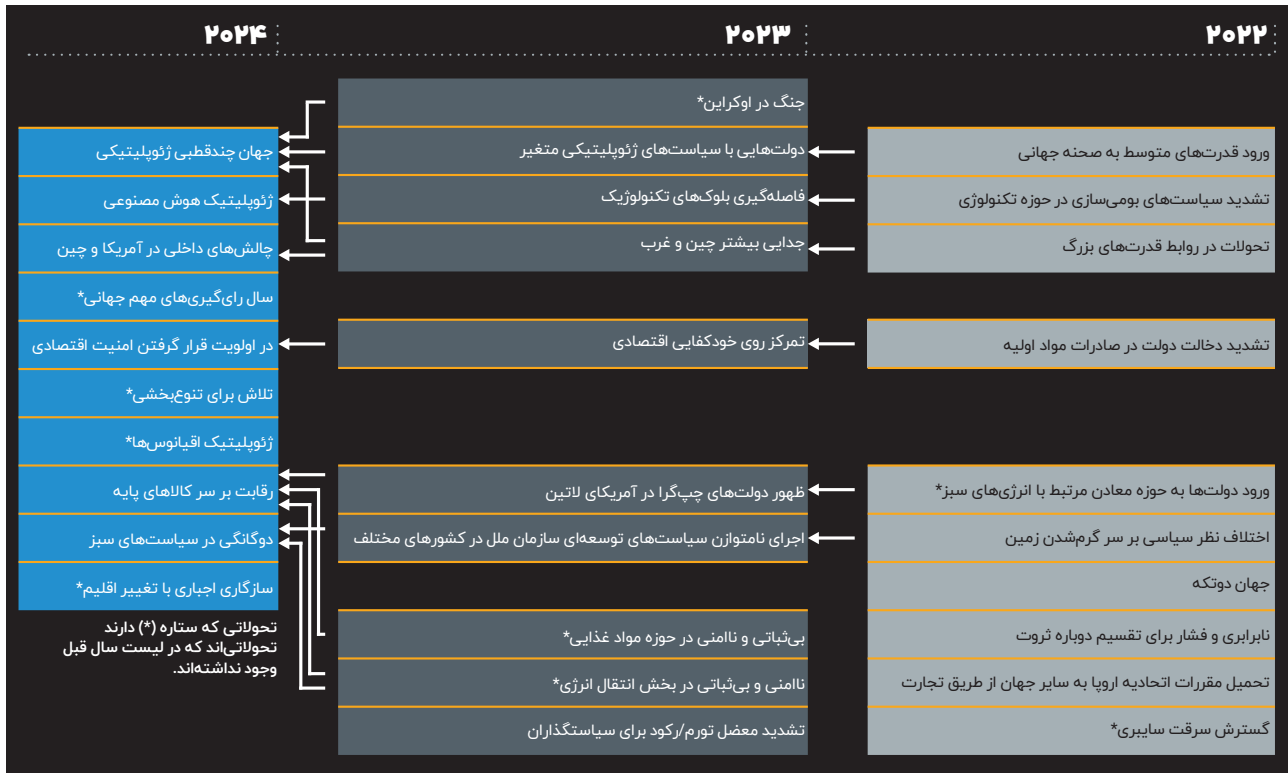
در جهانی این چنین چندقطبی و چنددسته، انتظار نداشته باشید کشورها مثل دورانی که آمریکا ابرقدرتی می‌کرد بتوانند در مسائل و بحران‌های بین‌المللی به یک اتفاق نظر - هر چند شفاهی - برسند.

### ریسک‌گریزی به کمک کاهش اتکا به خارج

در واکنش به بحران‌های ناشی از جهان چندقطبی، دولت‌ها و شرکت‌ها مجبورند به شیوه‌های مختلف ریسک فعالیت را پایین بیاورند. چطور؟ با اتخاذ سیاست‌های صنعتی‌ای که تولید داخلی محصولات کلیدی را تضمین کند. این سیاست اقتصادی را بگذارید کنار سیاست‌های خارجی و امنیت داخلی کشورها در وضعیت پرتنش کنونی تا بتوانید به درک بهتری از ۲۰۲۴ برسید. دولت‌ها تلاش خواهند کرد وابستگی خارجی در اقتصاد را پایین بیاورند، و موقع سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، اولویت را بر امنیت ملی بگذارند

## ۱۰ تحول اصلی ژئوپلیتیک دنیا طی سه سال اخیر

اکثر تحولات ژئوپلیتیکی ۲۰۲۴ از تحولات دو سال گذشته نشأت گرفته‌اند



سخت‌گیری‌های آینده دولتها علیه این تکنولوژی آماده باشید. (مربوط به روند ۲: ژئوپلیتیک هوش مصنوعی)

▲ چالش‌های درونی آمریکا و چین را در نظر بگیرید و تاثیر این چالش‌ها را بر کشورهای که در معرض این دو بازار هستند درک کنید. این را در پیش‌بینی‌های شرکتتان از بازار لحاظ کنید. (مربوط به روند ۳: چالش‌های داخلی در آمریکا و چین)

▲ آن گروه از رای‌گیری‌های سال آینده را که ممکن است برای شرکتتان مهم باشد انتخاب کنید. انواع سناریوهای ممکن را بنویسید و ببینید چطور می‌توانید از آنها سود ببرید. (مربوط به روند ۴: سال رای‌گیری‌های مهم جهانی)

### ۲ زنجیره‌های تامین بین‌المللی خود را منعطف‌تر کنید

زنجیره‌های تامین (supply chains) به سیستم لجستیک پیچیده‌ای می‌گویند که کل مسیر از دریافت مواد اولیه، تولید محصول نهایی و توزیع آن را شامل می‌شود. در شرکتهای بزرگ زنجیره‌های تامین عموماً در برابر تحولات ژئوپلیتیک آسیب‌پذیر هستند. روسای شرکتهای در دوره کنونی باید بتوانند استراتژی زنجیره تامین خود را طوری تغییر دهند که در برابر اختلالات ژئوپلیتیکی کنونی انعطاف‌پذیری بیشتری نشان دهند.

اقدامات کلیدی در این حوزه:

▲ بررسی کنید که کدام یک از بخش‌های زنجیره تامین ما امروز یا در آینده از دید دولتها استراتژیک به محسوب خواهند شد و در نتیجه ممکن است مورد تهدید قرار بگیرند. استراتژی زنجیره تامین خود را در این بخش‌ها تغییر بدهید. (مربوط به روند ۵: در اولویت قرار گرفتن امنیت اقتصادی)

تحول، با توجه به حوزه کار شرکت شما و موقعیت مکانی آن متفاوت خواهد بود و در این گزارش امکان آن وجود ندارد که برای آن راه‌حلی ارائه کنیم. اما اینجا تصمیمات استراتژیکی داریم که با توجه به وضع کنونی دنیا حتماً به نفع شرکتتان تمام خواهد شد، اینجا فرقی نمی‌کند در آسیا باشید یا در اروپا، و شرکتتان تولیدکننده دارو باشد یا نه سازنده لوازم خانگی.

با این سه استراتژی مهم و کم‌ریسک برای ورود به سال ۲۰۲۴ آشنا شوید:

### ۱ ملاحظات ژئوپلیتیکی را وارد مدل‌ها و استراتژی‌های تجاری خود کنید

می‌توان با اطمینان گفت که برای نسل کنونی مدیران هیچ‌گاه مانند امروز درک ژئوپلیتیک اهمیت نداشته است. در عصر تغییرات عمیق در سیستم بین‌المللی نمی‌توان اهمیت ژئوپلیتیک را در استراتژی‌های شرکتی دست‌کم گرفت. درک ژئوپلیتیک و حضور آن در استراتژی هر شرکت می‌تواند باعث افزایش سطح رقابت‌پذیری آن شرکت شود. (رقابت‌پذیری یا Competitiveness توانایی افزایش سهم بازار و یا سوددهی و بقا در صحنه رقابت جهانی برای یک دوره طولانی است. اقدامات کلیدی در این حوزه:

▲ تغییرات در استراتژی‌ها و تاکتیک‌های شرکتتان، تا با دنیای چندقطبی و پیچیده‌تر کنونی هماهنگ شود. (مربوط به روند شماره ۱ لیست بعدی: جهان چندقطبی ژئوپلیتیکی)

▲ مدل‌های تجاری و استراتژی‌های تکنولوژیکی شرکتتان را با آگاهی از هوش مصنوعی شکل دهید، سعی کنید امکانات آن را در سیستم خود لحاظ کنید و برای

در عصر تغییرات عمیق در سیستم بین‌المللی نمی‌توان اهمیت ژئوپلیتیک را در استراتژی‌های شرکتی دست‌کم گرفت. درک ژئوپلیتیک و حضور آن در استراتژی هر شرکت می‌تواند باعث افزایش سطح رقابت‌پذیری‌اش شود.



▲ وقتی با نگاه ژئوپلیتیکی، استراتژی‌های زنجیره تامین خود را برآورد می‌کنید ممکن است به سمت گسترش ظرفیت تولید خود بیفتید (به جای واردات) یا اینکه با تامین‌کنندگان ماده اولیه در بازارهای جدید ارتباط خواهید گرفت. (مربوط به روند ۶: تلاش برای تنوع‌بخشی)

▲ در نظم جدیدی که به آن وارد می‌شویم امنیت اقیانوس‌ها مانند گذشته بالا نیست و باید سنسار یوهایی را پیش‌بینی کنید که در آنها هزینه بیمه محموله‌های دریایی بالا رفته، محموله‌ها آسیب‌دیده‌اند و بارها دیر می‌رسند. (مربوط به روند ۷: ژئوپلیتیک اقیانوس‌ها)

### استراتژی‌های بقا در دوران جدید ژئوپلیتیک را پیاده کنید

۳

چندقطبی شدن جهان و ریسک‌گری بر رویکردهای دولت‌ها در حوزه‌های منابع طبیعی و گرم‌شدن زمین تاثیر خواهد گذاشت و این یعنی نیازهای شرکت شما برای ماندگاری، هزینه‌ها و وضعیت رقابت در حوزه کاری‌تان تغییراتی خواهد کرد. درک سیاست‌های تازه دولت و قوانین

جدید - و همچنین پیش‌بینی سیاست‌های بعدی - از وظایف مدیران خواهد بود. اقدامات کلیدی در این حوزه:

▲ تحلیل وضعیت کنونی و آینده بازارها به لحاظ دسترسی به انرژی‌های تجدیدپذیر و آب. درک اینکه چقدر احتمال دارد توجه افکار عمومی به مصرف انرژی و آب شرکت‌ها جلب شود. (مربوط به روند ۸: رقابت بر سر کالاهای پایه)

▲ مشتریان، شهروندان و سرمایه‌گذاران در طول سال‌های اخیر به سیاست‌های محیط‌زیستی شرکت‌ها حساس شده‌اند، اینکه چطور بتوانید فرصت‌ها و ریسک‌های شرکت‌تان را با سیاست‌ها و قوانین محیط‌زیستی هماهنگ کنید - یا هماهنگ نشان دهید - چالشی جدی در سال آینده است. (مربوط به روند ۹: دوگانگی در سیاست‌های سبز)

▲ بررسی فرصت‌ها برای سرمایه‌گذاری در راه‌حل‌های طبیعت‌محور و همچنین لحاظ کردن این نگاه در انتخاب پروژه‌های بعدی و مکان انجام این پروژه. (مربوط به روند ۱۰: سازگاری اجباری با تغییر اقلیم)

### ژئوپلیتیک ۲۰۲۴: ۱۰ روند اساسی

### یک جهان چندقطبی ژئوپلیتیکی

در سال ۲۰۲۲ اشاره به ژئوپلیتیک و ریسک سیاسی در جلسات غیرمحرمانه شرکت‌ها رشد باورنکردنی ۶۰۰ درصدی داشت و در سال ۲۰۲۳ هم بالا ماند. با توجه به شرایط دنیا عجیب نیست که مدیران شرکت‌ها در طول سال‌های اخیر توجه بیشتری به ژئوپلیتیک نشان می‌دهند. فقط در سال ۲۰۲۳ شاهد این تحولات مهم جهانی بودیم: جنگ در اوکراین ادامه پیدا کرد، هم بریکس و هم گروه ۲۰ اعضای جدید پراهمیتی را پذیرفتند، ژاپن و کره جنوبی دیپلماسی را از سر گرفتند و حجم خشونت در آسیای غربی (خاورمیانه) به شدت بالا رفت.

در جهان چندقطبی کنونی، ژئوپلیتیک تبدیل به یک مخلوط پیچیده‌ای از اتحادها و رقابت‌ها شده است که با عضویت کشورها در گروه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی همپوشانی و تداخل دارد. در سال ۲۰۲۴ شاهد تاثیر فزاینده کشورهایی خواهیم بود که به هیچ‌از دو بلوک بزرگ شرق و غرب کاملاً تعلق ندارند و می‌توانند با توجه به شرایط و منافعشان به هر دو طرف نزدیک شوند. در چنین وضعیتی، بازیگران کوچکی که قصد

دارند شرایط موجود را بر هم بزنند و بازیگر مهم‌تری شوند فضای مانور پیدا خواهند کرد. چرا؟ چون جهان در حال ورود به نظم تازه‌ای است: ابرقدرت نظم کنونی (آمریکا) نمی‌تواند مانند گذشته شرایط را تحت کنترل داشته باشد.

با آنکه تنش‌ها میان آمریکا، اتحادیه اروپا و چین بر صحنه جهانی تاثیر خواهد گذاشت، این کشورها کوچک بی‌طرف - کشورهایی که لزوماً با هیچ قدرت اصلی یا بلوکی متحد نیستند - در سال ۲۰۲۴ تبدیل به بازیگران پراهمیتی خواهند شد. کشورها با منابع سرشار انرژی بخصوص تاثیرگذار خواهند شد: عربستان سعودی و امارات متحده عربی جزو این گروه هستند و وضعیت رابطه‌شان با اسرائیل را باید دنبال کرد. ترکیه هم در سال ۲۰۲۴ تلاش می‌کند بین روسیه و اوکراین میانجی‌گری کند و حضورش در قفقاز و آسیای غربی را گسترش دهد. هند در امور امنیتی به غرب نزدیک‌تر می‌شود اما به روابط گرم تجاری با روسیه ادامه می‌دهد. برزیل تلاش خواهد کرد نقش آمریکای لاتین در صحنه جهانی را تقویت کند و این را بخصوص در بخش محیط زیست خواهیم دید.

کشورهای کوچک و بازیگران غیردولتی هم تلاش خواهند کرد وضعیت را در سال ۲۰۲۴ به نفع خودشان تغییر دهند که این ممکن است به خشونت‌های بیشتر منجر شود. این را در ماجرای آذربایجان و ارمنستان دیدیم و در اواخر ۲۰۲۳ هم شاهد بالاگرفتن مقاومت فلسطینی‌ها علیه اسرائیل بودیم.

ممکن است در سال ۲۰۲۴ شاهد بالاگرفتن تنش‌ها در سودان و حتی بین کوزوو و صربستان باشیم. این احتمال هست که در آفریقا شاهد روابط جدید امنیتی باشیم، مثل پیمان دفاعی سال ۲۰۲۳ میان مالی، نیجر و بوركینافاسو. تغییر مواضع دیپلماتیک هم امکان‌پذیر است: مثل قزاقستان که به دنبال تقویت رابطه با همسایگانش در آسیای مرکزی و نزدیکی به غرب است.

این حرکت به سمت چندقطبی شدن بر نهادهای بین‌المللی هم تاثیراتی خواهد داشت. برزیل میزبان نشست گروه ۲۰ در سال ۲۰۲۴ است و همین خاطر انتظار می‌رود این گروه امسال روی گرمایش زمین، امنیت غذایی و دیگر موضوعات مهم برای جنوب جهانی متمرکز شود. اولین نشست بریکس با اعضای جدیدش - از جمله ایران - در روسیه برگزار می‌شود که می‌تواند روابط ژئوپلیتیک اعضا با آمریکا و اتحادیه اروپا را پیچیده‌تر کند. اگر چه ورود اعضای جدید می‌تواند رسیدن به اتفاق نظر را سخت‌تر کند این گروه‌های نسبتاً کوچک (مثل گروه ۲۰ و بریکس) احتمالاً از سازمان ملل موثرتر خواهند بود چرا که دستیابی به هر توافق مهمی در سازمان ملل با این تعداد عضو رقیب غیرممکن شده است. (این را در تلاش ناکام کشورها برای پایان دادن به جنگ اسرائیل

و فلسطین دیدیم.)

در چنین دنیایی پیش‌بینی رفتارهای کشورهای که مواضع ژئوپلیتیکی‌شان متغیر است اصلاً آسان نیست چرا که آنها در حوزه‌های مختلف مواضع متناقضی خواهند گرفت و می‌شود گفت باید منتظر خلاقیت‌های ژئوپلیتیک باشیم. مثلاً هند و چین را داریم که با هم همکاری خواهند کرد تا جایگاه بریکس را بالا ببرند، هم‌زمان هند تلاش خواهد کرد وابستگی اقتصادی‌اش به چین را کاهش دهد و تنش‌های مرزی بین دو طرف ادامه خواهد داشت. با آمریکا و عربستان سعودی که شرکای امنیتی باقی خواهند ماند اما تنش میان واشنگتن و ریاض بر سر قیمت نفت احتمالاً ادامه خواهد داشت. طی سال آینده در سراسر دنیا روابط دیپلماتیک و اقتصادی کشورها پرنوسان‌تر خواهد شد.

### توصیه‌هایی برای کسب‌کارها

#### برای تحریم‌های بیشتر آماده باشید

از آنجا که طی سال‌های گذشته کشورهای مختلفی به تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا علیه روسیه بی‌توجهی کردند، انتظار می‌رود واشنگتن و بروکسل امسال فشار بیشتری بر کشورهای بی‌طرف بیاورند تا به تحریم‌ها پایبند باشند. همچنین با افزایش نقش ایران در تشدید تنش علیه آمریکا و متحدانش در خاورمیانه، احتمالاً تحریم‌های کنونی با سخت‌گیری بیشتری دنبال می‌شود یا باید منتظر تحریم‌های جدید باشیم.

این وضعیت می‌تواند به افزایش قیمت نفت و گاز در سراسر دنیا منجر شود. اما مهم‌تر از آن سخت‌تر شدن تجارت با شرکت‌های خارجی است چرا که شرکت‌ها باید ببینند آیا ارتباط با شریک جدیدشان ممکن است تحریم‌های آمریکا نقض کند یا نه.

#### به دلار محدود ننمایید

همچنان که جهان از سیستم تک‌قطبی فاصله می‌گیرد و به چندقطبی شدن نزدیک می‌شود، تراکنش‌های مالی بین‌المللی هم همین روند را دنبال خواهند کرد. سهم دلار آمریکا از ذخایر ارزی بانک‌های مرکزی دنیا در پایان سال ۲۰۲۰ به ۵۹ درصد سقوط کرد که در طول ۲۵ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. (طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول، طی سه سال بعدی سهم دلار در همان حدود ۵۹ درصد باقی مانده است.) مرکز ژاپنی «نیکی آسیا» برآورد کرده که برای اولین

بار چین توانسته برای اکثر خرید و فروش‌های بین‌المللی‌اش از یوان استفاده کند و دلار به جایگاه دوم تنزل پیدا کرده است. بعد از تحریم‌های گسترده روسیه، دیگر بازارهای نوظهور هم متوجه آسیب‌پذیری خود در برابر دلار شده‌اند و تلاش می‌کنند از واحدهای پولی خود در معاملات استفاده کنند. شرکت‌ها وقتی برای ذخایر ارزی خود برنامه‌ریزی می‌کنند باید حرکت آرام به سمت جهان چندقطبی پولی را هم در نظر داشته باشند.

#### امنیت سایبری خود را بالا ببرید

در جهان چندقطبی، باید شاهد افزایش تنش در فضای سایبر هم باشیم. سیستم‌های دیجیتال و دینای شرکتی به هدف جذابی برای رقبا و دشمنان در کشورهای دیگر تبدیل شده‌اند چرا که ریسک پایین‌تری برای گروه حمله‌کننده دارد و ممکن است هیچ وقت شناخته یا مجازات نشوند. اگر شرکتتان تولید استراتژیکی دارد ممکن است مورد حمله سایبری سنگینی قرار بگیرید که هزینه‌اش را دولت کشور دیگر می‌دهد. به علاوه حملات سایبری به زیرساخت‌های کشورتان می‌تواند روی کارکرد شرکت شما تاثیر بگذارد. ریسک سایبری مطمئناً در سال ۲۰۲۴ بالاتر می‌رود و باید برای سرمایه‌گذاری بیشتر در این حوزه آماده باشید.

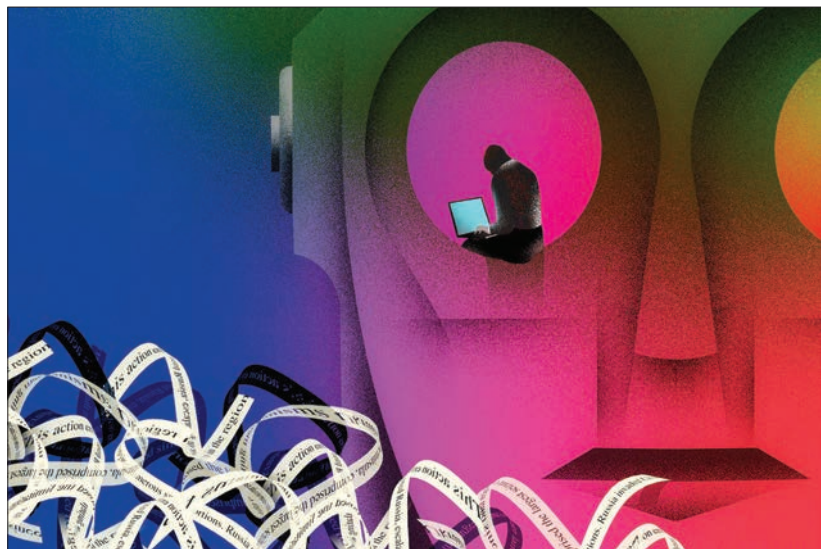
#### بخش‌هایی که بیشترین تاثیر را از این روند می‌گیرند

- ▶ تولیدکنندگان تکنولوژی‌های پیشرفته
- ▶ انرژی و منابع اولیه
- ▶ خدمات مالی
- ▶ نهادهای دولتی، زیرساخت‌ها
- ▶ پزشکی و داروسازی
- ▶ رسانه‌ها، مخابرات

#### ژئوپلیتیک هوش مصنوعی

نتایج یک تحقیق دیگر مادر اکتبر ۲۰۲۳ نشان داد که ۹۹ درصد مدیرعاملان شرکت‌هایی که با ما در ارتباطند قصد دارند روی هوش مصنوعی سرمایه‌گذاری کنند. هم‌زمان دولت‌ها به سرعت در حال فهم فرصت‌ها و چالش‌های هوش مصنوعی‌اند تا برایش قوانین وضع کنند. چین طبق معمول خیلی سریع دست به کار شد و در سال ۲۰۲۳ چند قانون

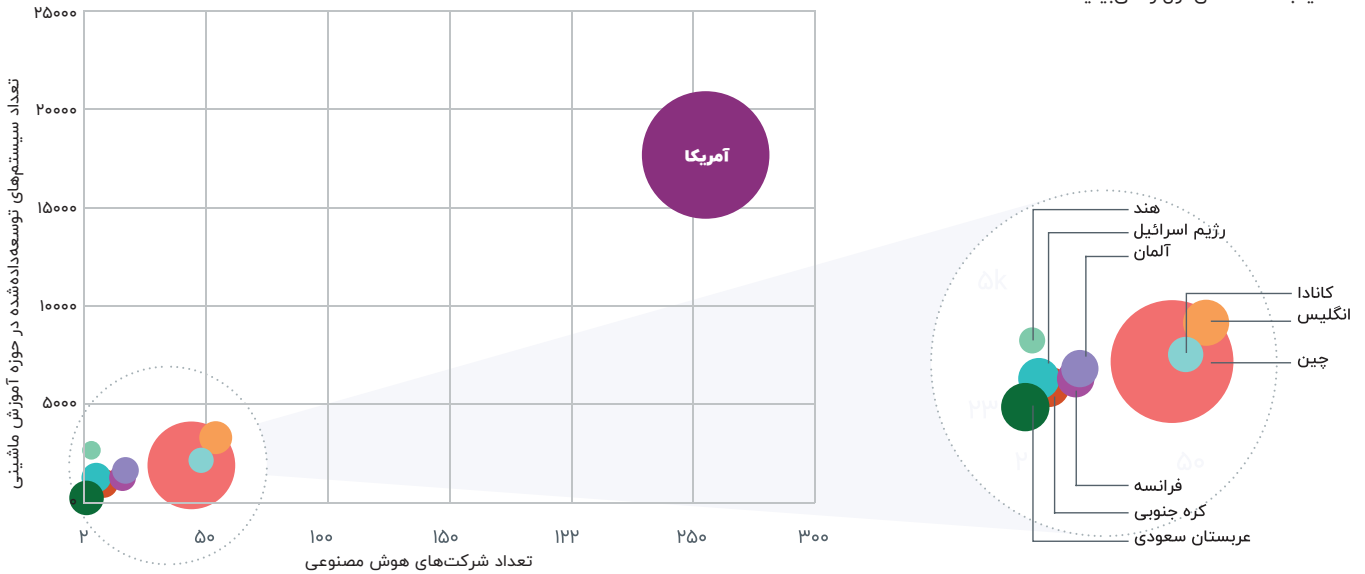
مربوط به هوش مصنوعی را تصویب کرد. هفت کشور صنعتی (GV) هم توافق کرده‌اند که اصول استفاده از هوش مصنوعی را منتشر کنند و در اتحادیه اروپا هم بر سر یک «فرمان هوش مصنوعی» مذاکره می‌شود. در آمریکا دولت بایدن یک فرمان اجرایی با موضوع «ایمنی و امنیت هوش مصنوعی» صادر کرده است. پیشرفت‌های سریع تکنولوژی هوش مصنوعی باعث شده اهمیت آن در حوزه امنیت ملی و رقابت ژئوپلیتیکی به شدت بالا برود. در سال ۲۰۲۴ دوگانه ابداع و کنترل هوش مصنوعی در بلوک‌های ژئوپلیتیکی دنیا تأثیرات متفاوتی خواهد داشت. به لحاظ ژئوپلیتیکی، رقابت اصلی کشورها در حوزه هوش مصنوعی کارکرد اقتصادی دارد: هدف جلوگیری از جلودن در بخش ابداع و امکان استفاده از این تکنولوژی در اقتصاد کشور است. در این حوزه آمریکا از بقیه کاملاً جلوس است اما چندین کشور مهم دیگر تلاش‌های خود را شتاب بخشیده‌اند و سعی می‌کنند به روش‌های گوناگون با آمریکا رقابت کنند. مهم‌ترین رقیب طبیعتاً چین است که در آن هم دولت و هم بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بخش پژوهش ادامه می‌دهند تا به خودکفایی در هوش مصنوعی برسند. دولت انگلیس هم قصد دارد حداقل



طی سال آینده گروه‌های نسبتاً کوچک (مثل گروه ۲۰ یا بریکس) احتمالاً از سازمان ملل موثرتر خواهند بود چراکه دستیابی به هر توافق مهمی در سازمان ملل با این تعداد عضو رقیب غیرممکن شده است.

### رقابت جهانی بر سر سرمایه‌گذاری و توسعه سیستم‌های هوش مصنوعی طی ماه‌های گذشته شدت گرفته است

اندازه حباب نشان‌دهنده مجموع سرمایه‌گذاری خصوصی و دولتی در حوزه مصنوعی است. البته تعداد زیادی از کشورها در حال توسعه ظرفیت‌های خود در این حوزه‌اند و اینجا فقط ده‌تای اول را می‌بینید.



فزاینده‌ای بیشتر می‌شود.

### توصیه‌هایی برای کسب‌وکارها

#### درک بهتر قوانین و دستورالعمل‌های بین‌المللی

۱ تاکنون چند نهاد بین‌المللی، از جمله سازمان توسعه و همکاری اقتصادی و گروه ۲۰ سند‌هایی درباره روش‌های استفاده و توسعه هوش مصنوعی منتشر کرده‌اند. به عنوان مدیرعامل شرکتی که قصد تجارت بین‌المللی دارد، بهتر است از اینها آگاه باشید تا در صورت تصویب قوانین جدی‌تر در اتحادیه اروپا یا دیگر کشورها، شرکتتان نیاز به تغییرات جدی در این بخش نداشته باشد.

#### امتحان هوش مصنوعی در حوزه‌های تازه

۲ تعداد زیادی از دولت‌ها به دنبال سرمایه‌گذاری در حوزه هوش مصنوعی هستند و احتمالاً مشوق‌هایی برای شرکت‌های موثر در این بخش معرفی خواهند کرد. نتایج تحقیق ما نشان می‌دهد در حال حاضر فقط ۸ درصد شرکت‌ها از هوش مصنوعی برای ابداعات جدی استفاده می‌کنند و ۹۱ درصد استفاده از هوش مصنوعی را به بهبود فعالیت‌های کوچک درون شرکتی محدود کرده‌اند: مثلاً هوش مصنوعی را مسئول پاسخگویی به مشتریان کرده‌اند. این شکاف می‌تواند فرصتی استراتژیک برای شرکت‌هایی باشد که از هوش مصنوعی استفاده می‌کنند تا محصولات و مدل‌های تجاری‌ای جدید طراحی کنند.

#### آموزش نیروی انسانی

۳ هر تغییر بزرگ تکنولوژیک با خود فرصت‌ها و چالش‌هایی در حوزه منابع انسانی می‌آورد و مطمئناً چالش‌ها و فرصت‌های هوش مصنوعی کوچک

مقررات ممکن در این حوزه را تصویب کند تا اجازه بدهد که شرکت‌ها با سرعت بیشتری جلو بروند و همزمان برای شرکت‌های خارجی مقصد جذاب‌تری شود. (در حال حاضر انگلیس سومین کشور پذیرنده سرمایه‌گذاری در این حوزه در دنیاست.) حتی کشورهایی که توان علمی ندارند، مثل عربستان سعودی، به روش خود - خرید تکنولوژی - سعی می‌کند از بازی عقب نمانند.

هوش مصنوعی در شکل‌دهی به رابطه آمریکا و چین نقش مهمی بازی می‌کند. آمریکا - گاهی با همراهی متحدانش - تلاش خواهد کرد که با کنترل صادرات و هم‌چنین اعمال محدودیت بر سرمایه‌گذاری‌ها کاری کند که دسترسی شرکت‌های چینی به نیمه‌رساناهای پیشرفته مورد نیاز برای سیستم‌های هوش مصنوعی کاهش یابد. چنین سیاستی باعث خواهد شد چین دست به ضد حمله بزند و جلوی دسترسی آمریکا و متحدانش به دیگر بخش‌های زنجیره تامین هوش مصنوعی - مثل مواد معدنی حساس - را بگیرد. (همین حالا هم در این بخش‌ها شاهد کنترل چین روی صادرات هستیم.)

این مربوط به رقابت بین‌المللی است. در حوزه داخلی ماجرا چیز دیگری است: دولت‌ها تلاش می‌کنند قبل از اینکه تکنولوژی بتواند سیاستگذاران را پشت سر بگذارد قوانین محدودکننده وضع کنند. این مسئله آسانی نیست. از طرفی کشورها نیاز به ابداع در این حوزه دارند تا به لحاظ ژئوپلیتیکی با بقیه رقابت کنند، و در حوزه‌هایی مثل بهداشت، امنیت ملی و راندمان اقتصادی که هوش مصنوعی قول بهبود داده پیشرفت کنند. از طرف دیگر از خطرات هوش مصنوعی آگاهند و نیازمند وضع سریع قوانین در این حوزه‌اند. آنها می‌دانند که پیشرفت هوش مصنوعی می‌تواند باعث بیکاری گسترده شود که در نهایت به شورش‌های اجتماعی بینجامد. به علاوه همین حالا هم به کمک هوش مصنوعی اخبار و فیلم‌ها و عکس‌های جعلی راحت‌تر از گذشته ساخته می‌شوند و این چالشی جدی در حوزه امنیت ملی و امنیت سایبری خواهد بود.

البته قرار نیست هوش مصنوعی در سال یا سال‌های آینده باعث به هم زدن توازن کنونی قدرت در مقیاس بین‌المللی شود، اما نقش آن در رقابت ژئوپلیتیک به طور



گذاشته و وضعیت بدی را در بخش‌های مدیریت بدهی‌ها و تصویب بودجه به وجود آورده است. در چین چالش‌ها ناشی از اقتصاد کلان است و واکنش دولت‌مردان چینی به آن. این چالش‌ها هم در چین و هم در آمریکا در سال ۲۰۲۴ باعث افزایش ریسک سیاسی در هر دو بازار خواهد شد و می‌تواند تاثیراتی جدی بر ژئوپلیتیک و رشد جهانی داشته باشد.

در آمریکا انتخابات ۲۰۲۴ باعث اوجگیری تنش‌های اجتماعی خواهد شد و سردرگمی سیاستگذاران را افزایش خواهد داد. در صورتی که سنا و کنگره دست بین دو جناح تقسیم شوند و دموکرات‌ها و جمهوریخواهان نتوانند در این دو مجلس به اکثریت قاطعی دست پیدا کنند تصویب قوانین سخت‌تر از حالا خواهد شد و این یعنی ناکارآمدی فزاینده نهاد دولت. همین حالا هم اطمینان مردم آمریکا به انتخابات نیست و تداوم و تشدید ناکارآمدی کنونی می‌تواند ضربه بدتری به مشروعیت انتخابات بزند. وقتی دولت و مجلس ضعیف باشند و نتوانند تصمیم‌گیری کنند، ایالت‌ها مجبورند خود دست به کار شوند و قوانین مورد نیاز خود را تصویب کنند. در چنین وضعیتی فاصله میان ایالت‌های جمهوریخواه و دموکرات بیشتر خواهد شد و هر کدام کار خود را خواهند کرد. ایالت‌های دموکرات قوانین سختگیرانه‌تری در حوزه‌های محیط‌زیست، هوش مصنوعی یا کریپتو وضع خواهند کرد و جمهوریخواهان دست شرکت‌ها را بازتر خواهند گذاشت، اما آزادی‌های اجتماعی را محدود خواهند کرد و احتمالاً سیاست‌هایشان به نفع محیط زیست نخواهد بود. این یعنی افزایش شکاف اجتماعی در آمریکا.

چین با چالش‌های متفاوتی روبروست: دولت در اینجا ضعیف نیست و برای هر چیزی برنامه دارد، اما باید منتظر بمانیم و ببینیم آیا سیاست‌های آنها می‌تواند مشکلات مالی و اقتصاد کلان این کشور را حل کند یا نه. چالش‌های دورهای در حوزه بازار مسکن و سطح بالای بدهی دولت‌های محلی احتمالاً در سال ۲۰۲۴ هم ادامه خواهد یافت. سیاستگذاران چینی در واکنش به این بحران احتمالاً تلاش می‌کنند با سیاست‌های ادواری هدفمند ریسک بحران مالی را پایین بیاورند. مشکل دیگر چین، کاهش تقاضا برای اجناس چینی در بازارهای جهانی است که این روند هر چند سال یک بار رخ می‌دهد.

مشکل دیگر سیاستگذاران چینی چالشی ساختاری است: این یکی مربوط به انتظارات خانواده‌ها و کسب‌وکارهاست که تاکنون به رشد اقتصادی سریع‌تری خو کرده بودند. در دهه که

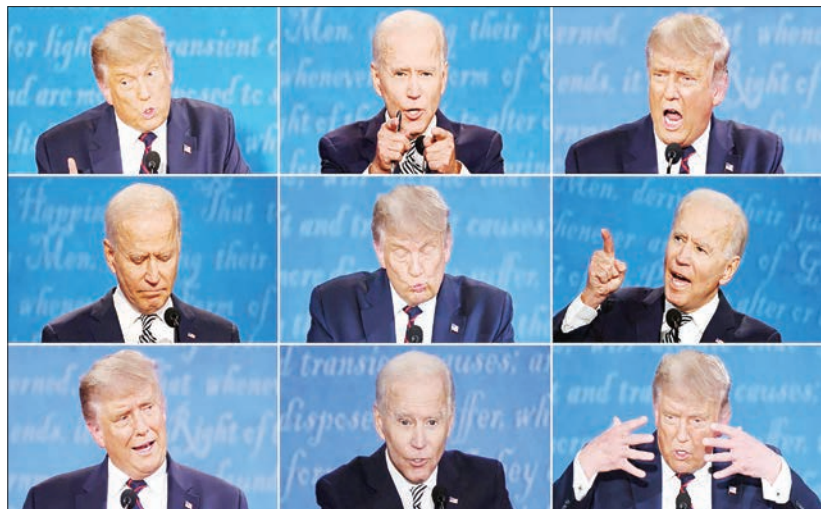
نیست. مدیران شرکت باید با کارمندان درباره چالش‌ها و فرصت‌ها صحبت کنند و به آنها اطمینان بدهند که قرار نیست هوش مصنوعی جایگزین آنها شود. سرمایه‌گذاری روی آموزش کارمندان کنونی و استخدام نیروی حرفه‌ای می‌تواند جزو استراتژی‌ها در این حوزه باشد.

#### بخش‌هایی که بیشترین تاثیر را از این روند می‌گیرند

- ▶ خدمات مالی
- ▶ نهادهای دولتی، زیرساخت‌ها
- ▶ پزشکی و داروسازی
- ▶ شرکت‌های تکنولوژیک، رسانه‌ها، مخابرات

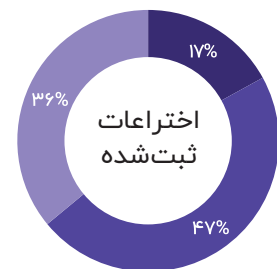
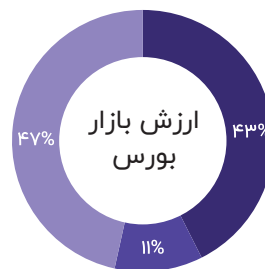
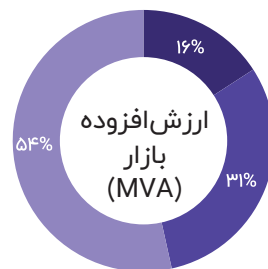
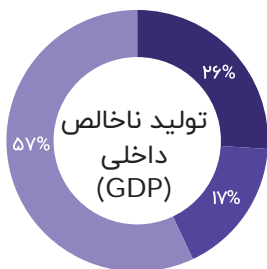
### سه چالش‌های داخلی در آمریکا و چین

به دلایلی کاملاً متفاوت، دو اقتصاد بزرگ جهان با چالش‌های جدی داخلی مواجهند. در آمریکا شاهد دوقطبی شدن سیاست هستیم که به شدت بر عملکرد دولت تاثیر منفی



حدوداً نصف فعالیت‌های اقتصادی دنیا توسط چین و آمریکا انجام می‌شود.

#### سهم چین و آمریکا در شاخص‌های اقتصادی جهانی



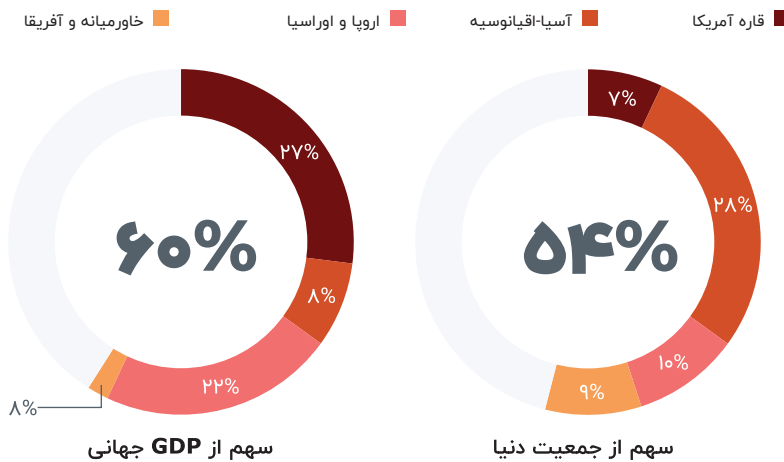
■ آمریکا ■ چین ■ باقی دنیا



در آمریکا انتخابات ۲۰۲۴ باعث اوج‌گیری تنش‌های اجتماعی خواهد شد و سردرگمی سیاست‌گذاران را افزایش خواهد داد. در صورت تقسیم شدن سنا و کنگره بین دو جناح، تصویب قوانین سخت‌تر از حالا خواهد شد و این یعنی ناکارآمدی فزاینده دولت.



سهم کشورهای برگزارکننده انتخابات در سال ۲۰۲۴ از تولید ناخالص داخلی (GDP) جهانی و جمعیت دنیا، در هر منطقه



اخیر قرار دارد. هم‌زمان گروه‌های ملی‌گرای افراطی و پوپولیست‌ها تقویت شده‌اند و جوامع درگیر دو قطبی‌های سفت و سخت سیاسی اجتماعی هستند. در چنین وضعیتی برگزاری انتخابات خبر خوبی نیست و احتمال ناآرامی‌های اجتماعی را بالا می‌برد. رای‌گیری‌های مهم سال ۲۰۲۴ می‌تواند باعث سردرگمی بیشتر در حوزه سیاست‌گذاری و مقررات شود و اثرات بلندمدتی روی استراتژی‌های صنعتی، سیاست‌های محیط‌زیستی و تنش‌های نظامی این کشورها خواهد گذاشت.

بزرگ‌ترین انتخابات امسال در هند در بهار برگزار می‌شود و این کشور ۱.۴ میلیارد نفری پای صندوق رای می‌رود. حزب هندوی افراطی BJP که حزب نخست‌وزیر نراندرا مودی است امسال با یک اتحاد ۲۰ حزبی از مخالفان روبروست. مناظره‌های انتخاباتی احتمالاً حول سیاست‌های اقتصادی و سیاست‌های ملی‌گرایانه‌ی قوم‌گرایانه افراطی مودی خواهد بود. اینکه دولت بعدی بتواند اکثریت قاطعی در پارلمان داشته باشد سرعت گستره سرمایه‌گذاری هند در بخش‌های زیرساختی و تولید را مشخص خواهد کرد.

در باقی آسیا هم رای‌گیری‌های مهمی داریم. انتخابات ژانویه تایوان بر روابط سیاسی و اقتصادی با چین و همچنین وضعیت ژئوپلیتیک این کشور تاثیر خواهد داشت. رای‌گیری ماه فوریه در اندونزی، در میانه جدال جهانی بر سر دستیابی به مواد معدنی

به کرونا ختم شد میانگین رشد سالانه در چین ۷.۷ درصد بود و حالا رشد سالانه به ۵ درصد کاهش پیدا کرده است. دولت چین همچنان امنیت ملی و ثبات داخلی را بر رشد اقتصادی اولویت می‌دهد و قصد دارد ظرفیت‌های تولید تکنولوژی‌های استراتژیک را بالا ببرد تا در این حوزه‌ها به خودکفایی برسد. به لحاظ داخلی سال ۲۰۲۴ می‌تواند نقطه عطفی برای هر دو کشور باشد. حدوداً نصف فعالیت‌های اقتصادی دنیا توسط چین و آمریکا انجام می‌شود، پس سیاست‌های داخلی هر دو کشور بر اقتصاد جهان، و کسب و کار شما تاثیرگذار خواهد بود.

## توصیه‌هایی برای کسب و کارها

### برای فروش غیر قابل پیش‌بینی آماده باشید

نوسانات اقتصادی در آمریکا و چین در سال ۲۰۲۴ باعث سخت‌تر شدن پیش‌بینی فروش شرکتان در بازارهای جهانی خواهد شد. نقش سیستماتیک این دو بازار در اقتصاد جهانی آنچنان بالاست که به هم‌ریختگی و عدم قطعیت در آنها، به بازارهای دیگر هم سرایت خواهد کرد. اگر هر دو اقتصاد امسال ضعیف عمل کنند عملکرد کلی اقتصاد جهانی بدتر از پیش‌بینی‌ها خواهد بود. حتماً در پیش‌بینی‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت شرکت خود احتمال بی‌ثباتی در این دو بازار را لحاظ کنید.

### استراتژی‌های ریسک خود را تنظیم کنید

همه چیز به فروش مربوط نمی‌شود. وقتی دو اقتصاد بزرگ دنیا دچار مشکلات داخلی بشوند بر وضعیت کلی شرکت‌های جهان در کوتاه‌مدت و میان‌مدت تاثیر خواهد گذاشت. این تاثیر هم می‌تواند چالش و هم می‌تواند فرصت باشد. هوشمندانه‌ترین کار تقویت ظرفیت شرکتان در حوزه درک ریسک‌های سیاسی و اقتصادی در کشورهای بزرگ و تاثیر احتمالی آن بر بازار شماسست.

### بخش‌هایی که بیشترین تاثیر را از این روند می‌گیرند

- ▶ تولیدات پیشرفته
- ▶ محصولات مصرفی و خرده‌فروشی
- ▶ نهادهای دولتی، زیرساخت‌ها
- ▶ پزشکی و داروسازی
- ▶ شرکت‌های تکنولوژیک، رسانه‌ها، مخابرات

## چهار سال رای‌گیری‌های مهم جهانی

در سال ۲۰۲۴ موجی از رای‌گیری‌های سرنوشت‌ساز در بازارهای پراهمیت به لحاظ ژئوپلیتیکی را در پیش داریم؛ بازارهایی که مجموعاً ۵۴ درصد جمعیت دنیا و نزدیک به ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) دنیا را شامل می‌شوند. این رای‌گیری‌ها در زمانی برگزار می‌شود که اطمینان به دولت‌ها در پایین‌ترین سطح خود در سال‌های

ریسک سیاسی و اجتماعی هم بالا خواهد رفت چرا که در دوران بی‌اعتمادی به دولت‌ها، احتمال اعتراضات به نتایج انتخابات بالا خواهد بود. در چنین حالتی، باید رای‌گیری‌های مهم برای کسب‌وکاران را انتخاب کنید، برای نتایج مختلف سناریو بنویسید و تاثیر هر کدام از این نتیجه‌ها را در حوزه سیاستگذاری تجاری و صنعتی پیش‌بینی کنید. حالا می‌توانید استراتژی‌هایی برای فردای انتخابات آماده کنید و ریسک‌های آینده را بهتر مدیریت کنید.

### ۲ رفتار دولت‌ها در سال اول پس از انتخابات را درک کنید

با نگاهی به وضع اقتصاد دنیا می‌توان به راحتی پیش‌بینی کرد که نگرانی مهم رای‌دهندگان در اکثر رای‌گیری‌های ۲۰۲۴ مسئله تورم و رشد کند اقتصادی است. به همین خاطر دولت‌های جدید پس از رسیدن به قدرت سیاست‌های تازه اقتصادی خواهند داشت. مثلاً احتمال تغییر در سیاست‌های مالیاتی وجود دارد. یا اینکه دولت‌ها تصمیم می‌گیرند در حوزه‌های امنیت اقتصادی (روند شماره ۵ همین لیست) دست به تغییرات عمده بزنند. این یعنی اگر محصول شما جزو محصولات استراتژیک به حساب بیاید ممکن است با چالش‌ها یا فرصت‌های تازه روبرو شوید. برای چنین روندی آماده باشید.

#### بخش‌هایی که بیشترین تاثیر را از این روند می‌گیرند

- ▲ انرژی و منابع طبیعی
- ▲ نهادهای دولتی، زیرساخت‌ها
- ▲ شرکت‌های تکنولوژیک، رسانه‌ها، مخابرات

### ۳ پنج اولویت قرار گرفتن امنیت اقتصادی

تحولات جهانی در سال‌های اخیر نشان داده که وابستگی اقتصادی به کشوری که رقیب ژئوپلیتیکی شما به حساب می‌آید چطور می‌تواند خطرناک باشد. همین باعث شده که روند نئولیبرالیسم کم‌کم جای خود را به نودولت‌گرایی بدهد و اهمیت سیاست‌های دولت‌ها در حوزه تجارت بالا برود. حالا کشورها بیشتر از گذشته در زنجیره‌های تامین دخالت می‌کنند و تمرکز روی خودکفایی اقتصادی بالا رفته است. در سال ۲۰۲۳ این روند شدت بیشتری گرفت: دولت آمریکا فرمانی اجرایی صادر کرد که روی سرمایه‌گذاری‌های خارج از کشور شرکت‌های آمریکایی محدودیت اعمال می‌کند، چین «قانون روابط خارجی» را تصویب کرد و اتحادیه اروپا هم استراتژی امنیت اقتصادی‌اش را معرفی کرد. طبق برآورد سایت «هشدار تجارت جهانی» میزان دخالت‌های تجاری دولت طی پنج سال گذشته ۱۸۰ درصد افزایش داشته است. (تعداد دخالت‌های محدودکننده چهار برابر دخالت‌های آزادکننده بوده است). در سال ۲۰۲۴ هم انتظار می‌رود دولت‌ها با هدف افزایش امنیت اقتصادی از وابستگی خود به دیگر کشورها بکاهند تا ریسک رقابت را پایین بیاورند.

سیاست‌های امنیت اقتصادی سه هدف را دنبال می‌کنند: کاهش وابستگی به رقبای ژئوپلیتیکی، افزایش رقابت‌پذیری صنایع داخلی و حمایت از ثبات اجتماعی سیاسی داخلی. دولت‌ها در اکثر اقتصادهای بزرگ دنیا به دنبال این اهداف خواهند بود اما تاکتیک‌های آنها متفاوت خواهد بود: گروهی سیاست‌های جدید تجاری و صنعتی را معرفی خواهند کرد و بقیه محدودیت‌های غیررسمی را روی شرکت‌های خارجی اعمال خواهند کرد. اعضای گروه ۷ و چین به دنبال تصویب قوانین در حوزه امنیت اقتصادی خواهند بود تا کنترل صادرات

کمیاب می‌تواند روی زنجیره‌های تامین تاثیر بگذارد. انتخابات پارلمانی در کره جنوبی هم روی قدرت رئیس‌جمهور یون سوک یئول برای انجام تغییرات در حوزه‌های قوانین بازار کار و قوانین تجاری موثر خواهد بود.

در اروپا، شهروندان ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا در ماه ژوئن اعضای پارلمان اروپایی را انتخاب خواهند کرد. نتیجه این انتخابات بر سیاست‌های اتحادیه اروپا در حوزه‌های محیط‌زیست، مهاجرت، حمایت از اوکراین و وابستگی اقتصادی به چین تاثیر خواهد داشت. انگلیس هم احتمالاً انتخابات پارلمانی برگزار خواهد کرد که ممکن است روی مسائل تجاری پس‌اب‌گزیت، مالیات و انرژی تاثیر بگذارد. هم روسیه و هم اوکراین قرار است در سال ۲۰۲۴ انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار کنند، اگر چه تداوم جنگ می‌تواند باعث تاخیر و بی‌نظمی‌هایی در روند رای‌گیری بشود.

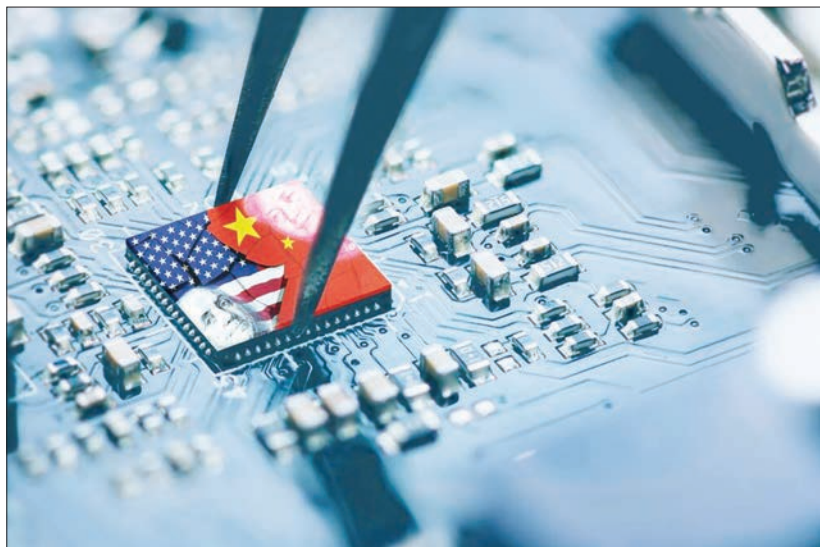
در قاره آمریکا، رای‌دهندگان مکزیک در ماه ژوئن تصمیم می‌گیرند که حزب چپ‌گرای مورنا در قدرت باقی بماند یا ائتلاف انتخاباتی FAM که از احزاب راست و چپ میانه تشکیل شده به قدرت برسد. دولت بعدی مسیر سیاست‌های انرژی کشور و همچنین باز یا بسته بودن به ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی را مشخص خواهد کرد. در ماه می در ونزوئلا هم انتخابات ریاست‌جمهوری خواهیم داشت و باید ببینیم دولت به سیاستمداران مخالف (که به آنها اتهام رابطه با آمریکا زده شده) اجازه حضور در انتخابات را خواهد داد یا نه. این انتخابات می‌تواند روی روابط دیپلماتیک و تجاری ونزوئلا تاثیر بگذارد.

و بالاخره در ماه نوامبر آمریکا یکی از آخرین رای‌گیری‌های سال ۲۰۲۴ جهان را برگزار خواهد کرد. آمریکا همین حالا هم کاملاً دوقطبی شده و نزدیک شدن به روز رای‌گیری مطمئناً فضای تجاری و اجتماعی این کشور را نامطمئن‌تر می‌کند. نتایج این رای‌گیری (مثلاً پیروزی نامزد جمهوریخواه) می‌تواند تاثیرات سنگینی بر سیاست‌های داخلی و خارجی آمریکا بگذارد: قوانین تجاری را به سمت دیگری بکشاند، رقابت با چین را تشدید کند و ائتلاف‌های آمریکا و متحدانش را به سمت و سوی دیگری ببرد.

### توصیه‌هایی برای کسب‌وکارها

#### ۱ سناریوهای ممکن را پیش‌بینی کنید

تاثیر این چند رای‌گیری مهم در سال ۲۰۲۴ می‌تواند به دره‌ریختگی عظیم در حوزه‌های بازارها، سیاستگذاری و قوانین کشورها منجر شود.



تشش میان کشورها در بازارهای کلیدی و همچنین سیاست‌های داخلی دولت‌ها در حوزه‌های صادرات و واردات باعث شده شرکت‌ها به فکر تنوع‌بخشی زنجیره تامین خود بیفتند.

و شرکت‌های خاصی را به طور غیررسمی در لیست سیاه خود قرار دهند. شما به عنوان مدیر باید رقبای کشورتان را بشناسید و برای ورود به بازار آنها دقت بیشتری داشته باشید و برای پیامدهایش آماده باشید.

### فرصت‌های حرکت به سمت خودکفایی را از دست ندهید

تلاش دولت‌ها برای افزایش امنیت اقتصادی به معنای تشویق خودکفایی و سیاست‌های صنعتی تازه خواهد بود. این یعنی بخش‌های پژوهش، توسعه و تولید در حوزه‌های استراتژیک تقویت خواهد شد و شاهد ورود سرمایه‌های تازه دولتی و خصوصی به این بخش‌ها خواهیم بود. احتمالش هست که دولت‌ها برای جذب سرمایه و استعداد خصوصی در بخش‌های خاص مشوق‌هایی مثل معافیت‌های مالیاتی و وام‌های کم‌بهره ارائه کنند. این بخش‌ها را شناسایی کنید و امکان ورود به آنها را بسنجید

بخش‌هایی که بیشترین تاثیر را از این روند می‌گیرند

- ▶ تولیدات پیشرفته
- ▶ انرژی و منابع طبیعی
- ▶ خدمات مالی
- ▶ نهادهای دولتی، زیرساخت‌ها
- ▶ پزشکی و داروسازی
- ▶ شرکت‌های سرمایه‌گذاری
- ▶ شرکت‌های تکنولوژیک، رسانه‌ها، مخابرات

### تلاش برای تنوع‌بخشی

در یک نظرسنجی که در سال ۲۰۲۳ از مدیران عامل شرکت‌های بزرگ جهان برگزار کردیم ۹۹ درصد آنها گفتند که قصد دارند در واکنش به چالش‌های ژئوپلیتیک، در زنجیره تامین خود اصلاحاتی انجام دهند و سرمایه‌های عملیاتی خود را جابجا کنند. کدام چالش‌های ژئوپلیتیک هستند که باعث شده‌اند شرکت‌ها به فکر تنوع‌بخشی زنجیره تامین خود بیفتند؟ تنش میان کشورها در بازارهای کلیدی و همچنین سیاست‌های داخلی دولت‌ها در حوزه‌های صادرات و واردات و سرمایه‌گذاری خارجی با هدف تنوع‌بخشی زنجیره تامین، دولت‌ها تلاش خواهند کرد کمتر از قبل به یک کشور یا بازار خاص وابسته باشند تا در صورت بحران در روابط، اقتصادشان دچار اختلال جدی نشود.

علت اصلی تمایل به تنوع‌بخشی در سال ۲۰۲۴ چیزی جز سطح بالای ریسک



و نظارت بر سرمایه‌گذاری‌ها قانونمند شود. قدرت‌های اقتصادی کوچک‌تر مثل هند و اندونزی که به تجارت جهانی وابسته‌ترند احتمالاً بیشتر روی سیاست‌گذاری صنعتی متمرکز خواهند شد.

هر چقدر یک بخش اقتصاد از سوی دولت «استراتژیک‌تر» تشخیص داده شود سیاست‌های امنیت اقتصادی روی آن تاثیر بیشتری خواهد گذاشت و زنجیره تامینش بیشتر مختل خواهد شد. بخش‌های شدیداً استراتژیک مثل هوافضا، صنایع دفاعی، دیتا، تکنولوژی‌های دیجیتال پیشرفته و تکنولوژی‌های با کاربرد دوگانه مثل نیم‌رساناها، هوش مصنوعی و رایانش کوانتومی بیش از بقیه تحت تاثیر قرار خواهند گرفت.

در بخش‌هایی که به لحاظ سنتی استراتژیک به حساب می‌آیند مثل زیرساخت‌های کلیدی و انرژی، دولت‌ها سیاست‌های دولتی‌ای را پیش خواهند گرفت: هم کنترل را بیشتر خواهند کرد هم با ارائه مشوق‌هایی به حمایت و تقویت تولید داخلی خواهند پرداخت. احتمالاً شاهد شرکات‌های تازه‌ای با کشورهای دوست خواهیم بود تا زنجیره‌های تامین جدید و امن به وجود آیند.

ریسک‌گریزی در حوزه انرژی هم احتمالاً مخصوص در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر و باتری خودروهای برقی تشدید خواهد شد. احتمالاً می‌رود در این حوزه، سیاست‌های کنترلی امنیت اقتصادی در چین روی ۷۰ درصد صادرات و در آمریکا روی ۵۰ درصد صادرات تکنولوژی‌های مرتبط با انرژی‌های سبز اعمال شود. اتحادیه اروپا هم سیاست‌های محدودکننده خود روی خودروهای برقی واردشده از چین تشدید خواهد کرد و باید منتظر واکنش پکن بمانیم. احتمالش وجود دارد که چین، اندونزی و دیگر کشورها در سال ۲۰۲۴ محدودیت‌های بیشتری در حوزه صادرات مواد معدنی مورد نیاز خودروهای برقی و همچنین پیل‌های خورشیدی اعمال کنند.

و بالاخره دولت‌ها در سال ۲۰۲۴ روی بخش‌هایی که اخیراً اهمیت استراتژیک بیشتری پیدا کرده‌اند متمرکز خواهند شد. این بخش‌ها دارو و تجهیزات پزشکی، کشاورزی و غذا خواهند بود. هدف دولت‌ها خودکفایی بیشتر و منعطف‌کردن زنجیره‌های تامین در برابر اختلالات احتمالی خواهد بود. مثلاً انتظار می‌رود هند و اتحادیه اروپا سختگیری بیشتری در حوزه صادرات دارو اعمال کنند و چین به سمت خودکفایی بیشتر در بخش غذا حرکت خواهد کرد.

### توصیه‌هایی برای کسب‌کارها

#### برای اختلال در زنجیره‌های تامین و قیمت‌های بالاتر آماده باشید

سیاست‌های امنیت اقتصادی بخصوص در بخش‌های استراتژیک دست شرکت‌ها برای پیدا کردن ارزان‌ترین مواد اولیه یا ارزان‌ترین و سریع‌ترین خدمات را می‌بندد. این سیاست‌ها شرکت‌ها را مجبور می‌کند بخش‌هایی از زنجیره تولید خود را به داخل کشور برگردانند یا اصلاً محصول خود را به بعضی بازارها نروشنند. این یعنی افزایش هزینه‌ها و کاهش درآمدها. این سیاست‌ها می‌تواند دسترسی به تکنولوژی‌ها و نیروی کار جدید را پیچیده‌تر کند. شرکت‌ها باید به درک دقیق‌تری از وضعیت صنعتشان در کشور خودشان و رقابت بر سر این محصول در دیگر بازارها برسند تا بتوانند برای ریسک‌های آینده آماده شوند. مدیران باید ببینند کدام یک از بخش‌های زنجیره تامین آنها ممکن است استراتژیک قلمداد شود و برای اختلال احتمالی راه‌حلی داشته باشند.

#### دولت‌های رقیب را بشناسید

در دوران کنونی هرآن احتمال دارد که دولت‌های رقیب علیه یکدیگر قوانین محدودکننده تجاری اعمال کنند، دست به انتقام‌جویی بزنند

سرمایه‌گذاری‌ها به حساب می‌آید. مثلاً هنوز معلوم نیست دولت هند بعد از انتخابات چه برنامه‌هایی در حوزه قوانین کارگری و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های پیشرفته خواهد داشت. دولت بعدی اندونزی هم ممکن است سیاست‌های خود در حوزه سنگ‌های معدنی خاص را تغییر دهد. رئیس‌جمهور بعدی مکزیک هم بدون تردید مسئله انرژی را جزو اولویت‌های ماه‌های اول خود قرار خواهد داد.

## توصیه‌هایی برای کسب‌کارها

### قبل از هر چیز ریسک سیاسی بازار جدید را تخمین بزنید

۱

اگر برای تهیه مواد اولیه یا فروش کالای خود به بازار خارجی تازمای فکر می‌کنید حتماً از تیم خود بخواهید که گزارشی در مورد وضعیت ریسک سیاسی در این کشور تهیه کنند. درک وضعیت ژئوپلیتیک این کشور، ثبات سیاسی داخلی و روندهای قانونی در این کشور برای شما حیاتی خواهد بود. شما باید ببینید که با ورود به این بازار تازه، با چه ریسک سیاسی‌ای در کشور خودتان و کشور جدید روبرو خواهید شد.

### به بازارهای تازه فکر کنید

۲

مشوق‌های دولت‌های مختلف در حوزه تولیدات پیشرفته و انرژی، باعث ایجاد فرصت‌های تازه سرمایه‌گذاری برای شرکت‌های می‌شود که به دنبال ورود به بازارهای تازه‌ای در دیگر نقاط جهانند. در اکثر موارد این سرمایه‌گذاری‌ها به همراه سرمایه‌گذاری در زیرساخت و لجستیک مرتبط انجام می‌شود. با رصد دقیق وضعیت کشورهای دوست، فرصت‌های تازه عصر تنوع‌بخشی را از دست ندهید.

### بخش‌هایی که بیشترین تاثیر را از این روند می‌گیرند

- ▶ تولیدات پیشرفته
- ▶ محصولات مصرفی و خرده‌فروشی
- ▶ انرژی و منابع طبیعی
- ▶ خدمات مالی
- ▶ نهادهای دولتی، زیرساخت‌ها
- ▶ پزشکی و داروسازی

## هفت ژئوپلیتیک اقیانوس‌ها

حدود نیمی از جمعیت جهان در فاصله‌ای کمتر از ۱۰۰ مایل از دریا (۱۶۰ کیلومتر) زندگی می‌کنند. دست‌کم ۹۵ درصد دیتای جهانی از طریق کابل‌های زیر دریا منتقل می‌شود و یکسوم انرژی دنیا از ذخایر کف دریاها استخراج می‌شود. اتفاقات اخیر، مثل انفجار عամدانه در خط لوله نورداستریم ۲ - که قرار بود گاز روسیه را به اروپا برساند - تنش دریایی میان چین و آمریکا و همچنین تلاش دریایی یمن برای جلوگیری از حرکت کشتی‌ها به سمت اسرائیل نشان‌دهنده این است که تنش‌های ژئوپلیتیکی به دریا هم کشیده شده است. در سال ۲۰۲۴ رقابت بر سر کنترل و دسترسی به اقیانوس‌های دنیا تشدید خواهد شد و این تأثیراتی جدی روی زنجیره‌های تامین، انتقال دیتا و امنیت انرژی و غذا خواهد داشت.



ژئوپلیتیکی نیست. با آنکه بخش مهمی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی روانه بازارهای توسعه‌یافته می‌شود - دو مقصد اصلی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اتحادیه اروپا فرانسه و انگلیس هستند - اما کشورهایی که به لحاظ ژئوپلیتیکی مواضع متغیری دارند و با همه قدرت‌های بزرگ روابط اقتصادی و ژئوپلیتیکی خود را حفظ کرده‌اند به مقصد کلیدی سرمایه‌گذاری‌های خارجی تبدیل می‌شوند. آنها برندگان اصلی تلاش کشورهای دنیا برای تنوع‌بخشی هستند.

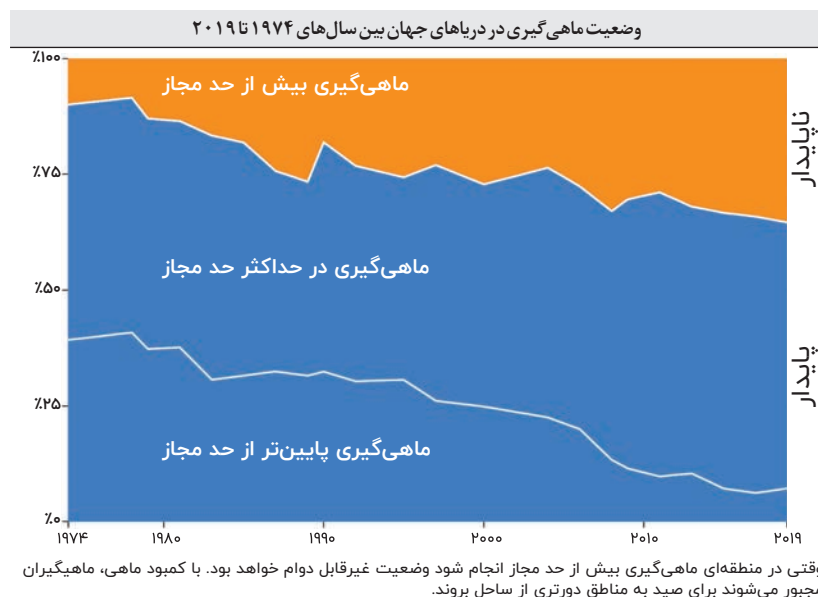
برای مثال میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در هندوستان و اندونزی در سال ۲۰۲۲ جهش قابل توجهی داشت. انتظار می‌رود ویتنام هم مقصد جذابی برای این‌گونه سرمایه‌گذاری‌ها باشد. مکزیک که در سال ۲۰۲۳ به بزرگ‌ترین شریک تجاری آمریکا بدل شد همچنان مقصد جذابی برای شرکت‌های آمریکایی خواهد بود که به دنبال ارزان‌تر کردن هزینه تولید هستند اما اجازه سرمایه‌گذاری در چین را ندارند. این احتمال که در سال جدید کشورهای مثل ترکیه، کاستاریکا و مراکش هم برای سرمایه‌گذاران خارجی جذاب شوند وجود دارد.

انتظار می‌رود دولت هند امسال مشوق‌های بیشتری به شرکت‌های خارجی ارائه کند تا آنها از هند برای تولیدات پیشرفته استفاده کنند و در نهایت باعث کاهش وابستگی این کشور به چین شوند. (یکی از حوزه‌های مورد علاقه هند تولید نیم‌رساناهاست.) دولت ژاپن هم برنامه‌هایی برای بالابردن امنیت اقتصادی‌اش دارد و به شرکت‌های خارجی در حوزه تکنولوژی‌های پیشرفته برای ورود به ژاپن مشوق‌هایی خواهد داد.

البته تلاش برای تنوع‌بخشی با موانع جدی هم روبروست. مثلاً زیرساخت‌های حمل و نقل، دسترسی به الکترونیسته و وضعیت نیروی کار در کشورهای توسعه‌یافته بی‌طرف آنچنان عالی نیست. طبق برآورد اکونومیست، کیفیت زیرساخت‌ها در شمار زیادی از کشورهای آسیای جنوب شرقی به شدت پایین‌تر از چین است. و اطلاعات سازمان بین‌المللی کار نشان می‌دهد که فقط ۲۲ درصد نیروی کار در هند دارای مدرک دانشگاهی هستند. (این را مقایسه کنید با آمار ۳۷ درصدی در چین.) به علاوه آمار بیکاری در مکزیک، لهستان و ویتنام و چند کشور با نیروی کار ارزان آنقدر پایین است که دسترسی به نیروی کار ماهر را برای شرکت‌های جدیدالورود به این کشورها به چالش جدی تبدیل کرده است. مشکل دیگر وعده‌های محیط‌زیستی آمریکا یا اتحادیه اروپاست که کار را برای سرمایه‌گذاری در کشورهای که از انرژی‌های پاک آنچنان استفاده نمی‌کنند مشکل می‌کند. مثلاً فقط ۱۵ درصد منابع انرژی در مکزیک و لهستان از جنس انرژی‌های تجدیدپذیر است.

مشکل دیگر سال ۲۰۲۴ برگزاری انتخابات در چندین کشوری است که مقصد

در سال ۲۰۲۴ رقابت بر سر کنترل و دسترسی به اقیانوس‌های دنیا تشدید خواهد شد و این تأثیراتی جدی روی زنجیره‌های تامین، انتقال دیتا و امنیت انرژی و غذا خواهد داشت.



### توصیه‌هایی برای کسب‌کارها

#### هر چه نزدیک‌تر، بهتر

در سال ۲۰۲۳ شاهد افزایش حق بیمه‌های دریایی بودیم و احتمالش وجود دارد که در سال ۲۰۲۴ هم یک افزایش سنگین قیمت باعث افزایش هزینه حمل و نقل دریایی شود. این بخصوص برای شرکت‌هایی که به حمل و نقل دریایی وابسته‌اند گران تمام خواهد شد. افزایش تنش در اقیانوس‌ها باعث تأخیرهای فزاینده و آسیب‌دیدن محموله‌ها می‌شود و شرکت‌ها باید برای این روند آماده باشند. یک راه ریسک‌گریزی در این حوزه، منعطف کردن زنجیره تامین است: شرکت‌هایی که



بر اساس یک بررسی آکادمیک که روی ۱۱ نقطه از شلوغ‌ترین نقاط حمل و نقل دریایی جهان انجام شده، می‌توان با اطمینان گفت که ریسک اختلال ژئوپلیتیکی در حوزه حمل و نقل دریایی در سال ۲۰۲۴ افزایش خواهد یافت. تنش‌های نظامی در دریای سیاه، دریای جنوبی چین و خلیج فارس همین حالا هم نرخ بیمه‌های دریایی را بالا برده و احتمال اختلال جدی در خطوط بین‌المللی کشتیرانی بالا گرفته است.

در مورد آسیب‌پذیری زیرساخت‌های مخابراتی و اینترنتی در زیر دریاها هم نگرانی‌های جدی وجود دارد. در حال حاضر حدود یک میلیون و چهارصد هزار کیلومتر کابل زیر دریاها کشیده شده که اینها ۵۵۰ نقطه را به یکدیگر وصل کرده‌اند. توسعه ارتباطات کابلی جدید در نقاطی که از دریاها که به لحاظ ژئوپلیتیک حساسیت بیشتری دارند می‌تواند احتمال حملات فیزیکی و سایبری به آنها را بالا ببرد. یکی از حساس‌ترین پروژه‌ها، پروژه «کابل اتصال آسیا» یا ALC است که قرار است چین را به کشورهای جنوب شرق مثل سنگاپور و فیلیپین وصل کند.

تلاش برای گذار از سوخت‌های فسیلی، یک معضل جدی برای امنیت اقیانوس‌ها به وجود آورده و آن علاقه کشورها به استخراج مواد معدنی از بستر اقیانوس‌هاست. بررسی‌ها نشان می‌دهد تا سال ۲۰۶۵ استخراج مواد معدنی از کف دریاها بین ۳۵ تا ۴۵ درصد افزایش خواهد داشت. «سازمان بستر آب‌های بین‌المللی» از سال ۲۰۱۴ تلاش کرده کاوش و استخراج معادن بستر اقیانوس‌ها را نظام‌مند کند اما ۶۴ درصد بستر اقیانوس‌های دنیا خارج از مرزهای ملی قرار دارد و این یعنی رقابت ژئوپلیتیکی بر سر دستیابی به این منابع ارزشمند افزایش خواهد یافت.

همزمان کاهش مداوم ذخایر ماهی در دریاها به معنای رقابت بیشتر بین‌المللی بر سر آن خواهد بود. سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (فائو) گزارش داده که میزان ماهی‌گیری بیش از حد مجاز که باعث نابودی اکوسیستم می‌شود از ۱۰ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۳۵ درصد در ۲۰۱۹ افزایش پیدا کرده است. تلاش دولت‌ها برای مقابله با ماهی‌گیری‌های غیرمجاز به تنش بیشتر نیروهای دولتی و ماهی‌گیران منجر خواهد شد.

اقیانوس منجمد شمالی در سال‌های آینده منطقه‌ای خواهد بود که همه روندهای پیشین را در آن خواهید دید: گرم‌شدن زمین و آب‌شدن یخ‌ها باعث آسان شدن دسترسی به این اقیانوس و تشدید رقابت‌ها خواهد شد. تنش‌های ژئوپلیتیکی همین حالا هم به اقیانوس منجمد شمالی کشیده شده: پس از حمله روسیه به اوکراین، هفت عضو «شورای شمالگان» که وظیفه هماهنگی و تعامل میان کشورهای قطب شمال را بر عهده داشت، عضویت خود را به حالت تعلیق درآوردند و این سازمان هشت عضو عملاً از کار افتاد. دیگر کشورهای عضو به جز روسیه، این هفت کشور بودند: کانادا، دانمارک، فنلاند، ایسلند، نروژ، سوئد و آمریکا.

دولت‌ها عموماً در مواجهه با مشکلات دریایی به شکلی مرحله به مرحله عمل می‌کنند. اما با توجه به احتمال افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی دریایی، انتظار می‌رود دولت‌ها این بار استراتژی متمرکزتری را در پیش بگیرند که همه مسائل مرتبط را در برگیرد. اقتصاد اقیانوس‌ها در سال ۲۰۲۴ پرتنش‌تر از قبل خواهد شد.

گرفتار حمل و نقل دریایی اند باید تا آنجا که ممکن است از مناطقی در نزدیکی کشور خود مواد اولیه را بخرند.

### سرمایه‌گذاری در دریا را دست‌کم نگیرید

۲

طی سال‌های اخیر استخراج معادن بیستر دریاها، آبی‌پروری و دیگر فعالیت‌های اقتصادی دریایی، از حوزه‌هایی بوده‌اند که پذیرای ابداعات و تکنولوژی‌های تازه‌اند. همچنان که توجه به اقتصاد اقیانوس‌ها افزایش می‌یابد این بخش‌ها به بازارهایی فعال برای جذب سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی تبدیل می‌شوند. به عنوان مدیرعامل باید فرصت‌های استراتژیک ورود به اقتصاد دریا بررسی کنید.

### استراتژی دریایی خود را «پایدار» کنید

۳

در صورتی که شرکت شما در اقتصاد دریایی فعالیت دارد، حواستان باشد که اهمیت احترام به محیط زیست در این بخش روز به روز بیشتر می‌شود. در صورت هر اشتباهی در این بخش شهرت شرکت شما می‌تواند لکه‌دار شود و شرکای احتمالی خارجی شما و بعضی دولت‌ها این را فراموش نخواهند کرد. حتماً در این حوزه مشاور استخدام کنید تا تایید کند که سیاست‌های شما سیاست‌هایی پایدار به حساب می‌آیند و تخریب‌کننده محیط زیست نخواهند بود.

### بخش‌هایی که بیشترین تأثیر را از این روند می‌گیرند

- ▲ تولیدات پیشرفته
- ▲ محصولات مصرفی و خرده‌فروشی
- ▲ انرژی و منابع طبیعی
- ▲ خدمات مالی
- ▲ نهادهای دولتی، زیرساخت‌ها
- ▲ پزشکی و داروسازی

### رقابت بر سر کالاهای پایه

هشت

گرم‌شدن زمین، جنگ در اوکراین و گذار به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر باعث شده دینامیک جهانی عرضه و تقاضای تعداد زیادی از کالاهای اساسی تغییر کند.

تعداد کشورها با تنش آب (water stress) از ۱۷ مورد در سال ۲۰۱۹ به ۲۵ مورد در سال ۲۰۲۳ رسیده است. تنش آب به وضعیتی گفته می‌شود که آب مورد نیاز انسان‌ها و اکوسیستم از میزان آب موجود کمتر است. از سال ۲۰۲۱ شاخص قیمت جهانی غذای فائو، به بالاترین حد خود از دهه ۱۹۷۰ رسیده است. طبق یک گزارش دیگر، تولید جهانی عناصر کمیاب زمین (rare-earth elements) از بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ بیش از ۱۳۱ درصد افزایش داشته است.

در سال ۲۰۲۴ رقابت ژئوپلیتیک بر سر دسترسی به ذخایر سه کالای کلیدی دنیا تشدید خواهد شد. منظور از این سه، مواد معدنی حیاتی، غذا و آب است.

اولین بخش و شاید واضح‌ترین بخش رقابت بر کالاهای پایه (Commodities) به رقابت بر سر مواد معدنی حیاتی است که در تولید باتری خودروهای برقی به کار می‌روند. چین که صنعتش را در عصر تنش‌های پایین تکنولوژیک توسعه داد، جایگاه استراتژیک خود را به عنوان بزرگ‌ترین پردازش‌کننده سنگ‌های معدنی کمیاب زمین در کوتاه‌مدت و میان‌مدت

حفظ خواهد کرد. اخیراً کشورهای مثل اندونزی و نامیبیا تصمیم گرفته‌اند از ذخایر معدنی حساس خود استفاده بهتری ببرند و شرکت‌های خارجی را مجبور کرده‌اند که بخش بیشتری از روندهای پس از استخراج خود را در خاک مبادا انجام دهند تا پول بیشتری در کشور سرمایه‌گذاری شود. چنین روندی امسال تشدید خواهد شد و باید منتظر باشیم کشورهای بیشتری مسیر اندونزی را در پیش بگیرند. البته آمریکا و اتحادیه اروپا هم بیکار ننشسته‌اند: دولت آمریکا توافقنامه «همکاری امنیتی معدنی» را با اتحادیه اروپا و کشورهای استرالیا، کانادا، فنلاند، فرانسه، آلمان، هند، ایتالیا، ژاپن، نروژ، کره جنوبی، سوئد و انگلیس امضا کرده که بر اساس آن «سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی را روی زنجیره‌های تامین معدنی مسئولانه تقویت کند». تلاش دیگر دولت آمریکا در این حوزه که با پروژه چینی «یک جاده، یک کمربند» (جاده ابریشم جدید) رقابت می‌کند پروژه کریدور لوبیتو است. این کریدور قرار است کالاهای پایه را از جمهوری دموکراتیک کنگو و زامبیا به آنگولا برساند و از طریق بندر لوبیتو در این کشور به بازارهای غربی ارسال کند. در دورانی که بی‌ثباتی و ناامنی غذایی از اصلی‌ترین نگرانی‌های دولت‌هاست، کالاهای پایه کشاورزی از دیگر موضوعات رقابت جهانی‌اند. گرم‌شدن زمین طی سال‌های آینده هم تأثیری منفی روی کشاورزی و تولید مواد غذایی خواهد گذاشت و جنگ در اوکراین هم همچنان عرضه جهانی غلات را با محدودیت جدی مواجه خواهد کرد. بعضی از کشورهای مثل هند و مکزیک همچنان با اعمال مالیات‌های سنگین جلوی صادرات محصولات کشاورزی را خواهند گرفت تا مشکلی در داخل به وجود نیاید. و چین به عنوان بزرگ‌ترین واردکننده شش گروه از غلات کلیدی و گوشت در جهان، امنیت غذایی را جزو اولویت‌های اصلی خود قرار داده و تلاش می‌کند مسیرهای دسترسی به بازارهای تولیدکننده خارجی را امن‌تر و سریع‌تر کند. گروهی از تحلیل‌گران به این مشوق جدید نام «جاده ابریشم غذایی» را داده‌اند.

رقابت بر سر انرژی و غذا در طول سال‌های آینده ارتباط تنگاتنگی خواهد داشت چرا که در تلاش جهان برای گذر از سوخت‌های فسیلی، زیست‌سوخت‌ها (biofuels) اهمیت جدی پیدا کرده‌اند. زیست‌سوخت‌ها طی روندی سریع از درختان، دانه‌های روغنی، شکر و نشاسته و پسماندهای خانگی و صنعتی به دست می‌آیند جزو انرژی‌های تجدیدپذیر دسته‌بندی می‌شوند. طبق برآورد «آژانس بین‌المللی انرژی» ۲۲ درصد کل تولید ذرت جهان در سال ۲۰۲۴ صرف تولید زیست‌سوخت شده است. این می‌تواند باعث مشکلات سیاسی در کشورهایی شود که با تورم و ناامنی غذایی روبرو هستند: اگر اروپا و آمریکا ذرت مصرفی خود در تولید زیست‌سوخت را به نصف کاهش دهند (و به نفت روی بیاورند)، می‌شود همه مشکلات غذایی ناشی از توقف صادرات غلات اوکراین را حل کرد.



دولت چین قصد دارد در سال ۲۰۲۴ با راه‌اندازی تاسیسات تازه حدود ۲۰۰ میلیارد وات انرژی سبز تولید کند و همزمان با اعطای ۷۲ میلیارد دلار معافیت مالیاتی، صنعت خودروهای برقی خود را به جلو براند. دولت آمریکا هم به اعطای معافیت‌های مالیاتی و سوبسید به شرکت‌های سبز ادامه خواهد داد.

سبز برای گذر از زمستان‌های سخت کافی نیست و سوخت‌های فسیلی هم‌چنان به‌شدت مورد نیازند.

اینجا ما با سیاستی دوگانه طرفیم: هم دولت‌ها باید به سمت رشد اقتصادی حرکت کنند - پس نمی‌توانند صنایعی را که صورت سسنتی به ضرر محیط زیست هستند محدود کنند - هم در دنیای پرتنش کنونی امنیت انرژی برایشان اهمیت بیشتری پیدا کرده: یعنی باید به منابع دیگری جز نفت و گاز وارداتی فکر کنند. اینجاست که انرژی‌های تجدیدپذیر اهمیت پیدا می‌کنند؛ دولت‌ها در سراسر جهان به دنبال این هستند که در داخل کشور خودشان صنعت انرژی‌های تجدیدپذیر را توسعه دهند و نیازشان به واردات کاهش بیابد.

مثلاً دولت چین قصد دارد در سال ۲۰۲۴ با راه‌اندازی تاسیسات تازه حدود ۲۰۰ گیگاوات (میلیارد وات) انرژی سبز تولید کند و همزمان با اعطای ۷۲ میلیارد دلار معافیت مالیاتی، صنعت خودروهای برقی خود را به جلو براند. دولت آمریکا هم به اعطای معافیت‌های مالیاتی و سوبسید به شرکت‌های سبز ادامه خواهد داد. اتحادیه اروپا اعلام کرده تا سال ۲۰۳۰ حدود ۳۸۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری روی صنایع سبز انجام خواهد داد. برزیل، استرالیا و امارات متحده عربی جزو کشورهایی هستند که در سال آینده سرمایه‌گذاری سنگینی در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر انجام می‌دهند.

اما نیاز به رشد سریع‌تر اقتصادی و جلب رضایت رای‌دهندگان کشورهای مختلف را مجبور خواهد کرد که سخت‌گیری در بخش محیط زیست را کاهش دهند. این روند را در اتحادیه اروپا، اندونزی، ژاپن، آمریکا و تعداد بیشتری از کشورها خواهیم دید.

در صحنه رقابت‌های جهانی هم شاهد تنش بر سر این دوگانگی خواهیم بود. مثلاً اتحادیه اروپا از مقررات سختگیرانه سبز استفاده خواهد کرد تا قدرت چانه‌زنی تجاری‌اش را افزایش دهد یا رقیب‌اش را با تعرفه گمرکی بالا زمین‌گیر کند. احتمال تنش با شرکت‌های چینی در این بخش بالاست و منتظر باشید که چین هم دست به انتقام‌جویی گمرکی بزند.

البته رقابت ژئوپلیتیکی بر سر انرژی باعث افزایش سرمایه‌گذاری‌های سبز در بازارهای نوظهور خواهد شد. چین، آمریکا و اتحادیه اروپا قصد دارند با سرمایه‌گذاری در این حوزه به کشورهایی که به لحاظ ژئوپلیتیک مواضع ثابتی ندارند نزدیک‌تر شوند. مثلاً چین قصد دارد نیمی از وام‌های سالانه «بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیایی» را به پروژه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر اختصاص داد. آمریکا و اتحادیه اروپا هم اعلام کرده‌اند که پروژه‌های تازه‌ای را در چندین کشور از جمله هند، آرژانتین و مصر آغاز خواهند کرد که قصدشان کمک به رشد اقتصادی پایدار خواهد بود.

## توصیه‌هایی برای کسب‌کارها

### ۱ روی انرژی‌های نو سرمایه‌گذاری کنید تا کمک دولتی بگیرید

در سال ۲۰۲۴ شرکت‌ها، بخصوص آنهایی که بخش تحقیق و توسعه بزرگی دارند، این فرصت را خواهند داشت که از کمک‌های دولتی برای سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌های سبز استفاده کنند. فرصت‌های تازه در این حوزه بسیار بالاست و می‌توانید مطمئن باشید که صنعت سبز قرار نیست تا دهه‌های آینده از مد بیفتد.

### ۲ استراتژی‌های توسعه پایدار را فراموش نکنید

اگر چه تعداد زیادی از دولت‌ها مجبور شده‌اند به خاطر تورم و رکود برنامه‌های محیط‌زیستی‌شان را کند کنند، اما مطمئناً حرکت در بلندمدت به سمت انرژی‌های سبز است. استراتژی‌های خود را با علم به تداوم این روند تنظیم کنید تا هم در حوزه قوانین محیط‌زیستی در آینده مشکل نداشته باشید، هم وجهه خود در بین شرکت‌های خارجی را بهبود ببخشید. مطمئن باشید هر چه که بگذرد مشتریان شما بیشتر از قبل حواسشان به محیط‌زیست خواهد بود.

آب سومین موضوع در رقابت بر سر کالاهای پایه در سال ۲۰۲۴ خواهد بود چرا که در این سال شاهد روند نوسان جنوبی ال‌نینو خواهیم بود که اختلالات شدید در بارش باران و برف به وجود خواهد آورد. به لحاظ ژئوپلیتیک این می‌تواند به افزایش بحران در مناطق با «تنش آبی» بالا منجر شود چرا که از ۱۵۳ کشور با ذخایر آبی مرزی و فرامرزی، فقط ۲۴ کشور توافقنامه همکاری فراگیر امضا کرده‌اند. یکی از اولویت‌های دولت‌ها در سال ۲۰۲۴ تصمیم‌گیری دشوار در مورد نحوه اختصاص آب به صنایع و مناطق استراتژیک است.

## توصیه‌هایی برای کسب‌کارها

### ۱ فرصت‌های سرمایه‌گذاری در مواد معدنی حساس را بررسی کنید

رقابت ژئوپلیتیکی بر سر سنگ‌های کمیاب زمین در سال ۲۰۲۴ تشدید خواهد شد و این یعنی در بخش معدن شاهد مشوق‌های مختلف از طرف دولت‌ها خواهیم بود: هدف دولت‌ها کشف معادن تازه و استخراج سریع مواد معدنی خواهد بود پس منتظر اعلام معافیت‌های مالیاتی و قوانین کمتر سختگیرانه در این حوزه باشید. همزمان شرکت‌های خارجی حاضر در این حوزه‌ها با موانع بیشتری روبرو خواهند شد.

### ۲ برای اختلال در زنجیره تامین مواد غذایی و کشاورزی خود آماده شوید

اگر شرکتتان در حوزه مواد غذایی فعالیت دارد منتظر تداوم اختلالات جهانی در بخش زنجیره تامین خود باشید. باید بدانید که زنجیره تامین شما - از زمین کشاورزی تا قفسه سوپرمارکت - نیاز به تنوع‌بخشی و تحول دارد. بهتر است به طور انحصاری با یک تولیدکننده خاص کار نکنید هر طور که می‌شود گزینه‌های دوم و سوم را به سیستم خود اضافه کنید. در این بخش البته فرصت‌هایی هم وجود دارد و آن تلاش دولت‌ها برای افزایش امنیت غذایی و در نتیجه اعطای مشوق به شرکت‌های حاضر در بازار است.

بخش زیادی از چالش‌ها در زمینه آب ناشی از تصورات کهنه‌ای است که بر پایه زیرساخت‌های کنونی و توافقات قدیمی به وجود آمده است. بخش آب به شدت آماده ابداعات تازه است و هر تهدید جدی، با خود فرصت‌های جدی به همراه دارد. شرکت‌های تکنولوژیک و زیرساختی باید از این فرصت‌ها حداکثر بهره را ببرند چرا که مسئله آب یکی از حیاتی‌ترین - و در نتیجه سودمندترین - موضوعات اقتصادی آینده خواهد بود.

### بخش‌هایی که بیشترین تاثیر را از این روند می‌گیرند

- تولیدات پیشرفته
- محصولات مصرفی و خرده‌فروشی
- انرژی و منابع طبیعی
- خدمات مالی
- نهادهای دولتی، زیرساخت‌ها
- پزشکی و داروسازی
- تکنولوژی، رسانه و مخابرات

## دوگانگی در سیاست‌های سبز

رشد پایین اقتصادی و تورم بالا باعث شد کشورهای مختلفی در سال ۲۰۲۳ تعهدات محیط‌زیستی خود را کنار بگذارند و به روال سابق برگردند. پیش از این دولت‌ها قول داده بودند با افزایش مالیات و سختگیری قانونی روی صنایع تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای، مسیر به سمت انرژی‌های سبز را هموار کنند اما این باعث افزایش قیمت‌ها شد. جنگ اوکراین و تحریم نفت و گاز روسیه هم اروپایی‌ها را به این نتیجه رساند که انرژی‌های



## بخش‌هایی که بیشترین تاثیر را از این روند می‌گیرند

- ▶ تولیدات پیشرفته
- ▶ محصولات مصرفی و خرده‌فروشی
- ▶ انرژی و منابع طبیعی
- ▶ خدمات مالی
- ▶ نهادهای دولتی، زیرساخت‌ها
- ▶ شرکت‌های سرمایه‌گذاری خصوصی
- ▶ تکنولوژی، رسانه و مخابرات

## سازگاری اجباری با تغییر اقلیم

ده

این تحول، تحول دردناکی است. از زمان برگزاری «کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییر اقلیم» UNFCCC در سال ۱۹۹۲ سیاست کشورهای جهان روی ملایم کردن این روند تمرکز داشته است: یعنی کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای برای کاستن از سرعت تغییرات اقلیمی (گرم شدن زمین). اما سی سال اخیر اقلیم زمین تغییر کرده است. نه سال گذشته (از ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۲) گرم‌ترین ۹ سال ثبت‌شده زمین به حساب می‌آیند و طبق پیش‌بینی سازمان جهانی هواشناسی انتظار می‌رود طی ۵ سال آینده گرمای زمین همین رکورد را هم بشکنند. در این حوزه انتظار خاصی از سیاستمداران نمی‌رود، آنها همچنان تلاش خواهند کرد کل ماجرا را به کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای تقلیل دهند، اما ماجرا آنقدر جدی است که انتظار می‌رود جهان در سال ۲۰۲۴ به خطرات وضعیت کنونی آگاه‌تر شود و برای زندگی در این دنیای تازه آماده شود. به این تلاش‌ها برای زندگی در دنیای تازه «سازگاری با تغییر اقلیم» می‌گویند.

طبق گزارش سازمان ملل، در سال ۲۰۲۱ تنها ۵ درصد از شرکت‌کنندگان در UNFCCC برنامه‌هایی برای سازگاری با تغییر اقلیم داشتند اما در سال ۲۰۲۲ این رقم به ۸۰ درصد رسیده است. انتظار می‌رود استانداردها و سرمایه‌گذاری‌های تازه‌ای در حوزه ساختوساز اعمال شود تا ساختمان‌ها در برابر مخاطرات محیط‌زیستی ایمن‌تر شوند. مثلاً دولت آمریکا بودجه‌ای یک میلیارد دلاری را به چنین تلاش‌هایی اختصاص داده است. تعدادی از دولت‌ها به راه‌حل‌های طبیعت‌محور روی آورده‌اند تا تاثیرات آب و هوای خشن را کم کنند - مثل برنامه‌هایی برای خنک کردن پیاده‌روها در ژاپن یا توسعه معماری جدید در سنگاپور که باعث می‌شود فضاهای شهری خنک‌تر شوند.

همزمان در سال ۲۰۲۴ باید برای سالی غیرعادی به لحاظ آب و هوایی آماده شوید. بروز نوسان جنوبی ال‌نینو، متخصصان را به این نتیجه رسانده که امسال سال سختی خواهد بود. استرالیا مثلاً برای موج‌های گرما، آتش‌سوزی در جنگل‌ها و طوفان‌های سنگین آماده می‌شود. چنین آب‌وهوای غیرعادی می‌تواند رشد اقتصادی را پایین بیاورد: در دوره ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱ طوفان‌ها، آتش‌سوزی‌ها در طبیعت و سیل‌ها سالانه ۰.۳ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) دنیا کاستند.

به علاوه انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۴ در آن نقاطی که گرم‌شدن زمین بیشترین ضربه را وارد کند، دشوار شدن گذران زندگی به ناآرامی‌های سیاسی منجر شود. طبق بررسی «انستیتو بین‌المللی پژوهش‌های صلح استکهلم» تغییرات اقلیمی در منطقه ساحل صحرا (که در شمال آفریقا از اقیانوس اطلس تا دریای سرخ کشیده شده) باعث نابودی کسب و کارها، جنگ بر سر منابع و همچنین افزایش عضوگیری گروه‌های مسلح شده است. طی سه سال اخیر هشت کودتا در کشورهای منطقه ساحل رخ داده است.

در سال ۲۰۲۴ نزدیک به ۳۲ میلیون نفر به خاطر مخاطرات آب و هوایی مجبور به مهاجرت به نقطه‌ای دیگر در کشور خود شدند. با پیش‌بینی آب و هوای غیرعادی در سال ۲۰۲۴ احتمالاً شاهد آوارم شدن تعداد بیشتری باشیم. طبق برآورد سازمان ملل، بودجه کنونی دنیا برای سازگاری با تغییر اقلیم کافی نیست و به رقمی ۵ تا ۱۰ برابری نیاز داریم. جهان برای تغییر اقلیم آماده نشده است.

## توصیه‌هایی برای کسب‌وکارها

## آب و هوای بد هم می‌تواند فرصت باشد

درست است که تغییر اقلیم خبر خوشی برای هیچ کس نیست، اما تلاش دولت‌ها برای اجرای سیاست‌های سازگاری با این روند، فرصت‌های عظیمی را برای ابداع، تحقیق و توسعه به وجود می‌آورد. انتظار می‌رود حوزه تحقیق و نوآوری در این بخش شاهد ورود سرمایه‌های عظیم دولتی و خصوصی شود. طبق یک برآورد، طی پنج سال آینده ارزش سالانه بازار سازگاری با تغییر اقلیم به ۲ تریلیون دلار خواهد رسید.

## برای افزایش مالیات و کاهش ارزش پول ملی آماده باشید

گرم‌شدن زمین به زیرساخت‌ها صدمه می‌زند - از جمله زیرساخت‌های حمل و نقل و الکترونیسته - و این یعنی اختلال در فعالیت‌های تجاری. در چنین حالتی، کسب و کارها درآمد کمتری خواهند داشت، پس دولت‌ها مالیات کمتری خواهند گرفت و هزینه بیشتری را صرف بازسازی زیرساخت‌ها خواهند کرد. این یعنی دولت با مشکلات بودجه‌ای روبرو می‌شود و احتمال کاهش بیشتر ارزش پول ملی وجود دارد. احتمال افزایش مالیات در صنایع ضربه‌خورده هم وجود دارد. برای چنین روندی آماده باشید.

## بخش‌هایی که بیشترین تاثیر را از این روند می‌گیرند

- ▶ تولیدات پیشرفته
- ▶ محصولات مصرفی و خرده‌فروشی
- ▶ انرژی و منابع طبیعی
- ▶ خدمات مالی
- ▶ نهادهای دولتی، زیرساخت‌ها
- ▶ تجهیزات پزشکی و داروسازی
- ▶ شرکت‌های سرمایه‌گذاری خصوصی
- ▶ تکنولوژی، رسانه و مخابرات





# ..... رساله ..... .....

مسئولیت اجتماعی و چگونگی عمل به آن طبق بودجه

## جامعه فراموش شده

نویسندگان:  
مسعود نیلی  
زهرا کاویانی  
سعید عباسیان

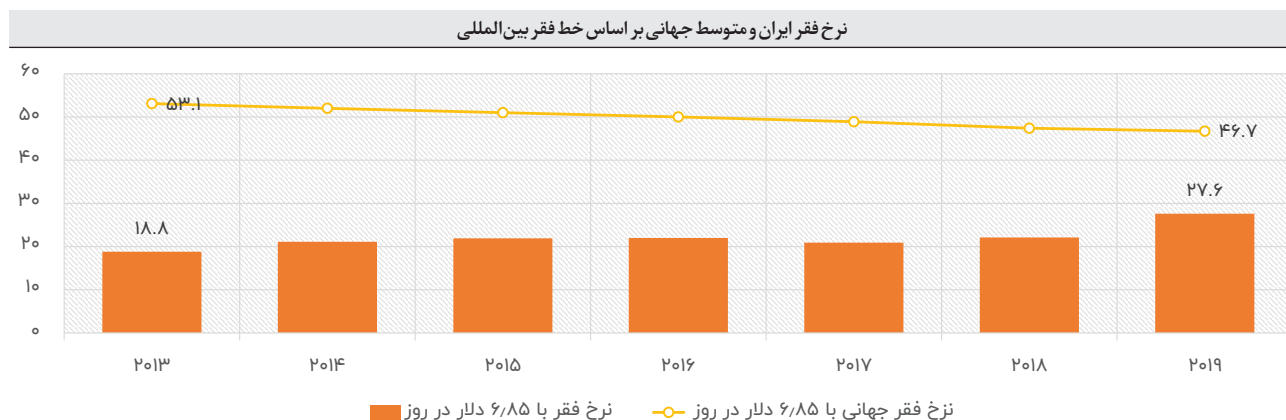
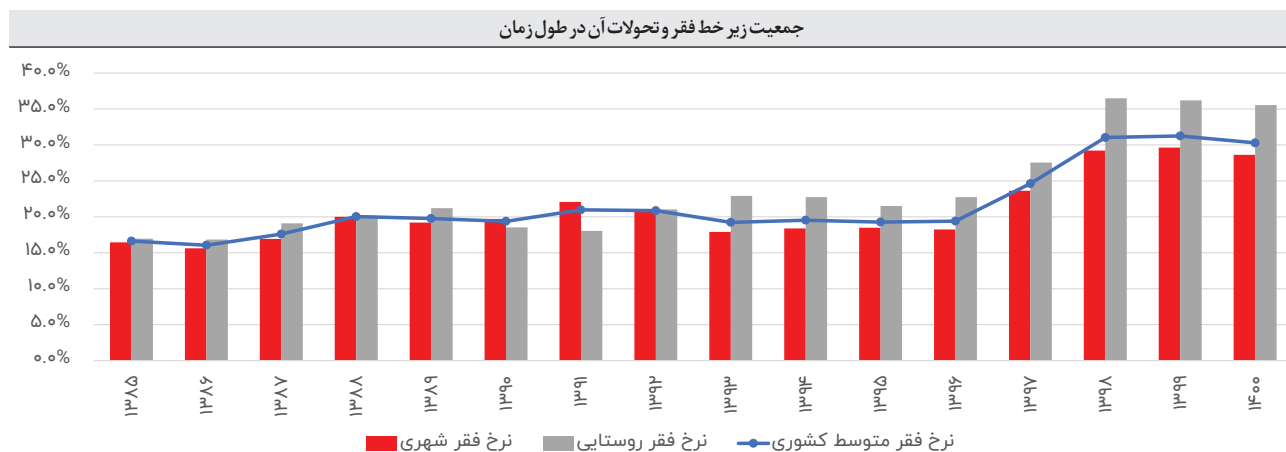


فقر مهم‌ترین شاخص هدفی بوده که همیشه روی آن تمرکز بوده و خیلی در تلاش بوده‌ایم تا آن را کاهش دهیم. نمودار اول نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، یک پله ۵ واحد درصدی و در سال‌های ۱۳۹۷ به بعد یک پله بزرگ ۱۰ واحد درصدی صعود در جمعیت زیر خط فقر را تجربه کردیم. این در حالی است که روند تحولات شاخص متوسط فقر جهانی، یک کاهش بیش از ۷ واحد درصدی را نشان می‌دهد. پس هم در مقایسه با خودمان، حداقل از سال ۸۵ به بعد در وضعیت بدتری قرار گرفتیم و هم در مقایسات بین‌المللی. به نظر می‌رسد که هیچ دستاورد ویژه‌ای در این زمینه نداشته‌ایم. به جایی رسیدیم که امروز حدود ۳۰ درصد جمعیت ما زیر خط فقر هستند؛ یعنی ۲۶ میلیون نفر. در واقع از هر سه ایرانی یک نفر زیر خط فقر به سر می‌برد. وقتی خودمان را با دنیا مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم هم‌زمان که ما افزایش نرخ فقر را داشتیم دنیا یک روند کاهش را طی می‌کرده است؛ یعنی وقتی طی فقط ۵، ۶ سال ۱۰ واحد درصد بر نرخ فقر ما افزوده شده است، حدود ۶، ۷ درصد واحد از نرخ فقر دنیا کاسته شده است. آن هم با وجود این‌همه کشور فقیری که در دنیا وجود دارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد تصویری که امروز از فقر می‌بینیم با اهداف اولیه خیلی فاصله دارد.



از ابتدای انقلاب تاکنون، موضوعاتی از قبیل کاهش فقر و نابرابری و ارائه خدمات اجتماعی، برای همه دولت‌ها و در تمام سیاست‌گذارهای مهم بوده و مکرراً راجع به آن صحبت و برنامه‌ریزی می‌شده است. دولت‌های ما خودشان را در مقابل ارائه خدمات آموزشی، انواع خدمات‌رسانی در حوزه سلامت و بهداشت عمومی مسئول می‌دانستند. شعارها همیشه در این حوزه بوده و واقعاً هم سیاست‌گذار در مقابل شعاری که می‌داده، صادق بوده و این احساس مسئولیت حتی شکل هویتی به خود گرفته بوده است. از همان ابتدای انقلاب در راستای کاهش فقر و نابرابری بنیادها و نهادهایی مانند بنیاد مستضعفان و کمیته امام خمینی تشکیل شد. مصادره‌های گسترده‌ای صورت گرفت که نه با دلایل سیاسی بلکه کاملاً با هدف تعدیل ثروت و درآمد انجام شد. تلقی آن بود که دولت باید آب، برق و گاز و آموزش و بسیاری دیگر از خدمات را برای گروه‌هایی از جامعه به صورت رایگان عرضه کند. همه اینها در راستای نقشی بوده که دولت به عنوان ایفای مسئولیت اجتماعی برای خود قائل بوده است. حال سؤال این است که بعد از نیم قرن تلاش برای کاهش فقر و نابرابری، در چه وضعیتی قرار داریم و آیا تلاش‌های ما توانسته مفید باشد؟

ما در اینجا دو نمودار داریم که اشاره به شرایط فقر در اقتصاد ایران دارد در نمودار اول جمعیت زیر خط فقر و تحولات آن در طول زمان را مشاهده می‌کنیم



فقر مهم‌ترین شاخص هدفی بوده که همیشه روی آن تمرکز بوده و خیلی در تلاش بوده‌ایم تا آن را کاهش دهیم. نمودار اول نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، یک پله ۵ واحد درصدی و در سال‌های ۱۳۹۷ به بعد یک پله بزرگ ۱۰ واحد درصدی صعود در جمعیت زیر خط فقر را تجربه کرده‌ایم. این در حالی است که روند تحولات شاخص متوسط فقر جهانی، یک کاهش بیش از ۷ واحد درصدی را نشان می‌دهد.

در حوزه آموزش، دولت با این دیدگاه که دارای مسئولیت اصلی است بخش قابل توجهی از بودجه خود را به این امر اختصاص می‌داده است. در نمودار ۳ مشاهده می‌کنیم در ابتدای دهه ۱۳۷۰، آموزش سهمی در حدود ۲۰ درصد از بودجه عمومی را به خود اختصاص می‌داده است. اما این سهم بتدریج به کمتر از ۱۰ درصد تقلیل پیدا کرده است. البته باید توجه داشت که عبور هرم سنی جمعیت از جهش جمعیتی متولدین دهه ۱۳۶۰ می‌تواند در کاهش اتفاق افتاده موثر باشد، اما تداوم تخصیص منابع ذکر شده به آموزش می‌توانست به ارتقای کیفیت و رفع برخی نارسایی‌های گلوگاهی کمک کند.

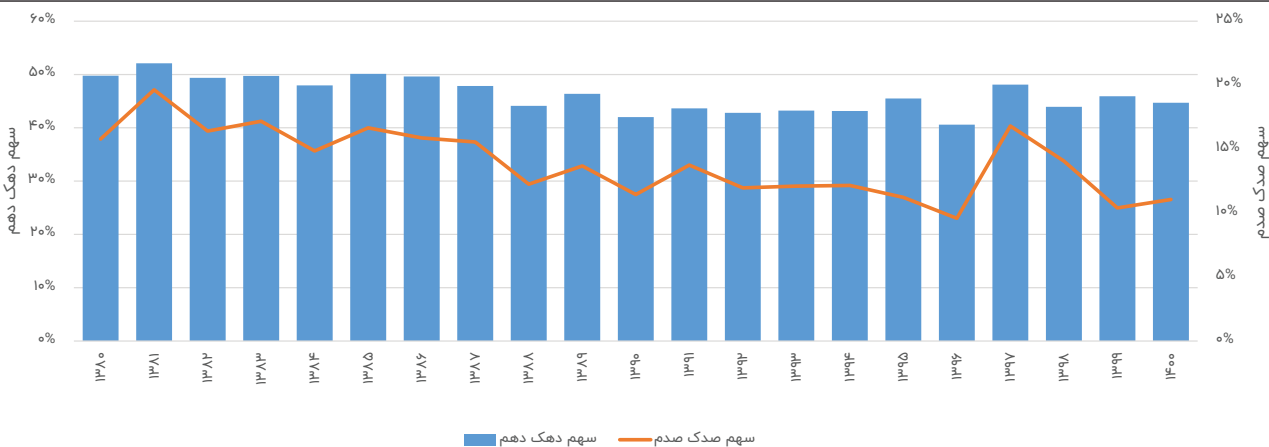
مخارج دولت در آموزش، نتایج و دستاوردهایی را در پی داشته است. یک شاخص اولیه که می‌تواند تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری در این زمینه را نشان دهد، نرخ با سوادی است. کشور ما در نرخ با سوادی افراد بالای ۱۵ سال در سال ۱۹۷۶ با دنیا فاصله زیادی داشت؛ اما با هدفی که در این حوزه دنبال می‌کردیم و سیاست‌گذاری‌هایی که داشتیم، توانستیم خودمان را به سطح میانگین‌های جهانی برسانیم و امروز حتی نرخ با سواد در ایران حدود ۲ واحد درصد از متوسط جهانی هم بالاتر است؛ یعنی یک دستاورد اولیه داشتیم؛ اما در ادامه چه اتفاقی برای این بخش افتاده است؟! آنچه در حال حاضر می‌بینیم، اتفاقی که در اقتصاد ما افتاده و تمام آنچه به عنوان ناکارایی‌های دولت بوده، در بخش آموزش هم خودش را نشان داده است.



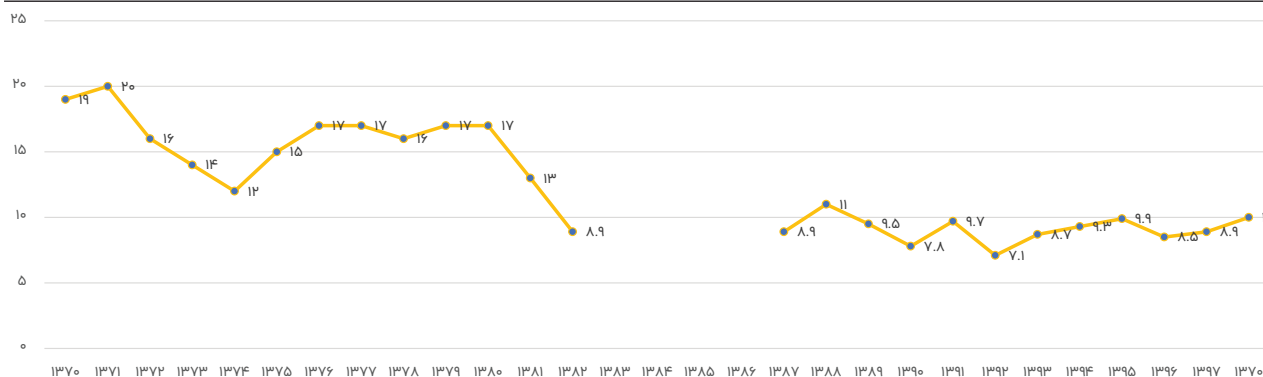
در نابرابری مشاهده می‌کنید که ما یک روند کاهشی داشتیم که آن هم از سال ۹۷ تقریباً از بین رفته است؛ اما با وجود اینکه یک روند نسبتاً کاهشی بوده است، نمی‌تواند دستاورد ویژه‌ای محسوب شود. همچنان می‌بینیم که سهم دهک دهم مثلاً در سال ۹۷ حدود ۵۰ درصد از کل درآمد جامعه است. زمانی متوجه می‌شویم که این روند کاهشی دستاورد ویژه‌ای نیست که خودمان را با دنیا مقایسه می‌کنیم. وقتی نقشه جهان را جلوی چشممان می‌گذاریم، می‌بینیم که ما در طیف رنگ کشورهایی قرار داریم که به لحاظ شاخص ضریب جینی نابرابری در آن‌ها بالا است و از بین ۱۵۶ کشور دنیا به لحاظ بالا بودن ضریب جینی در رتبه ۴۱ هستیم؛ بنابراین به نظر می‌رسد که با وجود تمام تلاش‌هایی که داشته‌ایم که لزوماً تلاش‌هایی نبوده که به نتیجه برسد، ما در نابرابری هم نتوانستیم به اهداف مورد نظرمان دست یابیم.

اما وظیفه‌های اجتماعی دولت و سیاست‌گذاران چیست؟ می‌توانیم بگوییم که حداقل اگر در نحوه سیاست‌گذاری ما در مسائلی مثل نحوه مقابله با تورم و ایجاد رشد اقتصادی یک تشنگی آرا بین سیاست‌گذاران وجود داشته؛ اما در حوزه‌هایی آموزش و بهداشت تقریباً تمام دولت‌ها و تمام سیاست‌گذاران اتفاق نظر داشته‌اند که باید در این حوزه سرمایه‌گذاری کرد، خدمات را افزایش داد و در این حوزه اجماعی وجود داشته است که این فرایند باید بهبود پیدا کند؛ اما ببینیم که در این حوزه چه اتفاقی افتاده است

نمودار آبی رنگ سهم دهک دهم از کل درآمد است و نمودار قرمز رنگ سهم صدک صدم از کل مصرف است



نسبت بودجه آموزش و پرورش به بودجه عمومی دولت در طول ۳ دهه



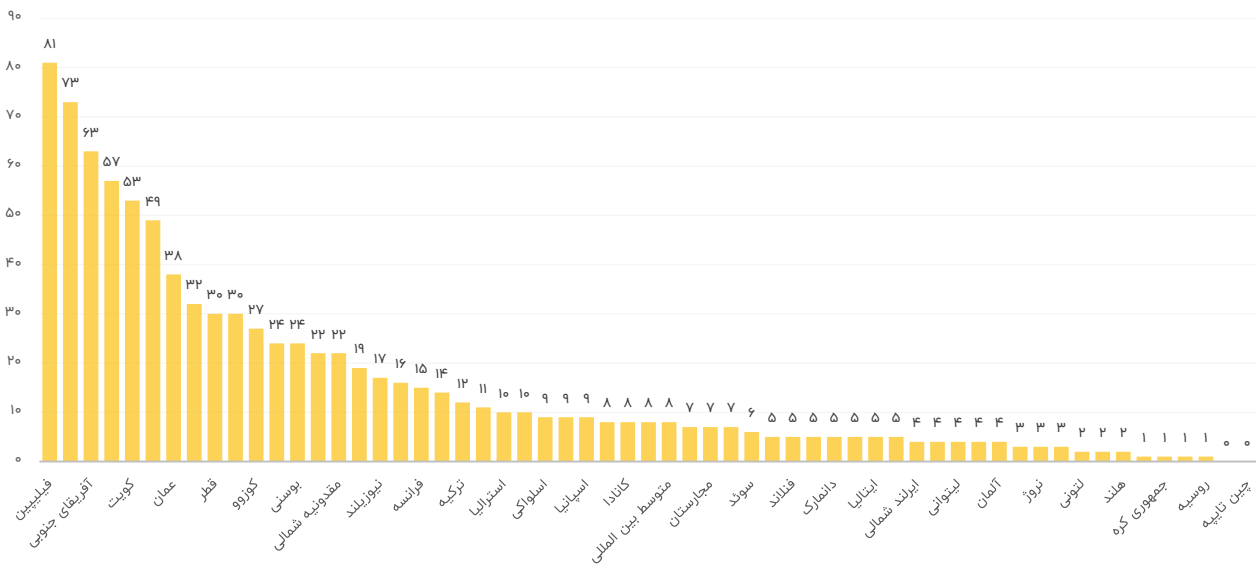
داشت. این نسلی که قرار است بزرگ شود، نسلی است که سرمایه انسانی را تشکیل می‌دهد و قرار است رشد ما را ایجاد کند. از سوی دیگر، در نتیجه شرایط نامساعد اقتصادی، نرخ بازماندگی کودکان ۶ تا ۱۱ ساله از تحصیل متأسفانه یک روند رو به رشد به خود گرفته است. به طور مثال در سال تحصیلی ۹۹-۴۰۰ نرخ بازماندگی کودکان از تحصیل ۱.۵ درصد بوده است؛ اما در سال تحصیلی ۱۴۰۱ به ۲.۱۰ درصد و ارقام حدود ۹۰۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل صرفاً ۶ تا ۱۱ سال را نشان می‌دهد و این تعدادی است که شناسایی شده؛ یعنی این عدد کم برآوردی هم دارد. چون یک سری از کودکان هستند که در مدرسه ثبت‌نام کرده؛ اما حضور فعالی در مدرسه ندارند.

بعد از آموزش وارد بحث بهداشت می‌شویم، به عنوان بخشی که آن هم مثل آموزش همیشه مورد توجه بوده و سیاست‌گذار همواره به آن توجه داشته و سرمایه‌گذاری کرده است. در آن هم دستاوردهای اولیه بسیار خوبی به دست آمده است. روند امید به زندگی در بدو تولد یک روند صعودی خیلی خوبی بوده است. در واکنسیناسیون در برخی از واکنس‌ها نرخ پوشش ۱۰۰ داریم و بقیه هم در ۹۰ و خرده‌ای درصد است و از نرخ متوسط جهانی خیلی بالاتر هستیم. به این دلیل که به هر حال یک زیر ساخت در اینجا ایجاد شده و همه دغدغه داشته‌اند که به این بخش رسیدگی کنند؛ اما متأسفانه اتفاقی که در اقتصاد کلان ما دارد می‌افتد و کارکردهای نامناسب اقتصاد در بخش بهداشت هم خودش را نشان داده است. سهم پرداخت از جیب از کل هزینه‌های بهداشت یک شاخص مهم حوزه بهداشت و سلامت است؛ به این معنا است که چند درصد از هزینه‌های بهداشت را خانوار پرداخت می‌کند. در سال ۹۸ در حدود ۴۰ درصد از هزینه‌های بهداشت و سلامت را خانوار از جیب پرداخت می‌کرده است که این در مقایسه با متوسط‌های جهانی که عددی کمتر از ۲۰ درصد است، خیلی فاصله دارد؛ یعنی وقتی می‌رسیم به بخش اقتصادی که شامل کارکردهای نظام تأمین اجتماعی و بیمه‌ها است، بخش بهداشت ما به مشکل می‌خورد. وقتی بررسی می‌کنیم، هزینه‌های بخشی از دهک‌های درآمدی پایین



واقع کوچک‌تر شدن کیک اقتصاد ما و ناکارایی دولت باعث شده که کم‌کم نقش دولت از بخش آموزش هم کمرنگ‌تر شده و دولت ناچار شده است که از سهم خود در ارائه خدمات آموزشی بکاهد. کاهش حضور دولت در بخش آموزش دو پیامد اصلی داشته است. یکی اینکه کیفیت آموزش دولتی را پایین آورده است و باعث شده دانش‌آموزانی که در بخش دولتی قرار دارند و احتمالاً نسبت به بخش خصوصی از نظر مالی هم در درجه پایین‌تری هستند، از آموزش بی‌کیفیت‌تری بهره‌مند شوند و این نکته بسیار مهمی است. چون بر سرمایه انسانی ما اثر می‌گذارد. اتفاق بدترین است که باعث شده بخشی از کودکان ما به طور کلی از آموزش محروم شوند. در واقع اگر بخواهیم پیامدهای آن را ببینیم، وقتی سهم رتبه‌های برتر کنکور را مقایسه می‌کنیم، اگر ۶ هزار رتبه برتر کنکور را از سه گروه آموزشی در نظر بگیریم، یعنی هر گروه ۲ هزار نفر، تعداد رتبه‌های برتر در دهک دهم به تنهایی برابر است با کل این دهک‌ها؛ یعنی کسانی می‌توانند از آموزش بهتر برخوردار شوند و رتبه‌های بهتری در کنکور دریافت کنند که در خانواده‌هایی با درآمد بالاتر هستند. کیفیت نامناسب آموزش مدارس دولتی باعث شده که ما از دنیا هم عقب بمانیم؛ یعنی ۸۸ درصد از دانش‌آموزان ما که در مدارس دولتی هستند، از دنیا هم عقب مانده‌اند. خلاف تصور رایجی که در جامعه وجود دارد که ما در مدارس خیلی سخت‌گیری درسی داریم و بچه‌هایمان ممکن است به لحاظ درسی وضعیت مناسبی در دنیا داشته باشند، ما از دنیا عقب هستیم. برای نمونه یک آزمون ریاضیات کلاس چهارم را می‌بینیم که متوسط جهانی عدد ۸ است؛ یعنی ۸ درصد از دانش‌آموزان کل دنیا نتوانستند حداقل نمره را کسب کنند؛ اما حدود ۳۲ درصد از دانش‌آموزان کلاس چهارم ما نتوانستند حداقل نمره را کسب کنند. ما صرفاً نمودار نمره ریاضی را آوردیم؛ اما اگر نگاه کنید، وضع علوم هم به همین ترتیب است. مهارت‌های خواندن و نوشتن هم متأسفانه به همین شکل است. و ما از خیلی از کشورها، مثل بوسنی، بحرین، امارات وضعیت بدتر و عقب‌تری داریم؛ یعنی این پایین آمدن کیفیت آموزش باعث شده که دانش‌آموزان ما از دنیا فاصله بگیرند و این فاصله گرفتن اثرات بسیار بین نسلی خواهد

درصدی از دانش‌آموزان که حداقل نمره را نگرفته‌اند



نظام حمایتی قیمت محور نه تنها کل جمعیت کشور بلکه جمعیت زیادی از همسایگان ما را هم تحت حمایت قرار می دهد و از طرف دیگر به دلیل تثبیت قیمت ها محیط کسب و کار را از کار آفرین دور و به رانت جویی هدایت می کند؛ در حالی که تجربه جهانی نشان می دهد که نظام های حمایتی باید باشند و هستند و درآمد محور کار می کنند.

مهمی هم هست، این است که با این اقتصادی که در آن قرار داریم و در کنار آن وضعیت اجتماعی به این شکل است، دولت مسئولیتی در قبال وضعیت اجتماعی دارد یا خیر؟ در ادامه به سوالات ذکر شده می پردازیم.

مشاهده کردیم که شاخص های اجتماعی ما شرایط مطلوبی را نشان نمی دهد. ما در اقتصاد می گوئیم به طور کلی چهار بازبرداریم: خانوار، بنگاه، دولت و بانک مرکزی. البته اگر بانک مرکزی را مجزا در نظر بگیریم. در بین این چهار بازبرداریم اقتصاد، بازبرداریم نقش اول خانوار است؛ در واقع آنچه در اقتصاد هدف است و بیشتر باید به آن توجه کرد، خانوار است. اگر بنگاه اهمیت دارد به این دلیل است که درآمد ایجاد می کند که خانوارها بتوانند در رفاه به سر برند. توجه و تمرکز دولت بر نارسایی های رفاهی خانوار را ذیل سرفصل مسئولیت های اجتماعی دولت طبقه بندی می کنیم که حوزه هایی از قبیل آموزش، سلامت، تامین اجتماعی و دیگر موارد مشابه را در برمی گیرد که در کنار مسئولیت دیگر دولت در حوزه اقتصاد قرار می گیرد. مسئولیت های اقتصادی دولت این است که دولت نه اینکه خودش رشد ایجاد کند؛ اما کاری کند که اقتصاد رشد خوبی داشته باشد، تورم آن پایین باشد و نرخ بیکاری آن هم کم باشد؛ بنابراین هر سه تای این ها تبدیل به ما به ازای رفاهی در خانوارها می شود و مسئولیت اقتصادی دولت در اینجا تعریف می شود. مسئولیت اجتماعی همین مباحثی است که گفته شد؛ یعنی فقر، توزیع درآمد، حمایت اجتماعی در بازار کار، آموزش و بهداشت و درمان. فقر به دو قسمت تقسیم می شود. یکی مقابله با پدیده فقر است و دیگری حمایت از فقرا. در بخش دوم افراد مطرح هستند و در بخش اول ما با یک پدیده مواجه هستیم. در مورد دوم به جامعه هدف می پردازیم و در مورد اول می خواهیم به موضوع فقر پردازیم. اگر در جامعه ای فقر رو به افزایش باشد، نابرابری بالا باشد، کیفیت بازار کار پایین باشد؛ یعنی اینکه نتواند رفاه خوبی ایجاد کند، اگر ارائه خدمات آموزشی و سلامت مناسب نباشد، آن جامعه ناپایدار خواهد بود. به همین دلیل است که به ندرت ملاحظه می کنیم که دولت ها نسبت به مسائل اجتماعی بی تفاوت باشند و حساسیتی نسبت به آن نداشته باشند. مشخصاً این مباحث را دنبال می کنند و تلاش می کنند اقداماتی انجام دهند.

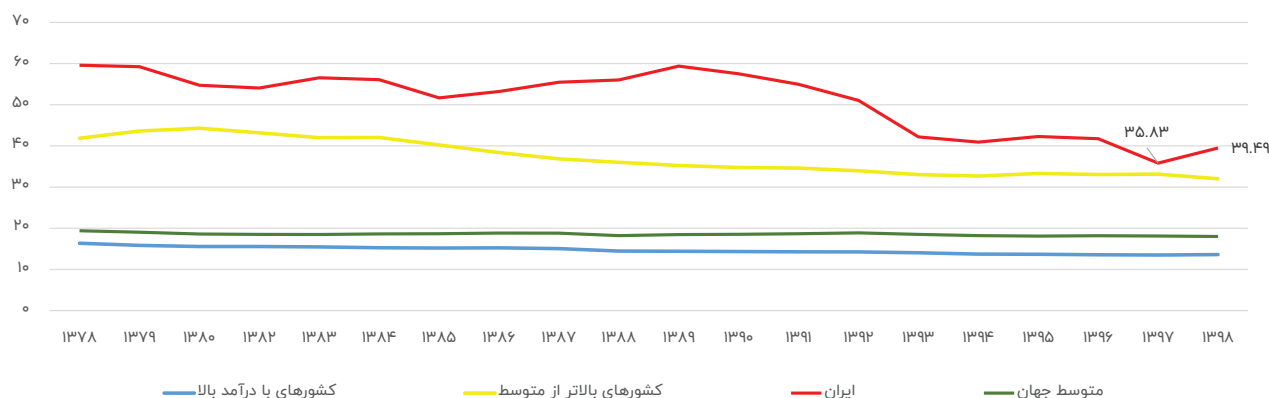
من در اینجا سؤالی را مطرح کردم مبنی بر اینکه آیا دولت در حوزه اجتماعی دارای مسئولیت اصیل است؟ منظورم از اصالت این مسئولیت این است که اگر ما اقتصادی داشتیم که رشد خوبی داشت و مثلاً به طور

ما ۰ است. این عدد ۰ به این معنا نیست که خانواده های خیلی سالمی هستند. به این معنا است که اصلاً نمی توانند برای این بخش هزینه کنند. مخارج کمرشکن سلامت یکی دیگر از شاخص های خیلی مهم این بخش است. این شاخص می گوید که اگر خانوارها با یک هزینه عمل جراحی غیر منتظره مواجه شوند، چند درصد از خانوارها باید بیش از ۱۰ درصد از درآمد سال خود را برای این عمل جراحی بدهند. این عدد در ایران ۳۰ درصد است و یک نکته ناراحت کننده هم این است که روند کاهشی که داشته طی می کرده از دست داده و در سال های اخیر با روند صعودی مواجه شده است. این در حالی است که متوسط جهانی چیزی حدود ۲۰ و خرده ای درصد است. یعنی ۳۰ درصد از خانوارها با هزینه های کمرشکن سلامت مواجه هستند و ما چیزی داریم به اسم خانوارهایی که صرفاً به دلیل هزینه های درمان به زیر خط فقر رفته اند؛ یعنی یک خانوار در حالت عادی فقیر نیست؛ اما چون با یک هزینه جراحی مواجه شده، به زیر خط فقر رفته و عدد آن حدود ۳ درصد است.

اگر بازماندگی از تحصیل را به عنوان شاخصی از کارکرد نامطلوب آموزش در نظر بگیریم، نرخ سوء تغذیه را هم می توانیم به عنوان شاخصی از سوء کارکرد بخش سلامت قلمداد کنیم. کاهش قدرت خرید خانوار که معطوف به تمام کالاها است باعث شده که ما یک روند نزولی در کالری دریافتی سرانه داشته باشیم و بیش از ۵۰ درصد از جمعیت ما کمتر از میزان مورد نیاز خود کالری دریافت می کنند. پیامد این مسأله این است که تقریباً کشور ما کشوری نبوده است که سوء تغذیه برایش یک چالش خیلی بزرگ باشد؛ اما اتفاقی که افتاده، این است که در حال حاضر شیوع سوء تغذیه در کودکان زیر ۶ سال به حدی است که در دو استان سیستان و بلوچستان و کهگیلویه و بویراحمد نرخ سوء تغذیه ۱۶، ۱۷ درصد است که حتی از متوسط های جهانی هم بالاتر است. در نظر بگیریم این همه کشورهای فقیری را که با مشکلات حاد سوء تغذیه مواجه هستند و متوسط جهانی را تحت تأثیر قرار می دهند، ما دو استان داریم که بدتر از آنها هستند و برای کشور یک چالش خیلی بزرگ خواهد بود که در بحث سرمایه انسانی هم خیلی اثر گذار خواهد بود. اگر بخواهیم بخش اول مطالب را جمع بندی کنیم، این است که همواره فقر، نابرابری، آموزش و بهداشت برای ما دغدغه بوده؛ ولی تصویری که امروز می بینیم، این است و یک علامت سؤال بزرگ ایجاد می شود که سیاست های ما در این حوزه ها در کجا به انحراف رفته که این اتفاق افتاده است و سؤال دیگری که با آن مواجه هستیم و سؤال بسیار

اگر بازماندگی از تحصیل را به عنوان شاخصی از کارکرد نامطلوب آموزش در نظر بگیریم، نرخ سوء تغذیه را هم می توانیم به عنوان شاخصی از سوء کارکرد بخش سلامت قلمداد کنیم. کاهش قدرت خرید خانوار که معطوف به تمام کالاها است باعث شده که ما یک روند نزولی در کالری دریافتی سرانه داشته باشیم و بیش از ۵۰ درصد از جمعیت ما کمتر از میزان مورد نیاز خود کالری دریافت می کنند

سهام پرداخت از جیب از کل هزینه خانوار



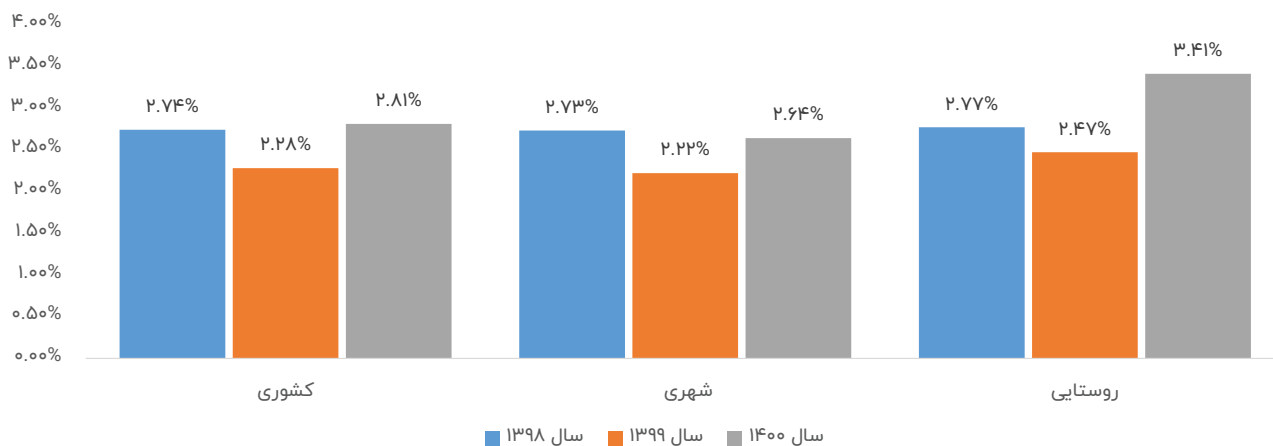
پایدار ۵ درصد رشد می‌کرد، تورم آن زیر ۵ درصد بود و نرخ بیکاری آن هم به همین شکل، آیا دولت همچنان می‌گوید من باید مسئولیت اجتماعی داشته باشم؟ اقتصادی که به این ترتیب کار می‌کند، درآمد رشد خوبی دارد، تعداد افراد بیکار کم است و تورم هم شرایط مساعدی دارد، آیا می‌توان گفت که به رغم آثار مثبت ضد فقری که بخش مسئولیت‌های اقتصادی دولت دارد، همچنان اعمال سیاست‌های حمایتی ضروری است؟ من می‌خواهم بگویم که پاسخ این سؤال مثبت است؛ یعنی اگر در جامعه‌ای اقتصاد هم خوب کار کند، همچنان دولت یک سری مسئولیت‌های اجتماعی دارد؛ یعنی شرایط مساعد شاخص‌های اقتصاد کلان شرط لازم است برای اینکه شاخص‌های اجتماعی خوب باشند؛ اما شرط کافی نیست. می‌دانیم که رشد مناسب اقتصادی، تورم و بیکاری پایین هم مسیر و در واقع پیش‌نیاز رفع فقر هستند؛ یعنی در جهتی هستند که شرایط اجتماعی خوب شود؛ اما رفع فقر در فرایند طبیعی به تدریج اتفاق می‌افتد. بالاخره اقتصادی که ۵ درصد رشد می‌کند، هر سال ۵ درصد بزرگ‌تر می‌شود، یعنی کل درآمد اقتصاد ۵ درصد افزوده می‌شود. در نتیجه این روند مناسب، بتدریج در طول زمان شرایط بهتری به وجود می‌آید؛ اما در مسیر بهبود شرایط رفاهی همیشه گروه‌هایی هستند که همچنان در فقر به سر می‌برند. آن‌هایی که در شرایط فقر به سر می‌برند؛ یعنی نمی‌توانند آموزش خوبی به فرزندان خود بدهند، ممکن است فقر بین نسلی شود؛ یا اینکه هزینه‌های درمانی خودشان را نتوانند تأمین کنند و موارد دیگر؛ بنابراین اینکه بگوییم با همان سرعتی که اقتصاد رشد می‌کند، فقر هم بهبود پیدا کند، ممکن است در درون خود سازگاری نداشته باشد. به علاوه اینکه در ادامه خواهیم گفت که بخشی از فقرا هستند که لزوماً با بهبود شرایط اقتصادی شرایطشان به طور مستقیم بهبود نمی‌یابد. مثل کسانی که دارای معلولیت‌های جسمی و ذهنی هستند و این تمرکز جداگانه‌ای می‌خواهد؛ بنابراین در یک فرایند سریع‌تر از آن فرایند طبیعی نیاز است که دولت‌ها سیاست‌های اجتماعی داشته باشند. حال اگر فرض کنیم که در کنار سیاست‌های اقتصادی مناسب، سیاست‌های اجتماعی هم ضرورت دارد، به سؤال دوم می‌رسیم که چه ارتباطی بین عملکرد اقتصاد کلان و سیاست‌های اجتماعی برقرار است؟ من در خصوص ارتباط دو سویه این‌ها بحث می‌کنم؛ یعنی از اقتصاد کلان به سیاست‌های اجتماعی و از سیاست‌های اجتماعی به اقتصاد کلان. در واقع یک سمت این است که آیا در ایفای نقش دولت در حوزه‌های اجتماعی، یعنی از سمت



بخشی از فقرا هستند که لزوماً با بهبود شرایط اقتصادی شرایطشان به طور مستقیم بهبود نمی‌یابد. مثلاً کسانی که دارای معلولیت‌های جسمی و ذهنی هستند

سیاست‌های اجتماعی به اقتصاد کلان ارتباطی برقرار است؟ یعنی آیا نحوه اعمال سیاست‌های ضد فقر یا سیاست‌های حمایت از فقرا خودش می‌تواند باعث کاهش رشد اقتصادی و افزایش تورم شود، که اگر این طور شود آنگاه سیاست‌های اجتماعی به گونه‌ای است که از اقتصاد کلان بر تعداد فقرا افزوده می‌شود و از سمت سیاست‌های اجتماعی ناچار هستیم که منابع بیشتری را خرج کنیم؛ بنابراین رابطه بین نحوه اعمال سیاست‌های اجتماعی و عملکرد اقتصاد کلان خیلی اهمیت پیدا می‌کند. بدون تردید عملکرد نامطلوب اقتصاد کلان با بهبود پایدار شاخص‌های اجتماعی سازگاری ندارد؛ یعنی رشد منفی اقتصاد بر فقر می‌افزاید، تورم فقر و نابرابری را زیاد می‌کند، بیکاری در جهت تشدید فقر کار می‌کند. علاوه بر اینکه وقتی شرایط اقتصاد کلان خوب نیست معمولاً محدودیت‌های بودجه‌ای زیاد است. دست دولت بسته‌تر است و در نتیجه کمتر می‌تواند حمایت‌های اجتماعی داشته باشد؛ در نتیجه عملکرد نامطلوب اقتصاد کلان سازگاری ندارد با اینکه دولت بتواند به طور مؤثر سیاست‌های اجتماعی خودش را اعمال کند. اگر ۱۰ تا ۱۵ سال پیش در مورد فقر مطالعه می‌کردیم، می‌گفتیم احتمال فقیر شدن چه خانوارهایی با چه ویژگی‌هایی بیشتر است؟ مثلاً می‌گفتیم خانوارهایی که سرپرست بی‌سواد یا کم‌سواد است. ویژگی‌هایی از خانوارها را ذکر می‌کردیم و می‌گفتیم خانوارهایی که تحصیلشان از حدی بالاتر است، احتمال فقیر شدنشان خیلی کمتر است. الآن که داریم مطالعات فقر را انجام می‌دهیم، می‌بینیم که آن ویژگی‌های متمایزکننده خانوارها کم‌کم دارد از بین می‌رود و فقر دارد به صورت یک پدیده فراگیر که در نتیجه عملکرد اقتصاد کلان ایجاد می‌شود، درمی‌آید. دیگر آن تمایزات کمتر معنادار هستند. علت هم این است که وقتی روند درآمد سرانه را ملاحظه می‌کنیم، در جهت کاهش است. این کاهش هم به معنای آن است که دارد فقر را به صورت گسترده در جامعه ما نهادینه می‌کند؛ بنابراین می‌توانیم بگوییم که سیاست‌های اجتماعی می‌تواند به نحوی اعمال شود که عدم تعادل‌های اقتصاد کلان را بزرگ‌تر کند و در نتیجه باعث شود که عملکرد اقتصاد نامطلوب شود. اگر این طور شود، باعث می‌شود که فقر را دوباره تشدید کند و به چرخه‌ای تبدیل شود که به دنبال هم اتفاق بیفتد. حالا می‌توانیم بگوییم که آیا می‌توان حالتی را تصور کرد که دو نقش اقتصادی و اجتماعی دولت با هم سازگار باشند؟ چرخنده‌هایی باشند که با هم بچرخند؟ یعنی اقتصاد کلان فقیرها را کمتر کند و سیاست‌های اجتماعی بتواند به فقیرهای باقی‌مانده

فقر ناشی از هزینه‌های درمان (درصد خانوار)



کارکرد بازار محور بنگاه‌های اقتصادی با کارکرد درآمد محور اجتماعی کاملاً با هم سازگار است و می‌تواند با هم کار کند. سیاست‌هایی برای مقابله با فقر و حتی سیاست‌های بهبود توزیع درآمد با این‌فای نقش فعال دولت در آموزش و سلامت کاملاً سازگار است با اینکه اقتصاد هم بتواند رشد داشته باشد و فعالیت کند.

ضد فقرا می‌افتد. اول اینکه وقتی شما از طریق قیمت حمایت می‌کنید، دیگر نظام تأمین اجتماعی موضوعیت ندارد. می‌گویید من می‌خواهم نان را به قیمت پایین در اختیار همه قرار دهم.

نمی‌توان گفت که یک عده بیایند این نان را بگیرند و عده دیگر بیایند نان دیگری را بگیرند؛ بنابراین نظام تأمین اجتماعی شکل نمی‌گیرد. به این دلیل که اساس حمایت قیمت است، نه درآمد. وقتی این اتفاق افتاد، جامعه هدف می‌شود کل جمعیت و نه فقرا. نان، انرژی، دارو و کالاهای اساسی نه تنها برای جمعیت ناب‌خوردار و کمتر برخوردار بلکه حتی برای برخی از کشورهای اطراف هم مورد استفاده قرار می‌گیرد. الآن دولت با مشکل کمبود شیر خشک مواجه است. چون وقتی این را توزیع می‌کند، با قیمت پایین می‌دهد؛ لذا به کشورهای اطراف می‌رود. در مورد دارو هم همین اتفاق می‌افتد. این شیوه حمایت چون در ذات خود کسری بودجه دارد، این کسری بودجه تبدیل به تورم می‌شود که بزرگترین دشمن فقرا است. دوم اینکه دولت در گذر زمان روز به روز فقیرتر و ناتوان‌تر می‌شود. آمارهایی که خانم کاویانی ارائه کردند، به خوبی این مسأله را نشان می‌دهد. سوم اینکه چون نظام دو یا چند قیمتی در اقتصاد نهادینه می‌شود، اعم از ارز و سایر چیزهایی که می‌گیریم، خود به خود انحراف منابع به دلیل این چند قیمتی‌ها و دور شدن از جامعه هدف ایجاد می‌شود و اینکه دولت وقتی می‌گوید من در جهت حمایت فقرا قیمت بنزین، گازوئیل، برق و... را پایین نگه می‌دارم، ادامه می‌دهد تا جایی که ناچار می‌شود قیمت را تغییر دهد؛ بنابراین بدون نظم و در مقادیری بدون معیار و تنها از روی ناچاری قیمت‌های تثبیت‌شده را افزایش می‌دهد. عده‌ای هم به اشتباه فکر می‌کنند که اسم این کار آزادسازی است؛ در حالی که دولت رسیده به جایی که دیگر نمی‌تواند این سیاست را ادامه دهد و ناچار می‌شود در قیمت‌ها جهش‌هایی را ایجاد کند که آن هم ضد فقر است. در این شیوه از حکمرانی بنگاه برای تولید کالاهایی که قیمت‌گذاری شده انگیزه ندارد؛ بنابراین رشد کمی و کیفی اقتصاد تخریب می‌شود. دولت با کسری بودجه مواجه است. قشر فقیر هم همواره فقیر و محتاج دولت می‌ماند. در واقع سه بازیگر اقتصاد، یعنی بنگاه، دولت و قشر فقیر هر سه بازنده می‌شوند. تنها برنده این اتفاق آن‌هایی هستند که به این چند قیمتی‌ها دسترسی پیدا می‌کنند و می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند که عملاً می‌شود فساد و چیزهای دیگری که در کنار این‌ها می‌بینیم؛ بنابراین عنصر مسلط سیاست‌گذاری که حمایت اجتماعی بوده، عملاً شکست می‌خورد. فقر از یک طرف و نابرابری از طرف دیگر نتیجه طبیعی این شیوه حکمرانی غلط است. این آمار خوبی است که نشان می‌دهد که ما با سیاست حمایت ارز ۴۲۰۰ تومان که برای کالای اساسی بوده است، در دهک دهم نسبت به دهک اول چگونه بوده است. این آمار می‌گوید این حمایت قیمتی که شما اعمال می‌کنید، به جای اینکه حمایت از فقرا باشد، بیشتر حمایت از برخوردارها است. در تجربه کشورهای دنیا هم این شیوه حمایت قیمتی را مشاهده نمی‌کنیم. عملاً دولت‌ها نسبت به موضوعات اجتماعی حمایت دارند و سیاست‌های اقتصادی خودشان را پیش می‌برند. هر چند ملاحظه می‌کنیم که همگرایی زیادی به لحاظ محتوایی بین کشورهای مختلف در اعمال سیاست‌های اقتصادی وجود دارد، در اعمال سیاست‌های اجتماعی تفاوت‌ها نسبتاً قابل توجه است. تفاوت‌هایی که در اینجا قابل توجه است و وجود دارد، تفاوت بین قیمت‌گذاری و درآمدی نیست بلکه بین گونه‌های مختلف سیاست‌های حمایت درآمدی است که مشاهده می‌کنیم. مشاهدات اقتصادی ایران نشان می‌دهد که دولت در کشور ما با تأکید و اصرار هویتی شیوه دوم حکمرانی اقتصادی را پیش گرفته است؛ یعنی خیلی اصرار دارد بر اینکه بگوید من حتماً از طریق قیمت حمایت اجتماعی خودم را اعمال

برسد. آیا می‌شود چنین حالتی را در نظر گرفت؟

برای اینکه به این سؤال که به نظر من سؤال بسیار مهمی است، جواب بدهم، می‌خواهم دوشیوه حکمرانی اجتماعی را از هم تفکیک کنم. می‌خواهم بگویم سؤال این نیست که آیا سیاست‌های اجتماعی لازم است یا نه. سؤال این است که چطور انجام شود. نه اینکه باشد یا نباشد. دولت‌ها همیشه نقش اجتماعی دارند؛ اما اینکه چطور این نقش را ایفا کنند، مهم است. من دو شیوه حکمرانی اجتماعی را از هم متمایز می‌کنم. ویژگی حکمرانی اول این است که بین مسئولیت‌های اقتصادی و مسئولیت‌های اجتماعی دولت هماهنگی وجود دارد. این هماهنگی به این طریق شکل می‌گیرد که اعمال حمایت‌های اجتماعی از طریق ساز و کارهای درآمدی صورت می‌گیرد؛ یعنی دولت از طریق سیاست‌های اقتصادی، «فقر» را کاهش می‌دهد و از طریق سیاست‌های اجتماعی به «فقر» می‌پردازد. اگر پدیده فقر را از فقیر جدا کنیم، در اقتصاد فقر را کاهش می‌دهیم و در سیاست‌های اجتماعی سعی می‌کنیم برای زندگی افراد فقیر استانداردی را اعمال کنیم. ساز و کار درآمدی این است که استانداردی را تعریف می‌کند برای کیفیت زندگی و آن‌هایی را که پایین‌تر از این استاندارد قرار می‌گیرند، مورد حمایت قرار دهیم. این در مقابل حکمرانی دوم قرار می‌گیرد که کاملاً تقابل بین عملکرد مطلوب اقتصادی و اعمال مؤثر حمایت‌های اجتماعی وجود دارد. این حکمرانی به جای اینکه به درآمد بپردازد، می‌خواهد حمایت خودش را از طریق قیمت اعمال کند. می‌گوید من می‌خواهم کالای با قیمت پایین به دست مصرف‌کننده برسانم؛ در واقع وقتی این کار را انجام می‌دهد، به ناچار جامعه هدفش می‌شود کل جامعه و نه جامعه فقیر و دیگر نمی‌تواند یک گروه خاص را هدف قرار دهد. چون وقتی قیمت را پایین تعیین کرد، برای کل جامعه است. شیوه حکمرانی اول این است که در یک طرف در چارچوب مسئولیت‌های اقتصادی که دولت دارد، بنگاه اقتصادی دارد کار خودش را انجام می‌دهد، مازاد و سود ایجاد می‌کند و دولت از طریق ثبات اقتصاد کلان تورم را پایین می‌آورد و پیش‌بینی‌پذیر می‌کند و هزینه‌های مبادله را پایین می‌آورد. در سیاست‌های رگولاتوری خود سعی می‌کند فضای رقابتی را برقرار کند و اینجا تلاش می‌کند که حد اکثر مازاد ایجاد شود. در نتیجه اینجا شغل بیشتر و درآمد بیشتر ایجاد می‌شود. دولت مالیات می‌گیرد. نظام تأمین اجتماعی را درست می‌کند. یک نظام مالیاتی دارد که ثروتمندها را شناسایی می‌کند. یک نظام تأمین اجتماعی دارد که فقرا را شناسایی می‌کند؛ بنابراین از این طریق این مازادی که ایجاد می‌شود، هیچ ناسازگاری ندارد با حمایت‌های اجتماعی که می‌خواهد اعمال کند. هر چه فضای رقابتی تر باشد، مازادی که ایجاد می‌شود توزیع بهتری دارد و آن هم اتفاقاً با سیاست‌های اجتماعی سازگاری دارد. در این شیوه از حکمرانی کارآفرین ثروتمند می‌شود که البته همان طور که گفتم هر چه رقابت بیشتر باشد متوازن‌تر خواهد بود. دولت هم درآمد مناسبی کسب می‌کند که بتواند با آهنگ سریع‌تر از رشد اقتصادی فقر را کاهش دهد. این آرایش از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی با هم تعارضی ندارند و در نتیجه دوگانه خلق ثروت در بنگاه و کاهش فقر در خانوار کاملاً با هم سازگار است و هیچ مشکلی ندارد و می‌تواند با هم کار کند. ممکن است در یک دولت گرایش‌های پرداختن به کاهش فقر قوی‌تر باشد و در یک دولت ضعیف‌تر باشد و این می‌شود گزینش‌های رقابت‌های سیاسی که می‌تواند در هر جامعه‌ای وجود داشته باشد. در حکمرانی دوم دولت به دلیل اینکه می‌گوید من می‌خواهم از فقرا حمایت کنم، اساساً سودآوری را ضد عدالت شناسایی می‌کند. اصلاً نمی‌گذارد مازاد شکل بگیرد که بعد با استفاده از آن یک نظام تأمین اجتماعی را ایجاد کند و در مرکز ایجاد آن مازاد که همان بنگاه است، ساز و کارها را از بین می‌برد؛ بنابراین در اینجا چهار تا اتفاق بر

دولت از طریق سیاست‌های اقتصادی، «فقر» را کاهش می‌دهد و از طریق سیاست‌های اجتماعی به «فقر» می‌پردازد. اگر پدیده فقر را از فقیر جدا کنیم، در اقتصاد فقر را کاهش می‌دهیم و در سیاست‌های اجتماعی سعی می‌کنیم برای زندگی افراد فقیر استانداردی را اعمال کنیم



می‌کنم. نقش هویتی این شیوه حکمرانی انتخاب شده به اندازه‌های قوی بوده است که دولت‌های مختلفی که در دهه‌های مختلف روی کار آمدند و گرایش‌های سیاسی خیلی متفاوتی داشتند، از این نظر خیلی شبیه به هم عمل کردند؛ یعنی در این مورد هیچ اختلاف نظری نداشتند. در این نظام ارزشی که در سیستم حکمرانی ما وجود دارد بر اساس اسناد بالادستی و اظهار نظر صریح تصمیم‌گیرندگان، ایفای مسئولیت در حوزه‌های اجتماعی به مراتب بیشتر از اقتصادی بوده است؛ یعنی همیشه تأکید بر این بوده است. دهه‌ها نهاد با مسئولیت‌های مختلف تشکیل شده؛ اما ملاحظه می‌کنیم که وضعیت فقر در کشور ما وضعیت خیلی بدی است. عملکردمان عملکرد جالبی نیست. هیچ‌کس هم واقعاً نمی‌تواند بپذیرد که به لحاظ فقر این شرایط در جامعه ما وجود دارد. ما داریم ملاحظه می‌کنیم که در ایفای مسئولیت‌های اجتماعی دولت در حوزه‌های آموزش و سلامت، ناتوانی مالی دولت بخش خصوصی را به این حوزه‌ها وارد کند که به نظر من هیچ اشکالی هم ندارد و خیلی هم خوب است که بخش خصوصی به این زمینه وارد شود؛ اما این مسأله سازگار نیست با اینکه دولت در خیلی جاها خودش بنگاه‌های اقتصادی را اداره می‌کند و مدرسه را به بخش خصوصی می‌دهد؛ یعنی این ناشی از خصوصی‌سازی آموزش نیست. بعضی‌ها فکر می‌کنند که اقتصاد ما الآن دیگر خیلی اقتصاد آزادی شده که آزادسازی را بردیم در حوزه مدرسه و بیمارستان؛ ولی این هم باز از سر اجبار و ناتوانی مالی دولت‌ها است که معمولاً سراغ این سیاست‌ها می‌آیند. وگرنه چرا ما هم زمان خیلی از بنگاه‌های اقتصادی وابسته به انرژی و نفت و گاز همچنان دولت اداره می‌کند؛ اما در این حوزه مسئولیت‌های خودش را واگذار می‌کند. این بیشتر برمی‌گردد به اینکه چون در آن حوزه بودجه عمومی کار می‌کند و منابع بودجه عمومی خیلی محدود است، نمی‌تواند بیشتر از این کاری انجام دهد و ما مرتب با افت کیفیت مواجه هستیم. مگر مروری بر روند تغییرات متغیرهای اصلی اقتصاد کلان، مانند مصرف سرانه، تولید ناخالص داخلی سرانه و سرمایه‌گذاری سرانه داشته باشیم و برای اعمال مقایسه معنادارتر، فرض کنیم هر سه این متغیرها در اوایل دهه ۱۳۵۰، برابر عدد یک بوده اند، مشاهده می‌کنیم که مصرف سرانه الان ۳٫۵ است، در حالی که تولید ناخالص داخلی سرانه ما تقریباً معادل همان مقدار است و سرمایه‌گذاری سرانه به شدت کاهش یافته است. این یعنی روند رفاهی را که در جامعه ایجاد کردیم، روندی نیست که بتواند ادامه پیدا کند و پایدار باشد. این شرایط رفاهی نامناسبی را که الان داریم مشاهده می‌کنیم، عمدتاً ناشی از این است که ما داریم رفاهی را که نمی‌توانستیم متناسب با واقعیت‌های بلندمدت اقتصادمان داشته باشیم، پس می‌دهیم. در واقع ما فراتر از ظرفیت اقتصادمان مصرف کرده‌ایم و الآن دچار چالش شده‌ایم. این نشان می‌دهد که در فاصله‌های هم که شرایط می‌توانسته کمی بهبود پیدا کند، مصرف دولت افزایش یافته است؛ یعنی اگر مصرف دولت و مصرف خصوصی را با هم در نظر بگیریم، به ضرر سرمایه‌گذاری در اقتصادمان انجام شده است؛ یعنی همان رویکرد اجتماعی چون داشته پیدا کند و تبدیل شده به تخریب محیط زیست، تبدیل شده به از بین رفتن بیهیایی که در اقتصادمان بوده است.

حال در ادامه اگر بخواهیم فقر را بر اساس عوامل بوجود آورنده آن در نظر بگیریم که شامل فقر ذاتی، فقر ناشی از بیکاری، فقر شاعلین، فقر جغرافیایی و فقر ناشی از شوک‌هایی که به اقتصاد وارد می‌شود، گسترده‌ترین فقرای ما شاعلین هستند که بیشترین تعداد فقرای ما را تشکیل می‌دهند. این نشان می‌دهد که کیفیت مشاغل ما به گونه‌ای نیست که پیدا کردن کار، به معنی خارج شدن از جامعه فقرا باشد. فقر ناشی از معلولیت نیازمند اعمال حمایت

در واقع ما فراتر از ظرفیت اقتصادمان مصرف کرده‌ایم و الآن دچار چالش شده‌ایم. این نشان می‌دهد که در فاصله‌های هم که شرایط می‌توانسته کمی بهبود پیدا کند، مصرف دولت افزایش یافته است؛ یعنی اگر مصرف دولت و مصرف خصوصی را با هم در نظر بگیریم، به ضرر سرمایه‌گذاری در اقتصادمان انجام شده است؛ یعنی همان رویکرد اجتماعی چون داشته ظرفیت اقتصادی را از بین می‌برده است، مشخص است که نمی‌تواند ادامه پیدا کند و تبدیل شده به تخریب محیط زیست، تبدیل شده به از بین رفتن بیهیایی که در اقتصادمان بوده است

دولت در شرایط مختلف است و اینطور نیست که بگوییم با راه افتادن اقتصاد این نوع فقر هم از بین می‌رود. مواردی را که ذکر کردم با این هدف بود که توجه کنیم سیاست‌های حمایت از فقرا بناچار باید تأثیر پذیر از نوع فقر باشد. ما نمی‌توانیم بگوییم هر نوع فقری که وجود دارد از یک طریق و آن هم از طریق پایین نگه‌داشتن قیمت‌ها برطرف کنیم.

در نظام حکمرانی ما هر چند در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی اختلاف نظرهای زیادی وجود داشته و همچنان وجود دارد، در حوزه‌های اجتماعی اتفاقاً همیشه اتفاق نظر زیادی وجود داشته و همه موافق بوده‌اند که مثلاً آموزش توسعه پیدا کند، بهداشت و درمان بهتر شود، دسترسی به آب آشامیدنی در سطح کشور بهبود پیدا کند و موارد دیگری از این قبیل. مبالغ بسیار زیادی هم از بودجه عمومی صرف فعالیت‌های اجتماعی دولت در حوزه‌های تأمین اجتماعی، آموزش و سلامت می‌شود. اگر بودجه را ببینید و بر حسب فصول بودجه اندازه‌گیری کنید، بیشترین سهم بودجه را معمولاً همین حوزه‌ها در بودجه جاری دارند و مبالغ خیلی بیشتری هم صرف یارانه‌های پنهان و آشکار انرژی، نان، دارو و کالای اساسی و حتی بسیاری از کالاهای معمولی شده است و نهادهای خیلی زیاد و سازمان‌هایی هم با اهداف متنوع تأسیس شده است. به رغم این همه منابعی که صرف شده و تأکید یکپارچه نظام تصمیم‌گیری کشور، تقریباً تمام بخش‌های اجتماعی اعم از آموزش و سلامت و حوزه‌های حمایتی از فقرا، با بحران کمبود منابع مواجه هستند مهاجرت‌های گسترده‌ای که الان در کادر سلامت می‌بینیم یک بروز از این ضعف بزرگ است. که در اینجا ملاحظه می‌کنیم. این در واقع بحران پارادوکسیکال است. تخصیص منابع زیاد و بحران کمبود منابع ابر نارسایی‌های اقتصاد کلان کشور است که می‌تواند توضیح دهد که خروجی اصلی آن تورم در ابعاد بزرگ است. این تورم منابع تخصیص داده شده را به سطح نازلی تقلیل می‌دهد. بهترین مثالی که می‌توانم برای شما بزنم، این است که در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ منابع خیلی زیادی به صورت طرح سلامت به بودجه دولت وارد شد. این منابع به صورت اسمی تخصیص پیدا کرده است؛ ولی منابع واقعی آن به مقدار ناچیزی تقلیل پیدا کرد به دلیل تورم زیادی که سال‌های ۹۷ به بعد در اقتصاد ما وجود دارد. نکته تلخ این است که عامل اصلی شکل‌گیری و افزایش تورم مزمن مخرب همین تخصیص منابع آشکار و پنهان برای حمایت اجتماعی است؛ یعنی ما با مسأله واقعا تلخی مواجه هستیم که با هدف حمایت اجتماعی کاری می‌کنیم که عملاً به ضد فقرا تبدیل می‌شود. آنچه اقتصاد ما به آن نیاز دارد، نه حذف یا تقلیل منابع برای اعمال سیاست‌های اجتماعی است بلکه تغییر نظام حکمرانی اجتماعی از قیمت‌محوری به درآمد‌محوری است. نظام حمایتی قیمت‌محور نه تنها کل جمعیت کشور بلکه جمعیت زیادی از همسایگان ما را هم تحت حمایت قرار می‌دهد و از طرف دیگر به دلیل تثبیت قیمت‌ها محیط کسب و کار را از کار آفرین دور و به رانت‌جویی هدایت می‌کند؛ در حالی که تجربه جهانی نشان می‌دهد که نظام‌های حمایتی باید باشند و هستند و درآمد‌محور کار می‌کنند. کارکرد بازار محور بنگاه‌های اقتصادی با کارکرد درآمد‌محور اجتماعی کاملاً با هم سازگار است و می‌تواند با هم کار کند. سیاست‌هایی برای مقابله با فقر و حتی سیاست‌های بهبود توزیع درآمد با ایفای نقش فعال دولت در آموزش و سلامت کاملاً سازگار است با اینکه اقتصاد هم بتواند رشد داشته باشد و فعالیت کند. کارکردهای خوب شاخص‌های اقتصاد کلان شرط لازم قطعی هستند برای اینکه فقر در کشور بهبود یابد؛ ولی سیاست‌های حمایت از فقرا و سیاست‌های رفع فقر لازم است که با هم وجود داشته باشند تا بتوانند با هم کار کنند. ■



# ..... آگادمی .....

## شمایل اقتصاد

چرا گازهای فلر مفت می سوزد؟



# چرا صنعت نفت ایران از توسعه جا ماند؟

## نگاهی به وضعیت گازهای فلر در ایران

تجارت

چرا صنعت نفت در ایران توسعه نیافته است؟  
وضعیت گازهای فلر در این توسعه نیافتگی چگونه است؟ پایخ را در این مقاله بخوانید.



رضا پدیدار

عضویت نمایندگان اتاق ایران

چرا باید خواند:

اگر می‌خواهید درباره

وضعیت صنعت

نفت در ایران بدانید،

خواندن این مقاله به

شما توصیه می‌شود.

داده‌اند که توانایی لازم برای انجام پروژه‌های بلند مدت توسعه و جذب تخصص‌های خارجی لازم را ندارند.

بر اساس نظر کارشناسان حوزه انرژی در کشور، وظایف و نقش‌های وزارت نفت و شرکت ملی نفت ایران بطور مشخص تفکیک نشده و شفاف نیست و این وزارت خانه و شرکت ملی نفت ایران به راحتی نمی‌توانند تصمیم بگیرند و تصمیمات توسعه‌ای آن‌ها را باید مجلس تأیید و تصویب کند. از طرفی تاریخچه صنعت نفت ایران نشان داده است که دیدگاه دولت به صنعت نفت همواره دیدگاه توسعه‌ای نبوده و به‌عنوان صنعتی برای ایجاد شغل عاملی برای تأمین و خودکفایی انرژی و عدم نیاز به خارج و تأمین مالی خارج دولت بوده است و در واقع شرکت ملی نفت ایران زمانی توانسته است فعالیت‌های توسعه‌ای و سرمایه‌گذاری در بخش نفت انجام دهد که دولت مبالغی برای سرمایه‌گذاری در این بخش تخصیص داده است. بنابراین باید گفت که با توجه به بررسی‌های انجام شده مشخص شد که صنعت نفت ایران فاقد یک سیاست صنعتی و استراتژی تکنولوژیک منسجم، هماهنگ و متناسب با اهداف کسب‌وکار و تولید ثروت بوده است. همین امر در عمل باعث شده است که مدیران صنعت نفت در دولت‌های گوناگون اغلب انرژی خود را صرف تولید و درآمد بیشتر در کوتاه مدت کنند تا از این طریق مخارج دولت تأمین شود.

به عبارت دیگر، منطق نهادی غالب بر صنعت نفت منطق تأمین نیازهای نفتی کشور از طریق تولید است. از آنجا که در کوتاه مدت این منطق در تزاخم با منطق توسعه تکنولوژی که مستلزم ریسک و انتظار بلند مدت است قرار می‌گیرد، ساختار نهادی و تصمیم‌گیری در بدنه صنعت نفت را در مسیر تولید نفت و نه توسعه تکنولوژی قرار می‌دهد. اگر چه تلاش‌های پراکنده‌ای همچون قانون استفاده از حداکثر توان داخلی، تلاش برای ورود تولید کنندگان

بیش از صد سال از حفر اولین چاه نفت در ایران می‌گذرد و صنعت نفت کشور در سده اخیر، فراز و نشیب‌های فراوانی را طی کرده است. اما به اذعان همه صاحب‌نظران، هنوز ایران به جمع توسعه‌دهندگان تکنولوژی‌های صنعت نفت نپیوسته است. علیرغم دستاوردهای حاصل در حوزه‌های بهره‌برداری، تعمیر و نگهداری و حتی مهندسی، سطح قابلیت‌های تکنولوژیکی این صنعت، هیچ‌گاه در حد توانمندی‌های لازم برای توسعه و تجاری‌سازی تکنولوژی‌های جدید و کاربردی نبوده است. اهمیت این موضوع زمانی آشکار می‌شود که بدانیم برخی کشورها همانند نروژ با وجود سابقه کمتر زمان ورودشان به عرصه این صنعت، امروزه به‌عنوان صادرکننده تکنولوژی‌های نفتی به دیگر کشورهای جهان شناخته می‌شوند و درآمد آن‌ها از محل فروش و انتقال تکنولوژی بسیار قابل توجه است. کسب‌وکار موفق شرکت‌های مطرح بین‌المللی نفت و گاز مبتنی بر توانمندی‌های فنی و مهندسی و زیرساخت‌های قوی تکنولوژیکی است و بیشتر درآمد این شرکت‌ها به قابلیت‌های صنعتی آن‌ها بازمی‌گردد. اما تجارت نفت در کشورهای نفت‌خیز در حال توسعه همانند ایران بر اساس فروش نفت است و برای تأمین اکثر نیازمندی‌های صنعتی خود بخصوص در سطوح طراحی، مهندسی و ماشین‌آلات به شرکت‌های بزرگ نفتی و تأمین‌کنندگان تکنولوژی خارجی وابسته هستند.

ساختار بنگاهی مناسب به همراه تکنولوژی برتر باعث شده شرکت‌های بین‌المللی بخش بزرگی از تجارت نفت جهان را در دست داشته باشند و درآمد سرشاری از این طریق به دست آورند، هرچند مالکیت بر نفت تا حد زیادی از دست آن‌ها خارج شده است. آن‌ها گستره مختلفی از فعالیت‌های ارزش آفرین در طول زنجیره تولید نفت از اکتشاف و توسعه در بالادستی تا فرآوری و فروش نفت و مشتقات آن در پایین‌دستی را مدیریت می‌کنند. با توجه به موارد مذکور، یکی از راه‌های کاهش این تفاوت درآمدی، بررسی توسعه تکنولوژی محور و برطرف کردن موانع نهادی و ساختاری توسعه تکنولوژی و نوآوری تکنولوژیک در صنعت نفت است. صنعت نفت به‌عنوان محرک اصلی اقتصاد کشور، دارای ظرفیت‌های بسیار بالا و گاه بالقوه در جهت تسریع رشد اقتصادی کشور و نیز ارتقای نقش کشور در عرصه بین‌المللی است. مسلمان‌ارائه راهکارهایی برای ارتقای تکنولوژی در این صنعت و همچنین توجه به جنبه‌های توسعه توان علمی و فنی صنعت باعث می‌گردد که به درستی برای توسعه نفت بر پایه تکنولوژی برنامه‌ریزی شود و گام اساسی در راستای ایجاد شکوفایی در اقتصاد ملی برداشته شود. لذا از بدو پیدایش شرکت ملی نفت ایران در سال ۱۹۵۱ تاکنون همواره بودجه کشور بطور فزاینده‌ای به درآمد نفتی متکی شده است. سرمایه‌گذاری‌های دولت ایران برای بخش نفت با استدلال تجاری نیست، بلکه بسیار متأثر است از سیاست‌های این کشور. مدیران شرکت نفت همواره باید ساختار خود را با دولت وقت سازگار کنند. دولت‌های گوناگون ایران نشان

### نکته‌هایی که باید بدانید

▲ از آنجایی که گاز مشعل به تنهایی حدود ۷،۴ درصد از میزان انتشار دی اکسید کربن کشور را به خود اختصاص داده است و حذف آن تقریباً تمام تعهدات غیر مشروط کشور را نیز در معاهده پاریس می‌دهد، می‌توان از ظرفیت‌های معاهده پاریس برای رفع این مشکل نیز بهره مناسبی را گرفت.

▲ در صنعت نفت ایران تأمین‌کنندگان بزرگ، پیمانکاران و شرکت‌های خدمات یکپارچه مستقل نقش حاشیه‌ای دارند و قادر به ایفای نقش حقیقی خود نیستند.

▲ آن دسته از کشورهای در حال توسعه نفتی که دارای جذب تکنولوژی هستند، باید با برنامه‌ریزی دقیق بویژه برای ارتقای مهارت‌های مدیریتی در پروژه‌های بزرگ نفتی، همکاری‌های گسترده‌ای را با پیمانکاران نفتی، تولید کنندگان و فروشندگان تجهیزات نفتی و شرکت‌های مشاوره‌ای به منظور انتقال تکنولوژی انجام دهند.

ساختار بنگاهی مناسب به همراه تکنولوژی برتر باعث شده شرکت‌های بین‌المللی بخش بزرگی از تجارت نفت جهان را در دست داشته باشند و درآمد سرشاری از این طریق به دست آورند، هرچند مالکیت بر نفت تا حد زیادی از دست آن‌ها خارج شده است.

یافت، شرکت‌های بزرگ نفتی سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه (R & D) به منظور توسعه تکنولوژی‌های نفتی را کاهش دادند و راهکار خرید تکنولوژی‌های پیشرفته را جایگزین راهکار ساخت این تکنولوژی‌ها کردند. به این ترتیب شرکت‌های خدماتی نفتی مسئولیت‌های جدیدی را عهده‌دار شدند که عبارتست از: ۱- شناسایی نیازهای تکنولوژیکی شرکت‌های نفتی بین‌المللی؛ ۲- انتقال این نیازها به شرکت‌های دانش بنیان به منظور ساخت تکنولوژی‌های جدید؛ ۳- معرفی و عرضه این تکنولوژی‌ها به شرکت‌های نفتی بین‌المللی. لازم به توضیح است که هم‌اکنون در کشورهای توسعه یافته نفتی، همچون نروژ، توسعه تکنولوژی در صنعت نفت از طریق تشخیص نیازهای فنی و تلاش برای پاسخگویی به آن‌ها در فضای همکاری پیمانکاران، شرکت‌های سازنده تجهیزات، شرکت‌های مهندسی و ساخت و شرکت‌های نفتی بین‌المللی صورت می‌گیرد. در واقع پیمانکاران نفتی که در خط مقدم اجرا و عملیات نفتی قرار دارند از مشکلات فنی و ضرورت توسعه تکنولوژی‌های مناسب برای رفع این مشکلات آگاهی دارند و این نیازها را از طریق نهادهای ذیربط به سازندگان تجهیزات منتقل می‌کنند. شرکت‌های سازنده تجهیزات نیز با کمک واحدهای تکنولوژی که در اختیار دارند و یا از طریق همکاری با شرکت‌های دانش بنیان دیگر که توسعه‌دهندگان تکنولوژی هستند، پاسخگوی نیاز پیمانکاران در خصوص توسعه تکنولوژی‌اند. البته در این راستا پیمانکاران عمومی می‌توانند دارای نقشی تعیین‌کننده باشند. این شرکت‌ها به‌عنوان پیشران پروژه‌های صنعت نفت، مسئول هماهنگی عالی و همه‌جانبه طرح‌ها بوده، لذا می‌بایست توانایی مدیریت در حوزه انتقال دانش فنی، طراحی مهندسی، تأمین منابع مالی، تأمین و تدارک تجهیزات و ساخت و اجرای یک پروژه بزرگ را از طریق یکپارچه‌سازی فعالیت‌های تخصصی را دارا باشند. علاوه بر موارد فوق، موضوعاتی مانند مطالعات فنی و اقتصادی، مهندسی ارزش، انتخاب تکنولوژی، مدیریت منابع ریالی / ارزی (مالی)، راه‌اندازی، بهره‌برداری و برنامه‌ریزی، کنترل و مدیریت پروژه را نیز می‌توان از وظایف شرکت‌های پیمانکاری عمومی دانست که جایشان در نظام مهندسی نفت ایران بسیار خالی است. در کلام خلاصه و پایانی اینکه در نقطه مقابل، کشورهای درحال توسعه نفتی مانند ایران با این امید که حضور شرکت‌های بین‌المللی نفتی می‌تواند زمینه همکاری کارشناسان محلی را با کارشناسان خارجی و به منظور ارتقای دانش و مهارت‌های فنی و نهایتاً انتقال تکنولوژی فراهم سازد، راهبرد انتقال تکنولوژی را دعوت از این شرکت‌ها برای اکتشاف، حفاری، توسعه و تولید میدانی نفتی خود می‌دانند. متأسفانه این دیدگاه مبتنی بر این پیش فرض است که انتقال دانش فنی و دسترسی به تکنولوژی‌های پیشرفته از طریق همکاری با شرکت‌های نفتی بین‌المللی و آن هم در چارچوب قراردادهای نفتی به سهولت و بصورت خودکار امکان‌پذیر است. در این راهبرد، از دو حقیقت غفلت شده است: اول آنکه، چنانکه توضیح داده شد، ثمربخشی همکاری با شرکت‌های نفتی خارجی در انتقال دانش فنی مستلزم وجود ظرفیت‌های جذب تکنولوژی در داخل کشور است و دوم آنکه اگر چنین ظرفیت‌های جذبی وجود داشته باشد آنگاه همکاری با شرکت‌های نفتی بین‌المللی را نمی‌توان اولویت نخست در انتقال تکنولوژی به کشورهای درحال توسعه نفتی دانست، زیرا همانطور که قبلاً گفته شد، شرکت‌های نفتی بین‌المللی نقش مسلط خود را در توسعه تکنولوژی از دست داده‌اند و صرفاً نقش واسطه‌گری را بین پیمانکاران نفتی، شرکت‌های مشاوره‌ای و کشورهای درحال توسعه نفتی ایفا می‌کنند. بنابراین، آن دسته از کشورهای درحال توسعه نفتی که دارای جذب تکنولوژی هستند، باید با برنامه‌ریزی دقیق بویژه برای ارتقای مهارت‌های مدیریتی در پروژه‌های بزرگ نفتی، همکاری‌های گسترده‌ای را با پیمانکاران نفتی، تولیدکنندگان و فروشندگان تجهیزات نفتی و شرکت‌های مشاوره‌ای به منظور انتقال تکنولوژی انجام دهند.

تجهیزات نفتی ایران به وندور لیست تأیید شده وزارت نفت، اضافه کردن بندهای مرتبط با انتقال تکنولوژی در قراردادهای نفتی و تأسیس پژوهشگاه صنعت نفت از جمله تلاش‌هایی است که جهت ارتقای توانمندی فنوارانه شرکت‌های ایرانی در سال‌های اخیر صورت گرفته است، باوجود این، سلطه چارچوب نهادی تولیدگر بر فرآیندها و تصمیمات کلیدی صنعت نفت همچنان قابل مشاهده است. البته توجه داشته باشیم که مقاومت نسبتاً شدیدی که در صنعت نفت نسبت به ورود شرکت‌های دانش بنیان ایرانی وجود دارد از یک طرف و تداوم عطش واگذاری بخش‌های مهمی از پروژه‌های نفتی به شرکت‌های خارجی یکی از علایم تداوم سلطه منطق تولید در مقایسه با منطق تکنولوژی و نوآوری در ساختار حکمرانی صنعت نفت ایران است. این در شرایطی است که شرکت نفت در عین حال مسئولیت تولید، فروش و صادرات نفت و گاز را بر عهده دارد، متولی انتقال، اکتساب تکنولوژی و نیز تحقیق و توسعه در صنعت نفت ایران است. از طرفی در صنعت نفت ایران تأمین‌کنندگان بزرگ، پیمانکاران و شرکت‌های خدمات یکپارچه مستقل نقش حاشیه‌ای دارند و قادر به ایفای نقش حقیقی خود نیستند. در نمودار زیر مکانیزم‌ها و چارچوب‌های نظارتی حاکم و دلایل عدم توسعه صنعت نفت ایران از منظر نیروی انسانی، دانش علمی و فنی شرکت‌های ایرانی و از همه مهم‌تر جایگاه شرکت‌های خصوصی و بویژه جایگاه نام‌آنوس خصولتی‌ها نشان داده شده است:



مسئله‌ای که در این باره مطرح است توجه و درک این مهم در گذشته است که شرکت‌های نفتی بین‌المللی (IOC) تمام مراحل خدمات فنی و توسعه تکنولوژی‌های مرتبط با اکتشاف، حفاری و توسعه میدانی نفتی را در انحصار داشتند و به همین دلیل، از قدرت زیادی در چانه زنی برای انتقال تکنولوژی به کشورهای صاحب مخزن برخوردار بودند. به موازات تخصصی‌تر شدن صنعت نفت در جهان، بازیگران جدیدی مانند پیمانکاران نفتی، شرکت‌های سازنده تجهیزات فنی و قطعات، شرکت‌های خدماتی / مشاوره‌ای و شرکت‌های مهندسی ساخت، هر کدام با وظایفی مشخص در سنجش بالادستی یا به عرصه ظهور گذاشتند. البته از اوایل دهه ۱۹۸۰ که تغییرات اساسی در بازار جهانی نفت بوقوع پیوست و رقابت بشدت افزایش

برای برآورد میزان انتشار گازهای آلاینده و گلخانه‌ای بویژه گازهای مشعل (فلر) می‌توان به نتایج یک روش شناسایی دقیق اشاره کرد که بر اساس اطلاعات ماهواره‌ای از حجم گازهای مشعل در مناطق نفت‌خیز ایران بررسی و محاسبه شده است. نتایج حاکی از آن عبارت از این است که سالانه حدود ۵۳ میلیون تن دی‌اکسید کربن از طریق گاز مشعل در ایران منتشر می‌شود. این در حالی است که ایران بر اساس توافق نامه پاریس (COP 21) به کاهش ۴٪ از ۸ درصدی گازهای گلخانه‌ای متعهد است و این ایجاب می‌کند که در کشور برای نیل به این هدف با کمترین هزینه سیاست‌گذاری صحیحی وجود داشته باشد. میزان گازهای مشعل براساس آخرین اطلاعات واصله از شرکت ملی نفت

ایران حدوداً ۴۵ میلیون متر مکعب برآورد شده است که در محدوده ۳۵ میلیون متر مکعب قراردادهای جمع آورد با شرکت‌های زیر مجموعه نفت منعقد شده است. اما از آنجایی که گاز مشعل به تنهایی حدود ۷،۴ درصد از میزان انتشار دی اکسید کربن کشور را به خود اختصاص داده است و حذف آن تقریباً تمام تعهدات غیر مشروط کشور را نیز در معاهده پاریس می‌دهد، می‌توان از ظرفیت‌های معاهده پاریس برای رفع این مشکل نیز بهره مناسی را گرفت

مهم‌ترین مناطق انتشار گازهای فلر در دنیا براساس آخرین گزارش‌های تهیه شده از سوی موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی وابسته به معاونت برنامه ریزی و نظارت بر منابع هیدروکربوری وزارت نفت است که هر سال با انتشار ترازنامه هیدروکربوری کشور، اطلاعات بخش‌های مختلف انرژی را از منابع تا مصرف نهایی منتشر می‌کند. در بخش‌های نسبتاً پراکنده‌ای از ترازنامه مزبور، آمار گازهای مشعل به شکل محدود و کلی منعکس شده است که نیازمند تحقیق و کاوش است. جمع بندی این آمار حدود ۱۶،۴ میلیارد متر مکعب در سال (معادل روزانه ۴۴،۹ میلیون متر مکعب یا ۴۰۰ هزار بشکه نفت خام) را نشان می‌دهد.

حجم گاز سوزانده شده در ۱۰ کشور نخست جهان (میلیون متر مکعب در روز)		
رتبه	نام کشور	سال ۲۰۲۰
۱	روسیه	۸۴٫۸
۲	عراق	۶۴٫۸
۳	ایران	۴۸٫۴
۴	آمریکا	۴۷٫۶
۵	ونزوئلا	۲۷٫۹
۶	الجزایر	۳۶٫۴
۷	نیجریه	۳۰٫۸
۸	مکزیک	۲۰٫۱
۹	آنگولا	۱۶٫۸
۱۰	مالزی	۱۱٫۱

اما گذشته از هدرروی منابع و زیان اقتصادی آن، خسارت‌های سوزاندن گاز مشعل بر محیط زیست هم که موضوع پژوهش‌های روز در جهان است بسیار وسیع بوده و سالیانه در جهان باعث ورود ۸۰۰ میلیون تن گاز دی اکسید کربن به آتمسفر می‌شود. رقمی که معادل آلودگی ناشی از ۱۲۰ میلیون خودرو سواری است و ۲ درصد کل انتشار CO<sub>2</sub> ارژز منابع اولیه هیدروکربنی را تشکیل می‌دهد. با توجه به تشدید پدیده گرمایش جهانی و تأثیر انتشار گازهای گلخانه‌ای بر این موضوع، امروزه برای کنترل منابع گازهای گلخانه‌ای تلاش زیادی صورت می‌گیرد. طبیعتاً سوزاندن گازهای همراه از آن جهت که در ازای آلودگی آن هیچ ارزش افزوده یا خدماتی را در اختیار بشر قرار نمی‌گیرد، از جمله موارد دارای اولویت برای کاهش است که شایسته است مورد مطالعه بیشتری از مقامات مسئول و یا کارشناسان مسئول قرار گیرد. اما گذشته از هدر روی منابع و زیان اقتصادی آن، خسارت‌های سوزاندن گاز مشعل بر محیط زیست هم که موضوع این یادداشت است بسیار وسیع است و سالیانه در جهان باعث ورود ۴۰۰ میلیون تن گاز دی اکسید کربن به آتمسفر می‌شود. رقمی که معادل آلودگی ناشی از ۱۰۰ میلیون خودرو سواری است و ۲ درصد کل انتشار CO<sub>2</sub> از منابع اولیه هیدروکربونی را تشکیل می‌دهد. با توجه به تشدید پدیده گرمایش جهانی و تأثیر انتشار گازهای گلخانه‌ای بر این موضوع، امروزه برای کنترل منابع تولید گازهای گلخانه‌ای تلاش زیادی صورت می‌گیرد. طبیعتاً سوزاندن گاز همراه از آن جهت که در ازای آلودگی آن هیچ ارزش افزوده یا خدماتی در اختیار بشر قرار نمی‌گیرد، از جمله موارد دارای اولویت برای کاهش است که شایسته است مورد مطالعه بیشتری قرار گیرد.

دولت‌ها برای جلوگیری از سوزاندن گازهای مشعل اقدامات موثری را به انجام رسانده و در تمام کشورهای یاد شده در اجرای این مهم باید گفت که سوزاندن بیش از ۲۵۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی تصفیه نشده در صنایع نفت، باعث ورود حجم عظیمی از آلاینده‌های مضر به جو زمین می‌شود. این موضوع زیست بوم را در ابعاد مختلفی تحت تأثیر قرار می‌دهد و علاوه بر انتشار گازهای گلخانه‌ای، آثار مختلفی بر محیط پیرامون خود دارد. تنوع انتشار گازهای گلخانه‌ای و ترکیبات آلاینده حاصل از احتراق کامل سوزاندن گاز مشعل SOX، CO<sub>2</sub>، NOX خواهد بود که با رانندگی احتراق مشعل‌های گازی بالای ۹۰ درصد است. مهم‌ترین ترکیباتی که بر اثر احتراق مشعل‌های گازی وارد جو می‌شوند عبارتست از:

- ▶ دی‌اکسید کربن CO<sub>2</sub>
- ▶ اکسیدهای گوگرد SOX
- ▶ اکسیدهای نیتروژن NOX
- ▶ مونوکسید کربن
- ▶ ذرات معلق
- ▶ مواد آلی فرار
- ▶ فلزات سنگین

ضمناً در ترکیب هیدروکربن‌های سبکی که به آتمسفر تخلیه می‌شوند، درصد متان غالب است و خود متان یکی از گازهای گلخانه‌ای محسوب می‌شود. ضمناً میزان متان رها شده در آتمسفر توسط ایران حدود ۴۰۰ هزار تن در سال تخمین زده می‌شود. یعنی معادل ۸،۵ میلیون تن معادل CO<sub>2</sub> حاصل خواهد بود.

متاسفانه بخش خصوصی در فرآیند فلززدایی از صنایع نفت ایران بسیار کم‌رنگ بوده و پس از تحقق برجام دو قرارداد با مشارکت شرکت‌های ایرانی و خارجی منعقد شد که متاسفانه با آغاز دوباره تحریم‌ها در سال ۱۳۹۷ قراردادهای مذکور فسخ شد و تا دوام نیافت. بخش خصوصی ایران هم با تمام تلاش‌های صنفی خود نتوانست اجرای این مهم از قراردادهای نفتی، جایگاهی برای خود بیابد.

با توجه به رؤس تعریف شده در برنامه‌های توسعه‌ای کشور و نیز برنامه هفتم توسعه که مراحل پایانی خود را طی می‌نماید هنوز جایگاهی برای جلوگیری از سوزاندن گازهای فلر دیده نمی‌شود ولی در برنامه‌های وزارت نفت برای جمع آوری گازهای مشعل میدان‌های نفتی شرق کارون در مجموع ۴۲ قرارداد (شامل ۱۹ قرارداد EPC باضافه ۲۳ قرارداد خرید کالا و خدمات با پیمانکاران و سازندگان) امضاء شده است. بر پایه گزارشات موجود، پیشرفت کل طرح بهسازی و احداث تاسیسات جمع آوری گازهای مشعل شرق کارون تاکنون معادل ۵۳ درصد درصد بوده است که مرحله به مرحله به بهره‌برداری خواهد رسید. تا پایان سال جاری در مجموع هشت پروژه دیگر به بهره‌برداری می‌رسد که با اجرای آن‌ها در مجموع امسال ۲۱ مشعل خاموش و گازهای همراه آن‌ها جمع آوری و منجر به استحصال ۲۱۲ میلیون فوت مکعب روزانه گاز غنی برای تحویل خوراک به پالایشگاه گاز بید بلند خلیج فارس می‌شود.

حجم گاز سوزانده شده در شرکت‌های تابعه وزارت نفت بر اساس آخرین اطلاعات واصله و بررسی شده بشرح زیر است:

- ▶ شرکت نفت مناطق نفت‌خیز جنوب ۳۵ درصد
- ▶ شرکت نفت مناطق مرکزی ۱۰ درصد
- ▶ شرکت نفت و گاز اروندان ۵ درصد
- ▶ شرکت ملی گاز ایران ۱۷ درصد
- ▶ شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران ۴ درصد
- ▶ شرکت نفت فلات قاره ۲۸ درصد
- ▶ شرکت نفت و گاز پارس ۱ درصد

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب و شرکت نفت فلات قاره با سوزاندن به ترتیب ۱۱۶ و ۸۵ میلیارد متر مکعب گاز در روز که ۳۵ درصد و ۲۸ درصد از کل مشعل کشور را شامل می‌شود. ■

در شرایط کنونی ساختار فضایی کشور فاقد پیوندهای مناسب و کافی در راستای وحدت و یکپارچگی سرزمینی است، هرچند بخشی از این نداشتن تعادل فضایی، ناشی از شرایط طبیعی و پراکندگی قابلیت‌های طبیعی توسعه در سطح سرزمین است، ولی توزیع توسعه‌یافتگی بین مناطق مختلف کشور، متوازن نبوده و بخشی از جمعیت و مناطق، در انزوا به‌سر می‌برند.

# عدالت سرزمینی، گامی برای توسعه

## تحلیل ناموزونی توسعه و محدودیت‌ها و موانع برنامه‌ریزی

چرا توسعه در پهنه سرزمین، ناعادلانه پیش رفته است؟ به‌طوری‌که فضاها و مناطق مختلف سرزمین گرفتار عدم تعادل شده‌اند و از مشارکت و بهره‌مندی عادلانه در توسعه برخوردار نیستند؛ یا در دهه‌های متمادی برخی مناطق توسعه‌نیافته باقی مانده‌اند، و برخی دیگر توسعه‌یافته‌اند؟ پاسخ را در مقاله پیش روی بخوانید.

ن

### حسین زهرا عربشاهی

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای

### حبیب جباری

دکترای جامعه‌شناسی اقتصاد توسعه

### چرا باید خواند:

شما چقدر دوست

دارید درباره آینده

توسعه، توسعه

متوازن، توسعه با

معیار آمایشی و

توسعه انسان‌محور

بدانید؟ خواندن این

مقاله پاسخی به

دغدغه شماست.

### مقدمه و طرح بحث

رشد و توسعه، بدون مداخله سیاستی عمومی در مسیر خود به لحاظ فضایی و سرزمینی، تمرکزطلب بوده و موجد نابرابری و نداشتن توازن فضایی است. اگر در فرآیند توسعه به‌طور آگاهانه عمل نشود، رشد و توسعه موجب حذف پراکندگی‌ها و قطبی شدن مراکز زیست و فعالیت در پهنه سرزمین می‌شود. حال سؤالی که به ذهن خطور می‌کند این است: باوجود چندین دهه توسعه برنامه‌ریزی‌شده در ایران، چرا توسعه در پهنه سرزمین، ناعادلانه پیش رفته است؟ به‌طوری‌که فضاها و مناطق مختلف سرزمین گرفتار عدم تعادل شده‌اند و از مشارکت و بهره‌مندی عادلانه در توسعه برخوردار نیستند؛ یا در دهه‌های متمادی برخی مناطق توسعه‌نیافته باقی مانده‌اند، و برخی دیگر توسعه‌یافته‌اند؟ مطلب حاضر ضمن ارائه تصویری از توسعه ناموازن در پهنه سرزمین ایران، به تحلیل آن در برنامه‌های عمرانی و توسعه‌های کشور پرداخته و پاسخ سؤال یادشده را در رویکردها و رهیافت برنامه‌های توسعه جست‌وجو کرده و نشان می‌دهد که پیامدهای ناشی از نیم قرن برنامه‌ریزی بخشی‌نگر و متمرکز در کشور سبب شده است تا نبود تعادل‌های سرزمینی و نابرابری امکانات و خدمات در پهنه سرزمین خودنمایی کند. این مسئله، کم‌وبیش در اکثر عرصه‌های توسعه‌ای، از جمله ابعاد اقتصادی و اجتماعی توسعه نیز نمایان است.

آنچه مسلم است اتخاذ استراتژی برای ایجاد قطب‌های رشد و اولویت‌دادن تخصیص منابع به مناطقی خاص در سال‌های گذشته، باعث شده است تا سیمای ساختار فضایی کشور با عدم تعادل‌های شدیدی مواجه شود. در شرایط کنونی ساختار فضایی کشور فاقد پیوندهای مناسب و کافی در راستای وحدت و یکپارچگی سرزمینی است، هرچند بخشی از این نداشتن تعادل فضایی، ناشی از شرایط طبیعی و پراکندگی قابلیت‌های طبیعی توسعه در سطح سرزمین است. در مجموع توزیع توسعه‌یافتگی بین مناطق مختلف کشور، متوازن نبوده و بخش زیادی از جمعیت و مناطق، در انزوا و دور از فضای توسعه کشور به‌سر می‌برند.

تأکید بر مقوله‌هایی مانند محرومیت‌زدایی که طی سده‌های اخیر، فارغ از دیدگاه‌ها و ملاحظات آمایشی و بدون ارتباط با سازماندهی فضا در بسیاری از مناطق صورت گرفته، تاکنون نتوانسته است محرومیت‌ها و نبود تعادل‌ها را کاهش دهد. از این‌رو ضروری است در برنامه‌های توسعه برای راهگشایی چنین چالش‌هایی در فضای توسعه کشور، ضمن بازنگری و بازاندیشی راه‌ها و نگاه‌های گذشته برای عبور از چالش‌ها و بحران‌های بعضاً خودساخته، طرحی نو در انداخت.

در ضرورت توسعه متوازن و اتخاذ رویکرد آمایشی و منطقه‌ای در برنامه‌ریزی و توجه تفاوت‌های منطقه‌ای، دلایل تجربی روشنی وجود دارد:

۱- درک این نکته که در کجا محرومیت متمرکز شده است؛

۲- ارائه یک تحلیل از تفاوت‌های منطقه‌ای به منظور اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه.

دلایل متعددی برای ضرورت کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای و توسعه متوازن منطقه‌ای مطرح شده است که کارایی و برابری، بهره‌برداری پایدار منابع و مساعدت سیاست‌های کلان، از دلایل اصلی آن محسوب می‌شوند:

الف: از منظر کارایی؛ کل کارایی اقتصادی از طریق بهبود عملکرد مناطقی که سطوح پایین‌تری از بهره‌وری را دارا هستند، افزایش می‌یابد.

ب: از منظر برابری؛ برای بهبود بخشی عملکرد اقتصادی، رونق‌دادن به مناطق غیربرخوردار با رونق اقتصادی کمتر مطابق با اصل برابری مورد تأکید است.

ج: با رویکرد بهره‌برداری پایدار منابع؛ تأکید بر مهار بهره‌برداری از منابع در پارهای از مناطق یک کشور می‌تواند فشار تقاضا در قسمت‌های دیگر را کاهش دهد.

د: از منظر مساعدت سیاست‌های اقتصادی کلان؛ اعتقاد بر این است که کاهش تفاوت بین مناطق، می‌تواند به همگرایی‌های اقتصادی مناطق مختلف یک کشور منتج شود.

در این‌راستا شاید به تعبیر دودلی (Dudley، اقتصاددان) توجه به سؤالات اساسی زیر در زمینه توسعه اقتصادی و اجتماعی یک کشور یا منطقه، اهمیت توازن منطقه‌ای را بیش‌ازپیش نمایان کند:

۱) چه تغییری در رابطه با فقر اتفاق افتاده است؟

۲) چه تغییری در رابطه با بیکاری ایجاد شده است؟

۳) چه تغییری در رابطه با نابرابری به وجود آمده است؟

او معتقد است اگر در هر سه زمینه، کاهش چشمگیری اتفاق افتاده باشد، در این صورت بی‌شک دوره فوق یک دوره توسعه برای کشور یا منطقه مورد نظر بوده است؛ اما اگر یک یا دو مورد از موارد فوق افزایش یابد، نمی‌توان ادعا کرد که توسعه اتفاق افتاده است؛ حتی اگر در این دوره، درآمد سرانه نیز دو برابر شده باشد (کلانتری، ۱۳۸۷: ۲۶).

پیشینه توسعه خصوصاً توسعه منطقه‌ای در دوران معاصر ایران را باید همچون دیگر کشورهای در حال توسعه در تکوین برنامه‌های توسعه ملی جست‌وجو کرد. در پی انقلاب مشروطیت و تحولاتی که برانگیخته از خواست مردم در جریان فاصله عقب‌ماندگی از ملل متمدنی جهان بود، همچنین با احساس خطر از گسترش انقلاب روسیه به ایران زمینه مساعدی برای ایجاد حکومتی متمرکز و مقتدر با حمایت تعدادی از کشورهای خارجی فراهم شد. با استقرار دولت شهبانوی رضاشاه، اشاعه و حمایت از سرمایه‌گذاری نوین در کشور فراگیر شد، بنابراین قدرت مرکزی با به‌کارگیری دیوان‌سالاری نوین و ارتش جدید به سرکوب قدرت‌های منطقه‌ای و یکپارچگی بازار ملی اهتمام ورزید پیامد آن، نظام اداره جدید بر مبنای انتصاب مسئولان مناطق کشور (استان‌ها)، توسط مرکز و تکیه بر سازمان‌های بخشی به جای سازمان‌های منطقه‌ای و نظم سلسله‌مراتبی به جای همتایی بود.

با افزایش تدریجی درآمدهای متمرکز نفتی و کاهش اتکا به جریان مازاد از مناطق به مرکز، این شیوه اداره کشور تحکیم و تقویت شد. نتیجه چنین رویکردی موجب شد

که نهاد سیاست‌گذاری توسعه از سال ۱۳۱۶ با تشکیل شورای اقتصاد و از سال ۱۳۲۷ با تدوین و تصویب اولین قانون برنامه هفت‌ساله عمرانی کشور، این نوع سیاست‌گذاری شکل مدون و رسمی به خود گرفت.

در خلال دهه‌های اخیر، خصوصاً از اوایل دهه ۵۰ شمسی، نفت و توسعه در پهنه سرزمین ایران پیوندهای تنگاتنگی یافته‌اند و افزایش قیمت آن طی این سال‌ها، این وابستگی تشدید شده است. به دلیل همین وابستگی، نوسانات قیمت نفت و رونق و رکود آن بر چگونگی روند توسعه ملی تأثیر گذاشته و توسعه کشور به شدت تحت تأثیر آن قرار گرفته است.

این الگوی توسعه، وابسته به درآمدهای نفتی علاوه بر نداشتن تناسب با واقعیات جامعه ایران، ظرفیتی کاذب و به دور از نیازها و توانایی‌های اجتماعی را باعث شد که بازتاب آن را می‌توان به صورت رشد ناموزون سکونتگاه‌های انسانی و تمرکز فعالیت‌ها در مناطق مختلف کشور، به‌ویژه کلانشهر تهران مشاهده کرد، به‌طوری‌که توسعه دیگر مناطق نیز در پیوند و ارتباط با این مناطق مفهوم یافته است.

روند فزاینده درآمدهای نفتی که از اواسط دهه ۵۰ آغاز شد، برای تأمین منابع توسعه محدودیتی ایجاد نمی‌کرد؛ بنابراین ضرورتی برای جست‌وجوی منابع جانشین احساس نمی‌شد. نبود امکان رقابت منابع منطقه‌ای با نفت، بسیاری از مناطق کشور را به بی‌توجهی و انزوا کشانید؛ به‌طوری‌که قریب به هفت دهه برنامه‌ریزی در کشور هنوز عدم تعادل‌های بسیار شدیدی در پهنه کشور مشاهده شده و هنوز هم بسیاری از قابلیت‌ها و استعداد‌های مناطق باوجود استعداد‌های انکارناپذیر آنها، ناشناخته مانده است. به‌همین دلیل، نمود برنامه‌ریزی آمایشی در کشور در مقایسه با برنامه‌ریزی ملی چندان مشهود نیست.

بررسی رویکردهای توسعه در ایران، حاکی از این است که الگوهایی که برای تعادل‌بخشی و ایجاد توازن در کشور به‌اجرا درآمده بودند، عمدتاً برگرفته از رویکردهای برنامه‌ریزی توسعه متداول در جهان از جمله نظریه قطب رشد و توسعه، نقطه‌ها و لکه‌های دارای قابلیت استوار بودند. بر پایه چنین رویکردی، شکل‌گیری فعالیت‌ها و اقدامات توسعه در پهنه کشور، از یکسو کمتر برخاسته از ضرورت و نیاز به دستیابی به یک هدف ملی بود و از سوی دیگر به‌جای آنکه قابلیت‌ها و فرصت‌های توسعه درون‌زا را در منطقه تقویت و مورد استفاده قرار دهد، عمدتاً در چارچوب سیاست‌ها و هدف‌های کلان پیش‌بینی‌شده در برنامه‌های توسعه ملی با تأکید صرف بر رشد اقتصادی متکی بوده است. پیامدهای این رویکرد، به‌وجود آمدن فضایی قطبی در پهنه کشور به‌صورت فعالیت‌های اقتصادی و شبکه‌های زیربنایی در بخش‌های خاصی از کشور، از جمله تهران بود که به‌صورت لکه‌های متمرکز و قطبی، اما بسیار پراکنده و ناموزون خود را نمایان کرد. بازتاب این رویکرد به صورت تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی و سرزمینی ناشی از آن نمایان شد و تفاوت‌های فاحش بین شهرهای بزرگ و شهرهای متوسط و کوچک و به‌طور کلی بین جوامع شهری و روستایی را پدید آورد.

با افزایش این شکاف بین مناطق مختلف کشور، سیل مهاجرت‌ها از روستا به شهر و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و نهایتاً کلان‌شهرهایی مانند تهران آغاز شد. اواسط دهه ۵۰ شمسی و چند سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مهاجرت با شدت بیشتری تداوم یافت. بازتاب آن را در حال حاضر به صورت ازدحام جمعیت و تمرکز شدید سکونت، شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی و بافت‌های نامتوازن و ناکارآمد شهری، نه‌تنها در کلان‌شهرها بلکه در اکثر شهرهای بزرگ و متوسط کشور و نیز انواع معضلات زیست‌محیطی، ناهنجاری‌های اجتماعی و... می‌بینیم.

### ابعاد مختلف ناموزونی در مناطق مختلف کشور

اولین شاخصی که توسعه نامتوازن کشور را نمایان می‌کند، شهرنشینی شتابان و تحرکات جمعیتی در پهنه سرزمین و تمرکز جمعیت در مناطق شهری و به‌ویژه کلانشهرهاست؛ به‌طوری‌که براساس داده‌های مرکز آمار، کشور در چند دهه، از یک جامعه عمدتاً روستایی و عشایری به جامعه شهرنشین تبدیل شده است؛ به‌نحوی که بیش از ۷۱ درصد جمعیت کشور در مناطق شهری ساکن‌اند و تعداد شهرهای کشور از ۲۰۱ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۱۳۳۱ شهر در ۱۳۹۰ افزایش یافته است. این در حالی است که در سال ۱۳۳۵ نزدیک به ۶۹ درصد جمعیت، روستائین بودند.

نکته دوم پراکندگی بسیار نامتوازن جمعیت در پهنه سرزمین و تراکم بالای آن در مرکز، نیمه غربی و شمالی کشور است. این تمرکز و نبود تعادل در گذر زمان بیشتر نیز شده است.

البته این نبود تعادل صرفاً در جمعیت و سکونت محدود نمانده است بلکه در سایر عرصه‌ها نیز کم‌وبیش کشور دچار نبود تعادل‌هاست. نبود تعادل در سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی و زیربنایی و نبود تعادل‌های اجتماعی از جمله آنهاست. داده‌های زیر، گوشه‌هایی از این نبود تعادل‌ها و نابرابری‌های مناطق را نمایان می‌کند.

این داده‌ها و تصاویر نمایانگر ابعاد مختلف توسعه نامتوازن در کشور است که در این میان نبود توازن بین مرکز و پیرامون بیشتر خودنمایی می‌کند به‌نحوی که هر چه از مرکز دورتر می‌شویم توسعه‌یافتگی و محرومیت نیز بیشتر می‌شود. ترسیم نقشه توسعه‌یافتگی کشور، گویای این واقعیت تلخ است؛ به‌طوری‌که شهرها و مناطق توسعه‌یافته کشور عمدتاً در مرزها و نیمه شرقی و غربی کشور پراکنده شده‌اند.

### محدودیت‌ها و موانع برنامه‌ریزی متوازن منطقه‌ای

اکنون نزدیک به ۷۰ سال از عمر برنامه‌ریزی در ایران می‌گذرد. باوجود تجربه‌ای نسبتاً طولانی در تمام این دوران، هنوز بسیاری از مناطق دورافتاده از مراکز سیاسی استان‌ها و به‌ویژه مناطق محروم کشور به عنوان بخشی از عرصه سرزمین ملی، به دلیل موقعیت جغرافیایی خود یا سایر ملاحظات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، شرایط متفاوتی را در سطح برخورداری از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و زیربنایی یا جمعیت‌پذیری نشان می‌دهند. این وضعیت که غالباً با فاصله قابل توجهی از میزان برخورداری و بهره‌مندی از تأسیسات، تجهیزات و تسهیلات زیربنایی و امکانات اقتصادی-اجتماعی تا حد متوسط کشوری قابل مشاهده است، دربردارنده این سؤال اساسی است که چرا باوجود سابقه طولانی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای در کشور، قبل و بعد از انقلاب اسلامی، این برنامه‌ها در تعادل‌بخشی به مناطق مختلف کشور چندان موفق ارزیابی نمی‌شوند؟

در اینجا، نگاهی اجمالی به برخی از عوامل و دلایل نظری و عملی این پدیده داریم:

### ابهامات و آشفتگی‌های مفهومی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای و محلی در ایران

روند برنامه‌ریزی منطقه‌ای و محلی در ایران، نشان می‌دهد که به دلیل حاکمیت بینش معمارانه در این نوع از برنامه‌ریزی که آن را به نوعی تداوم معماری در سطح، تقلیل داده است یا نگرشی که آن را صرفاً سیاستی برای توسعه اقتصادی یا گسترش عدالت اجتماعی می‌داند، عملاً فضای برنامه‌ریزی منطقه‌ای را به تبعیت از این دو

### نکته‌هایی که باید بدانید

▲ اگر برای سیاست‌گذاری عمومی و برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای، دو هدف اساسی تخصیص و بهره‌گیری بهینه و پایدار از منابع و عدالت را در نظر بگیریم، تعادل و توازن منطقه‌ای یکی از راهبردها و سازوکارهای اساسی تحقق این اهداف خواهد بود.

▲ بررسی رویکردهای توسعه در ایران، نشان می‌دهد که الگوهای تعادل‌بخشی و ایجاد توازن در کشور عمدتاً برگرفته از رویکردهای برنامه‌ریزی توسعه متداول در جهان از جمله نظریه قطب رشد و توسعه، نقطه‌ها و لکه‌های دارای قابلیت است.

▲ اگر در فرآیند توسعه به‌طور آگاهانه عمل نشود، رشد و توسعه موجب حذف پراکندگی‌ها و قطبی‌شدن مراکز زیست و فعالیت در پهنه سرزمین می‌شود.

▲ اتخاذ استراتژی برای ایجاد قطب‌های رشد و اولویت‌دادن تخصیص منابع به مناطقی خاص در سال‌های گذشته، باعث شده است تا سیمای ساختار فضایی کشور با عدم تعادل‌های شدیدی مواجه شود.

▲ اولین شاخصی که توسعه نامتوازن کشور را نمایان می‌کند، شهرنشینی شتابان و تحرکات جمعیتی در پهنه سرزمین و تمرکز جمعیت در مناطق شهری و به‌ویژه کلانشهرهاست.

پیش از ۷۱ درصد جمعیت کشور در مناطق شهری ساکن اند و تعداد شهرهای کشور از ۲۰۱ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۱۳۳۱ شهر در ۱۳۹۰ افزایش یافته است. در سال ۱۳۳۵ نزدیک به ۶۹ درصد جمعیت، روستائین بودند.

به لحاظ اجرایی نیز طرح‌های منطقه‌ای به دلایل گفته‌شده، از جمله نداشتن متولی خاص برای مدیریت و اجرا، پس از تهیه و تصویب، به جز مواردی چند، برای استناد طرح‌های پایین‌دست، موقعیت و فرصت اجرایی دیگری نمی‌یابد و عملاً بر زندگی مردم و پیگیری طرح‌های عمرانی دستگاه‌های اجرایی نیز تأثیر چندانی ندارد.

#### تمرکز اقتصادی در برنامه‌ریزی از طریق وابستگی به درآمد نفتی

وابستگی به درآمد نفتی، فرصت پیوستن طرح‌ها و برنامه‌های منطقه‌ای به درآمدها و منابع درآمدی منطقه‌ای و تلاش برای استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌ای را به شدت با نقصان مواجه کرده و حتی عملاً به فراموشی سپرده است. این ویژگی، ضمن آنکه در بسیاری از نگرش‌های کلان اقتصادی در اداره امور کشور مؤثر بوده است، عملاً تمرکزگرایی اقتصادی در دخل درآمدهای ملی و صرف هزینه‌های آن را نیز در پی داشته است.

#### ضعف نظام جامع (بانک) اطلاعات منطقه‌ای و ضعف برنامه‌های منطقه‌ای

از دیگر عوامل اجرانشدن برنامه‌های منطقه‌ای یا موفق نشدن برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران، ضعف نظام اطلاعات منطقه‌ای است. هرچند دستگاه‌های اجرایی مختلف نیازهای اطلاعاتی خود را به شیوه‌های مختلف جمع‌آوری یا تولید می‌کنند؛ ولی نظام جامعی که این اطلاعات را باز تولید، جمع‌آوری، تصحیح و پردازش کند و برای تصمیم‌گیریان و برنامه‌ریزان منطقه‌ای، آماده کند، وجود ندارد. این عامل باعث بروز نارسایی‌های متعددی در برنامه‌های منطقه‌ای تهیه‌شده و امکان نیافتن اجرای آنها نیز شده است.

#### نگاه به آینده

با توجه به چندین دهه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های توسعه در ایران و با وجود طراحی و اجرای برنامه‌های متنوع برای کاهش نبود تعادل‌های منطقه‌ای در کشور، هنوز نابرابری‌های منطقه‌ای در ابعاد، بخش‌ها و حوزه‌های مختلف ادامه دارد. در حالی که اگر برای سیاست‌گذاری عمومی و برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای، دو هدف اساسی تخصیص و بهره‌گیری بهینه و پایدار از منابع و عدالت (اجتماعی و سرزمینی) را در نظر بگیریم، تعادل و توازن منطقه‌ای یکی از راهبردها و سازوکارهای اساسی تحقق این اهداف خواهد بود. افزون‌براین حق توسعه (development right) و توسعه فراگیر (inclusive development) نظام برنامه‌ریزی، کشورها را فرامی‌خواند که در فرآیند توسعه‌آفرینی و بهره‌مندی از فواید توسعه، همه شهروندان و احاد جامعه و همه مناطق و نواحی کشور مشارکت داشته باشند و به هیچ‌دلیل و توجیه جغرافیایی، سیاسی و امنیتی (دوری و نزدیکی از مرکز، مزیت نسبی، شهری و روستایی بودن، مرزی و غیرمرزی بودن و...) منطقه و ناحیه‌ای یا سکونتگاه‌های انسانی طرد و کنار گذاشته نشده یا مورد غفلت قرار نگیرند؛ زیرا رشدی که صرفاً محدود به یک بخش یا حتی زیربخش از اقتصاد باشد یا با مشارکت مناطق محدود و مشخصی از کشور حاصل شود نه تنها پایدار نخواهد بود؛ بلکه در میان مدت به ضد خود نیز عمل خواهد کرد. از این‌رو رشد مستمر و پایدار، در گرو عدالت سرزمینی و بهره‌مندی کارا، اثربخش و پایدار از همه قابلیت‌ها و سرمایه‌های کشوری در بستری مزیت‌آفرین، توانمندساز و مشارکت‌جویی همه مناطق و سکونتگاه‌های انسانی میسر خواهد بود. از این‌رو انتظار می‌رود در برنامه‌های توسعه، با آسیب‌شناسی جدی توسعه‌آفرینی‌های گذشته و پیامدهای سیاست‌های مورد عمل در پهنه سرزمینی و با توجه جدی و ساختاری بر نبود تعادل‌های منطقه‌ای به سوی تعادل و توازن منطقه‌ای در افق برنامه بعدی گام برداشت. در این مسیر، ضمن بازاندیشی گذشته و بهره‌گیری از درس‌های آموخته (خود و دیگران، به‌ویژه در عرصه تمرکززدایی، توانمندسازی حکومت محلی و مشارکت مؤثر سایر ذی‌نفعان منطقه‌ای) با تلفیق بهینه‌ای از سیاست‌گذاری بخشی - فضایی به کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و توسعه فراگیر سرزمینی اهتمام ورزید. در این میان با توجه به در دستور کار بودن اصلاح قانون برنامه‌بودجه کل کشور، مصوب ۱۳۵۱ و احیا و نوسازی ساختار سازمانی نظام برنامه‌ریزی کشور، انتظار می‌رود جایگاه نهادی برنامه‌ریزی منطقه‌ای (از جمله در سطح سیاست‌گذاری ملی و نیز مدیریت منطقه‌ای) بطور جدی مورد توجه قرار گیرد. ■

گرایش از تشخیص نیازها و اولویت‌های واقعی مناطق دور داشته و همین امر به بروز ابهام و آشفتگی در شرح خدمات طرح‌های منطقه‌ای و تدوین اهداف آنها منجر شده است.

به این مسئله باید ابهامات بسیار اساسی در تعریف منطقه‌بندی برنامه‌ریزی - که غالباً با چارچوب‌های سیاسی اختلاط حاصل کرده - را نیز افزود. عملاً در سطوح تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، درک مشترک و جامعی از مفهوم «برنامه‌ریزی» و «منطقه» و نیز «برنامه‌ریزی منطقه‌ای» وجود ندارد یا بسیار کم‌رنگ است.

#### تمرکزگرایی در برنامه‌ریزی بخشی به تبعیت از نظام سیاسی - اداری

غلبه نظام برنامه‌ریزی و اجرایی بخشی و دیدگاه رشد اقتصادی در تهیه برنامه‌های میان‌مدت توسعه در تمامی سال‌های برنامه‌ریزی و اجرای آن در کشور، مانعی بزرگ برای مشارکت سطوح منطقه‌ای در روند تهیه برنامه‌ها بوده است. در این نظام برنامه‌ریزی، استان‌ها به عنوان مناطق اداری، در برنامه‌ریزی نقش و جایگاه کم‌رنگی دارند و برنامه‌ها فارغ از توانمندیهای منطقه‌ای، تهیه و به تصویب می‌رسد.

ساختارهای اداری - سیاسی کشور نیز به تقویت نظام بخشی‌نگر در برنامه‌ریزی مدد می‌رساند و وزارتخانه‌ها به علت نقش و جایگاه قانونی خود در قدرت اجرایی، بیشتر با تکیه بر نگرش بخشی و کمتر با نگرش منطقه‌ای به برنامه‌ریزی و اجرای آن مبادرت می‌ورزند؛ به عبارت دیگر، افزایش عملکرد کل بخش و نه ارتقای عملکردهای منطقه‌ای در هر بخش، هدف سیستم اداری - سیاسی قرار می‌گیرد. در چنین وضعیتی، چه در صورت دستیابی و چه عدم دستیابی به عملکرد موردنظر، موضوع ارتقای عملکرد منطقه‌ای اساساً هدف برنامه‌ریزی قرار نمی‌گیرد.

در برنامه‌های قبل و به‌ویژه پس از انقلاب، حرکت موازی دستگاه‌ها و نهادهای مسئول تهیه طرح‌های منطقه‌ای و نیز نهادهایی شکل گرفته پس از انقلاب، از جمله عوامل ایجاد ناهماهنگی در فرآیند برنامه‌ریزی منطقه‌ای بوده است و در موارد متعددی نیز با دوباره‌کاری و چندباره‌کاری در طرح‌های منطقه‌ای سطوح میانی و پایینی رخ داده که اغلب نتایج به نقض و نفی یکدیگر انجامیده است که به نظر می‌رسد، توجه صرف به منافع بخشی و دستگاهی، عمده‌ترین عامل تشدید این چالش‌ها در دهه‌های گذشته بوده است.

#### فقدان نظام مدیریت منطقه‌ای

مهم‌ترین عامل اجرانشدن یا معطل ماندن پیشنهادات طرح‌ها و برنامه‌های منطقه‌ای در کشور، نبود نظام مدیریت منطقه‌ای و تعریف‌نشدن نهادها و سازمان‌های اجرایی مشخص برای نظارت و کنترل بر توسعه فضایی منطقه‌ای بوده است (شیخی، ۱۳۸۰: ۲۳) طرح‌های منطقه‌ای سطوح میانی (ناحیه‌ای - شهرستانی و...) نیز پس از تصویب یا تأیید نهایی مراجع ذی‌ربط به سازمان‌های مسکن و شهرسازی، فرمانداری‌ها و استانداری‌های مسئول ابلاغ می‌شوند. این در حالی است که ماهیت این طرح‌ها، نوعاً بین‌بخشی و بین‌دستگاهی است و در اجرا، از سوی بخش یا دستگاه‌های اجرایی خاص دچار مشکل می‌شوند. به علاوه طرح‌های منطقه‌ای در عمل قالب بودجه تخصیص یافته سالانه دستگاه‌های اجرایی تعریف نشده و در اولویت قرار نمی‌گیرند. بنابراین فاقد محل و بستر اجرایی مناسب خواهند بود.

#### ابهامات حقوقی و قانونی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای

برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران، چه از جنبه نهادی و فرآیندی و چه از جنبه نظری و محصول برنامه‌ریزی در پیوند با برنامه‌ریزی‌های ملی (عمدتاً بخشی) و برنامه‌ریزی‌های محلی (عمدتاً کالبدی)، دارای جایگاه قانونی و نقش کارآمد نیست. ابهام در جایگاه قانونی، مسئولیت، نحوه تهیه و نظارت بر طرح‌های منطقه‌ای و فقدان تقسیم کار مشخص بین دستگاه‌های ذی‌ربط، عملاً در برخورد با رقابت بین‌دستگاهی موجب شکل‌گیری حرکت موازی در تهیه طرح‌ها و برنامه‌های منطقه‌ای شده است، به نحوی که گاه با اهدافی نسبتاً مشترک و با صرف هزینه‌های بسیار، دو یا چند دستگاه، بدون ارتباط با یکدیگر و بی‌توجه به نتایج کارهای انجام‌شده یا در دست انجام، طرح‌های منطقه‌ای واحدی تهیه و با اهداف و نتایج متفاوتی ارائه می‌کنند.

# قانون برگزاری مناقصات راهگشا است؟

## معاملات عمومی کشور یا خریدهای دولتی چه مشکلاتی را بر پیکره اقتصاد ایران تحمیل کرده است؟

خرید دولتی یا معاملات عمومی چیست و چه شرایط و الزاماتی دارد و معضلات این حوزه چیست؟ در این مقاله راهبری سعی شده به این پرسش و ابعاد آن پاسخ داده شود.

تجارت

### شهرام حلاج

پژوهشگر

چرا باید خواند:

اگر می‌خواهید

مقاله‌های درباره معضل

خریدهای دولتی

و شیوه بهسازی

و ساماندهی آن

پخوانید، این مقاله

به شما پیشنهاد

می‌شود.

کارشناسی، آموزش، بیمه، تأمین مالی و غیره. دامنه کالاهای مورد نیاز حکمرانی نیز شامل است بر: لوازم، مصالح، مواد، ابزار، ادوات، تجهیزات، تأسیسات، مستحقات، ساختمان‌ها، اراضی و املاک.

۲،۶ در نگاه سیستمی: «خروجی» (بروندا)های حکمرانی، چیزی جز مجموعه‌ای از «فرایند»های حکمرانی بر روی «ورودی» (درون‌دا)های حکمرانی نیست.

۲،۷ پس هر نقصان یا بهبود در معاملات عمومی، دیر یا زود در قالب نقصان یا بهبود در حکمرانی بروز خواهد کرد.

معاملات عمومی، یک شاخه تخصصی، پیچیده و میان‌رشته‌ای است.

۳،۱ هر معامله نوعی عقد است. معامله، عقد موعوض یا با انگیزه تجاری (سود) است. پس مبحث معاملات عمومی شامل بخش‌هایی از دانش حقوق است.

در حالی که حقوق راستین و کارآمد، باید جامع همه علوم زمانه باشد و هر رابطه تازه فنی یا اقتصادی را در چارچوب‌های عدالت و نظم، بتواند تبیین و سازماندهی کند؛ اگر غیر از این باشد باید در کفایت و کارآمدی آنچه حقوق می‌نامیم تشکیک و آن نگرش را بهسازی کنیم ۳،۲ بخش عمده و بزرگ معاملات عمومی، قراردادهای مربوط به زیرساخت‌ها و پروژه‌های عمرانی است. بنابراین معاملات عمومی دارای قیود فنی و مهندسی نیز هست. تا همین جا، ماهیت «معاملات عمومی»، به‌تنهایی سبب گستردگی و پیچیدگی آن می‌شود.

۳،۳ ابعاد، اندازه و گستردگی معاملات عمومی در هرم نظام اداری و سیاسی کشور سبب می‌شود که این معاملات دارای اثر متقابل بر اقتصاد ملی و مالیه عمومی کشور نیز باشد.

۳،۴ این معاملات که به نام مردم و تحت عنوان رفع نیازهای ملت انجام می‌شود و تمام گستره جغرافیایی کشور را نیز پوشش می‌دهد، پیامدها یا جنبه‌های جدی اجتماعی و سیاسی نیز دارد.

۳،۵ پس «معاملات عمومی» یک تخصص در مفضل مشترک شاخه‌هایی از علوم انسانی با شاخه‌هایی از علوم طبیعی و نمونه کاملی از تخصص میان‌رشته‌ای است.

۳،۶ نکته مهم این است که «رهیافت میان‌رشته‌ای» و نیز «تحلیل سیستمی» باید از لفظ و سطح فراتر برود و تعمیق بشود. این رهیافت و روش تحلیل، متکی به ظرفیت‌ها و مهارت‌هایی مشخص است. مانند: «دانش» کاربردی همراه «تجارب» عینی و عملی؛ «مهارت» خوانش و فهم درست مقررات، مهارت خوب شنیدن از همه ذی‌نفعان برای جامع دیدن همه جوانب؛ مهارت دقیق بحث‌کردن برای شناخت اجزای سیستم و فهم درست روابط علی (علت و معلولی) و نیز مهارت حل مسئله برای توان تحلیل سیستمی.

۳،۷ اجلاس جهانی اقتصاد، معروف به اجلاس داووس در سه ویرایش سال ۲۰۱۵، ۲۰۲۰ و نیز ۲۰۲۳ (والیته پیش‌بینی ۲۰۲۵) ترتیب و ارتباط این «مجموعه همبسته» از مهارت‌ها را معرفی کرده‌است. برای موفقیت اقتصادی و «حل مسایل پیچیده»، هیچ گریزی نیست جز آن که به‌موقع از این مهارت‌ها و ابزارها استفاده و با مهارت و سرعت این مسیرها را طی کنیم ۳،۸ پرسش کلیدی: شما چقدر در نظام آموزش رسمی با آموزش عالی و نیز در سازمان خود یا دیگر سازمان‌های دولتی، نهادهای سه قوه و حتی در شرکت‌های بخش خصوصی، نشانه‌های از آموزش این مهارت‌های پایه (مانند: مهارت‌های گفت‌وگو، حل مسئله، تفکر انتقادی یا

این نوشتار طی ۱۱ بند اصلی و بندهای

فرعی ذیل هر یک از آنها، به معرفی معضل

«خریدهای دولتی» یا «معاملات عمومی»

می‌پردازد و می‌کوشد که روش تبدیل این «معضل» به «مسئله» را طی کمتر از سه‌هزار کلمه معرفی کند.

۱،۱ گفتنی است: «خریدهای دولتی» از سوی دیگرش، «بازار فروش» «بخش خصوصی» به بزرگترین مشتری کشور (دولت) است.

۱،۲ معضل مورد بررسی (خریدهای دولتی) معضل جهانی است. گزارش‌های بانک جهانی نشان‌دهنده این موضوع است. در همه‌جا معامله دولتی یعنی خرید با مال دیگران. مهم این است که کشور ما این توانمندی را داشته باشد که: این معضل را به «مسئله» ارتقا بدهد.

۱،۳ هر معضل اگر از سطح گیر و گرفتاری به سطح مسئله‌ای برای حل شدن ارتقا یابد، می‌توان امیدوار بود که حل بشود.

۱،۴ به قول جان دویی: فهم و صورت‌بندی درست هر مسئله، اقدامی است برای آن که مسئله به سوی راه‌حل حرکت کند.

۲ «تدارکات دولتی» یا به شکل عام‌تر «معاملات بخش عمومی» که آن را به اختصار «معاملات عمومی» نیز می‌نامند، یک شاخه مهم و فرابخشی در حکمرانی است که متأسفانه در کشور ما به اندازه کافی موضوع مطالعه و بهسازی قرار نگرفته‌است و از همین محل، آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی زیادی به کشور وارد می‌شود.

۲،۱ منظور از «معامله عمومی»، معامله‌ای است که یکی از عوضین آن (اعم از داده یا ستانده) از دارایی‌ها یا اموال عمومی باشد.

۲،۲ به تصریح «قانون محاسبات عمومی کشور» و به تأیید عقل، علم و تجربه: تقریباً تمام نهادهای یا لوازم حکمرانی کشور، از درگاه «سازوکار معاملات عمومی» وارد اجزای گوناگون حکمرانی کشور می‌شود.

۲،۳ درگاه ورود انواع خدمات و همه کالاهای مورد نیاز حکمرانی به سیستم حکمرانی کشور، همین درگاه «معاملات عمومی» است.

۲،۴ تنها استثناء خدمات وارده به حکمرانی، خدمات کارمندان دولت است که از درگاه دیگری وارد حکمرانی می‌شود. «سازوکار استخدامی» درگاه ورود کارکنانی است که سهمی از عمر خود را طی سالیان و در قالب ساعات کار روزانه، به حکمرانی می‌فروشند. به غیر از همین یک مورد، درگاه ورود تمامی دیگر نهادهای حکمرانی، «معاملات بخش عمومی» است.

۲،۵ دامنه انواع خدمات یادشده، شامل است بر: خدمات ترابری، مسافربری، ساخت، نصب، احداث، تعمیر، نگهداری، بهره‌برداری، حفاظت، راهبری، مدیریت، طراحی، مطالعه، مشاوره،



بهبازی معاملات عمومی نیازمند جدیت بیشتر است؛ مهم‌ترین نیاز: جدیت و تمرکز در مطالعه، تحلیل و ریشه‌یابی گره‌ها است. اکنون با انکبا به بیش از دو دهه مطالعه کتابخانه‌ای و میدانی معاملات عمومی و بر پایه نظریه پشتیبان طراحی شده برای معاملات عمومی ایران در دهه ۱۴۰۰، یا به اختصار بر پایه «نظریه معاملات عمومی»، این ظرفیت وجود دارد که معاملات عمومی کشور در تمام وجوه این موضوع بهبود یابد.

سنجشگرانه‌اندیشی و تصمیم‌گیری گروهی را مشاهده می‌کنید؟

۵،۲ در روش متداول کمیسیون‌های تنظیم‌گری (مقررات‌گذاری)، گاهی تعدادی کارمند با نگاه بخشی‌گرایانه می‌آیند و معمولاً نظرات کلان‌نگر و بلندمدت، نادیده گرفته می‌شود.  
۵،۳ گاهی نیز تعدد و غلبه نمایندگان بخشی (بخشی‌نگر) در کمیسیون‌ها، به تقطیع مفاهیم یکپارچه یا تسهیم منافع می‌انجامد و باز و باز دیدگاه کلان و بلندمدت مغفول می‌ماند.  
۵،۴ مقابله با این آفات (سهام‌خواهی و جزی‌نگری در نظام اداری) گویا ما را به سوی «مصوبه مولدسازی» سوق داد زیرا در آن مدیریت اموال دولت نیز یک مرکزیت مقتدر ضرورت دارد.  
۵،۵ اصل دیدگاه فرابخشی، تخصصی و مقتدر درست است.

۵،۶ این مرکزیت، اگر یا در نظر گرفتن ظرایف و دقایق کارشناسی به تأسیس سازوکار جامع، شفاف و درازمدت اقدام کند، دستاوردی تحسین‌برانگیز خواهد داشت که به اقتدار می‌انجامد.  
۵،۷ ولی این هسته اگر در معرض آفتی مانند شتابزدگی یا کاهش عمق کارشناسی و نیز عدم دسترسی عمومی به تصمیمات این مرکز قرار گیرد، سازوکار ضعیف می‌سازد که بیشتر شبیه زور می‌شود و نه اقتدار.

۵،۸ نکته کلیدی در اقدامات هسته‌های تخصصی متمرکز، شیوه‌های طراحی و کار این هسته‌های مقتدر و روش‌های کار آنها است. «سازوکارهای تصمیم‌گیری گروهی» و «دسترسی عمومی به اطلاعات» ضرورت چنین کوشش‌هایی است.

یک نمونه از هسته‌های مناسب بهسازی در کشور ما، فرایند طراحی و تصویب «قانون برگزاری مناقصات» بود.

۶،۱ این قانون حاصل تعامل کارشناسان سازمان برنامه و بودجه و مرکز پژوهش‌های مجلس و اعتماد مقتدرانه نمایندگان به این کارگروه بود.

۶،۲ مطالعات اولیه قانون را سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی وقت به مشاورانی برون‌سپاری کرد و اصول و قواعد قانون طراحی شد.

۶،۳ سپس مرکز پژوهش‌های مجلس در قالب احکامی سازگار با نظم حقوقی و اداری کشور، «طرح قانونی مناقصات» را پیگیری کرد. در این راه از مشارکت بی‌سابقه ذی‌نفعان آتی و تشکل‌های مرتبط نیز کمک گرفت. برای نخستین بار یک مدل از پارلمان، با مشارکت تشکل‌های بخش خصوصی طی یک روز کاری فشرده، این طرح را بررسی کردند.

۶،۴ نمایندگان مجلس نیز به جای تسلیم در برابر فشار و بهانه‌جویی کارگزاران اجرایی (همان بوروکرات‌ها یا صاحبان مناصب و اختیارات، که هدف قانون ساماندهی اختیارات آنان است)، به ملاحظاتی کارشناسانه توجه و مقتدرانه به آنها اعتماد کردند.

۶،۵ دستاورد این ایستادگی کارشناسانه، «قانون برگزاری مناقصات» شد که در جای خود درست بود و بلکه به گواه شاخص‌های بین‌المللی و خبرگان کشور: از قلم‌های درخشان سیاست‌گذاری بود. «قانون برگزاری مناقصات»، سه رکن تازه را در معاملات عمومی تقویت کرد.

۶،۶ البته هیچ قانونی بی‌نقص نیست. «قانون برگزاری مناقصات» نیز در جای خودش، جای بهبودی دارد. این قلم در جای خود موارد نیازمند بهسازی این قانون را منتشر کرده است. با این وجود، این قانون نه‌تنها خیرالموجودین است بلکه همچنان یک دستاورد نهادی مهم در تاریخ قانون‌گذاری کشور است.

بدین ترتیب، یکی-دو گام درست برای بهسازی معاملات برداشته شد، اما متأسفانه اکنون مدت‌هاست که این گام‌ها، بسیار کند و حتی متوقف شده است

۷،۱ دفتر مطالعات بخش عمومی مرکز پژوهش‌های مجلس، مطالعه «معاملات عمومی» را طی بیش از دو دهه و در قالب «مطالعات ساماندهی معاملات بخش عمومی» به صورت مستمر و متمرکز ادامه داده است.

۷،۲ متأسفانه به جز این دفتر مطالعاتی، بخش‌های دیگری از کشور - چه در مجموعه‌های حکومتی و چه در بخش خصوصی - به صورت متمرکز روی این موضوع حیاتی و بنیادین حکمرانی کار نمی‌کنند.

۷،۳ «نظریه تدارکات عمومی» (برای ایران دهه ۱۴۰۰) در همین دفتر پژوهشی ساماندهی شده است. اکنون پیشنهادهای کارآمدی بر پایه این نظریه قابلیت ارائه و اجرای مؤثر دارد.

۷،۴ افزایش هنگامت هزینه‌های حکمرانی، کاهش بهره‌وری و اثربخشی در بخش عمومی

۴

طبق آمارهای بین‌المللی «معاملات عمومی» پرمفسده‌ترین شاخه حکمرانی کشورها است و بیشترین موارد رشوه‌های حکمرانی مربوط به همین شاخه مدیریت دولتی است.

۴،۱ نه‌تنها انتظار این که مدیران اجرایی برای اصلاح این شاخه از حکمرانی پیشگام شوند و هزینه‌های سنگین این اصلاح را به جان بخرند، نوعی خوشبینی افراطی یا نوعی خوش‌خیالی است؛

۴،۲ بلکه حتی باید توجه داشت: تلاش هسته‌های کلان‌نگر حکمرانی برای بهسازی سازوکارهای معاملات عمومی، نیازمند دقت و حزم عالمانه و عمق کارشناسانه جامع‌نگر است.

۴،۳ زیرا این تلاش بهسازی، به معنی دست‌گذاشتن بر پررشته‌ترین و پرمفسده‌ترین شاخه حکمرانی است.

۴،۴ دقت کنیم که ورود به ساماندهی معاملات بخش عمومی، یعنی: مبارزه با تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌هایی که علی‌رغم شعار مصالح نظام و منافع مردم، در واقع به نحوی ناگفته و نانوشته حافظ تداوم و گسترش مصالح و منافع خود هستند و حتی گاه به قیمت نقض مصلحت نظام و منفعت مردم به دنبال سود باندهای خود می‌گردند.

۴،۵ البته روشن است که همواره این منفعت‌جویی را در پوشش کار برای مردم نمایش می‌دهند و معمولاً جریان امور در شکل شفاف و عادلانه را سبب تعویق و تعطیل امور اعلام می‌کنند.

۴،۶ صد البته بوروکراسی و نیز تکنوکراسی ذاتاً بد نیست و بلکه هر دو از اختراعات ارزشمند بشریت هستند و بسیاری تکنوکرات‌ها یا بوروکرات‌های پاک‌دست، میهن‌دوست، متقی و کاردان نیز وجود دارند اما بورش بی‌بوسه بوروکرات‌های ریاکار، طمع‌کار و زیاده‌خواه نیز واقعیتی کاملاً مشهود است.

۵

برای ساماندهی این شاخه اولاً میان‌رشته‌ای و پیچیده، ثانیاً بسیار فسادخیز در جهان و ثالثاً مغفول در کشور ما، حزم علمی و عزم جدی در یک مرکزیت تخصصی با نگاه درازمدت و فرابخشی در کشور، ضرورت دارد.

۵،۱ اغلب اشخاص چون از کودکی، مایحتاج شخصی خود را خریدند، تصور می‌کنند خرید یا تدارکات دولتی را می‌شناسند و پیچیدگی‌هایش را می‌دانند. پس با همین ساده‌انگاری و بدون احاطه بر پیچیدگی بحث، اظهار نظر می‌کنند.

## نکته‌هایی که باید بدانید

- ▲ ذی‌نفعان یا ذی‌حقان «نظریه معاملات عمومی» در واقع مردم کشور هستند و نظریه باید برای بهبود عملکرد دولت در خدمت به مردم و زیست و معیشت مردم به کار گرفته شود.
- ▲ بخش عمده و بزرگ معاملات عمومی، قراردادهای مربوط به زیرساخت‌ها و پروژه‌های عمرانی است. بنابراین معاملات عمومی دارای قیود فنی و مهندسی نیز هست. تا همینجا، ماهیت «معاملات عمومی»، به تنهایی سبب گستردگی و پیچیدگی آن می‌شود. ابعاد، اندازه و گستردگی معاملات عمومی در هر نظام اداری و سیاسی کشور سبب می‌شود که این معاملات دارای اثر متقابل بر اقتصاد ملی و مالیه عمومی کشور نیز باشد.
- ▲ تدارکات دولتی «یا به شکل عام‌تر «معاملات بخش عمومی» که آن را به اختصار «معاملات عمومی» نیز می‌نامند، یک شاخه مهم و فرابخشی در حکمرانی است که متأسفانه در کشور ما به اندازه کافی موضوع مطالعه و بهسازی قرار نگرفته است و از همین محل، آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی زیادی به کشور وارد می‌شود.

کشور، گسترش هشدار آمیز فساد اداری و مالی، شواهدی است که اقدام عاجل، قاطع، عالمانه و دقیق در این شاخه از حکمرانی را ضروری می‌سازد. (موضوع سازمان‌های بازنسستگی و «تأمین اجتماعی» تنها یک مصداق از این گران و کم‌اثر بودن است.)

۷،۵ وقت آن است که مجموعه حاکمیت با دقت و جدیت وارد شده و گام‌های محکم دیگری برای بهسازی معاملات عمومی بردارد.

۷،۶ بخش خصوصی نه تنها با مطالبه‌گری، بلکه با کنشگری و ارائه پیشنهادهای ایجابی می‌تواند کمک شایانی به این اصلاح ملی بکند.

۷،۷ باید توجه داشت، «ساماندهی معاملات عمومی» طبق «نظریه تدارکات عمومی» به معنی سختگیری زیاد نیست و در بسیاری موارد، این نظریه توصیه‌هایی کند به آزادی عمل؛ در حالی که معمولاً دیگران با نگاه غیرسیستمی حکم به سختگیری می‌دهند. در مقابل نیز گروهی حکم به هرج و مرج مطلق.

۷،۸ طراحی هر ماشین نیازمند کنترل بهینه است و کنترل زیاد یا کنترل کمتر از اندازه، هردو، خروج از حد بهینگی است.

۷،۹ طراحی هر فرایند پیچیده و چندوجهی باید با رعایت اهداف مقرر و نیز با در نظر گرفتن الزامات محیطی باشد؛ مانند طراحی و ساختن یک ماشین تبرید با یک ماشین ترابری که باید اجزایش در خدمت نظم یا هدفی معین باشند و متناسب با آن هدف طراحی شود و در جای خود نیز کارآمد باشد.

در بهسازی معاملات عمومی باید دقت داشت که «جدیت» فراتر از «سختگیری» است و نیز «دقت علمی» فراتر از «ترجمه و کپی برداری».

۸،۱ اولاً؛ باید سطح تحلیل، فراتر از «سخت یا آسان» باشد. متأسفانه توقف در «پارادایم سخت یا آسان» رایج است. گویا یک سو مجری (کارگزار) است که در هر دوراهی، آسان‌تر را ترجیح می‌دهد و یک سو ناظر (بازرس) که در هر دوراهی، کنترل بیشتر و سخت‌تر را.

۸،۲ ثانیاً؛ مخاطره «تقلید» و ساخت ماشین چهل تکه - با الگوی لحاف چهل تکه - ما را تهدید می‌کند. تقلیدهای سطحی از اجزای ماشین‌های مختلف کشورهای مختلف که هر یک شاید در جای خود (کشور مورد تقلید) کارآمد باشند، ما را به شدت تهدید می‌کند. شاید یک مثال، این تهدید و خطای سیاستی را بهتر نشان دهد: نباید تصور کنیم که چون خودروی بنز هم خوب راه می‌رود و خودروی تویوتا هم خوب، پس می‌شود که میل‌لنگ بنز را روی تویوتا نصب کرد. اجزای هر کدام از این دو سیستم به نحوی عمیق و دقیق با دیگر اجزای خودش در تعامل است.

۸،۳ استفاده از اصول جهان‌شمول به معنی تقلید کورکورانه از تجربه‌های محلی نیست. رسالت علم کشف و صورت‌بندی درست همین اصول جهان‌شمول است.

۸،۴ دقت و حزم عالمانه و قاطعیت و عزم مدیریتی راه تقویت و «توانمندسازی حکمرانی» است. این اصل را باید در توانمندسازی یا بهسازی شاخه معاملات عمومی نیز در نظر آوریم.

سه نمونه از توصیه‌های «نظریه تدارکات عمومی» به پرهیز از سختگیری بیهوده:

۹،۱ طبق قانون: در معاملات با مبلغ متوسط، کارگزار دولت مجبور به دریافت پیشنهاد از هر کسی نیست و می‌تواند فقط به چند تأمین‌کننده قابل اطمینان خود مراجعه کند. پس به تبعیت از قانون کشور در «نظریه تدارکات عمومی» نیز اخذ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار، اساساً از موضوعیت می‌افتد. به بیان دیگر، حذف اجبار دستگاه‌های اجرایی بر دریافت پیشنهاد از هر تأمین‌کننده، عقلاً سبب حذف ضرورت تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار می‌شود و حتی اخذ تضمین در این شرایط را می‌توان سبب گران شدن غیر ضروری معامله دانست. طبق نظریه تدارکات عمومی: «لزام به رقابت کامل» و «بازار اخذ تضمین»، لازم و ملزوم هستند.

۹،۲ «نظریه تدارکات عمومی»، اجبار دستگاه‌های اجرایی بر تجدید مناقصه (با مبلغ بزرگ) به سبب وصول یک پیشنهاد را روا نمی‌داند. زیرا این تجدید فراقانونی است و سبب

تکرار و تطویل مناقصات می‌شود. طبق این نظریه قیدی مانند ۳ و ۵ مناقصه‌گر، فقط مربوط به فهرست‌های قبلی و قدیمی است.

۹،۳ «نظریه تدارکات عمومی»، اجبار دستگاه‌های اجرایی به ارزیابی کیفی در تمام معاملات با مبلغ بزرگ را برداشتنی غیرضروری و بلکه مضر می‌داند. اجبار به بررسی سوابق، گردش مالی و کارکنان شرکت‌ها، در مواردی که محصول مورد معامله، کالای آماده و موجود است که می‌توان آزمایش‌های لازم را روی خود آن کالا انجام داد، سختگیری و تطویل فرایند و تحمیل هزینه است.

اقدامات اصلاحی برای ارتقای معاملات عمومی را در چند وجه باید بررسی و پیگیری کنیم.

۱۰،۱ اقدامات باید در وجوه گوناگون باشد، زیرا عارضه‌ها یا خطاها در وجوه گوناگون بروز می‌کنند.

۱۰،۲ در برخی موارد قوانین روشن است و ساختار هم هست اما برخی رفتارها مشکل ایجاد می‌کند. این را می‌توان «بهسازی رفتاری» نامید.

۱۰،۳ در برخی موارد نیازمند تصحیح ساختار اجرایی هستیم؛ مثلاً لازم است ارتباط دو بخش اداری یا صنعتی تقویت و تحکیم شود. این را می‌توان «بهسازی ساختاری» نامید.

۱۰،۴ در برخی موارد نیز نیازمند بهسازی شبکه احکام و مقررات در هم تنیده یا در هم بافته هستیم که به همین سبب اهل فن آنها را «بافتار مقررات» نامیده‌اند. کنش‌های اصلاحی این بافتار مقرراتی را می‌توان «بهسازی بافتاری» نامید.

۱۰،۵ شایسته است اقدامات اصلاحی فوری برای بهسازی معاملات عمومی کشور را در هر سه وجه رفتاری، ساختاری و بافتاری آن شناسایی، معرفی، طراحی، اجرا و پیگیری کنیم

اکنون، در کشور ما، چه باید کرد؟

۱۱،۱ آنچه تاکنون برای بهسازی معاملات عمومی کشور انجام شده‌است، حتماً لازم بوده‌است اما اصلاً کافی نبوده است.

۱۱،۲ بهسازی معاملات عمومی نیازمند جدیت بیشتر است؛ مهم‌ترین نیاز: جدیت و تمرکز در مطالعه، تحلیل و ریشه‌یابی گر‌ها است.

۱۱،۳ اکنون با اتکا به بیش از دو دهه مطالعه کتابخانه‌ای و میدانی معاملات عمومی و بر پایه نظریه پشتیبان طراحی شده برای معاملات عمومی ایران در دهه ۱۴۰۰، یا به اختصار برپایه «نظریه معاملات عمومی»، این ظرفیت وجود دارد که معاملات عمومی کشور در تمام وجوه این موضوع بهسازی شود.

۱۱،۴ همچنین برای تداوم و تعمیق این پویا اصلاحی، تأسیس یک مرکزیت علمی و در عین حال کاربردی، اقدام بسیار مهم دیگری است که از هر زمان آغاز شود بهره آن را کشور و مردم خواهند برد و اجر آن راه همه آنان که به این مهم اهتمام بورزند.

۱۱،۵ ذی‌نفعان یا ذی‌حقان «نظریه معاملات عمومی» در واقع مردم کشور هستند و نظریه باید برای بهبود عملکرد دولت در خدمت به مردم و زیست و معیشت مردم به کار گرفته‌شود.

۱۱،۶ اکنون ذخیره دانشی یا غنای دادگانی و پژوهشی برای رفع این خلأ معرفتی در معاملات عمومی و بهبود مدیریت این معاملات فراهم شده‌است. نظریه پایه مناقصات و معاملات عمومی برآمده از واقعیات و نیز اعتبارات (یعنی قوانین و مقررات) کشور، در سطوح گوناگون نظام فنی، اجرایی، اداری و تقنینی و منکی به بیش از بیست سال مطالعه در اقصی نقاط کشور است.

۱۱،۷ این چارچوب توأم «نظری و عملی» در دامنه مشخص «معاملات عمومی» می‌تواند نمونه و تمرینی برای فراهم‌سازی «نظریات پایه و کاربردی» در دیگر دامنه‌ها و زمینه‌های حقوقی و اقتصادی کشور نیز قرار بگیرد.

۱۱،۸ چنین رویکردی به معضلات جاری و واقعی کشور، می‌تواند آنها را از لایه معضلات پنهان به سطح مسئله‌های در دست فهم و تحلیل ارتقا دهد. تبدیل «معضل» به «مسئله قابل فهم و تحلیل»، یعنی حرکت در مسیر بهسازی کشور؛ یعنی حرکت در راه «توسعه».

زمانی که روسیه یا هر قدرتی روابط خود را با کشور دیگر به طور استراتژیک در آستانه نیازمندی آن کشور و به صورت یک جانبه بداند، گویی می‌گوید آن مزیت استراتژیک را در جیب خود دارد، و در کسب امتیاز از دیگران نیازی به رعایت حقوق دوست تضمینی خود نمی‌بیند.

# نسخه روسی برای جزایر ایران

روسیه به دنبال چیست؟

اخیراً در اعلامیه مشترک روسی-عربی که در مراکش منتشر شد، روسیه ادعاهایی را درباره جزایر ایران بیان کرده است؛ این مقاله را بخوانید.

تاریخ



فریدون مجلسی

دقیلمت سابق

چرا باید خواند:

اگر می‌خواهید درباره

روابط ایران و روسیه

بدانید، خواندن این

مقاله به شما توصیه

می‌شود.

اخیراً در اعلامیه مشترک روسی-عربی که در مراکش منتشر شد، در دو بند ذکری بحث‌انگیز همراه با نصیحتی از سوی برادر بزرگتر درباره حاکمیت ایران بر جزایرش در خلیج فارس مطرح شده است. درباره این اعلامیه بسیار نوشتند و مطلبی جز اشاره به چند نکته باقی نمانده است که به آن بیفزاییم. البته در آن اعلامیه نامی از جزایر خلیج فارس نیاورده و به ذکر خلیج اکتفا کرده بودند، که نشانی گیرنده شناخته نشد!

کشورهای نوپید خلیج فارس تاریخ و سابقه‌ای ندارند، گیرم نام دریای ساحلی خودشان را ندارند، یا چون نام خوشایندی در منطقه نداشتند، اسواحل دزدان دریایی = 'Pirates Coasts' بخواهند آدرس عوضی بدهند، یا در راه هویت‌سازی برای کشور شدن نام خیابانشان را درست ندانند. آقای روسیه تو که قدیمی هستی، از لحاظ وسعت ۱۷۰ میلیون کیلومتر مربعی و از همه کشورهای جهان هم سری، یعنی بیش از ده برابر ایرانی که خودش کشور بزرگی است، تو هم نمی‌دانی جزایری که از آن‌ها نام برده‌ای در کدام دریا یا خلیج جهان قرار دارند؟ نام آن خلیج چیست؟ آیا در تاریخ هشتصدساله کشورتان نقشه‌ای

وجود دارد که دریای ساحل جنوبی ایران در آن غیر از خلیج فارس نام دیگری داشته باشد، یا اصلاً خلیج بی‌نام بوده باشد؟ شاید باید سپاس گزار بود که به رغم اصرار میزبانان عرب در گنجاندن ادعای جعلی در اعلامیه مشترک دست کم زیر بار نام جعلی برای خلیج فارس نرفته و به حذف آن اکتفا کرده‌ای زمانی که پای بریتانیا به خلیج فارس باز شد، و کوشید با استفاده از رقابت‌ها و ماجراجویی‌های محلی استیلای خودش را شکل مستندسازی کند، با کدخدایان هر روستایی قرارداد منعقد می‌کرد و آن قراردادها را مبنای حقوقی ادعاهای بعدی خود قرار می‌داد. بریتانیا حتی به اعتبار این گونه اسناد کوشید بخش‌هایی از مناطق جنوبی و جزایر ایرانی را به اشغال خود درآورد و بعضاً تا مدتی موفق هم بود. بریتانیا که درباره نفت ایران به استناد قرارداد داری با مظفرالدین شاه و قرارداد بعدی امتیاز استخراج و تصفیه نفت ایران را در خوزستان آبادان دریافت کرده بود در عین حال چنین قراردادی را با شیخ خزعل به‌عنوان شیخ محرمه امضا کرد که بعداً با جدا کردن آن منطقه سلطه خودش را دائمی سازد. در پوشهر و نیز در جزایر خارک و فارو و قشم و شیخ شعیب (لاوان بعدی) و هنگام و هرمز نیز احتیاطاً چنین قراردادهایی امضا کرده بود که بهانه‌ای برای اشغال موقت یا منطقه‌ای در آن مناطق نیز شده بود. شیخ‌نشین‌های خلیج فارس نیز بخش‌هایی از کشور مسقط و عمان بودند که زمانی دامنه امپراتوری آن به مگادیشو و زنگبار از یکسو و تا قطر از سوی دیگر می‌رسید و در شمال نیز بخش‌هایی از بندرعباس تا بندر گوادر را تا اواخر قرن نوزدهم به صورت اجاره در اختیار خود داشت. زمانی که بریتانیا در اوایل دهه ۱۹۷۰ ناچار به استرداد مناطق اشغالی خود به صاحبان آن شد، با توجه به توافقی که با ابوظیبی و شیخ‌نشین‌های شش‌گانه پیرامون آن رسیده بود، قرار شده آن‌ها تحت عنوان امارات متحده عربی برای نخستین بار مستقل شوند. از چند سال پیش بریتانیا برخی جزایر ایران را از جمله فارو و بخشی از قشم و شیخ شعیب را مسترد کرده بود، و ایران پیش از اعلام استقلال امارات متحده سه جزیره باقیمانده خود را نیز مسترد داشت، منتها مقارن شدن آن با استقلال امارات متحده

و با توجه به بهانه اینکه برخی دامداران آنان در ایامی از سال دام‌های خودشان را برای چرا به جزایر ایرانی می‌آوردند برای خودشان ادعاهای قائل شدند. البته در جنوب ابوموسی گروهی از اعراب وابسته به قبایل آنا نیز حضوری داشتند که ایران حقوق مالکانه آن‌ها را در آن بخش به رسمیت شناخت و حتی اجازه تأسیس مدرسه و برخی امتیازات انتظامی هم در آن بخش قائل شد. ادعای آن‌ها درباره تنب بزرگ و کوچک حتی از آن گونه مبانی هم نداشت. صرفاً استرداد جزایر به حاکمیت دولت مادر بود یعنی ایران. ادعاهای امارات نسبت به آن جزایر صرفاً آهرم فشاری برای گرفتن امتیاز بیشتر درباره منطقه جنوبی ابوموسی تلقی می‌شود. زمانی که بریتانیا جزایر ایرانی را اشغال کرد با اعتراض دائمی ایران نیز مواجه بود و به تدریج آن‌ها را به کشور مادر مسترد کرد. مگر امارات و روستاهای دیگری که تبدیل به شیخ‌نشین و امیرنشین‌های بعدی شدند در همان عرصه خاکی خودشان حاکمیت پیدا کردند. نه بیشتر. منتها با رسیدن به ثروت و آباد شدن و احساس اقتدار، همان‌طور که یادگیر را به‌عنوان نشانه معماری بومی خودشان به ثبت جهان رساندند، و در جنگ یمن نیز لشکر کشی کردند، در جزایر ایرانی نیز در صدد کشور گشایی برآمده‌اند تا با توجه به اقتدار بازرگانی و اقتصادی خود، با به امضا رساندن اعلامیه‌های مشترک با کشورهای متمایل به بازارهای آنان، خصوصاً در شرایطی که روابط سیاسی و تجاری ایران به دلیل حمایت از حقوق اعراب در مناطق دیگر کساد و همراه با انزوا و تحریم است بتوانند امتیازی بگیرند. دولت ایران در آستانه استرداد جزایر خود با شیخ‌نشین‌های مدعی توافقی هم امضا کرد، و گرچه تأیید ادعاهای حقوق مالکانه در بخش جنوبی ابوموسی در شمار آن است، اما شامل ادعای حاکمانه بر همان منطق نمی‌شود. روس‌ها با ظاهری صلح‌جویانه ایران را به ارجاع مسئله حاکمیتی در اختلاف خودش با امارات به ارجاع به داوری بین‌المللی تشویق کرده‌اند البته مسئله حاکمیت کشور به تمامیت ارضی آن که قابل ارجاع به داوری دیگران نیست. جزایر ایران در خلیج فارس غیر از جزایر کوریل جنوبی ژاپن است که پس از پایان دادن به جنگ ژاپن توسط آمریکا، با فرصت‌طلبی از سوی شوروی اشغال شده است و هنوز هم در اشغال آن کشور قرار دارد. اختلاف ایران با کویت و عربستان راجع به ترسیم خطوط مرزی طبق ضوابط حقوق دریاها در حوزه نفتی مورد اختلاف میان ایران و کویت و عربستان که جنبه حاکمیتی ندارد، یا خطوط مرزی ایران و همسایگانش در دریای خزر قابل ارجاع به داوری بین‌المللی حقوق دریاها هست، اما مسائل مثلاً مربوط به مرز شط‌العرب که در قرارداد ۱۹۷۵ تنظیم و بار دیگر هم تأیید شده است قابل ارجاع به داوری و دادگاه نیست. یا حاکمیت قدیمی و حتی باستانی ایران در سرزمین‌های همسایه موضوع منتفی شده است و قابل ارجاع به داوری و دادگاه نیست. مسائل مربوط به جزیره ابوموسی درباره حقوق اکتسابی و مالکانه ساکنان جنوبی ابوموسی و تداوم بهرمندی آنان از آن امتیازات به نظر کارشناسانه و شخصی این‌جانب به‌طور دوجانبه قابل بحث و مذاکره است. استدلال‌های تاریخی و حقوقی بیشتر مربوط به پرونده این جزایر در منابع مختلف و به مناسبت امضای روسیه اعلامیه اخیر بحث و بررسی شده است. روسیه مقتدرترین و ثروتمندترین همسایه ایران است و طبیعی است که در شرایط متعارفی باید بیشترین ارتباط بازرگانی و صنعتی دوجانبه از طریق شاهراهی به عظمت دریای خزر برقرار باشد، همچنان که باید با چین و ژاپن و هند و آمریکا و اروپا و با هر جایی که بیشترین منافع دوجانبه متصور باشد، خصوصاً با همسایگان برقرار باشد. اما زمانی که روسیه یا هر قدرتی روابط خود را با کشور دیگر به‌طور استراتژیک در آستانه نیازمندی آن کشور و به صورت یک‌جانبه بداند، گویی می‌گوید آن مزیت استراتژیک را در جیب خود دارد، و در کسب امتیاز از دیگران نیازی به رعایت حقوق دوست تضمینی خود نمی‌بیند. ■

# محنت کدهای به نام شهر

## شهر زیست‌پذیر، از رویا تا واقعیت

تجارت

چرا صنعت نفت در ایران توسعه نیافته است؟ وضعیت گازهای فلر در این توسعه‌نیافتگی چگونه است؟ پایخ را در این مقاله بخوانید.



حسین ایمانی جاجرمی

جامعه‌شناس

چرا باید خواند:

شهر چگونه شهر

می‌شود و با چه

معیارهایی محلی

برای زندگی خواهد

بود؟ این مقاله را

بخوانید.

مختلف شهر انجام گیرد. پیشرفت‌های نظری و تجربی هم در حوزه‌های علمی همچون انجام مطالعات بیشتر در جامعه‌شناسی شهری و توجه برنامهریزی شهری به ابعاد اجتماعی صورت گرفت و تلاش شد تا واقعیت‌های نوپدید شهری همچون نواحی کلان‌شهری گسترده با طرح مفاهیم و مدل‌های اداری جدید همچون شهرداری‌های منطقه کلان شهری با لحاظ اهمیت مشارکت مردم و تقویت لایه‌های میانی و پایین‌نماینده‌گی همچون انجمن‌های محله به سامان نسبی برسند.

این حکایت کوتاهی از تحولات شهری در دنیای پیشرفته عمدتاً اروپای غربی و آمریکای شمالی بود. داستان شهرهای واقع در کشورهای در حال توسعه متفاوت است. مسائل شهری همچون آلودگی محیط زیست، شکاف طبقاتی، ناکارآمدی دستگاه‌های اداره‌کننده شهر در این شهرها ابعادی عظیم پیدا کرده است. این شهرها نیروی اصلی شهری شدن جهان در روزگار معاصر هستند و اکنون تعداد کلان‌شهرها در جهان در حال توسعه فزون‌تر از همین نوع شهرها در جهان توسعه یافته است. به عبارت دیگر کشورهای شمال جهانی در دوران ثبات نسبی جمعیتی به سر می‌برند اما عمده کشورهای جنوب جهانی همچنان در حال تحولات عظیم جمعیتی و فضایی هستند و خبر چندانی از ثبات و آرامش نیست.

هر دو سال یک بار برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد معروف به هابیتات، گزارشی را از وضع شهرهای جهان منتشر می‌کند. در تازه‌ترین گزارش شهرهای جهان که در تیرماه ۱۴۰۱ منتشر شد در باره آینده شهرها برپایه گرایش‌ها، چالش‌ها و فرصت‌های موجود تأمل و بازاندیشی شده است. گزارش به درس‌های ارزشمندی هم اشاره دارد که شهرها از همه‌گیری کرونا گرفتند. این گزارش راه کارهایی را پیشنهاد می‌کند تا بر اساس آن‌ها شهرها برای مواجهه با تعداد فراوانی از شوک‌هایی که در انتظار آن‌هاست تدارک بهتری دیده و خود را برای گذر به «آینده شهری پایدار» آماده کنند. آمادگی شهرها باید بر اساس آگاهی باشد تا بتوانند از فرصت پیش‌بینی دگرگونی‌ها بهره بگیرند و جریان امور و اقدامات را اصلاح کنند. شهرها باید درباره سناریوها یا امکانات مختلفی که آینده عرضه می‌کند، همچون نوآوری‌های فناورانه، از آگاهی‌های و اطلاعات لازم برخوردار باشند. در گزارش آمده است که افزایش حوادث آب و هوایی شدید و بلایای طبیعی مانند سیل، موج‌های گرمایی و زمین‌لغزه‌ها بر مناطق شهری تأثیر سخت‌تری خواهد گذاشت و انطباق با دگرگونی‌های اقلیمی را برای آن‌ها به امری با بیشترین اهمیت بدل می‌کند. این گزارش که هم‌زمان با برگزاری یازدهمین نشست مجمع جهانی شهر در لهستان منتشر شده می‌گوید مناطق شهری مسئول ۷۰ درصد از انتشار گازهای گلخانه‌ای هستند، به عبارت دیگر شهرها باید به عنوان رهبران اقدام اقلیمی برای رسیدن به هدف کاهش ۱.۵ درجه از گرمایش جهانی طبق توافقنامه پاریس عمل کنند.

گزارش از خطراتی می‌گوید که شهرها با آن‌ها مواجه خواهند شد؛ از افزایش ناگهانی تسورم و هزینه زندگی، اختلالات در زنجیره تأمین، پیامدهای منفی دگرگونی اقلیمی و دگرگونی‌های مسلحانه جدید، درباره آن‌ها به شهرها هشدار می‌دهد، با این حال گزارش نگاهی خوش‌بینانه‌ای به آینده دارد، آینده‌ای که در آن شهرها به سمت عدالت، سرسبزی و دانش حرکت خواهند کرد.

ماکس وبر، جامعه‌شناس معروف آلمانی، در نوشته‌های خویش در باب شهر به یک ضرب‌المثل آلمانی رایج در دوران قرون وسطی اشاره می‌کند: «هوای شهر انسان را آزاد می‌کند!» اندک شهرهای بورژوازی آن زمان در مقایسه با سکونت‌گاه‌های روستایی قلمروهای فئودالی، امکاناتی چون به رسمیت شناخته شدن به عنوان یک شهروند در معنی فردی صاحب حقوق برای معامله و تملک زمین، مشارکت در اداره شهر و رهایی از قید و بندهای ارباب روستایی، به آدم‌های ساکن در خود می‌دادند. همه این‌ها در مقایسه با رنج و مشقت زندگی در روستاها، نوید زندگی بهتری می‌داد.

اما شهرها این مسیری را که ظاهراً در انتها به آزادی، دموکراسی و رفاه بیشتر می‌رسید، ادامه ندادند. افزایش جمعیت بی‌سابقه همراه با صنعتی شدن در سده نوزدهم در جاهایی مثل انگلستان، اروپای غربی و آمریکای شمالی سبب رشد چشمگیر شهرها و شهرک‌ها شد. شهرنشینی با چنان سرعتی اتفاق می‌افتاد که فراتر از توانایی نهادهای سیاسی و اجتماعی پیشاصنعتی برای حفظ نظم اجتماعی بود. استقرار نظام صنعتی با الزاماتی چون: بسیج صدها هزار کارگری که عموماً از مناطق روستایی به شهرها مهاجر کرده بودند، و فناوری‌های اولیه به شدت آلوده‌کننده در کنار بی‌توجهی به وضعیت زیست و کیفیت زندگی زحمتکشان، شهرها را بدل به محنت‌کدهایی کرد که در آن اندکی سرمایه‌دار زندگی رؤیایی داشتند و اکثریت بقیه شبیره جانشان تا دم مرگ دوشیده می‌شد و در زاغه‌ها و بیغوله‌هایی به نام محلات کارگر و مهاجر نشین روزگار می‌گذراندند.

فقر و ازدحام جمعیت در کنار نابرابری نهادینه شده مروج و منبع بیماری، ناآرامی و بهرموری پایین نیروی کار بودند. چنین وضعیتی در ادبیات آثاری چون بیتوبایان ویکتور هوگو، اولیور توئیست چارلز دیکنز، در سیاست و اقتصاد اثری چون سرمایه کارل مارکس و در مطالعات اجتماعی، مجموعه ۱۷ جلدی زندگی و کار مردم در لندن از چارلز بوث را پدید آورد. آن‌ها، هر یک به زبان خود، روایت گر درد و رنج بخش عمده جامعه شهری جدید بودند. هوای شهر دیگر انسان را آزاد نمی‌کرد، او را ضعیف، بیمار، منزوی و فقیر می‌کرد. وضعیت شهرهای صنعتی در دنیای توسعه یافته اواخر قرن ۱۹ و ابتدای قرن ۲۰ به حدی از بحران رسیده بود که قابل تحمل نبود. همه‌گیری‌های کشنده مثل وبا و برپاشدن مداوم شورش‌ها و اعتراضات شهری و فساد دامن‌گیر شهرداری‌ها بویژه در آمریکا، اصلاحات و بهبود کیفیت زندگی را بدل به امری گریزناپذیر کرده بود. واقعیت‌های اجتماعی تلخ از یک سو و اجماع نسبی بر سر ضرورت برنامه‌های اصلاحی سبب شدند تا به تدریج اقداماتی در شهرهای بحران‌زده آن روزگار همچون بهبود وضع بهداشت، توجه به زیبا سازی و فضای سبز شهری، توزیع به نسبت عادلانه خدمات، امکانات و زیرساخت‌ها در مناطق

توسعه پایدار شهر و تحقق هدفی چون شهر زیست‌پذیر نیازمند مدیریت و برنامه‌ریزی شهری مسئولیت‌پذیر، مشارکت‌جو و دانش‌بنیان است. شهرها نیازمند سیاست‌های شهری هستند که مهم‌ترین هدف آن‌ها حفاظت و نگهداری از پایداری جامعه شهری باشد. این سیاست‌ها باید به دنبال توسعه پایدار و تحقق اهداف عملی محیط زیستی، آموزش، حرفه‌آموزی، توسعه اقتصادی، پایداری، کیفیت محیط زیست، و سلامتی همگانی باشند.

خطر در برابر همه‌گیری کرونا محافظت کنند. شهرهایی که از اختیارات بیشتر در تصمیم‌گیری محلی برخوردار بودند بهتر توانستند در برابر بحران‌های پزشکی و سلامتی واکنش نشان دهند. آن‌ها از دانش و تجربه محلی بهره‌گرفتند و از رویکردهای مختلف و انواع توزیع خدمات استفاده کردند.

توسعه پایدار شهر و تحقق هدفی چون شهر زیست‌پذیر نیازمند مدیریت و برنامه‌ریزی شهری مسئولیت‌پذیر، مشارکت‌جو و دانش‌بنیان است. شهرها نیازمند سیاست‌های شهری هستند که مهم‌ترین هدف آن‌ها حفاظت و نگهداری از پایداری جامعه شهری باشد. این سیاست‌ها باید به دنبال توسعه پایدار و تحقق اهداف عملی محیط زیستی، آموزش، حرفه‌آموزی، توسعه اقتصادی، پایداری، کیفیت محیط زیست، و سلامتی همگانی باشند. سیاست شهری اساساً درباره رفاه ساکنان محلی در جامعه شهری است و شامل برنامه‌ریزی، تأمین خدمات محلی و حمایت از توسعه اقتصاد محلی می‌شود. اگرچه شماری از سازمان‌ها در بخش دولتی در سیاست شهری نقش دارند، اما مهم‌ترین مسئولیت‌ها بر عهده مقامات محلی منتخب است. اما مساله این است که آن‌ها تا چه اندازه اساساً و عملاً در تعیین سیاست‌های شهر و تحقق آن‌ها نقش دارند؟ پاسخ به این پرسش در همه جوامع یکسان نیست. برخی با درک مسائل و چالش‌های جدی پیش‌رو به بازاندیشی سیاست‌های شهری و نظم‌نهادی آن پرداخته‌اند و با تمرکز زدایی و واسطیاری بیشتر وظایف و اختیارات به سطح محلی، در تقویت مقامات محلی کوشیده‌اند. ما اما همچنان حتی یک سیاست ملی روشن برای توسعه شهری نداریم و حل مسائل پیچیده شهر را در نهایت در انجام چند پروژه ورشکسته مسکن‌سازی، تصور می‌کنیم. گزارش‌هایی همچون زیست‌پذیری شهرها در جهان که از سوی موسساتی چون اکونومیست یا موسسه مرسر منتشر می‌شوند نشان می‌دهند تهران در رتبه بندی‌های جهانی شهرها در حوزه کیفیت زندگی و زیست‌پذیری یکی از ده شهر انتهایی فهرست مذکور در سال ۲۰۲۲ است. وخامت اوضاع شهرها از منظر آلودگی‌های زیست‌محیطی، کاهش کیفیت زندگی، شکاف فضایی-طبقه‌ای و ناپایداری اقتصادی بویژه در تهران حکایت از ضرورت و نیاز جدی به اندیشیدن به مساله آینده شهری، پایداری و تاب‌آوری زندگی دارد. ■

## نکته‌هایی که باید بدانید

- **واقعیت‌های اجتماعی تلخ از یک سو و اجماع نسبی بر سر ضرورت برنامه‌های اصلاحی سبب شدند تا به تدریج اقداماتی در شهرهای بحران زده آن روزگار همچون بهبود وضع بهداشت، توجه به زیبا سازی و فضای سبز شهری، توزیع به نسبت عادلانه خدمات، امکانات و زیرساخت‌ها در مناطق مختلف شهر انجام گیرد.**
- **شهرها با توزیع برابر و دسترس پذیری بیشتر به خدمات پایه‌ای بهتر توانستند از مردم آسیب‌پذیر و در معرض خطر در برابر همه‌گیری کرونا محافظت کنند. شهرهایی که از اختیارات بیشتر در تصمیم‌گیری محلی برخوردار بودند بهتر توانستند در برابر بحران‌های پزشکی و سلامتی واکنش نشان دهند.**
- **شهرهای دنیا، آینده یکسانی را انتظار نمی‌کشند، در حالی که واکنش در برابر آسیب‌پذیری ناشی از تغییرات اقلیمی و سطوح روزافزون نابرابری یک نگرانی جهانی است، مناطق مختلف جهان با مسائل متفاوتی مواجهه هستند.**
- **تهران در رتبه‌بندی‌های جهانی شهرها در حوزه کیفیت زندگی و زیست‌پذیری یکی از ده شهر انتهایی فهرست مذکور در سال ۲۰۲۲ است. وخامت اوضاع شهرها از منظر آلودگی‌های زیست‌محیطی، کاهش کیفیت زندگی، شکاف فضایی-طبقه‌ای و ناپایداری اقتصادی بویژه در تهران حکایت از ضرورت و نیاز جدی به اندیشیدن به مساله آینده شهری، پایداری و تاب‌آوری زندگی دارد.**

در مقدمه این گزارش آمده است که: «با سیاست‌های درست و تعهد صحیح دولت‌ها، کودکان ما می‌توانند وارث آینده شهری بهتری باشند، باید بپذیریم که مسیر طی شده تا سال ۲۰۲۰ به شیوه‌های گوناگون مدل ناپایداری از توسعه شهری بود و بهترین تجربه‌های آموخته را در واکنش‌ها به کووید-۱۹ و بحران‌های اقلیمی به کار بندیم». گزارش تعهد بیشتری را از دولت‌های ملی، منطقه‌ای و محلی می‌طلبد و به کاربستن فناوری‌های نوآورانه و مفاهیم زیست شهری جدید چون «شهر ۱۵-دقیقه‌ای» را که در پاریس، ملبورن و دیگر شهرها به کار بسته شده را تشویق می‌کند، بر پایه این ایده ساکنان شهرها می‌توانند بیشتر نیازهای روزانه‌های خود را در طی سفری ۱۵-دقیقه‌ای تأمین کنند. گزارش تأکید می‌کند خروج گسترده مردم از شهرهای بزرگ در مراحل آغازین همه‌گیری به سمت ایمنی متصور در مناطق روستایی یا شهرهای کوچک‌تر، در عمل واکنشی کوتاه مدت بود. واکنشی که مسیر شهری شدن جهانی را تغییر نخواهد داد. جهان به شهری شدن خویش در سه دهه آینده ادامه خواهد داد و نسبت جمعیت شهری جهان از ۵۶ درصد در سال ۲۰۲۱ به ۶۸ درصد در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید. این یعنی ۲٫۲ میلیارد نفر دیگر به ساکنان شهرها افزوده خواهد شد که عمدتاً در قاره‌های آفریقا و آسیا خواهند بود.

گزارش تأکید می‌کند طبیعت مخرب کرونا به روشنی این نکته را یادآوری کرد که مناطق شهری باید خود را برای آینده‌ای متغیر و پیش‌بینی‌ناپذیر آماده کنند. شهرها در سراسر جهان در کل در برابر اندازه اثرات اقتصادی و اجتماعی همه‌گیری مذکور آمادگی نداشتند. همه‌گیری کرونا نشان داد شهرها چه نقاط ضعف مزمنی در ساختارهای اجتماعی خود دارند چرا که اثرات کووید به شکل بی‌تناسبی بر گروه‌های آسیب‌پذیر و حاشیه‌ای بیشتر بود. درس همه‌گیری کرونا برای شهرها این بود که آن‌ها باید برای آمادگی بیشتر سرمایه‌گذاری کنند، امری که نیازمند توسعه تاب‌آوری اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی و نهادی جهت پاسخ به شمار گسترده‌ای از شوک‌ها از جمله داشتن برنامه‌های احتمالی برای گروه‌های آسیب‌پذیر است.

شهرها برای داشتن آینده‌ای پایدار باید در کانون توجهات خود به مساله ساختارهای نهادی و حکمرانی مناسب بپردازند، به «فقر زدایی» و «رفع نابرابری» اولویت دهند و اقتصاد شهری مولد و جامعی را ترویج کنند که برای همه فرصت فراهم کند. آن‌ها باید دنبال آن دسته از سیاست‌ها و اقدامات محیط زیستی باشند که بتواند اثرات تغییرات اقلیمی را کاهش و شهرها را با آن‌ها انطباق دهد. مسائل مهم دیگر در این زمینه ترویج انرژی پاک و حفاظت از زیست بوم، جای گرفتن بهداشت همگانی در سیاست‌های توسعه شهری هستند. به نظر گزارش تحقق این امور با برنامه‌ریزی و حکمرانی شهری پاسخ‌گو است.

در این گونه از حکمرانی، امور مالی، نوآوری و فناوری نقش‌های مهم دارند. شهرهای دنیا، آینده یکسانی را انتظار نمی‌کشند، در حالی که واکنش در برابر آسیب‌پذیری ناشی از تغییرات اقلیمی و سطوح روزافزون نابرابری یک نگرانی جهانی است، مناطق مختلف جهان با مسائل متفاوتی مواجهه هستند. در کشورهای توسعه یافته اولویت‌های مهم آینده شهر این‌ها هستند: مدیریت تنوع فرهنگی، ارتقا و نوسازی زیرساخت‌های فرسوده، توجه به شهرهای رو به افول و زوال و تأمین نیازهای یک جمعیت به سرعت در حال سالمندی. در کشورهای در حال توسعه، اولویت‌های شهر این امور هستند: سطوح در حال افزایش فقر، تأمین زیرساخت‌های مناسب، مسکن قابل استطاعت و قابل قبول، و سرمایه‌گذاری در شهرهای دومین یا شهرهای پشتیبان شهرهای نخست.

مساله مهم برای همه شهرهای دنیا بازاندیشی در خصوص «حکمرانی شهری» است. در هر چالش شهری که شهرها در آینده با آن مواجه شوند، از فقر گرفته تا بهداشت، مسکن یا محیط زیست، حکمرانی شهری همیشه نقش مساعد بی‌بدیلی در تضمین این امر دارد که ظرفیت‌ها و منابع نهادها و مردم با مسئولیت‌ها و خواسته‌هایشان منطبق باشد. توسعه شهری پایدار بدون حکمرانی شهری چند سطحی شامل حکومت‌های محلی، جامعه مدنی و دولت‌های ملی، ممکن نیست. یک یافته مهم گزارش اهمیت و ضرورت عدالت فضایی در واکنش به شوک‌های آینده است. عدالت فضایی شهری باید ساکنان آسیب‌پذیر شهر را در تصمیم‌گیری‌ها سهیم کند. شهرها با توزیع برابر و دسترس‌پذیری بیشتر به خدمات پایه‌ای بهتر توانستند از مردم آسیب‌پذیر و در معرض

# راه دشوار زنان در اقتصاد

## ضرورت و اهمیت کارآفرینی زنان

چه عواملی بر توسعه کسب و کار زنان تاثیرگذار است؟ موانع موجود در مسیر کدام است و سیاست‌گذاران چه باید بکنند؟ پاسخ را در این مقاله بخوانید.

بنا



فاطمه پاسیان

کارشناس اقتصادی

چرا باید خواند:

اگر می‌خواهید درباره وضعیت کسب و کار زنان در کشور، بدانید، خواندن این مقاله به شما توصیه می‌شود.

در ادبیات موضوع، تعاریف متفاوتی از کسب‌وکار ارائه شده است. در واژه‌نامه آکسفورد، کسب‌وکار به معنی خریدوفروش و تجارت است. در واژه‌نامه لانگمن، کسب‌وکار به فعالیت پول درآوردن و تجارتي که از آن پول حاصل شود، گفته می‌شود. بر طبق نظر ارویک و هانت کاری که در آن خدمات یا کارهایی که دیگر افراد جامعه به آن نیاز دارند و مایل به خرید آن هستند و توان پرداخت بهای آن را دارند، تولید، توزیع و عرضه می‌شود، کسب‌وکار است. پروفیسور اون، کسب‌وکار را یک نوع کاسبی می‌داند که طی آن کالاها یا خدمات برای فروش در بازار تولید و توزیع می‌شوند. در یک نگاه عمومی می‌توان گفت کسب‌وکار، فعالیتی برای امرار معاش یا کسب درآمد از تولید، یا خریدوفروش محصولات (مانند کالاها و خدمات) است. به‌طور کلی می‌توان گفت که کسب‌وکار شامل فرآیندی است که افراد با قدرت خلاقیت و کارآفرینی خود، فرصت‌های تجاری را از طریق راه‌اندازی شرکت‌های مختلف خلق می‌کنند که علاوه بر ایجاد اشتغال، می‌توانند خدمات و محصولات متنوعی را به جامعه هدف خود (مشتریان) ارائه دهند. کسب‌وکارها بر اساس عوامل مختلفی در چندین گروه طبقه‌بندی می‌شوند. میزان سرمایه‌گذاری، تعداد نیروی کار و... از جمله مهم‌ترین معیارهای دسته‌بندی کسب‌وکارها به شمار می‌روند.

تعریف کسب‌وکارها یا صنایع کوچک و متوسط در کشورهای مختلف متفاوت است، اما رایج‌ترین ملاک تقسیم‌بندی شرکت‌ها بر اساس تعداد کارکنان است. اگرچه این شاخص در کشورهای مختلف دنیا به لحاظ تعداد متفاوت است اما بیشتر کشورها بنگاه‌های کوچک و متوسط را به لحاظ تعداد شاغلان در طیف معینی از ۱ تا ۵۰۰ کارکن تعریف می‌کنند. به‌عنوان مثال در کانادا بنگاه‌های با کمتر از ۵۰۰ نفر کارکن، در گروه بنگاه‌های کوچک و متوسط طبقه‌بندی می‌شوند در حالی که در اتحادیه اروپا بنگاه‌های با اشتغال کمتر از ۲۵۰ نفر متوسط، کمتر از ۵۰ نفر کوچک و کمتر از ۱۰ نفر خرد نامیده می‌شوند. اتحادیه اروپا از سه معیار برای تعریف و شناسایی بنگاه‌های کوچک و متوسط استفاده می‌کند که عبارت از تعداد کارکنان، حجم گردش مالی سالانه بنگاه و میزان دارایی و بدهی‌های آنها. در ایران براساس تعریف وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت جهاد کشاورزی، بنگاه‌های کوچک و متوسط، واحدهای صنعتی و خدماتی هستند که کمتر از ۵۰ نفر کارکن دارند. مرکز آمار ایران، کسب‌وکارها را به چهار گروه شامل کسب‌وکارهای ۹-۱ کارگر، ۴۹-۱۰ کارگر، ۹۹-۵۰ کارگر و بیش از ۱۰۰ کارگر طبقه‌بندی کرده است. در آیین‌نامه اجرایی گسترش بنگاه‌های کوچک و زودبازده که در سال ۱۳۸۴ تصویب شد و مسئولیت اجرایی آن بر عهده سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی است، به واحدهای تولیدی (کالا و خدمات) کمتر از ۵۰ نفر کارکن، بنگاه کوچک اطلاق می‌شود.

آنچه اداره آمار بانک مرکزی به‌عنوان طبقه‌بندی واحدهای صنعتی در نظر می‌گیرد بدین‌صورت است که واحدهای با کمتر از ۱۰ نفر کارکن خرد، ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن کوچک، ۵۰ تا ۹۹ نفر کارکن متوسط و بالاتر از ۱۰۰ نفر کارکن بزرگ نامیده می‌شوند. کسب‌وکارهای خرد دامنه وسیعی از فعالیت‌های مختلف را در برمی‌گیرد: حوزه‌های صنعت، کشاورزی، تجارت، خانگی و غیره.

کسب‌وکارهای کوچک اهمیت بسیاری دارند؛ ایجاد اشتغال را به همراه دارند و می‌توانند در کاهش نرخ بیکاری در جامعه مؤثر باشند؛ توسعه اقتصادی را رقم بزنند این کسب‌وکارها با تولید محصولات و خدمات جدید، به رشد اقتصادی و ایجاد درآمد و فرصت‌های شغلی کمک می‌کنند، ایجاد رقابت را فراهم کنند به‌طوری‌که در بازار رقابتی، با بزرگ‌ترین شرکت‌ها نیز رقابت می‌کنند و با ارائه محصولات و خدمات با کیفیت و قیمت مناسب، بازار را به خود جذب می‌کنند و رقابت را در بازار افزایش می‌دهند، نوآوری را رقم می‌زنند و به‌عنوان مراکزی برای نوآوری و تحقیق و توسعه، اهمیت بسیاری دارند. این کسب‌وکارها، به دلیل انعطاف‌پذیری و قابلیت تغییر، می‌توانند به خلق و ارائه محصولات و خدمات جدید و نوآورانه کمک کنند، ایجاد شبکه‌سازی کنند به دلیل اینکه در سطح محلی فعالیت می‌کنند، می‌توانند شبکه‌هایی از روابط و ارتباطات در محل ایجاد کنند و به دستیابی به منابع و فرصت‌های جدید کمک کنند. از این‌رو می‌توان گفت که کسب‌وکارهای کوچک به دلیل انعطاف‌پذیری و توانایی سازگاری با تغییرات در بازار، علاوه بر ایجاد اشتغال، می‌توانند به رشد اقتصاد، کاهش فقر و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی کمک کنند. با توجه به این نقش‌ها، می‌توان گفت کسب‌وکارهای کوچک، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی اقتصاد، می‌توانند به توسعه اقتصاد و بهبود شرایط اجتماعی کمک کنند بر اساس اطلاعات بانک جهانی شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEs) نقش عمده‌ای در بیشتر اقتصادها، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه دارند. شرکت‌های کوچک و متوسط اکثریت کسب‌وکارها را در سراسر جهان تشکیل می‌دهند و سهم مهمی در ایجاد شغل و توسعه اقتصادی جهانی دارند. آن‌ها حدود ۹۰ درصد از مشاغل و بیش از ۵۰ درصد از اشتغال را در سراسر جهان تشکیل می‌دهند. SMEهای رسمی تا ۴۰ درصد از درآمد ملی (GDP) در اقتصادهای نوظهور را تشکیل می‌دهند. این اعداد زمانی که SMEهای غیررسمی را هم در نظر گرفت به‌طور قابل توجهی بیشتر است. بر اساس برآوردهای انجام‌شده تا سال ۲۰۳۰ به ۶۰۰ میلیون شغل برای جذب نیروی کار برای رشد جهانی نیاز خواهد بود که توسعه SME برای بسیاری از دولت‌ها در سرتاسر جهان در اولویت قرار دارد. در بازارهای نوظهور، بیشتر مشاغل رسمی توسط شرکت‌های کوچک و متوسط ایجاد می‌شود که از هر ۱۰ شغل، ۷ شغل ایجاد می‌کنند.

بررسی وضعیت کسب‌وکارها در کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد آن‌ها بخش عمده‌ای از بار کسب‌وکارهای خرد را بانوان به دوش می‌کشند. کسب‌وکارهای خرد بر پایه نقش محوری بانوان به‌طور معمول، شرکت‌های کوچک وابسته به بازارهای محلی را شامل می‌شود. آن‌ها به این کسب‌وکارها به‌عنوان یک حرفه ثابت برای امرار معاش اعضای خانواده نگاه می‌کنند اما در همین کسب‌وکارهای خرد ظرفیت‌های منحصر به فرد انسانی و مالی وجود دارد که می‌تواند به‌عنوان رویکردی برای توسعه پایدار در نظر گرفته شود

گزارش پایش ملی محیط کسب و کار ایران تابستان ۱۴۰۲ مرکز پژوهش‌های اتاق ایران حاکی از آن است که وضعیت محیط کسب و کار در تابستان ۱۴۰۲ نسبت به بهار ۱۴۰۲ بدتر شده است. همچنین فعالان اقتصادی مشارکت‌کننده در این پایش، به ترتیب سه مؤلفه غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات، دشواری تأمین مالی از بانک‌ها و بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب و کار را نامناسب‌ترین مؤلفه‌های محیط کسب و کار کشور می‌دانند.

همچنین فعالان اقتصادی (کسب و کارها) مشارکت‌کننده در این پایش، به ترتیب سه مؤلفه غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات، دشواری تأمین مالی از بانک‌ها و بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب و کار را نامناسب‌ترین مؤلفه‌های محیط کسب و کار کشور نسبت به سایر مؤلفه‌ها ارزیابی نموده‌اند. به عبارتی شاخص‌های فضای کسب و کار حال خوبی نداشته از وضعیت مناسبی برخوردار نمی‌باشند. نکته مهم‌تر آن که عوامل تأثیرگذار بیرونی بر کسب و کارها که خارج از کنترل و مدیریت آنان است یعنی تورم، بازار مالی و تأمین سرمایه و قوانین و مقررات مهم‌ترین چالش‌های کسب و کارهای ایران است و به عبارتی حکمرانی خوب شکل نگرفته است. این سه چالش بنوعی بازتابی از سیستم اقتصادی کشور است و نمی‌توان انتظار داشت با ناکارآمدی سیستم اقتصادی کشور، کسب و کار بانوان و به‌خصوص کسب و کارهای کوچک‌مقیاس تقویت و فرصت‌های کارآفرینی و درآمدزایی برای آنان توسعه یابد. در بسیاری از تحقیقات در خصوص کسب و کارهای بانوان به چالش‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی اشاره نمودند از جمله می‌توان به تأمین مالی، بازاریابی، شفافیت اطلاعات، تبعیض در برخورداری از فرصت‌های برابر، نگاه جنسیتی، نبود شبکه حمایتی (اقتصادی و اجتماعی و حقوقی) کارآمد، کمبود آموزش‌های حرفه‌ای و تخصصی مرتبط با کسب و کار با روش‌های نوین آموزش اشاره نمود. چالش‌ها و مشکلات آشکار و شفاف هست اما در عمل، اقداماتی که منجر به حل مسئله شود، وجود ندارد و ضرورت دارد مجموعه‌ای از راهبردهای مؤثر بر رشد کسب و کارهای بانوان با رویکرد حکمرانی خوب تدوین و عملیاتی شود که عبارت‌اند از راهبردهای بازاریابی (توسعه بازار، توسعه محصول، نفوذ در بازار، تمایز و تنوع‌گرایی)، راهبرد شیوه‌های کسب و کار (مشتری مداری، آموزش، استفاده از فناوری روز، شبکه‌سازی و چاپکی) و راهبرد گرایش کارآفرینانه (گرایش نوآوری، ریسک‌پذیری و پیش‌فعالی). در کنار آن عبور از شیوه‌ها و روش‌های تکرار شده پر تجربه غیر کارآمد و شعاری و روی آوردن به «تغییر و اصلاح» رویه‌ها و فرآیندها و الگوهای مختلف تأثیرگذار بر کسب و کار و به‌خصوص کسب و کار بانوان بر اساس معیارهای علمی (طبقه‌بندی شده خرد، کوچک، متوسط و بزرگ نه نگاه یکسان) و متناسب با کشور ایران، در خصوص روش‌های جدید تأمین مالی، شبکه‌سازی و زنجیره سازی، کارهای جمعی و گروهی، الگوهای حکمرانی خوب صورت گیرد.

به قول سعدی شیرین‌زبان:

سعدیا گرچه سخندان و مصالح گوئی

به عمل کار برآید به سخندانی نیست

نیاز عبور از شعار به واقعیت و عمل را داریم. راهبردهای توسعه کسب و کار کوچک‌مقیاس بانوان (شهری و روستایی) با رویکرد حکمرانی خوب لازمه عبور از مسائل موجود است. آیا این مهم در برنامه هفتم توسعه دیده شده است؟

## نکته‌هایی که باید بدانید

▶ شرکت‌های کوچک و متوسط اکثریت کسب و کارها را در سراسر جهان تشکیل می‌دهند و سهم مهمی در ایجاد شغل و توسعه اقتصادی جهانی دارند. آن‌ها حدود ۹۰ درصد از مشاغل و بیش از ۵۰ درصد از اشتغال را در سراسر جهان تشکیل می‌دهند.

▶ SMEهای رسمی تا ۴۰ درصد از درآمد ملی (GDP) در اقتصادهای نوظهور را تشکیل می‌دهند. این اعداد زمانی که SMEهای غیررسمی را هم در نظر گرفت به‌طور قابل توجهی بیشتر است.

▶ بر اساس برآوردهای انجام‌شده تا سال ۲۰۳۰ به ۶۰۰ میلیون شغل برای جذب نیروی کار برای رشد جهانی نیاز خواهد بود که توسعه SME برای بسیاری از دولت‌ها در سرتاسر جهان در اولویت قرار دارد. در بازارهای نوظهور، بیشتر مشاغل رسمی توسط شرکت‌های کوچک و متوسط ایجاد می‌شود که از هر ۱۰ شغل، ۷ شغل ایجاد می‌کنند.

اطلاعات و آمار در سطح جهانی حاکی از آن است که از هر ۳ کسب و کار کوچک، متوسط و بزرگ تنها یک مورد متعلق به بانوان است. این نرخ در بین مناطق مختلف دنیا متفاوت است، از کمترین ۱۸ درصد در جنوب آسیا تا بیشترین ۵۰ درصد در آمریکای لاتین و کارائیب در نوسان است. در آسیای شرقی و اقیانوسیه، ۴۷ درصد و در خاورمیانه، پایین‌ترین سطح ۷ درصد در جمهوری یمن به ۴۹ درصد در تونس ثبت شده است. از طرفی دیگر اطلاعات نشان می‌دهد مشارکت بانوان در مالکیت کسب و کار با سطح درآمد کشورها همبستگی مثبت دارد، اما تنها به این عامل بستگی ندارد. در کشورهای کم‌درآمد، از هر ۴ کسب و کار تنها یک کسب و کار متعلق به بانوان است. در کشورهای با درآمد متوسط و بالا، این نرخ به ترتیب ۳۶ و ۳۷ درصد است.

سهم شرکت‌های کوچک، متوسط و بزرگ با حضور یک زن در بین مالکان اصلی (درصد)



بر اساس آخرین آمار سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، بنگاه‌های کوچک و متوسط بیش از ۸۰ درصد از بنگاه‌های صنعتی کشور را تشکیل می‌دهند که نزدیک به ۱۰ درصد از درآمد صادراتی کشور را تأمین می‌کنند اما اطلاعات دقیقی از کسب و کارهای کوچک و به‌خصوص کسب و کارهای بانوان موجود نیست. در این میان اطلاعات منتشرشده از اشتغال و بیکاری در ایران حاکی از آن است که هنوز بستر حضور بانوان در کسب و کارهای مختلف فراهم نشده است. بر اساس آمار منتشرشده مرکز آمار ایران (نتایج طرح آمارگیری نیروی کار تابستان ۱۴۰۱) بیش از ۲۶ میلیون جمعیت فعال اقتصاد کشور که در تابستان ۱۴۰۱ تمایل به کار کردن داشته‌اند، نزدیک به ۱۷ درصد از این تعداد سهم زنان است که نشان دهند نقش کم‌رنگ زنان در بازار کار ایران است. از طرفی مشاهده می‌شود که نرخ بیکاری بانوان در حدود ۱۷٫۲ درصد است که نسبت به نرخ بیکاری مردان که در حدود ۷٫۳ درصد است، ۲٫۴ برابر نرخ بیکاری مردان است. برای گروه سنی ۱۸-۳۵ ساله، نرخ بیکاری برای مردان ۱۳٫۱ و برای زنان ۲۹٫۳ بوده که این نرخ برای زنان ۲٫۲ برابر مردان و نرخ بیکاری بالایی است. این ارقام نشان‌دهنده آن است که فرصت‌های برابر شغلی برای زنان فراهم نشده است. در این میان بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی نشان از آن دارد که فرصت کار برای بانوان به‌مراتب کم‌رنگ‌تر از مردان است. نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر فارغ‌التحصیل آموزش عالی برای مردان ۸٫۸ و برای زنان ۲۳٫۲ درصد است، یعنی بیکاری زنان تحصیل‌کرده آموزش عالی ۲٫۶ برابر مردان است؛ یعنی امکان فرصت کار کمتر برای زنان تحصیل‌کرده آموزش عالی. ارقام حاکی از کاهش حضور زنان در کسب و کارهای مختلف در بازار کار است؛ یعنی فرصت‌ها برای زنان کمتر شده است. آمار هم‌چنین نشان می‌دهد نقش‌آفرینی زنان در بخش خدمات (۵۸ درصد سهم) نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی بیشتر و در بخش کشاورزی (۱۶ درصد سهم) از همه کمتر است. بخش صنعت هم در حدود ۲۵٫۹ درصد اشتغال زنان را به خود اختصاص داده است. ارقام نشان می‌دهد هنوز فرصت‌های کسب و کار برای زنان در بخش صنعت و کشاورزی مهیا نشده است و این در حالی است که رشته‌های دانشگاهی صنعتی و کشاورزی برای زنان دانشجو می‌پذیرند و فارغ‌التحصیل دارند.

آمارها سؤال ایجاد می‌کنند که چرا با وجود شعارهای گوناگون: فرصت برابر برای دستیابی به حمایت‌ها و امتیازات و سهم از توسعه و ایجاد فرصت‌های شغلی، هنوز بانوان در کسب و کارها (از ایجاد تا پایداری) با مشکلات متعدد روبرو هستند؟

آنچه مسلم است بخشی از چالش‌ها و موانع کسب و کار بانوان جدای از چالش‌های فضای کسب و کار ایران نیست. گزارش پایش ملی محیط کسب و کار ایران تابستان ۱۴۰۲ مرکز پژوهش‌های اتاق ایران حاکی از آن است که وضعیت محیط کسب و کار در تابستان ۱۴۰۲ (۶،۱۱) نمره بدترین ۱۰ است) نسبت به بهار ۱۴۰۲ (۶،۰۵) بدتر شده است.

## چرا بودجه مهم نیست؟

### پیچیدگی‌های سند مالی دولت

از بودجه ۱۴۰۳ چه انتظاری دارید و راه‌های گشایش در این بودجه برای اقتصاد کشور چیست؟ پاسخ را در این مقاله بخوانید.

بنا



حسین حقگو

کارشناس اقتصادی

#### چرا باید خواند:

اگر می‌خواهید درباره

بودجه و مسائل آن

با توجه به وضعیت

اقتصاد ایران بدانید،

خواندن این مقاله به

شما توصیه می‌شود.

رسیده، اما زحمتی برای حفظ آن‌ها نمی‌کشیم. شبکه مخابرات کشور به ما به ارث رسیده است. شبکه راه‌آهن و این پل‌های عظیمی که داریم به ما به ارث رسیده است. تالاب‌های ما، دریاچه‌های ما، همه این‌ها باغ‌های آلبالوی ما به شمار می‌روند. مدیران دستگاهها در حال واگذاری و فروختن باغ‌های آلبالو هستند. در معاملاتی که هیچوقت جزئیاتش افشا نمی‌شود، دارایی‌های ما به فروش می‌رسد. خوشبختانه کشور ما هنوز هم خیلی ثروتمند است. باید هر چه زودتر، به داد باغ‌های آلبالو برسیم. متأسفانه منابع زیادی از دست‌داده‌ایم. زمانی سفره‌های آب زیرزمینی داشتیم، تالاب‌های ما زنده بودند. کیفیت خاک ما عالی بود و فرسایش خاکمان کم بود. کیفیت دریاها را ما خیلی خوب بود. بندرگاه‌های ما در موقعیت برتر قرار داشتند. ظرفیت گمرک‌های ما زیاد بود، اما همه این‌ها از دست رفت.» (تجارت فردا- ۶ آبان ۱۴۰۲)

تصویری که رئیس اتاق تهران اخیراً از وضعیت صنعت و بنگاه‌های صنعتی کشور ترسیم می‌کند نیز پرده دیگری از وخامت حال‌وروز اقتصاد و صنعت کشور را نمایش می‌دهد: «در اغلب شهرهای صنعتی سوله‌های خالی، خاک‌گرفته و متروک به‌سیار است. پنجره‌های شکسته و تار عنکبوت‌بسته، تصویر تعدادی از شهرهای صنعتی شده است. در برخی شهرهای صنعتی پرند پر نمی‌زند. از چند کارخانه و سوله‌های کنار هم به‌ندرت یکی یا چند تا کار می‌کنند و بقیه تعطیل هستند. شهرک‌ها پر از ساختمان‌های نیمه‌ساز و سوله‌های نیمه‌کاره شده‌اند، آن‌هم نه در نقاط دورافتاده کشور، بلکه در همین شهرهای کنار گوش پایتخت که روزگاری صنایع مهم برای در اختیار گرفتن زمین و احداث کارخانه در آن‌ها سر و دست می‌شکستند» (دنیای اقتصاد- ۱۴۰۲/۹/۶). وضعیتی شبیه فضای ویران مرثیه شعری بلند «سرزمین بی‌حاصل» اثر تی. اس. الیوت شاعر بزرگ انگلیسی که بعد از جنگ جهانی اول سروده شده است: «در اینجا آبی نیست و همه سنگ است / صخره است و بی‌آبی و گذرگاهی شنی / در اینجا نه مجال ایستادن هست، نه خفتن و نه آرمیدن، / در این کوهسارها حتی سکوت هم نیست / فقط تندر خشک سترون است که در آن نیست آبی / در این سنگستان حتی نیست تنهایی».

اینکه بخشی از جامعه ایران، یعنی جامعه صنعتی کشورمان که مرکز و محور توسعه است، بدون بروز جنگ و اصابت بمب و موشک به چنین روزی دچار شده نتیجه سیاست‌گذاری‌های فاجعه‌باری است که طی چند دهه در حوزه اقتصاد و صنعت بکار بسته‌شده و متأسفانه همچنان بر آن اصرار و تأکید می‌شود؛ سیاست‌هایی که کم از بمب و موشک نداشته است. از سیاست خارجی پرتنش طی دهه‌ها که جزو

«بودجه» در کشورهای توسعه‌یافته و قدرت‌های نوظهور با سرمایه‌گذاری و تولید و رشد و توسعه گره خورده و مترادف و هم‌معناست. در این کشورها حتی هزینه‌های جاری و اجرایی نیز سمت‌وسوی توسعه‌ای و در خدمت ارتقای امنیت و بهداشت و آموزش و خدمات و رفاه عمومی دارد.

در کشورمان اما تقریباً کمتر نشانه‌ای از این هم‌معنای و تجانس قابل مشاهده است و هر روز بیشتر بر شدت بی‌معنایی سند مالی یک‌ساله دولت با ضرورت‌های امروز و آینده کشور افزوده می‌شود. یک نمونه مشخص آنجاست که به گفته رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس: «بیش از ۸۳ درصد از بودجه به حقوق و دستمزد و کمک به صندوق‌های بازنشستگی اختصاص دارد» (۹/۱۸). بدین ترتیب امکان مانور دولت برای سایر هزینه‌ها و بخصوص هزینه‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری، حداکثر ۱۷ درصد خواهد بود. نسبتی که در دهه‌های قبل ۴۰ درصد بوده است. این کاهش توان سرمایه‌گذاری دولت وقتی با رکود و کاهش توان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به‌واسطه بیش از یک دهه فشارهای شدید تحریمی خارجی و سیاست‌های غلط داخلی و توان تولیدی این بنگاه‌ها همراه می‌شود (تنها ۴۱ درصد از ظرفیت بالقوه تولید کشور در حال کار است و ۵۹ درصد ظرفیت تولید خالی مانده است. رئیس اتاق تهران- ۱۴۰۲/۱۰/۳)، عملاً امکان افزایش مناسب دستمزد کارگران را بیش از میزان امسال بسیار مشکل و فقر و بی‌عدالتی را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر همین هزینه‌کرد ۸۳ درصدی منابع بودجه در پرداخت حقوق و دستمزد، تکاپوی حداقل‌های زندگی حقوق‌بگیران را نیز نمی‌دهد. چنانکه در بودجه سال آتی در حالی از افزایش ۱۸ تا ۲۰ درصدی حقوق و دستمزد شاغلان و بازنشستگان سخن رفته است که تورم سال آتی در محدوده ۴۰ درصد پیش‌بینی می‌شود. بر این اساس حقوق‌بگیران می‌بایست نیمی از تورم تحمیلی دولت را از محل کوچک‌شدن سفره خود بپردازند؛ کمتر و بدتر بخورند و بیاشامند و ضرورت‌های درمانی و بهداشتی و آموزشی خود را بیش از پیش محدود نمایند و استفاده از اوقات فراغت و تفریحات را به‌خاطر بسیارند.

دکتر فرهاد نیلی، اقتصاددان مطرح کشورمان در گفت‌وگویی با بهره‌گیری از ادبیات و نمایشنامه درخشان «باغ آلبالو» نوشته آنتون چخوف نویسنده انسان‌دوست روسیه (که البته هیچ نسبتی با سیاستمداران روسیه امروز ندارد!) اوضاع کشور را چنین تشریح می‌کند: «در شرایطی که سر می‌پریم که املاک و منابع قدیمی کشور را داریم می‌فروشیم. همه این‌ها به ما ارث



در بودجه سال آتی در حالی از افزایش ۱۸ تا ۲۰ درصدی حقوق و دستمزد شاغلان و بازنشستگان سخن رفته است که تورم سال آتی در محدوده ۴۰ درصد پیش‌بینی می‌شود. بر این اساس حقوق‌بگیران می‌بایست نیمی از تورم تحمیلی دولت را از محل کوچک‌شدن سفره خود بپردازند.



### نکته‌هایی که باید بدانید

▲ انتظار از بودجه برای معجزه به‌جای اصلاح دولت و اقتصاد به راه اشتباه رفتن و دور خود چرخیدن است پس راه چاره، اصلاح بیخ و بنیان و تاروپود اقتصاد است. اقتصاد باید متنوع، غیرمتکی به نفت و دارای درآمدهای پایدار باشد و دولت هم باید خوش‌فکر، متکی به خواست و اراده مردم و به دنبال مصلحت بلندمدت مردم (و نه صرفاً رضایت کوتاه‌مدت آن‌ها) باشد تا تصویر ترکیبی آن یعنی بودجه هم اصلاح شود.

▲ اقتصاد ایران سال‌هاست، دچار رفاه مبتنی بر «اضمحلال منابع» است. در این پارادایم اقتصاد سیاسی «مصرف منابع هیچ ربطی با ورودی منابع» ندارد و می‌توان فارغ از اصل پایه‌ای و محوری اقتصاد یعنی «محدودیت منابع» و با قیمت‌های دستوری، منابع طبیعی و مالی را مصرف کرد و به تعبیر بهتر به هدر داد.

▲ لایحه بودجه سال آینده نیز افق روشنی را چشم‌انداز نمی‌گشاید. چنانکه از حدود ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار میلیارد تومان بودجه عمومی حدود یک‌میلیون و ۸۰۰ هزار میلیارد تومان صرف هزینه‌های جاری و پرداخت بدهی‌های دولت و تنها ۳۷۰ هزار میلیارد تومان صرف پروژه‌های عمرانی می‌شود که مهم‌ترین شاخص سرمایه‌گذاری در یک سال آتی کشور است.

ذاتی زندگی اقتصادی و سیاسی جامعه ایران شده است تا عوامل بس‌ناسازگار با توسعه و توسعه صنعتی نظیر قیمت‌گذاری دستوری و نظام ارزی چند نرخ و تعرفه‌های بالا و محدودیت‌های تجاری و کسری بودجه‌های مزمن و تورم‌زا و نظام بانکی مبتنی بر نرخ بهره پایین‌تر از تورم و انرژی‌یارانه‌ای و نظام بنگاهی عجیب‌وغریب حصولتی و...

اقتصاد ایران سال‌هاست دچار رفاه مبتنی بر «اضمحلال منابع» است (دکتر مسعود نیلی). در این پارادایم اقتصاد سیاسی «مصرف منابع هیچ ربطی با ورودی منابع»



ندارد و می‌توان فارغ از اصل پایه‌ای و محوری اقتصاد یعنی «محدودیت منابع» و با قیمت‌های دستوری، منابع طبیعی و مالی را مصرف کرد و به تعبیر بهتر به هدر داد. کمبود گاز در زمستان و کمبود برق در تابستان و کمبود آب در تمام فصول از جلوه‌های آشکار پارادایم اضمحلال منابع است. جلوه‌های پنهان‌تر این عارضه را می‌توان در کسری بودجه و ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی و ناترازی منابع بانک‌ها و... مشاهده کرد. این فرآیند نه‌فقط با اجرای شش برنامه توسعه (برنامه‌هایی که در خوش‌بینانه‌ترین حالت به گفته بالاترین مقامات و مسئولان کشور و نهادهای پژوهشی رسمی یکسوم اهداف آن‌ها محقق شده است؛ رئیس مجلس و رئیس مرکز پژوهش‌ها - ۱۴۰۱/۴/۴ و ۱۴۰۱/۹/۲۶) و بودجه‌های سالیانه تغییر نکرد بلکه در گذر زمان و با اجرای سیاست‌های غلط مبتنی بر هرچه دولتی‌تر، نفتی‌تر و بسته‌تر شدن اقتصاد، این جراحی عمیق‌تر و درمان‌ناپذیرتر نیز شد.

درواقع بودجه به‌عنوان مهم‌ترین سند مالی یک‌ساله دولت‌ها کارکردهای خود را در کشورمان از جمله در ارتقای رشد و ثبات اقتصادی و کاهش فقر و عرضه کالای عمومی تا حد زیادی از دست داده و به رفتاری بوروکراتیک و بالا و پایین کردن اعداد و ارقام و تقسیم سهم بین سازمان و مؤسسات تبدیل شده است. چنانکه هر ساله فقط بر روی کاغذ تراز می‌شود و در واقعیت همچون برنامه‌های توسعه‌ای کسر بزرگی از آن محقق نمی‌شود (بنابه نظراتی کسری بودجه ۴۵۰ هزار میلیارد تومانی در امسال) و با چاپ پول و افزایش نقدینگی به آوار توری می‌انجامد، توری که اکنون در محدوده ۴۰ تا ۵۰ درصد قرار دارد و کشورمان را صاحب رکورد جهانی به‌واسطه طول مدت دورقمی بودن تورم کرده است (به اعتقاد بسیاری ایران تنها کشوری در جهان است که به مدت بیش از چهار دهه دارای تورم دورقمی است).

بر این اساس لایحه بودجه سال آینده نیز افق روشنی را چشم‌انداز نمی‌گشاید. چنانکه از حدود ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار میلیارد تومان بودجه عمومی حدود یک‌میلیون و ۸۰۰ هزار میلیارد تومان صرف هزینه‌های جاری و پرداخت بدهی‌های دولت و تنها ۳۷۰ هزار میلیارد تومان صرف پروژه‌های عمرانی می‌شود که مهم‌ترین شاخص سرمایه‌گذاری در یک سال آتی کشور است. بودجه‌ای که با انواع ناترازی‌های مالیاتی، یارانه‌ای، بانکی و از همه مهم‌تر ناترازی درآمد-هزینه نیز مواجه است «انتظار از بودجه برای معجزه به‌جای اصلاح دولت و اقتصاد به راه اشتباه رفتن و دور خود چرخیدن است پس راه چاره، اصلاح بیخ و بنیان و تاروپود اقتصاد است. اقتصاد باید متنوع، غیرمتکی به نفت و دارای درآمدهای پایدار باشد و دولت هم باید خوش‌فکر، متکی به خواست و اراده مردم و به دنبال مصلحت بلندمدت مردم (و نه صرفاً رضایت کوتاه‌مدت آن‌ها) باشد تا تصویر ترکیبی آن یعنی بودجه هم اصلاح شود» (بودجه به زبان ساده- مرکز پژوهش‌های مجلس- دی‌ماه ۹۷).

## سهل انگاری ملی

عدم تمرکز یا زاویه با مشارکت عمومی و خصوصی

تجارت

وضعیت پروژه‌های نیمه تمام در کشور چیست و براساس قانون، بخش خصوصی چگونه می‌تواند در این حوزه فعالیت کند؟ لایحه مشارکت عمومی-خصوصی چه ظرفیتی برای بخش خصوصی در پروژه‌های عمرانی در نظر دارد؟ موانع مسیر کدام است؟ این مقاله را بخوانید.



سهیل آرسول

عضوهیئت نمایندگان اتاق تهران

چرا باید خواند:

اگر به مسائل و

موضوعات حوزه

عمرانی و مشارکت

بخش خصوصی در

این حوزه علاقه‌مند

هستید، خواندن این

مقاله به شما توصیه

می‌شود.

## نکته‌هایی که باید بدانید

- هنوز هم چندان شفاف نیست که کدام دلایل بر اجرایی نشدن مشارکت عمومی-خصوصی در ابعاد وسیع و کارآمد در کشور موثرتر است. فقدان شناخت، سهل‌نگری یا زاویه و فرصت‌طلبی!
- عدم اجرایی شدن نهاد مشارکت عمومی-خصوصی در کشور به‌مانند میدانی بزرگ است که شاهراه‌های مختلفی به آن وارد می‌شود، فقدان شناخت، کمبود آمار و اطلاعات، رانت‌جویی و ویژه‌خواری، تصدی‌گری دولت و عدم اشتیاق به واگذاری سهم به بخش خصوصی و غیره.
- ۸۰ هزار پروژه نیمه‌تمام که بالغ بر ۱۰ درصد آن ملی و الباقی آن استانی است به‌راحتی قابل غربالگری است که در میان آن پروژه‌های مکرر و شفافی که دارای توجیه پررنگ اقتصادی هستند وجود دارد که با شناسایی آن بخش خصوصی می‌تواند به ورود، مشارکت و بهره‌برداری از آن بپردازد.

دارایی‌های متوقف مانده در پروژه‌های نیمه‌تمام کشور و توسعه زیرساخت‌ها شود به محاق ۵-۶ ساله رفته است و از سوی دیگر با قانون‌ها یا مصوبه‌های شورای سران قوا با دنبال میان‌بر یا نوشدارو هستیم. یا برای مثال تبصره ۴ قوانین بودجه سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ با شرح ذیل دو سال پیاپی در متن قانون تکرار شده و در مرحله بلوغ و به نتیجه رسیدن آن در لایحه پیشنهادی بودجه سال ۱۴۰۳ دولت حذف شده است. با تأکید متن کامل این تبصره را در این بخش از یادداشت ذکر می‌کنیم که صاحب‌نظران بیان کنند نقص یا عدم ضرورت این تبصره چه بوده است که در لایحه بودجه سال جاری حذف می‌شود.

## «تبصره ۴- مشارکت با بخش غیردولتی برای اجرای طرح‌ها

الف- به وزارتخانه‌ها و سایر دستگاه‌های اجرائی و شهرداری‌ها اجازه داده می‌شود با استفاده از روش‌های مشارکت عمومی و خصوصی با رعایت قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳/۱۰/۲۵ نسبت به اجرا، تکمیل و بهره‌برداری از طرح (پروژه)‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای با بخش خصوصی و غیردولتی، اقدام و تا ده درصد (۱۰ درصد) از سرجمع اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مربوط به هر دستگاه اجرائی را صرف تأمین منابع برای مشارکت در این طرح (پروژه)‌ها کند.

۱. تعیین قیمت تکلیفی و تعرفه‌گذاری برای محصول طرح (پروژه) با رعایت ماده (۹۰) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و اصلاحیه مربوط به آن امکان‌پذیر است.

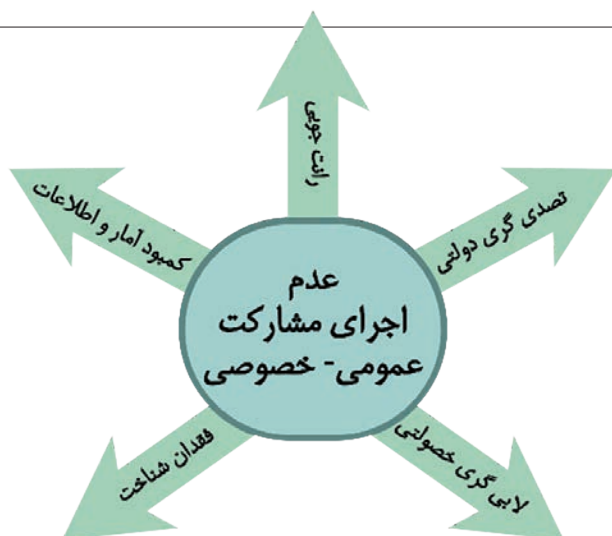
۲. سازمان برنامه‌بودجه کشور به نیابت از دولت، تعهدات آتی طرح (پروژه) را تضمین می‌کند.

۳. طرح‌های موضوع این تبصره مشمول اجزای (۱) و (۲) بند «ث» ماده (۱۳۲) قانون مالیات‌های مستقیم موضوع ماده (۳۱) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۱۲ است.

۴. سازمان برنامه‌بودجه کشور موظف است روش‌ها و شرایط قراردادی، کلیه مقررات تضامین طرفین و دیگر مقررات مربوط و نیز چهارچوب‌های نظارتی متناسب با انواع طرح (پروژه) را در پایگاه «بازار الکترونیک طرح‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری زیرساختی» منتشر کند. هرگونه تغییر و تفسیر مقررات توسط سازمان برنامه‌بودجه کشور نیز، فقط در صورتی معتبر است که در این پایگاه منتشر شده باشد. هرگونه حذف و تغییر اطلاعات در این پایگاه نیز باید قابل مشاهده و پیگیری بعدی باشد.

۵. به دستگاه اجرائی اجازه داده می‌شود با رعایت قوانین و مقررات و قانون برگزاری مناقصات بابت رد دیون قطعی و مسجل در سقف منابع بودجه عمومی به دستگاه اجرائی، طرح (پروژه) نیمه‌تمام را به‌شرط اخذ تضامین لازم از طلبکاران مبنی بر تکمیل طرح (پروژه) در مدت‌زمان معین و با رعایت صرفه و صلاح دولت واگذار نماید. اخذ تأییدیه سازمان برنامه‌بودجه کشور

مصادیقی از فساد در دولت‌های مختلف نهادهای نظارتی را که در کنترل این فسادها ناکارآمد بوده‌اند نسبت به آنچه غیرخطی و ناآشنا با ذهنیت‌های متعارف ایشان باشد فوق‌العاده حساس کرده و ناشی از این حساسیت سهل‌نگری به موضوعات قراردادی باعث می‌شود الگوهای متعارف ذیل مشارکت عمومی-خصوصی از جمله قراردادهای منابع و مدیریت، کلید در دست، اجازه از درآمد یا اجاره‌ای، امتیازات ویژه و مالکیت خصوصی بر زیرساخت یا نادر باشد و یا به‌طور کلی نتیجه‌بخش نباشد



دست، اجازه از درآمد یا اجاره‌ای، امتیازات ویژه و مالکیت خصوصی بر زیرساخت یا نادر باشد و یا به‌طور کلی نتیجه‌بخش نباشد. با نگاهی اجمالی به جدول زیر می‌بینیم که چقدر قراردادهایی که مسئول پذیرش ریسک خصوصی و اختیارات متعارف آن عمومی است نزد دستگاه‌های اجرایی ما پراقبال‌تر است.

در پایان هنوز هم چندان شفاف نیست که کدام دلایل بر اجرایی نشدن مشارکت عمومی-خصوصی در ابعاد وسیع و کارآمد در کشور موثرتر است. فقدان شناخت، سهل‌نگری یا زاویه و فرصت‌طلبی! با این وجود همواره این چراغ تفهیم مسموم نیز در ذهن فعالان این حوزه روشن است که جمعی خردمندانه مانع از اجرای این مشارکت‌ها می‌شوند تا در زمانی مناسب و با تکرار تجربیات تلخ دوره ویژه‌خواری خصوصی‌سازی به‌صورت دفعی و همچون رها شدن سیلابی پشت سد شکسته با اجرای ناقص و تفسیر به رأی شده آن منابع وسیع دیگری را به ثروت‌های نامشروع خود الحاق کنند. ■

موظف است هر سه ماه یکبار فهرست طرح (پروژه) های واگذار شده را به کمیسیون‌های برنامه‌ریزی و محاسبات، اقتصادی، ویژه جهش و رونق تولید و نظارت بر اجرای اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و عمران مجلس شورای اسلامی ارسال کند.

ب- آیین‌نامه اجرایی بند «الف» این تبصره مشتمل بر نحوه تهیه و تصویب طرح توجیهی (غریبالگری) و انتخاب طرح (پروژه) های مشارکت‌پذیر، نحوه احراز صلاحیت و انتخاب سرمایه‌گذار، نحوه بهره‌برداری، تعیین میزان پوشش خطرپذیری، وضع وجه التزام عدم پرداخت کاربران و دیرکرد در پرداخت و نحوه وصول و هزینه‌کرد آن، نظارت بر نحوه بهره‌برداری، تضامین طرفین، داوری و حل اختلاف؛ در چارچوب قوانین و مقررات مربوط حداکثر ظرف دو ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط سازمان برنامه‌ریزی کشور پیشنهاد و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.»

عدم اجرایی شدن نهاد مشارکت عمومی-خصوصی در کشور به‌مانند میدانی بزرگ است که شاهراه‌های مختلفی به آن وارد می‌شود، فقدان شناخت، کمبود آمار و اطلاعات، رانت‌جویی و ویژه‌خواری (اگر نگوییم فساد سیستماتیک)، تصدی‌گری دولت و عدم اشتیاق به واگذاری سهم به بخش خصوصی، حضور، نفوذ قدرتمند و لابی‌گری نهادهای خصولتی برای مشارکت‌های جذاب و زودبازده‌تر و فقدان قوانین قدرتمند و پایدار از جمله این شاهراه‌هاست.

حقیقت غیرقابل‌انکار این است که درحالی‌که سال‌ها به پشتوانه فروش نفت، کشور بی‌نیاز به بخش خصوصی بوده و به عدم پاسخگویی در امور اقتصادی به طیف مالیات‌دهنده عادت کرده است از هرگونه تعامل در قراردادهای نظام قراردادی کمی پیچیده داشته است نیز شانه خالی کرده است. به‌ویژه آنکه مصادیقی از فساد در دولت‌های مختلف نهادهای نظارتی را که در کنترل این فسادها ناکارآمد بوده‌اند نسبت به آنچه غیرخطی و ناآشنا با ذهنیت‌های متعارف ایشان باشد فوق‌العاده حساس کرده و ناشی از این حساسیت سهل‌نگری به موضوعات قراردادی باعث می‌شود الگوهای متعارف ذیل مشارکت عمومی-خصوصی از جمله قراردادهای منابع و مدیریت، کلید در

جدول ۱: دسته‌بندی مدل‌های PPP

مدت قرارداد (سال)	پذیرش ریسک	مسئولیت سرمایه	مالکیت دارایی‌های اساسی	متغیرهای اصلی	دسته‌بندی جامع
۱-۳	عمومی	عمومی	عمومی	برون‌سپاری	قرارداد منابع و مدیریت
۳-۵	خصوصی / عمومی	عمومی / خصوصی	عمومی	مدیریت پایداری	
۳-۵	عمومی	عمومی	عمومی	مدیریت اجرایی	
۱-۳	خصوصی / عمومی	عمومی	عمومی		کلید در دست
۵-۲۰	خصوصی / عمومی	عمومی	عمومی	اجاره از درآمد (اجاره)	قراردادهای اجاره از درآمد / اجاره‌نامه
۵-۲۰		عمومی	عمومی	اجاره‌نامه*	
۳-۱۰	خصوصی / عمومی	خصوصی / عمومی	عمومی / خصوصی	حق امتیاز	امتیازات ویژه
۱۵-۳۰	خصوصی / عمومی	خصوصی / عمومی	عمومی / خصوصی	BOT	
بی‌نهایت	خصوصی	خصوصی	خصوصی	BOO/DBFO**	مالکیت خصوصی دارایی‌ها و نوع PFI
۱۰-۲۰	خصوصی / عمومی	خصوصی	خصوصی / عمومی	***PFI	
بی‌نهایت	خصوصی	خصوصی	خصوصی	واگذاری	

\* ساخت - اجاره‌نامه - انتقال (BLT) یک متغیر است.

\*\* ساخت - بهره‌برداری - انتقال (BOT) متغیرهای بسیار دیگری مثل ساخت - انتقال - بهره‌برداری (BTO)، ساخت - مالکیت - بهره‌برداری - انتقال (BOOT) و ساخت - بهبود - بهره‌برداری - انتقال (BROT) دارد.

\*\*\* مدل نوآوری مالی خصوصی (PFI) نام‌های بسیار دیگری هم دارد. در بعضی موارد، مالکیت خصوصی ممکن است به بخش خصوصی انتقال یابد، در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد. منبع: از صفحه ۲۷ کتاب راهنمای مشارکت‌های عمومی-خصوصی در زیرساخت‌ها، تدوین از شورای اقتصادی-اجتماعی آسیا و اقیانوسیه UN، ترجمه سهیل آل‌رسول، ۱۳۹۶

# راهنمای علم اقتصاد

## از الف تا ی

متیو بیشاپ  
ترجمه: نسیم بنایی، شکیب شیخی



آیندهنگر



[www.tccim.ir](http://www.tccim.ir)

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

توییتر: [twitter.com/TCCIM](https://twitter.com/TCCIM) اینستاگرام: [instagram.com/TCCIM.pr](https://www.instagram.com/TCCIM.pr)

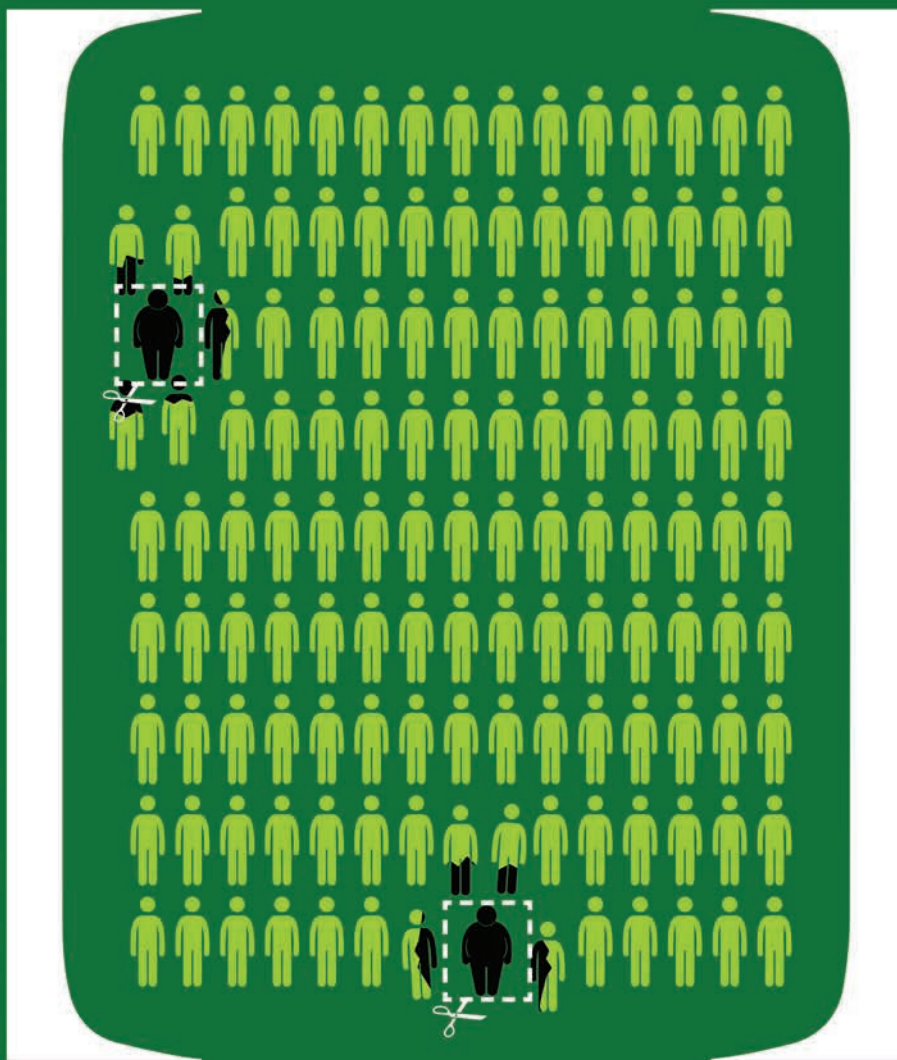
تلگرام: [t.me/TehranChamber](https://t.me/TehranChamber) آپارات: [www.aparat.com/TCCIM](https://www.aparat.com/TCCIM)

کدپستی: ۱۵۱۱۹۱۷۶۱۳ صندوق پستی: ۱۵۸۲۵/۳۸۱۸

# نگاه

بخش خصوصی در خط مقدم مبارزه با فساد

## مبارزه با فساد، لازمه امنیت اقتصادی



# دشواری انجام کار سالم

## فساد مثل سرطان با بدنه اقتصاد رفتار می کند



عباس آرگون

عضو هیئت رئیسه اتاق  
بازرگانی تهران

مهم‌ترین پیامد  
فساد بی‌اعتمادی  
است. زمانی که  
فساد وجود داشته  
باشد سرمایه  
اجتماعی تهدید  
می‌شود. فساد به  
اعتماد عمومی  
آسیب می‌زند و در  
نتیجه بسیاری  
از افراد از کشور  
مهاجرت می‌کنند

یکی از ریشه‌های اصلی فساد بحث دولتی بودن اقتصاد ایران است. بزرگ بودن حجم دولت، دولتی بودن بخش زیادی از امور اقتصادی و بوروکراسی پیچیده و در ضمن مقررات زیاد و دست و پاگیر از دلایل گسترش فساد محسوب می‌شوند. با توجه به حجم زیاد مقررات، یک سری افراد تلاش می‌کنند مقررات را دور بزنند که این خود یکی از پایه‌های فساد است.

تصدی‌گری دولت در بخش‌های اقتصادی، کنترل قیمت‌ها، چندترخی بودن ارز، دستمزدهای پایین نسبت به تورم و در بخش خدمات دولتی، ذخایر نفتی که درآمد آثری برای دولت‌هاست، از جمله مواردی هستند که امکان رانت را فراهم می‌آورند.

اجرای اشتباه خصوصی‌سازی، توزیع نادرست یارانه‌ها، بی‌انضباطی مالی، محدودیت‌ها و سهمیه‌بندی‌ها، چندترخی بودن ارز در بخش تجاری و فقدان نظام شایسته‌سالاری از عمده دلایل بروز و گسترش فساد به شمار می‌روند.

برخی می‌گویند در چنین شرایطی فعالیت سالم اقتصادی سخت شده، اما به باور من نمی‌توان صفر و یکی به این موضوع نگاه کرد. نمی‌توان گفت هر فعالیتی که انجام می‌شود ناسالم است اما می‌توان گفت که انجام فعالیت سالم اقتصادی سخت شده است. اگر زمینه‌ها و بسترهای ایجاد فساد محدود شود، فساد کم می‌شود و بالعکس. بنابراین نمی‌توان گفت نمی‌شود فعالیت سالم انجام داد؛ اما سخت شده است. ما قوانین متناقض و خلق الساعه زیاد داریم و در این بین اگر نقش دولت در اقتصاد کم شود و توسعه بخش خصوصی اتفاق بیفتد، فساد کاهش خواهد یافت. در این مسیر لازم است کار فرهنگی صورت بگیرد هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی. مبارزه با فساد باید به فرهنگ تبدیل شود که این موضوع هم می‌تواند کمک‌کننده باشد.

مهم‌ترین پیامد فساد بی‌اعتمادی است. زمانی که فساد وجود داشته باشد سرمایه اجتماعی تهدید می‌شود. فساد به اعتماد عمومی

آسیب می‌زند و در نتیجه بسیاری از افراد از کشور مهاجرت می‌کنند. باید گلوگاه‌ها و منافذ فساد بسته شوند. فساد همیشه بوده، بنابراین باید عوامل فساد را از بین برد.

فساد معلول علل مختلفی است که یکی از آنها می‌تواند ارز چند نرخ باشد. چندترخی بودن ارز عامل فساد است چون به دست عده‌ای می‌رسد به دست عده‌ای دیگر نه. وقتی نرخ واقعی باشد، اختلاف قیمت از بین می‌رود. نرخ ارز باید متناسب با واقعیت بازار باشد در غیر اینصورت وقتی چند نرخ داریم شکافهایی به وجود می‌آید که عده‌ای از آن سوءاستفاده می‌کنند.

در این میان نمی‌توان گفت نظارت بی‌تاثیر است، قطعاً تاثیرگذار است اما در کنار آن باید سیستم خودکنترلی ایجاد شود. نظارت، هدایت و کنترل باید باشد ولی آنچه مهم است این است که زمینه‌های فساد از بین برود، وگرنه همان فردی که نظارت می‌کند هم به فساد آلوده می‌شود. نظارت موثر است اما تا زمانی که علل و عوامل بروز فساد از بین نرود، فساد ریشه‌کن نمی‌شود.

نهادهای نظارتی کم نیستند ولی چرا شاهد این حجم از فساد در کشور هستیم؟ آیا نظارت موثر نبوده است؟ مهم‌ترین بحث این است که نظارت موثر باشد. سازمان‌های نظارتی موازی نمی‌توانند پاسخگو و اثرگذار باشند. باید این سوال مهم پرسیده شود که «از کجا آورده‌ای؟» و یک پاسخ مناسب به آن داده شود. در این صورت خیلی از مشکلات حل خواهد شد.

آنچه نباید فراموش شود این است که فساد اقتصادی هزینه‌های تولید را افزایش می‌دهد، بهره‌وری را کاهش می‌دهد، به سرمایه اجتماعی آسیب می‌زند و موجب کاهش رشد اقتصادی می‌شود. اگر با فساد مبارزه شود، جلوی مهاجرت نخبگان هم گرفته می‌شود.

قوانین و بوروکراسی پیچیده از ملزومات گسترش فساد است. باید به سمت مقررات‌زدایی و تنقیح قوانین برویم. قوانین باید موثر و شفاف باشند، نباید تفسیرپذیر باشند، در غیر اینصورت هر کسی در مقام اجرا تفسیر می‌کند و تعبیر خودش را از قانون خواهد داشت. نباید قوانین متناقض و متضاد داشته باشیم.

درباره نقش تحریم‌ها در فساد هم باید بگوییم که تحریم محدودیت است. وقتی به نوعی فقدان شفافیت داریم، این موضوع می‌تواند فسادزا باشد. تحریم از سال‌های قبل بوده و فقط روی کاغذ نیست، واقعیتی است که رخ داده و هم هزینه‌زاست و هم فسادزا.

برای داشتن اقتصاد سالم هم باید زمینه‌های ایجاد فساد را از بین برد، به جای اینکه با معلول‌ها مبارزه کنیم باید به علت‌ها بپردازیم. به جای برخورد با مفسد، باید با فساد مبارزه کرد. یک سری از کارها باید در دستور کار قرار بگیرند؛ دولت الکترونیک توسعه یابد، امور به بخش خصوصی واگذار شوند، قوانینی را تنظیم کنیم، پاسخگویی و نظارت مراکز قدرت را بطلانیم، برنامه‌های مبارزه با فساد در پیش گرفته شود، مبارزه با فساد باید در سطح ملی و ریشه‌ای باشد و در ضمن باید از طریق رسانه‌های آزاد با فساد مبارزه کرد. ■



نمی‌دانم آیا باید اسمش را نظام ارزی ایران بگذاریم یا بی‌نظامی در مدیریت ارزی یا شلختگی در نحوه مدیریت ارز در ایران. در طول حدود ۵۵ سال گذشته چیزی به نام نظام ارزی به معنای آنچه در سطح بین‌المللی مطرح است هیچ‌گاه برای بلندمدت نداشته‌ایم، یعنی ارتباط ما با هیچ کدام از نظام‌های ارزی شناخته شده دنیا به صورت مداوم و برای یک دوره چند ساله و پایدار هیچ موقع برقرار نبوده است.

# اقتصاد ایران از ریخت افتاده است

## مدیریت تعارض منافع، اصل فراموش شده مبارزه با فساد



حسن فروزان‌فرد

رئیس کمیسیون حکم‌رانی  
سازمانی اتاق تهران

حرفهای دیگر برای او فراهم نیست و هر لحظه ممکن است توسط هر کدام از بازیگران دچار رقابت منفی یا دچار آسیب شود. بنابراین وقتی فضا، فضای پاکیزه برای رفتار اقتصادی و رقابتی نباشد و دست‌های آشکار و پنهانی وجود داشته باشند که بتوانند از راهکار غیراقتصادی تأثیر خود را بر قیمت، مقدار تقاضا و میزان عرضه، نحوه تأمین مواد اولیه و فروش کالاها بگذارند، دیگر زمین بازی برای رفتارهای اقتصادی معمولی وجود نخواهد داشت.

### نقش نظام ارزی ایران در ایجاد فساد

نمی‌دانم آیا باید اسمش را نظام ارزی ایران بگذاریم یا بی‌نظامی در مدیریت ارزی یا شلختگی در نحوه مدیریت ارز در ایران. در طول حدود ۵۵ سال گذشته چیزی به نام نظام ارزی به معنای آنچه در سطح بین‌المللی مطرح است هیچ‌گاه برای بلندمدت نداشته‌ایم، یعنی ارتباط ما با هیچ کدام از نظام‌های ارزی شناخته شده دنیا به صورت مداوم و برای یک دوره چند ساله و پایدار هیچ موقع برقرار نبوده است. ما یک کشوری مبتنی بر فروش نفت و وابستگی به نفت عمده بودیم که بودجه کشور را از این طریق تأمین می‌کردیم و تالامات بازار نفت، کم و زیاد شدن قیمت نفت و تلاطمات سیاسی شامل جنگ تحمیلی، دوره بازسازی، دوره تحولات سیاسی که در کشور اتفاق افتاده مرتب خودش را به بازار ارز تحمیل کرده است. پایداری بلندمدت تورم سنگین در ایران و گرفتاری‌های حاصل از تحریم‌های اقتصادی و سیاسی هر کدام به نوعی بر مکلینیزم مدیریتی ارز تأثیرگذار بوده و در نهایت هیچ‌گاه یک نظام قابل قبول و قابل شناسایی در زمینه مدیریت ارز در پیش روی ما نبوده و در اغلب موارد در شرایط حساس کنونی به سر بردیم و این سبب شده که رفتارهای غیرواقعی‌بینانه و سرکوب‌گرایانه در این حوزه وجود داشته باشد که معمولاً هم تبدیل به فترهای فشرده شده‌ای شده که هر چند وقت یکبار به یکباره از جای خودش در رفته و نتیجه نهایی آن یک شوک بزرگ ارزی و برهم‌ریختگی جدی در اقتصاد بوده است. معمولاً دولت‌ها در طول این سال‌ها، در دوره اول ریاست جمهوری روسای جمهور برای کنترل تورم تلاش کردند و یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که به کار بردند تلاش برای تثبیت نرخ ارز بوده اما در دوره دوم در این زمینه ناتوان شدند و وقتی نرخ ارز غیرقابل کنترل و فتر فشرده شده‌ها شد، با این رهاشدگی دچار یک تورم جدی شدند. این موضوع را در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری بعد از انقلاب می‌توانید مشاهده کنید دوره اخیر هم به دوره دوم نرسید آن هم به خاطر تورم جدی و تکرار شونده‌ای که حدود شش سال است که با متوسط ۴۰ درصد تکرار می‌شود. در همان ابتدای دولت قیمت‌های ارز جهش خودش را کرد و الان هم به نظر می‌آید به نوعی در چند ماه اخیر ثباتی بر بازار ارز حاکم بوده اما باز به نظر می‌آید تلاش می‌شود تا نرخ ارز به صورت صوری پایین نگه داشته شود و باید منتظر باشیم که در ماه‌های آینده و سال آینده تغییر قیمت را داشته باشیم.

این نابسامانی جدی در بازار ارز موجب شده تا چیزی به نام بازار ارز وجود نداشته باشد. قیمت عرضه و تقاضا هیچ کدام نقشی واقعی در شکل دادن به فرم و پیشرفت این بازار نداشته‌اند. این بازار همواره فرصت‌های خیلی خاص و بسیار بسیار فوق‌العاده‌ای را برای کسانی که مایل بودند که از این فرصت‌ها استفاده کنند فراهم کرده و ترکیبی از فرصت‌طلبان در حاکمیت با همراهی بخش‌هایی از فعالان اقتصادی یا گروه‌هایی از بخش خصوصی در کنار یکدیگر موقعیت‌های بزرگ فساد را ساختند که مرتب هم بر حجم و عمق آن در طول سال‌های مختلف اضافه شده است.

### نظارت بر نظارت بر نظارت

موضوع دستگاه‌های نظارتی و توسعه تعداد و تنوع آنها جزو موضوعاتی است که شایسته است در این زمینه مورد توجه قرار بگیرد. سالیان درازی است که هر زمان بحث فساد به میان می‌آید به یاد این مطلب می‌افتیم که باید دستگاه نظارتی دیگری بر دستگاه‌های موجود بیفزاییم؛ نظارت بر نظارت بر نظارت. نظارت‌های چندلایه پرهزینه و پرمخاطره هستند. بنابراین زمینه کارآمدی در حوزه کارایی و استفاده درست از منابع را از بین می‌برند اثربخشی لازم را هم ثابت کرده‌اند که ندارند، یعنی اگر هدف

اقتصاد و نهادهای اقتصادی ایران از فرم و ریخت افتاده و کارکرد خودشان را از دست داده‌اند. در یک فضای که نهادهای اقتصادی جایگاه و کارکرد خودشان را ندارند، یعنی فعال اقتصادی، بنگاه اقتصادی، دستگاه‌های حاکمیتی، دستگاه‌های تأمین مالی و منابع، دستگاه‌های نظارتی و قضایی-حاکمیتی ارائه‌دهنده راهکار و سیاست‌گذار؛ همه و همه از مسیر طبیعی خودشان خارج شده‌اند و در واقع در یک فضای غیرواقعی‌بینانه در حال حرکت و زندگی هستند و درگیر یک بیماری مزمن و بلندمدتی به نام تورم شده‌اند، نمی‌توان انتظار داشت که رفتارها کم‌خطر و باکیفیت باشند.

در اقتصادی که همواره فردا کالا گران‌تر از امروز است، در اقتصادی که همواره سسال آینده زمین، طلا، ارز یا مسکن حتماً

گران‌تر از امسال است، در اقتصادی که بچه‌های ما از دوره کودکی تا دوره بالندگی خود در فضای تورم‌زده زندگی کرده‌اند و همیشه امروز داشتن بهتر از فردا داشتن است، نمی‌توان انتظار داشت که قالب‌های اقتصادی جواب پس داده و مکلیزیم‌های اقتصادی جواب پس داده به شکل شایسته‌ای عمل کنند و ما هم از آنها بهره‌مند باشیم. ما اساساً مفهومی به نام بازار به معنای شناخته‌شده در علم اقتصاد دیگر نداریم و این در حالی است که آنچه که باعث آرامش، پویایی، انعطاف‌پذیری و تحرک در فضای عمومی اقتصاد می‌شود وجود بازارهاست، با این حال بازارها به دلایل مختلف جذابیت و ویژگی خودشان را از دست داده‌اند.

این جذابیت‌ها و ویژگی‌ها حاصل از شفافیت و نقش‌آفرینی عرضه و تقاضا در بازارهاست. به واسطه دستکاری‌های ممتد دولت در مقدار عرضه، قیمت عرضه و دستکاری‌هایی در حوزه تقاضا از طریق پرداخت یارانه به شکل‌های مختلف بازارها کارآمدی و شفافیت خودشان را از دست داده‌اند و در فضایی که بازارها همه دچار نقص در زمینه شفافیت و کارآمدی هستند پیام‌های غلطی به تولیدکننده، عرضه‌کننده و مصرف‌کننده از سمت مکلیزیم قیمت مخابره می‌شود که رفتارهای او را از رفتارهای منطقی اقتصادی دور می‌کند. رفتارها و فعالیت‌های فسادزا به تدریج زمینه تعاملات اقتصادی ارزش‌افزا در فضای عمومی کسب و کار و فضای عمومی اقتصاد از بین می‌برد. مهم‌ترین اثری که رفتارهای فسادزا می‌تواند داشته باشد این است که اقتصاد را از روند پویا، رو به رشد و در حال توسعه به یک اقتصاد ناخوشایند به معنای اینکه مسیرهای آن مسیرهای غیرطبیعی است و به سمت اضمحلال حرکت می‌کند پیش می‌برد. فساد و رفتارهای فسادزا کاری را با بدنه اقتصاد می‌کنند که بیماری سرطان با بدن انجام می‌دهد. رفتارهای فسادزا زمینه توسعه فساد در حوزه‌های مختلف را فراهم می‌کنند. منابعی که باید در فضای مطلوب اقتصادی برای تولید ارزش افزوده به کار گرفته و بعد در بین بازیگران اقتصاد باز توزیع شوند و سبب‌ساز توسعه و پویایی باشند، توسط افرادی که در فضای فسادآلود این منابع را به سمت خودشان جذب می‌کنند، جذب و آلوده می‌شوند و زمینه ارزش‌افزایی خودشان را از دست می‌دهند و در نهایت به جای اینکه اقتصاد از طریق تزریق منابع و تعامل بین فعالان اقتصادی رو به رشد حرکت کند، تعداد محدودی از بازیگران مبتلا به فساد عمده رتق و فتق امور و جابه‌جایی‌های مالی را بر عهده می‌گیرند بدون اینکه ارزش واقعی اقتصادی تولید کنند و این در نهایت باعث تحیف‌شدن اقتصاد می‌شود.

فضای فسادآلود و تکرار فسادها سبب می‌شوند که فعالان اقتصادی حرف‌های -آنهاپی که بر اساس معادلات واقعی اقتصادی مایل به فعالیت اقتصادی هستند- کم کم بازار و فضای اقتصادی را ترک کنند. ترکیب بازیگران اقتصادی وقتی به نفع افراد و سیستم‌های فاسد کوچک و کوچک‌تر می‌شود و برهم می‌خورد ریسک سرمایه‌گذاری در اقتصاد افزایش پیدا می‌کند، چون احتمال اینکه به دلایل مختلف این سرمایه‌گذاری با مکلیزیم‌های فسادآلود مواجه شود، بیشتر و بیشتر است. در یک اقتصاد فسادزده که فعالان اقتصادی، بازیگران، کارکنان، حاکمیت، دستگاه‌های نظارتی و همه و همه به نوعی درگیر با فساد شده‌اند حالا اگر قرار باشد بازیگری جدید و با دیدگاه اقتصادی و بدون نگاه فسادآلود وارد این صحنه شود یا باید خودش را برای رفتارهای پرخطر و فسادآلود آماده کند و یا زمین بازی به صورت جوانمردانه و

**مهرداد عباد عضو هیات نمایندگان تهران**  
در گفت و گو با آینده‌نگر از دلایل رشد فساد در ایران می‌گوید

## افزایش فساد با دورزدن تحریم‌ها



در چند سال اخیر و به‌ویژه در یک دهه گذشته شاهد گسترش فساد در کشور بوده‌ایم. این امر به‌گونه‌ای بوده که حتی در برخی سازمان‌ها نهادینه شده است. از جمله عوامل ایجاد آن هم می‌توان به اقتصاد دستوری، قیمت‌گذاری و دونرخی بودن کالاها و مختلف اشاره کرد. ریشه فساد کجاست؟ نظام ارزی ایران چه نقشی در گسترش این پدیده دارد و برای داشتن اقتصاد سالم چه باید کرد؟ اینها از جمله سوالاتی هستند که مهرداد عباد، عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران، در این گفت‌وگو به آنها پاسخ داده است.

### ■ آقای عباد، به نظر شما ریشه فساد در ایران کجاست؟

فساد می‌تواند از عوامل مختلفی ایجاد شده باشد؛ عواملی از قبیل طمع پول، اقتصاد انحصاری، سطح پایین دموکراسی، آزادی محدود اقتصادی، نبود مساوات، فقر یا بی‌ثباتی‌های سیاسی و اقتصادی. شاید بتوان از دهه‌ها عامل دیگر هم نام برد. همیشه و در همه جا فساد بوده، ولی میزان آن متفاوت است؛ در یک جا کمتر و در جای دیگر بیشتر. دولت‌های کمی هستند که مدعی شوند در کشورشان ۱۰۰ درصد فساد رخ نداده است. ممکن است فساد با درصدهای متفاوتی اتفاق افتاده باشد. در کشور ما هم در چند سال اخیر به‌ویژه در دهه گذشته شاهد افزایش فساد بودیم و این موضوع حتی در برخی سازمان‌ها نهادینه شده است. یکی از عوامل آن بحث اقتصاد دستوری، قیمت‌گذاری و دونرخی بودن کالاها و مختلف است. در ابتدای انقلاب برخی کالاها کوپنی بودند و برای مثال قیمت روغن در قالب کوپن متفاوت از نرخ آن در بازار آزاد بود که همین تفاوت قیمت موجب فساد شده بود. در این ماجرا کالا را کوپنی می‌خریدند و در بازار آزاد می‌فروختند. این فساد درباره خیلی از کالاها اتفاق افتاده و مهم‌ترین آن ارز است که دونرخی بودن آن همواره منشأ فساد بوده است. یا تفاوت نرخ خودرو از کارخانه تا بازار هم موجب فساد شده است. در همه اینها بحث سود خارج از عرف، طمع پول و فقر مالی و فرهنگی مطرح است که گلوگاه‌هایی برای فساد و امضاهای طلایی ایجاد کرده‌اند. این

ما از این نظارت‌ها کاهش تعدادی و تنوع و عمق فسادها بوده می‌بینیم که به‌رغم توسعه این دستگاه‌ها و فعالیت آنها، همواره اعداد اختلاس‌ها، انواع و اقسام فسادها و درک جامعه از فضای فساد آلود مرتب در دو دهه گذشته در حال افزایش بوده است. واقعیت نشان می‌دهد که دستگاه‌های نظارتی نمی‌توانند جایگزین مناسب و شایسته‌ای برای برقراری یک فضای سالم عمومی در محیط اقتصاد و کسب و کار باشند. تا زمانی که موقعیت‌های فراوانی برای فساد به واسطه ناکارآمدی‌ها در بازار فراهم است، توان دستگاه‌های نظارتی برای رسیدگی محدود است و حتی ممکن است خواسته یا ناخواسته خودشان هم درگیر فساد شوند که در این صورت موضوع خطرناک‌تر و پیچیده‌تر هم می‌شود. اصولاً یکی از نکات مهمی که کمتر مورد توجه قرار گرفته، موضوع «مدیریت تعارض منافع» است. اغلب افرادی که در فضای حاکمیتی مشغول به فعالیت هستند به دلایل مختلف در موقعیت‌های تعارض منافع قرار می‌گیرند به‌ویژه وقتی که دخالت اجزای حاکمیت در فضای اقتصاد بیش از اندازه است؛ مثل روزی که الان در آن هستیم یعنی در مکانیزم‌های قیمت‌گذاری، در تعیین سهمیه‌ها و مقادیر قابل استفاده از منابع محدود ارزی و مواردی از این دست که نسبت به یک فضای معمولی، اندازه دستکاری مأموران حکومتی و تصمیم‌گیران دولتی بیش از حد معمول یک اقتصاد است. ما هیچ مکانیزم شناخته‌شده رسمی در زمینه مدیریت تعارض منافع نداریم. اغلب کارکنان دولت و مدیران از موضوع تعارض منافع و نحوه مدیریت آن بی‌اطلاع هستند. فعالان اقتصادی ما هم در این زمینه کم‌اطلاع هستند. هیچ قانون رسمی در زمینه مدیریت تعارض منافع در کشور نداریم. امروزه در دنیا به جای افزودن بر نظارت‌های بیرونی و نظارت‌هایی که روی خروجی‌ها متمرکز هستند، نظارت‌های درون دستگاهی و درون شرکتی با تمرکز بر موقعیت‌های تعارض منافع به عنوان موقعیت‌هایی که زمینه‌ساز شکل‌گیری فسادها هستند توسعه پیدا کرده است و از این طریق کارایی و اثربخشی نظارت‌ها افزوده شده است. به جای اینکه روی مفاسد و روی افراد فاسد تمرکز داشته باشند روی موقعیت‌های پیش آمدن فساد تمرکز کرده‌اند و تلاش می‌کنند که فرصت‌های ایجاد فساد را بکاهند و از این طریق فضا پاکیزه‌تر و شایسته‌تر اداره می‌شود.

### ■ اثر فساد بر سرمایه‌های اجتماعی

باید ببینیم سرمایه‌های اجتماعی چگونه به وجود می‌آیند. در یک فضای اجتماعی سالم، رفتار صادقانه، گفتار صادقانه و شفافیت عملکرد زمینه‌ها را برای توسعه سرمایه‌های اجتماعی فراهم می‌کنند. کار به جایی می‌رسد که افراد از یکدیگر انتظاری جز صداقت در گفتار و رفتار و شفافیت ندارند. وقتی فضای در چنین موقعیتی قرار می‌گیرد و این‌گونه پیش می‌رود آنوقت چرخ‌های اقتصاد و چرخ‌های تعاملات اجتماعی به گونه دیگر و شایسته‌تر می‌چرخند. حالا فرض کنیم که دروغ‌گویی و نبود شفافیت مبنای تعاملات باشند؛ پیش‌فرض همه این باشد که آنچه که می‌شنوند می‌بینند واقعیت نیست و همراه با خطا و فساد آلود است در چنین موقعیتی اساساً زمینه شکل‌گیری سرمایه‌های اجتماعی مهیا نمی‌شود و آنچه در تعاملات انسانی به صورت معمول وجود دارد آهسته آهسته از دست می‌رود. زمانی هزینه بالای نداشتن سرمایه‌های اجتماعی را متوجه می‌شویم که دیگر حرف هیچ کس در جامعه خریدار ندارد. ناراحتی بر هم ریختگی در حوزه‌های مختلف، رفتارهای اقتصادی و تعاملات اجتماعی توسط گروه‌های مختلف بروز داده می‌شود و هیچ مرجع و هیچ موقعیت فردی و اجتماعی برای اینکه بتواند فضا را آرام‌تر کند دیگر مرجعیتی ندارد. ادامه رفتارهای فساد آلود و شنیدن اخبار آزاددهنده و دگرگون‌کننده فسادهای پیاپی این اندیشه را در ذهن آحاد جامعه تقویت می‌کند که چیزی برای اعتماد وجود ندارد و این زمینه را برای اضمحلال بیشتر در اخلاقیات و رفتارهای اجتماعی فراهم می‌کند. بنابراین فساد و اخبار مربوط به آن بر بی‌اعتمادی بیشتر در بین مردم و اجزای تشکیل‌دهنده اجتماع می‌افزاید و همین سبب نارضایتی بیشتر و بی‌اعتمادی فراوان‌تر می‌شود.

### ■ شروط داشتن اقتصاد سالم

برای اینکه بازارها در اقتصاد کارکرد خودشان را بیایند، دستکاری‌ها در اقتصاد کمتر و کمتر باشد، مزیت‌ها خودنمایی کنند و استفاده از مزیت‌ها در راس امور قرار بگیرد، سیاست ما باید به شکل واقع‌بینانه ظرفیت‌های اقتصادی را شناسایی کند. اگر قرار باشد تصمیمات مهم اقتصادی هم بگیریم با تأثیرات سیاسی هم بر نظام بین‌المللی داشته باشیم باید بدانیم که راهی جز قدرت اقتصادی و تأثیرگذاری سیاسی از طریق قدرتمندی اقتصادی در جهان امروز وجود ندارد. باید تصمیمات مهم و سختی در عرصه سیاست داخلی و خارجی بگیریم که این تصمیمات سبب‌ساز این شوند که ما به رفتار اقتصادی واقع‌بینانه و مبتنی بر مزیت‌های نسبی برگردیم؛ در غیر این صورت هیچ شعار بزرگی زمینه را برای سلامت اقتصاد ایران فراهم نخواهد کرد. ■



حدود چهار-پنج سال قبل برای اینکه شفافیت وارد حوزه مرادوات خارجی شود، قوانین تغییر کردند؛ برای مثال ثبت سفارش ها و تخصیص ارز دچار تغییراتی شدند. وقتی این پرونده ها اتفاق افتادند، شفافیت به بخش نقل و انتقال پول در بخش خصوصی وارد شد.

وجود دارد که امکان فساد در نقل و انتقال پول را از بین می برد. متأسفانه زدوبندهایی اتفاق می افتد و لازم است نظارت بیشتری وجود داشته باشد.

الآن یکی از مشکلات مربوط به تخصیص ارز می شود که از طریق صرافی هایی که توسط بانک مرکزی در سامانه نیما معرفی شده اند، انجام می شود. اگر یک صرافی پول را حواله نکند یا پس ندهد، بانک مرکزی به طور مشخص اعلام کرده که هیچ گونه مسئولیتی در قبال آن قبول نمی کند و در واقع هیچ نظارتی روی آنها نیست. الان یک کم شرایط بهتر شده، اما قبلاً چندین صرافی بودند که پول بازرگانان را گرفته بودند اما حواله نمی کردند. عملاً نظارت بر بخش دولتی خیلی کم است اما مرادوات بخش خصوصی با اعمال قوانین سختگیرانه شفاف شده است. بنابراین ضروری است که مرادوات مالی دولت هم شفاف شود؛ اینکه چقدر ارز برگشته یا برنگشته است. در مجموع این شفافیت باید در کل جامعه رسوخ کند.

#### ■ فساد چگونه بر سرمایه اجتماعی اثر گذار است؟

وجود فساد در جامعه باعث می شود که افراد سرخورده و ناامید شوند و همین موضوع هم به کاهش سرمایه اجتماعی می انجامد.

#### ■ اصلاح قوانین برای رفع فساد چقدر اهمیت دارد؟

ما نیاز به اصلاح قوانین نداریم. متأسفانه قوانین بسیاری داریم که اجرا نمی شوند؛ به ویژه در حوزه کسب و کار و تجارت که مهم ترین آن قانون بهبود محیط کسب و کار است. اگر ما بتوانیم این قوانین را به خوبی اجرا کنیم، مجلس بر حسن اجرای آنها نظارت کند و ترک فعل را رصد کنیم، به نظر می رسد می توانیم جلوی فساد را بگیریم. لازم نیست قوانین تغییر کنند، باید پرونده بازتعریف شود. متأسفانه پرونده هایی که در کسب و کار طی می شوند فسادزا و دارای امضای طلایی هستند. اگر سامانه مجوزها نهایی شود قطعاً کمک کننده است و می تواند جلوی فسادها را بگیرد. الان در بحث صدور پروانه تولید شاهد فساد گسترده ای هستیم.

■ نقش تحریم در فساد چیست؟ چون برخی می گویند وضعیت رکودی و تورم فزاینده در نتیجه اعمال تحریم ها، افراد را به انجام مفاسد مالی و اقتصادی حریص می کند.

تحریم در تمام این سال ها به اقتصاد ایران ضربه زد و موجب بی ثباتی و رکود بازارها شده است. این امر موجب شده که مردم با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم کنند که همین موضوع خود یکی از عوامل ایجاد فساد است. وقتی افراد تامین مالی نمی شوند ممکن است به هر کاری دست بزنند. حتی دور زدن تحریم ها هم باعث فسادهای گسترده در بخش نقل و انتقالات پول در بخش دولتی و نیمه دولتی شده است. در این بخش به شفافیت نیاز داریم تا جلوی فساد گرفته شود.

#### ■ چگونه می توان اقتصادی سالم داشت؟

برای داشتن اقتصاد سالم باید کارهای بسیاری انجام شود که مهم تر از همه آموزش فرهنگ سالم است. متأسفانه ما در بخش فرهنگ سازی خیلی ضعیف عمل کردیم و اخلاق کسب و کار به واسطه شرایط سخت رعایت نمی شود.

رقابت منفی بین صنوف مختلف ایجاد شده و عمدتاً افراد با تقلب و رانت رقابت خود را حذف می کنند. متأسفانه بحث تقلب خیلی گسترده شده است. یکی از فسادهایی که در بخش خصوصی مشاهده می شود این است که بسیاری از کالاها از خودکار گرفته تا مواد غذایی و پوشاک به صورت تقلبی تولید می شوند. وقتی وارد یک سوپرمارکت می شوید احتمالاً از چند هزار قلم کالا ۸۰ درصد تقلبی هستند و همین موارد موجب فساد شده که رقابت سالم را از بین می برد و افرادی که دارای شناسنامه کاری هستند از دور خارج می کنند.

یا برای مثال می توان به فساد در بخش صادرات و فقدان سپرده گذاری ارزی اشاره کرد که خیلی از افراد از کارت یکبار مصرف استفاده می کنند، کالا را صادر می کنند و بعد پول آن را به صورت آزاد می فروشند و در واقع هیچ گونه تعهد صادراتی ندارند. اینگونه موارد در بخش خصوصی هم دیده می شود. خوب است آگاهی رسانی شود و به نسل جوانی که در حال رانندگی کسب و کار جدید هستند، اخلاق کسب و کار به صورت کاربردی آموزش داده شود تا آنها در آینده دچار این اوضاع نشوند. ■

سیاست گذاری ها روی بحث تعیین قیمت و چندرخی بودن گرفته شد و هدف از آنها کمک به مردم بود اما عملاً فسادهایی ایجاد شده که فقط افراد سودجو در پایان توانستند سود ببرند.

#### ■ چرا فعالیت سالم اقتصادی در ایران سخت شده است؟

به واسطه پرونده های ناکارآمدی که در روندهای تجاری تعریف شده است. انواع و اقسام پرونده در صادرات و واردات و خرید و فروش داخلی وجود دارند. متأسفانه پرونده ها به نحوی هستند که کار را کند می کنند، چوب لای چرخ بخش خصوصی می گذارند، مانع پویایی آنها می شوند و عملاً خیلی از این موارد باعث می شوند که کار این شرکت ها کند شود و هزینه آنها بالا برود. بنابراین خیلی از شرکت ها برای اینکه بتوانند در این اقتصاد بی ثبات کارشان را زودتر انجام دهند ممکن است دست به فساد بزنند.

#### ■ فساد چگونه به افزایش ریسک سرمایه گذاری و تولید می انجامد؟

خود فساد شاخص دارد که یکی از عوامل مهم برای سرمایه گذاری داخلی و خارجی تلقی می شود. البته فساد شاید بیشتر مانع سرمایه گذاری خارجی شود. به غیر از آن، شاخص های بین المللی دیگری مثل شاخص Business ready وجود دارد که شاخص جدیدی است و مربوط به بانک جهانی می شود و همان doing business سابق است که بنوعی در ارزیابی هایی که انجام می دهند بحث فساد اهمیت زیادی پیدا کرده و مسلماً کشورهایی می توانند امتیاز بالاتری کسب کنند که در کارهایشان شفافیت بیشتر و فساد کمتری داشته باشند. در چنین شرایطی می توان سرمایه گذاری خارجی جذب کرد، به هر حال سرمایه گذاران علاقمند هستند که در مکانی سرمایه گذاری کنند که به نوعی ثبات داشته و شفاف باشد و آنها نگران رانتهای موجود نباشند. چون سرمایه گذاران خارجی کمتر می توانند از رانتهای داخلی یک کشور دیگر استفاده کنند.

#### ■ نظام ارزی ایران چه نقشی در ایجاد فساد و اقتصاد ناسالم دارد؟

چندرخی بودن ارز بعد از انقلاب و با اهداف خاصی در پیش گرفته شد. ارزش پول ملی برای چندین سال به نوعی پایین نگه داشته شد اما باز طبق قانون قرار بود به صورت سالانه نرخها را به اعداد عادی برگردانند که این اتفاق نیفتاد. دو سه بار افزایش شدید نرخ را شاهد بودیم و همواره بحث چندرخی بودن مطرح بود. حتی الان دو سه نرخ نیز مطرح نیست بلکه می توان از ۱۵ نرخ نام برد؛ از نرخ نیمایی و بانک مرکزی گرفته تا نرخ استانبول و نرخ نجف. تمام اینها محل کاسی برای افراد سودجوست. از ۳۰ سال قبل خیلی ها بودند که کنار خیابان استانبول می ایستادند و دلار می فروختند. در واقع متأسفانه خیلی ها هستند که منتظرند یک کالایی دو قیمت داشته باشد تا از یک جایی بخرند و در جای دیگر بفروشند و بنوعی کسب در آمد کنند. اینها مدل های ساده هستند، فسادهای بزرگ هم این گونه است که برای مثال ارز دولتی می گیرند و بعد در بازار به صورت آزاد می فروشند یا ارز دولتی می گیرند و کالا وارد نمی کنند. متأسفانه این اتفاقات زیاد رخ می دهد چون ما راه را باز گذاشته ایم. اگر نرخ ارز یک قیمت داشته باشد چرا یک شخص باید ارز بخرد و در منزل نگه دارد یا حتی بخرد و بعد آن را بفروشد. یک زمانی تصمیم گرفته شد تا سیاست ثابت نگه داشتن نرخ ارز برداشته شود ولی هنوز در مقابل آن مقاومت وجود دارد که این خود منشا یک فساد خیلی بزرگ است.

■ گفته می شود که در کنار تصویب قوانین و مقررات مورد نیاز برای مبارزه با مفاسد اقتصادی، لازم است کارایی و اثربخشی نهادهای نظارتی نیز افزایش یابد. نقش نهادهای نظارتی را چگونه می بینید؟

حدود چهار-پنج سال قبل برای اینکه شفافیت وارد حوزه مرادوات خارجی شود، قوانین تغییر کردند برای مثال ثبت سفارش ها و تخصیص ارز دچار تغییراتی شدند. وقتی این پرونده ها اتفاق افتادند، شفافیت به بخش نقل و انتقال پول در بخش خصوصی وارد شد. این شفافیت وجود دارد و عملاً مشخص است چه کسی و در کجا چه میزان پول را حواله می کند. در نتیجه اگر در بحث نظارت مشکلی وجود دارد به کم کاری مسئولان بانک مرکزی و وزارت صمت برمی گردد. تمام اطلاعات دریافت ارز و چگونگی انتقال در سامانه ها مشهود است و سختگیری زیادی وجود دارد و در نتیجه همه چیز شفاف است و اگر در این میان کسی از رانت استفاده کرده و سودجویی اتفاق می افتد قطعاً باید گفت از عوامل داخلی این سازمان ها به وی کمک می شود، چون از خارج واقعاً سیستم سختگیرانه ای

پیمان مولوی، اقتصاددان، در گفت‌وگو با آینده‌نگر از دلایل افزایش فساد می‌گوید

## کسب‌وکارها برای بقا می‌جنگند، نه بهبود



برای مثال، نظارت زیادی روی قیمت گوشت صورت گرفت، چه اتفاقی افتاد؟ قیمت رشد نکرد؟ بازار کار خودش را می‌کند. متأسفانه آنچه ما را در ایران زمین‌گیر کرده، دست بالا گرفتن واژه نظارت است. نظارت در اقتصادی معنا پیدا می‌کند که تورم و ارز چندنرخه ندارد، همه چیز آن شفاف و ریسک‌های اقتصادی آن پایین است. قرار است بر چه مسائلی نظارت شود؟ نظارت بر حق انتخاب مصرف‌کننده. آیا حق انتخاب دارد که بتواند چندین کالا را به قیمت خوب بخرد یا خیر؟ انحصار در ایران جلوی این حق انتخاب را گرفته است. آیا نظارتی وجود دارد؟ خیر. بحث نظارت شکست خورده است. الان وضعیت انحصار را در بازار خودرو یا لوازم خانگی شاهدیم و می‌بینیم چه نتیجه‌ای به دنبال داشته است.

**فساد چگونه بر سرمایه اجتماعی اثرگذار است؟**  
تأثیر خود را به جای گذاشته است. الان جامعه نسبت به اتفاقات کرخت شده است. مثلاً دیگر چیزی از چای دیش می‌شنویم؟ تمام شد و رفت. هیاهو فروکش کرده و بعد از مدتی طبیعی می‌شود. یک نکته دیگر هم وجود دارد، در اقتصادی که توزیع رانت و انحصار وجود دارد، عموم مردم اگر دستشان برسد از این خوان استفاده می‌کنند. در ایران فسادها

تکراری می‌شوند. اما برای مثال می‌بینید مسئولان در ژاپن به خاطر واژگون شدن یک کامیون عذرخواهی می‌کنند یا استعفا می‌دهند. در کشورهای اسکانديناوی مردم می‌توانند از طریق نام‌نگاری پیگر این موضوع شوند که نخست وزیر چقدر هزینه کرده است. اما ما به سمتی رفته‌ایم که اعداد و ارقام از حیز انتفاع ساقط شده و دیگر کسی توجه نمی‌کند. خطر اصلی این است که جامعه کرخت شده و اهمیت لازم را به این مسائل نمی‌دهد.

**برای رفع فساد، اصلاح قوانین چقدر ضرورت دارد؟**  
اصلاح قوانین به تنهایی نمی‌تواند کمک‌کننده باشد، کل نظام تصمیم‌گیری، اقتصادی، قضائی، قوانین و مقررات کلان باید به سمت بهبود حرکت کنند. رتبه آزادی اقتصادی ایران از ۱۶۰ باید به نصف تقلیل یابد. یعنی تا این حد به چرخش در رویکرد و تفکر نیاز داریم و فقط با دو یا سه قانون نمی‌توانیم وضعیت را تغییر دهیم. نکته بعدی هم این است که تغییرات بین‌المللی هم روی ما اثرگذار هستند، یعنی این مساله فقط درون‌زا نیست، برون‌زا هم هست.

**نقش تحریم در فساد چیست؟ چون برخی می‌گویند وضعیت رکودی و تورم فزاینده در نتیجه اعمال تحریم‌ها، افراد را به انجام مفاسد مالی و اقتصادی حریص می‌کند.**  
نمی‌توان گفت مردم را حریص کرده است، مگر چند درصد مردم منفعت می‌برند؟ هم معضل داخلی است هم خارجی. نمی‌توان تحریم را دست‌کم گرفت و عامل داخلی را مهم به حساب آورد و بالعکس. من فکر می‌کنم این دو شبیه دو لبه پیچی عمل می‌کنند که اقتصاد ایران را می‌ززند.

**چگونه می‌توان اقتصاد سالمی داشت؟**  
برای اینکه اقتصاد سالم داشته باشیم ناگزیر هستیم الگوهای جهانی را ببینیم. باید دید اقتصادهای سالم مثل کشورهای حوزه اسکانديناوی، ژاپن یا سنگاپور چه کارهایی انجام داده‌اند؟ ما باید بر اساس فرهنگ و رویکرد خودمان از دیگران یاد بگیریم و گوشمان باز باشد. لازم است جهان را نظارت کنیم، پیشرفت‌ها و نقاط مثبت آن را ببینیم و از آنها یاد بگیریم. نیاز به چرخش داریم، به جای اینکه به بقیه یاد بدهیم باید به جایی برسیم که از بقیه یاد بگیریم. ما الان از این نقطه فاصله داریم. ■

**آقای مولوی، چرا فساد تا این حد گسترش یافته و در اقتصاد ایران نهادینه شده است؟**  
اگر به صورت حرفه‌ای رتبه آزادی اقتصادی ایران را تعقیب و کشورهای هم‌جوار را رصد کنید، به این نتیجه می‌رسید که اتفاقاً نباید انتظار خروجی دیگری داشت. یعنی ما در ذی‌نفعانه‌ترین اقتصاد زندگی می‌کنیم که امکان هر گونه اختلال و فساد اقتصادی در آن وجود دارد. برای مثال، زیمبابوه، روسیه، لیبی و لبنان هم‌رده ما در مبحث آزادی اقتصادی هستند.

**اقتصادی که ذی‌نفعانه است و جنگ ذی‌نفعان در آن اتفاق می‌افتد، خروجی بهتر از این در انتظارش نیست. ذی‌نفعان سعی می‌کنند در تمامی حوزه‌ها فعالیت کنند و نظر خودشان را پیش ببرند و در ضمن روی قوانین و مقررات مختلف تأثیر بگذارند.**

یک نمونه آن واردات خودرو است. نزدیک به دو سال است که گفته می‌شود واردات خودرو انجام می‌گیرد اما نتیجه چه بوده؟ به آن میزانی که باید خودرو به کشور وارد نشده است. ذی‌نفعان مشغول کار هستند. در این‌گونه اقتصادها رتبه آزادی اقتصادی اهمیت زیادی دارد و به ما اطلاعات بسیاری می‌دهد.

**چرا فعالیت سالم اقتصادی در ایران سخت شده است؟**  
اقتصاد ذی‌نفعانه، اقتصادی است که رشد نمی‌کند و مشکل تورم دارد. چطور می‌توان انتظار رشد چنین اقتصادی را داشت؟ اقتصادی مثل ترکیه تورم دارد، اما روابط و مرادواتش پابرجاست و تحریم بانکی و از این قضاها ندارد، می‌بینیم که الان در چه وضع اقتصادی قرار دارد. کشور ما در شرایط بدتر اقتصادی قرار گرفته و متأسفانه شاهد بدتر شدن اوضاع هستیم و در این میان کسب و کارها به سمت بقا در حال حرکت هستند نه به سمت بهبود.

**مهم‌ترین آثار و پیامد گسترش فعالیت‌های فساد چیست؟**  
ذی‌نفعانه‌تر شدن بیشتر اقتصاد، پیش‌بینی‌ناپذیر شدن بیشتر اقتصاد و حذف بسیاری از کسب و کارها.

**فساد چگونه به افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و تولید می‌انجامد؟**  
در اقتصاد نبود توازن در توزیع منابع را داریم. در نظام بانکی و بورس هم تقاضای فیک ایجاد می‌شود. کل اقتصاد تبدیل به اقتصادی می‌شود که ذی‌نفعان در آن حکم‌فرمایی می‌کنند.

**نظام ارزی ایران چه نقشی در ایجاد فساد و اقتصاد ناسالم دارد؟**  
نظام ارزی خودش یکی از عوامل فساد است. کجای دنیا چندنرخه بودن وجود دارد، به غیر از ایران و کشوری مثل آرژانتین. تصور هم نکنید که نظام چندنرخه کار دولت‌هاست، در حالت اول باز این ذی‌نفعان هستند که سعی می‌کنند با ایجاد چنین فضاهایی سود حداکثری به دست آورند؛ مثل ارز ۴۲۰۰ و ۲۸۵۰۰ تومانی.

**گفته می‌شود که در کنار تصویب قوانین و مقررات مورد نیاز برای مبارزه با مفاسد اقتصادی، لازم است کارایی و اثربخشی نهادهای نظارتی نیز افزایش یابد. نقش نهادهای نظارتی را چگونه می‌بینید؟**  
وقتی نظارت معنا پیدا می‌کند که قدرت اعمال نظارت وجود داشته باشد. نمی‌توان در جنگل بارانی آزمون نظارت اعمال کرد، اقتصاد مثل جنگل می‌ماند و یک اکوسیستم است.

# راهبرد

## دست انداز

آینده نگر وضعیت حمل و نقل جاده ای را بررسی می کند؛ گره کار کجاست؟

یکی از راه های مهم توسعه، از مسیر تجارت می گذرد و روابط بین المللی سازنده. در انزوا، تمام مسیرهای توسعه بسته می شود و گشودگی نیست. در این مسیر یکی از امکان هایی که به کمک دولت ها می آید، توسعه صنعت حمل و نقل است؛ از زمین تا دریا؛ از آسمان تا جاده؛ مسیرهایی که گره ناکار آمدی و تحریم به جانشان افتاده و نفسشان را گرفته است.



# بن بست فرسودگی

## چرا ایران نتوانست از ظرفیت اقتصادی صنعت حمل و نقل استفاده کند؟

مبادلات چین و اروپا از مسیرهای ایران انجام می‌شد و میزان درآمد مستقیم حاصل از ترانزیت برای کشور را ۷۵ دلار برای هر تن در نظر بگیریم، به‌طور بالقوه امکان کسب درآمد ۱۱ میلیارد دلاری از این مسیر برای ایران وجود می‌داشت. ایران در زمره معدود کشورهایی است که از موقعیت بین‌المللی خاصی برای ترانزیت بار برخوردار است؛ اما به دلایل مختلف از جمله ناهماهنگی‌های داخلی در امر سیاست‌گذاری در ترانزیت نتوانسته از مزیت‌های متنوع آن استفاده کند. فارغ از موضوع تحریم‌ها، برخی مشکلات داخلی نیز مانع از دستیابی و بهره‌برداری ایران از مزیت‌های فراوان ترانزیت و پتانسیل‌های کشور در این زمینه شده است. یکی از مهم‌ترین مشکلات عدم هماهنگی میان دستگاه‌های متولی این بخش است. به‌منظور برطرف کردن این ناهماهنگی‌ها پیشنهادهایی به این شرح قابل ارائه است: ۱. ایجاد نظام و متولی واحد برای بخش حمل و نقل کشور؛ ۲. جمع‌وعوظایف حمل و نقلی در یک وزارتخانه؛ ۳. ایجاد ستاد ترانزیت؛ ۴. اصلاح احکام مرتبط با حمل و نقل در قانون تعزیرات حکومتی و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز؛ ۵. واگذاری نقش ویژه به گمرک؛ ۶. به‌روز بودن رانندگان و شرکت‌های حمل و نقل نسبت به قوانین و مقررات بین‌المللی؛ ۷. اعتماد به شرکت‌های بین‌المللی حمل و نقل.

### خودمالکی ناوگان حمل و نقل جاده‌ای

تا پایان سال ۱۴۰۰ به میزان ۸۷٫۹ درصد مالکیت ناوگان حمل و نقل باری کشور خودمالکی (ملکی راننده و ملکی شخص دیگر) و ۱۲٫۱ درصد دیگر به‌صورت شرکتی (ملکی شرکت/موسسه، ملکی شرکاتی) بوده است. از نظر تعداد نیز از مجموع ۳۶۵ هزار وسیله نقلیه عمومی باری ۳۲۱ هزار دستگاه خودمالکی و ۴۴ هزار دستگاه به‌صورت شرکتی تملک شده است. در نبود شرکت‌های توانمند در حوزه حمل و نقل، با رانندگانی مواجه هستیم که تمامی مراحل حمل بار را خودشان به‌تنهایی انجام می‌دهند که این موضوع علاوه بر ایجاد مشکلات مضاعف برای رانندگان، مشکلاتی را برای سفارش‌دهنده بار نیز ایجاد می‌کند. مشکلات دیگری که به‌واسطه خودمالکی وجود دارد عبارت است از خودداری برخی از رانندگان در حمل برخی از بارها و یا تردد در برخی مسیرها و عدم تردد در مسیرهای دیگر، عدم امکان هماهنگی‌های کلان به دلیل فراوانی و تعدد رانندگان خودروها و بهره‌وری پایین سیستم حمل و نقل (به دلیل تردهای یکسرخالی، خواب بودن کامیون‌ها و...)، برای ایجاد نظام شرکت مالکی در برابر خودمالکی پیشنهادهایی به این شرح قابل ارائه است: ۱. جایجایی بار از طریق شرکت‌ها نه راننده؛ ۲. در نظر گرفتن امتیازات خاص برای شرکت‌ها؛ ۳. اصلاح قوانین مالیاتی در حوزه حمل و نقل؛ ۴. تغییر سیاست‌ها در جهت ایجاد شرکت‌ها و تعاونی‌ها؛ ۵. شرکت‌ها دریافت‌کننده تسهیلات باشند نه افراد حقیقی؛ ۶. اعطای مجوز واردات کامیون به شرکت‌های حمل و نقلی با قیودی؛ ۷. استفاده از ظرفیت ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور؛ ۸. اصلاح قوانین مالیاتی، قانون تعزیرات حکومتی و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز؛ ۹. ایجاد دیتاسنتر بار یا اطلس کشوری بار.

حمل و نقل اساس توسعه کشورها است و گستردگی زیرساخت‌های حمل و نقل و شبکه‌های متصل به هم با سطح بالاتری از توسعه‌یافتگی همراه است. کارایی و کیفیت بالای حمل و نقل نه تنها منجر به کاهش هزینه‌ها می‌شود، بلکه فرصت‌ها و مزیت‌های اقتصادی و اجتماعی ایجاد می‌کند که اثرات خارجی مثبتی مانند دسترسی بهتر به بازارها، افزایش اشتغال و سرمایه‌گذاری را به همراه دارد.

کارآمدی سیستم‌های حمل و نقل، فرصت‌ها و مزیت‌های اقتصادی و اجتماعی فراوانی را به همراه دارد که این فرصت‌ها و مزیت‌ها اثرات مثبت چندوجهی را مانند دسترسی بهتر به بازارها، افزایش اشتغال و سرمایه‌گذاری در اقتصاد سبب می‌شود. حمل و نقل کارآمد هزینه‌های بسیاری از بخش‌های اقتصادی را کاهش می‌دهد، در حالی که حمل و نقل ناکارآمد این هزینه‌ها را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، تأثیرات حمل و نقل همیشه آن چیزی نیست که قابل انتظار است و می‌تواند عواقب پیش‌بینی نشده یا ناخواسته‌ای داشته باشد. اثر ازدحام یا پیامدهای منفی زیست‌محیطی می‌توانند برخی از این عواقب پیش‌بینی نشده یا ناخواسته باشند که نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت.

با وجود اینکه در ایران زیرساخت‌های نسبتاً مناسبی در حوزه حمل و نقل وجود دارد و در اسناد بالادستی همواره بر ارتقای جایگاه بخش حمل و نقل در اقتصاد کشور تأکید شده، اما زیرساخت‌های حمل و نقل به‌طور متوازن در کشور توسعه‌نیافته و نتیجه این امر، هم در هزینه تمام‌شده کالاها و هم در عدم استفاده کشور از مزیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مرتبط با حمل و نقل، قابل مشاهده است. اگرچه تاکنون برای بهبود وضعیت حمل و نقل کشور، سیاست‌هایی پیشنهاد و اقداماتی نیز صورت گرفته است، اما وجود موانع و چالش‌های پیش روی بخش حمل و نقل، سبب شده تا اغلب سیاست‌ها عملیاتی نشوند و اهداف مورد نظر تحقق نیابند.

مدتی قبل مرکز پژوهش‌های اتاق ایران گزارش منتشر کرده که براساس آن گزارش چالش‌های بخش حمل و نقل در حوزه بار به دودسته کوتاه و میان‌مدت دسته‌بندی شده است. چالش‌هایی مانند نبود مرجع هماهنگ‌کننده ترانزیت در کشور، خودمالکی ناوگان حمل و نقل جاده‌ای و اتسکای هزینه‌های جاری سازمان‌های زیربخشی حمل و نقل به درآمدهای آن‌ها در دسته اول قرار می‌گیرند که آن‌ها را می‌توان با مجموعه اقداماتی در قالب برنامه‌های کوتاه‌مدت مدیریت کرده‌ام؛ چالش‌هایی مانند نبود نهاد راهبر لجستیک در کشور، فرسودگی ناوگان حمل و نقل، وجود موانع در رقابتی شدن حمل و نقل ریلی و جاده‌ای، حکمرانی نامتوازن در بخش حمل و نقل کشور و ناکافی بودن زیرساخت‌های شبکه ریلی کشور در دسته دوم قرار می‌گیرند که برای مدیریت آن‌ها به مجموعه اقداماتی در قالب برنامه‌های میان‌مدت نیاز است.

### نبود مرجع هماهنگ‌کننده ترانزیت در کشور

در صورتی که همه مبادلات کشورهای کریدور شمال-جنوب و یک‌سوم

#### لیلا ابراهیمیان

دبیر بخش راهبرد

#### چرا باید خواند:

اگر می‌خواهید درباره

مسائل حوزه حمل و

نقل زمینی، و موانع و

مشکلات کوتاه‌مدت

و بلندمدت این حوزه

بدانید، این پرونده را

بخوانید.

عملکرد لجستیک کشورها، عامل رشد اقتصادی و رقابت آن‌ها در هر دو زمینه تجارت بین‌المللی و داخلی خواهد بود. سیاست‌گذاران، پیاده‌سازی سیاست‌های منسجم و پایدار را برای یکپارچه‌سازی زنجیره تأمین نه تنها در کشورهای دارای بهترین عملکرد، بلکه در اقتصادهای نوظهور نیز به‌عنوان موتور برای رشد ضروری می‌دانند.

## اتکای هزینه‌های جاری سازمان‌های زیربخشی حمل‌ونقل به درآمدهای آن‌ها

وزارت راه و شهرسازی در حوزه حمل‌ونقل دارای معاونت حمل‌ونقل است. سازمان هواپیمایی کشوری، سازمان بنادر و دریانوردی و سازمان راه‌آبادی و حمل‌ونقل جاده‌ای نیز ذیل وزارتخانه و در حوزه حمل‌ونقل فعالیت می‌کنند. همچنین در حوزه حمل‌ونقل، شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران، شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران، شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل‌ونقل کشور، شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران و شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی (ره) و صندوق توسعه حمل‌ونقل کشور از شرکت‌های زیرمجموعه وزارت راه و شهرسازی هستند. بررسی شرکت‌های زیرمجموعه نشان می‌دهد که این سازمان‌ها و شرکت‌ها عمدتاً به صورت درآمد-هزینه اداره می‌شوند؛ هرچند اکثر آن‌ها زیان‌ده بوده و در قسمت تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به منابع بررسی وظایف و مأموریت‌های شرکت‌ها و سازمان‌های زیرمجموعه وزارت راه و شهرسازی نشان می‌دهد این سازمان‌ها (و شرکت‌ها) هم‌زمان وظایف تصدی‌گری، تنظیم‌گری و حاکمیتی را انجام می‌دهند.

برای این چالش مجموعه اقداماتی پیشنهاد می‌شود که عبارتند از: ۱. ایجاد وزارت حمل‌ونقل؛ ۲. ایجاد نهاد تنظیم‌گر در بخش حمل‌ونقل در شقوق مختلف؛ ۳. واریز تمام درآمدهای بخش حمل‌ونقل و راه به خزانه به‌عنوان درآمدهای عمومی.

## نبود نهاد راهبر لجستیک در کشور

لجستیک کی از ارکان اصلی توسعه اقتصادی کشورها شناخته شده است. عملکرد لجستیک کشورها، عامل رشد اقتصادی و رقابت آن‌ها در هر دو زمینه تجارت بین‌المللی و داخلی خواهد بود. سیاست‌گذاران، پیاده‌سازی سیاست‌های منسجم و پایدار را برای یکپارچه‌سازی زنجیره تأمین نه تنها در کشورهای دارای بهترین عملکرد، بلکه در اقتصادهای نوظهور نیز به‌عنوان موتور برای رشد ضروری می‌دانند. کشورهای دارای عملکرد ضعیف در بخش لجستیک با هزینه‌های بالا روبرو هستند. این امر نه تنها به دلیل هزینه‌های حمل‌ونقل بلکه به دلیل زنجیره‌های تأمین غیرقابل اتکا است که مانع اصلی همگرایی و رقابت در زنجیره ارزش جهانی محسوب می‌شود. طبق اطلاعات گزارش شاخص‌ها و نماگرهای عملکرد لجستیک در سال ۲۰۱۸ متوسط شاخص لجستیک برای ۱۳ کشور منطقه که صادرات ایران به آن‌ها از طریق جاده امکان‌پذیر است، معادل ۲،۵ است که این رقم از عملکرد ۱۱۴ کشور از ۱۶۰ کشور فهرست پایین‌تر است. ایران با رتبه ۶۴ و شاخص LPI

۲،۸۵ از تمامی کشورهای منطقه به‌جز ترکیه (با شاخص ۳،۱۵) وضعیت بهتری دارد. مقدار این شاخص برای عراق و افغانستان به‌عنوان دو مقصد مهم صادرات جاده‌ای کشور، به ترتیب ۲،۱۸ (رتبه ۱۴۸) و ۱،۹۵ (آخرین رتبه یعنی ۱۶۰) بوده است. پیشنهادهایی به شرح زیر برای چالش ناهماهنگی و نبود راهبر لجستیک در کشور قابل طرح است: ۱. ایجاد یکپارچگی و هماهنگی در همه مراحل لجستیک؛ ۲. ایجاد انسجام سیاست‌های حمل‌ونقلی در مجموعه وزارت راه و شهرسازی؛ ۳. کارکرد اختصاصی سازمان‌ها و شرکت‌های زیرمجموعه وزارت راه و شهرسازی؛ ۴. ارتقای کارکرد کمیسیون ترابری؛ ۵. تعیین اتاق بازرگانی به‌عنوان نهاد متولی لجستیک؛ ۶. ایجاد شورای راهبری لجستیک؛ ۷. فرهنگ‌سازی برای لجستیک؛ ۸. تکمیل

## حلقه‌های لجستیک

### فرسودگی ناوگان حمل‌ونقل

ناوگان باری کشور در پایان سال ۱۴۰۰ به‌طور متوسط سن ۱۹،۳ سال را داشته است. وسایل نقلیه عمومی باری زیر یک سال ۱،۷ درصد ناوگان باری کشور و وسایل نقلیه عمومی باری بالای ۵۰ سال ۱،۲ درصد ناوگان باری کشور را تشکیل داده است. بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به وسایل نقلیه باری با سن ۱۱ تا ۱۵ سال و ۶ تا ۱۰ سال بوده است. بر اساس آیین‌نامه اجرایی ماده ۸ قانون هوای پاک، احراز فرسودگی ناوگان از سن ناوگان مستقل شده است. در این آیین‌نامه ضمن تعریف سن مرز فرسودگی، پس از سن فرسودگی، ضرورت انجام تست‌های فنی مربوط و تعداد دفعات مراجعه به مراکز مکانیزه سنگین و نیمه‌سنگین معاینه فنی به سه بار در سال افزایش پیدا کرده. ناوگانی که دو بار متوالی در تست معاینه فنی مردود شود، فرسوده تلقی می‌شود. فرسودگی ناوگان علاوه بر بهره‌وری پایین آسیب‌های زیست‌محیطی و اقتصادی بالایی نیز به همراه دارد. یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اقتصادی مصرف بالای سوخت است. مصرف بالای سوخت علاوه بر زیان اقتصادی، اثرات مخرب زیست‌محیطی هم به همراه دارد. همچنین یارانه پنهان سوخت در بخش حمل‌ونقل جاده‌ای شامل بار و مسافر برای سال ۱۳۹۹ رقمی در حدود ۲۳۶ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. البته با افزایش قیمت‌های نفت و نرخ تسعیر ارز و ثابت ماندن قیمت گازوئیل به ویژه در سال ۱۴۰۱ رقم مزبور به شدت افزایش یافته است. پیشنهادهایی که برای نوسازی ناوگان مطرح است به این شرح است: ۱. نوسازی کامیون‌های با بالاترین عمر، واردات کامیون‌های زیر ۳ سال عمر و افزایش قیمت گازوئیل؛ ۲. استفاده از قابلیت ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید؛ ۳. اجباری شدن فیلتر دوده؛ ۴. جلوگیری از تردد کامیون‌های با عمر بالا (مثلاً ۳۰ سال به بالا) در جاده‌های کشور؛ ۵. توسعه شرکت‌مالکی به جای خودمالکی؛ ۶. از بین رفتن تفاوت قیمت‌های داخلی و خارجی کامیون؛ ۷. کمک گرفتن از بخش خصوصی.

### وجود موانع در رقابتی شدن حمل‌ونقل

#### ریلی و جاده‌ای

بین حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای در کشور توازن و تناسبی وجود ندارد. از کل بار جابجاشده باروش زمینی ۹۲ درصد حمل‌ونقل کالا در کشور در جاده‌ها و توسط کامیون‌ها انجام می‌شود و ۸ درصد نیز از طریق ریل صورت می‌گیرد. متوسط مسافت طی شده توسط یک کامیون در کشور، در سال ۱۴۰۰ برابر ۵۰۲ کیلومتر بوده است. این به معنای آن است که در حمل‌ونقل جاده‌ای حمل بار در فواصل طولانی‌تر از ۳۰۰ کیلومتر اتفاق می‌افتد؛ در حالی که برای رفع موانع در رقابتی در مسافت‌های بالاتر از ۳۰۰ کیلومتر باید حمل بار از طریق ریل صورت بگیرد. در حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای به مجموعه اقداماتی نیاز است که هم‌ضعف‌های زیرساختی در بخش حمل ریلی برطرف شود و هم برخی مزیت‌های یک‌طرفه که در حال حاضر به نفع حمل جاده‌ای است، تغییر کند و موازنه‌ای بین دو شق حمل‌ونقل ایجاد شود. برخی از مهم‌ترین این اقدامات به این شرح است: ۱. دوخطه کردن خطوط راه‌آهن؛ ۲. توسعه زیرساخت‌ها و ناوگان ریلی؛ ۳. توسعه شبکه مویرگی با کمک مراکز عمده بار در کشور؛ ۴. توسعه فرهنگ استفاده از ناوگان ریلی؛ ۵. خارج

یارانه پنهان سوخت در بخش حمل‌ونقل جاده‌ای شامل بار و مسافر برای سال ۱۳۹۹ رقمی در حدود ۲۳۶ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. البته با افزایش قیمت‌های نفت و نرخ تسعیر ارز و ثابت ماندن قیمت گازوئیل به ویژه در سال ۱۴۰۱ رقم مزبور به شدت افزایش یافته است

شدن توسعه واحداث راه آهن از فشارهای سیاسی و خواست های منطقه ای؛ ۶. ایجاد موازنه بین هزینه های نگهداری و بهره برداری در دو بخش جاده ای و ریلی؛ ۷. افزایش قیمت سوخت؛ ۸. اصلاح ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید.

### حکمرانی نامتوازن در بخش حمل و نقل کشور

هم اکنون مقام سیاست گذار در بخش حمل و نقل کشور از یک سو و سیاست گذاران زیربخش های حمل و نقل همگی در سطح معاون وزیر راه و شهرسازی هستند، در حالی که حکمرانی مؤثر ایجاب می کند تا ضمن واگذاری کلیه تصدی های دولتی موجود بخش حمل و نقل به بخش خصوصی، سازمان های زیربخشی حمل و نقل کوچک سازی و در سلسله مراتب اداری تحت مدیریت و راهبری مقام سیاست گذار و هماهنگ کننده شیوه های حمل و نقل، سازماندهی شوند. یکی از مشکلات بخش حمل و نقل در حال حاضر، تصدی گری دولت در این حوزه و عدم هماهنگی در وظایف حاکمیتی است. به طور خاص عدم هماهنگی در بخش های حاکمیت شیوه های مختلف حمل و نقل موجب شده است که شاهد مدیریت جزیره ای در زیر بخش ها و سازمان های تابعه وزارت راه و دیگر نهادهای مسئول در این حوزه باشیم. اصلاح ساختار حاکمیت باید امکان رشد بیشتر و مشارکت بخش خصوصی را فراهم کند و از سوی دیگر حاکمیتی یکپارچه و کارا ارائه دهد. با توجه به تعدد مراجع تصمیم گیری در این حوزه (وزارت راه و شهرسازی، شهرداری ها، وزارت کشور، وزارت صنعت، معدن و تجارت، گمرک و...) نقش شوراهای عالی تصمیم گیری در این زمینه باید تقویت و ساختار سازمانی متناسب با این نیازها طراحی شود. همچنین در ساختار جدید باید نقش سیاست گذاری، تنظیم گری و بنگاهداری در شیوه های مختلف حمل و نقل تفکیک شده تا نقش حاکمیتی دولت به شکلی مطلوب انجام شود. مجموعه اقداماتی که برای چالش های این حوزه می توان پیشنهاد کرد به این شرح است: ۱. تفکیک وظایف سیاست گذاری، تصدی گری و تنظیم گری در مجموعه وزارت راه و

شهرسازی؛ ۲. ایجاد نهاد مستقل تنظیم گری (رگلاتوری) در شقوق مختلف حمل و نقل؛ ۳. انتزاع بخش راه از وزارت راه و شهرسازی و ایجاد وزارتخانه حمل و نقل؛ ۴. ایجاد اطلس ملی بار.

### ناکافی بودن زیرساخت های شبکه ریلی کشور

خطوط ریلی در دست بهره برداری کشور برابر ۱۳۹۵۴ کیلومتر، خطوط ریلی در دست مطالعه برابر ۶۳۱۲ کیلومتر و خطوط ریلی در دست اجرا برابر ۳۲۶۷ کیلومتر است. بر اساس اسناد بالادستی و طبق مطالعات طرح جامع حمل و نقل کشور، نیاز به توسعه شبکه ریلی به مراتب بیش از نیاز به توسعه شبکه جاده است و مزایای حمل و نقل ریلی نیز موجب شده در اسناد بالادستی متعددی بر اولویت حمل و نقل ریلی تصریح و تأکید شود؛ با این حال در طول ۴۰ سال گذشته توسعه جاده ها با شتابی باور نکردنی و چند برابر توسعه ریلی صورت پذیرفته است. بر اساس اطلاعات موجود در طول ۴۳ سال گذشته خطوط ریلی تنها ۲،۵ برابر شده در حالی که طول آزادراه های طی همین مدت نزدیک به ۲۰ برابر و طول بزرگراه ها نیز ۳۶،۸ برابر شده است. طول راه های اصلی نیز ۶،۷ برابر و راه های روستایی نیز بیش از ۵ برابر شده است؛ بنابراین در سال ها و دهه های گذشته نتایج سیاست ها و اقدامات اجرایی توسعه به شدت نامتوازن زیرساخت های جاده ای در برابر ریلی بوده است. برای تغییر این وضعیت و افزایش سهم حمل و نقل ریلی در کشور و به منظور تکمیل زیرساخت های شبکه ریلی اقداماتی به شرح زیر پیشنهاد می شود: ۱. سرمایه گذاری دولت و با مشارکت بخش خصوصی در خطوط فرعی؛ ۲. دوخطه کردن خطوط؛ ۳. اولویت بندی پروژه های ریلی؛ ۴. افزایش و تکمیل ناوگان ریلی؛ ۵. رفع گلوگاه ها در تخلیه و بارگیری؛ ۶. ایجاد و توسعه شرکت های خصوصی ریلی. در قسمت دیگر گزارش، متناسب با هر مشکل، به ارائه پیشنهادها و برنامه های کوتاه مدت و میان مدت برای رفع چالش های مذکور پرداخته شده است که خلاصه آن به شرح جدول ذیل است. ■

چالش ها	راهبردها
<b>ساماندهی با برنامۀ کوتاه مدت</b>	
نیبود مرجع هماهنگ کننده ترانزیت در کشور	با توجه به موقعیت ممتاز ترانزیتی کشور و مزیت هایی از جمله: ایجاد درآمدهای ارزی، افزایش اشتغال، ارتباط با کشورهای مسیر ترانزیت و... اقتضا دارد ترانزیت از سوی مرجعی با اقتدار فرابخشی و تأثیرگذار، سیاست گذاری، هماهنگی و راهبری شود.
خودمالکی ناوگان حمل و نقل جاده ای	تداوم «خودمالکی» کامیون ها، تعداد دو برابری کامیون هانسبت به نیاز و همچنین وجود سالن های اعلام بار در پایانه های حمل و نقل جاده ای، ناکارآمدی و کاهش شدید بهره وری را در پی داشته و لزوم جایگزینی ساختار «شرکت مالکی» را محرز ساخته است.
اتکای هزینه های جاری سازمان های زیربخشی حمل و نقل به درآمدهای آن ها	هم اکنون سازمان های زیربخشی حمل و نقل، به لحاظ اداری مالی مستقل بوده و هزینه های جاری آن ها متکی به درآمدهای آنان است، این وضعیت فرآیند سیاست گذاری، مسئولیت ها و مأموریت های آن ها را تحت تأثیر قرار داده است.
<b>ساماندهی با برنامۀ میان مدت</b>	
نیبود نهاد راهبر لجستیک در کشور	بنا بر تجارب آزموده شده در کشورهای صنعتی و در صورت وجود ساختار لجستیکی فرابخشی برای ایجاد هماهنگی و یکپارچگی میان همه بخش های حمل و نقل، بازرگانی، گمرکی، امور بانکی، انبارداری و... هزینه ها و بهای تمام شده کالاها و نیز زمان انجام فرایندها به میزان قابل ملاحظه ای کاهش می یابد.
فرو سودگی ناوگان حمل و نقل	پاسخگو نبودن تولید داخلی برای نوسازی ناوگان و به تبع آن افزایش ناموجه بهای تمام شده از یک سو و نامتوازن بودن تعداد ناوگان زمینی بار به نسبت نیاز از سوی دیگر، فرآیند نوسازی و جایگزینی ناوگان فرسوده را پیچیده و دشوار ساخته است.
وجود موانع در رقابتی شدن حمل و نقل ریلی و جاده ای	ارزانی بهای سوخت (نفت گاز)، اتکای هزینه های نگهداری و بهره برداری ریلی به درآمدهای راه آهن، بالا بودن نسبی «حق دسترسی ریلی» و... رقابتی شدن هزینه های تمام شده میان راه آهن و حمل و نقل جاده ای ناممکن ساخته است.
حکمرانی نامتوازن در بخش حمل و نقل کشور	هم اکنون مقام سیاست گذار در بخش حمل و نقل کشور از یک سو و سیاست گذاران زیربخش های حمل و نقل همگی در سطح معاون وزیر راه و شهرسازی هستند، در حالی که حکمرانی مؤثر ایجاب می کند تا ضمن واگذاری کلیه تصدی های دولتی موجود در بخش حمل و نقل به بخش خصوصی، سازمان های زیربخشی حمل و نقل کوچک سازی و در سلسله مراتب اداری تحت مدیریت و راهبری مقام سیاست گذار و هماهنگ کننده شیوه های حمل و نقل، سازمان دهی شوند.
ناکافی بودن زیرساخت های شبکه ریلی کشور	از آنجاکه در خطوط ریلی، در مقایسه با شبکه های جاده ای، حمل و نقل شخصی جریان ندارد، بنابراین خطوط راه آهن به موازات شبکه های جاده ای توسعه نیافته و گسترش آن مستلزم سرمایه گذاری های ویژه است.

محیطزیست تحت تأثیر عملکرد حمل و نقل و خودروهای تجاری است. این دسته از خودروها مصرف‌کننده بزرگ گازوئیل هستند و این سوخت - بالاخص انواع فاقد کیفیت آن - یکی از آلاینده‌های اصلی هواست. یارانه قابل توجهی نیز نظیر سایر سوخت‌ها به گازوئیل اختصاص می‌یابد و هرگونه کاهش یا افزایش مصرف سوخت توسط خودروهای تجاری سهم زیادی در کاهش یا افزایش آلودگی و توزیع رانتهای ناشی از قیمت‌های انرژی در ایران دارد.

# سایه دولت بر سر حمل و نقل

## سرنوشت خودرو در ایران زیر سایه مداخله دولت

اثرات اجتماعی، سیاسی و امنیتی نیز هست.

**دو** محیطزیست تحت تأثیر عملکرد حمل و نقل و خودروهای تجاری است. این دسته از خودروها مصرف‌کننده بزرگ گازوئیل هستند و این سوخت - بالاخص انواع فاقد کیفیت آن - یکی از آلاینده‌های اصلی هواست. یارانه قابل توجهی نیز نظیر سایر سوخت‌ها به گازوئیل اختصاص می‌یابد و هرگونه کاهش یا افزایش مصرف سوخت توسط خودروهای تجاری سهم زیادی در کاهش یا افزایش آلودگی و توزیع رانتهای ناشی از قیمت‌های انرژی در ایران دارد.

**سه** کمیت و کیفیت خودروهای تجاری بر ویژگی‌های نظام حمل و نقل ایران اثر می‌گذارد. هزینه حمل و نقل فقط یکی از ابعاد این نظام پیچیده را شامل می‌شود. کافی بودن وسایل حمل و نقل، سرعت، سهولت و در دسترس بودن حمل و نقل کالا و مسافر نیز از جمله ابعادی هستند که کلیت نظام اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و همگی به نحوی تحت تأثیر صنعت ساخت و تأمین خودروهای تجاری قرار دارند.

**چهار** خودروهای تجاری بالاخص در زمینه حمل و نقل کالا، اهمیت راهبردی نیز دارند. کشور دارای مجموعه گسترده‌ای از ارتباطات تجاری با کشورهای دیگر است. ارتباطات زمینی با کشورهای نظیر ترکیه، افغانستان، کشورهای آسیای میانه و قفقاز، عراق و پاکستان از طریق مسیرهای زمینی صورت می‌گیرد. ارتباط با کشورهای اروپایی نیز از طریق کامیون‌های تجاری انجام می‌شود. دسترسی به ناوگان حمل و نقل کافی، باکیفیت و توانمند برای در دست گرفتن بازارهای بین‌المللی علاوه بر تأثیر بر هزینه حمل و نقل، اهمیت راهبردی برای تأمین امنیت بخش حمل و نقل نیز دارد. به علاوه، در چارچوب مناسبات بین‌المللی توسعه‌یافته در چند دهه گذشته و با توجه به طرح‌هایی نظیر راه ابریشم نوین یا «بکتار جاده و کمربند» چین برای توسعه شبکه راه‌ها و ارتباطات زمینی در اوراسیا، داشتن ناوگان حمل و نقل اهمیت راهبردی بین‌المللی زیادی پیدا می‌کند. این امر مهم بالاخص برای ایران که به‌طور تاریخی چهارراه مسیرهای حمل و نقل در اوراسیا بوده و ناوگان حمل و نقل خودروهای تجاری آن قادر است در کنار راه‌آهن به تکمیل کریدورهای ترکیبی حمل و نقل دریایی کمک کند، اهمیت زیادی دارد.

**پنج** کیفیت خودروهای تجاری بالاخص از نظر ایمنی، اثری تعیین‌کننده بر ایمنی جاده‌ها و کاهش تصادفات و آسیب‌دیدگان از آن‌ها دارد. بخشی از آمار زخمی‌های و کشته‌شدگان حوادث جاده‌ای در ایران نتیجه تصادفات خودروهای

رسانه‌ها و عرصه عمومی همواره درگیر بحث درباره خودروهای سواری بوده و هستند. رخدادهای مربوط به خودروی سواری، از قیمت‌گذاری گرفته تا کیفیت ساخت، میزان مصرف سوخت یا ثبت نام برای شرکت در قرعه‌کشی تعداد محدودی خودروی سواری، همواره در رسانه‌ها و افکار عمومی مطرح هستند. اما خودروی تجاری - کامیون، اتوبوس، مینی‌بوس و ون - جای مهمی در زندگی اجتماعی و رسانه‌ها ندارد. حتی اهمیت خودروهای تجاری نیز برای افکار عمومی شناخته‌شده نیست و در ذهنیت غالب مردم جایگاهی ندارد. توجه به وجوه مهم اهمیت خودروهای تجاری، می‌تواند شروع مناسبی برای بحثی درباره سیاست‌گذاری خودروهای تجاری باشد. اهمیت خودروهای تجاری را در هفت مورد می‌توان برشمرد.

**یک** تداوم حیات مستلزم جابه‌جایی انسان و بار است. شهروندان برای کار کردن، خرید کردن، مسافرت رفتن و طیف گسترده‌ای از کنش‌های انسانی به جابه‌جایی و حمل و نقل نیاز دارند. بخش مهمی از این حمل و نقل توسط خودروهای تجاری (اتوبوس، مینی‌بوس و ون در شهرها) و اتوبوس‌های بین‌شهری صورت می‌گیرد. جابه‌جایی و حمل و نقل بار نیز برای تولید و مصرف کالاها ضروری است. هر کالایی که تولید و مصرف می‌شود در دل خود سهمی از حمل و نقل دارد و به همین جهت هزینه‌های مرتبط با حمل و نقل در دل هزینه نهایی تمام‌شده همه کالاها نهفته است. حمل و نقل را می‌توان از این منظر به آب و انرژی تشبیه کرد. همان‌گونه که در هر کالا و خدمتی، آب و انرژی به صورت آشکار یا پنهان وجود دارد، حمل و نقل نیز در هر کالا و خدمتی نهفته است و از این جهت افزایش یا کاهش هزینه‌های حمل و نقل می‌تواند کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار دهد و موفقیت یا اختلال در حمل و نقل مسافر و بار دارای



محمد فاضلی  
محدثه جلیلی  
فاطمه خوسدلی

جامعه‌شناس / کارشناس

### چرا باید خواند:

- گرمی خواهید درباره
- صنعت خودرو،
- مسائل و مشکلات آن
- بدانید، خواندن این
- مقاله تحلیلی به شما
- توصیه می‌شود.

### نکته‌هایی که باید بدانید

- ▲ کسب و کار ساخت خودرو، نظیر عمده کالاها، مبتنی بر تیراژ است. در سال‌های اخیر استراتژی نظام حکمرانی بر ممنوعیت واردات خودرو سواری و تجاری بوده است. در واقع، این یکی از مصادیق تعمیم نادرست سیاست‌های خودروی سواری به خودروی تجاری است.
- ▲ در «سند خودرو در افق ۱۴۰۴» پیش‌بینی شده بود، میزان داخلی سازی از ۱۴ درصد (شامل رنگ و مونتاژ) در سال تنظیم سند (۱۳۹۳) به ۵۰ درصد در انواع کامیون و کشنده و اتوبوس و مینی‌بوس در سال ۱۳۹۶ و بیش از ۵۰ درصد در سال ۱۴۰۰ افزایش یابد.
- ▲ اتوبوس به نسبت سایر خودروهای سنگین به صورت قطعات نیمه‌ساخته وارد می‌شود و واردات اتوبوس به شکل کاملاً ساخته‌شده (CBU) غیراقتصادی است.
- ▲ نقطه شروع سیاست‌گذاری خودروی تجاری، تفکیک آن از خودروی سواری است. این تمایز از آن رو مهم است که یگانه پنداشتن دو صنعت موجب شده کمیت و کیفیت خودروهای تجاری مغلوب خودروی سواری شود.

نظام حمل و نقل  
بار و مسافر  
در همه  
کشورها دارای  
حساسیت‌های  
امنیتی نیز هست.  
۱ تضمین به موقع  
و کافی تأمین  
شدن بار برای  
کارخانجات،  
فروشگاه‌ها و مردم  
مصرف‌کننده  
همواره منشأ  
نگرانی برای  
دولت‌ها و جوامع  
است. نمونه‌های  
تاریخی از بروز  
قحطی بر اثر  
فقدان حمل و نقل  
کافی یا اعتصاب  
کارکنان بخش  
حمل و نقل و اثر  
آن بر جامعه  
و سیاست،  
حمل و نقل راه  
مؤلفه مهمی در  
تضمین ثبات  
اجتماعی و  
سیاسی نیز تبدیل  
کرده است

تجاری است و بنابراین بهبود کیفیت خودروهای تجاری و نظام حمل و نقل یکی از عوامل مؤثر بر ایمنی جاده‌ای نیز هست.

### شش

نظام حمل و نقل بار و مسافر در همه کشورها دارای حساسیت‌های امنیتی نیز هست. ۱ تضمین به موقع و کافی تأمین شدن بار برای کارخانجات، فروشگاه‌ها و مردم مصرف‌کننده همواره منشأ نگرانی برای دولت‌ها و جوامع است. نمونه‌های تاریخی از بروز قحطی بر اثر فقدان حمل و نقل کافی یا اعتصاب کارکنان بخش حمل و نقل و اثر آن بر جامعه و سیاست، حمل و نقل را به مؤلفه مهمی در تضمین ثبات اجتماعی و سیاسی نیز تبدیل کرده است. بیم از اعتصاب رانندگان کامیون یا بقیه کارکنان بخش حمل و نقل در ذهنیت سیاست‌گذار ایرانی نیز همواره مؤثر بوده است.

### هفت

حمل و نقل مسافر در کشوری به گستردگی ایران با ظرفیت‌های عظیم برای توسعه گردشگری، مسافت‌های طولانی و نیاز به جابه‌جایی مسافر در این فواصل، به علاوه تعداد زیاد زخمی‌ها و کشته‌های تصادفات جاده‌ای، ضرورت داشتن ناوگان ایمن و مطمئن حمل و نقل مسافر را نیز نشان می‌دهد.

### ۱

اگرچه می‌توان بر وجوه دیگری از اهمیت ساخت و تأمین خودروهای تجاری و داشتن ناوگان مناسب از این خودروها تأکید کرد اما همین هفت نکته نیز نشان می‌دهد که بررسی صنعت ساخت خودروهای تجاری در اصل پرداختن به صنعتی راهبردی با تأثیرات گسترده بر وجوه بسیار متنوعی از زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. اهمیت این ابعاد است که ضمن نشان دادن ضرورت پرداختن به خودروی تجاری، خسارات ناشی از نادیده شدن این صنعت در ذیل اولویت یافتن مباحث مربوط به خودروهای سواری را بیشتر آشکار کرده و ضرورت پرداختن جداگانه و پررنگ به این عرصه را معلوم می‌سازد. ما در این نوشتار تلاش می‌کنیم تا اصلی‌ترین سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته در عرصه ساخت خودروی تجاری در ایران را بررسی کرده و عواقب آن‌ها را آشکار کنیم. ۲ ذکر این نکته نیز ضروری است که با توجه به تغییرات سیاسی سریع در کشور، ممکن است برخی از سیاست‌هایی که در زمان انجام پژوهش منتهی به این مقاله، اعمال می‌شده‌اند، تاکنون تغییر کرده باشند. بنابراین آن‌چه در این مقاله آورده شده، ناظر بر تحلیل شماری از سیاست‌هایی است که تا پایان سال ۱۴۰۱ اعمال

می‌شده است. هم‌چنین این پژوهش، علاوه بر بررسی اسناد سیاستی و آمارهای رسمی درباره ساخت خودروی تجاری، و مقالات منتشره درباره این صنعت، با استفاده از مصاحبه با فعالان صنعت ساخت خودروی تجاری در ایران تدوین شده است.

### سیاست‌گذاری خودروی تجاری

۲

سیاست‌گذار در سالیان مختلف مجموعه‌ای از سیاست‌های ناظر بر ساخت خودروی تجاری را اعمال کرده است. جدول شماره ۱ مهم‌ترین اسناد سیاستی این عرصه را نشان می‌دهد.

سیاست‌های مختلفی در قالب قانون، آیین‌نامه، بخشنامه یا مصوبه در راستای اهداف اقتصادی (کنترل قیمت، کیفیت و حجم تولید خودروهای تجاری) یا اجتماعی (بهبود مسائل محیط‌زیستی، ایمنی و امنیت) تنظیم شده است. این اهداف یا سناریوهای سیاستی از سوی نهادهای عالی و میانی<sup>۳</sup> و به منظور تنظیم‌گری صنعت خودروی تجاری به‌کار گرفته شده است. ما تلاش کردیم نشان دهیم که دولت و سازمان‌های دولتی با قاعده‌گذاری بر اساس هر کدام از این سناریوها بر صنعت خودروی تجاری چه تأثیری را بر جای می‌گذارند. هم‌چنین این سناریوها نشان می‌دهد، مداخله سیاستی دولت، با چه ابزارهایی و چگونه منافع ذینفعان مختلف را مد نظر قرار می‌دهد و اساساً مداخله سیاستی دولت چگونه بر منافع گروه‌های مختلف اثر می‌گذارد.

### ۱-۲. یکسان‌نگاری خودروی تجاری و سواری

نقطه شروع سیاست‌گذاری خودروی تجاری، تفکیک آن از خودروی سواری است. این تمایز از آن رو مهم است که یگانه پنداشتن دو صنعت موجب شده کمیته و کیفیت خودروهای تجاری مغلوب خودروی سواری شود. اساساً کلاس‌بندی خودروها بر اساس معیارها و پارامترهای مختلفی صورت می‌گیرد که بر اساس کاربرد متفاوت خودرو تعریف شده است. با این حال، خودروی تجاری علی‌رغم تفاوت کارکردی با خودروی سواری در سطح سیاست‌گذاری تفکیک نشده و چارچوب قاعده‌گذاری، وضع استانداردها، سیاست‌های وارداتی، سیاست‌های داخلی‌سازی و به طور کل مفهوم برنامه‌ریزی و توسعه خودروی تجاری متأثر از خودروی سواری است. در گفت‌وگوی تیم تحقیقاتی با فعالان حوزه خودروی تجاری این جمله پر تکرار شنیده شد که «قالب ساختار ذهنی سیاست‌گذاران در حوزه خودرو، خودروی سواری است». پیامد تلفیق دو حوزه سیاست‌گذاری خودرویی یعنی خودروی سواری و تجاری و تعمیم سیاست‌گذاری خودروی سواری به بخش تجاری، موجب سرکوب تولید خودروی تجاری شده و از این

جدول شماره ۱. سیاست‌های تنظیم‌گر صنعت خودروی تجاری	
عنوان سیاست	مقررات وضع شده
واردات	شرایط ورود ماشین‌آلات سنگین به پیمانکار خارجی (۱۳۶۳)، قانون مقررات صادرات و واردات (۱۳۶۴)، قانون چگونگی محاسبه و وصول حقوق گمرکی، سود بازرگانی و مالیات انواع خودرو و ماشین‌آلات راه‌سازی وارداتی و ساخت داخل و قطعات آن‌ها (۱۳۷۱)، آیین‌نامه ضوابط فنی واردات خودرو (۱۳۸۲)
نوسازی ناوگان فرسوده	تعیین سن فرسودگی خودروها (۱۳۸۳)، سهم دولت در تأمین خودروهای جمعی بزرگ درون شهری (توبوس) (۱۳۸۵)، تبصره (۱۳) قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور و ساماندهی و توسعه حمل و نقل عمومی، مصوبه شورای اقتصاد در خصوص طرح جایگزینی و نوسازی ناوگان حمل و نقل درون شهری و برون شهری (۱۳۹۸)
تعیین استاندارد	قانون ارتقای کیفیت تولید خودرو و سایر تولیدات صنعتی داخلی (۱۳۸۹)، آیین‌نامه اجرایی قانون ارتقای کیفیت تولید خودرو و سایر تولیدات صنعتی داخلی (۱۳۸۹)، سند خودرو در افق ۱۴۰۴ (۱۳۹۹)، سند خودرو در افق ۱۴۰۴ (۱۳۹۳)، آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو (۱۳۹۵)، استاندارد‌های ۸۵ گانه (۱۳۹۶)، قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت (۱۳۸۶)

منبع: یافته‌های تحقیق



بی‌شماری کاربران خودروی سواری به نسبت خودروی تجاری یا گسترده‌تری که به طور مستقیم ذینفع خودروی سواری است به نسبت خودروی تجاری، این امکان را ایجاد کرده که خودروی سواری با اتکا به تعداد کاربران خود، شرایط بهتری برای مطالبه‌گری داشته و در نتیجه بازخوردهای خواسته‌های این گروه در مورد خودروی سواری بهتر شنیده و درک شود. از این رو، اساساً یک سیاست حمایتگر از صنعت خودرو سواری غالب، و رگولاتوری خودروی تجاری مغفول واقع شده است.

رو، برنامه‌ریزی در صنعت خودروی تجاری متأثر از خودروی سواری منجر به راهبردهای پر خطا شده است. در ادامه به برخی از اشکالات سیاستی که ناشی از مترادف دانستن سیاست‌گذاری خودروی تجاری و سواری است اشاره می‌شود:

یک. بی‌شماری کاربران خودروی سواری به نسبت خودروی تجاری یا گسترده‌تری که به طور مستقیم ذینفع خودروی سواری است به نسبت خودروی تجاری، این امکان را ایجاد کرده که خودروی سواری با اتکا به تعداد کاربران خود، شرایط بهتری برای مطالبه‌گری داشته و در نتیجه بازخوردهای خواسته‌های این گروه در مورد خودروی سواری بهتر شنیده و درک شود. از این رو، اساساً یک سیاست حمایتگر از صنعت خودرو سواری غالب، و رگولاتوری خودروی تجاری مغفول واقع شده است.

دو. کسب‌وکار ساخت خودرو، نظیر عمده‌کالاها، مبتنی بر تیراژ است. در سال‌های اخیر استراتژی نظام حکمرانی بر ممنوعیت واردات خودرو سواری و تجاری تجاری بوده است. در واقع، این یکی از مصادیق تعمیم نادرست سیاست‌های خودروی سواری به خودروی تجاری است. چراکه تیراژ تولید در خودروی سواری بالاست و داخلی‌سازی حداقل در بخش‌هایی صرفه اقتصادی پیدا می‌کند اما با تیراژ پایین خودروهای تجاری، داخلی‌سازی صرفه اقتصادی ندارد و تولید پایین خودروی تجاری در قیمت تمام‌شده این محصول از یک طرف و از طرفی دیگر بر حمل و نقل مؤثر شده است.

#### ۲-۲. ممنوعیت واردات

استراتژی مبنی بر ممنوعیت واردات خودرو، بدون توجه به تفاوت ماهوی خودروی سواری و تجاری در سال‌های اخیر اجرا شده است. نتیجه ممنوعیت واردات خودروهای تجاری سنگین به‌صورت کاملاً ساخته‌شده از یک سو و قطع ارتباط خودروسازان خارجی با تولیدکنندگان داخلی بر اثر تحریم و جهش مستمر نرخ ارز در سال‌های اخیر که کاهش حجم تولید خودرو داخلی را در پی داشت، افزایش شدید قیمت خودروهای سنگین تجاری در کشور بوده است. در پی این سیاست، برخی از مدل‌های خودروی تجاری در کمتر از دو سال اخیر با افزایش بیش از ۱۰ برابری قیمت در بازار داخلی مواجه شدند. در این شرایط، اگر خودروها به‌صورت صفر کیلومتر و با نرخ جهانی هم وارد شود، از قیمت موجود در بازار ایران پایین‌تر خواهد بود و عملاً هم لازم نیست دولت یارانه‌های مالکان خودرو پرداخت کند. حجم بالای ناوگان فرسوده و عدم ظرفیت تولیدات داخلی متناسب

با نیاز بازار، در مواقعی سیاست‌گذار را به واردات واداشته است. اساساً سطح داخلی‌سازی در انواع خودروهای تجاری متفاوت است. برای نمونه، داخلی‌سازی در اتوبوس به نسبت سایر خودروهای سنگین بالاتر است. به این معنی که عموماً اتوبوس به نسبت سایر خودروهای سنگین به صورت قطعات نیمه‌ساخته وارد می‌شود و واردات اتوبوس به شکل کاملاً ساخته‌شده (CBU) غیراقتصادی است. با این حال در مصوبه سال ۱۴۰۲، مجوز واردات اتوبوس کاملاً آماده توسط هیئت وزیران صادر شد. پیش از این، مطابق با قانون برنامه پنجم توسعه که در برنامه ششم نیز تنفیذ شد تنها واردات کامیون‌های تا سه سال کار کرد به کشور مجاز بود.

#### ۳-۲. داخلی‌سازی

تفکر استراتژیک ساخت داخل در راستای تغییر مدل‌های همکاری از قراردادهای تحت لیسانس و همکاری فنی به سوی قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک و ممانعت خروج ارز از کشور است. ایراد

سیاست‌گذاری در این خصوص آنجا است که اساساً اندازه بازار تعیین‌کننده اقتصادی بودن تولید است. اندازه بازار خودروی تجاری، متأثر از تیراژ تولید است. بر اساس پیش‌بینی سیاست‌گذاران در سند «خودرو در افق ۱۴۰۴»، انتظار می‌رفت تا سال ۱۳۹۹ تعداد ۱۲۰ هزار خودروی تجاری تولید و عرضه شود. از این تعداد تنها ۸ هزار و ۲۹۱ خودرو تجاری تولید شده است. این میزان تولید، بازگشت سرمایه و اقتصادی بودن تولید را هم برای تولیدکننده خودروی تجاری و هم برای بخش قطعه‌سازی چالش‌برانگیز کرده است.

به‌علاوه سطح داخلی‌سازی در انواع خودروهای سنگین متفاوت است. این در حالی است که در مواجهه سیاست‌گذار با انواع خودروی تجاری یکسان است. برای نمونه در خصوص اتوبوس سطح داخلی‌سازی به نسبت سایر خودروهای سنگین بالاتر است.

بر اساس این هدف در «سند خودرو در افق ۱۴۰۴» پیش‌بینی شده بود، میزان داخلی‌سازی از ۱۴ درصد (شامل رنگ و مونتاژ) در سال تنظیم سند (۱۳۹۳) به ۵۰ درصد در انواع کامیون و کشنده و اتوبوس و مینی‌بوس در سال ۱۳۹۶ و بیش از ۵۰ درصد در سال ۱۴۰۰ افزایش یابد.

#### ۲-۴. اعمال استانداردهای ساخت خودرو

افزایش استانداردهای ساخت خودروی تجاری از ۵۵ به ۸۵ مورد طی سه دوره زمانی (دی ۱۳۹۶، تیر ۱۳۹۷ و دی ۱۳۹۷) از سوی سازمان ملی استاندارد ایران با هدف تقویت ایمنی، بهبود شرایط محیط‌زیستی و کاهش مصرف سوخت مصوب شد. با این حال سازوکار اجرایی آن مانند تناسب استانداردهای مصوب شده با زیرساخت‌های جاده‌ای، سوخت و فنی چندان مورد توجه سیاست‌گذار قرار نگرفت. «کنترل بین خطوط»، «سیستم ترمز هوشمند اضطراری» و «حفاظت عابر پیاده» از اشکالات مرتبط با زیرساخت جاده‌ای و «ناسازگاری سیستم LGS» از مهم‌ترین ایرادات فنی است. همچنین برخی استانداردها در شرایطی وضع شد که کالای مکمل آن در کشور موجود نبود. برای مثال عدم عرضه سوخت هماهنگ با استانداردهای وضع‌شده از آن موارد است (در سال ۱۳۹۹ استاندارد آلایندگی یورو-۴ با DPF یا یورو-۵ با EEV برای اجرا ابلاغ می‌شود اما سوخت مورد نیاز این خودروها در کشور وجود نداشت). نتیجه ناسازگاری استانداردهای ابلاغی مرتبط با سوخت، کاهش توان موتور و قفل شدن سرعت روی ۲۰ کیلومتر است. صرف‌نظر از جزئیات

بر اساس این هدف در «سند خودرو در افق ۱۴۰۴» پیش‌بینی شده بود، میزان داخلی‌سازی از ۱۴ درصد (شامل رنگ و مونتاژ) در سال تنظیم سند (۱۳۹۳) به ۵۰ درصد در انواع کامیون و کشنده و اتوبوس و مینی‌بوس در سال ۱۳۹۶ و بیش از ۵۰ درصد در سال ۱۴۰۰ افزایش یابد



سیاست‌گذار و  
سیاست‌گذاری  
ساخت خودروی  
تجاری در  
ایران باید به  
صورت جدی از  
سیاست‌گذاری  
مبتنی بر بهترین  
سرمشق‌ها به  
سیاست‌گذاری  
مسئله‌محور گذار  
کند تا مداخله  
دولت در این  
صنعت تسهیل‌گر  
باشد و نقش چوب  
لای چرخ را ایفا  
نکند

فنی، نکته مهم این است که الزام خودروساز به رعایت استانداردهای بالاتر در حالی که سوخت مناسب این استانداردها در کشور به کلی تولید نمی‌شود فقط هزینه تولید کننده، مصرف‌کننده و مشکلات فنی و هزینه برای مالک خودرو را افزایش می‌دهد. ارتقای موتور از یورو-۴ به یورو-۶، بیس ۶ تا ۱۰ هزار یورو افزایش قیمت در پی دارد و هزینه تعویض سیستم سوخت‌رسانی هم حدود ۵۰ میلیون تومان است. به عبارتی به خریدار و مالک نهائی، بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان هزینه ناشی از اعمال استاندارد می‌شود که شرایط رعایت آن در کشور وجود ندارد و همین امر مشکلات ناوگان و بالا رفتن هزینه حمل‌ونقل را نیز به دنبال دارد. در نهایت، به دلیل ناسازگاری استانداردها با زیرساخت‌های موجود، کاربران خودروی تجاری، مجبور به پاک کردن خطا از سیستم الکترونیک خودرو، قطع ادبلو، خالی کردن اگزوز با هزینه بالا، تعویض سیستم سوخت‌رسانی کرده است.

#### ۲-۵. تأثیر حمل‌ونقل غیر شرکتی و مالک‌محور

سیاست غالب در کشور - بالاخص در عرصه حمل بار - توسعه حمل و نقل مالک‌محور بوده است. حدود ۸۰ درصد از ناوگان عمومی باری کشور، در مالکیت افراد است و تنها ۶٫۴ درصد آن شرکتی است. مالکیت تک‌واحدی وسایل نقلیه باری بر پیمایش خودرو باری تأثیر گذار است. مالک که اغلب راننده کامیون نیز هست به تصمیم‌گیرنده درباره حمل بار و مقصد تبدیل می‌شود. ۹۰ درصد لجستیک کشور با کامیون انجام می‌شود. آمارهای بین‌المللی نشان می‌دهد هر کامیون سالانه ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار کیلومتر پیمایش می‌کند؛ این رقم در ایران کمتر از ۱۰۰ هزار کیلومتر بوده و شاید به ۶۰ تا ۷۰ هزار کیلومتر برسد. طبق آمار سازمان راهداری (۱۳۹۹)، بیش از ۴۰ درصد حمل داخلی به صورت یکسره خالی انجام می‌شود و گزارش وزارت صنعت، معدن و تجارت حاکی است که به ازای هر ۲۲۰ کیلومتر تردد ناوگان، ۱۱۰ کیلومتر با حمل بار انجام می‌شود. این بدان معناست که هزینه حمل‌ونقل افزایش می‌یابد. خودروی تجاری حمل بار به عنوان سرمایه‌گذاری به هنگام تردد خالی، هزینه حمل‌ونقل را افزایش می‌دهد. در واقع فرسودگی خودروهای تجاری و افزایش مدت خواب آن‌ها به دلیل نیاز به تعمیرات از یک سو و از سوی دیگر، مالکیت تک‌واحدی وسایل نقلیه باری بر میزان پیمایش این خودروها و در نتیجه بر کیفیت صنعت حمل و نقل مؤثر بوده است.



#### ۶-۲. سهم هزینه‌های حمل‌ونقل از قیمت تمام‌شده کالا

برآیند موارد گفته شده در حمل‌ونقل نمود دارد. طبق بررسی‌های انجام‌شده، سهم هزینه‌های حمل‌ونقل از قیمت تمام شده کالا در جهان حدود ۶ درصد است در حالی که این شاخص در کشور ایران به ۱۲ درصد می‌رسد. این هزینه بالای حمل‌ونقل نتیجه عواملی نظیر اصرار بر داخلی‌سازی در شرایط تیراژ پایین و غیراقتصادی شدن تولید، و در نتیجه افزایش قیمت محصول برای مصرف‌کننده، تردد بدون بار، اعمال تعرفه‌های سنگین بر واردات خودروی تجاری، هزینه‌های ناشی از اعمال استانداردهای نامناسب بر خودروسازان، نظام حمل‌ونقل کشور و عواملی دیگری است که در نهایت، باعث می‌شود حمل‌ونقل بار و مسافر در کشور با هزینه بالاتری انجام شود.

#### اثر سیاست‌ها

۳

آنچه درباره سیاست‌های اعمال‌شده توضیح داده شد پی‌آمدهایی برای صنعت ساخت خودروی تجاری و فراتر از آن برای نظام حمل‌ونقل کشور داشته است. یکی از پیش‌فرض‌های ما این است که ساخت خودروی تجاری فی‌نفسه هدف نیست بلکه صنعت خودروی تجاری که بخش‌های متفاوتی از جمله ساخت، تعمیرات، خدمات پس از فروش و... دارد، در نهایت باید ارائه خدمت «حمل‌ونقل» را تسهیل کند. این صنعت باید بتواند حمل‌ونقل ایمن، ارزان، در دسترس، پایدار، حافظ استانداردهای محیط‌زیستی و دارای اثرگذاری مثبت بر تدارکات سایر بخش‌های اقتصادی را فراهم سازد. این پیش‌فرض بدان معناست که برون‌دادهای سیاست‌های ناظر بر صنعت ساخت خودروی تجاری را نیز از همین زاویه ارزیابی می‌کنیم. این شیوه ارزیابی از آن جهت که در ابتدا زوایای مختلف اهمیت حمل‌ونقل را برشمردیم و اثر تعیین‌کننده آن بر سایر بخش‌های اقتصادی را شرح کردیم، اهمیت دارد.

#### ۳-۱. اثر بر حمل‌ونقل

عمده عملکرد بخش حمل‌ونقل جاده‌ای مربوط به خودروهای تجاری است. حمل‌ونقل در واقع مهم‌ترین محصول خودروی تجاری است. بخش حمل‌ونقل جاده‌ای کشور به دلیل شبکه خطوط گسترده، بیشترین میزان دسترسی کالا و خدمات به نقاط مختلف عرضه و تقاضای کشور را فراهم نموده است؛ بنابراین در حال حاضر حمل‌ونقل جاده‌ای، بهترین گزینه حمل مسافر و بار در کشور است. با این حال، وضعیت حمل‌ونقل کشور به شدت تحت تأثیر تیراژ تولید خودروهای تجاری، ماندگاری تردد خودروی فرسوده در جاده‌ها، اعمال استانداردهای ناسازگار و نامناسب با شرایط، زیرساخت‌های کشور و سایر مداخلات در زمینه تعمیق داخلی‌سازی، سیاست‌های واردات و اثر تحریم‌ها است.

یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که می‌توان برای بررسی جایگاه حمل‌ونقل در اقتصاد ایران تعریف کرد، سهم این بخش از کل اقتصاد کشور است. بر اساس گزارش‌های رسمی بانک مرکزی با عنوان حساب‌های ملی، از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹، سهم مجموع بخش حمل و نقل شامل جابه‌جایی بار و مسافر و در انواع مختلف آن از کل تولید ناخالص داخلی به‌طور متوسط ۸٫۵ درصد بوده است (۶٫۸ درصد از این ۸٫۵ درصد متعلق به حمل‌ونقل جاده‌ای است). در داخل بخش حمل‌ونقل نیز سهم حمل‌ونقل جاده‌ای ۵٫۵ درصد است. بخش حمل‌ونقل بین ۶ تا ۱۲ درصد از تولید ناخالص داخلی در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته را تشکیل می‌دهد. مطالعات داخلی نشان می‌دهد که با افزایش ۱ درصد حمل‌ونقل، تولید ناخالص داخلی سرانه به میزان ۰٫۷۸۵ درصد افزایش

سیاست‌گذار ایرانی با تبعیت از «بهترین سرمشق‌ها» (نظیر استانداردهای ۸۵گانه) در صنعت خودروسازی تجاری مداخله می‌کند در حالی که باید به جای الزام کردن بهترین سرمشق‌ها به دنبال حل مسأله باشد. بهترین سرمشق‌ها نیز در زمان و کشور یا کشورهای مشخصی برای حل مسائلی تدوین شده‌اند.

می‌یابد (کلاتر زاده و همکاران، ۱۴۰۰).

### ۳-۲. اثر بر محیط زیست

مصرف سوخت در حمل و نقل آثار زیست محیطی برجای می‌گذارد. مصرف سوخت در خودروهای سنگین به عوامل متعددی مثل خودرو، راننده، سیستم مسیریابی و زمان‌بندی حرکت خودروها، جاده، سرعت، شتاب و میزان بار بستگی دارد.

حمل و نقل ارتباط تنگاتنگی با توسعه پایدار دارد به گونه‌ای که آثار محیط‌زیستی آن شامل آلودگی هوا و مصرف انرژی؛ آثار اجتماعی مانند ایمنی و دسترسی؛ و آثار هزینه‌ای و اقتصادی به همراه دارد. تولید آلاینده‌های هوا ناشی از فرسودگی ناوگان حمل و نقل عمومی کشور بالا است. وضعیت سوخت در بخش حمل و نقل جاده‌ای در ایران، بیش از ۳۳ لیتر سوخت برای حمل هزار تن بار برآورد می‌شود که این میزان مصرف دو برابر کشورهای مصر و چین و چهار برابر هند و اندونزی است (خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۸). در این راستا، طبق گزارشات دفتر برنامه‌ریزی کلان انرژی وزارت نیرو، «سهم انتشار گازهای آلاینده و گلخانه‌ای حمل و نقل جاده‌ای ایران طی دهه گذشته، به طور متوسط به ۸۴ درصد می‌رسد» (دفتر برنامه‌ریزی کلان انرژی وزارت نیرو، ۱۳۹۳ به نقل از خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۸).

از مجموع یارانه فرآورده‌های نفتی، سهم بنزین ۸ درصد و سهم نفت‌گاز حدود ۶۸ درصد است. در سال ۱۳۹۵، بخش حمل و نقل ۱۵ درصد از مجموع هیدروکربوری‌های کشور را مصرف کرده است (دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸). حدود ۸۵ هزار میلیارد تومان یارانه در سال ۱۳۹۷ به مصرف گازوئیل در بخش حمل و نقل اختصاص داشته که با محاسبه ۲۰۸ میلیارد لیتر مصرف گازوئیل، یارانه پنهان این بخش تقریباً ۹۰ هزار میلیارد تومان بوده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۸). اگر در نظر بگیریم که مصرف سوخت به ازای هر هزار تن حمل بار در ایران دو برابر مصر و چین و چهار برابر کشورهای هند و اندونزی است، رسیدن کیفیت ناوگان به سطح این کشورها نیز می‌تواند میزان یارانه پرداختی به سوخت گازوئیل ناوگان تجاری را حداقل به یک‌دوم تا یک‌چهارم کاهش دهد. این نکته اهمیت نوسازی ناوگان را نشان می‌دهد.

### ۳-۳. اثر بر فرسودگی ناوگان حمل و نقل

یکی از عوامل ضعف صنعت حمل و نقل کشور، فرسودگی ناوگان است. فرسودگی ناوگان در تمام بخش‌های حمل و نقلی کشور دیده می‌شود اما بیشترین اثر فرسودگی ناوگان، بر حمل و نقل جاده‌ای است که مشکلات ترانزیتی هم پیرو آن ایجاد شده است.

بر اساس اطلاعات منتشرشده توسط «سازمان بین‌المللی سازندگان خودرو»، کشور ایران با تیراژ ۵۶/۰۴۷ تولید خودروی تجاری در سال ۱۴۰۰، در رتبه ۱۲ام تولدکنندگان خودروهای تجاری جهان قرار داشته است. سهم ایران از تولید خودروهای تجاری در جهان، برابر با ۱،۱۲ درصد بوده است.

بر اساس آمار سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای کشور، تعداد ۳۶۰ هزار دستگاه کامیون عمومی جاده‌ای در کشور موجود است که این تعداد به نسبت سال ۱۳۹۰ دوازده هزار دستگاه افزایش داشته است. متوسط عمر کامیون‌های جاده‌ای کشور از ۱۵،۷ سال در سال ۱۳۹۰ به ۱۹،۳ سال در سال ۱۳۹۹ افزایش داشته است. این در حالی است که متوسط سن استاندارد ناوگان باری کشور، به توصیه سازمان راهداری و حمل و نقل ۱۰ سال است. بنابراین، بالغ بر ۲۰۰ هزار دستگاه نقلیه باری نیاز به نوسازی دارد و حدود ۲۰ درصد از کامیون‌ها بدلیل نیاز به تعمیرات اساسی و قطعات یدکی، بدون استفاده مانده‌اند.

بر خلاف افزایش تعداد کامیون، تعداد اتوبوس‌های عمومی جاده‌ای کشور از ۱۸ هزار دستگاه سال ۱۳۹۰ به ۱۴ هزار دستگاه در سال ۱۳۹۹ کاهش داشته است. متوسط عمر اتوبوس‌های عمومی جاده‌ای کشور نیز از ۱۱،۸ سال به ۱۱،۶ سال تغییر کرده است. همچنین مینی‌بوس‌های عمومی جاده‌ای کشور نیز طبق آخرین آمار سازمان راهداری کشور، از ۳۳ هزار دستگاه در سال ۱۳۹۰ به ۲۴ هزار دستگاه در سال ۱۳۹۹ کاهش داشته است. متوسط عمر مینی‌بوس‌های عمومی جاده‌ای کشور از ۲۳،۹ سال در سال ۱۳۹۰ به ۲۴،۶ سال در سال ۱۳۹۹ افزایش داشته است.

بالغ بر ۲۰۰ هزار دستگاه از مجموع کامیون‌های فعال در حمل و نقل داخلی به نوسازی نیاز دارند و حدود ۲۰ درصد از این کامیون‌ها به دلیل نیاز به تعمیرات اساسی و قطعات یدکی، بدون استفاده مانده‌اند (علی‌بخشی، ۱۳۹۱). اگرچه این داده مربوط به سال ۱۳۹۱ است اما با توجه به تشدید تحریم‌ها، نرخ منفی تشکیل سرمایه در ایران در دهه ۱۳۹۰، کاهش تولید خودروهای تجاری در داخل و افزایش شدید قیمت آن‌ها، بعید به نظر می‌رسد که تحولی در مسیر مثبت رخ داده باشد و به احتمال زیاد همان شرایط پیشین نیز نامناسب‌تر شده است. فرسودگی ناوگان حمل و نقل کشور بر مصرف سوخت انرژی مؤثر است. مصرف فرآورده‌های نفتی در بخش حمل و نقل کشور در سال ۱۳۹۶ برابر با ۲۸۲ میلیون بشکه معادل نفت خام بوده و در سال ۱۳۹۷ به ۳۰۵،۳ میلیون بشکه معادل نفت خام افزایش یافته است (ترازنامه انرژی، وزارت نیرو، معاونت امور برق و انرژی، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷).

### جمع‌بندی

۴

یک) اصولاً سطح مداخله دولت در صنایع به قیمت‌گذاری تقلیل داده می‌شود. این بررسی نشان می‌دهد که مداخله دولت در کسب و کارها فراتر از قیمت‌گذاری است. فرو کاستن مداخله سیاست‌گذار به صرفاً قیمت‌گذاری پیامدهای منفی دارد. پیامدهای مداخلات سیاست‌گذار در موضوع خودروی تجاری، اثرات خطرناک از جمله استانداردهای نامناسب و سیاست مالک‌محوری و تعمیق داخلی‌سازی را به همراه داشته است. بررسی ما نشان داده است، وضع کردن استانداردهای بالاتر الزاماً سبب بهبود نخواهد شد. لحاظ کردن شرایط اجتماعی و زیرساخت‌ها در کنار وضع استاندارد حائز اهمیت است. در غیر این صورت، استانداردها به ناکارآمدی، افزایش نارضایتی، افزایش هزینه حمل و نقل و تولید رانت منجر خواهد شد.

دو) سیاست‌گذار با یکدست‌انگاشتن بین انواع خودروی سواری و تجاری از یک سو و از طرف دیگر، عدم تمکیک بین انواع خودروی تجاری، به شدت بر کیفیت تولید، قیمت تمام شده کالا و حمل و نقل اثرگذار خواهد بود. هرچند تیراژ تولید عنصر کمی است؛ با این حال، به شدت بر کیفیت اثرگذار است. اقتصاد مقیاس در تولید خودروی سواری به دلیل تعداد کاربران آن، به‌صرفه است. با این حال، در تولید خودروی تجاری و در بین انواع خودروی تجاری این‌گونه نیست.

سه) اوج تولید خودروی تجاری کشور در سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۵ است. در این سال‌ها، واردات خودرو هم آزاد بوده است. به عبارتی هم واردات انجام شده و هم تولید رونق دارد. می‌شود. از این رو، ممنوعیت واردات لزوماً به تولید بیشتر و آزاد بودن آن بر محدودیت تولید منجر نخواهد شد. سیاست‌گذار خودروی تجاری می‌تواند به جای تأکید بر داخلی‌سازی، بر تولید داخل و تلاش برای افزایش تولید مقیاس و جایابی در زنجیره ارزش جهانی متمرکز شود. تولید داخلی تا زمانی که به مقیاس و تیراژ تولید توجه نشود، بهینه نخواهد بود.

آمارهای  
بین‌المللی نشان  
می‌دهد هر  
کامیون سالانه  
۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار  
کیلومتر پیمایش  
می‌کند؛ این رقم در  
ایران کمتر از ۱۰۰  
هزار کیلومتر بوده  
و شاید به ۶۰ تا  
۷۰ هزار کیلومتر  
برسد. طبق آمار  
سازمان راهداری  
(۱۳۹۹)، بیش از  
۴۰ درصد حمل  
داخلی به صورت  
یک‌سره خالی  
انجام می‌شود  
و گزارش وزارت  
صنعت، معدن و  
تجارت حاکی  
است که به ازای  
هر ۲۲۰ کیلومتر  
تردد ناوگان،  
۱۱۰ کیلومتر با  
حمل بار انجام  
می‌شود. این بدان  
معناست که هزینه  
حمل و نقل افزایش  
می‌یابد

راهبرد اصلاح سیاستها



مهم‌ترین راهکاری که در این جا به عنوان راهبردی برای سیاست‌گذاری پیشنهاد می‌شود، برگرفته از ماهیت داده‌هایی است که در این مقاله ارائه کرده‌ایم. ما معتقدیم دولت باید سطح مداخله خود در سیاست‌گذاری صنعت خودروی تجاری را بر اساس گذار از «سیاست‌گذاری مبتنی بر بهترین سرمشق» به «سیاست‌گذاری مسأله‌محور» کاهش دهد. سیاست‌گذاری مبتنی بر بهترین سرمشق دقیقاً به آن شکلی از سیاست‌گذاری که در حوزه خودروی تجاری مشاهده می‌شود نزدیک است. این نوع سیاست‌گذاری به این نظر دارد که برای مثال امروز بهترین سرمشق استانداردهای خودروی تجاری در جهان چیست، برترین کشورهای سازنده خودروی تجاری امروز جهان چه سیاست‌هایی را به کار می‌گیرند، یا در گذشته چه سیاست‌هایی را به کار گرفته‌اند. اما در دنیای واقعی، شرایط کشورها با یکدیگر متفاوت است و هر کدام مسأله‌های متفاوتی را روی میز خود دارند. شرایط و مسأله‌های متفاوت، تعریف‌کننده «بستر سیاست‌گذاری» است. بستر سیاست‌گذاری در تعامل با سیاست‌های مبتنی بر بهترین سرمشق می‌تواند به بدترین نتایج نیز بینجامد. برای مثال، چنانچه شرح داده‌ایم، الزام خودروسازان تجاری به استفاده کردن از پیش‌رانه‌های دارای استانداردهای محیط‌زیستی جدید و متأخر اروپا در حالی که بستر واقعیت فناوری و اقتصاد ایران قادر به تأمین سوخت استاندارد مناسب نیست، درست بر خلاف انتظار سیاست‌گذار، چه نتایجی به بار آورده است. هم‌چنین دیدیم که الزام خودروسازان به رعایت استانداردهای روز دنیا در شرایطی که زیرساخت لازم برای رعایت آن‌ها وجود ندارد، در نهایت سبب افزایش ایمنی یا کاهش آلودگی نمی‌شود اما ظرفیت ممانعت در تولید کالای متناسب با شرایط داخلی را فراهم می‌کند.

سیاست‌گذاری مسأله‌محور، مطابق با توانمندی‌ها، زیرساخت‌ها، الزامات و امکان‌پذیری دست یافتن به نتایج بهتر عمل می‌کند. در حالی که نشان دادیم شرایط متفاوت ایران نسبت به سایر کشورها - نظیر تیراژ پایین تولید یا فقدان زیرساخت‌های لازم برای رعایت استانداردهای محیط‌زیستی - در نهایت سیاست‌های مبتنی بر بهترین سرمشق‌ها را به سیاست‌هایی هزینه‌زا و بدون دست یافتن به اهداف مثبت تبدیل می‌کند، سیاست‌گذاری مسأله‌محور به جنس مسائلی که پیش رو دارد توجه می‌کند، نظیر ضرورت کاستن از فرسودگی ناوگان، کاهش هزینه حمل و نقل در هزینه‌های نهایی تولید کالا و خدمات، کاهش تصادفات جاده‌ای و سایر مسائلی که در این گزارش تشریح شد. سیاست‌گذار مسأله‌محور با در نظر گرفتن مسائلی که پیش رو دارد، بدون آن‌که الزامی برای تبعیت کردن از «بهترین سرمشق‌ها» احساس کند، تلاش می‌کند تا راهبردهای منتهی به حل مسأله را با مشارکت همه ذینفعان مؤثر بر مسأله تدوین کند.

این مقاله، در واقع نمودی از تلاش برای تصویر کردن سیاست‌گذاری مسأله‌محور است. ما تلاش کردیم نشان دهیم سیاست‌گذار ایرانی با تبعیت از «بهترین سرمشق‌ها» (نظیر استانداردهای ۸۵گانه) در صنعت خودروسازی تجاری مداخله می‌کند در حالی که باید به جای الزام کردن بهترین سرمشق‌ها به دنبال حل مسأله باشد. بهترین سرمشق‌ها نیز در زمان و کشور یا کشورهای مشخصی برای حل مسائلی تدوین شده‌اند. این که چنین سرمشق‌هایی به عنوان بهترین‌ها در سایر کشورها معرفی شده‌اند نشان‌دهنده ظرفیت آن‌ها برای حل مسائل در هر زمان و هر کشوری نیست. استانداردهای سخت‌گیرانه بدون توجه به بستر سیاست‌گذاری، توجه نکردن به خروجی ناشی از تعامل سیاست‌ها با واقعیت‌های موجود و بالاخص توجه نکردن به سابقه سیاست‌ها برای ایجاد خروجی‌های

اقتصادی و اجتماعی پایدار، سیاست‌گذاری را به مغل توسعه یا «چوب لای چرخ» بدل می‌کند.

سیاست‌گذاری مسأله‌محور هم‌چنین به این واقعیت توجه دارد که هر سیاستی دارای ذینفعانی است و باید مجریانی داشته باشد. مجریان در نهایت به دنبال تحقق منافع خود هستند. هنر سیاست‌گذاری آن است که منافع جمیع ذینفعان را به سمت تحقق خیر جمعی سوق دهد. خیر جمعی در صنعت خودروسازی تجاری ایران ترکیبی از کاهش سهم هزینه حمل و نقل در هزینه نهایی کالاها و خدمات، افزایش ایمنی، کاهش آلودگی محیط‌زیستی، افزایش بهره‌وری، ارتقای سطح فناوری و نوآوری در صنعت ایران، حفظ و افزایش اشتغال در زنجیره تولید (با در نظر گرفتن توان‌های حمل و نقل، ساخت خودروی تجاری و فعالیت‌های اقتصادی مرتبط به این دو عرصه)، افزایش تاب‌آوری اقتصادی و افزایش سهم ایران در زنجیره جهانی ارزش است. سیاست‌گذاری مسأله‌محور به ترکیب توان‌های این عناصر توجه دارد. این در حالی است که سیاست‌گذاری مبتنی بر بهترین سرمشق‌ها - آن‌گونه‌ای که در سیاست‌های الزام به رعایت استانداردها یا داخلی‌سازی مشاهده کردیم - نه فقط قادر به تأمین ترکیب بهینه‌ای از این عناصر خیر جمعی نیست، بلکه اخلاص جدی در آن نیز ایجاد می‌کند.

سیاست‌گذاری مسأله‌محور هم‌چنین به متغیر زمان نیز بسیار حساس است. بهترین سرمشق‌ها الزاماً برای زمان مشخصی طراحی شده‌اند. کشورهایی نظیر چین امروز از همان سیاست‌هایی تبعیت نمی‌کنند که سی سال پیش برای توسعه خودروسازی تجاری به کار گرفتند. سیاست‌گذاری مسأله‌محور همه عناصر را برای دست یافتن به حل مسأله - نه تبعیت از بهترین سرمشقی که در جای دیگری جواب داده است - به کار می‌گیرد و این نیازمند لحاظ کردن عنصر زمان نیز هست. ما معتقدیم سیاست‌گذار و سیاست‌گذاری ساخت خودروی تجاری در ایران باید به صورت جدی از سیاست‌گذاری مبتنی بر بهترین سرمشق‌ها به سیاست‌گذاری مسأله‌محور گذار کند تا مداخله دولت در این صنعت تسهیل‌گر باشد و نقش چوب لای چرخ را ایفا نکند. ■

پی‌نوشت‌ها

۱. اعتصاب و اعتراضات کارکنان حمل‌ونقل و رانندگان کامیون در کانادا در سال ۲۰۲۲ شادی از همین امر است. نمونه‌های متعددی از این گونه اثر نظام حمل‌ونقل بار بر سیاست در کشورها مشاهده شده است.
۲. این مقاله برگرفته از پژوهشی است با عنوان «چوب لای چرخ: بررسی اثر کیفیت مداخلات دولت در کسب‌وکارها» که با حمایت مالی اتاق بازرگانی تهران از بهمن ۱۴۰۰ تا خرداد ۱۴۰۲ انجام شده است.
۳. منظور از نهاد عالی، نهادی است که کار ویژه مرتبط با «سیاست‌گذاری صنعت خودروی تجاری» را انجام می‌دهد؛ سطح میانی عمدتاً «تنظیم‌گری صنعت خودروی تجاری» را بر عهده دارند. مهم‌ترین کنشگران در سیاست‌گذاری خودروی تجاری وزارتخانه صنعت، معدن و تجارت، وزارتخانه راه و شهرسازی، سازمان ملی استاندارد و نیروی انتظامی هستند.
۴. مصوبه هیئت وزیران، مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۲۰

منابع

- کلاتنرزاده، مهسا؛ زندی، فاطمه؛ خضری، محمد و صفوی، بیژن (۱۴۰۰). اثرات متقابل حمل و نقل، رشد اقتصادی و انتشار دی‌اکسید کربن: فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال پانزدهم، شماره ۲، پیاپی ۵۴، صص ۱۲۷-۱۰۵.
- خداداد کاشانی، فرهاد؛ نورانی آزاد، سمانه؛ قنبری، سمانه (۱۳۹۷). تأثیر نوسازی ناوگان بر بهره‌وری صنعت حمل‌ونقل جاده‌ای ایران، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال دوازدهم، شماره ۲، پیاپی ۴۲، صص ۱۶۰-۱۳۷.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸). سیاست‌گذاری برای صنعت خودروی (۳) مروری بر کارکرد دوبرنامه، پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی.
- علی‌بخشی، حمزه (۱۳۹۱). نوسازی ناوگان حمل و نقل عمومی جاده‌ای کالا و توجیه اقتصادی آن برای مجری طرح، تهران: نخستین همایش نقش حمل و نقل چندوجهی در تجارت ملی و بین‌المللی.
- ترازنامه انرژی سال ۱۳۹۶، معاونت امور برق و انرژی، دفتر برنامه‌ریزی کلان وزارت نیرو.

سیاست‌گذاری مسأله‌محور هم‌چنین به متغیر زمان نیز بسیار حساس است. بهترین سرمشق‌ها الزاماً برای زمان مشخصی طراحی شده‌اند. کشورهایی نظیر چین امروز از همان سیاست‌هایی تبعیت نمی‌کنند که سی سال پیش برای توسعه خودروسازی تجاری به کار گرفتند. سیاست‌گذاری مسأله‌محور همه عناصر را برای دست یافتن به حل مسأله - نه تبعیت از بهترین سرمشقی که در جای دیگری جواب داده است - به کار می‌گیرد و این نیازمند لحاظ کردن عنصر زمان نیز هست

داشتن یک شبکه حمل و نقل زمینی هوشمند، پیشرفته و تحول‌آفرین، رقابت‌پذیری کشور را در بازارهای جهانی افزایش خواهد داد، بی‌شک دستیابی به سیستم حمل و نقل ایمن، سریع، کارآمد، پاک و قابل اطمینان در کلاس جهانی و بهترین در سطح منطقه خاورمیانه که در سند چشم‌انداز کشور نیز تصریح شده، بیانگر اهمیت توجه به این موضوع استراتژیک در کشور است که نقش قابل اعتناء و اتکالی نیز در اقتدار و امنیت ملی و اعتلای اقتصاد کشور خواهد داشت.

# حمل و نقل جاده‌ای در سایه تکنولوژی هوشمند

## نورآوری می‌تواند به داد صنعت حمل و نقل کشور برسد



پیمان سندیجی

رئیس کمیسیون حمل و نقل  
اتاق تهران

چرا باید خواند:

اگر می‌خواهید

در باره صنعت

نساجی، عملکرد

سیاست‌گذارها در این

حوزه و سهم نساجی

در صادرات بدانید،

خواندن این مقاله به

شما توصیه می‌شود.

البته حمل و نقل جاده‌ای با وسایل نقلیه دیگر نیز انجام می‌شود اما استفاده از ماشین‌های سنگین برای این هدف، رایج‌تر است. حمل و نقل جاده‌ای در مقایسه با سایر روش‌های مختلف حمل کالا از مزایای بسیاری برخوردار است. حمل و نقل جاده‌ای امروزی نسبت به گذشته، پیشرفت چشمگیری داشته و یکی از روش‌های مقرون به صرفه و عالی برای جابجایی کالاها محسوب می‌شود. باربری جاده‌ای به وسیله کامیون‌های استاندارد و ایمن، کم‌ترین لرزش و نوسان را به محموله‌های باری وارد می‌نماید و در نتیجه برای کالاهایی که آسیب‌پذیری و حساسیت بالایی دارند بسیار مناسب است. از مزایای این مد حمل و نقل برای جابجایی بار، می‌توان به عدم نیاز به سرمایه‌گذاری هنگفت، لرزش و نوسان کم محموله باری، تحویل درب تا درب، امکان رهگیری بار از طریق GPS و ردیابی ماهواره‌ای، مناسب برای مسیرهای کوتاه و تنوع در خدمت‌رسانی اشاره کرد. بسته به مقصد تحویل بار، حمل و نقل جاده‌ای را می‌توان به حمل و نقل جاده‌ای فرامرزی، حمل و نقل جاده‌ای براساس مسافت و یا میزان و اندازه بار تقسیم نمود. ذکر این نکته ضروری است که در کنار مزایای برشمرده، حمل و نقل جاده‌ای همانند هر روش دیگری قطعاً معایبی را نیز در بردارد که مقرون به صرفه نبودن برای مسافت‌های طولانی، مخاطرات زیست‌محیطی به نسبت حمل و نقل ریلی، تغییر در برنامه زمان‌بندی تحویل بار به دلایل ناشی از شرایط جاده و شرایط آب‌وهوایی، تصادفات جاده‌ای و عدم بهبود استانداردهای ایمنی از اهم آن است. با توجه به موارد ذکر شده در مجموع، چشم‌انداز آینده صنعت حمل و نقل جاده‌ای دلگرم کننده است و انتظار می‌رود این صنعت به دلیل افزایش تقاضا برای خدمات حمل و نقل به رشد خود ادامه دهد. جمهوری اسلامی ایران؛ از جمله کشورهایی است که به لحاظ قرار گرفتن در موقعیت جغرافیایی بسیار مناسب از مزایای ترانزیتی خوبی بهره‌مند بوده و با گسترش شبکه حمل و نقل و ارتباط مطمئن و کارآمد می‌تواند از این مزایا در راستای افزایش درآمدهای ارزی و ارتقاء موقعیت استراتژیک خود در منطقه به نحو مطلوب استفاده نماید.

بهره‌گیری از ظرفیت هوشمندسازی فرآیندهای مرتبط با صنعت حمل و نقل جاده‌ای یکی از راهبردهای اصلی است که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد و به واسطه آن می‌توان شرایط حمل و نقل، وضعیت ایمنی، بحران ترافیک، سرعت، حوادث و سوانح جاده‌ای را بهبود و سامان بخشید. پرداخت الکترونیک، جمع‌آوری اطلاعات، نظارت و کنترل، تشخیص و شناسایی، اطلاع‌یابی و اطلاع‌رسانی، یکپارچگی در کاربرد سامانه‌ها، مدیریت ناوگان، مدیریت حوادث، مدیریت سرعت و مدیریت ترافیک از مؤلفه‌های اصلی هوشمندسازی صنعت حمل و نقل جاده‌ای بوده و توجه ویژه به فرصت‌های بالقوه و بالفعل این بخش ضروری است. از سوی دیگر، استفاده از فناوری و تجهیزات به‌روز در حوزه حمل و نقل جاده‌ای نظیر سامانه‌های انتشار اطلاعات، سامانه‌های ثبت تخلفات، هواشناسی جاده‌ای، بانک‌های اطلاعاتی، سامانه‌های درون خودرویی و کم‌کرباننده، ارتباطات بین خودرویی، برنامه‌های کاربردی موبایل و مدل‌سازی و شبیه‌سازی، از ضروریاتی بوده که نیازمند توجه است. در آینده نه‌چندان دور قطعاً هوشمندسازی جاده‌ها محقق خواهد

توسعه زیرساخت‌ها، یکی از الزامات مهم رشد اقتصادی و افزایش رفا عمومی به شمار می‌رود. زیرساخت در مفهوم لغوی یعنی مجموعه‌ای از سیستم‌ها، تجهیزات و خدماتی که یک شهر، کشور یا منطقه برای انجام امور جاری و اقتصادی به آن نیازمند است و به واسطه این امکانات، سامانه‌ها و بناها می‌توان به یک شهر یا کشور خدمت‌رسانی کرد؛ به عبارت دیگر زیرساخت‌ها مجموعه‌ای از اجزای فیزیکی هستند که شرایط دسترسی به کالاها یا خدمات مورد نیاز را فراهم نموده و باعث ایجاد، بهبود و پایداری در شرایط زندگی عموم مردم می‌شوند. این زیرساخت‌ها ممکن است عمومی باشند یا خصوصی و مواردی از قبیل جاده، راه‌آهن، پل‌ها، تونل‌ها، سیستم‌های آبرسانی، سیستم‌های مدیریت فاضلاب، سیستم‌های مدیریت برق و انرژی، تکنولوژی ارتباطات، مخابرات، اینترنت و... را شامل می‌شوند. با این تعریف می‌توان حمل و نقل را در دسته‌بندی زیرساخت‌های مهم لحاظ نمود که نقش مؤثری در رونق و بهبود شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی ایفاء می‌کند. در این میان، زیرساخت‌های حمل و نقل، به ویژه شبکه حمل و نقل جاده‌ای، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شبکه راه‌ها به‌اندازه سیستم شریانی در بدن انسان برای توسعه یک کشور ضروری هستند و به‌طور انکارناپذیری صنعت حمل و نقل از طریق جاده‌ها و ماشین‌آلات در اتصال تمامی شئون صنعت و مشاغل مختلف به بازارهای بزرگ جهانی مفید قلمداد می‌شود. به بیان دیگر حمل و نقل جاده‌ای پیوند حیاتی بین تولید و مصرف را ایجاد و نقش آن در بهینه‌سازی هزینه‌ها و زمان سفر، سرعت جابجایی، ایمنی و سطح خدمات ارائه‌شده، غیرقابل انکار بوده و هر کشوری برای اعتلای توان اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و سیاسی خود نیازمند حمایت از این شبکه گسترده و قابل اعتماد حمل و نقلی است. حمل و نقل جاده‌ای همان‌طور که از نام آن پیداست، به شیوه‌ای از جابجایی و حمل و نقل اشاره دارد که مسیر آن جاده بوده و وسایل نقلیه مورد استفاده در آن اغلب کامیون، خاور و سایر ماشین‌های سنگین است.



بهره‌گیری  
از ظرفیت  
هوشمندسازی  
فرآیندهای  
مرتبط با صنعت  
حمل و نقل جاده‌ای  
یکی از راهبردهای  
اصلی است که  
می‌بایست مورد  
توجه قرار گیرد  
و به واسطه آن  
می‌توان شرایط  
حمل و نقل،  
وضعیت ایمنی،  
بحران ترافیک،  
سرعت، حوادث  
و سوانح جاده‌ای  
را بهبود و سامان  
بخشید

گردید و شاهد جاده‌های هوشمند خواهیم بود. همانگونه که پیش‌تر نیز ذکر گردید، دوربین‌های سرعت، سیگنال‌های انحرافی خودکار و علائم هشداردهنده برای شرایط خطرناک از ویژگی‌های استاندارد جاده‌ها خواهد بود. در جاده‌های هوشمند به واسطه استفاده از فناوری و تلفیق آن با اطلاعات و داده‌های مربوط به زمان اوج ترافیک، وسایل نقلیه و گزارش‌های هواشناسی، اوضاع جاده‌ها قابل کنترل‌تر می‌شوند، ردپای کربن وسایل نقلیه کاهش یافته و از همه مهم‌تر سفرها ایمن‌تر می‌شوند؛ به عبارت دیگر با افزایش استفاده از فناوری‌های نوین به ویژه اینترنت اشیا و ظرفیت‌های هوش مصنوعی، در آینده نزدیک اکوسیستم بزرگ حمل و نقل مرکب از جاده‌ها، وسایل نقلیه، انسان‌ها و بار ایجاد می‌گردد که ویژگی‌های متمایز و چشمگیری را در بر خواهد داشت.

خیابان و جاده‌های خورشیدی، معابر پیزوالکتریک، جاده‌های LED، معابر الکتریکی، جاده‌های خودتعمیر شونده از نشانه‌های آینده معابر است که در جریان سریع و صاعقه‌وار تغییرات حاصل از فناوری شاهد آن خواهیم بود.

نوآوری در فناوری‌های مربوط به حمل و نقل، پتانسیل تغییر صنعت و اقتصاد را دارد. از میان تمام نوآوری‌ها، خودروهای الکتریکی و خودروهای خودران دو نوآوری مهم هستند که ظرفیت ایجاد انقلابی در حمل و نقل را دارند. خودروهای الکتریکی، دوستدار محیط‌زیست بوده و می‌توانند وابستگی به سوخت‌های فسیلی را کاهش دهند. خودروهای خودران پتانسیل بهبود ایمنی و کارایی، کاهش تعداد تصادفات و افزایش ظرفیت سیستم‌های حمل و نقل را دارند. این نوآوری‌ها ایجاد صنایع و مشاغل جدید، رشد و توسعه اقتصادی را به همراه دارند.

مجدداً تأکید می‌شود، حمل و نقل نقش مهمی در اقتصاد دارد و به عبارت دیگر ستون فقرات توسعه اقتصادی است که امکان جابجایی کالاها، افراد و ایجاد شغل را فراهم می‌کند. هر چند که در حال حاضر صنعت حمل و نقل با چالش‌های مهمی از جمله نیاز به سرمایه‌گذاری زیرساختی و نوسازی فناوری مواجه است اما با این حال، نوآوری در فناوری حمل و نقل، پتانسیل تغییر صنعت و اقتصاد را دارد و فرصت‌های جدیدی برای رشد و توسعه ایجاد می‌کند. آینده صنعت حمل و نقل در اقتصاد روشن است و با سرمایه‌گذاری‌ها و نوآوری‌های مناسب، به رشد و شکوفایی اقتصادی کمک خواهد نمود. همانگونه که گفته شد حمل و نقل هوشمند، به نوعی استفاده از فناوری‌ها برای افزایش بهره‌وری، آبی‌تی الکترونیک، مخابرات و کارایی سامانه حمل و نقل است. حمل و نقل هوشمند باعث رشد شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی جوامع می‌شود، دایره وسیع کاربرد هوشمندسازی، تمام حالت‌های حمل و نقلی از جمله جاده‌ای، ریلی، هوایی و دریایی را شامل می‌شود. در حال حاضر کشورهای توسعه یافته برای ایجاد پایداری بیشتر و ارتقاء سطح زیست‌پذیری سیاست‌های متنوع و متعددی از جمله قانون‌گذاری و کمک به ایجاد و تحقیق برای بهره‌مندی بیشتر از نوآوری در بخش‌های خصوصی و دولتی را اتخاذ کرده تا اطمینان حاصل نمایند که همه سطوح جامعه می‌توانند از این فناوری‌ها، نوآوری‌ها و در یک کلام از مزایای شهرهای هوشمند بهره‌مند شوند. به عنوان مثال سنگاپور ایجاد اقتصاد دیجیتال، جامعه دیجیتال و دولت دیجیتال را در دستور کار دارد و در حال حاضر یکی از شهرهای پیشرو جهان در زمینه هوشمندسازی محسوب می‌شود. سنگاپور برای ارتقاء و تقویت حمل و نقل، راهکارهای ترافیکی متصل و هوشمند را همراه با سیاست‌های محدودکننده مالکیت خودرو به کار گرفته است. یکی دیگر از تجربه‌های موفق مربوط به پایتخت کشور امارات عربی متحده است، دبی با چشم‌انداز تبدیل شدن به باهوش‌ترین و شادترین شهر در میان سایر

شهرهای هوشمند کره زمین در پایان سال ۲۰۳۰، در حال حاضر پس از اجرای یک برنامه هفت ساله برای دیجیتالی کردن کلیه خدمات دولتی و توسعه شهرهای هوشمند، تقریباً بیش از ۹۵ درصد سرویس دولتی خود شامل حمل و نقل، ارتباطات، زیرساخت‌ها، برق، خدمات اقتصادی و برنامه‌ریزی شهری را دیجیتالی کرده و هم‌اکنون بیش از ۱۳۰ خدمت مربوط به ۳۴ نهاد دولتی و خصوصی از طریق برنامه Dubai Now به آسانی و راحتی قابل دسترسی هستند. آزمایشگاه هوش مصنوعی دبی از قدرت یادگیری ماشین برای دستیابی به هدف بلند پروازانه این شهر برای تبدیل شدن به هوشمندترین شهر جهان استفاده می‌کند. دبی در حال ادغام هوش مصنوعی در کلیه خدمات دولتی و تجربیات شهری است و پروژه‌های وسایل نقلیه خودران، غلاف‌های آسمان، هایپر لوب، Skyway، تاکسی‌های پرند و پهبادهای تحویل خودکار، نمونه‌های در آستانه تحقق بلندپروازی امارات متحده عربی در بخش هوشمندسازی حمل و نقل است. از دیگر نمونه‌های موفق در زمینه ایجاد سیستم‌های حمل و نقل هوشمند و پیشرفته می‌توان به تجارب شهرهای اسلو، کپنهاگ، بوستون، آمستردام، نیویورک و استانبول اشاره کرد که همگی این موارد نشان از ورود به دوران جدید و هوشمند حمل و نقل است؛ از سوی دیگر استارت‌آپ‌های برتر جهان که در حوزه حمل و نقل هوشمند استفاده می‌شوند نظیر استارت‌آپ استرالیایی<sup>۱</sup> برای ارائه خدمات حمل و نقل عمومی براساس تقاضا، استارت‌آپ آمریکایی<sup>۲</sup> برای مدل‌سازی تقاضای سفر مبتنی بر فعالیت، استارت‌آپ اتریشی<sup>۳</sup> برای سیستم‌های حمل و نقل خودران جهت زنجیره تأمین شهری، استارت‌آپ فرانسوی<sup>۴</sup> برای حمل و نقل عمومی مستقل و استارت‌آپ آمریکایی<sup>۵</sup> برای شبکه شارژ وسایل نقلیه برقی؛ نمونه‌های موفق ورود تحولات فناوری در صنعت حمل و نقل است.

باتوجه به موارد فوق و نقش حمل و نقل زمینی از جنبه‌های مختلف بر اقتصاد نظیر رونق تجارت و بازرگانی، ایجاد فرصت‌های شغلی، دسترسی و ارتباطات، توسعه صنعت، رقابت‌پذیری اقتصادی، بهبود گردشگری، افزایش بهره‌وری و کارایی، توسعه شهری، نوآوری و پیشرفت‌های فناوری و همچنین اثرات زیست‌محیطی، هوشمندسازی این صنعت می‌بایست از اولویت‌های اصلی مدیریت کشور باشد. گسترش فناوری جاده‌های هوشمند می‌تواند بهینه‌سازی ترافیک، مدیریت مسیر ناوگان حمل و نقل جاده‌ای، برنامه‌ریزی و مدیریت زمان‌بندی برای رانندگان، ارسال و دریافت سفارش از راه دور و ساده‌تر شدن دریافت بارنامه برای شرکت‌های باربری را به همراه داشته باشد. لذا می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که داشتن یک شبکه حمل و نقل زمینی هوشمند، پیشرفته و تحول‌آفرین، رقابت‌پذیری کشور را در بازارهای جهانی افزایش خواهد داد، بی‌شک دستیابی به سیستم حمل و نقل ایمن، سریع، کارآمد، پاک و قابل اطمینان در کلاس جهانی و بهترین در سطح منطقه خاورمیانه که در سند چشم‌انداز کشور نیز تصریح شده، بیانگر اهمیت توجه به این موضوع استراتژیک در کشور است که نقش قابل اعتناء و اتکالی نیز در اقتدار و امنیت ملی و اعتلای اقتصاد کشور خواهد داشت و تمامی بخش‌های مرتبط می‌بایست جهت ایجاد زیرساخت‌های قانونی و فناوری و تأمین منابع مالی مورد نیاز این پروژه اقدام کنند. ■

#### پی‌نوشت‌ها

1. Bridj
2. Street Light Data
3. ARTI
4. Easy Mile
5. EV match

# توسعه

## مالیات بی سود

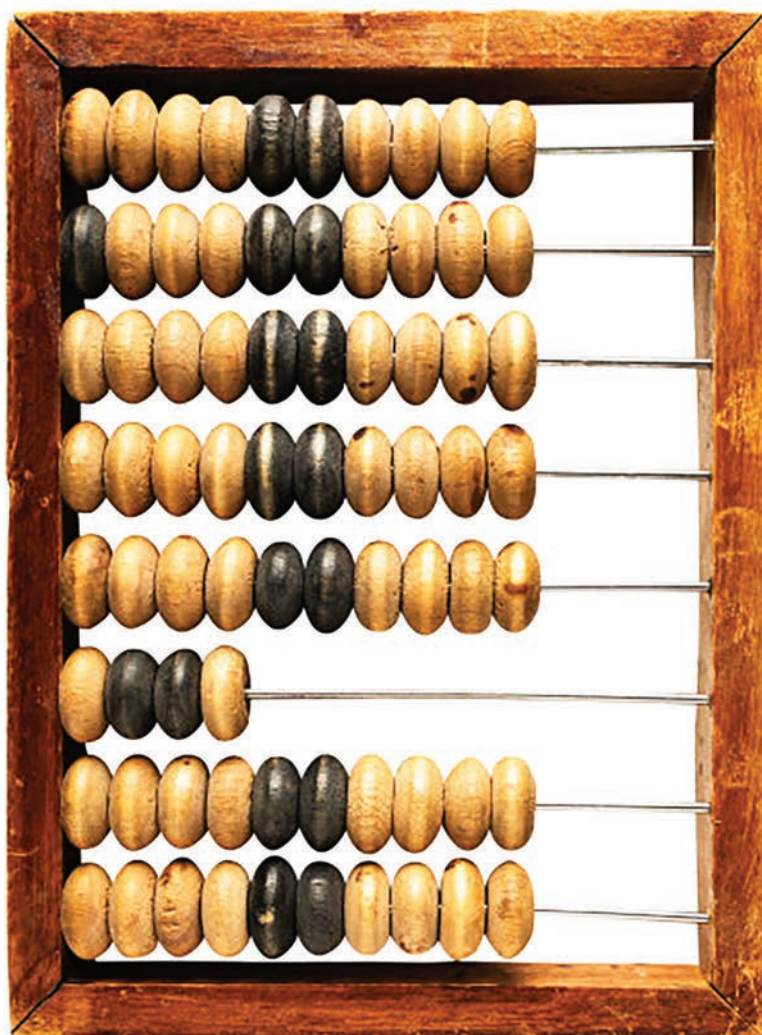
آینده‌نگر بررسی می‌کند: وقتی فشار بر شفافیت است نه فراری‌ها

زمزمه‌های اخذ مالیات بیشتر از مردم شنیده می‌شود؛ اخذ مالیات از خانه‌های خالی، از زمین، سپرده‌های بانکی، ارزش افزوده و غیره. کشورهای زیادی اخذ این مالیات‌ها را آزموده‌اند و خیلی از اقتصاددان‌های کشور نظر مساعدی نسبتاً به دریافت مالیات دارند. اما وقتی پای تورم در میان است، این ایده خالی از اشکال نیست و نبرد بی‌پایانی در اقتصاد میان کارایی و انصاف مطرح است. برخی معتقدند تا مساله مالیات‌گیری دقیق در ایران حل نشود، مشکلات کشور برطرف نخواهد شد. اما قدرت دولت‌ها تنها در مالیات نیست، در سیاست‌گذاری

درست اقتصادی است تا مالیات باعث رونق قدرت شود نه بی‌رونقی جامعه.

لیلا ابراهیمیان

دبیر بخش توسعه



# چرخش بزرگ

## مالیات در بودجه ۱۴۰۳ چه تغییراتی داشته است؟



سید مرتضی افقه

دانشیار دانشکده اقتصاد  
دانشگاه شهید چمران اهواز

در لایحه بودجه ۱۴۰۳، دولت پیشنهاد داده که میزان اخذ مالیات ۴۹٫۸ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یابد. این پیشنهاد پس از آن اتفاق افتاد که رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور اعلام کرد که در شش ماه اول ۱۴۰۲، بخش قابل توجهی از درآمدهای پیش‌بینی‌شده از محل فروش نفت و میعانات نفتی و نیز فروش شرکتهای دولتی محقق نشده است. این افزایش شدید و ناگهانی در حالی صورت می‌پذیرد که دولت در بودجه سال ۱۴۰۱، درآمدهای مالیاتی خود را افزایش شدیدی داده بود. بستر نظری این افزایش‌های شوک‌گونه در اخذ مالیات البته با روی کار آمدن دولت

سیزدهم و پس از ناکامی در حل مشکل تحریم‌های نفتی، در سال گذشته و در بندهای سیاست‌های کلی برنامه هفتم ذکر شده بود. به عنوان مثال در ماده چهارم از سیاست‌های کلی برنامه هفتم که در اواخر شهریورماه ۱۴۰۲ ابلاغ گردید، آمده است:

«۴- ایجاد تحول در نظام مالیاتی با رویکرد تبدیل مالیات به منبع اصلی تأمین بودجه جاری دولت، ایجاد پایه‌های مالیاتی جدید، جلوگیری از فرار مالیاتی و تقویت نقش هدایت و تنظیم‌گری مالیات در اقتصاد با تأکید بر رونق تولید و عدالت مالیاتی».

در همین رابطه، در ماده ۲۶ از لایحه برنامه هفتم آمده است: در اجرای بند (۴) سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله هفتم و به منظور تحقق اهداف کمی زیر مطابق با احکام این فصل اقدام می‌شود:

جدول شماره ۴- اهداف کمی سنج‌های عملکردی اصلاح نظام مالیاتی		
سنج‌های عملکردی	واحد متعارف	هدف کمی در پایان برنامه
نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی	درصد/سالانه	۱۰
نسبت مالیات به اعتبارات هزینه‌ای	درصد/سالانه	۸۰

هر چند نیل به اهدافی چنین شارپ (سه‌م ده درصدی از تولید ناخالص ملی و ۸۰ درصدی از اعتبارات هزینه‌ای) بدون ایجاد تحول در ساختارهای نهادی و غیراقتصادی، بسیار دور از ذهن است، اما دولت سیزدهم خیز بلندی برداشته تا به هر نحو ممکن میزان اخذ مالیات را افزایش دهد تا جایگزین سهم نفت در بودجه (حدأقل) جاری گردد. در رابطه با سهم مالیات در بودجه‌های دولت بیان توضیحاتی ضروری است.

تردیدی نیست که اخذ مالیات از مردم برای تأمین نیازهای دولت‌ها و حکومت‌ها که قدمتی به طول تاریخ دارد، منطقی و قابل دفاع است. ضرورت این دفاع امروزه بسیار بیشتر هم شده است زیرا نقش مالیات محدود به کسب درآمد برای دولت‌ها نیست بلکه مالیات ابزاری چند منظوره برای سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت بحران‌های اقتصادی است. در واقع مالیات امروز مهم‌ترین ابزار دولت برای کنترل بحران‌های اقتصادی (رکود و تورم و تورم توأم با رکود) و نیز ابزاری مهم برای کاهش نابرابری و فقر در جامعه است. همچنین، از مالیات برای هدایت فعالیت‌های اقتصادی، مدیریت رفتار مصرفی، و نیز سوق دادن صادرات و واردات به سمت اهداف مورد نظر دولت‌ها استفاده می‌شود. پیش از تحلیل موضوعات مرتبط با مالیات در ایران، ذکر تاریخچه‌های کوتاه از روند مالیات‌گیری پیش و پس از انقلاب مفید خواهد بود.

در ایران و تا پیش از دوره مدرن پس از پهلوی اول، مالیات‌گیری به سبک سنتی و توسط عوامل شاه صورت می‌پذیرفت اما با روی کار آمدن رضاشاه و گسترش نظام‌های مدرن اداری، کم کم مالیات‌گیری نیز نظام‌مند گردید. با این و صف، به دلیل وجود درآمدهای نفتی، اتکاء دولت کم کم به سمت درآمدهای نفتی سوق پیدا کرد و همین امر وابستگی به درآمدهای نفتی را به مرور افزایش داد. تا پیش از کودتای ۱۳۳۲ هنوز درآمدهای نفتی نقش پررنگی در بودجه و اقتصاد کشور پیدا نکرده بودند اما از این تاریخ به بعد و با تدوین و اجرای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه سوم به بعد، درآمدهای نفتی به تدریج جای پای بیشتری در بودجه و اقتصاد کشور باز کردند. نقطه عطف این تحول اما بعد از افزایش چندبرابری قیمت نفت در سال ۱۳۵۳ رخ داد و روند وابستگی و در واقع اعتیاد بودجه دولت و اقتصاد کشور به نفت شتاب بیشتری گرفت. با وقوع انقلاب و افزایش باز هم بیشتر قیمت نفت در سال ۱۳۵۷ از یک سو، و مشکلات بسیار شدید ناشی از نابسامانی‌های پس از انقلاب و به خصوص با شروع جنگ در سال ۱۳۵۹، اتکاء و اعتیاد به درآمدهای نفتی برای تأمین هزینه‌های جنگ افزایش بیشتری یافت. هر چند پس از انقلاب و به دلیل انتقاد انقلابیون از شاه نسبت به وابسته نمودن اقتصاد و بودجه کشور به درآمد نفت و آسیب‌پذیری اقتصادی ناشی از آن، توجه به جایگزین کردن درآمد مالیاتی به جای نفت در بودجه مورد توجه دولت وقت قرار گرفت اما به دلایل گفته شده در سال‌های اول پس از انقلاب، امکان تمرکز بر افزایش سهم مالیات در بودجه تا پایان جنگ وجود نداشت. پس از پایان جنگ در سال ۶۸ و همزمان با آغاز برنامه اول توسعه بس از انقلاب، به مرور بر اهمیت افزایش سهم مالیات در بودجه دولت افزوده شد. از آن تاریخ تاکنون هم در برنامه‌های توسعه و هم در بودجه‌های سالانه تلاش شده سهم مالیات در بودجه با هدف تأمین کل یا بخش قابل توجهی از هزینه‌های جاری افزایش یابد. تأکید بر افزایش درآمدهای مالیاتی بودجه‌وقتی اهمیت بیشتری یافت که حاکمیت، آسیب‌پذیری اقتصاد و معیشت مردم به درآمدهای نفتی به دلیل نوسانات قیمتی یا به دلیل تحریم‌های نفتی را در عمل تجربه نمود. با تشدید تحریم‌ها در آغاز سال ۱۳۹۷، اهمیت درآمدهای مالیاتی در بودجه باز هم بیشتر شد. مسئولان دولت سیزدهم پیش و پس از استقرار، گرانی‌های ناشی از تشدید تحریم‌ها را ناشی از ناکارآمدی دولت روحانی اعلام می‌کردند، ادعا کردند که بنادارند سفره مردم را از تحریم‌های نفتی جدا کنند؛ و لایه هدفشان همین افزایش سهم مالیات‌ها در بودجه‌های سنواتی بوده است. هر چند در شرایط معیشتی توده مردم، افزایش شدید مالیات‌ها بیش از آنکه سفره مردم را از تحریم‌ها جدا کند، تلاش کرده و می‌کنند که سفره خود (بودجه دولت) را آن هم به قیمت تنگ‌تر کردن سفره مردم از تحریم‌ها جدا کنند. از طرف دیگر، دولت برای تحقق وعده خود مبنی بر بی‌اثر بودن تحریم‌ها در افزایش قیمت‌ها، در بودجه ۱۴۰۱ وزن سنگینی به درآمدهای مالیاتی اختصاص داد. با محقق شدن بخش قابل توجهی از درآمدهای مالیاتی در سال ۱۴۰۱ و در سال جاری، دولت اکنون برای افزایش ۴۹ درصدی درآمدهای مالیاتی در سال ۱۴۰۳ خیز بلندی برداشته است. اینکه وعده افزایش شدید درآمدهای مالیاتی در سال ۱۴۰۳ چقدر قابل تحقق باشد، بحثی مجزا می‌طلبد. با این وصف، و با فرض تحقق این میزان مالیات و با توجه به شرایط فعلی و در صورت ادامه تحریم‌های تجاری و نفتی، بعید است همین میزان درآمد مالیاتی در سال‌های بعد قابل تحقق باشد. این بدان سبب است که بودجه به درآمدهای نفتی وابسته است، چون اقتصاد و تولید کشور به درآمدهای نفتی وابسته است. یعنی بدون کاهش وابستگی کل اقتصاد (GDP) از درآمدهای نفتی، کاهش وابستگی بودجه به تنهایی قابل دوام در سال‌های بعد نخواهد بود. بنابراین، با تداوم تحریم‌ها، احتمالاً بخش‌های مختلف تولیدی و به تبع آن بخش مصرف در سال‌های بعد دچار رکود شده و



بودجه‌های سالانه دولت مملو از ردیف‌های هزینه‌های زائد و در مواردی برای انجام وظایف و امور موازی و تکراری صرف می‌شود. هزینه‌هایی که برخلاف منطق علم اقتصاد، هیچ کمکی به بهبود کمی و کیفی خدمات یا افزایش رفاه جامعه نمی‌کنند. این بدان معناست که به دلیل بی‌کفایتی کارگزاران یا بی‌اعتنایی آن‌ها به حقوق مردم، بخش قابل توجهی از منابع مالی ناشی از درآمدهای مردم، صرف بخش‌هایی شده‌اند که با فشار افراد با نفوذ سیاسی، اقتصادی، مذهبی یا حتی قومی و قبیله‌ای بر بودجه کشور تحمیل شده‌اند.

گرفته شوند. اما وقتی نظام انتخاب و انتصاب و گزینش کارگزاران حاکمیتی براساس ناشایسته‌سالاری باشد، بدیهی است که چنین ساختاری، کارآمدی لازم برای انجام خدمات به مردم را ندارد؛ همچنان که در ساختارهای فعلی، نظام حکمرانی در همه رده‌های تصمیم‌گیری، اجرائی، قضائی، نظارتی، و... در ناکارآمدترین شکل خود است و بنابراین هزینه‌های مازاد تولید کالا و خدمات بر دوش مردم و از طریق اخذ همین مالیات‌ها یا فروش منابع طبیعی متعلق به همه نسل‌ها تأمین می‌شود.

بودجه‌های سالانه دولت مملو از ردیف‌های هزینه‌های زائد و در مواردی برای انجام وظایف و امور موازی و تکراری صرف می‌شود. هزینه‌هایی که برخلاف منطق علم اقتصاد، هیچ کمکی به بهبود کمی و کیفی خدمات یا افزایش رفاه جامعه نمی‌کنند. این بدان معناست که به دلیل بی‌کفایتی کارگزاران یا بی‌اعتنایی آن‌ها به حقوق مردم، بخش قابل توجهی از منابع مالی ناشی از درآمدهای مردم، صرف بخش‌هایی شده‌اند که با فشار افراد با نفوذ سیاسی، اقتصادی، مذهبی یا حتی قومی و قبیله‌ای بر بودجه کشور تحمیل شده‌اند.

همچنین از منظر دینی (حق الناس) و نظام مردم‌سالاری (دموکراسی)، تخصیص درآمدهای مالیاتی و نفتی باید به طور نسبی صرف خواست و سلیقه اکثریت مردم جامعه گردد؛ و این مهم وقتی حاصل خواهد شد که انتخاب تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان در همه رده‌های حکمرانی براساس انتخاباتی آزاد و شفاف صورت پذیرد تا نمایندگان اکثریت انتخاب شوند، در غیر اینصورت، اگر حکمرانان، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان نماینده اقلیت باشند و سیاست‌ها و تخصیص منابع مالی براساس نظر، خواست و سلیقه گروه اقلیت باشد، ضمن اینکه تعرض به حقوق عمومی (و از منظر دینی حق الناس) است، موجب گسترش نارضایتی‌های اکثریت خواهد شد.

ناتوانی یا غفلت در اخذ مالیات از ثروتمندان و ابرثروتمندان به دلیل توان آن‌ها در فرار از پرداخت مالیات، باعث می‌شود که بار اصلی هزینه‌های (واقعی و زائد) دولت را عمدتاً طبقات متوسط و حقوق‌گیران و حتی افراد کم‌درآمد (به خصوص اگر مالیات غیرمستقیم باشد که مالیاتی تنالزی و ضدعدالت است) پرداخت می‌کنند.

مالیات‌دهندگان همچنین هزینه‌انبوه دستگاه‌ها و نهادهای معاف از مالیات‌ها را هم می‌دهند که همچون ردیف‌های هزینه‌های زائد، در بسیاری موارد با سفارش و فشار افراد و گروه‌های بانفوذ به دولت تحمیل شده‌اند. در همین رابطه یک رسانه<sup>۲</sup> گزارش داده که:

«رقم فرار مالیاتی در کشور بین ۵۰ تا ۱۵۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده که البته به دلیل عدم وجود اطلاعات کافی از اقتصاد زیرزمینی این میزان برآورد چندان دقیق نیست و این فرار مالیاتی هم در حوزه مالیات‌های مستقیم و هم در حوزه مالیات‌های غیرمستقیم وجود دارد. همچنین برآوردی که از میزان معافیت‌های مالیاتی در کشور انجام شده است در حدود ۴۰ تا ۴۵ درصد کل تولید ناخالص داخلی کشور است. بر اساس مطالعات دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور، بدون احتساب معافیت‌های آستانه (موضوع مفاد ماده ۸۴ قانون مالیات‌های مستقیم) و معافیت‌های موضوع مواد ۱۳۲، ۱۴۱ و ۱۴۲ قانون مذکور، ۴۱ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور معاف از مالیات است.»

در واقع، به دلیل بالا بودن سهم معافیت و فرارهای مالیاتی، این توده مردم اعم از طبقات فقیر و متوسط هستند که هزینه برخورداری‌های انبوه گروه‌های ثروتمند را از خدمات دولتی را پرداخت می‌کنند در حالی که خود کمترین بهره را می‌برند.

و نکته آخر اینکه، آنچه هدف سیاستگذار باید باشد کم شدن یا رهایی از وابستگی اقتصاد کشور به درآمد نفت است نه بودجه. چون همان‌گونه که ذکر شد، حتی با فرض کاهش وابستگی بودجه به نفت از طریق افزایش سهم مالیات در یک یا دو سال، هیچ تضمینی برای تداوم میزان درآمدهای مالیاتی بودجه در سال‌های بعد وجود ندارد. ■

#### پی‌نوشت‌ها

۱. <https://www.mehnews.com/news/۵۳۷۸۱۲۱> /سهم‌اندک مالیات-در-بودجه-های-سالانه  
۲. همان

از آنجا که مالیات تابعی از تولید و درآمد ملی است، با کاهش احتمالی تولید، امکان کسب درآمد بیشتر از مالیات‌ها کاهش می‌یابد و کسری بودجه و به تبع آن تورم و مشکلات اقتصادی دیگر تداوم خواهند یافت. با توجه به این مرور مقدماتی، اکنون می‌توان میزان و شیوه مالیات ستانی در ایران و در شرایط فعلی تحلیل نمود.

بدون تردید حکمرانی خوب و منطق اقتصاد بر اخذ مالیات برای اهداف چندگانه بیان‌شده در ابتدای این بحث ضروری و غیرقابل انکار است، اما:

همان‌گونه که بارها نوشتیم، تجویز نسخه برای بیماری‌های اقتصاد ایران باید با توجه به شرایط خاص حاکم بر کشور ایران و شرایط فعلی باشد. یکی از آفت‌های سیاستگذاری‌های اقتصادی در کشور، تقلیدهای کورکورانه از کشورهای دیگر به خصوص کشورهای پیشرفته است. البته این تقلیدها عمدتاً ریشه در تفکر تعدادی اقتصادخوانده بی‌اعتنا به مفروضات حاکم بر کشور دارد که اتفاقاً از طریق قدرت مالی و رسانهای خود، بر تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان کشور بسیار تأثیر گذار بوده و هستند. از جمله مقایسه‌هایی که تکرار و مبنای توصیه‌های این گروه افراد قرار می‌گیرد، نسبت مالیات به تولید ناخالص ملی، نسبت مالیات به هزینه‌های جاری و در نهایت نسبت مالیات به منابع عمومی بودجه است که با کشورهای عمدتاً پیشرفته انجام می‌شود. به عنوان مثال به این متن که به تقلید از همین گروه از اقتصادخوانده‌ها در یک رسانه<sup>۱</sup> منتشر شده است توجه کنید:

«نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی نیز در سال ۹۹ برای ایران حدود ۵.۱ درصد برآورد شده است در حالی که این شاخص در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) با میانگین ۳۳.۸۴ درصد در سال ۲۰۱۹ اعلام شده است. همچنین نسبت مالیات به هزینه‌های جاری ایران طی روند ۱۰ سال گذشته رقمی بین ۴۰ تا ۵۰ درصد را نشان می‌دهد که مقایسه این نسبت با برخی از کشورهای حاکمیت از نقش کم‌رنگ مالیات در تأمین هزینه‌های جاری دولت دارد. میانگین این نسبت در کشورهای منتخب در سال‌های مختلف بین ۳۶ تا ۹۰ درصد است. نسبت مالیات به منابع عمومی بودجه نیز همیشه زیر ۴۰ درصد بوده است. در حالی که میانگین سهم مالیات از کل درآمدهای دولت در کشورهای منتخب در سال‌های مختلف ۶۴ درصد بوده در این میان، هند با متوسط ۸۴ درصد بیشترین و ژاپن با متوسط ۳۹ درصد پایین‌ترین سهم مالیات از منابع بودجه عمومی دولت را دارا هستند. در لایحه بودجه ۱۴۰۰ نیز این سهم به ۲۹.۴ درصد رسیده است.»

هرچند مقایسه شاخص‌های اقتصادی و غیراقتصادی کشور با شرایط مطلوب یا با کشورهای پیشرفته و موفق مناسب و البته ضروری است، اما مقایسه تک‌بعدی و بی‌اعتنا به نبود شرایط مشابه در ساختارهای غیراقتصادی و نگرش‌ها، تنها منجر به گسترش مشکلات اقتصادی و غیراقتصادی و اتلاف وسیع منابع و فرصت‌سوزی‌های جبران‌ناپذیر شده و می‌شود. به عنوان مهم‌ترین نقص در این گونه مقایسات باید گفت که اگر قرار است سهم مالیات در بودجه و اقتصاد در مقایسه با کشورهای پیشرفته ملاک قرار گیرد، میزان خدمات دولتی‌های این جوامع و نیز اثر سهم مالیات بر بهبود رفاه اقتصادی و غیراقتصادی جامعه نیز باید مورد توجه قرار گیرد؛ اما اقتصادخوانده‌ها و رسانه‌هایی که بر مبنای این گونه مقایسات بر دولت اصرار به مشابه‌سازی می‌کنند نیز، در مورد سمت دیگر ماجرا سکوت می‌کنند. این گروه از افراد در واقع به جای مطالبه بهبود ساختارهای حکمرانی برای کاهش هزینه‌های و افزایش رفاه مردم، به فشار بیشتر بر سفره مردم از طریق افزایش مالیات اصرار می‌کنند؛ و در واقع هزینه بی‌کفایتی‌های حکمرانی بد را بر سفره مردم تحمیل می‌کنند. همین کج‌فکری و کج‌فهمی باعث شده در چهار دهه گذشته شرایط اقتصادی و رفاهی مردم روز به روز وخیم‌تر گردد.

از طرف دیگر، هم از منظر دینی (حق الناس) و هم از منظر مردم‌سالاری (دموکراسی)، مردم حق دارند نسبت به منابع مالی‌ای که اختیار تخصیص آن را به دولت می‌دهند (اعم از درآمدهای مالیاتی یا درآمدهای ناشی از فروش نفت و منابع طبیعی)، نسبت به نحوه کمی و کیفی هزینه‌کرد آن حساس باشند. این حساسیت از سه منظر قابل دفاع است:

این درآمدها باید در کارآترین شکل ممکن هزینه شوند، به گونه‌ای که هزینه‌های حکمرانی و خدمات دولت به حداقل ممکن و با بهره‌وری حداکثری صورت پذیرد؛ و این مهم وقتی قابل حصول است که شایسته‌ترین افراد در اجزاء حاکمیت به کار

# مالیات گرفتن از انرژی بهترین شیوه است

**جواد صالحی اصفهانی** استاد اقتصاد دانشگاه ویرجینیاتک در گفت‌وگو با «آینده‌نگر» پاسخ می‌دهد: آیا راه‌حل جبران کسری بودجه افزایش مالیات است؟

لیلا ابراهیمیان: هر بار که از اقتصاد ایران می‌گویند هم‌زمان به سه گانه دولت-جامعه-روشنفکران اشاره دارد و نقش آنها در تغییر سیاست‌گذارها. صالحی اصفهانی، اقتصاددان معتقد است که اقتصاد ایران امکان‌هایی زیادی برای اصلاح دارد به شرط آنکه دولت و حاکمیت، جامعه را با خود همراه کند و سیاست‌های خود را به خوبی برای مردم تبیین کند. صالحی اصفهانی گره کار را سرمایه اجتماعی پایین دولت‌ها می‌داند؛ همان جایی که خیلی از جامعه‌شناسان و اقتصاددان‌ها بارها از آن گفته‌اند. او به جای مالیات‌گیری بیشتر از جامعه به مالیات بر انرژی تأکید دارد و معتقد است مالیات بیشتر در دوران رکود به باج‌خواهی شباهت دارد تا یک راهکار علمی-اقتصادی-این گفت‌وگو را بخوانید.

ولی تورم هم داریم. اما تورم آن زمان با تورم الان خیلی فرق می‌کند. بخش زیادی از تورم حال حاضر از کسری بودجه و چاپ پول می‌آید؛ اما در آن زمان تورم از تنگناهایی که ایجاد شده بود، می‌آمد. دولت هم پول زیادی خرج می‌کرد و اقتصاد ایران کشش لازم را نداشت. بنابر هم آن قدر وسعت نداشتند که واردات کالا را در حدی که لازم بود داشته باشند که تورم ایجاد نشود. در آن دوره ترمی اوضاع اقتصاد ایران به هم ریخت.

■ **تورم با ازدیاد درآمد نفتی یا با کاهش درآمد نفتی هر دو در اقتصاد ایران رخ داده است.**

در واقع همه تورم‌ها در تاریخ اقتصاد ایران به دلیل کسری بودجه نبوده است. وابستگی به درآمد نفتی یعنی وقتی قیمت نفت بالا می‌رود یا کاهش می‌یابد، باعث تورم می‌شود و الان که نمی‌توانیم صادرات نفت داشته باشیم، تورم داریم و اوضاع اقتصادی به هم ریخته و این معضلی است که به سادگی حل نخواهد شد. مسأله عدم وابستگی به درآمد نفتی در درجه دوم سیاست‌گذاری اقتصادی قرار دارد و ایجاد درآمد از هر طریق به خصوص از طریق صادرات نفت و گاز، در درجه اول است.

■ **مشخصه اقتصاد ایران چیست که هم در بالا بودن نقدینگی و هم در کمبود درآمد و کسری بودجه تورم ایجاد می‌شود؟**

یک نکته تکنیکی در اینجا وجود دارد و آن اینکه شوک‌های خارجی چه مثبت و چه منفی، بر قیمت‌های داخل ایران اثر می‌گذارند. کالاهایی که قابل تجارت هستند، قیمتشان نسبت به کالاهایی که قابل تجارت نیستند، مثل زمین، ساختمان، آموزش و بهداشت باید تغییر کند. چه قیمت نفت بالا برود و چه پایین بیاید، نسبت این دو قیمت، یعنی قیمت کالای قابل مبادله و کالای غیر قابل مبادله باید تغییر کند. در ایران این نوع تغییرات در سطح کلان با بالا رفتن همه قیمت‌ها اتفاق می‌افتد نه با پائین رفتن بعضی قیمت‌ها. یعنی تغییر قیمت‌های نسبی با تورم متفاوت بین این دو گروه کالا انجام می‌شود. دلیل این پدیده هم چسبندگی قیمت اسمی نیروی کار است؛ یعنی دستمزدهای اسمی فقط در یک جهت حرکت می‌کنند. بالا می‌روند؛ ولی پایین نمی‌آیند یا پایین رفتن آن خیلی سخت است. لاقط ما در تاریخ ایران چنین چیزی نداریم که قیمت اسمی کارگر ساده پایین رفته باشد. بنا بر این اگر به این نکته در اقتصاد توجه کنید، می‌بینید که برای اینکه قیمت‌های نسبی تغییر کنند، تمام قیمت‌ها باید بالا بروند و بعضی قیمت‌ها بیشتر از بقیه که قیمت نسبی تغییر کند. این نوع ادغام در بازارهای جهانی که از طریق نفت ایجاد می‌شود و شوک‌های نفتی رخ می‌دهد، در هر دو حالت در ایران باعث ایجاد تورم می‌شود. در یک زمان دولت ثروتمند است. مازاد بودجه دارد. کسری بودجه ندارد؛ اما یک زمان کسری بودجه دارد؛ ولی اینکه تورم ایجاد می‌شود، لزوماً همیشه در ارتباط با کسری بودجه نیست. مربوط می‌شود به این نکته تکنیک و در نهایت اینکه قیمت‌های داخل ایران باید تغییر کنند که منطبق شوند با شوکی که ایجاد شده است.

■ **چطور؟**

فرض کنید که درآمد نفت کم شده و شوک منفی ایجاد شده؛ قیمت کالاهای مبادله‌ای

■ **از کسری بودجه به عنوان بزرگ‌ترین معضل اقتصاد ایران یاد می‌شود. حتی بعضی از اقتصاددان‌ها هشدار می‌دهند که اگر این کسری بودجه برطرف نشود، به یک مسأله امنیتی تبدیل می‌شود. مفهوم کسری بودجه چیست و اقتصاد ایران در چه بازه‌های زمانی از کسری بودجه رنج می‌برده است؟**

امروزه اقتصاد ایران درگیر مسأله کسری بودجه است. با مرور تاریخچه کسری بودجه در اقتصاد کشور متوجه می‌شویم که این سری به زمان ملی شدن نفت در ایران شباهت زیادی دارد. آن زمان هم درآمد نفت دولت قطع شده و دولت دکتر مصدق کسری بودجه داشت، اوراق قرضه هم عرضه می‌شد؛ ولی تورم کمتر بود. شاید به این دلیل که در آن زمان کنترل چاپ پول دست دولت ایران نبود. اسکناس ایرانی در خارج از کشور چاپ می‌شد و با هواپیما به ایران می‌آوردند. از وقتی که شبکه بانکی ایجاد شد و خودمان کنترل چاپ پول را در دست گرفتیم، کسری بودجه به تورم تبدیل شد. در دهه ۶۰ میلادی باز هم کسری بودجه بود و بخشی از این کسری بودجه از قرض‌های خارجی تأمین می‌شد. بانک جهانی و دولت آمریکا در قالب کمک‌های نظامی و اصل ۴ ترومن به پوشاندن کسری بودجه کشور کمک می‌کرد. اضافه بر آن در آن موقع کنترل دولت در چاپ پول خیلی کمتر از امروز بود چون اسکناس‌های ایران در خرج از ایران تولید می‌شدند و نظام بانکی هم پیشرفته نبود که بتوانند پول تولید کنند. بانک‌های خصوصی هم کم بودند و عموماً مثل بانک صنعتی در ارتباط با تولید بودند. به هر حال نظمی وجود داشت که کسری بودجه تبدیل نمی‌شد به تورم؛ بنابراین تورم پایین بود.

■ **بعد از آن چه اتفاقی افتاد؟**

از اواسط دهه ۶۰ میلادی اقتصاد ایران شروع می‌کند به رشد سریع. اقتصاد ایران با یک برنامه منسجم تحت عنوان جایگزینی واردات، در صنعت سرمایه‌گذاری می‌کند، تولید افزایش می‌یابد، مالیات هم از طریق مالیات بر واردات کالاهای نهایی تأمین می‌شد؛ بنابراین دولت درآمد داشت و اقتصاد هم در حال رشد بود. درآمد نفت هم به آرامی در حال رشد بود. البته در این بازه زمانی دولت کمبود درآمد داشت و به انحای مختلف آن را تأمین می‌کند. مثلاً در خاطرات عبدالعزیز فرمانفرمایان آمده که برای سرمایه‌گذاری در تأمین آب سالم در شهرستان‌ها اجازه دادند که شهرداری‌ها خودشان مالیات تعیین کنند و از این طریق درآمدی داشته باشند که آن را برای لوله‌کشی آب صرف کنند. در واقع با ترنندهایی مالیات ایجاد می‌کردند که بتوان آن را سرمایه‌گذاری کنند و این سرمایه‌گذاری‌ها باعث رشد اقتصادی کشور شد. از اوایل دهه ۷۰ میلادی درآمد نفتی کشور رشد کرد و دولت به شدت به درآمدهای نفتی وابسته می‌شد؛ به خصوص بعد از سال ۱۳۵۲ که قیمت نفت یکباره جهش بزرگی کرد و دولت هم شروع کرد به هزینه کردن درآمد نفتی. آن زمان به جای کسری بودجه، دولت دو سه سال ازدیاد بودجه داشت و نمی‌دانست که پول‌هایش را چگونه خرج کند. خرج‌های زیاد آن سال‌ها بزودی به کسری بودجه تبدیل شد. مثلاً در کشورهای مختلفی مثل آلمان و مصر سرمایه‌گذاری می‌کرد و سعی می‌کرد پول‌هایش را در جایی خرج کند و این امر باعث تورم شد. یعنی در آن دوره خاص وفور درآمد نفتی و مازاد بودجه داریم؛

وقتی نرخ دلار بالاتر می‌رود، واردکننده حاضر نیست جنس خود را با قیمت قبلی از انبار خارج کند. او می‌خواهد کالای خود را با قیمت بالاتر بفروشد. وقتی قیمت این کالاها بالا می‌رود، شرکت‌هایی که در تولید خود از این کالاها استفاده می‌کنند، تحت فشار قرار می‌گیرند. به بانک‌ها می‌گویند که ما به استقراض نیاز داریم. بانک‌ها به بانک مرکزی می‌گویند که ما به پول نیاز داریم.



اجزای نمی‌دهند و می‌گویند ما به هیچ قیمتی حاضر نیستیم تورم را تحمل کنیم؛ بنابراین اجازه می‌دهیم که یک سری اتفاقات بد در اقتصاد بیفتد. شرکت‌هایی که مشکل مالی دارند ورشکست می‌شوند و تقاضا برای نیروی کار پایین می‌آید؛ در نتیجه علت اصلی اینکه هزینه نیروی کار در نتیجه بالا رفتن قیمت نفت بالا می‌رود، از بین می‌رود یا برعکس. به هر حال قیمت‌ها قبل از آمدن نقدینگی خودشان می‌توانند شروع به حرکت کردن کنند. گاهی وقتها نقدینگی به دنبال قیمت‌ها می‌رود؛ یعنی وقتی قیمت‌ها بالا می‌روند، بانک مرکزی سعی می‌کند اجازه دهد که حجم پول بالا برود و اقتصاد کار خود را بکند. این اتفاقی است که اخیراً در آمریکا هم افتاد. بعضی وقتها برعکس است؛ یعنی نقدینگی می‌آید و قیمت‌ها را بالا می‌برد. چون عرضه ثابت است و زمانی که نقدینگی بالا برود ایجاد تورم می‌کند. توجه به این مسأله، از این نظر مهم است که سیاست‌های کاهش تورم به شناسایی منشأ تورم دارد و بهتر است که به صورت منجمد فکر نکنیم که تنها دلیل وجود تورم کسری بودجه است.

■ این کسری بودجه با مشخصه‌هایی که شما می‌گویید، بیشتر در چه نظام‌هایی از بودجه‌ریزی ایجاد می‌شود؟ آیا ممکن است هر نظام اقتصادی را درگیر کند یا اینکه نظام اقتصادی ایران مشخصه‌های خاصی دارد؟

مشخصه‌ها مهم هستند؛ ولی در اینجا نظام اقتصادی مطرح نمی‌شود. مثلاً بانک مرکزی آمریکا که رئیس آن جمهوری خواه است و سخت می‌گیرد توانست نرخ تورم را به سرعت از ۷ درصد به نصف کاهش دهد. گاهی برعکس می‌شود و در همین نظام اقتصادی آمریکا، دولت می‌خواهد برای جلوگیری از ازدیاد فقر در زمان کووید به اجرای سیاست‌های حمایتی از طریق یارانه نقدی بپردازد و بانک مرکزی شروع می‌کند به افزایش حجم پول؛ بنابراین مسأله، نظام اقتصادی نیست؛ اما خصوصیت‌های جامعه و اقتصاد مسأله است. در ایران بعد از انقلاب دولت در پاسخ به خواسته‌های انقلاب که توزیع بهتر درآمد، کاهش فقر و استفاده تمام مردم از ثروت جدید به وجود آمده از درآمد صادرات نفت بود، هم شروع کرد به هزینه کردن، هم هزینه دادن و هم بالا بردن انتظارات. در همان اوایل انقلاب انتظارات خیلی سریع بالا رفت. گفتند مشکلات اقتصادی ایران به خاطر سیاست‌های شاه بوده است و حالا که

بالا رفته، به این دلیل که پیش از هر چیزی ارزش ریال کاهش می‌یابد و قیمت کالایی که وارد می‌کنیم، افزایش می‌یابد و قیمت کالاهایی که در داخل ایران تولید می‌شوند، مثلاً اصلاح موی سر، خیلی تغییر نمی‌کنند. ابتدا باید دستمزد بالا برود که بعد قیمت این‌ها هم بالا برود؛ بنابراین نوعی تورم ایجاد می‌شود که قیمت کالاهای مبادله‌ای نسبت به کالاهای غیر مبادله‌ای برود بالا. در حالت معکوس که درآمد نفت افزایش می‌یابد، چون نسبت ریال و دلار ثابت می‌ماند و تمام کالاهایی را که می‌شود وارد کرد وارد می‌کنند قیمت کالاهای قابل مبادله ثابت می‌ماند ولی قیمت کالاهایی که در داخل تولید می‌شود، بالا می‌رود. به این دلیل که کسش عرضه آن‌ها پایین است و برای کشیدن نیروی کار نه فعالیت‌های جدید دستمزدها بالا می‌روند. باضافه افزایش درآمد نفت در آمد غیر نفتی مردم را بالا می‌برد و حاضر نیستند مثل با دستمزد سابق کار کنند و دستمزد بالاتری می‌خواهند یا اینکه اصلاً نیروی کاری وجود ندارد که تولید اضافه کند؛ بنابراین قیمت کالاهای تولید شده در داخل بالا می‌روند؛ لذا می‌بینیم که وقتی قیمت نفت بالا هم می‌رود و وضع دولت خوب است، باز هم تورم ایجاد می‌شود و دلیل این اتفاق کسری بودجه نیست، و همانطور که گفتم علت آن نیاز به انطباق قیمت‌های نسبی در داخل ایران با شوک خارجی است.

■ این تغییر قیمت باید تحت چه شرایطی اتفاق بیفتد؟

شرایط مختلفی وجود دارد. گاهی تقاضا بالا می‌رود و کسش عرضه پایین است. گاهی قیمت کالاهایی که در تولید استفاده می‌شوند بالا می‌رود که ما در اقتصاد به این‌ها «تورم کسش تقاضا» و «تورم فشار هزینه» می‌گوییم.

وقتی نرخ دلار بالاتر می‌رود، واردکننده حاضر نیست جنس خود را با قیمت قبلی از انبار خارج کند. او می‌خواهد کالای خود را با قیمت بالاتر بفروشد. وقتی قیمت این کالاها بالا می‌رود، شرکت‌هایی که در تولید خود از این کالاها استفاده می‌کنند، تحت فشار قرار می‌گیرند. به بانک‌ها می‌گویند که ما به استقراض نیاز داریم. بانک‌ها به بانک مرکزی می‌گویند که ما به پول نیاز داریم. بانک مرکزی با اجازه می‌دهد این شوک خارجی وارد ایران شود و در اصطلاح چاپ پول اتفاق می‌افتد و به بانک‌ها اجازه می‌دهد که قرض بدهند، و یا اینکه چنین

دهه‌های مختلف بعد از انقلاب با هم متفاوت است. به طور مثال قبل از تحریم‌ها، قیمت نفت بالا بود، تورم از نوع تورم دهه ۵۰ شمسی بود. دولت کسری نداشت؛ ولی تورم بود. این تورم را نباید با تورمی که بعد از تحریم‌ها می‌آید یکی دانست. چون علاج این‌ها با هم متفاوت است. اینکه چرا الان تورم وجود دارد، جواب آن خیلی سخت نیست. درآمد‌های دولت پایین آمده است. دولت منبع جدیدی برای درآمد نفتی از دست رفته پیدا نکرده است. در ضمن تقاضاهای مردم برای دست یافتن به زندگی بهتر که بعد از انقلاب به آن‌ها وعده داده شده بود، کاهش پیدا نکرده است؛ یعنی دولت نمی‌تواند به راحتی به مردم بگوید که ما این مشکلات را با بازار نفت و تحریم‌ها داریم و لازم‌الشیء این است که سطح زندگی شما مقداری کاهش پیدا کند که بتوانیم تورم را در سطح پایین نگه داریم. به هر حال دولت باید یکی از این دو تا کار را انجام دهد. یا درآمد‌هایش را بالا ببرد یا سطح تقاضای مردم را برای بازنشستگی و دو برابر کردن حقوق بازنشستگی و بالا بردن ۵۷ درصدی حداقل حقوق را عوض کند.

■ **افکار عمومی می‌گوید دولت در ایران پولدار است و به جای اینکه از مردم بخواهد ریاضت بکشند، جلوی فسادهای اقتصادی را بگیرد.**

من فکر می‌کنم این نوعی بدفهمی از مسأله فساد و دزدی است. مردم فکر می‌کنند که پولی در آنجا وجود دارد که دولت می‌خورد و به مردم نمی‌دهد؛ اما این طور نیست. این دزدی‌ها در نتیجه سیاست‌های بد رخ می‌دهد که خود منشأ دیگری دارند که با دزدی و اختلاس فرق می‌کند. مثلاً سیاست دوزخی ارز. این مسأله پیچیدگی‌هایی دارد که به سادگی قابل حل نیست. دوزخی ارز چیزی نیست که بتوانید به راحتی آن را از بین ببرید و اگر دوزخی را برداشتید و تکنرخی کردید مسأله حل می‌شود. در سال ۱۴۰۱ که نرخ ارز ۴۲۰۰ تومان را برداشتند، قیمت‌ها یکباره بالا رفت و مردم دوباره اعتراض کردند. در واقع دولت می‌خواست دزدی و فساد را از بین ببرد؛ اما مردم ناراضی بودند. اگر خوب نگاه کنید، همان مسأله عدم همراهی دولت و ملت است بر سر اینکه شوک‌هایی که در حال حاضر وجود دارد چیست و چکار باید کرد. بطور مثال، اگر مردم با سیاست خارجی دولت همراه بودند باید تحریم‌ها را هم قبول میکردند و کمتر نسبت به اوضاع سخت اقتصادی معترض می‌شدند؛ این مشکل بزرگی است که اگر مردم واقعاً فکر کنند دولت پول دارد و نمی‌دهد، خیلی فرق می‌کند با اینکه بگویند دولت سیاست خارجی بدی دارند؛ بنابراین پول ندارند و بنابراین من هم پول ندارم. هر جا صحبت از فساد می‌شود، من سعی می‌کنم مردم را کمی متقاعد کنم که فساد ایران از خیلی از کشورهای دیگر بیشتر نیست یا اگر هم بیشتر است، دلیلش تحریم‌ها هستند. فساد جای دیش تا حدی مربوط به مسأله ارز است. وقتی تحریم آمد دولت نمی‌خواست به مردم بگوید که اگر شما با من در سیاست خارجی همراه هستید، باید قبول کنید که ۱۵ تا ۲۰ درصد سطح کیفیت زندگی‌تان پایین برود. دولت نمی‌خواست این کار را بکند؛ در نتیجه ارز را دوزخی کرد. این دوزخی کردن ارز یک نوع سیاست حمایت اجتماعی بود که اقتصاددان‌ها به درستی می‌گویند که بعد فساد آن زیاد است؛ اما دلیل اصلی این دوزخی کردن این نبوده است که از طریق آن بتوانیم فساد کنیم. علتش حمایت اجتماعی بود و می‌خواستند شوکی که از طریق تحریم‌ها وارد شده را تعدیل کنند. دلار یک بار سه برابر شد. یک بار دیگر هم سه برابر شد؛ یعنی در سال ۱۳۹۱ و بار دوم هم در سال ۱۳۹۷ که ترامپ از برجام خارج شد. در این شرایط دولت باید چکار می‌کرد؟ آیا وقتی می‌دید که دلار در خیابان فردوسی یکباره سه برابر شده است، باید می‌گفت به من مربوط نیست. قیمت تمام چیزهایی که وارداتی است سه برابر می‌شود و شما هم باید با همان حقوقی که الان می‌گیرید، این کالاها را تهیه کنید. شرایط خوبی نبود. در نتیجه دولت تصمیم گرفت برای کالاهای اساسی دلار را به نرخ کمتری بدهد و دلار ۴۲۰۰ تومانی آمد. این اتفاق با فساد فرق می‌کند؛ یعنی منشأ شکل‌گیری آن تحریم‌ها و حمایت اجتماعی بود؛ اما به فساد از نوع عام تبدیل شد.

شاه رفته، دیگر مشکلی نخواهد بود. شما برق خواهید داشت، آب خواهید داشت، درآمد خواهید داشت. انتظارات بالا رفت و پایین آوردن آن کار خیلی سختی شد. پس از آن جنگ تحمیلی پیش آمد که مخارج خیلی زیادی را به دولت تحمیل کرد که یک نوع تورم پنهان در ایران ایجاد کرد. این تورم پنهان با کوپن و تخصیص کالا و ارز کمی پوشانده شد؛ ولی بعد از پایان جنگ و اینکه دولت آقای هاشمی رفسنجانی سیستم کوپنی را برداشت، تورم یکباره بالا رفت و یکی از بالاترین نرخ تورم بعد از انقلاب را در همان سال‌های بعد از جنگ داشتیم؛ یعنی سالی که تورم به ۴۹، ۵۰ درصد رسید. این مسأله تقاضای پوپولیستی هنوز در ایران وجود دارد. اینکه مردم می‌توانند در سن ۵۵ سالگی بازنشسته شوند، با وجود اینکه امید به زندگی نسبت به قبل از انقلاب، ۱۰ تا ۱۵ سال بالا رفته است. این‌ها می‌توانند در همان سن بازنشسته شوند و ۳۰ تا ۴۰ سال از دولت بابت بازنشستگی درآمد بگیرند. این تقاضایی است که مردم دارند. ممکن است کسی فکر کند که این تقاضای بجایی است، ولی اگر با بهروری اقتصادی همخوانی نداشته باشد، مشکل آفرین است. یعنی بهروری داخل اقتصاد و بهروری که از چاه‌های نفت داریم، باعث می‌شود فشاری به دولت وارد شود که قادر به انجام آن نیست. این را الان هم در سیستم بازنشستگی دولت و هم در تأمین اجتماعی می‌بینید. این هم یکی از دلایل کسری بودجه است. دولت مجبور است به صندوق‌های بازنشستگی کمک کند که بتوانند حقوق درخواست مردم برای زندگی نسبتاً خوب را تأمین کنند. این تقاضاها همیشه وجود دارد. بعد از انقلاب ما نتوانستیم این تقاضاها را با بنیه اقتصاد ایران منطبق کنیم.

■ **منتقدان به وضعیت صندوق‌های بازنشستگی معتقد هستند که دولت دستش را در جیب صندوق کرده و در امور صندوق دخالت می‌کند که این یکی از دلایل ورشکستگی صندوق‌ها است.**

حتماً دلایل مختلفی دارد؛ ولی نمی‌توان این را پنهان کرد که وقتی امید به زندگی بالا می‌رود، صندوق‌های بازنشستگی اگر پیش بینی آنرا نداشته باشند خود به خود ورشکست می‌شوند. به کشورهای دیگر نگاه کنید. یونان، برزیل و... یک در یک مقطع زمانی صندوق‌هایشان ورشکسته بود و مجبور شدند کارهای سختی انجام دهند و فشار زیادی به مردم آوردند تا بتوانند شرایط را عوض کنند. یک فرق ایران با یونان و برزیل این است که وقتی آن دولت‌ها به مردم فشار می‌آورد، فقط فشار اقتصادی است. در ایران به علت محدودیت‌های رفتاری فشار اقتصادی قوز بالا قوز می‌شود و دولت‌ها با آسانی زیر بار کاهش هزینه‌های اجتماعی نمی‌روند.

■ **لطفاً مصداقی تر توضیح دهید.**

به طور مثال مالیات بر بنزین در کشورهای مختلف هم از نظر اقتصادی کار درستی است هم مردم با آن کنار آمده‌اند. ولی در ایران بالا بردن بهای بنزین که معادل مالیات بر آن است مورد قبول نیست. مثلاً در دوره‌ای آقای احمدی‌نژاد طرح هدفمند کردن یارانه‌ها با اینکه به کمک یارانه نقدی جبران فشار بر درآمد افراد فقیر شد با مقاومت اقتصاد دانان روبرو شد. با اینکه به عملکرد آن طرح نقدهایی وارد است، هدفمندی یارانه‌ها و اصلاح قیمت حامل‌های انرژی بر اساس جبران درآمد هنوز باید در دستور کار دولت باشد. البته امروز به این دلیل که جامعه زیر فشارهای زیادی قرار دارد، ظرفیت کافی برای بالا بردن قیمت انرژی را ندارد و نمی‌تواند کاهش درآمد‌ها را هم وارد جامعه کند چنین طرحی در دستور کار دولت نیست. از نظر اقتصادی این ذره قابل مقایسه با افزایش مالیات است.

■ **چرا کسری بودجه و افزایش نرخ تورم همچنان مسأله اقتصاد ایران است؛ چرا دو تا مسأله در کنار هم چهار دهه همراه با اقتصاد ایران است؟**

همیشه وضعیت این طور نبوده است. زمان‌هایی هست که تورم پایین بوده است. آن هم زمانی است که قیمت نفت بالا و در نتیجه درآمد نفت بالا بوده است. نوع تورم هم در

مالیات بر بنزین  
در کشورهای  
مختلف هم از نظر  
اقتصادی کار  
درستی است هم  
مردم با آن کنار  
آمده‌اند. ولی در  
ایران بالا بردن  
بهای بنزین که  
معادل مالیات بر  
آن است مورد  
قبول نیست. مثلاً  
در دوره‌ای آقای  
احمدی‌نژاد طرح  
هدفمند کردن  
یارانه‌ها با اینکه به  
کمک یارانه نقدی  
جبران فشار بر  
درآمد افراد فقیر  
شد با مقاومت  
اقتصاد دانان  
روبرو شد

هیچ کشوری جز آمریکا درآمدش به دلار نیست، ولی در کشورهایی که سطح بهره‌وری شان با آمریکا قابل مقایسه است نرخ ارزشان طوری است که می‌توانند قیمت‌های آمریکا را تحمل کنند. در این کشورها اصطلاحاً می‌شود گفت که درآمد به دلار است. درآمد ما به دلار نیست، به این دلیل که ۲۰۰، ۳۰۰ سال گذشته مثل کشورهای پیشرفته سرمایه‌گذاری نکرده‌ایم. به این دلیل که وقتی آن‌ها داشتند جاده و راه آهن می‌ساختند، شاهان قاجار در فکر توسعه اقتصادی نبودند. چرا نبودند.

#### اقتصاد ایران با این افزایش مالیات به چه سمتی می‌رود؟

افزایش پایه مالیاتی اگر به صورت عادلانه باشد؛ یعنی کسانی که درآمد بیشتری دارند و از اقتصاد بیشتر بهره می‌برند، مالیات بیشتری بدهند، مشکلی ایجاد نمی‌کند. اگر مالیات بر خرید باشد، ناعادلانه است چون از همه یک درصد مسالوی مالیات دریافت می‌شود؛ ولی مالیات بر درآمدی می‌تواند تصاعدی باشد که عادلانه‌تر است. مشکل مالیات درآمدی این است که شما باید بتوانید درآمد افراد را به خوبی شناسایی کنید. تا آنجا که من می‌دانم، تنها درآمدی که دولت به خوبی شناسایی می‌کند، درآمدی است که خودش ایجاد می‌کند؛ یعنی حقوقی که به مردم می‌دهد و مقداری از آن را خودش برمی‌دارد. شاید در شرکت‌های بزرگ هم به همین نحو مالیات جمع شود اما وقتی به شرکت‌های خصوصی و بنگاه‌های کوچکی که سودشان به درستی محاسبه نمی‌شود، می‌رسیم عدم فرهنگ مالیاتی منطبق با یک نظام مالیاتی جا افتاده، ممکن است در نگاه مالیات‌دهنده تبدیل شود به یک نظام اخذی که مورد قبول نیست؛ در نظام‌های مالیاتی جا افتاده که در آن درآمد قابل تخمین است مردم کمتر شکایت می‌کنند. مثلاً من هر سال باید حدود ۲۰، ۳۰ درصد از درآمد را برای مالیات بدهم. اگر زمینی داشته باشم، آن را بفروشم و سودی از آن ببرم، باز باید مالیات بدهم. آن را با حب و بغض نمی‌دهم. به این دلیل که فکر می‌کنم که این جزو هزینه زندگی کردن در آمریکا است. مثل اینکه شما اگر بخواهید از یک اتوبان رد شوید، عوارض آن را می‌دهید. متأسفانه وقتی هنوز نظام مالیاتی جا نیفتاده است، ممکن است نوعی ادراک اخذی وجود داشته باشد. من شنیده‌ام که به بعضی شرکت‌های کوچک می‌گویند که مالیات اسمال شما این قدر است و اگر صاحب شرکت بپرسد چرا، پاسخ درستی نمی‌شوند چون درآمدها شفاف نیستند. یعنی یک حساب و کتاب درستی وجود ندارد که خود فرد بدانند باید چقدر مالیات بدهد. من فکر می‌کنم مالیات گرفتن از درآمد هنوز بهترین نوع مالیات گرفتن در ایران نیست. مالیات گرفتن از انرژی که همان تعیین قیمت مناسب برای بنزین و گاز است، خیلی مناسب‌تر است. دولت ایران یک دولت ثروتمند است و بجز مالیات دو راه دیگر کسب درآمد دارد. می‌تواند اوراق قرضه به افراد ثروتمند بفروشد یا می‌تواند هزینه واقعی بنزین را از آنان دریافت کند که دومی منطقی‌تر است.

اگر این فرهنگ در ایران نهادینه می‌شد که دولت به معنای صاحب ثروت ملی باید بتواند از بابت آن درآمد داشته باشد، این گزینه بیشتر قابل انجام بود. دولت به کسانی که در زمستان خانه‌های بسیار بزرگ خود را با انرژی ارزان گرم می‌کنند و یا پرمصرف‌ترین ماشین‌های بنزینی را سوار می‌شوند، بدهکار نیست. ولی طوری وانمود می‌کند که برعکس این اتفاق افتاده است.

■ امروزه از انواع متعدد مالیات‌ها صحبت می‌شود؛ مالیات از خانه‌ها و ماشین‌های لوکس تا مالیات بر ارزش افزوده و غیره. شیوه مالیات‌ستانی باید چگونه باشد و رویکرد دولت در مالیات‌ستانی چه تصویری از آن به نمایش می‌گذارد؟

اگر مالیات بر اصول پذیرفته‌شده نباشد، بیشتر به اخذی شباهت پیدا می‌کند. من معتقدم جبران کمبود درآمد با تحمیل مالیات بر دارایی‌های گوناگون رویه درستی نیست. در دنیای معقول‌تر، دولت درآمد خود را از مالیات تصاعدی بر درآمد و از بهینه‌سازی مصرف و متناسب‌سازی قیمت انرژی تأمین می‌کند. مثلاً دولت ترکیه بخشی از درآمد خود را از طریق مالیات‌ستانی از حوزه انرژی تأمین می‌کند. البته در همین شیوه درآمدزایی هم، مالیات‌ستانی بهتر و بدتر داریم. اگر ما اصل مالیات‌گیری را ببینیم، مالیات گرفتن از سیگار بهتر از مالیات گرفتن از نان است. مالیات گرفتن از بنزین بهتر از مالیات از کالاهای اساسی است. مالیات گرفتن از خانه لوکس و خالی هم منطقی دارد که دولت باید بتواند مردم را نسبت به این اقدام توجیه کند. مردم پول‌های خود را تبدیل به دارایی‌های

اگر بحث را به ازدیاد درآمد برای دولت برگردانیم یک گزینه‌ای وجود دارد که از افزایش مالیات خیلی بهتر است. آن هم به پول کردن ثروت عظیمی نفت و گازی است که دست دولت است و الان به ثمن پخش به مردم از فقیر گرفته تا غنی می‌فروشد. اگر دولت همان ۵ میلیون نفت بشکند نفت خام را به نصف قیمت جهانی هم به مردم بفروشد، درآمد زیادی در نتیجه آن خواهد داشت. شاید بتواند تمام کسری بودجه را از بین ببرد. من ارقام دقیقی ندارم؛ ولی می‌دانم که حدود ۷۰ میلیارد دلار انرژی در ایران مصرف می‌کنیم. اگر دولت درآمدی برابر با نصف این را داشت، این طور ورشکسته نبود. این خیلی شبیه به مالیات است. به این دلیل که وقتی شما قیمت انرژی را بالا می‌برید، به نظر مردم می‌آید که دولت دارد از آن‌ها مالیات می‌گیرد و با خودشان می‌گویند که این انرژی مال من است. دولت باید آن را مفت یا با قیمت خیلی پایین به من بدهد. چرا می‌خواهد برای هر لیتر ۲۰ هزار تومان از من بگیرد.

■ حرف مردم در مقابل این مسأله این است که می‌گویند مگر درآمد ما به دلار است که به قیمت بازار ترکیه و یا کشورهای اروپایی و آمریکایی انرژی مصرف کنیم.

این هم یکی از بزرگ‌ترین بدفهمی‌های اقتصاد در ایران است. هیچ کشوری جز آمریکا درآمدش به دلار نیست، ولی در کشورهایی که سطح بهره‌وری شان با آمریکا قابل مقایسه است نرخ ارزشان طوری است که می‌توانند قیمت‌های آمریکا را تحمل کنند. در این کشورها اصطلاحاً می‌شود گفت که درآمد به دلار است. درآمد ما به دلار نیست، به این دلیل که ۲۰۰، ۳۰۰ سال گذشته مثل کشورهای پیشرفته سرمایه‌گذاری نکرده‌ایم. به این دلیل که وقتی آن‌ها داشتند جاده و راه آهن می‌ساختند، شاهان قاجار در فکر توسعه اقتصادی نبودند. چرا نبودند، یک سابقه تاریخی طولانی دارد که در بحث ما نمی‌گنجد. معلوم است که درآمد ما به دلار نیست برای اینکه بهره‌وری ما پایین است و دولت آن را با فروش ارزان انرژی نمی‌تواند در کوتاهمدت حل کند. در درآمدت هم برای بالا بردن بهره‌وری احتیاج به سرمایه‌گذاری داریم. مردم دوست دارند جاده داشته باشند ولی حاضر نیستند هزینه‌اش را بپردازند. در خیلی جاهای دنیا جاده‌ها را از مالیات بر بنزین می‌سازند. ولی در ایران نمی‌خواهند قیمت بنزین بالا رود تا این کار انجام شود. حرفشان هم این است که اگر دولت فساد را کنار بگذارد، می‌تواند جاده‌ها را به راحتی بسازد. این حرف را در کشورهای دیگر که مالیات سنگین به بنزین می‌دیند هم می‌توان زد ولی کمتر شنیده می‌شود. در آمریکا که من زندگی می‌کنم فساد در رابطه با بودجه نظامی زیاد است که اخبار آن گاه به گاه می‌آید. هر بمبی که روی سر مردم غزه می‌اندازند، سود یک شرکت تولید بمب بالا می‌رود بخصوص که درآمد این شرکت‌ها از بودجه کلان نظامی تأمین می‌شود که حساب و کتابش دائماً زیر سؤال است. چون بازار خرید کالاهای نظامی رقابتی نیست، اگر مثلاً هزینه هر بمب نیم میلیون دلار است؛ ممکن است ۲ میلیون دلار شارژ کنند. چرا که در کنگره که مسول نظارت بر بودجه است کمتر می‌پرسند چرا مالیات مردم اینطور به هدر می‌رود. اکثر نمایندگان به صف می‌شوند و می‌گویند ارتش هر چه می‌خواهد، در اختیارش بگذارد... یک تریلیون در سال بودجه نظامی آمریکا خودش منبع فساد بسیار بزرگی است. در بحث طبابت هم بیشتر از تمام دنیا مصرف سرانه سلامت می‌کنند؛ ولی در این حوزه از تمام کشورهای اروپایی پایین‌تر است. این‌ها همه فساد است؛ ولی مردم نمی‌گویند اگر می‌خواهید جاده را تعمیر کنید، باید فساد را از بین ببرید. چون می‌بینند که این کار خیلی سختی است؛ بنابراین عوارض بنزین می‌دهند تا جاده‌ها به راه باشند. این عدم قبول منطق مالیات که با ادراک فساد دولتی آمیخته شده جزو معضلات اقتصاد ایران است.

■ دولت برای جبران کسری بودجه در لایحه بودجه ۱۴۰۳ به افزایش پایه مالیاتی تاکید دارد. مالیات‌ستانی در اقتصادی که دچار رکود است، چگونه باید باشد و شرایط

اگر این فرهنگ در ایران نهادینه می‌شد که دولت به معنای صاحب ثروت ملی باید بتواند از بابت آن درآمد داشته باشد، این گزینه بیشتر قابل انجام بود. دولت به کسانی که در زمستان خانه‌های بسیار بزرگ خود را با انرژی ارزان گرم می‌کنند و یا پرمصرف‌ترین ماشین‌های بنزینی را سوار می‌شوند، بدهکار نیست. ولی طوری وانمود می‌کند که برعکس این اتفاق افتاده است

کرده‌اند که دولت در ابتدا از آن درآمدها مالیات گرفته است و اگر چنین نکرده، باید آن مسئله مورد بازبینی قرار گیرد. البته در دنیا رویه‌های مختلفی بر مالیات از خانه‌های لوکس یا خالی وجود دارد. مثلاً در منهن در ایالت نیویورک مالیات بر خانه نسبت به متراژ بالاتر است از ایلینوی یا جنوب ویرجینیا. مالیات بر زمین و مستغلات در ایالت‌های متعدد نرخ‌های متفاوتی دارد من نمی‌دانم که در ایران نرخ مالیات بر مستغلات بی مکان تغییر می‌کند یا خیر. مالیات‌گیری کاری است پیشرفته و دولت‌ها در وهله اول نیاز دارند شناسایی خوبی از حوزه‌ها داشته باشند؛ قیمت‌گذاری‌ها دقیق انجام شود. باید یک همفکری بین دولت و مالیات‌دهنده باشد تا مردم بدانند که این مالیات‌ها کجا هزینه می‌شود.

#### ■ شما معتقدید که مالیات باید به حوزه انرژی منتقل شود؟

من معتقدم باید از درآمد و دارایی‌ها شناسایی دقیقی داشته باشیم، هنوز قبول نکرده‌ایم که شناسایی دارایی‌ها در نظام علمی و فنی دقیقی صورت می‌گیرد. از آنجایی که این نظام علمی مالیات‌ستانی را قبول نکرده‌ایم برای دریافت مالیات به شیوه اخذی روی می‌آوریم که باعث نگرانی‌ها و اعتراض‌هایی در جامعه می‌شود. البته به طور کلی سرمایه اجتماعی دولت پایین است و در این شرایط حتی اگر درآمدها شفاف بود باز هم گرفتن مالیات ایجاد نگرانی می‌کرد. وقتی دولت در حوزه انرژی می‌خواهد این هزینه‌ها را تأمین کند، باز قابل قبول تر است.

#### ■ ولی ما بارها با افزایش قیمت بنزین شاهد اعتراض‌های اجتماعی بودیم که حامل پیام‌هایی به سیاست‌گذاران است.

من متوجه این هستم که افزایش قیمت بنزین باعث نارضایتی‌هایی در قشر پایین جامعه می‌شود. ثروتمندان جامعه در هر صورتی می‌توانند هزینه بالای بنزین را تحمل کنند ولی مردم کم‌درآمد برای جبران قیمت بنزین، باید از خوراک و سفره خود بزنند. برای همین تأکید می‌کنم که شرط بالا بردن قیمت حامل‌های انرژی، یارانه نقدی است. البته یارانه نقدی در بین اقتصاددانان و سیاست‌گذاران ایران مورد بی‌مهری قرار گرفته و بدنام شده است. اقتصاددان‌ها در ایران بیشتر نگران آزادی بازار و کوچک شدن دولت هستند و شاید برای همین دوست ندارند که دست دولت در هیچ درآمدی وارد شود. این نگاه نئولیبرالیسم است. من فکر می‌کنم که اگر «فریدریش هایک» امروز زنده بود، با این نگاه مخالف بود که دولت از قیمت بنزین و گاز درآمدی نداشته باشد؛ چون این درآمدها باعث بزرگ شدن دولت می‌شود. این بدفهمی بزرگی در اقتصاد ایران است. ممکن بود هایک می‌گفت که مالکیت بنزین و نفت و گاز را به دست دولت ندهید ولی محال بود بگوید اگر دادید حامل‌های انرژی را دولت ارزان به دست مردم بدهد. این همان حرفی است که برخی از اقتصاددان‌های طرفدار بازار آزاد می‌زنند که اشکالی ندارد که حامل‌های انرژی دست دولت باشد ولی اگر قیمت این حامل‌ها بالاتر رود، دولت پولدار می‌شود. پولدار شدن دولت به اقتصاد ضرر می‌زند و هر چه دولت کوچک‌تر باشد بهتر است. من با این نگاه مخالف هستم.

#### ■ شما از پرداخت یارانه‌های نقدی می‌گویید و عده‌ای در مقابل

معتقدند که به جای پرداخت یارانه نقدی به مردم، باید این پول‌ها در حوزه تولید هزینه می‌شود.

این حرف درستی است و من هم با آن مخالف نیستم. دولت باید با درآمد نفت و گاز، زیرساخت‌ها را اصلاح کند تا مردم کار کنند. ولی این موضوع بحث ما نیست. الان حرف این است که دولت نرخ بنزین را بالا ببرد و اگر چنین کند، این قیمت‌ها باعث ایجاد نارضایتی می‌شود و ممکن است اصل طرح زیر سؤال برود. ما الان در معضل و اشتباه گذشته گیر کرده‌ایم؛ نفت و سایر انرژی‌ها را در اختیار دولت قرار داده‌ایم که آن ارزان در اختیار مردم قرار می‌دهد. قبلاً صادرات انجام می‌شد و دولت از بابت آن درآمد داشت و مشکل نداشتیم. بعد از تحریم، این درآمد به حداقل رسیده و بودجه عمرانی کاملاً از

بین رفته است. یک نقش دولت که در بودجه قابل دفاع است، بودجه عمرانی است. یعنی دولت باید بتواند سرمایه‌گذاری‌هایی بکند که بهر موری در تمام حوزه‌ها بالا رود. ولی الان مهم‌ترین نقش دولت که استفاده از درآمد نفت گاز برای حوزه زیرساخت‌هاست، در بودجه مجهول مانده و کسی هم به آن توجه ندارد. بنابراین اینکه دولت بتواند قیمت بنزین را بدون ضربه زدن به طبقات فقیر بالا ببرد مهم است. مکانیزم این کار هم هست ولی اراده این کار به دلیل سرمایه اجتماعی پایین وجود ندارد. سرمایه اجتماعی پایین آقای احمدی‌نژاد به طرح یارانه‌ها ضربه زد. آقای روحانی هم که در طبقه متوسط محبوبیت داشت به این طرح بی‌توجهی کرد و دولت جدید هم تغییری در سوبسید از انجام داد که با مقاومت مردم روبه‌رو شد. به هر حال لازم نیست که دولت به مردم پول دهد؛ سوبسید بستر ساز فساد است. اما نمی‌دانم مردم ایران چطور به اینجا رسیده‌اند که حاضر نیستند قیمت‌های انرژی به سطح معقول برسد تا دولت کارهای زیرساختی و عمرانی انجام دهد.

#### ■ لازمه این همراهی چیست؟

یارانه نقدی، به طوری که افراد فقیر از بالا رفتن بهای انرژی ضربه نخورند. معادله ساده از نظر تئوری این است که به مردم فقیر یارانه داده شود تا کسب درآمد از گروه‌های درآمدی بالا انجام شود.

■ اقتصاددان‌ها از دولت نفتی رانتیر در ایران می‌گویند اگر وابستگی دولت به درآمدهای نفتی کمتر شود، شاید با بیشتر شدن درآمدهای مالیاتی بخشی از مشکلات ساختاری حکمرانی در ایران حل می‌شود. آیا مالیات چنین ظرفیت اصلاحی برای دولت‌ها دارد؟

این پرسش خوبی است ولی پاسخ پیچیده‌ای دارد. معتقدم بین مالیات‌ستانی و پاسخگویی دولت‌ها رابطه مستقیم علت-معلولی وجود ندارد. در طول تاریخ ایران، تمام دولت‌ها مالیات‌گیر بودند و لی هیچ وقت پاسخگو نبودند. چون دولت زور داشت. رسیدن به دموکراسی از مسیر مالیات‌ستانی بحث پیچیده‌ای است. این اصل که دولت اگر به جامعه نیاز نداشته باشد، پاسخگو هم نخواهد بود، اصل درستی است اما کافی نیست. در کشورهایی که درآمد مردم از مسیر بهر موری است و دولت نگران پایین رفتن بهر موری است، در وهله اول علاقمند می‌شود که بهر موری افراد و اقتصاد بالاتر رود و در مرحله بعدی به خود افراد علاقه‌مند می‌شود. مثل این است که دولت شهروندان را منبع درآمد حساب کند و مراقبت کند که بهر موری‌شان پائین نیاید یا مهاجرت نکنند. بین مالیات‌گیری و پاسخگویی، اصل بهر موری هم است که باید به آن توجه شود. از طرفی این نکته هم باید مورد توجه قرار گیرد و آن اینکه دولتی که به مردم پول پرداخت می‌کند، به آنها پاسخگو نخواهد بود ولی برعکس آن درست نیست. اگر دولتی از مردم مالیات گرفت و فکر کرد که این درآمد از بهر موری فرد می‌آید، در اینجا اگر پاسخگو هم نباشد، حداقل نگران وضعیت و حفظ وضعیت می‌شود و برای حفظ شهروندان جامعه خود تلاش می‌کند. بنابراین پاسخ ساده‌ای ندارد که بگوییم دولت ورشکسته بشود و بعد پاسخگو شود.

#### ■ حل مسئله کسری بودجه در ایران لاینحل است یا خیر؛ برای

حل این مسئله قدم اصلی و امیدآفرین کدام است؟

هر اصلاحی نیازمند سرمایه اجتماعی است تا دولت با کمک مردم، افکار و تصمیم‌های خود را اجرایی کند. مثلاً مردم رضایت دهند تا قیمت حامل‌های انرژی تغییر کند یا مالیات بیشتری بپردازند تا دولت بتواند خود را اداره کند. مردم باید با هدف دولت در اقتصاد شریک‌دی‌نفع شوند. بالا بردن نرخ مالیات در نظام مالیاتی ضعیف، ایجاد اصطکاک اجتماعی می‌کند. مالیات راه ساده و مطلوب برای افزایش درآمد دولت در ایران نیست بلکه در شرایط فعلی اقتصاد ایران، این شیوه درآمدزایی، ممکن است که سرمایه‌گذاری بینگام‌های خصوصی را کاهش دهد. به نظر من بهترین راه در اقتصاد ایران، عقلانی کردن شیوه مصرف انرژی در داخل کشور است. ■

هر اصلاحی  
نیازمند سرمایه  
اجتماعی است  
تا دولت با کمک  
مردم، افکار و  
تصمیم‌های خود  
را اجرایی کند.  
مثلاً مردم رضایت  
دهند تا قیمت  
حامل‌های انرژی  
تغییر کند یا مالیات  
بیشتری بپردازند  
تا دولت بتواند  
خود را اداره کند.  
مردم باید با هدف  
دولت در اقتصاد  
شریک‌دی‌نفع  
شوند. بالا بردن  
نرخ مالیات در نظام  
مالیاتی ضعیف،  
ایجاد اصطکاک  
اجتماعی می‌کند

از یک سو تکالیف و تعهدات گسترده بر دوش دولت بار کرده‌ایم و از سوی دیگر راه افزایش درآمد را هم به روی او بسته‌ایم یا حداقل تلاشی برای گشودن این راه نمی‌کنیم! از این رو بروز کسری بودجه فاحش نباید موجب شگفتی شود، بلکه باید از کوچک شدن احتمالی ابعاد این بیماری شگفت‌زده شویم.

آیا بیماری کسری بودجه درمانی هم دارد؟

## بار سنگین مالیات



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

چرا باید خواند:

بی‌انضباطی مالی چگونه خود را به اقتصاد ما تحمیل کرده‌است و آیا دولت می‌تواند با درآمدهای مالیاتی کسری بودجه را سامان دهد؟ این مقاله را بخوانید.

سال‌هاست که عبارت نامطلوب کسری بودجه به یکی از اصطلاحات اقتصادی پرمسما در رسانه‌ها مبدل شده‌است. در شش ماهه اول سال ذهن کارشناسان و ناظران درگیر تخمین ابعاد کسری بودجه و آثار احتمالی آن بر سایر شاخص‌های اقتصادی می‌شود، و در شش ماهه دوم که دوران تنظیم و تصویب بودجه سال آینده است، همین گروه از خود و دیگران می‌پرسند، در شرایطی که درآمدهای سال جاری به درستی محقق نشده، تصویب‌کنندگان بودجه با چه توجیهی درآمدهای نجومی برای دولت پیش‌بینی کرده، و با خیال راحت برای آن محل هزینه جدید تعریف خواهند کرد؟ کسری بودجه آن هم در قالب ارقام درشت و نجومی در اقتصاد ما به یک بیماری مزمن تبدیل شده، و اینک یکی از عوامل مهم تعیین‌کننده نرخ تورم است. اما به‌راستی این بی‌انضباطی مالی که به‌صورت یک کج‌روی آشکار سکه رایج بخش دولتی شده، چگونه خود را به اقتصاد ما تحمیل کرده‌است؟ به بیان دیگر ما را چه شده که رویه هزینه بودجه‌مان با رویه درآمد تناسلی ندارد؟ برای یافتن پاسخ این سؤال باید نگاهی نقادانه به هر دو رویه هزینه و درآمد بودجه بیفکنیم:

### الف - بودجه سالیانه و رویه هزینه

در سالیان گذشته اتفاقاتی افتاده که رویه هزینه بودجه‌های سالیانه را عمیقاً متأثر کرده، و راهی جز پذیرش پدیده خسارت‌بار کسری

### نکته‌هایی که باید بدانید

- تلاش دولت برای کسب درآمد از طریق فروش دارایی‌ها نمی‌تواند سهم بالایی در جبران کسری بودجه داشته‌باشد. زیرا عرضه گسترده آن هم در شرایطی که اقتصاد دچار رکود است، فقط در سایه قیمت‌گذاری بسیار پایین منتهی به فروش خواهد شد.
- ناکارآمدی نهاد دولت، نبود اشراف اطلاعاتی کامل بر اقتصاد و وجود خلاهای قانونی موجب می‌شود گروهی از فعالان اقتصادی با ارائه اطلاعات نادرست و فریب دادن نهادهای ذیربط از انجام تکالیف مالیاتی خود بگریزند.
- گسترش حوزه تعهدات مالی و بودجه‌ای دولت در طول سالیان گذشته منحصر به حوزه خدمات رفاهی نبوده‌است. معمولاً مسئولان وقت با توجه به تعریفی که از گستره وظایف دولت به‌ویژه در حوزه فرهنگی دارند، وظایفی جدید که از دید آنان تا آن زمان مغفول مانده بود، برای دولت تعریف کرده، و طبعاً بر نیاز بودجه‌ای جاری دولت افزوده‌اند.
- دریافتی‌های مالیاتی کشور رابطه بسیار نزدیکی با وضعیت عمومی اقتصاد کشور از نظر رونق یا رکود دارد. طبعاً در شرایطی که اقتصاد دچار رکود و فعالان اقتصادی گرفتار مشکلات مالی باشند، دریافتی‌های مالیاتی دولت نیز افت خواهد کرد.
- با پیروزی انقلاب اسلامی دولت جدید با گروه عظیم روستاهای فاقد تأسیسات زیرساختی و رفاهی اعم از راه‌های ارتباطی و شبکه‌های آب و برق روبه‌رو بود. طبعاً تلاش دولت برای جبران این فقدان‌های درناک بار سنگین مالی بر دوش آن می‌گذاشت. قانون اساسی وظایف رفاهی گسترده‌ای که بر دوش دولت گذارده که انجام فقط بخشی از این تعهدات هزینه‌گزافی را به دولت تحمیل می‌کند.

فاحش بودجه پیش پای دولتمردان نگذاشته‌است. در این باب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

بی‌تردید کشورمان گران اداره می‌شود. به بیان دقیق‌تر ناکارآمدی بدنه دولتی، سوءمدیریت، وجود دستگاه‌های موازی، تورم نیروی انسانی در دستگاه‌های دولتی و انواع حیف و میل‌ها هزینه‌گزافی را به جامعه تحمیل می‌کند. برای نمونه سال‌هاست که استخدام و جذب نیرو در سازمان‌های عمومی نه برای بهبود شیوه خدمت‌رسانی و تسهیل کار مردم، بلکه با هدف نمک‌گیر کردن اقشاری از مردم و استفاده از ظرفیت آن‌ها برای روز مبادا (!) انجام می‌گیرد. استخدام گسترده نیروهای بی‌کیفیت در فلان تشکیلات در زمان معین و در دوران تصدی فلان گروه بر سکان اجرایی کشور، اتفاقی است که با تکرار معنی‌دار آن دیگر شگفتی کسی را بر نمی‌انگیزد. بهترین شاهد این مدعا این است که سال‌هاست در بدنه دولتی طرحی موفق برای کاهش بار نیروی انسانی و افزایش بهره‌وری دستگاه‌های دولتی اجرا نشده، اما در مقابل هرزگویی‌هایی برای حل مشکلات جاری کشور ارائه می‌شود که اولین و شاید تنها اثر آن جذب نیروی جدید البته از اقشار اجتماعی معین است. به‌گونه‌ای که فلان نهاد متولی حمل و نقل شهری به بهانه مقابله با یک ناهنجاری فرهنگی صدها نیروی جدید البته از قشر خاصی از جامعه استخدام می‌کند. در چنین شرایطی نمی‌توان از دستگاه‌های دولتی و عمومی کارآمدی و به‌اصطلاح «داره ارزان کشور» را انتظار داشت. افزایش سریع سهم بودجه جاری در کل بودجه دستگاه‌ها در طول سه دهه گذشته نشان از این بی‌انضباطی استخدامی دارد.

دولت‌ها در دوران جدید با انبوهی از وظایف و تعهدات رفاهی روبه‌رو شده‌اند. بار این تعهدات به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه که کاستی‌های فراوان در این حوزه دارند، سنگین‌تر است. با پیروزی انقلاب اسلامی دولت جدید با گروه عظیم روستاهای فاقد تأسیسات زیرساختی و رفاهی اعم از راه‌های ارتباطی و شبکه‌های آب و برق روبه‌رو بود. طبعاً تلاش دولت برای جبران این فقدان‌های درناک بار سنگین مالی بر دوش آن می‌گذاشت. قانون اساسی وظایف رفاهی گسترده‌ای که بر دوش دولت گذارده که انجام فقط بخشی از این تعهدات هزینه‌گزافی را به دولت تحمیل می‌کند. به همین دلیل در طول چند دهه گذشته دولت‌ها همواره تلاش کرده‌اند رمانده از زیر بار چنین تعهدات گسترده و پرهزینه‌ای که میزان کسری بودجه را در مقیاس نجومی بالا خواهد برد، بگریزند.

گسترش حوزه تعهدات مالی و بودجه‌ای دولت در طول سالیان گذشته منحصر به حوزه خدمات رفاهی نبوده‌است. معمولاً مسئولان وقت با توجه به تعریفی که از گستره وظایف دولت به‌ویژه در حوزه فرهنگی دارند، وظایفی جدید که از دید آنان تا آن

مقامات محلی و نبود برنامه منسجم و اندیشیده برای توسعه زیرساختها موجب می‌شود دولت مدام با درخواستهای فراوان اجرای طرحهای عمرانی آن‌هم نامتناسب با ظرفیتهای اجرایی و منابع مالی روبه‌رو شود. انبوه پروژههای عمرانی نیمه‌تمام در سرتاسر کشور که دستاوردی جز هدر رفتن منابع کشور و عاقل ماندن تأسیسات نیمه‌کاره در گوشه و کنار کشور نداشته‌است، دستاورد نقش‌آفرینی مقامات محلی در نظام تصویب طرحهای عمرانی است. شاید علت ارائه بخش درآمدی لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ بدون افزایش بخش هزینه‌های در همین واقعیت تلخ نهفته باشد که هر ساله مجلسیان بدون اعتنا به محدودیت منابع مالی دولت مصارف فراوانی را تصویب کرده و سهم پرویمیانی برای حوزه انتخابیه خود کنار می‌گذارند و سپس برای جبران ناترازی ارقام نجومی درآمد صوری را تعیین می‌کنند که تحقق آن نوعی ماموریت غیرممکن است!

۷ در طول سالیان گذشته نفوذ شبکه فساد در سلسله‌مراتب تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور تصویب و اجرای برخی سیاستهای ناکارآمد و نامطلوب را به کشور تحمیل کرده که هرچند نفعی برای اقتصاد ملی نداشته‌اند، اما منافع برخی افراد خاص را به بهترین نحو تأمین کرده‌اند! به‌عنوان نمونه عوامل شبکه فساد به مسئولان مربوط این فکر نادرست را القا می‌کنند که واردات فلان کالا در فلان زمان یک ضرورت حیاتی است، یا اعطای امتیاز انحصاری به فلان شرکت برای واردات ماشین‌آلات صنعت چای بسیار واجب است. با این القائات شیطنان‌آمیز هزینه‌های جدیدی بر هزینه‌های دولت افزوده‌شده، و البته منتهی به غارت منابع ملی می‌شود.

۸ در بسیاری از جوامع امروزی نهادهای مردمی در حوزه امور عام‌المنفعه بسیار فعال و حتی پیشگام هستند. به‌عنوان نمونه هم‌ساله مؤسسات خیریه در امریکا مبلغی در حدود ۲ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور را از شهروندان علاقه‌مند به فعالیت‌های خیریه دریافت می‌کنند. از این رو تمایل مردم به حضور در میدان فعالیت‌های عام‌المنفعه می‌تواند بار بزرگی را از دوش دولت بردارد. در کشور ما دسترسی آسان دولت به درآمدهای نفتی موقعیتی را ایجاد کرده که دولت چندان اعتنایی به بسیاری از فرصت‌های تأمین مالی از جمله کمک‌های داوطلبانه مردمی نکند. از این رو بی‌توجهی به ضرورت جلب اعتماد مردم خیر و تشویق آنان به کمک هرچه بیشتر باعث شده سال به سال همراهی مردم با نهادهای خیریه حاکمیتی کمتر و در نتیجه اتکای آن‌ها به بودجه دولتی بیشتر شود. به‌طوری‌که ملاحظه می‌شود، هر یک از موارد هشت‌گانه بالا به تنهایی می‌تواند رویه هزینه بودجه سالیانه را تخریب کرده، و خطر بروز کسری بودجه را افزایش بدهد. طبیعاً حضور هم‌زمان این هشت مورد در میدان بودجه‌ریزی کشور نتیجه‌های جز بی‌انضاطی شدید مالی و تداوم کسری بودجه ندارد.

### ب- بودجه سالیانه و رویه درآمد

اگر یک رویه سکه بودجه هزینه باشد، رویه دیگر آن درآمد است و باید دوروی این سکه باهم تناسب داشته‌باشند. معمولاً تحقق درآمد‌ها در بودجه سالیانه با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو شده، و همین امر موجب ناترازی درآمد‌ها با هزینه‌ها می‌گردد. در این باب موارد زیر قابل تأمل هستند:

زمان مغفول مانده‌بود، برای دولت تعریف کرده، و طبیعاً بر نیاز بودجه‌ای جاری دولت افزودند. به‌عنوان نمونه برنامه هفتم دولت را ملزم می‌کند بودجه صدا و سیما را با نرخ نجومی در طول سالیان اجرای برنامه افزایش بدهد. این افزایش نجومی با تکیه بر این پیش‌فرض اتفاق می‌افتد که دولت وظیفه ارتقای باورهای دینی جامعه را برعهده دارد و این وظیفه حتی از اولویت بیشتری نسبت به وظایف رفاهی آن برخوردار است، و از سوی دیگر تنها راه ارتقای باورهای دینی افزایش قدرت مالی رسانه ملی با هدف تولید محتواهای فرهنگی مناسب است. چنین نگاهی به نهاد دولت و وظایف آن موجب شده هزینه‌های جدیدی بر دوش این نهاد گذاشته‌شود که طبیعاً نتیجه آن افزایش احتمال بروز کسری بودجه است. زیرا یا باید دولت از بودجه فعالیت‌های رفاهی کاسته و بر بودجه فعالیت‌های فرهنگی بیفزاید که خود تبعات مالی منفی برای بودجه دولت در سال‌های آینده دارد، و یا باید خطر بروز کسری بودجه را به جان بخرد.

۴ در طول سالیان گذشته همواره بر تعداد نهادها و مؤسساتی که از بودجه جاری دولت کمک دریافت می‌کنند، افزوده‌شده‌است. گفتنی است این نهادها که در حوزه فرهنگ فعالیت دارند، معمولاً گزارشی از دستاوردها و خدمات خود به ارتقای فرهنگی جامعه ارائه نمی‌کنند. این روند نظام بودجه‌ریزی دولتی را که باید با عبور از دوران تصدی‌گری، رویکرد حاکمیتی را تعمیم بدهد، در مسیری ارتجاعی به عصر پیشاتصدی‌گری بازگردانده‌است. زیرا برخلاف دوران تصدی‌گری که دولت به صورت مستقیم متقبل وظایف شده، و برای انجام آن‌ها هزینه می‌کند، در وضعیت موجود دولت فقط ملزم به پرداخت وجه است و اختیاری برای بررسی و نظارت بر حسن انجام کار ندارد!

گفتنی است نظام مالی دولتی ایران در دوران پیش از اصلاحات امیرکبیر ویژگی‌های بارز دوران پیشاتصدی‌گری را داشت. در آن ایام دولت ملزم بود بخش مهمی از بودجه سالیانه خود را به شاهزادگان و وابستگان دربار پرداخت کند، درحالی‌که هیچگاه حق این پرسش معقول و منطقی را نداشت که آنان در مقابل ارائه چه خدمت صادقانه‌ای به کشور این وجوه را دریافت می‌کنند. به بیان دقیق‌تر وظیفه دولت در این فعالیت خلاصه می‌شد که باج و خراج از مردم جمع کرده، و به خزانه دربار و خزانه شخصی اشخاص متنفذ واریز کند.

۵ علاوه بر موارد بالا، ممکن است پرداختی‌های خاصی نیز در زمان‌های خاص به دولت تحمیل شود که بار مالی تعهدات دولت را افزایش می‌دهد. واقعه تلخ الزام دولت به تقبل خسارت سپرده‌گذاران مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز در دوران دولت دوازدهم یکی از بارزترین موارد از این قبیل بود. آن روز دولت ملزم شد خسارتی را که مدیران این مؤسسات با قانون‌شکنی و بدون توجه به دستورالعمل‌های بانک مرکزی به مشتریان خود تحمیل کرده‌بودند، از جیب ملت پرداخت کند! اتفاقی که بی‌اغراق در سرتاسر گیتی شاید موارد نادری مشابه آن بتوان یافت.

۶ در حوزه هزینه‌های عمرانی نیز دولت با گرفتاری‌های خاص خود روبه‌رو است. از یکسو ناکارآمدی بدنه دولتی هزینه اجرا و تکمیل پروژهها را به صورت ریخت و پاش‌های گسترده و عدم موفقیت در میدان مقابله با فساد افزایش می‌دهد. از سوی دیگر مداخله

در بسیاری از جوامع امروزی نهادهای مردمی در حوزه امور عام‌المنفعه بسیار فعال و حتی پیشگام هستند. به‌عنوان نمونه هم‌ساله مؤسسات خیریه در امریکا مبلغی در حدود ۲ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور را از شهروندان علاقه‌مند به فعالیت‌های خیریه دریافت می‌کنند. در کشور ما دسترسی آسان دولت به درآمدهای نفتی موقعیتی را ایجاد کرده که دولت چندان اعتنایی به بسیاری از فرصت‌های تأمین مالی از جمله کمک‌های داوطلبانه مردمی نکند



سال‌ها پیش این ایده برای بعضی از کارشناسان و ناظران اهل فن مطرح شده بود که باید دولت برنامه انضباط مالی خود را در مسیری پیش برد که هزینه‌های جاری خود را از طریق درآمد مالیاتی پوشش داده، و درآمدهای نفتی را فقط برای فعالیت‌های عمرانی هزینه کند. دشواری‌های اقتصادی و ناکارآمدی نظام مالیاتی هرگز اجازه تحقق این برنامه را نداد.

**۱** دریافتی‌های مالیاتی کشور رابطه بسیار نزدیکی با وضعیت عمومی اقتصاد کشور از نظر رونق یا رکود دارد. طبعاً در شرایطی که اقتصاد دچار رکود و فعالان اقتصادی گرفتار مشکلات مالی باشند، دریافتی‌های مالیاتی دولت نیز افت خواهد کرد. در طول چند دهه گذشته اقتصاد ملی با شرایط رکودی دشواری دست و پنجه نرم کرده است. تعطیلی بعضی بنگاه‌های اقتصادی کوچک و بزرگ و کاهش اشتغال یکی از علل کند شدن رشد درآمدهای مالیاتی قابل حصول دولت است.

**۲** در طول چند دهه گذشته دولت به دلیل برخورداری از درآمدهای نفتی توجه چندانی به حوزه مالیات نداشت. بدین ترتیب انباشت تجربه و دانش در این حوزه با تأخیر فراوان صورت گرفته است. در نتیجه بخش بزرگی از فعالیت‌های اقتصادی هنوز سهم مناسبی در کل دریافتی مالیاتی دولت ندارند. به عنوان نمونه در سالیان گذشته همواره مالیات پرداختی حقوق‌بگیران در مقایسه با مالیات اصناف بسیار بالا بوده، و تناسبی با سطح درآمدهای دو گروه نداشته است. به بیان دقیق‌تر دولت به دلیل عدم اشراف اطلاعاتی به بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، فقط از برخی فعالیت‌های درآمدزا اطلاعات مکفی داشته و به دریافت مالیات از آن‌ها قناعت می‌کند، و دراصل خود را از منبع بزرگ درآمد مالیاتی محروم کرده است.

**۳** استفاده مفرط از ابزار معافیت مالیاتی و دادن امتیاز به برخی نهادها که فعالیت اقتصادی گسترده‌ای دارند، علاوه بر کمک رساندن به ماندگاری خسارت‌بار ناکارآمدی در این بنگاه‌ها، دولت را از یک منبع عظیم درآمد مالیاتی محروم کرده است. توجهی که معمولاً برای این قبیل معافیت‌ها ارائه می‌شود، این است که نهادها یا مزبور مالیات مربوط به فعالیت‌های اقتصادی‌شان را خود مستقیماً صرف امور خیریه می‌کنند. اما نکته قابل تأمل این است که با این شیوه نادرست، اولاً عدم تمرکز درآمدهای مالیاتی در خزانه موجب گسترش بی‌انضباطی مالی و فساد می‌شود، و ثانیاً باز خوردی از دستاورد مثبت وجوه مورد اشاره به گونه‌ای که باری از دوش دولت برداشته، و نیاز این نهاد را به تخصیص بودجه در سالیان آینده کاهش بدهد، مشاهده نمی‌شود.

**۴** ناکارآمدی نهاد دولت، نبود اشراف اطلاعاتی کامل بر اقتصاد و وجود خلاهای قانونی موجب می‌شود گروهی از فعالان اقتصادی با ارائه اطلاعات نادرست و فریب دادن نهادها یا ذیربط از انجام تکالیف مالیاتی خود بگریزند. به‌ویژه رواج سکه فساد در گستره اقتصاد ملی که رتبه پایین کشورمان در فهرست اقتصادهای عاری از فساد گواه آن است، امکان فرار موفقیت‌آمیز از تور مالیات را برای مؤدیان متخلف افزایش می‌دهد. بدین ترتیب روشن است که دولت فقط می‌تواند از بخشی از فعالیت‌های اقتصادی مالیات بگیرد و دریافتی اندکی داشته باشد.

**۵** در سالیان گذشته بروز کسری بودجه دولت‌ها را وادار کرد تا بخشی از دارایی‌های خود را فروخته و از این طریق ناترازی بین درآمد و هزینه را درمان کنند. طبعاً فروش چنین دارایی‌هایی که ماهیت بین‌نسلی دارد و حاصل تلاش و

مجاهدت دولت‌های گذشته در طول زمان است، پیچیدگی‌های خاص خود را دارد که مجال پرداختن بدان نیست، و فقط به یک نکته قابل تأمل اشاره می‌شود و آن این که معمولاً این واگذاری دارایی‌ها با توجه به نیاز مالی دولت در دوره‌هایی اتفاق می‌افتد که امکان فروش به قیمت مناسب وجود ندارد. به بیان دیگر دولت از سر ناچاری دارایی‌های خود را با قیمت نازل در معرض فروش خواهد گذاشت. در پرونده واگذاری دارایی‌ها در قالب خصوصی‌سازی همواره جروبحث بین موافقان و مخالفان درباب شیوه قیمت‌گذاری دارایی‌ها اوج می‌گیرد و مخالفان واگذاری‌هایی از این نوع را «چوب حراج زدن» به دارایی‌های دولتی می‌دانند. مبحث مولدسازی دارایی‌های دولتی هم با این ملاحظات مورد توجه منتقدان قرار گرفت. این بدان معنی است که تلاش دولت برای کسب درآمد از طریق فروش دارایی‌ها نمی‌تواند سهم بالایی در جبران کسری بودجه داشته باشد. زیرا عرضه گسترده آن‌هم در شرایطی که اقتصاد دچار رکود است، فقط در سایه قیمت‌گذاری بسیار پایین منتهی به فروش خواهد شد.

**۶** وابستگی دولت به درآمدهای نفتی سابقه‌ای بسیار طولانی دارد. از این رو تحریم نفتی ایران لطمه بزرگی به منابع مالی دولت زده و امکان کسب درآمد بی‌دردسر از طریق فروش نفت را به چالش کشیده است. سال‌ها پیش این ایده برای بعضی از کارشناسان و ناظران اهل فن مطرح شده بود که باید دولت برنامه انضباط مالی خود را در مسیری پیش‌برده که هزینه‌های جاری خود را از طریق درآمد مالیاتی پوشش داده، و درآمدهای نفتی را فقط برای فعالیت‌های عمرانی هزینه کند. باین حال دشواری‌های اقتصادی و ناکارآمدی نظام مالیاتی هرگز اجازه تحقق این برنامه را نداد. اینک با بروز محدودیت در مسیر کسب درآمد از طریق فروش نفت بدیهی است که امکان بروز کسری بودجه افزایش می‌یابد.

**۷** سازمان اداری کشورمان به گونه‌ای طراحی شده است که دولت امکان برخورداری از بخشی از سرفصل‌های درآمدی را که در سایر کشورها برای دولت تعریف شده است، ندارد. به عنوان نمونه دارایی‌های سران فراری رژیم سابق در سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی به جای این که به خزانه دولت واریز شود، در اختیار و تملک بنیاد مستضعفان قرار گرفت. بدین ترتیب دولت در کشور ما نمی‌تواند از چنین اموالی هم برای جبران کسری بودجه خود برخوردار شود.

حال با کنار هم گذاردن تمام نکات بیان شده در بالا، می‌توان تصویر روشن‌تری از عوامل مؤثر بر بروز بیماری مزمن کسری بودجه در کشورمان ارائه کرد: از یک سو تکالیف و تعهدات گسترده بر دوش دولت بار کرده‌ایم و از سوی دیگر راه افزایش درآمد را هم به روی او بسته‌ایم یا حداقل تلاشی برای گشودن این راه نمی‌کنیم! از این رو بروز کسری بودجه فاحش نباید موجب شگفتی شود، بلکه باید از کوچک شدن احتمالی ابعاد این بیماری شگفت‌زده شویم!

راه درمان بیماری کسری بودجه در اقتصاد ما فقط و فقط پرداختن به تک‌تک سرفصل‌های بیان شده در بالا و درمان یکباره همه این عوارض است. ■

واگذاری دارایی‌ها  
با توجه به نیاز  
مالی دولت در  
دوره‌هایی اتفاق  
می‌افتد که امکان  
فروش به قیمت  
مناسب وجود  
ندارد. به بیان  
دیگر دولت از  
سرناچاری  
دارایی‌های خود  
را با قیمت نازل  
در معرض فروش  
خواهد گذاشت. در  
پرونده واگذاری  
دارایی‌ها در قالب  
خصوصی‌سازی  
همواره جروبحث  
بین موافقان و  
مخالفان درباب  
شیوه قیمت‌گذاری  
دارایی‌ها اوج  
می‌گیرد و مخالفان  
واگذاری‌هایی از  
این نوع را «چوب  
حراج زدن» به  
دارایی‌های دولتی  
می‌دانند

# مالیات جاده یک طرفه نیست

## آیا افزایش مالیات راهکار حل مشکلات کشور است؟



خالد توکلی

جامعه‌شناس توسعه

**چرا باید خواند:**

**جامعه‌شناسان در باره**

**نسبت توسعه و مالیات**

**چه نظری دارند؟**

**پاسخ را در این مقاله**

**بخوانید.**

۱ در سه دهه گذشته، دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی، همواره با بحران‌های اقتصادی متعددی مانند تورم، رکود، بیکاری و... دست به گریبان بوده‌اند. بسیاری از کارشناسان و دست‌اندرکاران اقتصادی، وابستگی بودجه به نفت و تحریم‌های اقتصادی را از عوامل اصلی این بحران‌ها دانسته‌اند. بر این اساس، راهکارهای گوناگون برای گذر از بحران پیشنهاد شده است و تحت عنوان تنوع‌بخشی به منابع درآمدی دولت، عدم وابستگی بودجه به نفت، اصلاح ساختاری منابع درآمدی و... مطرح شده‌اند.

از آنجایی که تحریم‌ها و به‌ویژه تحریم نفتی موجب شده است درآمدهای ارزی دولت به شدت کاهش یابد، دولت‌ها در برهه‌های مختلف به این فکر افتاده‌اند که منابع درآمدی دیگری را برای خود تعریف کنند تا بدین‌وسیله از میزان وابستگی بودجه و حکومت به درآمدهای نفتی بکاهند. برخی دیگر از کارشناسان و فعالان سیاسی و اقتصادی، بر این باورند که نفت، عامل اصلی تداوم سلطه حکومت است، حال اگر، درآمدهای نفتی و وابستگی بودجه به نفت کاهش می‌یابد، باید آن را به فال نیک گرفت، وابستگی حکومت به مردم افزایش می‌یابد و می‌توان از این وضعیت، همزمان در جهت تقویت مبانی یک نظام دموکراتیک و تضعیف استبداد نفتی استفاده کرد.

بدون تردید، مالیات یکی از ابزارهای مهم درآمدی دولت‌ها به‌ویژه دولت‌های مدرن و توسعه‌یافته است که علاوه بر پیامدهای اقتصادی، می‌تواند آثار و پیامدهای اجتماعی و سیاسی نیز داشته باشد، به همین دلیل، هم کسانی که در پی تضعیف سلطه نفتی هستند و هم کسانی که عدم وابستگی بودجه به نفت را دنبال می‌کنند و هم کسانی که می‌خواهند تحریم‌ها را بی‌اثر کنند، همگی به مالیات روی آورده‌اند و استدلال می‌کنند وابستگی دولت به درآمدهای مالیاتی، پاسخگویی و شفافیت دولت را به دنبال خواهد داشت و آن را «کوچک» می‌کند. دیگران نیز درآمدهای مالیاتی را سهل‌الوصول‌تر می‌پندارند که تحت تأثیر تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی قرار نمی‌گیرد.

۲ در طول سه دهه گذشته که تحریم‌ها و مسدود کردن حساب‌های بانکی وضعیت جدی‌تری به خود گرفته و مانع از بازگشت درآمدهای ارزی و نفتی به کشور شده است، سهم مالیات‌ها از بودجه، همواره روند روبه‌افزایشی داشته است. در بودجه ۱۴۰۳ نیز این روند با شدت بیشتری تداوم یافته است: رئیس سازمان امور مالیاتی از گام بلند برای افزایش سهم مالیات در بودجه و در مورد وصول مالیات اظهار داشته است در حالی که در سال ۹۹، ماهانه ۱۵ همت مالیات وصول شده است در سال ۱۴۰۲، ماهانه ۴۰ همت مالیات وصول می‌کنند و در هشت ماه ۳۱۰ همت وصول مالیات داشته‌اند.

مرکز پژوهش‌های مجلس نیز در بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۳، سهم و میزان افزایش درآمدهای مالیاتی را منتشر کرده است: «سهم منابع مالیاتی از منابع عمومی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ نسبت به قانون بودجه سال ۱۴۰۲، ۹ واحد درصد افزایش داشته و به ۴۵ درصد رسیده است. مقدار در نظر گرفته شده درآمدهای مالیاتی حدود ۱۱۲۲ هزار میلیارد تومان است که انتظار می‌رود تحقق کامل داشته باشد».

رئیس سازمان امور مالیاتی، از تلاش ساختاری و سیستماتیک برای شناسایی فرار مالیاتی و وصول مالیات نیز سخن گفته است که در سال جاری تمامی فعالیت‌های مالیاتی را زیر نظر دارند، بیش از یک و نیم میلیون اظهارنامه مالیاتی دریافت کرده‌اند. همچنین در این دولت، وعده داده شده است برای پیشگیری از فرار مالیاتی و شفافیت، سامانه هوشمند مالیاتی استقرار یابد، میلیون‌ها دستگاه پرداخت الکترونیکی سامان داده شده است، فرآیند تفکیک حساب‌های شخصی و تجاری آغاز و سامانه سوت‌زنی مالیاتی ایجاد شده است و... اقدام دیگری نیز که مراحل اولیه اجرای آن آغاز شده است این است که علاوه بر مالیات بر عایدی سرمایه، پایه‌های مالیاتی دیگری نیز تعریف و مشخص شده‌اند که قرار است از آنها نیز مالیات ستانده شود، مانند: مالیات بر خانه‌های گران‌قیمت و باغ‌ویلاها، خودرو لوکس، واحدهای مسکونی خالی از سکنه. همچنین، طبق لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ مالیات بر ارزش افزوده که تاکنون ۹ درصد بهای تمام‌شده کالا بود با افزایشی ۱ درصدی به ۱۰ درصد رسید.

۳ با این وضعیتی که سهم مالیات از بودجه افزایش یافته است، پیامدهای خواسته و ناخواسته آن چیست؟ پاسخ خوش‌بینانه آن است که در میان‌مدت و درازمدت ممکن است منجر به تقویت نهادها و ساختارهای دموکراتیک شود و در واقع، حاکمیت، برای تحقق درآمدهای مالیاتی خود ناچار خواهد شد، علیرغم میل باطنی حاکمان، پاسخگویی در مقابل عملکرد خویش، تقسیم قدرت و به‌طور کلی سازوکارهای دموکراتیک را پذیرا شود یا از عقلانیت اقتصادی بهره بگیرد، منابع درآمدی کشور را تنوع بخشد و از میزان آسیب‌پذیری آن در برابر تهدیدهای خارجی مانند تحریم و... بکاهد.

کارشناسان علم اقتصاد و جامعه‌شناسی از آثار مثبت و متعدد مالیات سخن گفته‌اند: برخی بر این باورند برای رهایی از نفرین طبیعت و دولت رانت‌خوار نفتی، دولت‌ها باید از مالیات بهره‌مند شوند. مخالفان این نظریه، ادعاهای فوق را رد می‌کنند و معتقدند، احتمالاً مالیات می‌تواند در کاستن فاصله طبقاتی و نابرابری اقتصادی، توزیع مجدد و عادلانه درآمد، تأمین منابع مالی برای رشد و توسعه اقتصادی مؤثر واقع شود اما تحقق دموکراسی از رهگذر کاهش استفاده از منابع نفتی و طبیعی، امری ناممکن است. برخی دیگر از این نیز فراتر می‌روند و ادعا می‌کنند که ممکن است ستاندن مالیات نتواند منجر به کاهش نابرابری در درآمد گردد.

۴ آنچه در طول سال‌های گذشته در نگرش نخبگان و کارگزاران نظام نسبت به ساختار مالیاتی ایران اتفاق افتاده است، در سه گروه قابل توضیح است: گروه اول کسانی هستند که از دوران زمامداری پهلوی دوم با استناد به نظریه «دولت رانت‌خوار نفتی» از «نفرین نفت» و فربه شدن حکومت سخن به میان آورده‌اند.

بدین ترتیب که در سال ۱۳۵۲، قیمت نفت به ۳۲ دلار رسید، از این رهگذر، دلارهای فراوانی به جیب دولت سرازیر و نفرین طبیعت، دامن مردم ایران را گرفت. کسانی که این نظریه را مبنای تحلیل‌ها و موضع‌گیری‌های خود قرار دادند، ادعا می‌کنند دولت از این طریق، اقتصاد را به گروگان گرفت و وفور منابع طبیعی نتهنها به رشد اقتصادی، حکمرانی مناسب و توسعه منجر نشد بلکه در جهت تضعیف سازوکارها و ساختارهای دموکراتیک و گسترش فقر و نابرابری نیز عمل کرد. به عبارت دیگر، راز عدم پاسخگویی و فقدان شفافیت حکومت را باید در بی‌نیازی آن نسبت به مردم جست‌وجو کرد. در نتیجه، پیشنهاد این دسته آن بود که برای رهایی از نفرین طبیعت و تقویت دموکراسی، باید میزان وابستگی دولت به منابع نفتی و طبیعی را کاهش داد و دولتی تشکیل شود که اتکای مالیاتی به مردم داشته

دولت رانت‌خوار نفتی بهشت سازمان‌ها و بنگاه‌های دولتی و خصوصی است، این سازمان‌ها با عملکرد ناشفاف و رانتی خویش، بخش خصوصی را بیشتر از هر زمان دیگری تضعیف کرده‌اند و حتی در نهادهای حامی و نماینده بخش خصوصی نیز اعمال نفوذ می‌کنند تا مانع از رشد و فعالیت مستقل آن شوند. با این اوصاف، باید کاملاً بدبینانه به عزم دولت برای گرفتن مالیات و افزایش سهم آن در بودجه نگریست.

که برای بسیاری از مردم مطرح می‌شود این است که آیا به همان نسبت، مردم نیز امکانات و سازوکارهایی در اختیار دارند تا بتوانند بر فرایند هزینه کردن مالیاتی که می‌پردازند، نظارت و در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته باشند؟

نکته سوم آن است اکنون که حاکمیت بر اساس تحلیل گروه سوم به مالیات روی آورده است از درک تفاوت ماهوی میان درآمد مبتنی بر مالیات و درآمدهای نفتی و طبیعی عاجز است و در برنامه‌ریزی‌های خود آن را لحاظ نمی‌کند. اداره دولت بر اساس وصول مالیات، اگر با تغییرات ساختاری در سیاست، اقتصاد و اجتماع همراه نباشد، نغزین نفت هم‌چنان در قالب نغزین «مالیات» ظاهر می‌شود و تضعیف نهادها و ساختارهای دموکراتیک، حتی با شدت بیشتر، استمرار می‌یابد.

در حکومت‌های نفتی، احتمال دارد به صورت جدی یا فساد اداری و مالی مبارزه شود. در این زمینه و در کشورهای مختلف، نمونه‌هایی وجود دارد که بدون اغماض با مفسدین اقتصادی بر خوردهای شدید صورت گرفته است. در دولت رانت‌خوار مالیاتی، این امکان به حداقل می‌رسد، فساد مالی و پولی گسترش فراوان می‌یابد و نکته جالب توجه آن است که به صورت سیستماتیک تمامی فسادهای دولتی «مستمالی» می‌شود. مردم به طور عام و رسانه‌ها و نهادهای مدنی مستقل به طور خاص نیز نه مجال فعالیت و نظارت دارند و نه در آن حد شفافیت در دولت وجود دارد که رسانه‌ها با دسترسی به آنها، فسادها را افشا نمایند. در چهل سال گذشته بارها از ضرورت مبارزه جدی با فساد سخن به میان آمده است اما کمتر جدیت مشاهده شده است و به جای آن که مجازات مفسدین اقتصادی، تأثیر و نقش پیشگیرانه و تنبیهی داشته باشد، هر سال خبر فساد جدیدی رسانه‌ای می‌شود که رکوردهای قبلی را جابه‌جا کرده است.

نکته آخری که موجب می‌شود گروه‌هایی که اخذ مالیات را راه حل نهایی برای عبور از بحران‌های گذشته و اکنون جامعه می‌دانند، با ناکامی مواجه شوند، این است که جامعه پتانسیل وصول این حجم از مالیات را ندارد. جامعه روزبه‌روز فقیرتر می‌شود: از سال ۱۳۹۷ به بعد که ترامپ از برجام خارج شد و مخالفان داخلی برجام مانع از دستیابی به آن توافق شدند، نزدیک به ۹ میلیون نفر به زیر خط فقر وارد شده‌اند. آنچه در این بخش قابل ذکر است این است که به دلایل مختلف، عملکرد نظام مالیاتی در ضرب جینی معکوس است و این بدان معناست که بر خلاف شعارها و ادعاهایی که مسئولان مطرح می‌کنند، اقشار کم‌درآمد جامعه مالیات بیشتری می‌پردازند. یکی از اهداف اصلی از وصول مالیات، توزیع مجدد درآمدها به نفع اقشار فقیر جامعه است، اما ساختار سیاسی و اقتصادی حکومت به گونه‌ای است که وصول مالیات در کشور، نتیجه معکوسی را به بار آورده است و عملاً مالیات بیشتری از فقیران گرفته می‌شود.

علاوه بر این، بخش خصوصی و اقشار فقیر جامعه که بار اصلی مالیات بر دوش آنها سنگینی می‌کند، باید با بنگاه‌هایی رقابت کنند که دولتی یا خصوصی هستند. موقعیت رانتی و عملکرد ناشفاف بنگاه‌های اقتصادی دولتی و خصوصی که بخش عمده‌ای از آنها مالیات نمی‌پردازند و عملکرد محرمانه‌ای دارند، بیش از آنکه موجب شود وصول مالیات به عدالت و رشد اقتصادی بینجامد، نتیجه آن بهره‌مندی از رانت و ایجاد رقابت ناسالم و نابرابر بخش خصوصی با نهادهایی است که هم از امکانات دولتی استفاده می‌کنند و هم به تعهدات قانونی پایبند نیستند. در چنین شرایطی، مالیات، نابرابری‌ها را افزایش می‌دهد، با گسترش فساد، یکی از منابع درآمدی دولت، تضعیف می‌شود و بخش خصوصی و طبقه متوسط که برای گسترش دموکراسی، ضروری هستند، بیش از پیش دچار فرسایش می‌شوند.

به طور خلاصه باید گفت، علیرغم آنکه در طول سال‌های گذشته همواره سهم مالیات در بودجه افزایش یافته است اما به همان نسبت نه حاکمیت به روی شاخص‌های دموکراسی روی خوش نشان داده است و نه شفافیت و برابری افزایش یافته است و نه تورم مهار شده است. دولت رانت‌خوار نفتی ایجاد شده است که بهشت سازمان‌ها و بنگاه‌های دولتی و خصوصی است، این سازمان‌ها با عملکرد ناشفاف و رانتی خویش، بخش خصوصی را بیشتر از هر زمان دیگری تضعیف کرده‌اند و حتی در نهادهای حامی و نماینده بخش خصوصی نیز اعمال نفوذ می‌کنند تا مانع از رشد و فعالیت مستقل آن شوند. با این اوصاف، باید کاملاً بدبینانه به عزم دولت برای گرفتن مالیات و افزایش سهم آن در بودجه نگریست. ■

باشد تا بدین نسبت، نظارت شهروندان را بر دولت بپذیرد.

گروه دوم، عمدتاً بر نتایج اقتصادی مالیات تأکید می‌کنند و علاوه بر ایجاد منبع پایدار درآمدی برای دولت، اهدافی مانند کاهش و تعدیل نابرابری، تنوع درآمدی دولت، رشد اقتصادی، حمایت از تولید داخلی و... را در نظر دارند. در واقع، دولت‌ها برای تأمین مالی پروژه‌ها و برنامه‌هایی که دارند، یکی از راه‌هایی که می‌توانند اتخاذ کنند این است که از ابزار مالیات به مثابه یک منبع درآمد مطمئن استفاده کنند تا نیازهای مالی خود را برآورده نمایند.

گروه سوم شامل کسانی می‌شود که برای کاهش خسارات و فشارهای تحریم، راه حل را در گرفتن مالیات از مردم دیده‌اند. در طول سال‌های اخیر، تحریم‌های بین‌المللی نفتی و بانکی، امکان فروش نفت را به حداقل رسانده است. این بدان معناست که بودجه، هر ساله با کسری فراوانی باید دست و پنجه نرم کند و درآمدهای ارزی کاهش چشمگیر داشته باشد. در چنین شرایطی که امکان و اراده مذاکره و توافق هم چندان فراهم نیست، برای تأمین بودجه، ظاهراً راه‌حل دیگری جز سستاندن مالیات از مردم به ذهن دست‌اندرکاران امور نرسیده است.

این سه گروه در دو نکته با همدیگر اشتراک دارند: اول این که هر سه گروه مالیات را به‌عنوان راهکار اصلی حل بحران‌ها و مشکلات کشور قلمداد می‌کنند و نقطه مشترک دوم هر دو این است که در این زمینه ناکام هستند، نتوانسته‌اند برنامه‌های خود را اجرا کنند و اهدافشان را تحقق بخشند. حال ممکن است این پرسش مطرح شود که علل ناکامی چیست؟

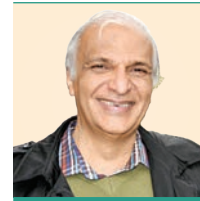
قبل از هر چیز باید گفت که گروه‌های اول و دوم برای آنچه ادعا می‌کنند مبنا و چارچوب تئوریک ارائه می‌کنند اما گروه سوم صرفاً یک راهکار سیاسی و شاید موقت برای خنثی‌سازی آثار تحریم و تأمین بودجه حاکمیت در شرایطی است که امکان بازگشت ارز حاصل از صادرات وجود ندارد یا بسیار دشوار است. در شرایط فعلی، انگیزه اصلی برای ستاندن مالیات از مردم نه تقویت ساختارها و سازوکارهای دموکراتیک است و نه تنوع‌بخشی به منابع درآمدی دولت به منظور کاهش نابرابری، رشد اقتصادی و... مدنظر است. مسدود شدن درآمدهای ارزی و تحریم‌های بانکی مبنای اصلی توسل به راهکاری است که گروه سوم از سر ناچاری و اضطرار بدان رسیده‌اند و گرچه اتفاقاً میانه چندان خوبی با دموکراسی و رشد و توسعه اقتصادی ندارند تا بخواهند با استفاده از مالیات آن را تحقق بخشند.

یکی از علل ناکامی حاکمیت در این زمینه آن است که گرفتن مالیات بیش از آن که تابع اجبار باشد به شدت به «قتناع» مردمی که قرار است مالیات بپردازند، وابسته است. ناگفته پیداست، اقتناع، شخصیت، سازوکار و روش‌های خاصی را می‌طلبد که نظام سیاسی ایران فاقد آنهاست. در طول چهل سال گذشته، نکته‌ای که بیش از هر چیز خودنمایی می‌کند ناتوانی حاکمیت در اقتناع مردم در موارد مختلف است. برای نمونه می‌توان به ویدیو، ماهواره، قوانین راهنمایی و رانندگی، حجاب، فرزندآوری، مالیات و... اشاره کرد که در هیچ‌کدام از این موارد، نظام سیاسی، توانایی اقتناع مردم را نداشته است و بالا‌جبار در تمامی موارد به اجبار توسل جسته و هزینه‌های گزافی را به خود و جامعه تحمیل کرده است. نکته دیگر آن است که مالیات یک «جاده یک‌طرفه» نیست که تنها دولت بتواند با هر سرعت و کیفیتی که بخواهد از آن عبور کند. اگر هم‌زمان افکار عمومی و مردم به طور شفاف در جریان سیاست‌های مالیاتی قرار نگیرند و در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌ها مشارکت نداشته باشند، از برنامه‌های مالیاتی حمایت نخواهند کرد و حتی ممکن است در برابر آن مقاومت نیز از خود نشان دهند. در نتیجه برای فرار مالیاتی به راه‌های گوناگونی مانند فساد اداری و مالی، جعل اسناد، دادن اطلاعات غلط و... روی می‌آورند و بدین وسیله دولت را از داشتن یک منبع درآمد مطمئن محروم می‌کنند.

برای مثال، دولت برای اجرای سیاست‌های مالیاتی خویش، ابزارهای مختلفی در اختیار دارد که از آنها بهره می‌برد. می‌تواند برای وصول حداکثری مالیات و مقابله با فرار مالیاتی، با استفاده از دسترسی به اطلاعاتی که در مورد اشخاص حقیقی و حقوقی دارد، مؤبدان جدید را شناسایی کند و با سامان‌دهی ۲۳ میلیون پوز، هوشمندسازی مالیاتی را اجرا کند. پرسشی

# نفت یا مالیات

## آیا اصلاح ساختار حکمرانی با مالیات ممکن است؟



مسعود سپهر

جامعه‌شناس سیاسی

### چرا باید خواند:

آیا جایگزینی درآمد نفت با مالیات، ایران را به سمت حکمرانی خوب سوق می‌دهد و شاخص‌های نهادی حکمرانی را بهبود می‌بخشد؟ این روایت نتیجه گرفته می‌شود که جایگزینی درآمد نفت با مالیات گامی بلند در جهت تحقق حکمرانی خوب است؛ اما به گمان من این نتیجه‌گیری شتابزده و بر اساس یک هم‌زمانی ساده متغیرها یا حداکثر جابجا شدن متغیر مستقل با وابسته و تنها یک نشانه از سیر به سمت حکمرانی خوب است. اصلاح نظام حکمرانی باید از جای دیگر شروع شود. پژوهش‌های پیرامون حکمرانی خوب در بانک جهانی توسط کافمن و همکاران پس از آن آغاز شد که مشخص گردید کمک‌ها و وام‌های بین‌المللی به کشورهای خواستار توسعه، به‌جای آنکه صرف بهبود حکمرانی و رشد اقتصادی گردد به جیب دیکتاتورهای فاسد می‌رود و با گسترش فساد و رانت وضع را بدتر می‌کند. پول‌های بادآورده نفت در واقع همان نقش کمک‌های بین‌المللی به این کشورها را دارد. آنچه مهم است منشأ پول نیست، نظام حکمرانی است که اگر پول نفت هم نباشد چون شاهان قاجار که با غارت رعیت به اسم مالیات و قرض و فروختن همه‌چیز بساط عیش خود را جور می‌کردند و کاری به توسعه و آبادانی مملکت نداشتند. حکمرانی خوب شامل سه مؤلفه است:

اول، سازوکاری که از طریق آن صاحبان قدرت در جامعه انتخاب‌شده، مورد قضاوت قرار می‌گیرند یا تعویض می‌شوند که در شاخص‌های حق اظهار نظر مردم، پاسخگویی حکومت، ثبات سیاسی و مقابله با خشونت نمود پیدا می‌کند. دوم، ظرفیت و توانایی دولت به‌منظور اداره منابع به‌صورت کارآمد و اجرای سیاست‌های درست که شاخص اثربخشی دولت و کیفیت مقررات را در بر می‌گیرد. سوم، احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی اقتصادی میان آن‌ها را برقرار می‌کند که با دو شاخص حاکمیت قانون و کنترل فساد و میزان ادراک آن اندازه‌گیری می‌شود. (کافمن و همکاران، ۲۰۰۲)

واضح است که بدون حکمرانی خوب توسعه همه‌جانبه و پایدار ممکن نیست زیرا فرایند توسعه نه یک امر خود به خودی بلکه عملی آگاهانه با هدایت و حضور مؤثر حاکمیت سیاسی است. برای فهم بهتر مطلب مرور تجربه کشورهای نفت‌خیز در این زمینه قابل توجه است: از یک سو مورد نروژ است که درآمدهای نفتی خود را به صندوق سرمایه‌گذاری ملی می‌برد و با یک نظام مالیات تصاعدی با نرخ بالا ضمن تامین عدالت اجتماعی و مشارکت، در همه شاخص‌های حکمرانی خوب در بالاترین رده‌های مقایسه‌ای جدول‌های جهانی قرار دارد؛ اما فراموش نکنیم ساختار دموکراتیک و توسعه‌یافته نروژ حتی قبل از کشف نفت در دریای شمال وجود داشت و پس از آن هم همچنان ادامه یافت. از سوی دیگر مورد کشورهای نفت‌خیز حوزه جنوبی خلیج فارس که در آن شهروندان یا معاف از مالیات‌اند یا آنکه با نرخ‌های بسیار کمی مالیات پرداخت می‌کنند قابل ملاحظه است. این کشورها در توسعه اقتصادی

شاخص‌های حکمرانی خوب در سال‌های اخیر موفقیت‌های چشمگیری داشته‌اند. هرچند به دلیل نظام الیگارشیک یک حاکم بر این کشورها در شاخص قابلیت پاسخگویی و تعویض حاکمان وضعیت مطلوب نیست اما به لحاظ ثبات سیاسی، اثربخشی دولت و کیفیت مقررات و حاکمیت قانون و به‌ویژه کنترل فساد توانسته‌اند به موفقیت‌های قابل تحسینی دست یابند. مخصوصاً که در همه مطالعات تطبیقی توسعه، فساد مهم‌ترین مانع در کشورهای جهان سوم است.

اتفاقاً با بهبود کیفیت حکمرانی در کشورهای نفتی، از یک سو نظر به استفاده از درآمد نفت برای توسعه سریع زیرساخت‌ها جذابیت این کشورها برای جذب سرمایه خارجی افزون شده به‌طوری‌که کشورهایی مانند عربستان در سال‌های اخیر در رده‌های اول جذب سرمایه و سرعت رشد اقتصادی قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر معافیت مالیاتی یا نرخ پایین آن، کشورها را به بهشتی برای سرمایه‌گذاری تبدیل می‌کند که می‌تواند یکی از عوامل اصلی جذب سرمایه و تداوم رشد اقتصادی بالا باشد.

مشکل اول فرایند توسعه ایران در حال حاضر فساد است که از هر روزنه‌ای برای گسترش خود استفاده می‌کند. اگر تحریم سفره و سلامت و نیازهای اولیه بیشتر مردم را تهدید کند، کاسبان تحریمی هستند که هر روز فربه‌تر می‌شوند و حتی آن قدر قدرت می‌یابند که در راه رفع تحریم‌ها مانع تراشی کنند. اگر مالیاتی وضع می‌شود بیشتر برای طبقات متوسط به پایین است و نوکیسگان رانت‌خوار اصلاً در فهرست مالیات‌دهندگان قرار نمی‌گیرند. تورم مستمر دورقمی ۵۰ ساله که در ۵ سال اخیر مستمراً به حدود ۴۰ درصد رسیده، در واقع مالیات پنهان و حشمت‌ناکی است که مستقیماً طبقات متوسط و حقوق‌گیر را به قعر چاه فقر فرومی‌کشد.

کوچک کردن دولت و کاستن از هزینه‌های آن برای کاهش رشد نقدینگی اولین راهکار فوری کاهش تورم است و این هیچ ربطی به منشأ بودجه که مالیات یا نفت باشد ندارد. ایجاد شفافیت با افزایش قدرت نهادهای مدنی و آزادی بیان و اطلاعات و گردش مردم‌سالارانه قدرت در نخبگان حاکم، می‌تواند با اراده حاکمیت و اصلاح قوانین اتفاق بیفتد و زمینه‌ساز اعتماد جامعه و پرداخت دواطلبانه و همراه با رضایت مالیات باشد.

بیش از نیم قرن از انتشار کتابی با عنوان «نفت، طلای سیاه یا بلای ایران» می‌گذرد. نفت ما طلاست اگر در یک حکمرانی خوب صرف توسعه و قدرت ملی ایران شود و بلاست همچون مشعل‌های چاه‌های نفت کشور که تنها می‌سوزد و آلوده می‌کند و دیگ پلوی مفسدان را گرم نگه می‌دارد. ■

### نکته‌هایی که باید بدانید

- ▶ با بهبود کیفیت حکمرانی در کشورهای نفتی، نظر به استفاده از درآمد نفت برای توسعه سریع زیرساخت‌ها جذابیت این کشورها برای جذب سرمایه خارجی افزون شده به‌طوری‌که کشورهایی مانند عربستان در سال‌های اخیر در رده‌های اول جذب سرمایه و سرعت رشد اقتصادی قرار گرفته‌اند.
- ▶ پژوهش‌های پیرامون حکمرانی خوب در بانک جهانی توسط کافمن و همکاران پس از آن آغاز شد که مشخص گردید کمک‌ها و وام‌های بین‌المللی به کشورهای خواستار توسعه، به‌جای آنکه صرف بهبود حکمرانی و رشد اقتصادی گردد به جیب دیکتاتورهای فاسد می‌رود و با گسترش فساد و رانت وضع را بدتر می‌کند.

الگوی توسعه نه در حاکمیت شکل گرفت و نه اجازه دادند در بیرون آن شکل بگیرد و نه از تجربه جهانی در این زمینه استفاده کردند. این نوع خوددانا پنداری در ائتلافها با شدت کم و زیاد وجود داشته است.

# مالیات در غیبت مدل توسعه

## آیا مالیات می تواند ساختار اقتصاد ایران را اصلاح کند؟



کمال اطهاری

پژوهشگر ارشد حوزه توسعه

**چرا باید خواند:**

**مالیات چقدر می تواند**

**در پیش بینی پذیر**

**بودن یا نبودن سیاست**

**و اقتصاد در ایران،**

**اثرگذار باشد و الگوی**

**توسعه چه می گوید؟**

**در این مقاله پاسخ را**

**بخوانید.**

کنند. قرار بود دولت در برنامه های توسعه مسئله اقتصاد و سیاست کشور را حل کند ولی برنامه هفتم توسعه خود را از توسعه و اقتصاد دانشی جدا کرده است. در بودجه نمی توانیم برنامه را تفسیر کنیم، برنامه ای که هنوز تصویب نشده است. برنامه احکام نیست، با احکام نمی توان اقتصاد را اداره کرد؛ اقتصاد کشور به ساماندهی دقیق تری نیاز دارد.

آنچه مسلم است این است که فقدان برنامه توسعه جامعه ما را دچار سوءظن نهادینه کرده است. سوءظن نهادینه عوامل مختلفی دارد که سعی می کنیم در این مجال به آن بپردازیم. یک نمونه بسیار بارز آن مقوله فساد یا فساد سیستماتیک شده است. مبنای فساد سیستماتیک در اقتصاد ایران را رانت تشکیل داده است. مازاد اقتصادی ایران در اساس از نفت حاصل می شود؛ حاکمیت، گروهها و جناحهای مختلف بدون اینکه هیچ گونه مدل توسعه جامعه داری یا جامعه محوری داشته باشند به تدریج کوشش می کنند که برای جامعه بهروزی به ارمغان آورند. اما این کوشش به تدریج به جنگ جناحها برای تصاحب رانت نفت تبدیل شده و بودجه عمرانی را به حداقل و حتی نزدیک به صفر رسانده است. بخش اصلی بودجه صرف فساد می شود. این باعث می شود که بودجه اندک صرف مقولاتی شود که در نهایت هر چند لازم است ولی باعث کاهش رفاه مردم می شود. رانت و فساد باعث شده که سوءظن نهادینه جامعه به حاکمیت به طور مداوم افزایش پیدا کند و جلوه ای از بروز آن همین اعتراض در خیابانها است. این اعتراضات هشدار می دهد که نه در تولید موفق است و نه باز توزیع. در تولید موفق نیست چون مداوم جلاکیش را از دست می دهد. در باز توزیع هم موفق نیست چون آن چیزی که حاصل مازاد اقتصادی نفت و مازاد اقتصادی داخلی است، یا غارت می شود یا در همان بوروکراسی محدود ختم می شود. الان دولت تبدیل شده به یک اسفنجی که تا موقعی که درآمد نفت بوده از این اسفنج چیزی بیرون نباید ولی وقتی درآمد نفت کاهش پیدا کرده این اسفنج دیگر نم پس ندهد. نتیجه همه این موارد و مسائل این است که اعتماد عمومی به دولتها و سیاست گذارها کم می شود.

از سوی دیگر، وقتی درآمد نفتی بیشتر می شود ممکن است فساد هم بیشتر شود و دولت به جامعه بی توجه باشد. اما باید روی مقابل این مسئله را در جامعه جستجو کنیم. در واقع خود جامعه باید سازوکاری دقیق داشته باشد تا خودش را مقابل یک دولت سلطه گرا یا تمامیت طلب مجهز کند. آن چیزی که مشخص شده این است که روشنفکران رسمی داخل حاکمیت نتوانستند بعد از چهل سال الگوی توسعه مناسبی را ارائه دهند و نهادسازیهای پایه ای را انجام دهند.

### نکته هایی که باید بدانید

- ▶ در عرصه سیاست جناح های سیاسی ائتلاف های متعددی با هم تشکیل داده اند که هیچ کدام دارای مدل توسعه نبوده و بیشتر بر بیرون راندن حریف از میدان معطوف بوده است تا بر مدلی برای اداره اقتصاد و سیاست به صورت در هم تنیده.
- ▶ در یک جهان در حال تغییر، پیوسته باید مدل های ساماندهی و انتظام بخشی به اقتصاد و سیاست، تغییر و تحول و تکامل یابد.
- ▶ اگر ما یک الگوی توسعه داشتیم قدرت های جهانی تشخیص می دادند که دیر یا زود ما به این توسعه دست خواهیم یافت و نمی توانستند با تحریم خواست خود را تحمیل کنند و ناچار بودند به مذاکره ادامه بدهند.
- ▶ وضعیت اقتصاد و سیاست هر دو بی ثبات است و این بی ثباتی هم قابل پیش بینی است، چرا که سیاست و اقتصاد در ایران دارای الگو و مدل توسعه نیست.

در لایحه بودجه ۱۴۰۳ دولت تلاش کرده کمبود فروش نفت را از طریق افزایش شدید ناگهانی، و غیر منطقی درآمدهای مالیاتی جبران کند؛ نکته ای که برخی آن را به فال نیک می گیرند و معتقدند شاید مالیاتستانی بیشتر از جامعه، دولت را در مقابل جامعه پاسخ گوتر کند. اما این یک باور غلطی است که اکنون میسستی است؛ هیچ نهادسازی خود به خود در جهت دموکراتیزم اقتصادی و سیاسی ایجاد نمی شود. دولت هیچ اراده ای برای دموکراتیک کردن جامعه ندارد و گزینه باید الگوی توسعه ای تا به امروز تدوین و بر اساس این الگو مسیر حرکت مشخص می شد. البته در امر سیاسی مسیر مشخص است که چنین اراده ای ندارند و دولت از ابتدا اعلام کرد که می خواهد با دولت یک دست مسائل کشور را حل کند. نتیجه دولت یک دست، تورم بالا و رکود زیاد است و مشکلات سیاست داخلی و خارجی روز به روز بیشتر شده است.

دولت دموکراتیک در حوزه اقتصاد هم معنا دارد؛ باید نظام انگیزشی مشخصی ایجاد شود و در حوزه فعالیت های مولد هزینه شود؛ اگر مالیاتی هم از جامعه گرفته می شود باید برای فعالیت مولد صرف شد و رشد اقتصادی به ارمغان آورد تا در آمد مردم بالا رود و با طیب خاطر مالیات بپردازند. ولی آنچه دولت می کند، تورم بالاست و تورم بالا یعنی پرداخت مالیات به دولت با دیگر مالیات پرداختن به معنای باج گیری است نه مالیات گیری. وقتی شرایط اقتصادی مردم مناسب نیست و نیمی از جامعه در فقر مطلق غذایی هستند، مالیات گرفتن باید با احتیاط انجام شود و نگاه مبتذل به مالیات، دردی از جامعه دوا نمی کند و این نگاه فقط بهانه ای است در دست دولت که می گوید می خواهد جراحی اقتصادی انجام دهد و این اره و تیغه جراحی را راست جدید به صورت مبتذل در اختیار دولت قرار می دهد.

در موقعیت کنونی وضعیت و آینده اقتصاد و سیاست هر دو بی ثبات است و این بی ثباتی هم قابل پیش بینی است؛ چرا که سیاست و اقتصاد در ایران دارای الگو و مدل توسعه نیست. مسیر اصلاح اقتصادی از الگوی توسعه می گذرد، الگویی که اراده ای بر آن نیست. در عرصه سیاست در ۴۰ سال گذشته سه جناح اصلاح طلبان، محافظه کاران و قشربون، ائتلاف های متعددی با هم تشکیل داده اند که هیچ کدام دارای مدل توسعه نبوده و بیشتر بر بیرون راندن حریف از میدان معطوف بوده است تا بر مدلی برای اداره اقتصاد و سیاست به صورت در هم تنیده. شاید گفته شود که بعضی از آن ها مدل سیاست داشته اند، اما مدلی که نتواند تعریفی مشخص از یک وضعیت مشخص به دست دهد، مدل نیست. در یک جهان در حال تغییر، پیوسته باید مدل های ساماندهی و انتظام بخشی به اقتصاد و سیاست، تغییر و تحول و تکامل یابد. این اتفاق در جریانات مختلف صورت نگرفته و این ضعف حتی به اصلاح طلبان هم سرایت کرده است. این یک ضعف است که سیاست و اقتصاد (به جز وجه قهری آن) از دست حاکمیت گریخته است و ما با یک جریان در هم می مواجه هستیم که بیشتر با تصمیمها و فرامین و حتی احکام اداره می شود. اتفاقا در اینجا مردم باثبات ترین تصمیمها را می گیرند و هر بار که در موقعیت های تصمیم های تعیین کننده مثل انتخابات قرار گرفتند، بهترین تصمیمها را گرفته اند، اما آن تصمیم به یک فرایند باثبات در اقتصاد و سیاست منتهی نشد چون کسانی که انتخاب شدند و قول دادند مدل و دستگاهی ارائه کنند، نتوانستند به قول خود عمل

ما هیچ نهاد پایه قابل تداومی در عرصه اقتصادی و اجتماعی نداریم. بعضی نهادها به صورت ناقص مثل شوراهای شهر شکل گرفته که آن‌ها هم چون ناقص است چندان ثمربخش نیست. موضوع اصلی این است که هیچ وقت جامعه‌ای توسعه پیدا نمی‌کند مگر این که الگوی توسعه‌ای را برای خودش تعریف کرده باشد و آن الگو مورد توافق اکثریت جامعه در حوزه زیرساخت قرار گرفته باشد.

این الگوی توسعه با مشخصاتی که عنوان شده، موقعی که انقلاب شد تولید نشده بود و بعد انتظار می‌رفت بالاخره همه موانع را جناح‌های مختلف حاکمیت از سر راه بردارند. قبلاً فکر می‌کردند که الگوی توسعه در ایران سرمایه‌داری وابسته است و با انقلاب از میان برداشته شد یا فکر می‌کردند فساد دربار است. البته آن چیزی که از منظر خودشان مانع می‌دانستند. اما آن الگوی ناقص و غیر نظام‌مندی که در نهادهای نوین توسعه حاکم بوده، به بعد از انقلاب هم رسید و با انقلاب فرهنگی هم این الگوها نوین نشدند. با انقلاب فرهنگی دانشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی، بودجه‌های پژوهشی و نظامات اعتباری همه در خدمت آن جناح‌هایی قرار گرفت که در حاکمیت حضور دارد ولی اینها نتوانستند الگوی توسعه تعریف کنند. این‌ها در بهترین حالت روشنفکران رسمی هستند که ناقص فساد و نابرابری و فقرند. در چنین شرایطی الگوی توسعه باید از دل جامعه مدنی بیرون بیاید. هیچ چاره‌ای جز این نیست. یعنی دولت چاره‌ای جز این نگذاشته است. دولت‌ها این قابلیت را نداشته که الگوی توسعه تولید کند و در عین حال مانع آن شده که یک الگوی توسعه در جامعه مدنی تولید شود. باید پرسید دلیل اصلی این مانع‌تراشی چیست؟ چون به نوعی انقلاب فرهنگی انجام داده که فرار مغزها را موجب شده و فرار مغزها باعث شده جامعه مدنی بخشی از حافظه تاریخی‌اش را از دست بدهد. یعنی جامعه از لحاظ تکنیک می‌بایست امکان ارائه الگوی توسعه داشته باشد. شما وقتی حتی به مؤسسات پژوهشی آزاد اجازه نمی‌دهید به این ترتیب امکان این را که روشنفکران غیر رسمی بتوانند در مورد الگوی توسعه گفت‌وگو داشته باشند، از دست می‌دهند. هر دو جناح حاکمیت هنوز هم همین‌گونه هستند. از روشنفکران به عنوان «میرزبانویس» می‌خواهند استفاده کنند و غیر از این اگر کار کنند طرفشان می‌کنند.

در انقلاب اسلامی ایران مردم در پی تغییر نهادهای پیشین بودند. نهادهایی که رشد اقتصادی مستقل برای آن‌ها به ارمان بیاورد و از اقتصاد تک‌محصولی دور کند و به دنبال آن عدالت هم برقرار شود. این نهادها باید برپا می‌شد، اما مدل برپایی این نهادها وجود نداشت. پس مدتی نیز در ابتدای انقلاب ائتلاف مسلط که می‌توان گفت یک بلوک تاریخی رادیکال بود، به یک بلوک تاریخی یا ائتلاف راست گرایش پیدا کرد که فاقد مدل بود و به صورت سراسیمه و شتاب‌زده و بدون آنکه نهادسازی صورت بگیرد، یکمرتبه اداره جامعه را در دستور کار قرار داد. این همان جریان نامه کوپر به یلتسین است. وقتی یلتسین در روسیه روی کار می‌آید، کوپر برایش نامه‌ای می‌نویسد و می‌گوید شما می‌خواستید از کاپیتالیسم به کمونیسم بروید، اما موفق نشدید و حالا می‌خواهید از کمونیسم به کاپیتالیسم برگردید، در این هم موفق نخواهید شد. به این دلیل که فرایند تغییر، مهندسی و نهادسازی می‌خواهد و نهادسازی هم نیازمند داشتن مدل است. چینی‌ها در این زمینه بسیار موفق بودند، چرا که نهادسازی کردند و گفتند ما نمی‌خواهیم جهش کنیم، بلکه اصلاحات پلی است ما بین وضع کنونی ما و آینده. نوع دیگری از داشتن مدل را ما در کشورهایی مثل کره جنوبی، برزیل و سایر کشورهای حوزه بریک می‌بینیم. در تغییر و تحولات بعدی هم همواره ائتلاف مسلط بدون آنکه مدل داشته باشد از فرصت مدیریت استفاده کرده‌اند؛ مثلاً دولت آقای احمدی‌نژاد به یک دولت پوپولیستی جهش کرده که در آن سازمان برنامه منحل می‌شود. به اسم عدالت‌خواهی و ضدیت با سرمایه‌داری برنامه منحل می‌شود. مشخص است که جهت‌گیری آن دستیابی به قدرت است و در جهت سامان دادن در جهت یک الگوی توسعه حرکت نمی‌کند. به همین ترتیب این ذهنیت ائتلاف‌های مسلط بوده و هست و آخرین آن دولت آقای روحانی بود که فاقد الگو بود و الان هم در دوره جدید هرچه می‌گذرد ضعف‌های نبود الگو بیشتر آشکار می‌شود، به این دلیل که جهان در حال تغییر است و دانشی پرورده نشده است که در مواجهه با این جهان در حال تغییر هر روز وضعیت را سامان دهد، برای همین شرایط هر روز پریشان‌تر و از هم گسیخته‌تر می‌شود. به وضعیت بازار ارز نگاه کنید؛ واکنش‌هایی در مقابل سیاست ارزی مشاهده می‌شود که ما هیچ زمانی در ایران شاهد آن نبودیم مگر در دوره قاجار چنین اتفاقی رخ داده که آن هم به دلیل این بود که در آن زمان پول ما نقره بود و با نظام جهانی منطبق نبود. این یک نوع عقب‌افتادگی الگوی اقتصاد آن زمان بود. اما من وضعیت کنونی اقتصاد ایران را خیلی مشابه دوره قاجار می‌دانم. در خیلی از عرصه‌ها می‌توانید این

مشابهت را ببینید، به این دلیل که در زمان قاجار اقتصاد صنعتی در کشورهای پیشرفته غالب شد و ما اقتصاد پیشاصنعتی داشتیم. در نتیجه تمام کارخانه‌ها ورشکسته شدند و سیستم‌هایی که داشتیم پاس‌خگوی جهان به هم پیوسته نبود. بنابراین سقوط اقتصادی آغاز شد و آن گسیختگی‌ها به انقلاب مشروطه انجامید. وضعیت کنونی ما هم این است که الگوی اقتصادی ما یک الگوی شبه‌صنعتی است، در حالی که جهان وارد اقتصاد دانش‌محور شده و ما در دوره شبه‌صنعتی مانده‌ایم و مشاهده می‌کنیم که صنایع ورشکسته می‌شوند. نمی‌توانیم صادرات داشته باشیم. تولیدات رقابتی نیست. اگر در آن زمان صنایع دستی ورشکسته می‌شد، اکنون کارخانه ارج بعد از حدود ۶۰ سال تعطیل می‌شود.

این ترس از طردشدگی باعث شده است روشنفکران نتوانند دستگاه‌هایی را به صورت الگوهای توسعه خلق کنند یعنی تبدیل می‌شوند به این که در آن الگوی ناقصی که در ذهن روشنفکران رسمی جناح‌های مختلف حاکمیت است کار بکنند و گرنه طرد می‌شوند. در این زد و خورد آهسته‌آهسته فرسوده‌تر و فرسوده‌تر می‌شوند و خلاقیتشان هم کمتر می‌شود. نسل جوانی را بدون هیچ الگوی توسعه‌ای به جای بازنشستگان می‌آورند و خیلی هم خوشحالند که بازنشستگان را حذف می‌کنند. نسل جوان به شدت هم این‌وقت‌اند. چون در طول این مدت هر جناحی که سر کار آمده بوروکراسی را به خاطر نوآوری تنبیه کرده که حالا این تنبیه در اصلاح طلب‌ها کمتر بوده است. به خصوص جناح توتالیتر و پوپولیسم حاکمیت هر موقع سر کار آمده این را به شدت انجام داده و بوروکراسی الان یک بوروکراسی ترسو و این‌الوقتی است که از نوآوری گریزان است. چون نوآوری مثلاً در این دوره ریاست جمهوری باعث طرد شدن در دوره ریاست جمهوری بعدی می‌شود. ما با یک همچین زمین‌های روبه‌رو هستیم که به هیچ وجه از داخل دولت نمی‌شود نوآوری و الگوی توسعه بیرون آید.

برنامه‌ریز ایرانی دو اکت بزرگ دارد، یکی سیاست‌زدگی و یکی فن‌زدگی. حاکمیت الان به‌خاطر سیاست‌زدگی‌اش باعث شده در طول زمان اندیشه حصر بشود. اما همه چیز را همگان دانند. شما وقتی برنامه‌ریزی می‌کنید باید این برنامه حامل تمام دانش جامعه باشد البته این تعریف عام است نه تعریف علمی. باید معرفت نهادسازی و معرفت دانستن نرم‌ها، اعتقادات و سنت‌ها را بلد باشند. مثل روشنفکران مشروطه که این را بلد بودند و قانون‌نویسی‌هایشان خیلی قوی و محکم و پابرجاست. سیاست‌زدگی موجب فساد سیستماتیک می‌شود و فرد با توجه به ایدئولوژی وارد سیستم می‌شود بدون آن که شایستگی داشته باشد و این‌ها فساد سیستماتیک را ایجاد کرده است. موضوع دیگر در حوزه برنامه‌ریزی توسعه فن‌زدگی است. باید برای توسعه الگوی مناسب داشت. الگوی توسعه را فن به دست نمی‌دهد، کامپیوتر و شرکت‌های دانش‌بنیان و شرکت‌های فناوری الگوی توسعه ارائه نمی‌دهد.

آنچه مشخص است این که نباید برای الگوسازی از دانشمندان و اندیشمندان علوم اجتماعی و اقتصادی استفاده ابزاری بکنند، این فن‌زدگی است. همین الان هم می‌بینید گفت‌وگو الگوی توسعه گفت‌وگو حذف‌شده است و چیزهای عجیبی به نام آینده‌نگری می‌آید. وقتی با آن‌ها صحبت می‌کنید و می‌گویید شما این آینده‌نگری را بر اساس چه الگوی توسعه‌ای می‌سنجید؟ می‌گویند که ما اصلاً افتخار می‌کنیم که بدون الگوی توسعه آینده‌نگری را انجام می‌دهیم. یا مثلاً فرض کنید می‌گویید شهر هوشمند را چگونه می‌خواهید بسازید؟ در پاسخ می‌گویند که شهر هوشمند یعنی ما بتوانیم برای سطل زباله سنسور بگذاریم که وقتی پر شد بوق بزند. یعنی شهر هوشمند در این حد تنزل می‌کند. این نوع تفکرات فن‌زده الان جایگزین الگوی توسعه شده در حاکمیت و در این دولت هم به شدت تشدید شده است. این نوع فن‌زدگی و سیاست‌زدگی هم فساد سیستماتیک را زیاد کرده و هم مانع تدوین الگوی توسعه است و به این ترتیب نهادی که ساخته می‌شود چون الگوی توسعه ندارد ناقص است و این نقص باعث فساد و رانت‌جویی می‌شود. در چنین محیطی سخن گفتن از اعتماد عمومی و هموارسازی بستر برای سرمایه‌گذاری و کارآفرینی دشوار است.

اما رانت‌جویی خصلت ایرانی‌ها نیست. دولت‌ها مردم و جامعه را رانت‌جو کرده است. این کزکار کردی جامعه را نسبت به مسائل دچار سوءظن نهادینه کرده است. روشنفکران رسمی که بنا بوده الگوی توسعه را بیافرینند در حوزه‌های آکادمیک و موسسه‌های پژوهشی موفق

سطوح هژمونی در جهان چندسطحی شده است ولی واژگان ما هنوز آمریکا است. شاید در آن زمان این واژگان حامل حقیقتی بودند، اما اکنون حامل هیچ حقیقتی نیستند و ما هنوز در ساده‌انگاری آمریکا و اذناش مانده‌ایم و همین مسئله سبب شده است که سیاست و اقتصاد ما از هم گسیخته شود.

در حال حاضر در تمام این عرصه‌ها شبیه‌هژمونی است. چنین تغییراتی در سطوح مختلف جهان صورت گرفته است، در حالی که واژگان ما هنوز آمریکا است. شاید در آن زمان این واژگان حامل حقیقتی بودند، اما اکنون حامل هیچ حقیقتی نیستند و ما هنوز در ساده‌انگاری آمریکا و اذناش مانده‌ایم و همین مسئله سبب شده است که سیاست و اقتصاد ما از هم گسیخته شود.

اما چرا توسعه در ایران بیشتر بر پایه ساخت‌وساز عمرانی شکل گرفته است؟ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به رغم این که برنامه عمرانی به برنامه توسعه تغییر نام داد، ولی این برنامه یک اشکال عمده داشت و آن این که فاقد مدل توسعه بود. مدل توسعه چند مؤلفه اصلی دارد: باید «رابطه بازار با برنامه توسعه» مشخص شود، در اقتصاد توسعه برنامه و بازار باید هم‌افزا باشند. تمام کشورهایی که بعد از سرمایه‌داری مرکزی، وارد دوره توسعه شده‌اند مثل ژاپن، کره جنوبی، چین و هندوستان برنامه‌ریزی دارند که در آن زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری را با هم فراهم آورده‌اند. باید در مدل توسعه «رابطه عدالت و بازتوزیع عدالت با تولید» مشخص شود و گرنه اینها در تخلف همدیگر عمل می‌کند. اگر فقط رشد اقتصادی در دستور کار قرار گیرد، شکاف طبقاتی به وجود می‌آید و به قول «جان مینارد کینز» اقتصاد از بین می‌رود. اگر توزیع و بازتوزیع از رشد اقتصادی سبقت گیرد، فقر توزیع می‌شود و مازاد اقتصادی برای توزیع وجود نخواهد داشت. در مدل توسعه باید «تعریف مشارکت» مشخص شود؛ مشارکت طبقات اجتماعی در قدرت باید تعریف شده باشد. ولی در مدل توسعه ایران این فاکتور تعریف نشده است. «حوزه اعمال زور» باید مشخص شود و مرز آن معلوم گردد. باید معلوم شود که چه کسی زور بگوید. جامعه به دولت، زور گوئی را به معنای عام کلمه تفویض می‌کند. ولی وقتی همه بتوانند اعمال زور کنند و همه قوا در این اعمال زور از همدیگر سبقت بگیرند حتماً توسعه اتفاق نمی‌افتد. مدل توسعه در ایران به دلیل نبودن مرز این مؤلفه‌ها ناروشن است.

توجه به توسعه ساخت و سازی به دلیل این است که دستگاه یا برنامه توسعه فاقد مدل توسعه بود. بعد از انقلاب، عده‌ای مدل توسعه منسوخ‌شده‌ای که در خود شوروی در حال فروپاشی بود، اقتباس کردند ولی در دوره‌ای با نگاه خرده‌بورژوازی نیمه‌سنی و بورژوازی تجاری ائتلاف مثلی ایجاد کردند که در حاکمیت مانع از ایجاد یک مدل هماهنگ و عقلانی بوده است. بعداً سیستم چندپاره و ائتلافی که از دلان رانت‌خوری بیرون آمد، ایجاد شد. این‌ها فکر کردند که در رابطه بین بازار و برنامه باید بازار بر برنامه حاکم شود. نتیجه این جریان رانت‌خواری و تراکم‌فروشی در شهر رونق گرفت. البته عقل سلیم جامعه و فرهنگ ایران حافظ جامعه بوده و از فروپاشی اجتماعی همواره جلوگیری کرده است اما این کفایت نمی‌کند. جامعه خود به خود می‌توانست مدل جایگزین داشته باشد اما فرصت آن وجود نداشت. جریان به هم ریختگی دهه ۹۰ میلادی را فراموش نکنیم. بعد از فروپاشی شوروی و روی کار آمدن نئوکان‌ها، دوباره وقتی با دانش از جامعه تنش‌زدایی کردند، عده‌ای توانستند مدل توسعه طراحی کنند و به الگویی در برنامه سوم و چهارم رسیدیم؛ ولی ما بعد از حسین عظیمی که اقتصاددان توسعه بود دیگر مدل توسعه نداریم. روشنفکران رسمی منتقد و روشنفکران غیررسمی به‌صورت اثباتی هیچ‌وقت مدل جایگزینی برای توسعه ارائه نکردند. مدل نفی و اثبات گفتن از فساد نیست، همه این حرف‌ها را می‌توانند بزنند. مدل جایگزین شرایطی می‌خواهد که هنوز در جامعه فراهم نیست. من در طول تمام مدت از برنامه اول توسعه در برنامه مسکن حضور داشتم که بعداً این برنامه در محاق افتاد. یعنی به دلیل نبود سیاست اجتماعی و هم‌افزا نبودن برنامه مسکن با رشد اقتصادی این برنامه عملیاتی نشد و از دل این رانت‌خورها بیرون آمدند و نتیجه این مسکن مهر شد که تقلبی بود از یکی از برنامه‌های چهارم و طرح جامع مسکن که در نهایت ناقص اجرا شد. در همه حوزه‌ها می‌توان این مشکلات را شاهد بود.

در نبود عقلانیت غیرابزاری و عقلانیت ارتباطی نئوفودالیسم اقتصادی از دل جامعه بیرون آمده است و ساخت و ساز عمرانی چون با هیچ زیرساخت نرم‌افزاری تعریف نشده، باعث می‌شود سد برای رانت ساخته شود نه توسعه عمرانی. حتی قانون‌گذار هم خارج از برنامه توسعه قول سازه‌های عمرانی می‌دهد، بدون این که با عقلانیت ابزاری از تخصیص بودجه خبردار باشد. این گونه است که گویی شهر را به دو قسمت ارگنشین و شارستان تقسیم می‌کنند و غافل از این هستند که این مسئله چقدر می‌تواند شکاف طبقاتی را در جامعه بیشتر کند. مالیات‌ستانی باید در خدمت اقتصاد مولد و عدالت اجتماعی قرار گیرد نه در خدمت اداره دولت؛ برای حیات کوتاه‌مدت نباید جامعه را بار دیگر در فشار مضاعف گذاشت. چنین شیوه مالیات‌ستانی به اصلاح ساختار اقتصادی نمی‌انجامد و با این شیوه سرنوشته خوبی در انتظار جامعه و اقتصاد نیست. ■

نشندند. جهت‌گیری روشنفکران غیر رسمی هم به نظر می‌رسد جهت‌گیری توسعه‌ای نیست و هزینه‌های بالایی را به خاطر اعتراضاتشان دادند. به نظر من الان راه‌حلی که روبه‌روی ما هست این است که دولت به مؤسسات آزاد پژوهشی اجازه فعالیت بدهد. به انجمن‌های مدنی اجازه فعالیت دهد. دولت دچار سوءظن نهادینه نسبت به احزاب و تشکلاتها است. اما راجع بازگشت اعتماد و رفع سوءظن این است که حداقل هزینه مؤسسات پژوهشی را بالا نبرند تا اینها فعالیت کنند و نوآوری پدید آید. آزادی مجالی هم می‌تواند داشته باشد. همین که می‌بینید یک جامعه در مورد عدالت هزینه می‌کند اما نصیبش اعتیاد و فقر و... می‌شود. چاره این است که روشنفکران غیر رسمی با کمک گرفتن از دانش و استفاده از دانش خارج بتوانند دستگاه برنامه و الگوی توسعه را تولید کنند. این فرصت زیاد نیست. این که یک جمعی دچار آفت سیاست‌زدگی و فن‌زدگی نباشد.

۱۲ اگر موقعیت اجماع روشنفکران و نهادهای مدنی برای تدوین الگوی توسعه از دست برود، ایران فرصت به دست آوردن توافق اجتماعی و همبستگی اجتماعی را از دست می‌دهد. فروپاشی شوروی در اوج قدرت نظامی بود و حتی در جهان مشروعتیست بعد از جنگ ویتنام از آمریکا هم بیشتر بود ولی سیستم دچار فساد سیستماتیک شده بود و دیگر نمی‌توانست نوآوری کند و مردم را قانع کند. مردم نسبت به آن دچار سوءظن نهادینه شدند و فروپاشید. الان هم یکی از دلایلی که اروپای شرقی و روسیه خیلی نمی‌توانند الگوی توسعه در بعضی کشورها داشته باشند گذشته‌هراسی است. این گذشته برای اکثریت مردم هراسناک است، این همان کمونیست‌ها هستند و این حرف‌ها همان حرف‌های کمونیست‌هاست که پوپولیست‌ها تکرار می‌کنند. اگر دولت کنونی ما چنین رویه‌ای در پیش گیرد وضعیت ما حتی بدتر از آن‌ها می‌شود؛ چون ایران در منطقه بسیار حساس و پر تنشی قرار دارد و اعتماد عمومی به عنوان سرمایه اجتماعی پاسدار ثبات اقتصادی و اجتماعی است.

۱۳ دیوید هاروی گزاره‌های گویا در خصوص برنامه‌ریزی دارد. او می‌گوید دو چیز آفت برنامه‌ریزی است، یکی سیاست‌زدگی و دیگری فن‌زدگی. سیاست‌زدگی آفت پیوسته‌ای است که حاکم است. سیاست‌زده‌ها زمانی که می‌خواهند برنامه‌ریزی کنند از الگوهای توسعه استفاده نمی‌کنند. عده‌ای را به عنوان تکنوکرات به کار می‌گیرند و بیشتر با الگوریتم‌های صوری سعی می‌کنند برنامه‌ریزی کنند، در حالی که برنامه‌ریزی مدل می‌خواهد و این مدل از تجربه بشر حاصل می‌شود. آنچه من در این زمینه‌ها دیدم بیشتر به رمالی شبیه است تا یک روش علمی برای توسعه و مدل توسعه زمانی که حاکمیت سیاست‌زده‌هاست از تکنوکرات‌ها استفاده می‌کند برای این که بتواند منویات خود را در الگوریتم‌های صوری توجیه کند. از سوی دیگر در جامعه زمانی که در دانشگاه‌های رسمی به اسم انقلاب فرهنگی نیروهای خلاق بیرون رانده شده است، خلاقیت در آن از بین رفت. ماکس وبر می‌گوید بوروکراسی در بهترین حالت می‌تواند شایسته‌سالار شود یا عقلانیت ابزاری داشته باشد، ولی نمی‌تواند نوآوری کند. نوآوری از بیرون از ناحیه احزاب، پژوهشگاه‌ها و... در بوروکراسی دمیده می‌شود و زمانی که این سیستم‌ها در جامعه و بیرون حاکمیت بسته شده است نوآوری هم از بین می‌رود. بنابراین ما نظام نوآوری نداریم و به طور مثال دولت آقای روحانی هم که می‌خواهد نوآوری ایجاد کند، معاونت علمی و فناوری را به جای نوآوری ایجاد می‌کند، به این معنا که به افرادی که می‌خواهند نوآوری فنی داشته باشند وام‌های ۴ درصد می‌دهد و کسانی را که می‌خواهند نوآوری اقتصادی داشته باشند به زندان می‌اندازد. بنابراین در چنین سیستمی مشخصاً توسعه خشک می‌شود؛ چون زبان و گفتمان توسعه در آن کشیده شده است. آثار این سیستم هم نداشتن الگوی توسعه و سیاستی است که هر روز نازل‌تر از گذشته می‌شود. قبلاً هم اشاره کرده‌ام جهان پیچیده‌تر و در هم‌تنیده‌تر شده است. ۲۰ سال پیش چین به این معنا وجود نداشت، ۳۰ سال پیش برزیل به تازگی از دیکتاتوری رها شده بود یا هند درگیر هزار مسئله بود و خود آمریکا هم اجماع واشنگتنی را پذیرفته بود. اجماعی که دولت سازندگی به طور شتاب‌زده آن را فرا راه خود قرار داد. اکنون دولت ترامپ که هنوز هم با هیچ دولتی اجماعی نداشته است، می‌گوید که تعرفه‌ها باید برگردد و اصول این اجماع را به چالش می‌کشد. آن زمان چین و دولت‌هایی که این اجماع را نپذیرفتند و می‌گفتند ما نمی‌توانیم به‌یکباره تعرفه‌ها را برداریم، در حال حاضر خواهان این هستند که آمریکا تعرفه نگذارد. از سال ۱۹۸۸ تاکنون جهان چقدر تغییر داشته است و ما چقدر عقب مانده‌ایم؟! در تمام عرصه‌ها این اتفاق رخ داده است. شما الگویی ندارید که بتوانید رابطه چندسطحی هژمونی را در جهان تشخیص بدهید. در حال حاضر سطوح هژمونی در جهان چندسطحی شده است و سطوح مختلف اقتصادی، سیاسی و... در آن فرق می‌کند. مثلاً آمریکا یک قدرت فائق کامل اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی،

# یارانه‌بگیران و فراریان مالیات

## چیستی درآمدها و هزینه‌های دولت

### اشاره

در این متن با اشاره به گزارش‌هایی پراکنده، می‌خواهیم در نقد ایده‌هایی سخن بگوییم که یارانه‌های دولتی را یکسره رد می‌کنند یا می‌پذیرند. ما به دنبال توضیح روش‌های پرداخت یارانه هستیم نه نشان دادن اثر مثبت یا منفی آن در رفاه گروه‌های مختلف مردم. اما خواهیم دید که پرسش ضروری این نیست که یارانه دولتی باید وجود داشته باشد یا نباشد. پرسش ضروری این است که یارانه از چه منبعی، چگونه و به چه هدفی باید توزیع شود. در واقع، یارانه ممکن است اثر مخرب یا سازنده بر رفاه ملی و حتی تولید اقتصادی داشته باشد اما باید نخست سنجید که یارانه چگونه تعیین و پرداخت می‌شود و کجا تأثیر می‌گذارد.



صادق پیوسته

جامعه‌شناس

### چرا باید خواند:

یارانه نقدی چگونه،

از چه منابعی و به چه

کسانی پرداخت شود؟

پاسخ را در این مقاله

یخوانید.

### وضعیت پرداخت یارانه‌ها در ایران

معصومه زیرک در جمع‌بندی پژوهشی با عنوان «تحلیل وضعیت پرداخت یارانه‌ها در ایران» می‌نویسد: یارانه ابزاری است که دولت می‌تواند از آن در توزیع برابر و عادلانه درآمد بین گروه‌های درآمدی بهره ببرد، اما در ایران با توجه به وابستگی اقتصاد ایران به نفت که اغلب نوسان‌های شدید قیمتی هم دارد، دگرگونی جمعیت، گستردگی کالاها و خدمات مشمول یارانه و در نتیجه افزایش مصرف و قاچاق آن‌ها به دلیل بالابودن فاصله قیمت داخلی با قیمت خارجی کالاها حجم پرداخت یارانه‌ها به شدت افزایش یافته است و نتیجه پرداخت یارانه‌ها که هدف آن‌ها رفاه نسبی اقشار کم‌درآمدشده، بهبود بهره‌وری تولید و فرایندها، بهینه‌سازی مصرف، کاهش تورم و بسترسازی برای آزادسازی اقتصادی و بهبود اشتغال‌زایی بوده است، دقیقاً به وارون این‌ها تبدیل شده است. اما آیا در همه‌جای جهان وضعیت چنین است؟

اروپایی‌ها یارانه سنگینی به اقلام غذایی از جمله گوشت و مواد اولیه پایه غذایی می‌دهند تا خوراک مردم ارزان باشد و سطحی از رفاه حفظ شود. حتی در آمریکا که مشهور به سرزمین اقتصاد آزاد

### نکته‌هایی که باید بدانید

- ▶ که وقتی بودجه بقای حداقلی فرودستان را کاهش دهید، به دلیل پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن، هزینه‌های دولت به طرز غیرمتعارفی افزوده می‌شود؛ با این تفاوت که در اثر این سیاست‌ها فاصله مردم و حکومت افزایش پیدا می‌کند.
- ▶ راه نجات اقتصاد ایران بالابردن هزینه فعالیت‌های نامولدها از طریق وضع مالیات‌های سنگین بر آن‌ها و پایین آوردن هزینه فعالیت‌های مولد از طریق اعطای یارانه به آن‌هاست. این کار بدون نجات دولت از تسخیر شدگی در خدمت گروه‌های خاص امکان‌پذیر نیست.
- ▶ حدود ۵۵ هزار نفر از این کودکان تحت پوشش نهادهای حمایتی (بهبودی و کمیته امداد) قرار داشتند و حدود ۱۰۲ هزار نفر از این خانوارها یارانه دریافت می‌کردند. ۷ درصد این کودکان نیز در سه دهک پردرآمد جامعه بودند.

است، یارانه بالایی به اقلام کشاورزی تعلق می‌گیرد. آزاده داودی و یکتا اشرفی در مرور تجربه برخی کشورهای خاورمیانه و آفریقا در زمینه پرداخت یارانه می‌نویسند: هدفمند بودن یا نبودن یارانه‌ها و هدفمندسازی مداوم آن‌ها رمز موفقیت برای رسیدن به اهدافی است که پرداخت یارانه دنبال می‌کند. نمی‌توان پرداخت یارانه را بدون منابع تأمین آن مانند مالیات‌های هدفمند انجام داد چرا که کسری بودجه دولت دوباره گریبان‌افشار هدف برای تأمین اجتماعی به کمک یارانه‌ها را می‌گیرد. وارد شدن به ریز مباحث اقتصادی و اجتماعی در این زمینه را رها می‌کنیم و به همین نتیجه کلی بسنده می‌نماییم. اینک به موارد روزمره‌ای که در پرداخت یارانه‌ها در ایران دیده‌ایم نگاهی خواهیم داشت تا ظرایفی در این میان آشکار گردد.

### دو نمونه روزمره در ایران

وزارت رفاه ایران از شهریورماه ۱۳۹۵ با استفاده از پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان اقدام به شناسایی کودکان بازمانده از تحصیل (در مقطع ابتدایی) کرد. براساس اطلاعات به‌دست‌آمده حدود ۱۳۵ هزار کودک در سن ابتدایی خارج از مدرسه بودند که حدود ۳۰ درصد این افراد بین ۱ تا ۴ سال تحصیل کرده و سپس مدرسه را رها کرده بودند و ۷۰ درصد دیگر هیچ‌گاه به مدرسه نرفته بودند. تفاوت معناداری بین دختران و پسران در این زمینه دیده نشد یعنی مشکل جنسیتی نبود. همچنین تفاوت معناداری بین تعداد بازماندگان از تحصیل در شهر و روستا وجود نداشت یعنی مشکل سوگیری شهری و توزیع نادرست امکانات تحصیل هم نبود. پس مشکل کجا بود؟

بیشترین کودکان بازمانده از تحصیل در استان‌های سیستان و بلوچستان، تهران، خوزستان و خراسان رضوی بودند. آشکار است که این آمار، محرومیت هم در استان‌های حاشیهای شده و هم گروه‌های حاشیهای شده در پایتخت را نشان می‌دهد. حدود ۵۵ هزار نفر از این کودکان تحت پوشش نهادهای حمایتی (بهبودی و کمیته امداد) قرار داشتند و حدود ۱۰۲ هزار نفر از این خانوارها یارانه دریافت می‌کردند. ۷ درصد این کودکان نیز در سه دهک پردرآمد جامعه بودند. براساس تماس تلفنی با تک‌تک سرپرستان این خانوارها مشخص شد معلولیت مهم‌ترین عامل بازماندگی از تحصیل بوده است. برخی نیز به دلیل فقر خانوار از مدرسه بیرون مانده بودند. باقی آن‌ها بعدالایی نظیر بی‌علاقگی به تحصیل و یافتن روش‌هایی بهتر برای زندگی، دوری مدرسه، زندگی کوچ‌نشینی، ندانستن زبان ملی، زندگی در خارج از کشور، فوت، بیماری‌های صعب‌العلاج، و تحصیل در مدارس دینی و از آموزش در مدارس ابتدایی بازمانده بودند.

با این اوصاف آیا یارانه کافی و هدفمند ممکن نبود معلولان و فقرا یعنی بزرگ‌ترین سهم این جمعیت را به مدرسه‌ها بکشاند یا بازگرداند؟ همین تحقیقات نشان داد که در صورت وجود چنین یارانه‌ای می‌شد ابعاد این مسأله را به شکل معناداری کاهش داد. مورد دیگر، پرداخت یارانه سوخت است. بر اساس تصمیم دولت در دو دهه اخیر به کسانی



مسأله این نیست که یارانه بپردازیم یا نپردازیم. مسأله این است که وقتی سیاست‌گذاری به جای سیاست‌گذاری عمومی، سیاست‌گذاری رانتی و در اختیار گروه‌هایی محدود است که ثروت، قدرت و منزلت در آن‌ها تجمیع یافته است، نمی‌توان انتظار داشت که پرداخت یا حذف یارانه‌ها، کمکی به اهداف ظاهری این کار کند.

مراکز است. مراکزی که افراد متمول‌تری را تحت نگهداری دارند، به‌دلیل شهریه‌های بالاتری که از خانواده‌ها دریافت می‌کنند طبیعتاً خدمات بهتری ارائه می‌دهند و از یارانه دولتی بیشتری نیز برخوردار می‌شوند! در واقع توزیع یارانه به نفع گروه‌های برخوردارتر است و مراکزی که در مناطق کم‌برخوردارتر شهر قرار دارند، کمک‌های دولتی کمتری نیز دریافت می‌کنند.

اینک به گزارش مجلس درباره عملکرد قانون هدفمندی یارانه‌ها بنگریم. کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در سال ۹۷ گزارشی درباره عملکرد ۷ ساله قانون هدفمندی یارانه‌ها منتشر کرد اما هیچ ارزیابی از تحقق اهداف آن یعنی تأثیر بر میزان مصرف انرژی، کاهش بیکاری، بهبود شاخص عدالت اجتماعی، کاهش فقر ارائه نداد. تعداد یارانه‌گیران حدود ۷۵ میلیون نفر بوده است. مجموع یارانه اختصاصی دولت به سوخت در دوره زمانی گزارش (۹۴-۱۳۸۹) جمعاً حدود ۴۵۰ هزار میلیارد تومان بوده است. در سال ۱۳۹۴ کل یارانه دولتی این فرآورده‌ها (براساس قیمت فوب خلیج فارس و نرخ دلار آن روز) حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان شده است. این رقم کمتر از ۶ درصد بودجه کل کشور در سال ۱۳۹۴ است. لازم به توضیح است که براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، قیمت حامل‌های انرژی طی این دوره (۹۵-۱۳۸۹) به‌طور متوسط بیش از ۷ برابر شده است یعنی در عمل، این شکل از پرداخت یارانه به زبان دهک‌های پایین بوده است.

#### یارانه دخالت در چیست؟

گاهی وضعیت به‌گونه‌ای بازنمایی می‌شود که گویی ایران تنها کشوری است که یارانه کالایی چه در سمت تولید و چه در سمت مصرف می‌پردازد. کافی است توجه کنیم که آمریکا در سال ۲۰۱۹ حدود ۲۴ میلیارد دلار یارانه به بخش کشاورزی (منهای شیلات و دامپروری) اختصاص داده است. براساس آمارها، از مجموع یارانه بخش کشاورزی در جهان، سهم کشورهای OECD حدود ۲.۵ برابر کشورهای در حال توسعه و نوظهور است. در کشورهای OECD به‌طور میانگین بیش از ۳۰ درصد درآمد ناخالص کشاورزان از طریق یارانه تأمین می‌شود. این نسبت در کشورهای نظیر نروژ و ایسلند بالای ۵۰ درصد و در کره جنوبی، سوئیس، و ژاپن بالای ۴۵ درصد است. یک سؤال مهم این است که چرا کشورهایی که تحت عنوان «صنعتی» شناخته می‌شوند چنین سطحی از یارانه را به بخش کشاورزی اختصاص می‌دهند؟ این موضوع با بسیاری از آنچه در اغلب نظریه‌های توسعه اقتصادی گفته می‌شود، همخوانی ندارد.

نگاهی به چین هم بد نیست. براساس داده‌های آژانس بین‌المللی انرژی، کل یارانه نفت و مشتقات نفتی، ایران در سال ۲۰۱۹ حدود ۱۸ میلیارد دلار بوده است؛ جایگاه پنجم بعد از کشورهای هند، اندونزی، عربستان، و چین. چین با جمعیتی ۱۶ برابر جمعیت ایران، تقریباً ۳۰ برابر ایران تولید ناخالص داخلی دارد اما یارانه‌ای که به بخش کشاورزی اختصاص می‌دهد نزدیک به ۲۲۰ برابر یارانه بخش کشاورزی در ایران است! یارانه کشاورزی در چین به‌تنهایی بیش از ۱۲ برابر یارانه نفت و مشتقات نفتی و حدود ۳ برابر کل یارانه انرژی در ایران است. در جمع‌بندی دکتر رضا امیدی آمده است: در این که نظام یارانه در ایران ایرادهای اساسی دارد تردیدی نیست، اما بازنمایی مسئله یارانه به‌نحوی که گویی تنها ایران است که چنین نظام یارانه‌ای دارد، بسیار فریبنده است. نشست تکنیسین‌ها و مهندسان اقتصادی

که خودرو دارند یارانه سوخت پرداخت شده است. طبق آمار موجود، از سال ۹۶ تاکنون حدود ۵۰ درصد ایرانیان خودروی شخصی داشتند که امروز به ۳۰ درصد رسیده است. آیا توزیع یارانه از منابع ملی میان بخشی از جمعیت بدون در نظر گرفتن بخش دیگر کمکی به عدالت می‌کند و دقیقاً برعکس! کسانی که خودروی شخصی دارند از وضعیت مادی بهتری برخوردار هستند و یارانه دقیقاً به همان‌ها پرداخت می‌شود. مشخص نیست چگونه خردی در این میان در کار بوده است

#### یاران یارانه‌ها

در همین وضعیت، عده‌ای مدعی هستند این اقتصاد بی‌حساب و کتاب، سوسیالیستی است. البته اینجا هدف ما حمایت از هیچ مکتب اقتصادی نیست اما موضوع این است که بی‌تدبیری را نباید با نام مکتب اقتصادی سرپوش نهاد. در شاخص پرداخت از جیب مردم در حوزه سلامت، ایران رتبه ۱۵۹ جهان است. ایرانیان بیش از ۴۰ درصد هزینه‌های درمان را از جیب می‌پردازند. این رقم در انگلستان کمتر از ۹ درصد و در آمریکا حدود ۱۱ درصد است. همزمان در نظر بگیریم که دولت آمریکا سالانه بیش از ۸۰ میلیارد دلار در قالب کوپن‌های غذایی بین فقرا توزیع می‌کند. کل بودجه عمومی دولت ایران حدود ۹۲ میلیارد دلار است و حتی با احتساب جمعیت چند برابری آمریکا، این مقدار قابل توجه است. سرانه بودجه دولت در حوزه درمان در ایران حدود ۲۰۰ دلار و در آمریکا حدود ۸۰۰۰ دلار است. البته که آمریکا کشوری سوسیالیستی نیست. اغلب کشورهای اروپایی نیز با توزیع هنگفت یارانه برخی اقلام مواد غذایی، رفاه نسبی غذایی را تأمین کرده‌اند. سرانه بودجه دولت در حوزه آموزش (ابتدایی و متوسطه) در ایران حدود ۶۰۰ دلار و در آمریکا بیش از ۱۵۰۰۰ دلار است. جالب است که در ایران ۹۰ درصد ورودی‌های دانشگاه‌های دولتی شهریه‌پرداز هستند. بی‌دلیل نیست که در سرشماری سال ۱۳۹۰، بیش از ۱۰ میلیون بی‌سواد مطلق داریم و میانگین سنوات تحصیل در ایران کمتر از ۸ سال است.

همزمان، در ایران فرار مالیاتی دهک ثروتمند جامعه حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان است یعنی تقریباً ۲ برابر کل بودجه ۳۱ استان، ۶ برابر کل بودجه آموزش عالی، ۱.۵ برابر بودجه بهداشت و درمان کشور. در همین حال، حدود ۹۶ درصد تسهیلات بانکی در دهه اخیر به دهک‌های بالایی اختصاص یافته است و تنها ۵۰۰ خانوار هر کدام به‌طور میانگین ۲۵۰۰ میلیارد تومان تسهیلات بانکی دریافت کرده‌اند. حدود ۴۰ درصد شاغلان کشور تحت پوشش بیمه اجتماعی نیستند و حدود ۶۰ درصد سالمندان ایران تحت پوشش نظام بازنشستگی نیستند. آیا نمی‌توان با یارانه هدفمند، دست‌کم نیروی کار یا افراد بی‌کار بدون بیمه را با پرداخت بیمه خویش‌فرمای جزئی، تأمین نمود با این همه، در ایران مراکز بهزیستی به بخش خصوصی واگذار می‌شوند اثرسنجی این واگذاری (ملکی، ۱۳۹۵) نشان می‌دهد روند ورود افراد فاقد اسناد هویتی افزایش داشته است. بدین‌معنا که برخی خانواده‌ها به‌دلیل ناتوانی مالی، برای این که مشمول استفاده از خدمات رایگان شوند، اعضای ناتوان یا سالمند خود را بدون اسناد هویتی در اطراف مراکز نگهداری رها می‌کنند. خانواده‌هایی که از یک سو به دریافت چنین خدماتی نیاز دارند و از سوی دیگر توان مالی لازم را ندارند، صرفاً در حد وسع خود و نه به میزان نیاز، از خدمات استفاده می‌کنند و این موضوع موجب شده تا شدت آسیب در این افراد بیشتر شود. توزیع یارانه دولتی بین مراکز خصوصی براساس کیفیت خدمات

دارندگان  
ثروت‌های کلان  
و برخوردار از  
زندگی تجملی،  
چه برای ثروت و  
چه برای تجملات  
(مانند ساختمان  
و خودروی  
لوکس) مالیات  
اندکی می‌پردازند.  
سهم‌اصناف  
(عمده‌فروشی  
و خرده‌فروشی  
و مشاغل دیگر)  
از مالیات کشور  
کمتر از ۴ درصد  
از تولید ناخالص  
کشور است.  
سوداگران، دلان،  
و سفته‌بازان  
اصولاً مالیات  
نمی‌دهند. مشاغل  
خدماتی پردرآمد  
مانند پزشکان،  
دندان‌پزشکان و  
داروسازان فرار  
مالیاتی بالایی  
دارند

به‌جای اقتصاددانان، جایگزین شدن عدد و رقم‌های حسابداری به‌جای ارزیابی و تحلیل اقتصادی و اجتماعی، و ساده‌سازی سیاست‌گذاری، به‌تعبیر کلاوس اوفه، جامعه‌شناس آلمانی، تنها به تداوم و تشدید حکومت‌ناپذیری و ناکارآمدی هرچه‌بیشتر نظام حکمرانی می‌انجامد.

### آیا دولت بزرگ یارانه را می‌بلعد؟

از نگاه اندازه دولت طبق بررسی راغفر و سلطانی، با توجه به شاخص آزادی اقتصادی سال ۲۰۱۸ میلادی (بنیاد هریتیج) ایران کوچک‌ترین اندازه دولت (برحسب مخارج دولت) را بین ۲۰ کشور مهم جهان دارد. در سطح جهان فقط کشورهای نیجریه، سودان، گواتمالا، کنگو، آفریقای مرکزی، بنگلادش، ماداگاسکار و ترکمنستان اندازه دولتشان کوچک‌تر از ایران است. نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص در اقتصادهای اروپایی بین ۴۲ تا ۵۷ درصد و در اقتصادهای کانادا، ژاپن و آمریکا حدود ۴۰ درصد و در کشورهای عربستان سعودی، روسیه، ترکیه و امارات متحده عربی بین ۳۲ تا ۳۸ درصد است. این نسبت در ایران حدود ۱۶ درصد است که حتی از اقتصادهای بسیار آزاد سنگاپور، هنگ‌کنگ و تایوان نیز کمتر است.

نسبت حقوق و دستمزد به تولید ناخالص داخلی در کشورهای برزیل، فرانسه، سوئد، کانادا، اتریش، اسپانیا، استرالیا، روسیه، ایتالیا، آمریکا بالای ۱۰ درصد و در کشورهایمانند کره جنوبی و ژاپن بین ۶ تا ۷ درصد است، اما در ایران فقط ۵ درصد است. پایین بودن حقوق و دستمزد کارکنان دولت به‌همراه وجود مدیران نالایق خود یکی از دلایل ناکارآمدی دولت به‌شمار می‌رود. براساس داده‌های مرکز آمار ایران تعداد کل کارکنان دولت ۲.۳ میلیون نفر است که البته برآورد می‌شود در خارج از بدنه دولت حدود ۱.۴ میلیون نفر در بخش عمومی اشتغال داشته باشند. نسبت تعداد کارکنان دولت به جمعیت در ایران حدود ۳ درصد است که جزو پایین‌ترین‌ها در جهان است. نسبت تعداد کارکنان دولت به جمعیت در کشورهای سوئد (۱۳.۷ درصد)، کانادا و فرانسه (۹ درصد)، آمریکا، انگلستان، بلژیک و اتریش (۷ تا ۸ درصد) و آلمان، سوئیس و ایتالیا (۵ تا ۶ درصد) است. لازم به ذکر است که ۶۴ درصد کارکنان دولت در بخش آموزش و بهداشت اشتغال دارند.

با وجود کوچکی اندازه دولت در ایران، دولت با کسر بودجه و کمبود منابع مواجه است که علت آن تزریق منابع کشور به صورت انواع رانت‌ها به بنگاه‌های خصولتی و در همین حال اعطای معافیت‌های مالی گسترده به آن‌هاست. کلیشه رایج در القای فریب دولت بزرگ در ایران به دو علت کلیدی انجام می‌شود: اول اینکه بخش‌های سودآور و باارزش دولت به‌صورت غیرواقعی خصوصی شود یا اینکه به وابستگان ائتلاف غالب بخشیده شود و دوم اینکه با کاهش سطح و میزان انجام وظایف حاکمیتی و در نتیجه پایین آمدن مخارج دولت، سهم بیشتری از منابع و رانت‌های اقتصاد کشور به بنگاه‌های خصولتی تخصیص پیدا کند. مالیات ثروت سهم ۲.۵ درصدی از مالیات‌ها و ۰.۲ درصدی از تولید ناخالص داخلی کشور را دارد. در دوره ۹۶-۱۳۹۲ کل مالیات دریافتی ۱۳۴ درصد اما مالیات ثروت فقط ۳۱ درصد افزایش یافت. دارندگان ثروت‌های کلان و برخوردار از زندگی تجملی، چه برای ثروت و چه برای تجملات (مانند ساختمان و خودروی لوکس) مالیات اندکی می‌پردازند. سهم اصناف (عمده‌فروشی و خرده‌فروشی) و مشاغل دیگر از مالیات کشور کمتر از ۴ درصد از تولید ناخالص کشور است. سوداگران، دلالان، و سفته‌بازان اصولاً مالیات نمی‌دهند. مشاغل

خدماتی پردرآمد مانند پزشکان، دندان‌پزشکان و داروسازان فرار مالیاتی بالایی دارند. مالیات‌های مرسوم دنیا از قبیل مالیات بر عایدی سرمایه اخذ نشده یا به‌میزان اندکی اعمال می‌شود. راغفر و سلطانی نتیجه می‌گیرند: راه نجات اقتصاد ایران بالا بردن هزینه فعالیت‌های نامولدها از طریق وضع مالیات‌های سنگین بر آن‌ها و پایین آوردن هزینه فعالیت‌های مولد از طریق اعطای یارانه به آن‌هاست. این کار بدون نجات دولت از تسخیرشدگی در خدمت گروه‌های خاص امکان‌پذیر نیست.

### سیاست اقتصادی رانتی

طبق نظر فرهاد مؤمنی، در ایران رانت‌آورترین سیاست‌ها تحت عنوان مبارزه با رانت صورت گرفته است. او به استناد پژوهش‌های مختلف داخلی و خارجی نشان می‌دهد که چگونه سیاست‌های تورم‌زا و رویکردهای انتقاب‌ی به حوزه رفاه، مناسبات رانتی، فساد مالی، نابرابری‌های اجتماعی، و بیکاری را تشدید می‌کند و در نهایت دولت‌ها هزینه‌های سنگین‌تری را صرف سرکوب اعتراضات مردم می‌کنند. در جریان بحران مالی اواخر دهه ۱۹۲۰ در آمریکا، کینز خطاب به هایک می‌گوید: «در این شرایط دوراه بیشتر نداریم، یا باید به سمت گسترش دولت رفاه برویم یا منتظر فاشیسم باشیم». تحت عنوان مبارزه با رانت بسترسازی خطرناک و مشکوکی صورت گرفته است. با حذف ارز دولتی یا یارانه‌ای تحت عنوان مبارزه با رانت، اغلب اقلام حتی کالاهای اساسی در چند سال اخیر تا ۱۰ برابر افزایش یافته‌اند. با این حال، تبلیغات موفق رسانه‌ای عامل همه مشکلات را همان ارز یارانه‌ای نشان داده است. مسأله این است که به چه چیز، چقدر و چگونه ارز یارانه‌ای بدهیم نه این‌ه صورت مسأله پاک شود!

«جوزف استیگر» در مطالعه‌ای خطاب به حکومت‌گران کشورهای درحال توسعه گفته بود، وقتی شما با ژرفای بیشتری به این‌گونه سیاست‌ها نگاه کنید، متوجه می‌شوید که وقتی بودجه بقای حداقلی فرودستان را کاهش دهید، به‌دلیل پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن، هزینه‌های دولت به‌طرز غیرمتعارفی افزوده می‌شود؛ با این تفاوت که در اثر این سیاست‌ها فاصله مردم و حکومت افزایش پیدا می‌کند. مطالعات نشان داده در تجربه برنامه تعدیل ساختاری دهه ۱۹۸۰ وقتی دولت‌های آفریقای با افزایش نرخ ارز موجب فشار بر طبقه فرودست شدند، کارد به استخوان مردم رسید و دولت به‌طور متوسط ۶ درصد تولید ناخالص داخلی را صرف سرکوب اعتراضات فرودستان کرد. در دهه ۱۹۹۰ «فرانسوا بورگینیو» شبیه همین مطالعه را در مورد آمریکای لاتین برای بانک جهانی انجام داده است. ایشان در آن مطالعه نشان داد که به‌خاطر خطای فاحش سیاست‌ها، کشورهای آمریکای لاتین معادل ۷ درصد از تولید ناخالص را صرف سرکوب مردم کرده‌اند.

با این حساب، مسأله این نیست که یارانه بپردازیم یا نپردازیم. مسأله این است که وقتی سیاست‌گذاری به جای سیاست‌گذاری عمومی، سیاست‌گذاری رانتی و در اختیار گروه‌هایی محدود است که ثروت، قدرت و منزلت در آن‌ها تجمیع یافته است، نمی‌توان انتظار داشت که پرداخت یا حذف یارانه‌ها، کمکی به اهداف ظاهری این کار کند. یارانه‌هایی که پرداخت می‌شوند هم در جیب همان‌هایی می‌رود که بی‌نیازتر هستند. در واقع، مشکل پرداخت یارانه‌ها در ایران صرفاً با مهندسی اقتصادی حل نمی‌شود. میدان بازی به‌گونه‌ای است که توپ را اگر ول کنید، درون دروازه کم‌درآمدشدگان قل می‌خورد. ■

راه نجات اقتصاد ایران بالا بردن هزینه فعالیت‌های نامولدها از طریق وضع مالیات‌های سنگین بر آن‌ها و پایین آوردن هزینه فعالیت‌های مولد از طریق اعطای یارانه به آن‌هاست. این کار بدون نجات دولت از تسخیرشدگی در خدمت گروه‌های خاص امکان‌پذیر نیست

اگر کارخانه‌های بخش خصوصی بعد از انقلاب ملی نمی‌شدند می‌شود گفت سال ۵۹ یا ۶۱ و ۶۲ کارخانه پیکان تمام وسایط را در داخل تولید می‌کرد، بقیه کالاها هم شاید چنین می‌شدند.

# سیاست‌های دولتی بحران ساز

## نگاهی تاریخی بر سیاست‌های مالی و پولی دولت



علی اصغر سعیدی

جامعه‌شناس اقتصاد

### چرا باید خواند:

آیا شما هم جزو

افرادی هستید که

در حوزه اقتصاد

کلان و در مسیر

سیاست‌گذاری

برای اقتصاد، مدام

موانع و مشکلات را

پیش‌پایی می‌کنید تا

از سر چشمه مشکلات

حرف بزنید؟ شاید

این مقاله یکی از

پاسخ‌های دغدغه

شما باشد.

سیاست اقتصادی واژه‌ای است برای توصیف کنش‌های دولت، تا نشان دهد تا چه حد دولت می‌تواند بر اقتصاد کشور تأثیر بگذارد. این کنش‌ها از نرخ‌های متفاوت مالیاتی گرفته تا نرخ‌های متفاوت بهره و هزینه‌های دولتی را شامل می‌شود.

سیاست اقتصادی دولت در سه دسته طبقه‌بندی می‌شود:

**سیاست مالی:** یعنی تغییراتی که دولت در هزینه‌های دولتی و مالیات‌ها در نظر می‌گیرد؛

**سیاست پولی:** یعنی تغییراتی که در عرضه پول انجام می‌شود تا با تغییر در نرخ تورم بر اقتصاد تأثیر مثبت بگذارد؛

**سیاست‌های طرف عرضه:** یعنی کوشش‌هایی که به‌صورت سیاست برای افزایش ظرفیت تولیدی اقتصاد انجام می‌گیرد. هدف اصلی سیاست‌های دولت تقویت و حمایت از یک اقتصاد قدرتمند است تا بتواند به هدف اصلی اقتصادی یعنی ثبات قیمت‌ها، اشتغال کامل، رشد اقتصادی ناقل شود. به‌علاوه این‌ها سه هدفی هستند که برای سلامت اقتصاد سیاست‌گذاری می‌شوند. اما این سیاست‌ها تحت تأثیر قدرت‌ها، گروه‌های فشار، سندیکاها و نهادهای مدنی و نیز افکار مختلف سیاسی است.

### سیاست‌گذاری برای صنعت

در ایران مدرن سیاست‌گذاری اقتصادی همواره دچار نوسان بوده است و این نوسانات تحت تأثیر موقعیت دولت از یک‌سو، و موقعیت اجتماعی تجار و صاحبان صنایع (به‌عنوان دو بازیگر اصلی در اقتصاد) و ورود اندیشه‌های سوسیالیستی از سوی دیگر، قرار داشته است. تجار، به‌عنوان مهم‌ترین گروه اجتماعی در بازار اقتصادی در تاریخ ایران به‌ویژه در عصر مشروطیت نقش مؤثری نه‌تنها در اقتصاد، بلکه در جامعه و تحولات اجتماعی داشتند<sup>۱</sup>. تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد که نقش تجار حتی از نقش روحانیون هم به‌عنوان برانگیزانندگان جنبش‌ها به‌ویژه جنبش تنباکو و جنبش مشروطه مهم‌تر بوده است<sup>۲</sup>. آن‌ها حتی در مجلس اول و دوم بعد از مشروطیت هم سهم زیادی در سیاست‌گذاری اقتصادی داشتند؛ چون تعداد نمایندگان این طبقه که در مجلس شورای ملی انتخاب می‌شدند توانستند در مصوبات مجلس اول و دوم نقش مؤثری داشته باشند. در آن دوره تقریباً طبقه صنعتگر هنوز ظهور نکرده بود و صنایع پرانکندهای در دوره قاجاریه تأسیس شده بود.

صنعتگران مدرن در ایران در دوران رضاشاه ظهور کردند؛ در این دوران ضمن اینکه دولت مقتدرانه عمل می‌کرد و نقش نیروهای موجود اقتصادی مانند تجار و بازرگانان در سیاست‌های اقتصادی کم شده بود و سیاست‌های اقتصادی بیشتر معطوف به رشد صنعت بود. چند صنعت در این سیاست‌ها مورد توجه بود: یکی صنایع سیمان بود، برای اینکه برای مدرن شدن بایستی طرح‌های بزرگی مثل راه‌آهن و راه‌سازی و ساختمان‌سازی انجام می‌شد که احتیاج به سیمان داشتند. هرچند بخش خصوصی زیاد در آن دخالت نداشت. صنعت نساجی صنعت بعدی بود که بخش خصوصی به‌تدریج بسیار در آن وارد شد. به‌طور

مثال، شهر اصفهان نزدیک به پایان دوره رضاشاه به‌عنوان شهر صنعتی شناخته می‌شد که از صبح با بوق کارخانه‌ها بیدار می‌شد حال و هوای شهر صنعتی را داشت و خیلی معروف بود به منچستر ایران. چون مانند شهر منچستر بعد از انقلاب صنعتی انگلستان، کارخانه‌های نساجی زیادی در آن تأسیس شده بود. از ۱۶ کارخانه برتر ایران در سال ۱۳۴۱ شمسی ۱۴ کارخانه نساجی خصوصی بودند که بالای هزار کارگر داشتند. قبل از این دوره هم تا ۱۳۲۰ شمسی ۷ کارخانه بزرگ صنعتی با مشارکت و سرمایه‌های تجار فقط در اصفهان بنا شده بود. پس می‌توان گفت در بخش نساجی از اعتبارات دولتی در چارچوب سیاست‌های اقتصادی طبقه جدیدی را به وجود آورد که بعدها باز دیگر مهمی در اقتصاد ایران شد<sup>۳</sup>. البته تحقیقاتی که انجام‌شده نشان می‌دهد که خاستگاه این‌ها لزوماً بازار نبوده برای اینکه اولین کسی که کارخانه نساجی را به ایران آورد مهندس عطاءالملک دهش بود که به کمک پدر همسر آلمانی‌اش به نام شونمان آلمانی، اولین ماشین‌های نساجی را وارد کردند. ریشه‌های اولیه تأسیس این نوع کارخانه‌ها به تلاش‌های مهندسی برمی‌گردد تا تجار. برخی دیگر مهندسیین کارآفرین هم از میان تحصیل‌کردگان دوران رضاشاه بالا آمدند که به آن‌ها «باب‌قلم» هم می‌گویند. برخی از این‌ها به ادارات رفتند و بوروکرات شدند و برخی تکنوکرات‌هایی بودند که کارخانه‌های زیادی را آوردند. به‌ویژه سیاست‌های اعزام دانشجویان تأثیر مهمی در اقتصاد کشور داشت. اولین دسته سال ۱۳۱۶ برگشتند. کسی که در میان آن‌ها بود خلیل ارجمند بود که کارخانه ارج را بنا نهاد. این کارخانه محصول اعزام دانشجویانی بود که عمدتاً برای راه انداختن بخش صنایع و معادن برای تحصیل یا به فرانسه می‌رفتند یا آلمان. ولی این‌ها وقتی برگشتند در ادارات مختلف مشغول به کار شدند و برخی وارد صنعت شدند. از جمله مهندس بازرگان و مهندس خلیلی از افرادی بودند که نگاه‌های صنعتی هم تأسیس کردند. البته تعداد صنعتگرانی که خاستگاه بازاری داشتند هم کم نبود و بعدها با سیاست‌های اقتصادی صنعت گسترانه دولت بیشتر هم شدند. به‌طور مثال، مؤسسیین کارخانه پارچه‌بافی آذربایجان در قزوین که با اعتبار و اجازه دولتی در ۱۳۱۴ ساخته شد همه بازاری بودند. این خود نشان می‌دهد بازاری‌ها دست بالا را در صنعت نداشتند. به‌عبارت‌دیگر، یک طبقه صنعتی شناخته‌شده نشده بودند. بنابراین با خلع رضاشاه از سلطنت سیاست‌های اقتصادی توسعه صنعتی کنار گذاشته شد. اما جامعه و اقتصاد وارد دوران جدیدی شدند. سیاست‌های اقتصادی بر ضد تجار بود و محدودیت‌هایی بر واردات اعمال شده بود و انحصارات دولتی بر برخی کالاها اساسی فعالیت‌های تجار را محدود کرده بود.

### اعتراض کارگری سر بر آورد

وقتی وارد دوران بعد می‌شویم، بعد از جنگ دوم جهانی این معادله به هم می‌خورد. اگر به روابط کارگری سال‌های دهه ۱۳۱۰ شمسی نگاه کنید اگرچه حزب توده تشکیل شده بود و بسیاری از اعضای آن در زندان به سر می‌پرند و طبقات کارگر هم در حال رشد بودند ولی هیچ اثری از جنبش‌های کارگری در این دوره نمی‌بینیم. می‌توان گفت تا اندازه زیادی روابط کارگری براساس روابط پدرسالارانه وجود داشته و هنوز ما شاهد تظاهرات کارگری یا ناآرامی‌های کارگری نبودیم. وجود این روابط پدرسالارانه بین کارگران و کارفرماها از یک سو و رابطه اقتدارگرایانه بین دولت و فعالان اقتصادی از سوی دیگر، اجازه نمی‌داد تا اندیشه‌های سوسیالیستی در بین کارگران رشد کند و بر سیاست‌های اقتصادی تأثیر داشته باشد. اما بلافاصله بعد از جنگ دوم جهانی اعتراضات و اعتراضات در شهرهای صنعتی مانند اصفهان اتفاق می‌افتد. یعنی جنبش کارگری در سال ۱۳۲۳ موجب شد تا اندازهای سرمایه‌گذاری خصوصی در صنعت تضعیف شود<sup>۴</sup>. کارگران تقریباً به حال خودشان گذاشته شدند. نه‌تنها رشد صنعت متوقف شد بلکه تظاهرات کارگری و بسته شدن کارخانه‌ها مشکلاتی به وجود

در رابطه با ریسک سرمایه‌گذاری و یا اعتبارات دولتی، دهه ۳۰ را می‌توان دهه‌ای دانست که صنعتگران خودشان روی پای خود تا اندازه زیادی بودند. البته وام‌های دولتی مؤثر بود و رابطه این‌ها با نیز دولت مهم بود به‌ویژه برخی از افرادی که خیلی ذی‌نفع بودند مثل ایتهاج ریاست قدرتمند سازمان برنامه. در این دوره سیاست اقتصادی دولت تکیه بر وام‌های خارجی برای راهاندازی اقتصاد ایران بود. به صنایع هم کمک‌هایی شد. یکی از این کمک‌ها وام صندوق تجدید ارزیابی جواهرات سلطنتی بود.<sup>۷</sup> تا آن موقع ارزش جواهرات سلطنتی را ارزیابی نکرده بودند گروهی از خارج آوردند و ارزشیابی کردند و مابه‌التفاوت ارزشیابی را به صنایع وام دادند.<sup>۸</sup> این خود نشان می‌دهد جوی به وجود آمده بود که تجار می‌توانستند سرمایه خود را به بخش صنعت بیاورند. سیاست‌های اقتصادی حمایت از صنایع داخلی و تولید داخلی بود.

### بخش خصوصی در دهه ۴۰

سیاست‌های اقتصادی سال‌های اول دهه ۴۰ موثرترین سیاست‌ها به هدف توسعه بخش خصوصی بود؛ عصری بود که انفجار صنعتی رخ داد یعنی دورهای که بعد از رکود شدید دوران امینی به وجود آمده بود و می‌شود گفت تا اندازه زیادی رژیم شاه مجبور شد به دنبال کسی بگردد که به قول اسدالله علم اقتصاددانی مثل دکتر شاخت آلمان که اصلاحات اساسی را در آلمان بعد از جنگ دوم جهانی به وجود آورد، شود تا کشور را از بحران در آورد.<sup>۹</sup> او دکتر علی‌نقی عالی‌خانی بود که فال‌التحصیل و شاگرد اول رشته اقتصاد از فرانسه بود که هنگام بازگشت به ایران مشاور اتاق بازرگانی شده بود. او وقتی وزیر اقتصاد شد تیمی از تکنوکرات‌ها فراهم کرد.<sup>۱۰</sup> این گروه به لحاظ هماهنگی و تجربه و دانش در تاریخ ایران بی‌نظیر است. این گروه جمعی از تکنوکرات‌ها بودند. بسیار هماهنگ با همدیگر بودند و خیلی حرف‌شنوی از عالی‌خانی داشتند. به‌علاوه، بیش عالی‌خانی هم باعث شد استراتژی توسعه جایگزینی واردات انجام شود.<sup>۱۱</sup> به این صورت بود که تقریباً جلوی واردات بسیاری از کالاها را گرفتند و واردکنندگان را مجبور کردند که وارد کار صنعت شوند البته واردکننده‌هایی که این پتانسیل را داشتند. یکی از معروف‌ترین آن‌ها برادران بر خوردار بودند. آن دوره بسیاری از کارخانه‌ها تأسیس شد ولی کارخانه‌ها بیشتر کارخانه صنایع نیمه سنگین بود. به تدریج در سال‌های بعد در صنایع دیگر هم اضافه شدند مثلاً صنایع سنگین مثل خودروسازی و معادن و... اگر چه در دهه ۴۰ شاهد تولید پیکان و تأسیس کارخانه ایران‌ناسیونال و خودروسازی‌های سنگین و این‌ها نبودیم و چیزی که وجود داشت مونتاژ بود اما سیاست‌های اقتصادی به سمت و سوی تقویت بخش خصوصی بود. در این دهه کارخانه‌های زیاد نیمه سنگین و سنگین درست شد، ماشین‌های بزرگ در ایران تولید می‌شد و این‌ها البته با رهیافت تولید داخلی هم شروع شدند. یعنی جایگزینی صنایع مونتاژ می‌شد که قبلاً وجود داشت. تلاش این گروه تکنوکرات در سیاست‌گذاری اقتصادی این بود که صنایع مونتاژ کنار گذاشته شود، البته مشکلاتی وجود داشت به این معنا که بعضی از مونتاژکاران از سوی اعضای دربار حمایت می‌شدند از جمله اخوان که کارخانه مونتاژ چپ را می‌آورد سرهم می‌کرد ولی بعدها این مسئله به نفع تولید داخلی تغییر کرد. البته یک درک غلطی وجود داشت که این‌ها صنایع مونتاژ است و یک نوع وابستگی جدیدی را به وجود می‌آورد ولی تحقیقات بعدی بعد از انقلاب نشان داد که آن چیزی که آن‌ها به آن مونتاژ می‌گفتند در حقیقت مونتاژ نبوده و تولید داخلی است. اگر کارخانه‌های بخش خصوصی بعد از انقلاب ملی نمی‌شدند می‌شود گفت سال ۵۹ یا ۶۱ و ۶۲ کارخانه پیکان تمام وسایلی را در داخل تولید می‌کرد، بقیه کالاها هم شاید چنین می‌شدند.

به موازات رشد بخش خصوصی صنعتی به تدریج از ۱۳۴۶ به بعد دولت به خاطر اینکه بخش خصوصی توانمندی نداریم که بتواند تأسیس صنایع سنگین را تقبل کند خودش وارد احداث کارخانه صنعتی بزرگ شد که مهم‌ترین آن هم تأسیس کارخانه ذوب آهن بود و شرکت سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران تأسیس شد که دو کار مهم داشت: اولاً که کارخانه‌هایی که متعلق به سازمان برنامه مانده بود را نوسازی کند؛ بخشی از صنایع بخش خصوصی را که ورشکسته می‌شوند را نوسازی کند و بخش خصوصی را تقویت کند. سازمان گسترش قراردادی تهرتری با روسیه بست؛ گاز ایران را شوروی‌ها می‌گرفتند و در مقابل چهار کارخانه یعنی کارخانه تراکتورسازی تبریز، ماشین‌سازی تبریز، ماشین‌سازی اراک و آلومینیوم‌سازی اراک را در ایران تأسیس کرد. این موجب این شد که چند منطقه صنعتی هم در ایران به وجود آید. اتفاقاتی که در دهه ۴۰ رخ داد خیلی اساسی بود ولی در دهه بعد

آورد که انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش داد. ولی موجب ظهور یک دوره‌ای که شد که ما به آن عصر امتیازات می‌گوییم. یعنی تجار شدت محدودیت‌هایی که در دوران رضاشاه داشتند را دیگر نداشتند و به‌شدت نیز وارد معاملات و گرفتن نمایندگی فروش کالاها خارجی شدند و می‌توان گفت این شروع یک صنعتی شدن جدیدی بود که در دوره بعد اتفاق افتاد. اتاق بازرگانی در این دوره به خاطر ضعف دولت - چون که در ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ تقریباً ۱۴ دولت عوض شد که این خود ناآرامی وضع سیاسی را نشان می‌داد- در مقابل دولت فعال‌تر و قدرتمند بود.<sup>۵</sup> تجا به لحاظ عملی به خاطر تعرفه‌ها و مشکلاتی که در زمان رضاشاه وجود داشت از بین رفته بودند، بازرگانی دولتی تا اندازه زیادی به تجار برگشته بود و قدرت اتاق بازرگانی هم افزایش یافت. رئیس قدرتمند اتاق بازرگانی در آن دوره عبدالحسین نیکپور بود که در گروه هواداران قوام‌السلطنه بود. اما به لحاظ اجتماعی صنعتگران و تجار رابطه اجتماعی خودشان را با دولت و با سایر گروه‌های اجتماعی به‌ویژه روحانیون حفظ کرده بودند.

در دوره فترت و بحران دموکراسی نفوذ چپ‌گرایان متوجه حمایت از کارگران از یک‌سو و تضعیف صنعتگران از راه تأثیر بر سیاست‌های اقتصادی بود و در این میان تجار که از محدودیت‌های تجاری دوره رضاشاه رهایی یافته بودند اعتبار و قدرت گذشته خود را پیدا کردند.

در دهه ۱۳۳۰ هنگامی که ثبات سیاسی به وجود آمد نهضت جنبش صنعتی شروع شد. کارخانه‌های زیادی به همت خود این صنعتگران درست شد که برخی خاستگاه تجاری داشتند ولی در بین این‌ها مهندسین هم بودند. ولی عمدتاً می‌توان گفت خانواده‌هایی وارد کار صنعت شده بودند که از دوران تجارت به‌تدریج شروع به گسترش صنعت کرده بودند.<sup>۶</sup>

دهه ۳۰ شمسی به دنبال همان عصر امتیازاتی که در دهه ۲۰ به وجود آمده بود برخی از همین بازاری‌ها وارد عصر صنعت شدند. در مقایسه این دوره با دهه بعد یعنی دهه ۴۰ شمسی که تحت عنوان استراتژی جایگزینی واردات مطرح است می‌توان گفت که همین سیاست رسمی اقتصادی بطور غیررسمی اعمال شد و این را صنایع بخش خصوصی بودند که بدون کمک مهمی از دولت برخی کارخانه‌ها را راهاندازی کردند.

### سیاست اقتصادی دولت بعد از کودتای ۱۳۳۲

سیاست اقتصادی دولت بعد از کودتا اگر چه محافظه‌کارانه بود و نیم‌نگاهی به نیروهای چپ و حمایت آن‌ها از کارگران در کارخانه‌ها داشت اما تا اندازه‌ای که ثبات سیاسی به وجود آمده بود راه صنعت‌گرایی را در پیش گرفته بود. به‌علاوه، بسیاری کارخانه‌های دولتی نیز به‌تدریج به بخش خصوصی فروخته شد. نسلی که در بخش خصوصی صنعت را گسترش می‌داد، نسل ترقی‌خواه بعد از انقلاب مشروطیت بود.

### نکته‌هایی که باید بدانید

- ▶ هدف اصلی سیاست‌های دولت تقویت و حمایت از یک اقتصاد قدرتمند است تا بتواند به هدف اصلی اقتصادی یعنی ثبات قیمت‌ها، اشتغال کامل، رشد اقتصادی سلامت اقتصادی و نائل شود.
- ▶ توسعه صنعت در ایران راهی جز روشن شدن وضع مالکیت شرکت‌ها ندارد. این تسلط نئولیبرالیسم نیست. تأکید بر اینکه ما به‌سوی یک اقتصاد بازار با تسلط بخش خصوصی هستیم ما را از مشکل و مسئله‌یابی واقعی در اقتصاد ایران دور می‌کند.
- ▶ در سال ۴۲ صنعتگرانی که در اثر تحولات صنعتی و سیاست‌های اقتصادی معطوف به رشد بخش خصوصی صنعتی ظهور کرده بودند به‌غیر از تشکیل سندیکاها، مختلف مانند نساجی و صنایع فلزی تصمیم گرفتند اتاقی تأسیس کنند به نام اتاق صنایع و معادن.
- ▶ در دوران رضاشاه ضمن اینکه دولت مقتدرانه عمل می‌کرد و نقش نیروهای موجود اقتصادی مانند تجار و بازرگانان در سیاست‌های اقتصادی کم شده بود و سیاست‌های اقتصادی بیشتر معطوف به رشد صنعت بود.

در دوره اول انقلاب اسلامی با تصمیم شورای انقلاب طبقه صنعتگر در بخش خصوصی به کلی از میان برداشته شد. نقش صنعتگران بخش خصوصی با ملی شدن از بین رفت و این به دلیل غلبه دیدگاه‌های چپ‌گرایان بود که با تفسیرهای افراطی و استفاده از جو انقلاب صنایع را ملی کردند.

گذشته برگشته است. ولی تحقیقاتی که شد نشان داد که صنعتگران تعلق سیاسی به شاه نداشتند و در تلاش نبودند قدرت سیاسی را در دست بگیرند. بعد از انقلاب دیگر تحولی مهم در بخش صنعت خصوصی نداریم - یعنی تغییراتی که تحول صنعتی روی ساختار مالکیت دارد- تا دهه ۸۰ که دو اتفاق مهم افتاد که روی ماهیت مالکیت تأثیر داشت. دولت بسیاری از کارخانه‌هایی که قبلاً صادره شده بود و در دست وزارت صنایع بود به‌عنوان بدهی خودش به صندوق بازنشستگی سازمان تأمین اجتماعی داد و اینجا با یک ساختار مالکیتی جدیدی مواجه شدیم که مالک واقعی بسیاری از کارخانه کارگران و کارمندان شدند اگرچه مدیریت آن در دست دولت باقی ماند مانند صندوق بازنشستگی، و شرکت‌های شستا. بعد از این صنایع بنیادها هستند که به تدریج به خاطر اهداف رفاهی بعد از انقلاب تأسیس شدند و برای فعالیت‌های رفاهی، غیر از منابع مردمی و دولتی، احتیاج به درآمدهای برخی از صنایع داشتند. دولت به تدریج این‌ها را به بنیادها واگذار کرد که به تدریج بنیادها هم بزرگ شدند. این بنیادها همزمان کار رفاهی و اقتصادی انجام می‌دهند. یعنی تقریباً می‌توان یک نوع شبه‌دولت رفاه را هم در اینجا مشاهده کرد. اگر مالکیت بخش صنعت را نگاه کنیم یک ساختار مالکیتی داریم که اول شرکت‌های دولتی هستند، بعد بیشترین مالکین شرکت‌ها، شرکت‌های شبه دولتی هستند، بعد بنیادها هستند و بعد ما یک بخش خصوصی بسیار ضعیفی داریم که این بخش خصوصی هم میزان مالکیتش کم است و هم پراکنده است. بسیاری از صنایع دیگر که تحت عنوان خصوصی‌ها معروف شده‌اند که نه دولتی هستند به شکل قبلی و نه خصوصی هستند، و این موجب مشکلی شده که اقتصاد ما با آن روبروست. این‌ها دولتی نیستند مانند شرکت مس سرچشمه دولتی به این شکل که سازمان توسعه معادن که سی درصد سهام آن را دارد نمی‌تواند براحتی مدیرعامل آن را انتخاب کند چون سازمان تأمین اجتماعی نیز سهم قابل توجهی دارد و می‌تواند عضوی از هیئت مدیره را انتخاب کند. اما تصمیم‌گیری نهایی و برنامه توسعه برای مدیرعامل به سبب پیچیدگی در وضع صاحبان سهام مشکل است.

توسعه صنعت در ایران راهی جز روشن شدن وضع مالکیت شرکت‌ها ندارد. البته نام این وضعیت تسلط نئولیبرالیسم نیست. تأکید بر اینکه ما به‌سوی یک اقتصاد بازار با تسلط بخش خصوصی هستیم ما را از مشکل و مسئله‌یابی واقعی در اقتصاد ایران دور می‌کند. اما مطالعه آنچه این وضعیت را به وجود آورده بدون توجه به نظرات چپ‌گرایان در برهه‌های مختلف تاریخی، به‌ویژه بعد از انقلاب ممکن نخواهد شد. ■

#### پی‌نوشت‌ها

1. Floor, W., 'The Guilds in Iran, an Overview from the Earliest Beginnings till 1972', *Zeitschrift Deutschen Morgenlandischen Dischen Gesellschaft*, Vol. 125, 1975: 99-116; Floor, W., 'The Merchants (tujjar) in Qajar', *Zeitschrift Deutschen Morgenlandischen Dischen Gesellschaft*, Vol. 126, No. 1, 1976
2. Gilbar, G., 'The Big Merchants (tujjar) and the Persian Constitutional Revolution of 1906', *Asian and African Studies*, Vol. 11, No. 3, 1979: 275-303
3. Ashraf, A and Banuazizi, 'Classes in the Pahlavi Period', *Encyclopaedia Iranica*, Vol. V, Berkeley, Mazda Press, 1992: 658-91; Ashraf, A., 'Bazaar-Mosque Alliance: The Social Basis of Revolts and Revolution', *Politics, Culture, and Society*, Vol. 1, No. 4, Summer 1988: 538-67; Ashraf, A., 'Bazaar iii, Socio-Economic and Political Role of the Bazaar', *Encyclopaedia Iranica*, Vol. IV, Berkeley, Mazda Press, 1990: 30-44
4. لاجوردی، حبیب، «اتحادیه‌های کارگری و خودکامی در ایران»، ضیاصدقی، نشر نو، ۱۳۶۹
5. عظیمی، فخرالدین، «بحران دموکراسی در ایران»، ۱۳۷۳
6. لاجوردی، سید محمود، «زندگی حاج سید محمود لاجوردی»، به کوشش منوچهر فرهنگ، ۱۳۵۲
7. مجیدی، عبدالمجید، «خاطرات عبدالمجید مجیدی، وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه»، ۱۳۵۶-۱۳۵۱ به کوشش صدیقی، ویراسته حبیب لاجوردی، گام نو، ۱۳۸۱
8. کارشناس، مسعود، «نفت، دولت و صنعتی شدن در ایران»، گام نو، ۱۳۸۱، فصل چهارم
9. علم، اسدالله، «یادداشت‌های علم»، ویراستار عالیخانی، سال ۱۳۵۲، جلد سوم، کتابسرا، ۱۳۷۷
10. یگانه، محمد، «خاطرات محمد یگانه»، ویراستار حبیب لاجوردی، ثالث، ۱۳۸۴
11. عالیخانی، علینقی، «سیاست و سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران»، ۱۳۴۰-۱۳۵۰، مصاحبه، بنیاد مطالعات ایران، ۱۳۸۰
12. علی‌اصغر سعیدی، «تکنوکراسی و سیاست اقتصادی در ایران عصر پهلوی»، نشر لوح فکر، ۱۳۹۴
13. شریف‌امامی، «خاطرات مهندس شریف‌امامی»، ویراستار حبیب لاجوردی، مجموعه تاریخ شفاهی ایران، هاروارد، ۱۳۶۸
14. مجله اتاق بازرگانی و مجله اتاق تجارت
14. Saedi, Ali A., Sociological obstacles to the development of a market Economy, unpublished Ph.D thesis, University of London, 1999; Saedi, Ali A Dislocation of the State and Emergence of the Political Factionalism in Post-Revolutionary Iran, *Journal of Political Geography*, Vol. 21, No. 4, 2002, pp 525-546; Saedi, Ali A., Charismatic Political Authority and Populist Economics in the post-Revolutionary Iran, *Third World Quarterly*, 2001, Vol.22, No.2, pp 219-36

این گسترش پیدا کرد. درآمد نفت خیلی تأثیر داشت هم روی ثروت تجار و هم روی صاحبان صنایع. البته انتقاداتی اینجا هست که درآمد نفت هم موجب گسترش صنایع شد و هم تمرکز آن‌ها را به هم زد. در سال ۴۲ صنعتگرانی که در اثر تحولات صنعتی و سیاست‌های اقتصادی معطوف به رشد بخش خصوصی صنعتی ظهور کرده بودند به‌غیر از تشکیل سندیکاهای مختلف مانند نساجی و صنایع فلزی تصمیم گرفتند اتاقی تأسیس کنند به نام اتاق صنایع و معادن. اتاق صنایع و معادن در کنار اتاق بازرگانی به ریاست محمد خسروشاهی قرار گرفت. اول شریف‌امامی و بعد ضیایی مدیر اتاق صنایع شدند. از ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۸ دوره تنشی هست بین این دو اتاق و مسئله ادغام آن‌ها. در سال ۱۳۴۸ به هر صورت تصمیم گرفتند که آن دو اتاق در هم ادغام شوند. بازرگانان مخالف بودند و وقتی که ادغام شدند چون در فضای اقتصادی ایران دست بالا را صاحبان صنایع داشتند در اتاق هم دست بالا را گرفتند و بعد این موجب منزوی شدن تجار شد.<sup>۱۳</sup> تقریباً تا انقلاب ۵۷ توجهی نشد که تجار در اتاق منزوی شدند و رابطشان با طبقه حاکمه قطع شد و آن‌ها باز به متحدین قبلی‌شان یعنی روحانیت بیشتر نزدیک شدند. شاه هم از تجار فاصله گرفت و هم از روحانیت. اینجا یک شکافی ایجاد شد بین تجار و هیئت حاکمه و بعد بین تجار و صنعتگران. بازتاب این شکاف را درست بعد از انقلاب می‌بینیم که تجاری مثل آقایان عسگرآولادی و خاموشی به‌عنوان نمایندگان شورای انقلاب وارد اتاق بازرگانی و صنایع و معادن شدند که سال ۱۳۴۸ ادغام و تأسیس شده بود و دست بالا را در آن صنعتگران داشتند. البته وقتی دست بالا را داشتند در سیاست صنعتی و اقتصادی دولت تأثیر می‌گذارند.<sup>۱۴</sup> این واکنش اختلاف تاریخی بین آن‌ها بود که آمدند در اصل اتاق را در دست گرفتند.

#### سیاست‌گذاری اقتصادی بعد از انقلاب اسلامی

تقریباً می‌شود گفت صنعتگری قدیمی از تیرماه ۱۳۵۸ در اتاق بازرگانی نداشتیم و مالکان خصوصی جز یکی دو تا کارخانه از دوره پهلوی باقی نماندند و بقیه صادره و ملی شدند. بخشی تحت نظر بنیادها قرار گرفتند. می‌توان گفت در مقطع انقلاب ساختار مالکیت به هم خورد و ما وارد دوره جدیدی شدیم که در این دوره صاحبان صنایع بزرگی که خانواده نقش مهمی در توسعه آن‌ها داشته باشد از صفحه تاریخ محو شدند. شاید بتوان گفت که انتقادی که برخی به دولت و به ساختار وضع اقتصادی می‌کنند که وارد یک دوره نئولیبرالی شدیم به‌طور کلی حقیقت ندارد. اما سیاست‌های اقتصادی در دهه ۴۰ سمت و سوی بخش خصوصی را داشت. البته تحت تأثیر چپ‌گرایان شاه سیاست‌هایی را در چهارچوب انقلاب به اصطلاح سفید اعلام می‌کرد که مانع انباشت سرمایه خصوصی می‌شد و صنعتگران را دل‌سرد می‌کرد مانند مبارزه با گرانفروشی که هم کسبه خرد را نشانه می‌گرفت و هم صنعتگران را.

از پایان دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ دورهای است که نقش اتاق بازرگانی صنایع بالا است، صنایع دارند رشد می‌کنند نمایندگان خودشان را به مجلس معرفی می‌کنند. بخشی از نمایندگان انتصابی شاه هم در مجلس سنا از تجار بودند برای اینکه قدیمی‌تر بودند و به هر صورت آگهی‌های انتخاباتی را هر چند انتخابات دموکراتیکی نبود می‌دیدید معلوم بود که اتاق بازرگانی همیشه نماینده معرفی می‌کند و این نماینده‌ها خودشان تجار بودند مثلاً علی رضایی، قاسم لاجوردی و... منظور این است که آن‌ها به جایی رسیده بود که اگرچه شاه جلوی فعالیت این‌ها را می‌گرفت و چندجمله به آن‌ها حمله کرده بود. ولی در مجموع صاحبان صنایع می‌خواستند وارد سیاست شوند و از این طریق بر سیاست‌های اقتصادی اعمال نفوذ کنند.

در دوره اول انقلاب اسلامی با تصمیم شورای انقلاب طبقه صنعتگر در بخش خصوصی به کلی از میان برداشته شد. نقش صنعتگران بخش خصوصی با ملی شدن از بین رفت و این به دلیل غلبه دیدگاه‌های چپ‌گرایان بود که با تفسیرهای افراطی و استفاده از جو انقلاب صنایع را ملی کردند. تجار هم به تدریج در اثر اقداماتی که دولت انقلابی کرد نقششان روز به روز کمتر شد تا بعد از پایان جنگ تحمیلی وارد دورهای می‌شویم که تا حدی گرایش به بازگشت بخش خصوصی به قدرت اقتصادی مطرح شد. اما تجربه خصوصی‌سازی در ایران موفق نبود و در نهایت نتوانست یک طبقه جدیدی به وجود آورد. قرار بود برخی از صنعتگران قدیمی را به کشور برگرداند و کارخانه را به آن‌ها باز پس دهند اما بار دیگر فشار چپ‌گرایان جلوی این سیاست اقتصادی معطوف به رشد بخش خصوصی را گرفت. آن‌ها معتقد بودند که اگر مثلاً محمود خیامی صاحب کارخانه ایران ناسیونال و دیگران برگردند گویی شاه و رژیم

# دولتی رانتی و ارتباط آن با جامعه

## نظریه دولت رانتی؛ آیا مالیات می تواند راهگشا باشد؟



حمیدرضا غریبی

دکترای جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران

چرا باید خواند:

اقتصاد رانتی و دولت

رانتی از شکل‌گیری تا

امروز موضوع مورد

بحث این مقاله است؛

اگر شما هم به این

موضوع علاقه دارید،

توصیه می‌شود آن را

بخوانید.

### مقدمه

مفاهیم و چارچوب‌های تحلیلی مهم‌ترین ابزار «عالمان» برای فهم جهان و مکانیزم‌های آن هستند. این انگاره‌های ذهنی اعتبار خود را از واقعیتی می‌گیرند که در ابتدا اندیشمندان با آنها «مواجهه بی‌واسطه» دارند. عالمان برای فهم وجوه مختلف این واقعیت‌ها و تبدیل کردن آنها به ابژه‌هایی برای مطالعه و تأمل، تلاش می‌کنند. مواجهه خود با واقعیت را زبان بخشیده و به آنها حیات ذهنی بدهند. اما پس از اینکه این انگاره‌های ذهنی حیات مادی خود را یافتند، چنانچه مدام به صیقل واقعیت تن ندهند، به سان «طرحواره‌هایی شناختی» عمل می‌کنند که خود را به واقعیت تحمیل می‌کنند.

از آنجا که بخش عمده‌ای از درآمد دولت در ایران از فروش نفت به دست می‌آید، اکثر قریب به اتفاق اندیشمندان، دولت ایران را در رده دولت‌های رانتی دست‌بندی کرده‌اند. از این رو بهره‌گیری از نظریه‌ای کارآمد ضروری می‌نماید. این مقاله تلاش دارد ابتدا منظومه فکری رانت و همبسته‌های آن را آنچنان که در مقالات و کتب فارسی زبان به چاپ رسیده، ترسیم نماید و سپس به استخراج «اصول بدیهی کند از» این «منظومه اندیشگی» بپردازد. در نهایت تلاش می‌یازد به مدلی رهگذر نقد این «اصول بدیهی» راه را برای دست کارآمدتر برای مطالعه اثرات اجتماعی اقتصاد رانتی در ایران همواره نماید.

ضمن مطالعه ۴۴ مقاله در رشته‌های مختلف و مربوط به دهه‌های ۷۰ تا ۹۰ ه.ش درباره رانت و همبسته‌های آن می‌توان چنین تصویری منعکس شده نظریه دولت رانتی در مقالات و کتب فارسی‌زبان را اینچنین ترسیم کرد؛

«دولتی که بخش اعظمی از درآمدش از رانت به دست می‌آید، دولت رانتی نام دارد. دولت ایران نیز به روایت‌هایی از اواخر دهه

### نکته‌هایی که باید بدانید

▶ دولت رانتی در ایران نه تنها از جامعه مستقل نبوده، بلکه همواره دغدغه این را داشته که درآمد نفتی را به شیوه‌ای عادلانه و با کمترین آسیب اجتماعی و توسعه‌ای توزیع کند.

▶ نظریه دولت رانتی طی سه دهه گذشته تحولات جدی‌ای را پشت سر گذارده و می‌تواند دو موج متفاوت را با توجه به تجربیات دولت‌های گوناگون در آن تشخیص داد.

▶ مطبوعات و رسانه‌ها به صورتی آزادانه دست به افشاگری درباره فساد و رانت خواری زده‌اند، اما نه تنها در کاهش میزان فساد تأثیری نداشته‌اند، بلکه حتی به کشف دقیق شبکه‌های فساد نیز کمکی نکرده‌اند.

▶ از آنجا که دولت رانتی مالیاتی نمی‌گیرد، پس تعهدی هم نسبت به مردم احساس نمی‌کند و با نظر آنها هم کاری ندارد.

▶ دولتی که بخش اعظمی از درآمدش از رانت به دست می‌آید، دولت رانتی نام دارد. دولت ایران نیز به روایت‌هایی از اواخر دهه ۳۰ هجری شمسی و با روایتی متقن‌تر از اوایل دهه ۵۰ به عنوان دولتی رانتی محسوب می‌شود.

۳۰ هجری شمسی و با روایتی متقن‌تر از اوایل دهه ۵۰ به عنوان دولتی رانتی محسوب می‌شود. درآمد اصلی چنین دولتی از فروش نفت خام به دست می‌آید، در نتیجه نیازی به گرفتن مالیات از مردم ندارد و به همین خاطر بر بالای جامعه سرگردان بوده، حاجتی به نمایندگی مردم برای تداومش نمی‌بیند و از این رو مستقلاً دست به اعمال حاکمیت می‌زند. چنین دولتی در اقتصاد دخالت می‌کند و با اعمال کنترل بر واردات، ایجاد صنایع ناکارآمد را سبب می‌شود. هر کس را که بخواهد بر صدر می‌نشاند و بسا ایجاد تبعیض در فرصت‌های کسب ثروت (ارائه اسناد و امتیازات خاص) روحیه رانتجویی را در جامعه دامن می‌زند. از این رو روحیه کارآفرینی و تولید از بین می‌رود و فساد و رشوه خواری در جامعه فراوان می‌شود. بدین ترتیب برخی از نظریه‌پردازان با آمار و ارقام نشان داده‌اند که کشورهای رانتی دچار «تفرین منابع» شده‌اند و وجود منابع عظیم طبیعی مانعی بر سر راه توسعه آنهاست. این تصویر دولت رانتی است که تقریباً تمامی نویسندگانی که در این باره قلم زده‌اند، در نوشته‌های خود آن را به خواننده ارائه می‌دهند. اگرچه زبان این نویسندگان متفاوت است و هر یک تا حدی با ارائه شواهدی از رشته خود (اقتصاد، علوم سیاسی یا علوم اجتماعی) سعی دارد سندیت آن را نشان دهد، تصویر کلی ارائه‌شده ثابت است.»

### استخراج اصول موضوعه

به طور کلی در واریسی مقالات متعدد در حوزه رانت و همبسته‌های آن می‌توان منظومه‌ای از مفاهیم به هم مرتبط را مشاهده کرد. این مفاهیم در کنار همدیگر «منظومه‌ای اندیشگی» ارائه می‌کنند به صورت یک «طرحواره شناختی» در ذهن نویسندگان و مخاطبان حضور دارد و دارای اصول موضوعه‌ای است که کاملاً بدیهی انگاشته می‌شوند. این اصول موضوعه در تمامی مقالات فارسی‌زبان مربوط به رانت و دولت رانتی تکرار شده‌اند و به عنوان شالوده‌ای عمل می‌کنند که تمامی نتایج نهایی و نیز پیشنهادهای نویسندگان برای مواجهه با چنین وضعیتی بر آنها استوار است.

### دولت رانتی از جامعه مستقل است: اولین «اصل

موضوعه» در این «منظومه اندیشگی» عبارت است از اینکه «دولت رانتی از جامعه مستقل است». این گزاره به زبانهای مختلف در تمامی بحث‌های مربوط به دولت رانتی مورد توجه قرار گرفته و به آن اشاره شده است. کاتوزیان به عنوان یکی از اولین‌ها بیان می‌دارد که «...در یک کلام، این پول [درآمد ناشی از رانت] مالیات‌دهندگان نیست تا دولت در مورد چگونگی خرج کردن آن ملزم به پاسخگویی باشد». این ایده ریشه در بحث‌های اولیه دولت رانتی دارد که توسط حازم بیلاوی و حسین مهدوی ارائه گردیده

درآمد اصلی دولت رانتیر از فروش نفت خام به دست می‌آید، در نتیجه نیازی به گرفتن مالیات از مردم ندارد و به همین خاطر بر بالای جامعه سرگردان بوده، حاجتی به نمایندگی مردم برای تداومش نمی‌بیند و از این رو مستقلاً دست به اعمال حاکمیت می‌زند. چنین دولتی در اقتصاد دخالت می‌کند و با اعمال کنترل بر واردات، ایجاد صنایع ناکارآمد را سبب می‌شود.

و به بیانات مختلفی در مقالات فارسی زبان مربوط به این حوزه بارها تکرار شده است. به عنوان مثال گفته می‌شود «هرچقدر دولت رانتی بیشتر به منابع رانتی متکی باشد، میزان استقلال آن از جامعه بیشتر می‌شود» یا اینکه چنین دولت‌هایی «به مالیات‌هایی که از سوی مردم پرداخت می‌شود، وابسته نیستند». برخی دیگر به نقل از کابرن چودری، فیلیپ راوکینز و حازم بیلای اشاره می‌کنند که دولت‌های رانتی «توافقی نانوشته بین مردم و حکومت شکل می‌گیرد مبنی بر اینکه آنها از نمایندگی دست می‌کشند و در عوض مالیات نمی‌دهند». این عبارت در واقع پیش‌فرضی بر استقلال دولت رانتی از جامعه است. یعنی از آنجا که دولت رانتی مالیاتی نمی‌گیرد، پس تعهدی هم نسبت به مردم احساس نمی‌کند و با نظر آنها هم کاری ندارد. نویسندگانی دیگر شعار «عدم دریافت مالیات در مقابل عدم وجود نمایندگی» را جزء اساسی رانتیرسم می‌دانند و نتیجه می‌گیرند که چنین توافقی منجر به «تحکیم پایه‌های قدرت و سلطه هر چه بیشتر دولت رانتی» می‌شود. در واقع گویی دولت رانتی نه تنها حیاتی مستقل از جامعه دارد، بلکه به واسطه توافقی نانوشته سلطه خود را مشروعیت می‌بخشد.

**۲ رانت درآمدی است که بدون زحمت به دست می‌آید:** در مقالات فارسی زبان، هر جا از رانت‌جویی و کسب رانت صحبت می‌شود، آن را پول بادآورده‌ای خطاب می‌کنند که دولت رانتی برای بدست آوردن آن تلاش زیادی نمی‌کند و افرادی که اصطلاحاً رانت‌جو یا رانت‌خوار نامیده می‌شوند، نیز برای بدست آوردن آن کار خاصی انجام نمی‌دهند و تنها در یک شرایط غیررقابتی آن را به دست می‌آورند. از این رو این افراد به خرج کردن بی‌رویه آن می‌پردازند و لذا روحیه تلاش و سخت‌کوشی از جامعه رانتی رخت برمی‌پندد. به عنوان مثال رانت درآمدی دانسته می‌شوند که «بدون تلاش به دست می‌آید» و برای تبیین تفاوت «سودجویی» با «رانت‌جویی» بر شکل‌گیری سودجویی در بازار و وضعیت رقابتی انگشت گذاشته می‌شود، درحالی که زمین رانت‌جویی «وضعیت اقتصادی غیربازاری و غیررقابتی می‌داند» پنداشته می‌شود. نویسندگانی دیگر به نقل از گزارشی از مقامات

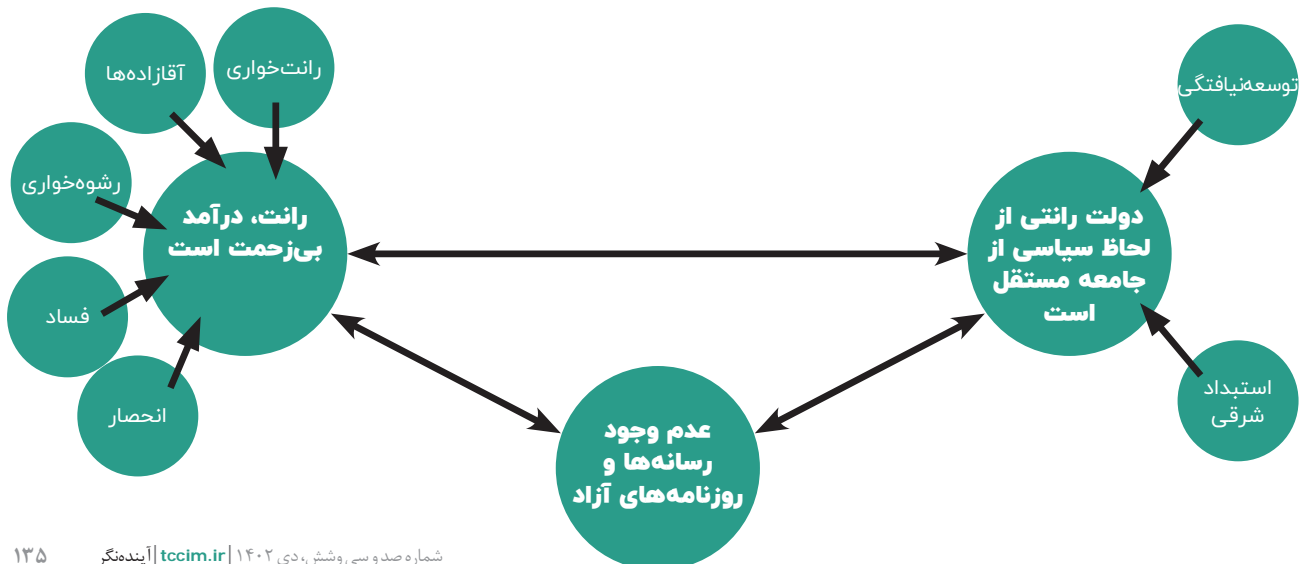
آمریکایی درآمد نفت را «بی‌زحمت» خطاب می‌کند و دیگری بر مصرف بدون فکر و راحت رانت توسط کسانی که این «پول بی‌زحمت» را به دست آورده‌اند، تأکید دارد.

**۳ عدم مطبوعات آزاد و گسترده:** یکی دیگر از اصول موضوعه این است که در صورت وجود مطبوعات آزاد و گسترده می‌توان از رانت‌جویی و رانت‌خواری جلوگیری کرد. مقاله‌ای بر این باور است که در کشوری توسعه‌نیافته به دلیل عدم وجود «کنترل دموکراتیک» یعنی «آزادی گسترده مطبوعات و رسانه‌های جمعی» رانت‌ها به فساد اداری-مالی تبدیل می‌شوند. دیگری نیز «وجود جامعه مدنی را برای دولت رانتی غیرضروری» می‌داند و بدین ترتیب تلویحاً اشاره می‌کند که در صورت ایجاد جامعه مدنی باز و آزاد، فساد در چنین جوامعی کمتر خواهد شد. اغلب نویسندگان در این باره به بحث درباره جامعه مدنی و دموکراسی پرداخته‌اند و تلویحاً نشان داده‌اند که چنین دولت‌هایی با آزادی‌خواهی فاصلهای دیرینه دارند. بحث درباره جامعه مدنی و دموکراسی آن چیزی است که اصل بدیهی «مطبوعات غیرآزاد و محدود» را به اصل بدیهی «استقلال دولت رانتی از جامعه» متصل می‌کند.

**۴ کلی‌گویی و ملغمه‌سازی مفهومی:** یکی از ویژگی‌های بارز مقالاتی که در این حوزه نگاشته شده‌اند، کلی‌گویی و به هم بافتن مفاهیمی است که در میان عامه مردم معنایی نزدیک به همدیگر دارند. این ویژگی را نمی‌توان به عنوان یک اصل موضوعه در نظر آورد، اما روشی است که در اکثر مقالات این حوزه به چشم می‌خورد. به عنوان مثال آنجا که بحث درباره «استقلال دولت رانتی از جامعه» مطرح می‌گردد، شاهد به کار بردن مفاهیمی از قبیل «توسعه نیافتگی»، «استبداد» و... هستیم. گویی استبداد مفهومی «همه‌جاحاضر» است که هر چیزی را می‌توان با آن تبیین کرد. این کلی‌گویی‌ها و ملغمه‌سازی‌های مفهومی هنگامی که درباره اصل دوم (رانت معادل با درآمد بی‌زحمت) صحبت می‌شود به اوج می‌رسند. واژه‌های بسیاری که

اگر چه رانت‌جویی فعالیت «کم‌زحمت» و پرسود دانسته شده اما به باور من، رانت‌جویی عملی کاملاً عقلانی است، بدین ترتیب که افراد به دنبال افزایش سود و کاهش هزینه هستند. رانت‌جویی حاصل کمیابی در آن چیزی است که رانت‌جو آن را می‌جوید. به همین خاطر، رانت‌جو بایستی بتواند تمامی فعالیت‌های رانت‌جویانه خود را از دید دیگران و به‌ویژه از دید رقیبان خود پنهان دارد

بستری از کلی‌گویی و ملغمه‌سازی مفهومی در مقالات



کار برد. استفاده از واژگانی مانند «واریسی»، «واکوی»، «مداقه»، «تأمل» و... که با کار عالمانه همنشین هستند، همگی مستلزم توجه دقیق و بهره‌گیری از «فرآیندهای شناختی کنترل‌شده» اند. از این رو در ادامه قصد داریم هریک از اصول بدیهی مربوط به طرحواره شناختی یاد شده را مورد مذاقه قرار دهیم.

### ۱. تعریف دقیق و مصرح: عدم تعریف دقیق و

ملغمه‌سازی مفهومی بستری است که رشد و شکل‌گیری چنین طرحواره شناختی‌ای در آن گریزناپذیر خواهد بود. به عنوان مثال مقاله‌ای بر این باور است که «گسترش تخلفات اقتصادی و سوء استفاده‌های اشخاص پرنفوذ و وابستگان ایشان که اینک مسأله «آقازاده‌ها» یا «رانت‌خواری و رانت‌سازی» نامیده می‌شود...» بدین ترتیب هیچ تفکیک مشخصی بین روش‌های مختلف فساد رخ نمی‌دهد. همه این اسامی را می‌توان در جامعه شناسی انحرافات، زیر عنوان جرائم یقه سفید طبقه‌بندی کرد، اما فرآیند شکل‌گیری و مواجهه با هریک کاملاً متفاوت است. در اینجا معلوم نیست آقازاده دقیقاً چه کسی است. آیا همه رانت‌خوارها آقازاده‌اند؟ به عنوان مثال از میان افرادی که در شبکه پیچیده اختلاس بزرگ ۳۰۰۰ میلیاردی دست داشتند، واقعاً چند نفر آقازاده بوده‌اند؟ چند درصد از کارمندان بانک‌ها، شهرداری‌ها، دادگاه‌ها و... که در موقعیت رانت‌خواری و رشوه‌گرفتن قرار دارند، آقازاده هستند؟

تعریف دقیق، اولین گام کار عالمانه است. عدم تعریف دقیق خود نشان از این دارد که این چارچوب معرفتی ترسیم شده، کارکردی کلیشه‌ای و نه عالمانه دارد. تعریف یک واژه بایستی بتواند به ترسیم مرز معنایی آن بپردازد. از آنجا که ذهن انسان دارای ویژگی ذاتی امساک‌گری است و هیچ واژه‌ای را برای اشاره به دو مفهوم (یا بیشتر) به کار نمی‌گیرد، در کار عالمانه توجه به اینکه هر واژه دقیقاً به چه مصداق‌هایی اشاره دارد و چه مصداق‌هایی را از دایره شمول خود خارج می‌سازد، اهمیتی دوچندان می‌یابد.

### ۲. رانت‌جویی؛ کاری تمام‌وقت و با ریسک بالا:

رانت‌جویی فعالیت «کم‌حمت و پرسود» دانسته شده که طرفداران زیادی پیدا کرده؛ بر این اساس به باور من، رانت‌جویی عملی کاملاً عقلانی است، بدین ترتیب که افراد به دنبال افزایش سود و کاهش هزینه هستند. رانت‌جویی حاصل کمیابی در آن چیزی است که رانت‌جو آن را می‌جوید. به همین خاطر، رانت‌جو بایستی بتواند تمامی فعالیت‌های رانت‌جویانه خود را از دید دیگران و به ویژه از دید رقیبان خود پنهان دارد. او همچنین بایستی به لطایف‌الحیل و با بازی کردن نقش‌های بسیار پیچیده تشخیص دهد که الان از چه رانتی بایستی بهره‌برد. گوش‌بزدلی و جستجوی اطلاعات مفید از میان دسته‌های بزرگ اطلاعات از دیگر ویژگی‌های یک رانت‌جو به حساب می‌آید. بنابراین رانت‌جویی اصلاً مفت‌خوری نبوده و یک کار تمام‌وقت و با ریسک بالا به حساب می‌آید که فرد بایستی همواره توانایی بازی کردن نقش‌های متعدد را دارا باشد. چنین فردی مرتکب عملی به‌غایت عقلانی می‌شود، زیرا زحمتی فکری با ریسک بالا انجام می‌دهد تا به رانت اقتصادی یا اطلاعاتی ارزشمندی دست یابد. از این رو نمی‌توان درآمد ناشی از رانت در سطح خرد جامعه را پولی بادآورده خطاب کرد که

هریک بایستی جداگانه مورد واکاوی قرار گیرند، در کنار همدیگر و بدون تفکیک دقیق عالمانه مورد اشاره قرار می‌گیرند. از جمله این مفاهیم می‌توان به «فساد»، «رشوه‌خواری»، «پارتی‌بازی»، «آقازاده‌ها»، «رانت‌خواری»، «انحصارطلبی» و... اشاره کرد.

بدین ترتیب می‌توان این «منظومه اندیشگی» را به صورت شکل شماره زیر ترسیم کرد. علی‌رغم اینکه اصول موضوعه یاد شده مخرج مشترک دیدگاه‌های اندیشمندان مختلف با رشته‌های متنوع در این حوزه است، محورهای یادشده در طول زمان ثابت مانده‌اند، تاجایی که مقالات اخیرتر در واقع خلاصه‌ای از مقالات قدیمی‌تر را شامل می‌شوند. این ماندگاری نشان‌دهنده این است که نوعی «منظومه اندیشگی» برای مدتی طولانی در ذهن نگارندگان حضور داشته و همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد.

این منظومه ذهنی به سان «طرحواره‌ای شناختی<sup>۱</sup>» عمل می‌کند. طرحواره‌ها چارچوب‌های ذهنی هستند که ما را در سازماندهی اطلاعات یاری می‌رسانند. طرحواره‌های شناختی به ما می‌گویند که در جهان پیرامون خود به چه چیزهایی توجه کنیم و چگونه داده‌های اطرافمان را برای ورود به ذهن رمزگردانی نماییم. این ساختارهای ذهنی حتی بازایی اطلاعات از حافظه را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بدین ترتیب که تنها اجازه بازایی اطلاعاتی را می‌دهند که با آنها همخوان باشند. به بیان دیگر، هنگامی که طرحواره‌های شکل می‌گیرد، هر بار از طریق تأثیرگذاری بر فرآیندهای بنیادین روان‌شناختی یعنی «توجه<sup>۲</sup>»، «رمزگردانی<sup>۳</sup>» و «بازایی<sup>۴</sup>» بر صحت و سندیت خود مهر تأیید می‌زند و لذا در برابر تغییر مقاوم‌تر می‌شود. از آنجا که مهم‌ترین ویژگی‌های طرحواره‌ها «ماهیت خودتأییدکنندگی<sup>۵</sup>» و نیز «پیشگویی خودکامبخش<sup>۶</sup>» آن‌هاست، همواره وجوهی از واقعیت را نادیده می‌گیرند تا بتوانند سندیت خود را اثبات کنند. از این رو به تعبیر نگارنده این سطور، «طرحواره‌ها واقعیت را می‌خورند تا پروار شوند».

اغلب نگارندگان، این «طرحواره شناختی» را تقریباً بدون هیچ کم و کاستی پیش فرض گرفته‌اند و بقیه بحث‌های خود را بر آن استوار کرده‌اند. اما از آنجا که کلی و مبهم بودن، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های «طرحواره‌های شناختی» است، نویسندگان از کلی‌گویی و ملغمه‌سازی مفهومی ناگزیر می‌شوند. طرحواره‌سازی یک مکانیزم ذهنی است که زندگی بدون آن ممکن نیست. چراکه طرحواره‌ها بخشی از فرآیندهای خودکار ذهنی به حساب می‌آیند. ذهن انسان‌ها بر اساس دو نوع عمده از فرآیندهای شناختی و هیجانی عمل می‌کند که عبارتند از «فرآیندهای خودکار<sup>۷</sup>» و «فرآیندهای کنترل‌شده<sup>۸</sup>». بهره‌گیری از مثال رانندگی می‌تواند ما را در فهم این مفاهیم بیشتر یاری کند. هنگام یادگیری رانندگی، تمرکز و توجه زیادی نیاز داریم و در واقع درگیر یک «فرآیند کنترل‌شده» هستیم، اما پس از اینکه با تکرار و تمرین به رانندگی حرفه‌ای بدل شویم، دیگر برای انجام اعمال مختلف رانندگی، نیازی به فکر کردن نداریم و لذا درگیر «فرآیند شناختی خودکار» هستیم

### نقد اصول موضوعه

طرحواره‌های شناختی چون بدیهی انگاشته می‌شوند، به‌سان فرآیندهای خودکار عمل می‌کنند. اما نکته اینجاست که ابزارهای اصلی در دست عالمان (scientists) واژه‌ها و مفاهیم هستند و نمی‌توان آنها را با استفاده از فرآیندهای خودکار شناختی به

اینکه گفته شود «دولت رانتی در ایران در جهت منافع جامعه گام بر نمی‌دارد» تنها در صورتی پذیرفته است که مصداق مشخصی از یک برنامه مدون حاکمیتی در دست باشد تا نشان دهد دولت در جهت منافع جامعه گام برنداشته است. در حالی که چنین مصداق‌هایی اگر هم وجود داشته باشند، با نقدهای درون حاکمیتی بسیاری روبرو بوده‌اند



اولین سال‌های پیوستن ایران به جرگه کشورهای رانتی، شاهد جنبش‌های آزادی‌خواهانه هستیم، تا اینکه در نقطه اوج آن در سال ۱۳۵۷ ساختار سیاسی در ایران به کلی دگرگون می‌شود. پس از آن نیز تا تثبیت ساختار سیاسی جدید، یعنی اواخر دهه ۶۰ تنش‌ها ادامه داشته است.

از یک برنامه مدون حاکمیتی در دست باشد تا نشان دهد دولت در جهت منافع جامعه گام برداشته است. در حالی که چنین مصداق‌هایی اگر هم وجود داشته باشند، با نقدهای درون حاکمیتی بسیاری روبرو بوده‌اند. این یعنی مجموعه حاکمیت نه تنها خود را وجود مستقلاً نمی‌داند، بلکه دغدغه این را دارد که درآمد ناشی از رانت نفتی را با روش‌های علمی و با کمترین آسیب ممکن، در جامعه توزیع نماید.

مسئله حائز اهمیت دیگر اینکه، تقسیم‌بندی بین دولت و جامعه تنها در سطح تحلیلی صورت می‌گیرد و بایستی تنها در همان سطح باقی بماند. اندیشمندان برای فهم واقعیت بیرونی تلاش می‌کنند در یک سطح تحلیلی و مفهومی دولت را از جامعه جدا کنند. اما بازگشت مجدد به سطحی عینی و عملیاتی، نیازمند ظرافت‌های بسیاری است که در این «منظومه اندیشگی» کمتر مورد مذاکره قرار گرفته‌اند. برای مثال روشن نیست که دقیقاً مرز دولت از جامعه کجا تمام می‌شود. از این رو برای به نظر من برای فهم دقیق‌تر این بحث نیازمند باز کردن باب نوعی «نظریه دولت» هستیم، به گونه‌ای که بتواند به رابطه دولت و جامعه، مختص ایران، بپردازد.

فهم این بحث به ویژه برای تأمل در فساد درون ساختار رانتی اهمیت اساسی دارد. کارمندی که از یک سو عضو شبکه‌های رسمی به نام دولت است و از سوی دیگر با تعدادی از همکلاسی‌های سابق دانشگاهی خود شبکه‌های غیررسمی را تشکیل داده، به راحتی می‌تواند نقطه اتصال این دو شبکه شده و در صورتی که خدمات، اطلاعات یا اختیاراتی داشته باشد، آن‌ها را در شبکه (های) غیررسمی خود مبادله کند. اینجا دیگر نه پای جامعه و دولت و رابطه آنها باهمدیگر وسط است و نه می‌توان از قوم و خویش‌بازی و لابی‌گری سیاسی و رانت‌جویی صحبت کرد. طرفه آنکه بسیاری از مفاسد یقه سفید در اینجا رخ می‌دهند؛ جایی که به خاطر تمسک بیش از حد به منظومه اندیشگی یاد شده اصلاً دیده نمی‌شود و کسی به آن توجهی نمی‌کند. این موضوع مصداق همان واقعیتی است که توسط یک «طرحواره شناختی بدیهی انگاشته شده»، خورده می‌شود.

مسئله دیگر رابطه «مالیات» و «رانت» است. استراتژی کلی گروه حاکم در دولت رانتی این دانسته شده است که «بخشی از ثروت هنگفت ناشی از رانت را میان جامعه توزیع می‌کند» و بدین ترتیب با ایجاد زیرساخت‌های رفاهی «سلطه و مشروعیت خود را گسترش می‌دهد». طنز موجود در این «طرحواره شناختی» اینجا خود را به وضوح نشان می‌دهد؛ اگر دولت رانتی درآمد را توزیع کند به دنبال سلطه دانسته می‌شود و اگر آن را توزیع نکند در واقع دیکتاتور و خودکامه خوانده می‌شود. در این لحظه نقطه ضعف این «منظومه اندیشگی» به خوبی خود را آشکار می‌کند؛ ایده‌ای که «ابطال‌ناپذیر» و در عین حال «دوری» است.

به‌طور کلی کارکرد این دولت، توزیع درآمد به صورتی عادلانه است و نه تنها دولت که نهادها و مردم نیز چنین انتظاری را از آن دارند. اساساً به همین دلیل برنامه نوشته شده است. اولین برنامه‌های توسعه در ایران تحت تأثیر درآمد نفت نوشته شده‌اند. تا آنجایی که اولین برنامه به دلیل تحریم نفتی ناشی از نهضت ملی شدن صنعت نفت شکست خورد. بنابراین اتفاقاً دولت به محض اینکه درآمد نفتی به دست آورده، دست به کار توزیع عادلانه آن شده و این نه تنها خواست مجموعه حاکمیت در ایران، که خواست نخبگان بوده

دارندگانش، بی‌حساب و کتاب آن را خرج می‌کنند و ارزشی برای آن قائل نیستند. نگاهی به لیست بلند بالای فعالیت‌های اقتصادی رانت‌خوارانی مانند بز و ش.ج خود نشان‌دهنده این است که نمی‌توان آنها را «مفت‌خور» نامید. از قضا ایده دیگری که می‌تواند مورد سنجش قرار گیرد این است که اتفاقاً چون درآمد رانت با سختی و در شرایط رقابت‌آمیز خیلی شدیدی به دست می‌آید، رانت‌جویان هرچه سریع‌تر تلاش می‌کنند آن را به چرخه اقتصاد بیندازند تا از سویی پولشویی کرده باشند و از دیگر سو درآمد پریسک رانتی را به سرمایه‌های برای کارهای با ریسک کمتر تبدیل نمایند.

۳

### رسانه‌های آزاد و رانت‌خواری: «عدم آزادی گسترده

مطبوعات و رسانه‌های جمعی» یکی از «اصول موضوعه» ای است که هرچند به این وضوح در جایی بیان نمی‌شود، اما تلویحاً در مقالات متعدد مورد توجه قرار می‌گیرد. معنای منطقی چنین اصلی این است که در صورت وجود مطبوعات و رسانه‌های جمعی می‌توان جلوی فساد مالی اداری را گرفت. با این حال، افشاگری‌ها در پاره اختلاس ۳۰۰ هزار میلیاردی نتوانست مشکلی را حل کند. وقتی افشاگری صورت می‌گیرد مفسدان اقتصادی مالی و اداری راهی نیز برای پنهان ساختن پیدا می‌کنند. نکته دیگر اینکه گفته می‌شود «عدم وجود رسانه‌های آزاد یکی از علل فساد مالی و اداری» است. در حالی که عکس آن منطقی‌تر می‌نماید؛ یعنی «فساد مالی و اداری یکی از علل عدم وجود رسانه‌های آزاد» است. در اینجا به نظر می‌رسد طرحواره یادشده دچار تحریف رابطه دو متغیر شده و رابطه «همزمانی» را به‌عنوان رابطه «علی» مدنظر قرار داده است، در حالی که شاید علت سومی، هر دو را باعث شده باشد. نکته دیگر اینکه بسیاری از اصحاب فساد می‌توانند خبرنگار، گزارشگر، روزنامه و... را نیز بخرند تا به نفع آنها خبرسازی کرده و گناه را بشویند. یکی از مثال‌های بارز در این زمینه، ماجرای وجود فساد در فوتبال ایران بود. برنامه جنجالی «۹۰» (تنها برنامه تلویزیون ایران که سال‌ها مخاطب میلیونی داشت) دست به افشاگری زد و بسیاری از مربیان، بازیکنان و دست‌اندرکاران در این برنامه از تجربیات خود گفتند و اینکه شبکه‌های فساد به صورتی گسترده در فوتبال حضور دارد. حتی کار به مجلس شورای اسلامی کشیده شد، اما در نهایت پرونده فساد در فوتبال ایران حل‌نشده باقی ماند. گویی شبکه‌های فساد مقاومتی از آن هستند که با افشاگری‌های مطبوعاتی به محاق روند

۴

### مرز دولت و جامعه: یکی از اصول موضوعه در

طرحواره شناختی بالا «استقلال دولت رانتی از جامعه» است. حاکمیت سیاسی در ایران دارای پیچیدگی‌های فراوان است و نمی‌توان آن را کل یکپارچه‌ای به حساب آورد. دولت به عنوان اصلی‌ترین خرج‌کننده بایستی مجلس و شورای نگهبان را راضی کند. بسیاری از سیاست‌ها در ایران نشان‌دهنده این است که اتفاقاً دولت گاهی بیش از آنکه باید، برای جامعه خرج کرده است. ارتباطات عجیب و بسیار پیچیده‌ای که بین نمایندگان مجلس و بدنه قوه اجرایی از یک سو و مردم از سوی دیگر برقرار است، امکان این جداسازی بین دولت و جامعه را ناممکن کرده است.

اینکه گفته شود «دولت رانتی در ایران در جهت منافع جامعه گام بر نمی‌دارد» تنها در صورتی پذیرفته است که مصداق مشخصی

یکی از اصول موضوعه در طرحواره شناختی «استقلال دولت رانتی از جامعه» است. حاکمیت سیاسی در ایران دارای پیچیدگی‌های فراوان است و نمی‌توان آن را کل یکپارچه‌ای به حساب آورد. دولت به عنوان اصلی‌ترین خرج‌کننده بایستی مجلس و شورای نگهبان را راضی کند. بسیاری از سیاست‌ها در ایران نشان‌دهنده این است که اتفاقاً دولت گاهی بیش از آنکه باید، برای جامعه خرج کرده است



را که بخواهد بر صدر می‌نشاند. همچنین، با دخالت در اقتصاد و جامعه، روحیه فساد و رانت‌جویی را در جامعه می‌گستراند و به دلیل عدم وجود مطبوعات آزاد، این فساد از سطح و عمق بیشتری برخوردار می‌شود. مطالعه پیش‌رو تلاش کرد نشان دهد که دولت رانتی در ایران نه تنها از جامعه مستقل نبوده، بلکه همواره دغدغه این را داشته که درآمد نفتی را به شیوه‌ای عادلانه و با کمترین آسیب اجتماعی و توسعه‌ای توزیع کند. درآمد رانتی ناشی از چنین اقتصادی نیز عموماً به آسانی به دست نمی‌آید، چراکه رقابتی شدید برای دستیابی به آن در جریان است. همچنین تجاری وجود دارد مبنی بر اینکه مطبوعات و رسانه‌ها به صورتی آزادانه دست به افشاشگری درباره فساد و رانت‌خواری زده‌اند، اما نه تنها در کاهش میزان فساد تأثیری نداشته‌اند، بلکه حتی به کشف دقیق شبکه‌های فساد نیز کمکی نکرده‌اند.

تنها با نگاهی نه چندان عمیق به سبک زندگی ایرانیان طی ۲۰ سال گذشته می‌توان دریافت که امکان ندارد، با چارچوبی مفهومی به تحلیل پرداخت، که بیش از ۵۰ سال تقریباً دست نخورده باقی مانده باشد. چنین چارچوبی که با وجود این همه تغییر در سبک زندگی، نوع لباس پوشیدن، تفریحات، ارتباطات واقعی و مجازی، فضاهای شهری و... همچنان دست نخورده باقی مانده، دیگر «نه عالمانه که عامیانه» است و متأسفانه بایستی پذیرفت که مقالات یادشده تنها به دنبال باز تولید «تفکر عامه» و نه «اندیشه‌های عالمانه» بوده‌اند. این در حالی است نظریه دولت رانتی طی سه دهه گذشته تحولات جدی‌ای را پشت سر گذارده و می‌توان دو موج متفاوت را با توجه به تجربیات دولت‌های گوناگون در آن تشخیص داد. علی‌رغم تغییرات صورت گرفته، نظریه دولت رانتی «همچنان از شماری از انگاره‌های موج نخست بهره می‌برد». اما ما همچنان شاهد آن هستیم که این نظریه طی دو دهه و حتی پنج دهه گذشته در مقالات فارسی‌زبان تقریباً بدون تغییر باقی مانده و از این‌رو کارکرد علمی خود را از دست داده و نیازمند بازبینی است.

ضرب‌المثل‌ها از جمله طرحواره‌ها و گزاره‌هایی هستند که سالیان دراز دست‌نخورده باقی می‌مانند و در اغلب زمان‌ها کاربرد دارند. علت آن است که اولاً دوری و ابطال ناپذیرند و ثانیاً کلی و مبهم هستند. از این‌رو در هر دورهای از زمان به مانند دالی هستند که در نهایت، مدلول خود را می‌یابند. هر چند ضرب‌المثل‌ها حاوی اطلاعات اخلاقی و فرهنگی ارزشمندی‌اند، اما دانشمندان آنها را به کار نمی‌گیرند، چون با مذاقه به دست نیامده‌اند. منظومه اندیشه‌ای که چندین دهه تغییرات در ایران و دیگر دولت‌های رانتی را نادیده می‌گیرد و همچنان به همان سیاق سابق به تبیین می‌پردازد، بایستی مورد نقد و تأمل قرار گیرد تا اصلاح شده و به قامت زمانه‌اش درآید و اگر تاب زمانه را نیاورد، عرصه را برای پارادایمی جدید باز کند. ■

#### پی‌نوشت‌ها

1. Cognitive Schema
2. Attention
3. Encoding
4. Retrieval
5. Self-confirming Nature
6. Self-fulfilling Prophecy
7. Automatic Processes
8. Controlled Processes

و همچنان نیز هست. وجود شعارهایی مبنی بر خدمات رایگان در انقلاب اسلامی ایران عمدتاً دال بر این موضوع هستند که چنین اندیشه‌ای در عمق نگاه ایرانیان وجود داشته و دارد.

برخی نیز در راستای تأیید منظومه اندیشه‌ی یادشده توزیع رانت را «مانع هرگونه تنش گروه‌های منتقد با دولت رانتی» دانسته‌اند. اما واقعیت چیز دیگری را نشان می‌دهد و آن اینکه در این مدت بارها شاهد تنش بوده‌ایم. در اولین سالهای پیوستن ایران به جرگه کشورهای رانتی، شاهد جنبش‌های آزادی‌خواهانه هستیم، تا اینکه در نقطه اوج آن در سال ۱۳۵۷ ساختار سیاسی در ایران به کلی دگرگون می‌شود. پس از آن نیز تا تثبیت ساختار سیاسی جدید، یعنی اواخر دهه ۶۰ تنش‌ها ادامه داشته است. پس از آن نیز نیروهای منتقد همواره در صحنه سیاسی اجتماعی ایران حضور داشته‌اند و به روش‌های مختلف به ابزار وجود پرداخته‌اند. گاهی از طریق انتخابات (۷۶، ۸۰، ۸۸ و ۹۲)، گاهی از طریق جنبش‌های مدنی (اصلاح‌طلبان، زنان، دانشجویان) و گاهی نیز از طریق تنش‌های خیابانی (وقایع ۷۸ و ۸۸) شاهد حضور منتقدین بوده و هستیم. نگاهی به سبک زندگی ایرانیان طی ۲۰ سال گذشته به خوبی نشان دهنده آن است که از قضا آنها توانسته‌اند بخشی از مطالبات خود را به دست آورند. لذا اینکه توزیع رانت را «مانع هرگونه تنش گروه‌های منتقد بدانیم»، چندان پذیرفته نیست.

نکته طنزآمیز ماجرا این است که اگر بخواهیم منطق این «منظومه اندیشه‌ی» درباره رابطه بین نفت، دموکراسی و مالیات را تا انتها پیش ببریم، به این نتیجه می‌رسیم که رضاشاه که مالیات گیری می‌کرده رفتار دموکراتیکی داشته، شرکت نفت ایران-انگلیس که سهم کمتری به ایران می‌داده (سهم ایران ۱۶ به ۲۰۰ پوند بوده) در جهت پایه‌گذاری دموکراسی گام برمی‌داشته، دکتر مصدق پایه‌گذار «نفرین نفت» بوده و کنسرسیوم نیز که درآمد نفتی ایران را افزایش داده، متهم اصلی شناخته می‌شود.

#### نتیجه‌گیری

مقاله‌های فارسی درباره «رانت» در بستری از ملغمه‌سازی مفهومی صورت‌بندی شده، دولت رانتی را مستقل از جامعه نشان می‌دهند که به دلیل عدم دریافت مالیات از مردم عملاً خود را ملزم به نمایندگی آنها و پاسخگویی به آنها نمی‌داند. از این‌رو هر کس



اگر بخواهیم منطق این «منظومه اندیشه‌ی» درباره رابطه بین نفت، دموکراسی و مالیات را تا انتها پیش ببریم، به این نتیجه می‌رسیم که رضاشاه که مالیات گیری می‌کرده رفتار دموکراتیکی داشته، شرکت نفت ایران-انگلیس که سهم کمتری به ایران می‌داده (سهم ایران ۱۶ به ۲۰۰ پوند بوده) در جهت پایه‌گذاری دموکراسی گام برمی‌داشته، دکتر مصدق پایه‌گذار «نفرین نفت» بوده و کنسرسیوم نیز که درآمد نفتی ایران را افزایش داده، متهم اصلی شناخته می‌شود

# چشم انداز

## دست‌اندا‌زهای اروپایی شدن

اصلاحات اقتصادی در آرژانتین، دردناک اما اجتناب‌ناپذیر

بسیار وحشتناک‌تر شده است. ارزش پول آرژانتین به سرعت کاهش یافته است و قیمت‌ها به گونه‌ای سرسام‌آور افزایش یافته‌اند. حالا بسیاری از مردم این کشور با ۴۶ میلیون نفر جمعیت، در مورد نحوه بقای کسب‌وکار یا خانواده خود در بحران اقتصادی عمیق‌تری که کشور در حال تحمل آن است، دل‌نگران هستند.

فرناندو گونزالز گالی، ۳۶ ساله و معلم فلسفه دبیرستانی در بوینس آیرس می‌گوید: «از زمانی که میلی پیروز شد، ما همیشه نگران بودیم».

آقای گالی سعی کرده است بدون اینکه وضعیت زندگی دو دخترش، که یکی ۶ ساله و دیگری ۱۸ ماهه است، بدتر شود، هزینه‌ها را کاهش دهد؛ او حالا نوع ارزان‌تری از پوشک را می‌خرد و تلاش می‌کند پژوهای آرژانتینی خود را قبل از اینکه ارزش آن‌ها بیشتر کاهش یابد، خرج کند. او می‌گوید: «به محض اینکه حقوقم را دریافت می‌کنم، هر چیزی که می‌توانم می‌خرم».

ناهوئل کارباخو، ۳۷ ساله، صاحب مغازه‌ای مدرن در بوینس آیرس، می‌گوید که مانند

فقط در دو هفته، مردم در بوینس آیرس شاهد افزایش ۷۳ درصدی قیمت گوشت گاو بودند. قیمت کدو ۱۴۰ درصد افزایش یافت و رانندگان اوبر ۶۰ درصد بیشتر برای پر کردن باک ماشین‌های خود هزینه کردند. یک

پدر می‌گوید دو برابر ماه گذشته برای پوشک کودک خود هزینه کرده است.

در آرژانتین، کشوری که تورم سرسام‌آوری دارد، مردم به پرداخت هزینه بیشتر برای تقریباً هر چیزی عادت کرده‌اند اما با رهبری رئیس‌جمهوری جدید این کشور، زندگی به سرعت در حال تبدیل شدن به چیزی حتی دردناک‌تر است.

۱۹ نوامبر ۲۰۲۳، وقتی خاویر میلی به عنوان رئیس‌جمهور آرژانتین انتخاب شد، این کشور سومین نرخ بالای تورم در جهان را داشت و قیمت‌ها نسبت به سال قبل ۱۶۰ درصد افزایش یافته بود.

اما از زمانی که آقای میلی در تاریخ ۱۰ دسامبر مسئولیت را به عهده گرفت، اوضاع

الیاس براهویی‌نژاد

مترجم





اکثر آرزانتینی‌ها، او به افزایش‌های منظم قیمت عادت کرده بود اما هفته گذشته خیلی فراتر از آنچه حتی او عادت و انتظارش را داشت، بالا رفت.

از زمانی که آقای میلی پیروز شد، قیمت استیک درجه یک ۷۳ درصد افزایش یافته و به ۱۴،۵۸۰ پیرو، تقریباً ۱۸ دلار، برای هر کیلوگرم، رسیده است؛ یک جعبه پنج کیلوگرمی کدو از ۶،۵۰۰ پیرو به قیمت ۱۵،۶۰۰ پیرو رسیده است و قیمت آوو کادوها ۵۱ درصد بیشتر از ابتدای این ماه قیمت‌گذاری شده است. آقای کارباخو می‌گوید: «هیچ راهی برای تطبیق دستمزدها و درآمدهای مردم با این سرعت افزایش قیمت‌ها وجود ندارد».

مانوئل آدورنی، سخنگوی آقای میلی، می‌گوید که تسریع تورم نتیجه اجتناب‌ناپذیر اصلاح‌نهایی اقتصاد منحرف آرزانتین است. او اضافه می‌کند که: «ما با شمار زیادی از مشکلات و مسائل حل‌نشده روبرو شده‌ایم که باید شروع به رسیدگی به آن‌ها کنیم. قطعاً ما ماه‌هایی با تورم بالا را تجربه خواهیم کرد».

آقای میلی به آرزانتینی‌ها هشدار داده است که برنامه‌های او برای کوچک‌تر کردن دولت و بازسازی اقتصاد در آغاز «درناک» خواهد بود. او در نخستین سخنرانی خود گفت: «ترجیح می‌دهم حقیقتی ناخوشایند را به شما بگویم تا دروغی راحت». او این را هم گفت که می‌خواهد مدل «نحطاط» کشور را پایان دهد.

اقتصاد آرزانتین سال‌ها گرفتار بحران بوده است و تورم مزمن، فقر رو به افزایش و ارزی که به شدت افت کرده است، نتایج این بحران بوده‌اند. این آشوب اقتصادی راه را برای ریاست‌جمهوری آقای میلی هموار کرد؛ یک چهره سیاسی رادیکال که سال‌ها به عنوان اقتصاددان و کارشناس تلویزیونی علیه آنچه او سیاستمداران فاسدی می‌نامید که اقتصاد را، اغلب به نفع شخصی خود، نابود کرده‌اند، سخن می‌گفت.

او در کارزار انتخاباتی خود، قول داد که با راه برقی به هزینه‌ها و مقررات دولتی حمله کند و حتی در تجمعات، واقعاً راه برقی به دست گرفت. پس از پیروزی آقای میلی، افزایش قیمت‌ها در نتیجه انتظارات در مورد سیاست‌های جدید او شروع به تسریع کرد.

دولت چپ‌گرای قبلی با روش‌هایی مثل کنترل‌های پیچیده ارزی، یارانه‌های مصرفی و سایر اقدامات برای بالا بردن ارزش رسمی پیرو و پایین نگه‌داشتن چندین قیمت کلیدی به صورت مصنوعی، از جمله قیمت گاز، حمل‌ونقل و برق، سعی در کنترل اوضاع داشت. آقای میلی قول داده است که همه این‌ها را لغو کند و وقت را برای این کار تلف نکرده است. آقای میلی دو روز پس از در اختیار گرفتن قدرت، شروع به کاهش هزینه‌های دولتی، از جمله یارانه‌های مصرفی کرد. او همچنین ارزش پیرو را ۵۴ درصد کاهش داد و نرخ تبادل دولتی را به ارزش‌گذاری بازار بسیار نزدیک کرد.

اقتصاددانان می‌گویند که چنین اقداماتی برای حل مشکلات مالی بلندمدت آرزانتین ضروری بودند. اما این اقدامات رنج کوتامدتی را به شکل تورم سریع‌تر و بالاتر به همراه آوردند. برخی تحلیل‌گران در نظر نگرفتن سیاست‌های لازم برای فقیرترین آرزانتینی‌ها را مورد انتقاد قرار می‌دهند. طبق داده‌های دولتی در ماه نوامبر، قیمت‌ها ۱۳ درصد نسبت به اکتبر افزایش یافتند. تحلیل‌گران پیش‌بینی می‌کنند قیمت‌ها در ماه جاری (دسامبر) ۲۵ تا ۳۰ درصد دیگر افزایش خواهد یافت و برخی اقتصاددانان پیش‌بینی می‌کنند که از حالا تا فوریه، افزایشی ۸۰ درصدی در قیمت‌ها رخ بدهد. این پیش‌بینی‌ها را سانتیاگو مانوکیان، اقتصاددان ارشد در Ecolatina، یک شرکت مشاوره اقتصادی ارائه داده است.

این پیش‌بینی‌ها تا حدی به دلیل افزایش چشمگیر قیمت‌های گاز است که از ۷ دسامبر تا ۱۳ دسامبر ۶۰ درصد افزایش یافته است و تأثیری تدریجی بر اقتصاد دارد.

کاهش ارزش پول، فوراً محصولات وارداتی مثل قهوه، دستگاه‌های الکترونیکی و گاز را گران‌تر کرد؛ زیرا قیمت آن‌ها به دلار آمریکا محاسبه می‌شود. برای مثال، اشتراک ماهانه نتفلیکس در آرزانتین یک روز پس از کاهش ارزش پول، ۶۰ درصد افزایش یافت. از سوی دیگر برخی از تولیدکنندگان داخلی، از جمله کشاورزان و دامداران، ترغیب شدند که قیمت‌های خود را با هزینه‌های در حال افزایششان همسو کنند و در نتیجه، قیمت محصولات داخلی نیز تحت تأثیر قرار گرفت.

با تورم مزمن بالا، اتحادیه‌های کارگری اغلب برای افزایش قابل توجه حقوق مذاکره می‌کنند تا از تورم پیشی بگیرند؛ با این حال این افزایش‌های دستمزد به سرعت با افزایش‌های سریع قیمت بی‌اثر می‌شود. علاوه بر این، کارگران غیررسمی، که شامل

گروه‌هایی نظیر پرستاران بچه و دست‌فروشان می‌شوند و تقریباً نیمی از اقتصاد آرزانتین را تشکیل می‌دهند، از این افزایش دستمزدها بهره‌مند نمی‌شوند.

آقای میلی، رئیس‌جمهور آرزانتین با یک فرمان اضطراری نقش دولت را در اقتصاد به شدت کاهش داد و شمار زیادی از مقررات را حذف کرد و با این کار، گام بزرگ بعدی خود را برای بازسازی دولت و اقتصاد آغاز کرد.

این اقدام، دولت را از تنظیم بازار اجاره املاک و تعیین حدود برای کارمندی‌ها که بانک‌ها و بیمه‌گران سلامت می‌توانند از مشتریان دریافت کنند، منع می‌کند؛ قوانین کار را برای تسهیل در اخراج کارگران تغییر می‌دهد و همچنین محدودیت‌هایی برای اعتصاب‌ها وضع می‌کند و شرکت‌های دولتی را به شرکت‌های سهامی تبدیل می‌کند تا بتوانند خصوصی‌سازی شوند. بسیاری از تحلیل‌گران حقوقی بلافاصله تعارض این فرمان را با قانون اساسی زیر سوال بردند و گفتند که آقای میلی در تلاش است تا کنگره را دور بزند.

پس از اعلام این تغییرات، مردم سراسر بوینس آیرس، با کوبیدن به قابلمه‌ها به خیابان‌ها ریختند تا ناراضی خود را نشان دهند. یکی از آن‌ها خسوسا اورفلیا پرتالا، یک بازنشسته ۷۳ ساله، است. او نگران این بود که افزایش قیمت‌ها، هزینه مراقبت‌های بهداشتی مناسب را برای خود و همسرش بیش از حد گران کند. علی‌رغم مشکلات شدید ستون فقرات، او با استفاده از واکر به خیابان آمد تا عصبانیت خود را نشان دهد. او گفت: «[غیر از اینجا] کجا باید باشم؟»

آقای میلی در تلاش است تا با تهدید به لغو طرح‌های رفاهی و جریمه هر کسی که در تظاهراتی که جاده‌ها را مسدود می‌کند، شرکت کند، اعتراضات را سرکوب کند. گروه‌های حقوق بشر به طور گسترده چنین سیاست‌هایی را به دلیل محدود کردن حق اعتراض به صورت مسالمت‌آمیز مورد انتقاد قرار داده‌اند.

در این روزها، اغلب مردم آرزانتین در تلاشند تا راهی برای برآورده کردن نیازهای معیشتی خود در شرایطی که بیشتر شبیه به یک دوره درسی پیچیده در علم اقتصاد و هم‌زمان یک مسابقه شتابزده برای خرید قبل از بالا رفتن دوباره قیمت‌ها به نظر می‌رسد، بیابند. رابرتو نیکولاس اورمنیو، صاحب فروشگاه‌های کوچک واقع در مرکز شهر بوینس آیرس، می‌گوید: «همواره می‌گویم که گویی در دانشگاه هستیم و هر روز برای یک امتحان دشوار آماده می‌شویم؛ هر پنج دقیقه یک بار.»

آقای اورمنیو اظهار داشت که او هفته‌ای یک بار در بازار به دنبال تهیه مواد اولیه خود می‌گردد و تقریباً هر هفته تأمین‌کنندگان خود را تغییر می‌دهد؛ چه به خاطر افزایش بیش از حد قیمت‌ها و چه به دلیل ارائه محصولات با کیفیت پایین‌تر.

او در تلاش است تا جای ممکن از تحمیل افزایش قیمت‌های خود به مشتریانانش پرهیز کند؛ اگرچه مطمئن نیست که چه مدت می‌تواند این روند را ادامه دهد. او می‌گوید: «مشاهده می‌کنم که مشتریان دائمی خریدهایشان را نصف کرده‌اند.»

ماریسول دل وای کاردوزو، که صاحب دختری سه ساله است، برای تأمین هزینه‌های زندگی، به کاهش مخارج روی آورده است. او به استفاده از مارک‌های ارزان‌تر و کمتر بیرون رفتن عادت کرده است. او می‌گوید: «دیگر به اندازه قبل از تهویه هوا استفاده نمی‌کنیم. برنامه‌های تفریحی آخر هفته‌مان را از چهار بار در ماه به فقط یکبار کاهش داده‌ایم.»

خانم کاردوزو، که در یک اداره پلیس خارج از بوینس آیرس کار می‌کند، می‌گوید که امسال افزایش حقوق داشته است ولی این افزایش دیگر کافی نیست. او علاوه بر این، به رانندگی برای او بر نیز می‌پردازد اما می‌گوید که افزایش کرایه‌ها با قیمت‌های سر به فلک کشیده بنزین هماهنگ نیست.

با وجود این چالش‌ها، خانم کاردوزو اظهار داشته که همچنان طرفدار رئیس‌جمهور میلی است و امیدوار است که سیاست‌های او موثر واقع شوند. او با اشاره به قیمت‌های قبلی بنزین قبل از افزایش اخیر می‌گوید: «ما در دنیایی خیالی زندگی می‌کردیم. اگر این تغییرات در نهایت برای دستیابی به موفقیت لازم باشند، ارزش آن را دارند.»

منبع

Under Argentina's New President, Fuel Is Up 60%, and Diaper Prices Have Doubled - The New York Times (nytimes.com)

ترکیه از نظر آزادی حرکت سرمایه، آمادگی متوسطی دارد؛ زیرا محدودیت‌هایی در زمینه مالکیت خارجی و حرکت سرمایه وجود دارد. ترکیه باید به رفع مسائل حل‌نشده در چارچوب قانون مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم ادامه دهد.

## یک آشفته‌موی دیگر

### خاویر میلی، رئیس جمهوری جدید آرژانتین را دوستان و دشمنانش با ترامپ و جانسون مقایسه می‌کنند

یافتن او در دهه ۱۹۸۰، در دورانی از ابرتورم و بحران بدهی مشابه آنچه امروز آرژانتین با آن روبه‌رو است، او را تحت تاثیر قرار داد تا اقتصاد را در دانشگاه بلگرانو و بعداً در مؤسسه توسعه اقتصادی و اجتماعی و دانشگاه تورکواتو دی تلا مطالعه کند. در آنجا، او با اقتصاد لیبرترین و ایده‌های موری راتبارد، که نظریه سیاسی و اقتصادی آنارکو-کاپیتالیسم را بیان کرد، و لودویگ فون میزس و فریدریش هایک، پیشگامان اقتصاد لیبرترین، آشنا شد.

پابلو شیافینو، استاد اقتصاد در دانشگاه تورکواتو دی تلا در بوئنوس آیرس و دوست شخصی میلی، به رسانه واکنش می‌گوید: «اگر شما میلتن فریدمن، رابرت لوکاس، همچنین آژ مکتب شیکاگو نظریه اقتصادی، فریدریش هایک، اقتصاددان اتریشی را با هم ترکیب کنید، خاویر میلی خواهید داشت.»

شیافینو اضافه می‌کند: «بیشتر ایده‌های او از این واقعیت نشأت می‌گیرد که، اول از همه، شما به یک اقتصاد بازار آزاد نیاز دارید. در ذهن او، همه چیز با اقتصاد شروع می‌شود، سپس سیاست پیش می‌آید، و بعد از آن جامعه.»

برای درک میلی و جذابیت او، درک آرژانتین و تاریخچه اقتصادی و سیاسی آن مهم است. اقتصاد آرژانتین دهه‌ها با مشکلاتی روبه‌رو بوده است. تاریخچه‌ای که با پیروزی‌های مختلف بحران‌ها، ابرتورم‌ها، رونق‌ها و رکودها مواجه بوده است. دوره کوتاهی از آرامش نسبی در دهه ۱۹۹۰ در این کشور وجود داشت اما با رکود عمیق و افزایش چشمگیر فقر این دوره کوتاه نیز به پایان رسید. روی هورا، تاریخ‌دان آرژانتینی گفت: «از دهه‌های ۶۰ و ۷۰، اعتماد آرژانتینی‌ها به ارز و مؤسسات اقتصادی‌شان در حال فرسایش بوده است. آنچه آرژانتینی‌ها انجام داده‌اند، سازگاری با این سناریو بوده است.»

از نظر سیاسی، آرژانتین عمدتاً توسط پرونیست‌ها اداره می‌شد؛ یک ایدئولوژی که تعریفش دشوار است و به نام خوان پررون، رئیس‌جمهور دیربای آرژانتین که همراه با همسرش ایوا، دولت رفاه اجتماعی قوی‌ای را با تمرکز بر طبقه کارگر ایجاد کرد، شناخته می‌شود. پرونیست‌ها، که در حال حاضر توسط حزب عدالت‌گرای آرژانتین نمایندگی می‌شوند، هنوز قدرتمند هستند؛ به ویژه در اتحادیه‌های کارگری و طبقات سیاسی. اما دوره ریاست‌جمهوری میلی یکی از معدود دوره‌هایی خواهد بود - به جز دوره‌های دیکتاتوری نظامی خشن - که یک پرونیست در قدرت نخواهد بود.

شیافینو توضیح می‌دهد که پرونیسم سیاست‌های اقتصادی جدافتاده‌ای را به همراه آورده است که منجر به فقدان دارایی‌های خارجی و وضعیت نقدینگی فعلی آرژانتین شده است. بدون ارز خارجی، این کشور نمی‌تواند در اقتصاد جهانی شرکت کند و بدهی‌های خارجی خود را پرداخت کند و بدون اعتبار، نمی‌تواند بدهی بیشتری بگیرد.

گرگوری ماکاف، استاد ارشد مرکز کسبوکار و حکمرانی مصور رحمانی در مدرسه کندی هاروارد، می‌گوید که هیچکدام از این‌ها - کسری بودجه، بحران اعتبار و تورم رو به افزایش - در آرژانتین جدید نیست و این چیزی است که میلی به آن پاسخ می‌دهد.

او می‌گوید: «میلی آرژانتینی است. او یک شخصیت رسانه‌ای آرژانتینی است و آنچه او انجام می‌دهد بسیار داخلی است. او از یک سیستم سیاسی اقتصادی و مالی فروپاشیده بیرون می‌آید و چیزهایی را می‌گوید که مرتبط هستند و از تاریخچه کشور و شکست‌های آن نشأت می‌گیرند. او می‌گوید من شکست‌های ما را

اگر در مورد خاویر میلی، رئیس جمهوری جدید آرژانتین چیز جدیدی ندانید، احتمالاً دو چیز را می‌دانید: او موهای عجیبی دارد و خودش را یک آنارکو-کاپیتالیست معرفی می‌کند که باور دارد دولت باید تا حد امکان نقش کمی در جامعه داشته باشد.

میلی بیش از یک دهه است که به عنوان یک چهره تلویزیونی لیبرترین پرشور در افکار عمومی آرژانتین حضور دارد و به پوشیدن لباس‌های عجیب و غریب و انتقاد شدید از نخبگان سیاسی شناخته می‌شود. او تجربه واقعی مسئولیت حکومتی ندارد. دوستان و دشمنان رئیس‌جمهور جدید آرژانتین، او را با هم‌تایان پوپولیست راست‌گرایش مانند دونالد ترامپ و بوریس جانسون مقایسه می‌کنند.

در حالی که جذابیت او برای آرژانتینی‌هایی که با تورم سرقمی دست و پنجه نرم می‌کنند، با توجه به گذشته اقتصادی و ناآرامی سیاسی آرژانتین تا حدودی منطقی است، اینکه آیا این امر به بهبود وضعیت کشور منجر خواهد شد یا آن را در هرج و مرج فرو خواهد برد، هنوز مشخص نیست.

میلی در تجمعات و سفرهای تبلیغاتی خود از ره برقی استفاده می‌کرد و آن را به عنوان نمادی از آنچه قصد داشت در صورت انتخاب به دولت آرژانتین انجام دهد، روشن می‌کرد و حالا پس از آغاز دوره ریاست‌جمهوری‌اش، قول داده است که ۹ وزارتخانه از ۱۸ وزارتخانه دولت را حذف کند و وعده داده است که پروژه‌های زیربنایی جدید را متوقف کند. کارکنان دولتی تازه استخدام‌شده را اخراج کند، یارانه‌های حمل و نقل و انرژی را کاهش دهد و پرداخت‌ها به استان‌های آرژانتین را کم کند. او و وزیرانش می‌گویند که این اقدامات کسری بودجه غیرقابل تحمل آرژانتین را کاهش خواهد داد؛ به امید جذب سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر و خشنود کردن صندوق بین‌المللی پول (IMF) که تاکنون حدود ۴۴ میلیارد دلار به این کشور وام داده است که در حال حاضر قادر به بازپرداخت آن نیست. کریستالینا گئورگیوا، رئیس صندوق بین‌المللی پول (IMF)، در پستی نوشت: «از اقدامات قاطع اعلام‌شده از سوی رئیس‌جمهور میلی و تیم اقتصادی او برای رویارویی با چالش‌های اقتصادی قابل توجه آرژانتین استقبال می‌کنم - گام مهمی به سوی بازگرداندن ثبات و بازسازی پتانسیل اقتصادی کشور.»

میلی به مردم آرژانتین گفته است که برنامه‌های اقتصادی او در کوتاهمدت بسیار درناک خواهد بود، به‌ویژه در کشوری که حدود ۴۰ درصد از مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند و بسیاری به شدت به کمک‌های دولتی برای گذران زندگی وابسته هستند. اما اینکه آیا او واقعا می‌تواند این برنامه‌ها را به واقعیت تبدیل کند، سوال دیگری است؛ حزب او، لا لیبرتاد اونزا، اکثریت کرسی‌ها در پارلمان را در اختیار ندارد و توانایی میلی در ایجاد توافق و اجماع ثابت نشده است. این می‌تواند مانعی جدی برای اجرای سیاست‌های او باشد و احتمالاً کشور را به سمت هرج و مرج بیشتر سوق دهد.

گرچه توجهات بر مشکلات اقتصادی آرژانتین است اما مهم است که در نظر گرفته شود که اقتصاد که میلی پیشنهاد می‌دهد - مانند همه اقتصادها - بر اساس ایدئولوژی است و در حالی که بخش عمده‌ای از ایدئولوژی میلی بر اقتصاد متمرکز است، این تمام چیزی نیست که او وعده می‌دهد.

#### گذشته آرژانتین کلید درک مشکلات کنونی آن است

میلی فرزند یک راننده اتوبوس است که به یک کارآفرین تبدیل شد. او در بوئنوس آیرس بزرگ شد، در کودکی فوتبال بازی می‌کرد و در یک گروه موسیقی خوانندگی می‌کرد اما رشد

درک می‌کنم و قصد دارم شکست‌هایمان را برطرف کنم. دلیل اینکه او اثر می‌گذارد این است. او با مردم آرژانتین در مورد تجربه زندگی‌شان صحبت می‌کند.»  
 میلی در شبکه‌های اجتماعی گفته است: «ما کاملاً به پایان دادن به ابرتورم متعهد هستیم. به همین دلیل است که یک برنامه فوق‌العاده ارتدکس را برای پایان دادن به کسری بودجه و رساندن کسری مالی به صفر طراحی کرده‌ایم.»

### آیا او می‌تواند این کارها را انجام دهد؟ و آیا این کارها واقعاً می‌تواند اقتصاد آرژانتین را اصلاح کند؟

در حال حاضر، درباره بخش مهمی از وعده‌های تبلیغاتی میلی تردید وجود دارد؛ به خصوص درباره برنامه او برای شکست تورم با جایگزین کردن پزو با دلار آمریکا و بستن بانک مرکزی. این بدان معنی است که دولت دیگر نمی‌تواند از بانک مرکزی بخواهد پول بیشتری چاپ کند تا دولت بتواند خریدهایی انجام دهد؛ منبع کلیدی تورم فعلی فزاینده.  
 اما کمبود ذخایر مانع از افراط در هزینه‌کرد سیاستمداران در گذشته نشده است؛ بنابراین روشن نیست که چگونه دلارزاسیون می‌تواند این الگو را تغییر دهد. علاوه بر این، طبق برآوردهای تیم خود او، این یک تصمیم پرهزینه است و ممکن است حدود ۴۰ میلیارد دلار هزینه داشته باشد. برای کشوری که ۴۴ میلیارد دلار به صندوق بین‌المللی پول بدهکار است، روشن نیست که این پول از کجا خواهد آمد. لوتیس کاپوتو، وزیر دارایی میلی، تاکنون در بیانیه‌های اقتصادی خود به این برنامه اشاره‌های نکرده است و گفته می‌شود که به صورت خصوصی گفته است که این برنامه منتهی است.

به نظر می‌رسد میلی برخی از پیشنهادات بیش از حد تند خود را تعدیل کرده است؛ از جمله در خصوص پرداختها به اهداکنندگان عضو برای حل مشکل کمبود اهدای عضو و قطع روابط با چین، یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری آرژانتین. گرچه برخی ناظران از این تغییر نگرش و سیاست‌های معتدل‌تر او احساس آرامش می‌کنند، فایننشال تایمز معتقد است که نگرش‌ها و سیاست‌های جدی‌تر او ممکن است برای مردمی که به او رأی داده‌اند نامیدکننده باشد.

آلفردو سرانو، رئیس اندیشکده چپ‌گرای مرکز استراتژیک ژئوپلیتیک آمریکای لاتین به فایننشال تایمز گفت: «حمایت از او بسیار زودگذر و ناپایدار است. رأی‌دهندگان روی او شرط بسته‌اند اما این شرط تاریخ انقضا دارد.» و گرچه ممکن است او بتواند با سایر احزاب راست‌گرا ائتلافی تشکیل دهد، با در نظر داشتن اینکه حزب او تعداد کمی کرسی در پارلمان دارد، هیچ تضمینی وجود ندارد که میلی بتواند تمام اصلاحات خود را به پیش ببرد. حتی اگر برنامه‌های اقتصادی او درست باشند، درگیری‌ها و ناآرامی‌های سیاسی آرژانتین ممکن است مانع از این شود که دولت میلی بتواند یک برنامه مدون و متقن تدوین کرده و آن را به انجام برساند. فرمان اخیر میلی در خصوص اصلاحات اقتصادی راه را برای خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی هموار کرده، حقوق کارگران از جمله مرخصی زایمان حذف شده، محدودیت‌ها بر صادرات را پایان داده و قوانین اجاره مسکن و مالکیت زمین را برای تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی تغییر داده است. میلی همچنین با ادای احترام به ایلان ماسک، میلیاردی را برای حمایت از کمپین انتخاباتی او حمایت کرده بود، تغییراتی را در بازار اینترنت ماهواره‌ای آرژانتین اعلام کرد و گفت که این امر «بورو شرکت‌هایی مانند استارلینک را ممکن خواهد ساخت.»  
 اما این سیاست‌ها مخالفان دولت و بسیاری از شهروندان عادی را خشمگین کرد. بلافاصله پس از سخنرانی رئیس‌جمهور، مخالفان ساعت ۹ شب به بالکن‌های خود رفتند تا با کوبیدن قابلمه و تابه اعتراض کنند. خیلی زود مخالفت‌ها به خیابان‌ها گسترش یافت و مردم شروع به مسدود کردن جاده‌ها در نقاط مختلف پایتخت کردند. تا ساعات اولیه صبح روز بعد، هزاران معترض در میدان مقابل کنگره جمع شدند؛ جایی که میلی ۱۰ دسامبر آنجا تحلیف شده بود «میلی! تو زباله‌ای! تو دیکتاتوری!» شعارهایی بود که معترضان سر می‌دادند. یکی از معترضان، تاریخ‌دان ۵۵ ساله‌ای به نام کارولا گومز بود که با خشم می‌گفت: «او فکر می‌کند که امپراتور رومی است! حتی دیکتاتوری نظامی هم این کار را نکرد... این از تاجر هم بدتر است.»  
 میریام برگمن، یک چپ‌گرای برجسته و نامزد سابق ریاست‌جمهوری، این فرمان را «طرح نبردی علیه مردم کارگر» نامید و خواستار اعتصاب فوری سراسری شد. او در تویییتی نوشت: «اینجا تخلفات قانونی زیادی وجود دارد که نمی‌دانم از کجا شروع کنم» و

میلی را به استفاده از فرمان اضطراری برای دور زدن کنگره متهم کرد. خوان گرابوئیس، یک رهبر اجتماعی و سیاستمدار شناخته‌شده، ادعا کرد که میلی «تاسیس یک موناشرشی مطلقه را فرمان داده است... که قصد دارد با استفاده از سلاح‌های سنگین به طبقات متوسط و پایین کشور حمله کند.»

در همان روز، چند ساعت قبل از اعلام میلی، هزاران معترض در پایتخت آرژانتین راهپیمایی کردند که اولین بسیج عمومی علیه دولت جدید بود. این تظاهرات با نمایش قدرت چشمگیری از سوی پلیس مواجه شد. اولین راهپیمایی ضد میلی چندان تأثیرگذار نبود و حضور مردم کمتر از حد انتظار بود؛ مسئله‌ای که برخی آن را به تهدیدهای دولت برای قطع مزایای هرکسی که در مسدود کردن ترافیک نقش داشته باشد، نسبت دادند اما اعلامیه تلویزیونی رئیس‌جمهور باعث شد تا خشم قابل توجه و خودجوش بیشتری ایجاد شود؛ زیرا معترضان با حمل وسایل آشپزخانه، سوت‌ها و پرچم‌های آرژانتین از سراسر شهر به خیابان‌ها روانه شدند.

گومز یک قابلمه کوچک و یک کفگیر به تجمع آورد تا اعتراض خود را به صدا درآورد. او چه خواهد کرد اگر پلیس او را به دلیل محدودیت‌های جدید در خصوص اعتراضات دستگیر کند؟ «می‌گویم که دارم کیک درست می‌کنم.» این را می‌گوید و می‌خندد. بعد خیلی زود جدی می‌شود و شکایت می‌کند که «ما حتی باید دلیل حمل قابلمه‌ها را توجیه کنیم... این یک محاصره اعلام نشده است.» گابریل سولانو، یک رهبر ۴۹ ساله از حزب چپ‌گرای پارتنیدو اوبرو، قول داد در برابر تلاش‌های میلی برای پیشبرد سیاست‌های اقتصادی خود بدون مشورت با کنگره مقاومت کند و ادعا کرد که آرژانتینی‌های طبقه کارگر و متوسط در حال آگاه‌شدن از اشتباه خود در انتخاب این اقتصاددان رادیکال هستند. سولانو می‌گوید: «فکر می‌کنم روحیه مردم تغییر کرده است. بسیاری از مردم دارند متوجه می‌شوند که شرایط آن‌طور که فکر می‌کردند نیست و تدابیر ریاضتی بسیار گسترده هستند.» میلی در تلاش برای کوچک نشان دادن این اعتراضات، به رادیوی محلی گفت که به نظر می‌رسد شرکت‌کنندگان در این اعتراضات از «سندرم استکهلم» رنج می‌برند. «آن‌ها ... عاشق مدلی [اقتصادی] هستند که آن‌ها را فقیر می‌کند - اما آن‌ها اکثریت مردم آرژانتین نیستند.» او اعلام کرد که اقدامات بیشتر و جدی‌تری در راه است و گفت: «تصمیمات بیشتری در راه است. به زودی متوجه خواهید شد.»

گرچه مهم‌ترین مسئله‌ای که میلی باید به آن بپردازد اقتصاد است، مهم است که به خاطر داشته باشیم که او در مورد مسائل دیگر هم ایده‌های سیاستی و مواضعی ایدئولوژیک دارد - به ویژه، حق سقط جنین که توسط جنبش فمینیستی تازه بسیج شده آرژانتین در سال ۲۰۲۰ به دست آمده است. کامیلا رویترسوار، استادیار علوم سیاسی در دانشگاه اوپسالا و کورا فرناندز اندرسون، رئیس دپارتمان سیاست در کالج مونت هولیوک، در یک پست وبلاگی برای کنسرسیون اروپایی تحقیقات سیاسی نوشته‌اند: «قطعاً میلی اولین رهبر پوپولیست انتخابی نیست که به دنبال محدودیت‌های سقط جنین در دستور کاری گسترده‌تر از مخالفت با حقوق جنسی و تولیدمثل است. نظرات او عمدتاً از الگوی ضدجنسیتی بیشتر رهبران پوپولیست راست‌گرا پیروی می‌کند.»

میلی که طرفدارانش عمدتاً مردان هستند، علاقه‌مند به برگزاری یک همه‌پرسی در مورد قانون ۲۰۲۰ است که سقط جنین را تا ۱۴ هفته مجاز می‌داند. وزیر امنیت میلی و رقیب سیاسی سابق او، پاتریشیا بولریج هم اعلام کرده است که برای سرکوب اعتراضات با استفاده از زور و دستگیری‌ها پس از اعلان اصلاحات اقتصادی تصمیم گرفته شده است. او در یک کنفرانس مطبوعاتی هفته گذشته گفت: «بدانند که اگر خیابان‌ها گرفته شود، عواقبی خواهد داشت.» شکی نیست که اقتصاد آرژانتین در وضعیت بحرانی قرار دارد و گرچه مردم آرژانتین به وعده‌های میلی برای اصلاح این اقتصاد رأی داده‌اند، هیچ تضمینی وجود ندارد که برنامه‌های او کارآمد باشد یا اینکه دولت حتی بتواند آن را به انجام برساند. ■

#### منبع

Javier Milei: Dog lover, anarcho-capitalist, president of Argentina - Vox  
 Javier Milei's radical economic policies for Argentina met with protests | Argentina | The Guardian

# ..... راه‌بریشم .....

[ این صفحات به مرور اقتصاد و تجارت در مهم‌ترین شهرهای جهان و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در آنها می‌پردازد. ]

## بندر طنجه

# غول باستانی دیروز، غول لجستیک امروز

همین خاطر هنوز به مراکش، مغرب هم می‌گویند. موقعیت استراتژیک بندر طنجه همواره مورد توجه و استفاده قدرت‌های خارجی بوده است. در قرن پانزدهم میلادی بندر طنجه به دست پرتغالی‌ها افتاد و بعد هم انگلیسی‌ها در آن حضور پیدا کردند. پیش از آن هم تاجران یهودی که از اسپانیا فرار کرده بودند در این بندر حضور گسترده‌ای داشتند. در قرن هیجدهم میلادی حضور انگلیسی‌ها در طنجه گسترش شدیدی داشت؛ به طوری که یک کنسول و صد تاجر انگلیسی در طنجه حضور یافته بودند. در جریان محاصره جبل الطارق توسط اسپانیایی‌ها در اواخر این قرن، انگلیسی‌ها از طنجه اخراج شدند. در اوایل قرن نوزدهم، طنجه شاهد حضور جان داموند به عنوان نماینده بریتانیا بود؛ چهره‌ای بسیار بانفوذ که به مدت چهار دهه بر فعالیت‌های تجاری و سیاسی انگلیسی‌ها در مراکش نظارت داشت و باعث شد نفوذ انگلیس افزایش شدیدی داشته باشد.

با این حال، طولی نکشید که رقابت انگلیس و فرانسه بر سر قدرت به مراکش هم کشیده شد. در سال ۱۸۴۴ میلادی ناوگانی از فرانسوی‌ها طنجه را هدف قرار دادند و بعد از آنها هم اسپانیایی‌ها به این شهر هجوم آوردند. سیاست بریتانیا که بسیار سعی داشت جلوی اوج‌گیری قدرت اروپایی‌های دیگر در تنگه جبل الطارق را بگیرد در این زمان باعث درگیری‌های زیادی در طنجه و اطرافش شد.

طنجه یاب روایتی تنگه، همان شهر تنگه‌ها، بندری در شمال مراکش است که سابقه تاریخی‌اش به قرن چهارم پیش از میلاد برمی‌گردد. این بندر در نقطه کاملاً استراتژیکی در منتهی‌الیه

غربی تنگه جبل الطارق واقع شده و آفریقا و اروپا و همین‌طور دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس را به هم وصل می‌کند. مراکش در طی قرون، شهرهای مهم و تجاری زیادی مثل کازابلانکا، ژنابا، فز و مکناس داشته اما طنجه همواره جایگاه خود را در میان آنها حفظ کرده است. طنجه در حال حاضر پنجمین شهر بزرگ مراکش و دومین مرکز صنعتی بزرگ کشور بعد از کازابلانکا است. صنایعی مانند نساجی، مواد شیمیایی، صنایع مکانیکی و متالورژیک و همین‌طور کشتی‌سازی در بندر طنجه فعال‌اند.

طنجه در دوران پیش از میلاد بندر تجاری مهمی برای فینیقی‌ها بود و در قرون بعدی هم رومی‌ها بر آن حکومت می‌کردند. بعدها در قرن هشتم میلادی به نقطه آغاز فتح اسپانیا توسط امویان دمشق تبدیل شد و اهمیتش بسیار بالاتر رفت. فرمانده فاتح در این جنگ طارق بن زیاد بود که نام تنگه (و سنگ) جبل الطارق از او گرفته شده است. در واقع فتح شمال آفریقا توسط اعراب در قرن هفتم میلادی باعث شد کل این منطقه به عنوان «مغرب» شناخته شود؛ یعنی غربی‌ترین بخش از سرزمین‌های اسلامی. به

فرزانه سالمی، کاوه شجاعی

گروه راه‌بریشم



قرار گرفت که طنجه دروازه شمالی مراکش به سمت غرب آفریقا باشد و به همین منظور بود که تغییراتی در بندر طنجه صورت گرفت: بندر قدیمی طنجه تحت بازسازی قرار گرفت تا پذیرای گردشگران و کشتی‌های کروز اروپایی و ماهیگیران باشد و بندر مدرن طنجه‌مد به عنوان مرکز جدید تجاری این بندر تاسیس شد.

### در بندر طنجه‌مد چه می‌گذرد؟

شکی نیست که یکی از مهم‌ترین نقاط برای تجارت میان قاره‌های در طول تاریخ همین بندر طنجه بوده است و اینجا هنوز به دلیل امتیازات مربوط به موقعیت جغرافیایی‌اش اهمیت بین‌المللی زیادی دارد. این بندر قادر به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی هم بوده و بخش زیادی از آن به دلیل توجه بخش خودروسازی به بندر طنجه‌مد است. شرکت‌های بزرگ خودروسازی جهان از جمله رنو، گروه پی‌اس‌ای، خودروسازی بی‌وای‌دی چین و همین‌طور خودروسازی میتسوبی کینزکو ژاپن هر کدام کارخانه‌های خودشان را در طنجه دارند و از بندر طنجه‌مد برای صادرات خودروهایشان استفاده می‌کنند.

طنجه در تقویت رشد اقتصادی مراکش و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید برای جمعیت رو به افزایش مراکش نقش زیادی ایفا کرده است؛ به خصوص با توجه به اینکه در آن منطقه ذخایر نفت و گاز وجود ندارد. طنجه در واقع با سرعتی سه برابر مراکش توانسته ایجاد شغل کند.

بندر طنجه‌مد در گزارشی که بانک جهانی در خصوص شاخص بهترین عملکرد در میان بندرهای کانتینری جهان منتشر کرد در مقام چهارم قرار گرفت. عملکرد بندرهای کانتینری با توجه به ارزیابی زمانی صورت می‌گیرد که کشتی‌ها در بندر باید توقف کنند. بانک جهانی این شاخص را با همکاری اس‌اند‌پی گلوبال (شرکت ارائه‌دهنده داده‌های مالی در صنایع و تحلیل آنها) تدوین کرده است و عملکرد ۳۴۸ بندر بین‌المللی در همین راستا بررسی و ارزیابی شده است. بر اساس گزارش این بانک، بندر طنجه‌مد از لحاظ جهانی در مقام چهارم و پس از ترمینال یانگشان (در چین)، بندر صلاله (در عمان) و بندر خلیفه (در ابوظبی) قرار دارد.

پیش‌بینی می‌شود که بندر طنجه‌مد در سال ۲۰۲۳ میلادی با ظرفیت ۷.۵ میلیون TEU کار کرده باشد و انتظار می‌رود این ظرفیت تا نیمه اول سال ۲۰۲۵ میلادی و با انجام برنامه‌های توسعه‌ای بندر، به ۹ میلیون TEU برسد. با این ترتیب، بندر طنجه‌مد به بزرگ‌ترین ظرفیت کانتینری بنادر در مدیترانه دست خواهد یافت. این در حالی است که در حال حاضر بندر مهم دیگری در منطقه مدیترانه مثل بندر والنسیا (در اسپانیا) با ظرفیت ۵.۶ میلیون TEU مشغول به کار است. بندر طنجه‌مد به بیش از ۱۸۰ بندر در جهان متصل است و سالانه از طریق این بندر، صادرات یک میلیون دستگاه خودرو و ترانزیت بیش از هفت میلیون مسافر و ترانزیت بیش از هفتصد هزار واگن باری انجام می‌گیرد. بنابر اعلام مقامات بندر طنجه‌مد، این بندر می‌تواند بیش از پنجاه درصد از صادرات کل مراکش را مدیریت کند و این موضوع می‌تواند در مناسبات تجاری مراکش با اروپا تاثیر مثبت و پیش‌روندهای داشته باشد.

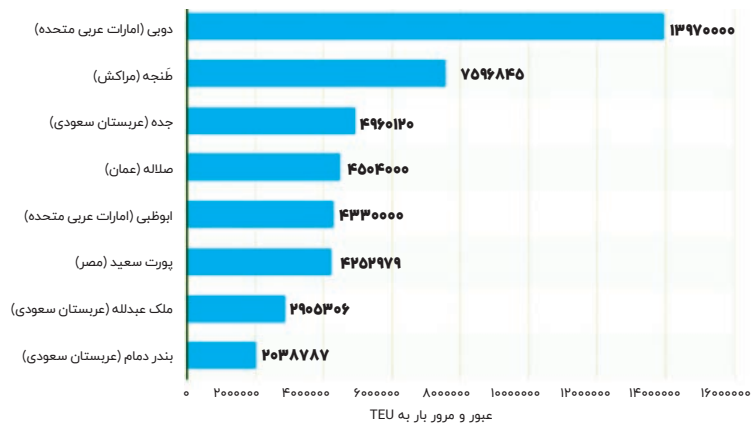
در همین میان، تجارت بین‌المللی قاره آفریقا به شدت وابسته به بنادر و راه‌های ارتباطی آنهاست. در سال‌های اخیر و با رشد اقتصادی سریع برخی کشورهای آفریقایی، اهمیت بنادر آفریقا هم بیشتر شده است و حجم صادرات و واردات از طریق آنها به شکل قابل توجهی



تمام کشمکش‌ها میان قدرت‌های اروپایی در شمال آفریقا در نهایت باعث شد بندر طنجه از نظام اداری و تجاری متفاوتی نسبت به سایر بخش‌های این سرزمین - که تحت استعمار فرانسه قرار گرفته بودند - برخوردار باشد. این در حالی بود که آلمانی‌ها برای کاهش نفوذ سایر اروپایی‌ها در شمال آفریقا خواهان استقلال مراکش شده بودند. در نهایت، کمیسیون متشکل از نمایندگان انگلیس، اسپانیا و فرانسه به نظارت بر حکمرانی در طنجه پرداختند؛ هر چند که با آغاز جنگ جهانی اول دوباره توازن قدرت در این منطقه به هم خورد. این وضع در دوران جنگ جهانی دوم هم ادامه یافت و در خلال جنگ، اسپانیا از خلا قدرت موجود استفاده کرد و مناطق زیادی را در مراکش اشغال کرد. تا سال ۱۹۵۶ که مراکش مستقل شد، استفاده‌های پراکنده خارجی از بندر طنجه ادامه داشت. بندر طنجه امروزی با بندر طنجه‌مد باستانی کمی فاصله دارد و به نام طنجه‌مد شناخته می‌شود. طنجه‌مد یک مرکز تجاری و صنعتی مهم در شمال آفریقا به شمار می‌آید؛ جایی که آفریقا، اروپا و خاورمیانه را به هم وصل می‌کند. از اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی، سیاست‌های دولت مراکش بر این

مراکش در طی قرون، شهرهای مهم و تجاری زیادی مثل کازابلانکا، ریبات، فز و مکناس داشته اما طنجه همواره جایگاه خود را در میان آنها حفظ کرده است

بزرگ‌ترین بنادر کانتینری آسیای غربی و شمال آفریقا بر اساس بار جابجا شده در سال ۲۰۲۲ (بر اساس TEU)



واحد TEU یک واحد غیرمستقیم از ظرفیت بار است که اغلب برای توصیف ظرفیت کشتی کانتینری و پایانه‌های کانتینر استفاده می‌شود. همان‌طور که می‌بینید طنجه در سال ۲۰۲۲ دومین بندر بزرگ منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بوده است.



از اواخر دهه ۱۹۹۰، سیاست‌های دولت مراکش بر این قرار گرفت که طنجه دروازه شمالی مراکش به سمت غرب آفریقا باشد و به همین منظور بود که طنجه‌مد به عنوان بخش مدرن بندر طنجه تاسیس شد

### بایدها و نبایدهای جلسات تجاری در مراکش

در مورد ساعات ملاقات‌های تجاری در مراکش حتماً دقیق باشید و فیکس کردن قرارها را از مدتی قبل انجام دهید. سعی کنید بموقع به محل ملاقات برسید اما اگر طرف مراکشی دیر کرد، آماده انتظار برای او باشید. معمولاً کسب و کارهای مراکشی که با شرکت‌های خارجی کار می‌کنند عادت کرده‌اند که به شیوه اروپایی به سرساعت بودن اهمیت بدهند. با این حال، از لحاظ فرهنگی در مراکش در این مورد فشار و اصرار خاصی وجود ندارد. از قرار گذاشتن با مراکشی‌ها در ماه رمضان پرهیز کنید و در ساعات قبل از ظهر و بعدازظهر جمعه هم با آنها قرار نگذارید.

معمولاً جلسات تجاری در مراکش با صحبت‌های عادی روزمره و بی‌ربط به کسب و کار شروع می‌شود؛ مثل حرف‌زدن درباره آب و هوا، ورزش (به خصوص فوتبال) و تعداد بچه‌های طرف مقابل.

توجه داشته باشید که در مراکش سیاست درهای باز وجود دارد؛ به این معنی که وقتی در یک جلسه نشست‌اید ممکن است کسی از بیرون وارد شود و جلسه تا دقایقی به هم بخورد. همچنین ممکن است دیگران برای بحث‌های کاملاً بی‌ربط به جلسه شما وارد اتاق شوند. درواقع اختلال در طول جلسات در مراکش کاملاً عادی است و باید در

در مراکش به خانواده‌اهمیت زیادی داده می‌شود و به همین جهت، پارتی‌بازی و هواداری از موضع فامیل در معاملات تجاری در مراکش بسیار عادی است

۲

## فرهنگ کسب و کار در مراکش

مراکشی‌ها ترجیح می‌دهند با افراد آشنا و مورد احترام وارد کار و تجارت شوند. بنابراین احتمالش زیاد است که در ابتدای آشنایی با شما چندان روی گشادای به آغاز کار نشان ندهند. باید برای آشنایی و جلب اعتماد و صمیمیت آنها تلاش کنید و این را پیش‌درآمدی بر معاملات تجاری قلمداد کنید. البته در این میان یک نکته بسیار مثبت وجود دارد و آن هم این است که مراکشی‌ها اصولاً در کار و تجارت به دنبال برقراری مناسبات درازمدت هستند. بنابراین در صورتی که در برقراری ارتباط و جلب اعتماد آنها موفق شوید درواقع دستاوردی درازمدت داشته‌اید.

در راستای همین موضوع، توجه داشته باشید که اولین برخورد و دیدار شما با شرکای تجاری احتمالی‌تان بسیار مهم است و در آینده کاری‌تان تأثیر زیادی می‌گذارد. احتمالش هست که طرف مراکشی در همان دیدار اول سوالاتی شخصی از شما بپرسد تا با خانواده و فرهنگ و روحیه شما بیشتر آشنا شوند. به همین جهت بهتر است در مقابل چنین پرسش‌هایی جبهه‌نگیرید.

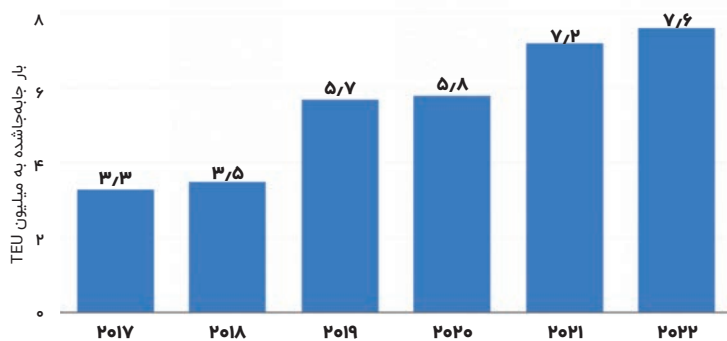
در مراکش برقراری ارتباط و پیدا کردن آشنا اهمیت بسیار بیشتری نسبت به سواد تجاری و تجربه شما دارد. در این کشور حتماً شبکه‌سازی کنید و رفقایی پیدا کنید که در جریان روندهای اداری و بوروکراسی پیچیده در این کشور به شما کمک کنند.

در مراکش به خانواده اهمیت زیادی داده می‌شود و به همین جهت، پارتی‌بازی و هواداری از موضع فامیل در معاملات تجاری در مراکش بسیار عادی است. در همین راستا وقتی با مراکشی‌ها برخورد کنید می‌بینید که آنها زمان زیادی را صرف احوالپرسی درباره خانواده طرف مقابل می‌کنند.

اگر در مراکش به خانه شرکای تجاری‌تان دعوت شدید حتماً احترام زیادی برای خانواده آنها قائل شوید و برایشان هدایایی مثل شیرینی، آجیل، گل و خرما ببرید. همچنین به هدیه‌گرفتن برای بچه‌های خانواده توجه کنید.

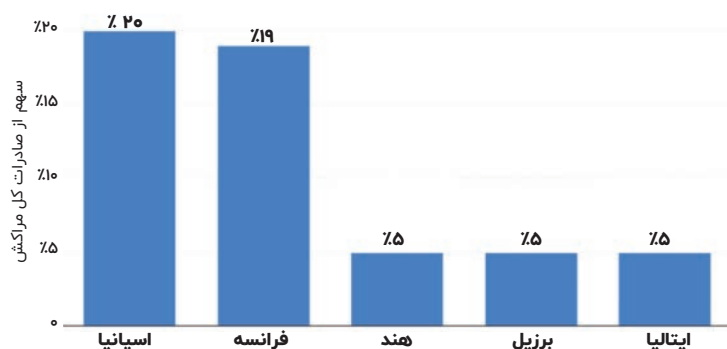
وقتی به منزل مراکشی‌ها می‌روید لباس آراسته و مناسب با فرهنگ این کشور بپوشید. احتمال اینکه دیگران شما را از روی ظاهرتان قضاوت کنند و همان آغاز کار، تصمیمشان را در مورد شما بگیرند زیاد است. به هنگام ورود به خانه کفش‌هایتان را در بیاورید. ممکن است در خانه‌های سنتی‌تر در مراکش غذا روی میزهای کوچک روی زمین سرو شود. از آنجا که در چنین منازلی غذا در ظرف‌های بزرگ مشترک روی میز گذاشته می‌شود، فقط از سمت خودتان غذا بخورید و به بخش‌های دیگر ظرف دست نزنید. تعارف به غذای زیاد خوردن در مراکش عادی است.

بار جابه‌جاشده در بندر طنجه از ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ (به میلیون TEU)



همان‌طور که در نمودار می‌بینید حجم بار جابه‌جاشده در طنجه طی ۵ سال بیش از دو برابر شده است.

بزرگ‌ترین واردکننده‌ها از مراکش (در سال ۲۰۲۱)



حدود ۴۰ درصد صادرات مراکش روانه‌ی اسپانیا و فرانسه می‌شود

در مراکش-مثل  
اکثر کشورهای  
دیگر در مدیترانه-  
شرکت‌ها ساختاری  
سلسله‌مراتبی  
دارند و فردی که  
در راس شرکت  
قرار دارد اصل  
تصمیم‌گیری‌ها را  
انجام می‌دهد

این مورد صبر و حوصله نشان دهید. پیش از زمان آغاز جلسه، حتماً با طرف مراکشی هماهنگ کنید که جلسه قرار است به چه زبانی برگزار شود و در صورت لزوم با خودتان مترجم ببرید.  
در مراکش مهم است که با هر یک از افراد به صورت جداگانه سلام و احوالپرسی و همین‌طور خداحافظی کنید. در این زمینه عجل و مبهم عمل نکنید و به هر فردی زمان لازم برای تعارفات را اختصاص دهید. این مسئله از لحاظ فرهنگی در مراکش اهمیت دارد.

### زبان‌های مراکش

عربی کلاسیک زبان رسمی مراکش است اما ارتباط برقرار کردن با لهجه مراکشی آن قدرها آسان نیست. از آنجا که فرانسه به نوعی زبان دوم رسمی کشور به حساب می‌آید، می‌توانید به فرانسه هم با خیلی‌ها ارتباط برقرار کنید. زبان فرانسه در دانشگاه‌های این کشور به صورت گسترده تدریس می‌شود و اکثر افراد فعال در عرصه مالی و تجاری

و دولتی با آن آشنا هستند. البته توجه داشته باشید که برخی از مراکشی‌های ساکن شمال این کشور ممکن است به زبان اسپانیایی هم آشنایی داشته باشند. زبان انگلیسی به اندازه بقیه زبان‌هایی که نام بردیم در مراکش محبوب نیست ولی در هر حال کاربرد دارد و اخیراً زبان انگلیسی در میان فارغ‌التحصیلان اخیر دانشگاه‌های مراکش بیشتر به کار می‌رود.

معمولاً وقتی طرف مراکشی کارت ویزیتش را به شما می‌دهد، اطلاعات روی کارت به هر دو زبان عربی و فرانسه نوشته شده است. بهتر است شما هم کار مشابهی را در مورد کارت و یا اطلاعات مربوط به خودتان انجام دهید.

برخی مباحث در مراکش تابو محسوب می‌شوند؛ می‌خواهد به هر زبانی باشد. به عنوان نمونه، از صحبت کردن درباره خانواده سلطنتی مراکش و همین‌طور وضعیت سیاسی صحرای غربی و الجزایر پرهیز کنید و نظری ندهید و نظری نپرسید. (الجزایر و مراکش رقبای سرسخت سیاسی هستند). در مورد مواد مخدر و همین‌طور در مسائل عقیدتی هم صحبت نکنید.

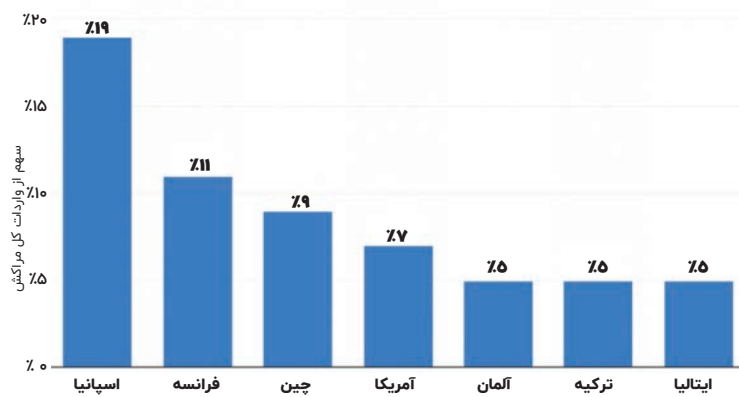
### آشنایی با ساختار شرکت‌های مراکشی

در مراکش - مثل اکثر کشورهای نزدیک به مدیترانه- شرکت‌ها ساختاری سلسله‌مراتبی دارند. فردی که در راس شرکت قرار دارد اصل تصمیم‌گیری‌ها را انجام می‌دهد؛ هر چند که نیاز به توافق جمعی هم در مورد مسائل مهم وجود دارد. برخی شرکت‌ها در ضوابط و قوانین خود از سیستم فرانسوی پیروی می‌کنند اما به هر حال نباید انتظار داشته باشید که نظر زبردستان روی نظر روسا تأثیر خاصی بگذارد. یک مزیت چنین شرایطی این است که معمولاً رییس که تصمیم گیرنده بوده مسئولیت تمام و کمال همه چیز را می‌پذیرد. شاید به همین جهت است که مذاکرات تجاری در مراکش معمولاً در چندین دور صورت می‌گیرد و تصمیمات به صورت عجولانه گرفته نمی‌شوند.

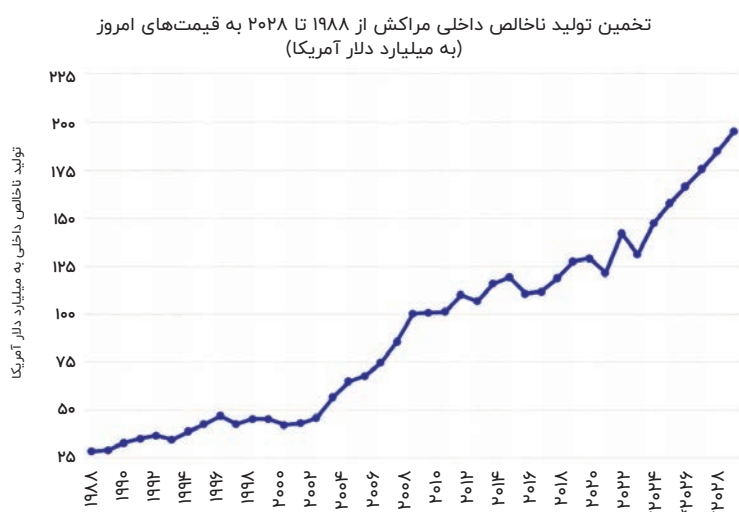
اگر فعالیت تجاری شما و شریکتان به دولت مراکش هم مربوط شود، باید خودتان را برای انتظار و صبر آماده کنید. معمولاً مذاکرات در چنین مواردی خیلی طولانی‌تر است و بخش‌های مختلف از وزارتخانه‌ها باید با مراحل کار موافقت کنند و به آن مجوز بدهند. از طرف دیگر، توجه داشته باشید که مسن‌ترین فرد در ریاست شرکت طرف مقابل احتمالاً بانفوذ است و بنابراین سعی کنید موضع و پیشنهاد خود را برای او واضح توضیح دهید و توجه کافی به او داشته باشید.

در جریان جلسات تجاری به صورت مستقیم از شرکای تجاری خود یا افراد مرتبط با آنها انتقاد نکنید. توجه داشته باشید که مراکشی‌ها افرادی هستند که چندان دنبال مواجهه مستقیم و دردسرهای آن نمی‌گردند. البته معنی‌اش این نیست که نمی‌توانید چانه‌زنی کنید. فقط دیگران را بیش از اندازه به چالش نطلبید. جالب اینجاست که در مراکش کسی با پریدن وسط حرف دیگران در جریان مذاکرات مشکلی ندارد و گاهی همه همراه با هم در حال صحبت کردن هستند. بنابراین مواردی پیش می‌آید که می‌توانید حرفتان را بموقع به کرسی بنشانید. در معاملات تجاری در مراکش تصمیم‌گیری‌ها در زمان خودشان انجام می‌شوند و معاملات به کندی جوش می‌خورند. سعی نکنید که این روند را تسریع کنید چون از نظر مراکشی‌ها توهین‌آمیز تلقی خواهد شد. از طرف دیگر، از تاکتیک‌های مختلف برای تحت فشار قرار دادن طرف مقابل استفاده نکنید چون ممکن است ورق را به ضرر شما برگرداند. ■

بزرگ‌ترین صادرکننده‌ها به مراکش



چهار دهه رشد اقتصاد مراکش



تولید ناخالص داخلی (GDP) مجموع ارزش کل کالاها و خدمات تولیدشده در طول یک سال است. سال‌های ستاره‌دار پیش‌بینی بانک جهانی برای سال‌های آینده است.

..... کارآفرین .....  
.....

# کارآفرینی با خیال

نگاهی به زندگی کارآفرینان جهان





## نگاهی به زندگی اسطوره فرانسوی، تیری هرمس

# سوارکاری با اسب رویایی

### نسیم بنایی

دبیر بخش کارآفرین خارجی

### او کیست؟

در دنیای لوکس و گران قیمت‌ها، نام‌های اندکی وجود دارند که برای همیشه ماندگار شده باشند و یکی از آن‌ها، تیری هرمس است، طراح مد فرانسوی که هر چند خودش سال‌هاست از دنیای فاشن دور شده، اما برندش هنوز بی‌رقیب است.

### میان دو وطن

تیری هرمس در بیست و چهارم فوریه ۱۸۰۱ در کرفلد آلمان به دنیا آمد. البته کرفلد شهری بود که در آن زمان بخشی از امپراتوری فرانسه تحت حکومت ناپلئون به حساب می‌آمد. همین مسئله باعث شد میراثی

فرانسوی-آلمانی در ذهن تیری وجود داشته باشد که او را به ترکیبی از صنعت‌گری و ظرافت هنری تبدیل کرد.

پدر و مادر تیری مهمان‌خانه‌دار بودند و او جوان‌ترین فرزند از شش فرزند خانواده بود. از دست دادن زود هنگام خانواده‌اش به دلیل بیماری و آشوب سیاسی آن دوران تیری جوان را مجبور کرد در سال ۱۸۲۱ به قلب فرانسه نقل مکان کند و در شهر پاریس مستقر شود. در پاریس، او در زیر نظر استادان حرفه‌ای آموزش دید و به خصوص در ساخت زین و افسار اسب و دیگر تجهیزات اسب‌سواری مهارت پیدا کرد.

اگر بخواهیم دوره‌ای خاص از آموزش تیری جوان را مد نظر قرار دهیم باید به این دوره اشاره کنیم. این دوره برای او نقش یک کارآموزی حیاتی را بازی کرد، زیرا پس از آن دانش تجاری و مهارت‌های صنعتی تیری به طور کامل دگرگون شده بود.

### مسیر فرعی

مسیر کارآموزی و کسب تجربه تیری در پاریس اندکی طولانی شد. با این حال او نهایتاً توانست در سال ۱۸۳۷ اولین کارگاه خود را در محله گراند بولوار پاریس افتتاح کند. این کارگاه در زمینه تولید زین و افسار اسب، با سطح بالایی کیفی فعالیت می‌کرد. ابزار

اسب‌سواری در آن زمان کالایی محبوب بین اشراف اروپایی به حساب می‌آمد که به طور ویژه در بین این جمع می‌توان به درباریان اشاره کرد.

ریزبینی و حساسیت تیری نسبت به کیفیت و ظرافت از همان زمان مشخص شد. البته در کنار کیفیت و ظرافت باید حتماً به نوآوری در تولید صنایع دستی هم اشاره کنیم. این ویژگی‌ها باعث شدند تیری به سرعت بین جامعه اشرافی پاریس شناخته شود. جذاب‌ترین نکته در این دوره، تکنیک دوخت دستی دقیقی بود که تیری در تولید افسارها و روکش زین‌های اسب به کار می‌یست. تولیدات تیری در آن سال‌ها با استقبال خوبی از سوی جوایز دورهای هم روبه‌رو شد. در واقع او چندین بار جایزه اول را در نمایشگاه‌های گوناگون بین‌المللی کسب کرد، که در نهایت با تکیه به آن توانست کسب و کار خود را توسعه دهد. مهارت تیری که به نوعی تضمین‌کننده کیفیت و ظرافت کالا بود، بعدها به امضایی برای کلیت محصولات برند هرمس تبدیل شد. اما پیش از پرداختن به ویژگی‌های هرمس و میراثی که برای جهان باقی گذاشت، بهتر است داستان شکل‌گیری این برند بپردازیم.

نخستین کیف چرمی با برند هرمس روانه بازار مد شد

۱۹۱۴

۱۸۳۷

برای نخستین بار کارگاه هرمس راه‌اندازی شد

تیری هرمس در آلمان متولد شد

۱۸۰۱

پدر و مادر تیری مهمان‌خانه‌دار بودند و او جوان‌ترین فرزند از شش فرزند خانواده بود. از دست دادن زودهنگام خانواده‌اش به دلیل بیماری و آشوب سیاسی آن دوران تیری جوان را مجبور کرد در سال ۱۸۲۱ به قلب فرانسه نقل مکان کند و در شهر پاریس مستقر شود. در پاریس، او زیر نظر استادان حرفه‌ای آموزش دید و به خصوص در ساخت زین و افسار اسب و دیگر تجهیزات اسب‌سواری مهارت پیدا کرد.



یکی از نوادگان هرمس که تصمیم گرفته دارایی هرمس را به باغبانش ببخشد



یکی از نخستین تبلیغات برای کارگاه هرمس

پیش ببرد. استانداردها را خودش وضع می‌کرد و به کسی اجازه دخالت نمی‌داد. با این حال، پس از مرگش مدیریت کل این کسب‌وکار در اختیار فرزندان و نوادگان قرار گرفت. هرمس سرانجام در سال ۱۸۷۸ در فرانسه از دنیا رفت. پس از او، نوادگانش این کسب‌وکار را ادامه دادند تا به امروز که تمام دارایی و ثروت هرمس به نسل پنجمش رسیده، به مردی که هرگز ازدواج نکرده و فرزند ندارد. ظاهراً این فرد هم تصمیم گرفته تمامی دارایی هرمس را به باغبانش ببخشد. برخی می‌گویند تنش‌های خانوادگی باعث شده این شخص چنین تصمیمی بگیرد. به هر حال اکنون دارایی‌های یکی از معروف‌ترین ثروتمندان تاریخ قرار است به یک باغبان و خانواده‌اش برسد.

هرمس از دنیا رفته اما کسب‌وکارش هنوز در حال رشد و توسعه است. برای مثال نخستین بار در سال ۱۹۸۴ بود که نخستین فروشگاه هرمس در آسیا در توکیو ژاپن راه‌اندازی شد. اکنون هرمس به یک برند بین‌المللی تبدیل شده که همه دنیا آن را می‌شناسند. بسیاری از افراد سرشناس، به‌یادماندنی‌ترین وسایل خود را از هرمس گرفته‌اند، مثلاً می‌گویند روسری حریر معروف گریس کلی از برند هرمس بوده است. بسیاری از هنرمندان بزرگ هم به مرور به سمت برند هرمس مایل شدند و تصمیم گرفتند برای این برند طراحی‌هایی را انجام دهند. این روزها هرمس به عنوان نمادی لاکچری از فرانسه در دنیا شناخته می‌شود، نمادی که ظاهراً قرار نیست شهرتش از میان برود، حتی اگر همه دارایی‌هایش به باغبان خانهاش برسد. ■

## حکایت کیفیت

قصه‌ها و حکایت‌های زیادی در مورد تیرس هرمس، خالق برند هرمس وجود دارد اما در این بین، یکی از همه معروف‌تر است. می‌گویند او همیشه آخرین نفر از کارگاهش بیرون می‌رفت. یک شب وقتی می‌خواست از کارگاه برود، یک مشتری آمد که زینی با برند هرمس در دست داشت. مشتری گفت این زین مطابق با اندازه‌ای که سفارش داده بوده، طراحی نشده است. هرمس زین را می‌گیرد و بررسی می‌کند و متوجه می‌شود که اشتباهی صورت گرفت. ناگهان در کمال ناباوری، یک قیچی بزرگ برمی‌دارد و زین را پاره‌پاره می‌کند. دلیلش این بوده که وقتی جنسی با لوگو و برند هرمس به فروش می‌رسد باید کاملاً مطابق با نیاز مشتری باشد و اگر قرار است آن کالا، مثل همان زین، مطابق نیاز مصرف‌کننده نباشد، بهتر است که اصلاً وجود نداشته باشد. می‌گویند شهرت و اعتباری که هرمس در دنیای مد به دست آورده بابت همین وسواسی بوده که در کارش همیشه به خرج داده است.

## اینک، هرمس

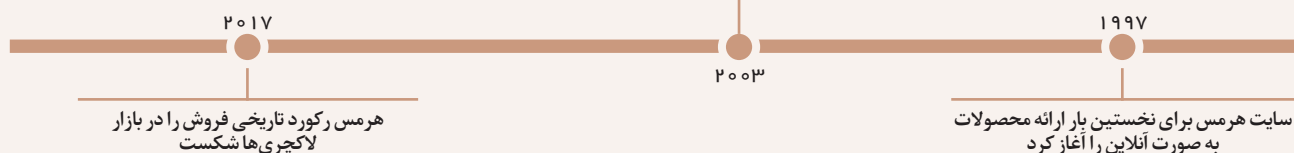
شاید تا این جای کار در انتظار لحظه‌ای بوده‌اید که تیری هرمس، شرکت بین‌المللی هرمس را تاسیس کرده‌است. این اتفاق در بخش قبلی به وقوع پیوست. در واقع کارگاهی که در سال ۱۸۲۷ بنیان‌گذاری شد، همان هرمس معروف است. بنابراین اگر بخواهیم از ابتدا داستان شکل‌گیری هرمس را مرور کنیم باید به سال ۱۸۲۷ برگردیم. تاسیس رسمی برند هرمس در سال ۱۸۲۷ رخ داد. کارگاه هرمس، ابتدا روی خدمت‌رسانی به تجارت کالسکه متمرکز بود. این کسب و کار بر اساس شهرت تیری هرمس برای کیفیت و قابلیت اطمینان رونق گرفت. در سال ۱۸۸۰، با رشد کسب و کار، تیری زمام امور را به پسرش، شارل-امیل هرمس، سپرد که فروشگاه را به ۲۴ خیابان فوبورگ سنت-اونوره منتقل کرد.

این حرکت هرمس را به نزدیکی مشتریان ثروتمندش و در قلب تجارت پاریسی قرار داد. معرفی کیف «هوت آکورا»، طراحی شده برای اسب‌سواران برای حمل زین‌هایشان، نشانه ورود شرکت به کالاهای چرمی و لوازم جانبی بود. تحت نظارت نوه‌های تیری، هرمس تنوع بیشتری به محصولاتش اضافه کرد و به دلیل کاهش صنعت کالسکه‌سواری، لوازم جانبی مد، لباس‌ها و روسری‌های معروف هرمس را معرفی کرد.

## کمال طلب دنیای مد

تیری هرمس تا پایان عمر خودش را متعهد به کمال‌گرایی می‌دانست. او خودش کارگاهش را راه‌اندازی کرده بود و به همین دلیل اصرار داشت که همه‌چیز را خودش

همکاری هرمس با برخی از معروف‌ترین هنرمندان رقم خورد



## والت دیزنی جادو را به جهان واقعی آورد

# سفر به دنیای رویاها



خیلی‌ها نام والت دیزنی را با واژه‌هایی نظیر جادو، خلاقیت و تخیل بی‌حد و مرز هم‌معنی می‌دانند. او کسی بود که توانست صنعت سرگرمی را برای همیشه متحول کند. نام او در تاریخ این صنعت ماندگار شده است. دیزنی در پنجم دسامبر ۱۹۰۱ در هرموسا در شیکاگو به دنیا آمد. والتر الیاس دیزنی نمی‌داست در آینده قرار است به یکی از چهره‌های مطرح و شناخته‌شده در دنیای انیمیشن و پارک‌های موضوعی تبدیل شود. زندگی او فراز و نشیب بسیاری داشت و در نهایت توانست به مردی تبدیل شود که سهم به‌سزایی در شادی مردم جهان داشت. او توانست با خلاقیت، میلیون‌ها نفر را در جهان سرگرم کند و این هنری قابل تحسین بود.

### او کیست؟

والت دیزنی، کارآفرین  
و تولیدکننده فیلم  
آمریکایی بود که در  
فاصله سال‌های ۱۹۰۱ تا  
۱۹۶۶ توانست تحولی  
بزرگ در صنعت ساخت  
انیمیشن و فیلم ایجاد  
کند. او همان کسی بود  
که سفر به دنیای رویاها  
را ممکن ساخت.

لیلیان دیزنی پیشنهاد کرد نام «میکي» را روی این موش بگذارند چرا که از نظرش این اسم، جذاب‌تر و کشتی‌تر بود. کشتی بخار ویلی در حقیقت نخستین پویانمایی یا فیلم کارتونی بود که در دنیا به نمایش درآمد. این فیلم به نمادی از امید و شادی تبدیل شد. از آن به بعد، امپراتوری دیزنی هم شکل گرفت.

طولی نکشید که والت متوجه ظرفیت‌های بالقوه این موش شد، در نتیجه برنامه‌ای در نظر گرفت برای ساخت فیلم‌ها و کمیک‌استریپ‌های مختلف از میکي ماوس. میکي ماوس از موشی سیاه‌وسفید به موشی با رنگ و لعاب زیبا تبدیل شد. والت با همین موش، مرزهای هنر را در هم شکست و در مسیری جذاب قدم برداشت. طی سال‌های اخیر، میکي ماوس تغییرات بسیاری کرده ولی همچنان برای مخاطبان جذابیت دارد. دیزنی هم روی داستان هم موش پیش رفت و به کارخانه سرگرمی در جهان تبدیل شد. حالا حدود یک قرن از تولد میکي ماوس می‌گذرد و او اکنون به عنوان چهره‌ای فراموش‌نشده در جهان مطرح است.

### از عصر طلایی تا سرزمین رویاها

برخی نام‌ها نه فقط برای کودکان بلکه برای بسیاری از بزرگسالان هم آشنا هستند مثلاً «سفیدبرفی و هفت کوتوله» یا «پینوکیو». در فاصله سال‌های ۱۹۳۰ تا ابتدای ۱۹۵۰ به عنوان عصر طلایی تولید انیمیشن برای دیزنی شناخته می‌شود. همه کلاسیک‌ها باعث شدند شکل روایت‌گری و انیمیشن‌سازی از طرف دیزنی به جهان معرفی شود. حالا دیگر همه دیزنی را به عنوان شرکتی می‌شناختند در نوآوری و عبور از مرزها، متعهد است. این شرکت توانست با همین نوآوری‌ها، سطح هنر را ارتقا ببخشد.

رفتارفته والت دیزنی به این نتیجه رسید که می‌تواند از دنیای کارتون‌ها به دنیای واقعی راه یابد و به رویاهای کودکان رنگ واقعیت ببخشد. او می‌خواست جادوی قصه‌ها را به صورت واقعی جلوی چشم مخاطبان‌ش قرار دهد و از همین‌جا بود که تصمیم گرفت

استعدادهای بزرگ معمولاً از کودکی شکوفای می‌شوند. همین اتفاق در مورد والت دیزنی هم رخ داد. او سنی نداشت که متوجه شد توانایی منحصر به فردی در نقاشی و روایت‌گری دارد. داستان‌هایی خارج‌العاده را به زبان تصویر بیان می‌کرد. علاقه وافری که از کودکی به هنر نشان داد و ممارست و پشتکار بی‌وقفه برای دست یافتن به رؤیاهایش باعث شد همه آن‌ها رویاها رنگ واقعیت به خود بگیرند. سال ۱۹۲۳ وقتی تازه قدم به ۲۲ سالگی گذاشته بود با برادرش، روی دیزنی، استودیوی برادران دیزنی را راه‌اندازی کرد. به این ترتیب دوره‌ای انقلاب در عرصه ساخت انیمیشن به دست والت دیزنی پایه‌ریزی شد. از آن به بعد، شاهد تحولاتی بزرگ و عمیق در دنیای انیمیشن بودهایم.

### پایه‌گذاری امپراتوری با یک موش

بعید است در دنیای امروز، کسی چهره موشی با گوش‌های بزرگ مشکي‌رنگ را ندیده باشد و نام «میکي ماوس» به گوشش نخورده باشد. والت دیزنی کسی بود که برای نخستین بار این موش متفاوت را خلق کرد و این نقطه عطفی بزرگ در زندگی او محسوب می‌شد. سال ۱۹۲۸ رسماً میکي ماوس در دنیای انیمیشن متولد شد. زمانی که هنوز میکي ماوس متولد نشده بود، استودیوی دیزنی با مشکلات مالی بسیاری روبه‌رو شده بود. در همین دوران، والت مصمم شد شخصیتی را خلق کند که به قلب همه مخاطبان در سرتاسر جهان راه یابد. همین جدیت و اهتمام باعث شد کاراکتری تاریخی در دنیای انیمیشن خلق شود.

نخستین حضور میکي ماوس در فیلم کوتاه «کشتی بخار ویلی» بود. روز هجدهم نوامبر این فیلم کوتاه در سینماها به اکران درآمد. میکي ماوس در قالب موشی با شیطنت‌های بسیار، گوش‌های دایره‌ای بزرگ مشکي‌رنگ و چشم‌هایی هیجان‌زده توانست مخاطب را مسحور خود کند. در ابتدا نام این موش «مورتیمر» بود اما در نهایت همسر والت یعنی

برای نخستین بار شاهد تولد میکي ماوس هستیم

۱۹۲۸



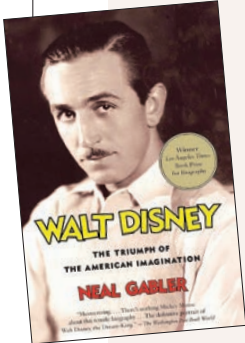
۱۹۲۰

کمپانی دیزنی در کانزاس سیتی راه‌اندازی شد

والت دیزنی در آمریکا متولد شد

۱۹۰۱

بعید است در دنیای امروز، کسی چهره موشی با گوش‌های بزرگ مشکی‌رنگ را ندیده باشد و نام «میکی‌ماوس» به گوشش نخورده باشد. والت دیزنی کسی بود که برای نخستین بار این موش متفاوت را خلق کرد و این نقطه عطفی بزرگ در زندگی او محسوب می‌شد.



## پیروزی تخیل آمریکایی

کتاب‌های بسیاری در مورد والت دیزنی وجود دارد اما در بین آن‌ها کتابی که نیل گابلر نوشته با عنوان «والت دیزنی: پیروزی تخیل آمریکایی» به عنوان یکی از مطرح‌ترین آثار درباره او شناخته می‌شود. در این کتاب، از زندگی والت دیزنی و اثرگذاری این چهره بر فرهنگ پاپ آمریکا نوشته شده است. این کتاب توضیح می‌دهد که والت چطور سفر خود را در دنیای تخیل با تواضع شروع کرده و سپس وارد مراحل پیچیده‌تر شده است. در ابتدای این کتاب، می‌بینیم که نخستین گام‌های والت با رویاپردازی و بلندپروازی آغاز می‌شود. او شیفته کارش بوده و در نتیجه این مسیر را ادامه داده است. در نهایت امپراتوری دیزنی را خلق کرده و توانسته به اسطوره‌ای در صنعت سرگرمی آمریکا تبدیل شود. یکی از مهم‌ترین بخش‌ها، اثرات فرهنگی این چهره در دنیا و به‌ویژه در آمریکا است. دیزنی در واقع فرهنگ را در آمریکا متحول کرده و انقلابی بزرگ در این زمینه ایجاد کرده است. این کتاب تلاش کرده به جنبه‌های شخصی و پیچیدگی‌های شخصیتی والت هم بپردازد و از این لحاظ به اثری خواندنی تبدیل شده است.

باعث شد به سمت موفقیت گام بردارد. بسیاری از افرادی که او را می‌شناختند، می‌گویند او در کار بسیار جدی بود و در عین حال تلاش می‌کرد با صمیمیت و همدلی، امور کاری را پیش ببرد. در کل می‌توان گفت رمز موفقیت او، نوآوری و خلاقیتی بود که در مسیر کارش در پیش گرفت. او کسی بود که از قدرت تخیل بهره برد و توانست در دنیای سرگرمی به چهره‌ای متفاوت تبدیل شود. ■



دیزنی‌لند، سرزمین رویاها

«دیزنی‌لند» را راهاندازی کند. در سال ۱۹۵۵ برای نخستین بار دیزنی‌لند در کالیفرنیا افتتاح شد و مخاطبان قدم به سرزمین رویاها گذاشتند. این پارک در حقیقت نخستین پارک موضوعی در جهان است. این مفهوم توانست دنیای سرگرمی را به کلی متحول کند و پلی شود به سوی خلق جهان دیزنی. به این ترتیب روز هفدهم جولای وقتی برای نخستین بار درهای این پارک به روی مخاطبان گشوده شد، دنیای سرگرمی وارد دورهای تازه شد.

دیزنی‌لند در حقیقت از سرزمین‌های متفاوتی تشکیل می‌شود که هر کدام تجربه‌ای متفاوت و منحصربه‌فرد برای مخاطب به ارمغان می‌آورند. مهمانان این پارک در بخش‌های مختلف شاهد شکل‌های متفاوتی از فانتزی و تخیل هستند و هر بار دنیایی متفاوت را کشف می‌کنند. مثلاً قصر زیبای خفته، بخشی از پارک است که فانتزی را به معنای واقعی به رخ مخاطبان می‌کشد. هر بخشی به نوعی خلاقیت دیزنی را به نمایش می‌گذارد. دیزنی‌لند به پدیده‌ای فرهنگی تبدیل شد. خانواده‌ها برای تجربه جادوی دیزنی به این پارک‌ها می‌رفتند. حالا دیزنی‌لند جایی است که سالانه میلیون‌ها بازدیدکننده به آن سر می‌زنند، جایی برای نوستالژی و تفریح.

## مردی از سرزمین تخیل

این روزها والت دیزنی را به عنوان چهره‌ای می‌شناسند که با نبوغ خود، شکل جدیدی از خلاقیت را به نمایش گذاشت. با این حال، او در زندگی شخصی خود موانع و سختی‌های بسیاری را تجربه کرد. مدیریت امپراتوری دیزنی کار ساده‌ای نبود و چالش‌های بسیاری را پیش روی والت می‌گذاشت. مهم‌ترین نکته در مورد والت این بود که می‌توانست از هر فرصتی نهایت بهره را بگیرد. به عبارت ساده‌تر، اجازه نمی‌داد فرصتی از دستش فرار کند. به این ترتیب دیزنی به شرکتی چندرسانه‌ای تبدیل شد که هنوز پس از گذشته بیش از یک قرن، روی پای خودش است. کسانی که از نزدیک با او کار کرده‌اند، می‌گویند والتر توجهی بی‌نظیر به جزئیات داشت و در ساخت کارهایش از همه جزئیات نهایت بهره را می‌گرفت. در نهایت همین جزئیات



والت دیزنی به همراه میکی‌ماوس

## دیزنی‌لند افتتاح شد

۱۹۵۵

والت دیزنی بر اثر سرطان ریه از دنیا رفت

۱۹۶۶

۱۹۳۷

سفیدبرفی و هفت کوتوله به عنوان نخستین انیمیشن بلند پخش شد

## لری پیج، کارآفرینی که هدفش انقلاب در دنیای فناوری بود

# در جستجوی آینده متصل به هم



در دنیای همیشه در حال تغییر فناوری، به ندرت می‌توان نامی را پیدا کرد که چندین سال دوام بیاورد و همیشه در صدر باشد، با این حال، لری پیج یکی از کسانی است که سال‌هاست در دنیای فناوری شناخته می‌شود، چهره‌ای که چشم‌انداز فناوری را متحول کرده و به همراه همکارش، سرگی برین، انقلابی بزرگ در آن ایجاد کرده است. اهالی دنیای فناوری، لری پیج را به عنوان یکی از هم‌بنیان‌گذاران گوگل می‌شناسند، کسی که جرعه راه‌اندازی گروه بزرگ آلفابت را زد. حالا نام پیج برای همیشه با تاریخ سیلیکون ولی پیوند خورده است. از مرد جوانی که

چهره دنیای اطلاعات را با نوآوری‌هایش تغییر داد، چه می‌دانیم؟

### او کیست؟

لری پیج، کارآفرین و مبتکر آمریکایی است که سال‌هاست نامش در فهرست میلیاردرهای آمریکایی قرار دارد. او توانست از مسیر توسعه فناوری نامش را در تاریخ ماندگار کند.

### آغاز یک سفر هیجان‌انگیز

روز ۲۶ مارس ۱۹۷۳ بود که لری پیج در میشیگان به دنیا آمد. از همان سنین پایین، علاقه‌مندی لری به فناوری‌های پیچیده نمایان شد. او کنجکاوی بسیاری نسبت به لوازم مدرن و فناوری‌های امروزی نشان می‌داد. با این حال، زمانی به طور جدی قدم به این دنیا گذاشت که به دانشگاه میشیگان راه یافت تا مدرک لیسانس خود را در مهندسی کامپیوتر دریافت کند. به این ترتیب سفر مهیج پیج به دنیای کامپیوتر و فناوری هم آغاز شد که البته توانست در آن شکوفا شود و استعدادش را در این زمینه نشان دهد. ورود لری به دانشگاه استنفورد باعث شد نخستین بذره‌های واقعی نوآوری در وجودش کاشته شود. طولی نکشید که اطرافیانش دریافتند او استعدادی متفاوت و مثال‌زدنی در این زمینه دارد. در همین دوران بود که در کنار سرگئی برین قرار گرفت، یکی دیگر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه استنفورد. به این ترتیب توانستند یک تیم دو نفره قوی شکل دهند که در مسیر موفقیت گام برمی‌دارد. لری موفق شده بود الگوریتم یک موتور جستجوی موفق را تهیه کند، ابداعی که می‌توانست دنیا را برای همیشه تغییر دهد. همین الگوریتم در نهایت پایه و اساس شکل‌گیری گوگل شد. در نهایت سال ۱۹۹۸ بود که دو نابغه فناوری در کنار هم قرار گرفتند و در یک گاراژ، شرکت گوگل را تاسیس کردند. هرچند این شروع بسیار متواضعانه بود، اما در نهایت توانست تحولی اساسی در دنیای دسترسی به اطلاعات به وجود آورد.

### انقلاب گوگلی در دنیای اطلاعات

مدیریت و رهبری لری پیج، شرکت گوگل را به یکی از مهم‌ترین شرکت‌های حوزه فناوری تبدیل کرد. با مدیریت او، گوگل مترادف شد با جستجو در اینترنت. هر کسی

که از جستجو در فضای اینترنت می‌گوید به احتمال زیاد منظورش جستجو از طریق موتور جستجوی گوگل است. طراحی این موتور جستجو به قدری کارآمد و بی‌رقیب بود که کسی توانایی رقابت با آن را نداشت. هیچ‌یک از مبتکران نمی‌توانستند ابزاری برای جستجو طراحی کنند که ویژگی‌های گوگل را داشته باشد و در عین حال از آن بهتر باشد. به این ترتیب، قدرت این موتور جستجو مورد توجه همه جهانیان قرار گرفت.

لری تصمیم گرفت ماموریتی برای گوگل در نظر بگیرد و آن هم سازمان‌دهی تمام اطلاعات جهان بود. در نهایت می‌خواست فضایی جهانی و بین‌المللی خلق کند که از طریق آن، همه بتوانند به صورت منظم و سازمان‌یافته به داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز خود دست پیدا کنند. در نهایت، این اتفاق به کمک گوگل رخ داد. شرکت گوگل در حقیقت محصول نهایی تمامی سال‌هایی است که او زحمت کشیده و با پشتکار، آن را به ثمر رسانده است.

نوآوری‌های پیج فراتر از جستجو بود. او در حقیقت توانست مواردی نظیر گوگل مپس یا همان نقشه‌های روی گوگل را طراحی کند. در مرحله بعد، جی‌میل را طراحی کرد که به یکی از پیشرفته‌ترین ابزارها برای دریافت ایمیل تبدیل شده است. سیستم عامل اندروید هم از جمله دستاوردهای همین شخص است. با این حال، فهرست محصولات تحول‌آفرینی که این نابغه عرصه فناوری، روانه بازار کرده، محدود به این‌ها نیست. پیج همیشه به دنبال بهبود میزان رفاه زندگی مردم در جهان بوده و محصولاتش

در این سال لری با سرگئی برین آشنا شد

۱۹۹۶

۱۹۹۱

پیج مدرک لیسانس خود را از دانشگاه میشیگان دریافت کرد

لری در میشیگان آمریکا به دنیا آمد

۱۹۷۳



روز ۲۶ مارس ۱۹۷۳ بود که لری پیچ در میشیگان به دنیا آمد. از همان سنین پایین، علاقه‌مندی لری به فناوری‌های پیچیده نمایان شد. او کنجکاوی بسیاری نسبت به لوازم مدرن و فناوری‌های امروزی نشان می‌داد. با این حال، زمانی به طور جدی قدم به این دنیا گذاشت که به دانشگاه میشیگان راه یافت تا مدرک لیسانس خود را در مهندسی کامپیوتر دریافت کند.

### نیم قرن تجربه

واقعیت این است که ۵۰ سال برای کسی که توانسته چنین تحولات بزرگی در دنیای فناوری رقم بزند، چندان زیاد نیست. حالا پیچ با نیم قرن تجربه، سعی دارد بدون جنجال و هیاهوی افرادی نظیر ایلان ماسک، به توسعه شرکتش ادامه دهد. معمولاً او را به عنوان فردی می‌شناسند که اهمیت ویژه‌ای برای حریم شخصی قائل است. او در سال ۲۰۱۹ از سمت مدیرعاملی آلفابت کناره‌گیری کرد و قلمرویش را به فردی دیگر سپرد. چنین اقدامی صرفاً او را از انظار عمومی دور کرده با این حال، جنبش‌ها و تحرکاتش همچنان کاملاً محسوس و ملموس است.

نفوذ پیچ بر دنیای فناوری عملاً از میان نرفته است. حتی زمانی که اعلام کرد سمت مدیرعاملی آلفابت کناره‌گیری، همه علاقه‌مندان به او، پیگیر بودند که بدانند چه برنامه‌ای برای آینده دارد و چه نقشه‌هایی در سر می‌پروراند. او در حال حاضر به عنوان یکی از اثرگذارترین و مهم‌ترین اعضای شرکت آلفابت و همچنین به عنوان سهامدار این شرکت فعالیت دارد. لری همیشه به دنبال حل مسائل و مشکلات به کمک فناوری بوده و البته در این مسیر عملکرد موفقی هم داشته است.

فعلاً نیم قرن از عمر این چهره عرصه کارآفرینی گذشته و می‌توانیم منتظر تحولات بسیار بیشتری باشیم که این شخص در آینده رقم می‌زند. سفر او هنوز در میانه است و تا پایان راه درازی دارد. قطعاً دنیای اطلاعات و ارتباطات می‌تواند در آینده از نوآوری‌ها و خلاقیت‌های لری پیچ بهره بیشتری ببرد. ■

### شیطان نباش!

یکی از اصول اخلاقی پایه‌ای که در شرکت گوگل و فرهنگ شرکتی آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، این شعار است: «شیطان نباش». نخستین بار لری پیچ بود که این شعار را ابداع کرد. پیچ می‌خواست با این شعار، تعهد اخلاقی خود را در کسب‌وکارش نشان دهد. او همیشه تأکید داشت که توسعه فناوری باید به صورت مسئولانه صورت بگیرد. فناوری باید در مسیری پیشرفت کند که در نهایت اثری مثبت در جهان بر جای بگذارد. البته از سال ۲۰۱۸ این کد اخلاقی برداشته اما همچنان می‌توان اثرات این شعار اخلاقی ماندگار در شرکت گوگل مشاهده کرد. هدف آن‌ها ایجاد اعتماد در کاربران، ارائه کدهای اخلاقی، ایجاد مسئولیت اجتماعی و در نهایت شکل‌دهی به نوآوری به صورت یکپارچه بود. حتی حالا که این کد اخلاقی وجود ندارد، همچنان لری پیچ اصرار دارد که ملاحظات اخلاقی در گوگل در نظر گرفته شود.

را هم در همین راستا طراحی کرده است. تمامی ابداعات او با همین هدف طراحی می‌شوند.

### جاه‌طلبی یا بهره‌گیری از فناوری به نفع مردم؟

سال ۲۰۱۵ بود که لری پیچ و همکارش سرگنی برین اعلام کردند تحولاتی در گوگل ایجاد شده و آن را به آلفابت تغییر داده‌اند. این تصمیم جهان را شگفت‌زده کرده بود. با این حال، پیچ قصد داشت با این کار، بیشتر در قلمروی موتورهای جستجو و اینترنتی پیشرفت کند. به این ترتیب تصمیم گرفت گوگل را در مجموعه شرکتی بزرگ‌تر قرار دهد و به این ترتیب شرکتی بزرگ را پایه‌ریزی کرد.

که قرار بود به صورت حرفه‌ای و تخصصی در زمینه جستجو در اینترنت پیش برود. مدیرعامل بودن به این معناست که همیشه به دنبال توسعه شرکت خود هستید! لری پیچ هم به عنوان مدیرعامل شرکت آلفابت، رویاهای بلندپروازانه‌ای برای این شرکت در سر می‌پروراند. پروژه‌های او همیشه جاه‌طلبانه بوده و شامل بخش‌های مختلفی شده است. برای مثال، او تلاش کرد از طریق وایمو، به عرصه خودروهایی که راننده ندارند، وارد شود و حتی به عرصه سلامت هم ورود کرد. به این ترتیب تلاش کرد فناوری را وارد همه عرصه‌های زندگی انسان‌ها کند. لری حتی وارد پروژه‌های جاه‌طلبانه‌تری مثل سفرهای فضایی هم شده و گوگل‌ایکس را راه‌اندازی کرده که قرار است از طریق آن، فناوری‌های عرصه هوا و فضا را گسترش دهد. به این ترتیب پیچ خودش را متعهد می‌بیند که از فناوری در جهت آسایش مردم بهره بگیرد و از هر مرزی عبور کند.



گوگل به دست لری پیچ و سرگنی برین تاسیس شد



لری پیچ به همراه دوست و همکارش، سرگنی برین

### شرکت آلفابت متولد شد و شکل گرفت



# Alphabet

ظهور و افول تراویس کالانیک، موسس شرکت اوبر

## خودساخته‌ای در سیلیکون ولی



سیلیکون ولی به واسطه ماهیتش که به فناوری از تباط دارد، همیشه در حال تغییر است. به همین دلیل همیشه می‌توان قصه‌ها و داستان‌های هیجان‌انگیزی در آن پیدا کرد، مثلاً قصه تراویس کالانیک، کسی که در دوره‌ای به اوج رسید و دوباره به مرور، سقوط کرد. کالانیک را به عنوان یکی از جنجالی‌ترین چهره‌های سیلیکون ولی می‌شناسند. او هم‌بنیان‌گذار و مدیر عامل سابق اوبر است که نقشی حیاتی و مهم در تحولات صنعت حمل‌ونقل ایفا کرد و چهره‌ای جهانی به آن بخشید. سفر هیجان‌انگیز کالانیک در دنیای فناوری، با فراز و نشیب بسیاری همراه بود، سفری که در آن نوآوری وجود داشت، موفقیت و البته با رسوایی‌هایی هم همراه شد.

### او کیست؟

تراویس کالانیک،  
کارآفرین آمریکایی  
است که در سال ۲۰۰۹  
شرکت اوبر را راه‌اندازی  
کرد و اکنون یکی از  
ثروتمندان جهان  
شناخته می‌شود. او در  
حالی که اوبر را تاسیس  
کرده بود ناچار شد از  
این شرکت کناره‌گیری  
کند.

### کارآفرین کوچک

تراویس کورلد کالانیک در روز ششم آگوست ۱۹۷۶ در لس‌آنجلس واقع در کالیفرنیا آمریکا به دنیا آمد. از همان سنین پایین، پدر و مادرش دریافتند که روحیه‌ای متفاوت از سایر کودکان دارد، روحیه‌ای که می‌تواند او را در آینده به یک چهره کارآفرین تبدیل کند. زمانی که به مدرسه می‌رفت، روحیه‌ای رقابتی داشت و همیشه می‌خواست در مسابقات برنده نهایی باشد. با این حال، مهم‌ترین روحیه‌ای که از کودکی نشان می‌داد، تلاش برای کارآفرینی بود. برای مثال وقتی فقط نوجوان بود، از شرکتی به شرکت دیگر می‌رفت تا بتواند محصولاتی به آن‌ها بفروشد. در ۱۸ سالگی هم تلاشی کرد در شرکتی آغاز به کار کند. به این ترتیب از کودکی به دنبال کار کردن بود و اتفاقاً در این مسیر موفق هم شد. نخستین شرکتی که کالانیک به معنای واقعی و به صورت جدی راه‌اندازی کرد، شرکت رد اسوچ بود، شرکتی که در نهایت ناچار شد در سال ۲۰۰۷ بفروشد. این شرکت در زمینه امور دیجیتالی فعالیت داشت و به مرور متحول شد. اصلی‌ترین فناوری در این شرکت، فناوری اشتراک فایبل بود. این شرکت در حقیقت نقشی بزرگ در زندگی کالانیک ایفا کرد و او را به صورت جدی در مسیر کارآفرینی قرار داد. کالانیک سال ۲۰۰۱ این شرکت را راه‌اندازی کرد و در این مسیر با انواع چالش‌ها هم مواجه شد. هرچند در نهایت این شرکت فروخته شد اما نقطه آغازی برای تولید اوبر بود.

### اپلیکیشن برای تمام دنیا

سال ۲۰۰۹ یعنی دو سال بعد از فروش شرکت رد اسوچ، کالانیک تصمیم گرفت به همراه گارت کمپ، شرکتی در صنعت تاکسی‌رانی ایجاد کند، شرکتی که برای همیشه

این صنعت را متحول کرد: «اوبر». در آن زمان استفاده از نقشه‌های اینترنتی و یافتن مسافر از این طریق، امری نوین محسوب می‌شد. ایده چنین ابتکاری برای نخستین بار به ذهن اهالی شرکت اوبر رسید و در نهایت کالانیک تصمیم گرفت با سرمایه‌گذاری در این زمینه، تاکسی‌های اوبر را راه‌اندازی کند.

این روزها استفاده از اپلیکیشن‌های موبایلی برای دریافت تاکسی، به امری رایج تبدیل شده است. در بسیاری از کشورها و حتی در آمریکا، بسیاری از افراد تلاش کرده‌اند ایده‌های مشابه به اوبر را به مرحله اجرا در آورند. با این حال، افتخار اوبر همیشه به نام کالانیک ثبت شده است. در حال حاضر این اپلیکیشن موبایلی به یکی از بزرگ‌ترین غول‌های عرصه فناوری تبدیل شده که سالانه میلیاردها دلار درآمد دارد. درآمدزایی از این مسیر به قدری زیاد بود که باعث شد در کشورهای مختلف هم نمونه مشابه آن راه‌اندازی شود. حالا همه اوبر و یا اپلیکیشن‌های مشابه برای دریافت تاکسی را می‌شناسند و به ندرت کسی در خیابان‌ها دنبال تاکسی می‌گردد.

### برهم‌زندگی در صنعت تاکسی‌رانی

مدل کسب‌وکار اوبر نوعی برهم‌زندگی را در دنیای تاکسی‌رانی رقم زد. در واقع می‌توان گفت با اوبر، نگاه مردم در سرتاسر دنیا نسبت به حمل‌ونقل تغییر کرد. حالا کافی است با تلفن همراه هوشمندی که در دست دارید، خیلی ساده مسیر را مشخص کنید، در عرض چند ثانیه تا چند دقیقه، تاکسی مورد نظر با اطمینان بالا، در اختیار شما خواهد بود.

تراویس کالانیک در لس‌آنجلس  
به دنیا آمد

اوبر راه‌اندازی شد

۲۰۰۹

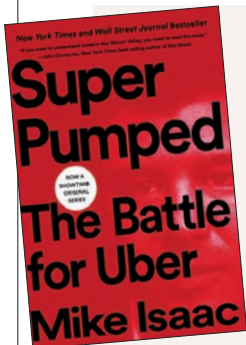
۲۰۰۷

کالانیک ناچار شد رد اسوچ را بفروشد

۱۹۷۶

# Uber

نخستین شرکتی که کالانیک به معنای واقعی و به صورت جدی راه اندازی کرد، شرکت رد اسوچ بود، شرکتی که در نهایت ناچار شد در سال ۲۰۰۷ بفروشد. این شرکت در زمینه امور دیجیتالی فعالیت داشت و به مرور متحول شد. اصلی ترین فناوری در این شرکت، فناوری اشتراک فایل بود.



## نبرد برای اوبر

کتابهای بسیاری درباره «اوبر» نوشته شده با این حال کتاب مایک آیزاک با عنوان «هیجان زده: نبرد برای اوبر» یکی از بهترین کتابهاست که درباره ظهور و افول این شرکت می گوید. اوبر به عنوان یکی از کلیدی ترین شرکتها در عرصه فناوری در سیلیکون ولی شناخته می شود. گزارشگر معروف بخش فناوری نشریه نیویورک تایمز در کتاب خود تلاش کرده از ابعاد مختلف به بررسی این شرکت بپردازد و سپس کتابی مفصل درباره آن نوشته است. این کتاب به شما نشان می دهد که اوبر چه سفری را پشت سر گذاشته و چطوری به یکی از جنجالی ترین شرکتها در تاریخ کسبوکار تبدیل شده است. در این کتاب همچنین زندگی تراویس کالانیک تا حدودی مورد بررسی قرار گرفته و مسائل فرهنگی در این شرکت هم آورده شده است. در نهایت کتاب با نثری روان و روزنامه نگارانه برای علاقمندان در این زمینه نوشته شده است.

کنار رفت و این یک نقطه عطف بزرگ برای شرکت اوبر بود که به کلی اعتبار شرکت را هم از میان برد.

کالانیک همچنان به عنوان یکی از چهره های کلیدی در عرصه فناوری شناخته می شود. او سرمایه گذاری های جدیدی داشته و اوبر را به حال خودش رها کرده است. تمرکز او در حال حاضر روی کسبوکارهای ارسال غذاست. ظاهراً در این زمینه هم موفقیت هایی داشته و باز هم با جنجالها و حواشی ها، ممکن است بیکار شود. سفر کالانیک در سیلیکون ولی شبیه به سفری روی رولر کواستر است، در مقطعی به اوج رفته و پیروز شده و در مقطعی هم به کلی افول کرده است. با این حال، قصه اوبر هنوز به پایان نرسیده و همچنان ادامه دارد. ■



چنین مسئله ای به یک پدیده فرهنگی بزرگ تبدیل شد. کالانیک که خودش هم از این تحول بزرگ به وجد آمده بود، تصمیم گرفت رویاهای بلندپروازانه ترین را به اجرا در آورد. در نتیجه نخستین قدمها را برای توسعه اوبر برداشت. به عبارت دیگر، او می خواست اوبر را وارد بازار جهانی و بین المللی کند. البته در این مسیر، همان طور که انتظار می رود با مشکلات و چالش هایی هم مواجه شد؛ از چالش های مربوط به قوانین و مقررات گرفته تا چالش ها و مخالفت هایی از طرف تاکسی داران سنتی که نمی خواستند این صنعت وارد این تغییرات و تحولات مدرن شود. در نهایت کالانیک توانست تحولی بزرگ در دنیای تاکسی رانی رقم بزند.

مدیریت کالانیک موفقیت آمیز بود، او توانست اوبر را وارد رشدی بی پدیل کند که شاید خودش هم انتظارش را نداشت. طولی نکشید که اوبر در زمان خود ارزشمندترین استارت آپ در میان استارت آپهای جهان قرار گرفت. ارزیابی ها از این شرکت به شدت بالا رفته بود و در نتیجه سرمایه های کلانی به سمت آن جاری می شد تا بتوانند ایده تحول برانگیز را وارد سایر نقاط جهان هم کنند. در نهایت این شرکت یعنی اوبر به یکی از کلیدی ترین بازیگران در صنعت حمل و نقل و استارت آپهای جهان تبدیل شد.

## قصه ناتمام

هیچ کس نمی تواند موفقیت هایی را که کالانیک به آن دست یافت، انکار کند. با این حال، شرکت اوبر با برخی رفتارهای کالانیک وارد حاشیه هایی شد که رسوایی به بار آورد. یکی از مهم ترین مسائل این بود که گفته می شد محیط کاری اوبر در آمریکا بسیار سمی است و کارکنان مورد اذیت و آزار واقع می شوند. ظاهراً روش های پیشبرد کسبوکار در این شرکت به ضرر کارکنان بود و به حقوق آن ها هم تعرض می شد. همه این حواشی باعث شد اعتبار و شهرت اوبر به شدت آسیب ببیند. انتقادها به قدری از کالانیک بالا گرفته بود که دیگر نمی توانست شرایط را مدیریت کند. در نهایت هم ارزش شرکت به شدت سقوط کرد. همه این حاشیه ها با هزینه های بسیار برای اوبر همراه بود.

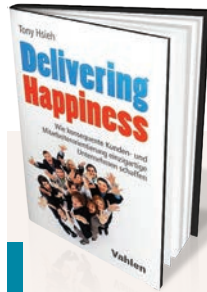
افزایش حاشیه ها و تنش ها باعث شد کالانیک بالاخره در ژوئن ۲۰۱۷ به ناچار از سمت خود به عنوان مدیرعامل این شرکت کناره گیری کند. فشار سرمایه گذاران و زنجیره اتهامات و رسوایی ها به گونه ای بود که به این کسبوکار آسیب های جدی وارد می کرد و همچنین باعث می شد رقبا از این شرکت پیشی بگیرند. در نتیجه کالانیک از سمت خود



## چالش ها در زمینه اوبر آغاز شد

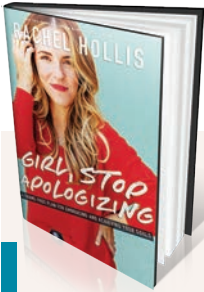


**جلب رضایت**  
تونو هسیه



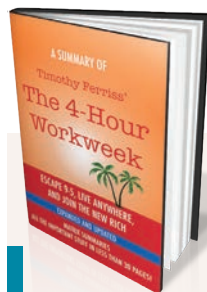
بسیاری از مردم دنیا، به‌ویژه آمریکایی با نام «زاپوس» آشنا هستند، برندی که در زمینه خرده‌فروشی و فروش کفش و پوشاک فعالیت دارد. تونو هسیه، مدیرعامل این شرکت کتابی نوشته با عنوان «جلب رضایت» که در آن تلاش کرده روش‌های جلب رضایت مشتری را توضیح دهد. آن‌ها که می‌خواهند در کسب‌وکار خود، فراتر از نیازهای معمولی مشتری را راهد قرار دهند و در نهایت به قلب مشتری نفوذ کنند، می‌توانند از توصیه‌های هسیه در این کتاب بهره بگیرند. زاپوس به عنوان یکی از مستضری‌مدارترین کسب‌وکارها در آمریکا شناخته می‌شود. به همین دلیل هسیه تلاش کرده از تجربه‌های خود در این زمینه بگوید. محتوای اصلی کتاب درباره ایجاد موفقیت و رابطه بلندمدت در ارتباط با مشتری است. هسیه معتقد است محیط کار باید طوری باشد که رضایت و خوشحالی را از کارکنان به مشتری القا کند. در این شرایط، کارکنان هم خدمات قابل قبولی به مشتری ارائه می‌کنند. این موضوع یکی از کلیدی‌ترین فرهنگ‌ها در این شرکت تبدیل شده است. هسیه که در گذشته هم کسب‌وکارهایی داشته، سعی دارد در این کتاب از تجربه‌های قدیمی و شکست‌هایش بگوید و توضیح داده که چطور مسیرش تغییر کرده است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که هسیه روی آن تاکید دارد، ایجاد فرهنگ شرکتی است. از نگاه او، کسب‌وکار موفق همراه با نوعی فرهنگ کاری شکل می‌گیرد. ایجاد تجربه مطلوب در مشتری از دیگر مواردی است که هسیه تلاش کرده گام به گام به آن بپردازد. در نهایت در این کتاب، می‌بینیم که چطور می‌توان به موفقیت در ارتباط با مشتری دست پیدا کرد.

**دختران، دست از عذرخواهی بردارید**  
راچل هالیس



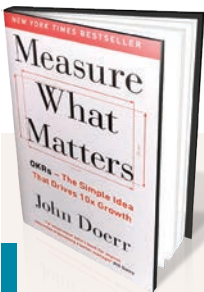
راچل هالیس به عنوان یکی از نویسندگان سرشناس در زمینه کتاب‌های خودیاری شناخته می‌شود. کتاب او با عنوان «دختران، دست از عذرخواهی بردارید» با هدف توانبخشی به زنان نوشته شده است. زنانی که می‌خواهند فقط از مسیر عذرخواهی به اهداف و رویاهای خود دست پیدا کنند، شاید بد نباشد نگاهی به این کتاب بیندازند. هالیس پیش از این هم کتاب‌هایی در این زمینه نوشته بود. او در کتاب‌های قبلی خود به موانع و چالش‌هایی اشاره کرده بود که زنان در مسیر موفقیت با آن‌ها مواجه می‌شوند. در این کتاب، او تلاش کرده مسیری پیش روی زنان بگذارد که از طریق آن به سوی رویاهای بلندپروازانه خود گام بردارند. هالیس می‌گوید زنان باید آزادانه رویاهای بزرگ را در سر خود بپروراند بدون اینکه بابت این رویاهای بزرگ و شاید گاهی دست‌نیافتنی، احساس شرم‌ساری کنند و بابت آن از دیگران عذر بخواهند. به اعتقاد او هر زنی می‌تواند با برنامه‌ریزی و پشتکار به اهدافش دست پیدا کند. در این کتاب همچنین به بهانه‌هایی اشاره شده که زنان می‌آورند تا از طریق آن‌ها از دنبال کردن رویاهای خود دست بکشند. ایجاد اعتماد به نفس در زنان یکی دیگر از مسائلی است که هالیس در کتاب خود دنبال می‌کند. از نگاه او، زنان باید همه نواقص و ایرادهای خود را بپذیرند و با همان‌ها، رویاهایشان را در آغوش بکشند. در نهایت، گام اصلی، تاب‌آوری است. قطعاً همه با شرایطی دشوار و سخت روبه‌رو می‌شوند اما تنها کسانی پیروز می‌شوند که با تاب‌آوری به مسیر خود ادامه دهند.

**۴ ساعت در هفته کاری**  
تیموتی فریس



آیا از زندگی روزمره خسته شده‌اید و فکر می‌کنید باید راهی پیدا کنید که شکل زندگی‌تان را تغییر دهید؟ کتاب پیشنهادی در این زمینه «۴ ساعت در هفته کاری» نوشته تیموتی فریس است. این کتاب خودیاری در حقیقت برای تغییر سبک زندگی سنتی طراحی شده است. بسیاری از افراد تصور می‌کنند همه انسان‌ها باید ساعت ۹ صبح تا ۵ بعدازظهر سر کار باشند. اما فریس در سال ۲۰۰۷ کتابی روانه بازار نشر کرد که از سبک زندگی متفاوتی حکایت می‌کرد. این کتاب رویکرد بسیاری از افراد را به زندگی حرفه‌ای‌شان تغییر داد. مهم‌ترین مسئله‌ای که فریس در این کتاب روی آن تاکید دارد «طراحی سبک زندگی» است. او خوانندگان را تشویق می‌کند که برای دستیابی به موفقیت، سبک زندگی مرتبط با خودشان را طراحی کنند و براساس آن پول دریاورند یا خرج کنند. از نگاه این نویسنده، می‌توان به بهرهوری بالایی دست پیدا کرد و در عین حال در چهارچوب کارهای سنتی نبود. چهارچوبی که فریس برای کار و زندگی تغییر می‌کند شامل این چهار بخش است: ۱. تعریف موفقیت و کامیابی و شناخت هنجارهای اجتماعی برای دست یافتن به این هدف؛ ۲. حذف وظایفی که صرفاً وقت‌گیر هستند و عملاً بهرهوری ما را بالا نمی‌برند؛ ۳. ماشینی کردن تمامی وظایفی که می‌توان به ماشین‌ها سپرد؛ در این شرایط می‌توانید وقت گرانبه‌ای خود را صرفاً اموری مهم‌تر کنید؛ و در نهایت ۴. دستیابی به آزادی و دنبال کردن علاقه‌مندی‌ها در زندگی. در چنین شرایطی فرد می‌تواند به موفقیت و خوشحالی هم دست پیدا کند. در این کتاب، اصولی برای مدیریت زمان و حفظ درآمد هم آورده شده که می‌تواند در مسیر تغییر سبک زندگی بسیار موثر باشد.

**آنچه را اهمیت دارد اندازه بگیر!**  
جان دوئر



یکی از مهم‌ترین کتاب‌ها در عرصه مدیریتی کتابی است به قلم جان دوئر با عنوان «آنچه را اهمیت دارد اندازه بگیر!». این کتاب مدیریتی در زمینه اجرای امور شرکتی چهارچوب روشن و مشخصی را در اختیار مخاطبان خود قرار می‌دهد. نخستین بار سال ۲۰۱۷ بود که دوئر کتابش را روانه بازار نشر کرد، کتابی که در حقیقت حاوی تجربیات خودش بود. دوئر در موفق‌ترین شرکت‌ها فعالیت داشته و مدیریت آن‌ها را بر عهده گرفته است. به همین دلیل گزینه مناسبی در این زمینه به شمار می‌آید. برای مثال او دورهای را در شرکت اینتل و همچنین دورهای را در گوگل سپری کرده است. ایده اصلی کتاب این است که باید اهداف مشخص و قابل اندازه‌گیری را برای خود نظر بگیرید. تعیین چنین اهدافی می‌تواند نقشی کلیدی در زندگی حرفه‌ای شما ایفا کند. به این ترتیب باید بدانید که می‌خواهید به چه چیزی برسید و برای رسیدن به آن هدف به چه چیزهایی نیاز دارید. دوئر مطالعات گسترده‌ای در این زمینه انجام داده و به چهارچوبی دست پیدا کرده که به مخاطبان کمک می‌کند از طریق آن در مسیر تعیین بهترین هدف قدم بردارند. این کتاب به عنوان یکی از کتاب‌های عمل‌گرا شناخته می‌شود که به مخاطبان می‌آموزد رویکردی عملی در زندگی کاری خود در پیش بگیرند. به این ترتیب در این کتاب صرفاً چند ایده و نظریه مطرح نشده، بلکه روش‌هایی برای اجرایی کردن آن‌ها هم آورده شده است. کارکنان شرکت‌ها و سازمان‌ها در هر سطحی می‌توانند از این کتاب بهره بگیرند.

# تجربه

[ این صفحه‌ها به مرور تجربیات کار آفرینی می‌پردازد. ]



## یک دستاورد چینی!

نگاهی به مسیر موفقیت هواوی

هواوی کار خود را در دهه ۸۰ میلادی به عنوان یک مرکز مخابراتی شروع کرد که وظیفه آن، متصل کردن کابل‌های تلفنی هنگام تماس بود. اما اکنون شرکتی است ۱۴۰ میلیارد دلاری که سومین تولیدکننده بزرگ گوشی‌های هوشمند از نظر سهم بازار در جهان به شمار

می‌رود. این شرکت چگونه به چنین موفقیتی رسید؟

### فاطمه صدقی

خب‌نگار بخش تجربه

### فرا تر از مرزها

ثبت رکوردهای این شرکت چینی تمامی ندارد! در سال ۲۰۲۲، هواوی در میان ۱۰ برند باارزش جهان جای گرفت. به علاوه این شرکت از لحاظ میزان سرمایه‌گذاری در تحقیقات علمی، در جهان بر سکوی دوم ایستاده است. هواوی با داشتن بیش از دویست هزار کارمند، در بازارهایی مثل خودروها، لپ‌تاپ‌ها و گجت‌های پوشیدنی نیز اعتبار زیادی کسب کرده است. یکی از دیگر موفقیت‌های بزرگ هواوی، ارتقای بستر اینترنت است. مطمئناً اصطلاح فورجی یا اینترنت نسل چهارم به گوشتان خورده است. محققان سخت‌کوش هواوی در خلق اینترنت نسل پنجم کمک‌های فراوانی کرده‌اند. فناوری اعجاب‌آوری که از دو برابر سرعت و صد برابر حجم ترافیکی نسبت به نسل قبل برخوردار است. یکی از ویژگی‌های متمایز کننده هواوی نسبت به سایر شرکت‌ها، نحوه مدیریت جالب آن است. به گفته یکی از مسئولان هواوی، در این شرکت سمت مدیریت ثابت نیست و مدیرعاملان دائماً در حال چرخش‌اند! این استراتژی با وجود تناقض‌های احتمالی که به بار خواهد آورد، ویژگی‌هایی مؤثر دارد. با این چرخش‌ها، در هر زمان یک تیم مدیریتی تازه‌نفس هواوی را می‌گرداند، در حالی که تیم‌های دیگر به تحقیق و ایده‌پردازی برای نوبت مدیریت خود می‌پردازند. علاوه بر بحث مدیریت مشارکتی، مشارکت با سایر سازمان‌ها و افراد نیز برای هواوی بسیار مهم است. به عنوان مثال، طی یک قرارداد، هواوی با برند آلمانی دوربین لایکا همکاری کرد تا فناوری دوربین گوشی‌های هوشمند خود را ارتقا دهد و از تخصص لایکا در ساخت دوربین‌های ظریف و دقیق استفاده کند. این همکاری بعدها گوشی‌های هوشمند هواوی را در لیست «گوشی‌های دارای دوربین قدرتمند» قرار داد.

### خوشگل بودن

ظاهر همه‌چیز نیست، اما خیلی چیزهاست! لحظه‌ای گوشی‌های موبایل ترسناک و پر از دکمه بلک‌بری را تصور کنید، و سپس راحتی و زیبایی یک موبایل لمسی را در نظر بگیرید. شاید یکی از دلایل اعتیاد به استفاده از وسایل الکترونیکی، همین ظاهر دل‌فریب آن‌ها باشد! هواوی ارزش زیباسازی محصولات خود را می‌داند و آن‌ها را بسیار ظریف و باکیفیت می‌سازد؛ چرا که کاربر باید از گرفتن گوشی موبایل در دستان خود، حس

خوبی پیدا کند. باور آن سخت است، اما هواوی در سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۱۷، بیش از ۵۹۰ میلیون دلار در کانادا برای اهداف تحقیقاتی خود سرمایه‌گذاری کرده است! این اما تنها یک نمونه از آینده‌نگری‌های مدیران هواوی است و این شرکت هم‌چنان به سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف ادامه می‌دهد. چرا که با این روش، هواوی در خط مقدم پیشرفت‌های فناوری باقی می‌ماند و می‌تواند به سرعت به خواسته‌های در حال تحول مشتریان پاسخ دهد. به عنوان ابرکارخانه‌ای که خودرو تا انواع وسایل دیجیتال را تولید می‌کند، پایداری و حفظ محیط زیست نیز باید در اولویت باشد. خوشبختانه، هواوی به پایداری محیط زیست متعهد است و ابتکارات مختلفی را برای کاهش ردپای زیست‌محیطی خود اجرا کرده است. هواوی از طریق ابتکاراتی مانند برنامه‌های بازیافت و پذیرش انرژی سبز، تعهد خود را نسبت به مسئولیت‌های زیست‌محیطی نشان می‌دهد.

### آینده مبهم

یکی از مهم‌ترین چالش‌های هواوی، هم‌گام شدن با پیشرفت بدون مکث تکنولوژی است. داستان، قصه تلخ شرکت ورشکسته‌ای مثل بلک‌بری است که از نقطه اوج خود فاصله گرفت، و آرام‌آرام فراموش شد. بزرگ‌ترین اشتباه بزرگ این چنین شرکت‌ها، مغرور شدن است. مغرور به فناوری‌ای که هر چقدر هم پیشرفته باشد، تا چند سال بعد بی‌استفاده خواهد شد. پس هواوی ناچار است تا با نوآوری پیش برود، در غیر این صورت، به سرنوشت بلک‌بری دچار خواهد شد. اما رقابت بازار دیجیتال نیز مثل یک دوی سرعت تمام‌نشدنی است. از موبایل‌های خم‌شونده سامسونگ گرفته تا زیبایی آیفون‌ها، و از قیمت‌های ارزان شیائومی گرفته تا پردازنده‌های قدرتمند ایسوس، هواوی رقابت سختی را در پیش دارد. با وجود تحریم‌های علیه کشور چین، این شرکت نیز تحت تأثیر قرار گرفته و هنوز نتوانسته است در بازارهای آسیای جنوبی، هند و آمریکای شمالی حضور قدرتمندی پیدا کند. این سامسونگ است که در نبود هواوی در این مناطق پیشتازی می‌کند. اگر هواوی قصد تبدیل شدن به رهبر فناوری در جهان را داشته باشد، نیاز به تصمیماتی جسورانه، خلاقانه و متفاوت دارد. ■

بنیان‌گذاران قصد داشتند کفشی بسازند که نه تنها راحتی و کارکرد خوبی داشته باشد، بلکه برای جامعه دریایی نیز مناسب باشد. آن‌ها نمی‌دانستند که محصولشان به زودی از دنیای قایقرانی فراتر خواهد رفت! اخبار به سرعت در مورد راحتی قابل توجه کروکس پخش شد و توجه افرادی جز ملوانان را به خود جلب کرد.

## کروکس: زشت دوست‌داشتنی

### کروکس چگونه با مد زشت افسانه‌ای شد؟



کروکس تولیداتش را با کفشی سبک وزن و مقاوم در برابر لغزش آغاز کرد که برای ماهی‌گیران و ملوانان طراحی شده بود. بنیان‌گذاران قصد داشتند کفشی بسازند که نه تنها راحتی و کارکرد خوبی داشته باشد، بلکه برای جامعه دریایی نیز مناسب باشد. آن‌ها نمی‌دانستند که محصولشان به زودی از دنیای قایقرانی فراتر خواهد رفت! اخبار به سرعت در مورد راحتی قابل توجه کروکس پخش شد و توجه افرادی جز ملوانان را به خود جلب کرد. از پرستاری که در تمام روز سرپا ایستاده و به کفشی راحت نیاز داشت، تا والدینی که دوام و کارکرد کفشش را به ظاهر آن ترجیح می‌دادند، همه و همه کروکس را برمی‌گزیدند. کروکس نیز از محبوبیت روزافزون خود استفاده کرد و با گسترش خط تولیدش سبک‌ها و مدل‌های متنوعی را روانه بازار کرد. از پاپوش‌های کلاسیک گرفته تا صندل، کفش‌های کتانی و حتی چکمه، برای هر موقعیتی یک کفش کروکس وجود داشت.

### سخت‌جان

چه ماده‌ای در پاپوش‌های کروکس به کار رفته که به آن ۳ تا ۵ سال عمر مفید می‌دهد؟ کروکس‌ها از فومی به نام کراسلیت ساخته می‌شوند که از اختراعات خود این شرکت به شمار می‌رود یعنی هیچ برند دیگری حق استفاده از این مواد را در تولید محصولاتش ندارد. کراسلیت ماده‌ای عجیب است چون که در طول زمان به شکل پاهای شما در می‌آید و انگار کفش، خود را به سایز شما تغییر می‌دهد! کراسلیت سبک‌وزن و ضد آب است و چسبندگی خوبی بر روی زمین دارد، و این برای ملوانی که دائماً بر کف لغزان و خیس قایق راه می‌روند، فوق‌العاده است! کروکس در ابتدا برند خود را «ساحل» نام‌گذاری کرد، اما بعداً تصمیم گرفت تا از نام و لوگوی جدید یک کروکودیل کار تونی استفاده کند، زیرا کروکودیل‌ها حیواناتی سازگار با خشکی و آب هستند و این نمادی خلاقانه برای محصولات این شرکت بود؛ اما کمتر کسی است که کروکودیل را جاندار زیبا در نظر بگیرد! مردم کم‌کم به انتقاد از ظاهر عجیب محصولات کروکس پرداختند. کروکس انتقادات را پذیرفت، اما محصولات خود را از بازار جمع‌آوری نکرد؛ بلکه به منتقدان گفت که کفش‌های آن‌ها ممکن است سلیقه همه نباشند، اما راحتی و دوامی غیر قابل انکار دارند.

### کفشی برای همه

چنین شد که کروکس در سال ۲۰۰۵ کمپینی را با شعار «زشت می‌تواند زیبا باشد» راه‌اندازی کرد. این کمپین شامل تبلیغاتی بود که نشان می‌داد درست مانند وسایل روزمره، کروکس نیز می‌تواند در نوع خود زیبا تلقی شود. این برند مخاطبان را تشویق می‌کرد تا تصاویر خود از کروکس را به اشتراک بگذارند. شعار «زشت می‌تواند زیبا باشد» به شعاری به‌یادماندنی تبدیل شد که استانداردهای مرسوم زیبایی را به چالش می‌کشد و با این تصور که ظاهر

چیزی باید ارزش آن را دیکته کند مبارزه می‌کند. کروکس روند مد «زشت» را پذیرفته و تصمیم گرفته در قالب مد سنتی، قرار نگیرد. علاوه بر این، کروکس از حمایت‌ها و همکاری‌های افراد مشهور نیز استفاده کرده است. چندین سلبریتی به طور علنی با این برند برای خلق طرح‌هایی جدید همکاری کرده‌اند. علاوه بر آن، کروکس با تحت‌تأثیر قرار دادن چندین نسل مختلف، توانسته است طیف گسترده‌ای از مشتریان را جذب کند. آن‌ها همچنین توانسته‌اند علاقه‌مندان به مد را نیز تحت‌تأثیر قرار دهند. فارغ از این که به دنبال یک کفش راحت برای محل کار خود باشید و یا کفشی که استایل شما را تکمیل کند، کروکس حرفی برای گفتن دارد.

### جیبیتز

در یک بازار اشباع شده چگونه درآمد خود را افزایش می‌دهید؟ شما به مردم این امکان را می‌دهید که محصول دلخواه خود را بسازند. شخصی‌سازی، اگر به درستی اعمال شود، می‌تواند یک استراتژی فوق‌العاده قدرتمند برای افزایش درآمد باشد. در واقع، یک تحقیق در شرکت دلویت نشان داد که مشتریان مایل به پرداخت هزینه بیشتری برای محصولاتی هستند که طبق سلیقه آنان ساخته شده است. برای همین کروکس یکی از شرکت‌های تولیدکننده دکمه را که جیبیتز نام داشت با چندین میلیون دلار خریداری کرد. پس از آن مشتریان می‌توانستند با خرید بسته‌های جیبیتز کفش‌های کروکس خود را هر طور که می‌خواهند تزئین کنند. استراتژی شخصی‌سازی به کروکس کمک کرد تا درآمد خود را به طور قابل توجهی افزایش دهد. کروکس در سال ۲۰۲۲ درآمدی بیش از ۵٫۷ میلیارد دلار کسب کرد. این شرکت در حال حاضر بزرگ‌ترین تولیدکننده صندل در جهان است. ■

کروکس یکی از شرکت‌های تولیدکننده دکمه را که جیبیتز نام داشت با چندین میلیون دلار خریداری کرد. پس از آن مشتریان می‌توانستند با خرید بسته‌های جیبیتز کفش‌های کروکس خود را هر طور که می‌خواهند تزئین کنند

تقریباً دیگر هیچ شرکت مدرنی وجود ندارد که محصولات ۱۰ و یا ۲۰ سال گذشته خود را بفروشد. برخلاف بسیاری از شرکت‌های سنتی مثل کوکاکولا و یا مک دونالد دنیای تکنولوژی ابتکار را می‌طلبد. همین اصل دایسون را به پیش رانده و در جهان پرآوازه کرده است.

# حاصل استایل و کارایی

## ۳ استراتژی منحصر به فرد دایسون

دایسون شرکتی محبوب و پیشتاز در صنعت لوازم خانگی است که به تازگی در دنیا آوازه خوبی پیدا کرده. تقریباً دیگر هیچ شرکت مدرنی وجود ندارد که محصولات ۱۰ و یا ۲۰ سال گذشته خود را بفروشد. برخلاف بسیاری از شرکت‌های سنتی مثل کوکاکولا و یا مک دونالد دنیای تکنولوژی ابتکار را می‌طلبد. همین اصل دایسون را به پیش رانده و در جهان پرآوازه کرده است اما کیفیت را هم نباید فراموش کرد. دایسون خود را متعهد به ارائه محصولاتی بالاترین کیفیت می‌داند. محصولات در فرایند تولید از آزمون‌های سختی می‌گذرند تا در نهایت برچسب درخشان کمپانی دایسون را با خود حمل کنند. دایسون محصولات زیبا و خلاقانه‌ای می‌سازد که هر فردی آرزوی داشتن آن را در خانه‌اش دارد. محصولاتی با کارکرد ساده و در عین حال کاربردی که انگار از آینده به امروز آورده شده‌اند.

خانه را نیز پاکیزه نگه می‌دارند. همین چیزهاست که باعث تمایز برند شما از سایر رقبا می‌شود و برنده را تعیین می‌کند. در عصر دیجیتال کمتر شرکتی است که به تبلیغات سنتی پایبند مانده باشد و قدرت رسانه امروز را فراموش کند. دایسون نیز از این قاعده مستثنی نیست. این شرکت از پلتفرم‌های دیجیتال مختلف برای ارتباط با مخاطبان استفاده می‌کند. شاید شما هم محتوای جذاب دایسون را در شبکه‌های اجتماعی دیده باشید. از فرایند لذت بخش تولید محصول در کارخانه گرفته تا توصیفات کاربران و آموزش‌های استفاده از محصولات خارق‌العاده آن. به علاوه دایسون از مشتریان دعوت می‌کند تا تجربه خود از کار با محصولات را به اشتراک بگذارند، حتی اگر تجربه خوبی نباشد! چرا که متخصصان دایسون ۲۴ ساعته آماده پاسخگویی به شما هستند و هیچ‌گاه کاربران را به حال خود رها نمی‌کنند. ■

جانداران را تخریب کند. دایسون نیز این موضوع را به خوبی می‌داند و در در این زمینه تلاش می‌کند تا بهترین باشد. نوآوری را هم نباید فراموش کرد اما مگر لوازم خانگی چقدر جای پیشرفت و بهبود دارند؟

### ۳ پس از فروش مشتریان را به فراموشی نسپارید

این تصمیم را دایسون می‌گیرد! این برند از ویژگی‌هایی در محصولاتش استفاده می‌کند که در هیچ شرکت دیگری یافت نمی‌شود. چرا که به اعتقاد دایسون باید همواره فراتر اندیشید. به عنوان مثال یک جاروبرقی معمولی وظیفه اش را برای جارو کردن انجام می‌دهد اما می‌توان آن را مبتکرانه ساخت، درست مثل دایسون! جارو برقی‌های این برند با مکش قدرتمند و سیستم فیلتراسیون پیشرفته خود نه تنها کف را تمیز می‌کنند بلکه هوای داخل

### ۱ مدرن باشید

دایسون می‌داند که برای محبوب شدن در یک بازار شلوغ با انواع کالاها و قیمت‌ها باید محصولی واقعاً منحصر به فرد ارائه دهد و با پشت سر گذاشتن مداوم مرزهای فناوری و مهندسی تا حد خوبی به این هدف رسیده است. به عنوان مثال سشوار سوپرسونیک دایسون دارای فناوری پیشرفته جریان هوا است که در نتیجه خشک شدن سریع‌تر و کاهش آسیب به مو را به همراه دارد همین کافی است تا دایسون در میان تمام تولیدکنندگان قدیمی برتری خود را نشان دهد و بدرخشد. وجه تمایز دیگر دایسون طراحی شیک و مدرن محصولاتش است. این شرکت می‌داند که مصرف‌کنندگان علاوه بر عملکرد خوب محصولاتی را می‌خواهند که در خانه‌هایشان بدرخشد. محصولات دایسون دارای خطوط تمیز، رنگ‌های جسورانه و طراحی مینیمالیستی هستند که یقیناً برای دوستداران هنر مدرن جذاب خواهد بود.

### ۲ برندسازی را دست کم نگیرید!

اغلب مشتریان دایسون آن را به عنوان شرکتی لوکس و ایده‌آل می‌شناسند. اما چگونه یک شرکت چنین شهرتی پیدا می‌کند؟ شرکت‌های زیادی هستند که دست به دامان یک لوگوی خاص و زیبا و یا تبلیغات گسترده می‌شوند؛ اما این همه چیز نیست چرا که برندسازی در اولین قدم رضایت مشتری را می‌طلبد؛ زیرا این مردم هستند که تصمیم می‌گیرند که چه برندی محبوب شده و چه برندی محکوم به شکست خواهد بود با این دیدگاه دایسون نه تنها مشتریان جدیدی را جذب می‌کند بلکه موقعیت خود را هم در بازار بهبود می‌دهد. عامل حائز اهمیت دیگر در محبوبیت بین مردم کمک به حفظ محیط زیست است مردم کارخانه‌ای را نمی‌خواهند که محیط زندگی آنها را آلوده کند و به بهای تولید محصولات لاکچری زیستگاه سایر



بوئینگ ابتکارات جالبی مانند گسترش هواپیماهای کم مصرف و استفاده از منابع انرژی جایگزین را اجرا کرده است. اما این همه داستان نیست و بوئینگ خارج از وظیفه خود به کمک جوامع آسیب دیده جهان می شتابد.



## یک شرکت بلندپرواز

بوئینگ چگونه جایگاه خود را در آسمان حفظ کرد؟

بوئینگ با علم به این مطلب، به طور مستمر در رابطه با توسعه فناوری‌های جدید هواپیما و ارتقای محصولات خود سرمایه‌گذاری می‌کند. تعهد بوئینگ به نوآوری تنها محدود به محصولاتش نیست و گسترش و پیشرفت، تاکتیک‌های بازاریابی آن را هم در برمی‌گیرد. این شرکت از تحولات دیجیتالی استقبال کرده و از تکنولوژی برای تعامل موثر با مخاطبان خود استفاده می‌کند. برادران رایت، شاید تکامل هواپیماها در آینده را تصور می‌کردند، اما به طور قطع، سفر به صورت مجازی را نمی‌دیدند! مدتی است که بوئینگ فناوری واقعیت مجازی را برای تجربه سفر در هواپیماهای خود ارائه کرده است. از این طریق، مشتریان می‌توانند آزادانه در یک هواپیما بگردند و جادار بودن، راحتی و ویژگی‌های آن را تجربه کنند. چه چیزی از این بهتر؟! علاوه بر این، بوئینگ به طور فعال با مشتریان خود از طریق رسانه‌های اجتماعی در ارتباط است. بوئینگ با به اشتراک گذاشتن اخبار به روزرسانی پروژه‌های جدید، عجایب دنیای هوافضا و داستان‌های موفقیتش، مانند یک رهبر اعتماد مخاطبانش را جلب می‌کند و بازارش را گسترش می‌دهد. بوئینگ هم‌چنین یک سیستم بازخورد را پیاده‌سازی کرده که مستقیماً نظرات و ایده‌های مشتریان خود را جمع‌آوری کند. بدین صورت، این شرکت می‌تواند محصولات و خدمات خود را به طور مداوم بهبود ببخشد و از رفع نیازهای مشتری مطمئن باشد.

### از آسمان تا زمین

بوئینگ در جهان به عنوان یک برند قابل اعتماد شناخته شده است. چرا که ارائه همیشگی محصولات باکیفیت، حفظ استانداردهای ایمنی دقیق و اولویت دادن به رضایت مشتری، نتیجه‌ای این چنین به همراه دارد. این شرکت مسئولیت‌های اجتماعی را نیز از یاد نبرده است. اما این به چه معناست؟! یک نمونه از تعهدات بوئینگ به مسئولیت اجتماعی، حفظ محیط زیست است. بوئینگ ابتکارات جالبی مانند گسترش هواپیماهای کم مصرف و استفاده از منابع انرژی جایگزین را اجرا کرده است. اما این همه داستان نیست و بوئینگ خارج از وظیفه خود به کمک جوامع آسیب‌دیده جهان می‌شتابد. این شرکت با کمک سازمان‌های خصوصی به ارائه خدمات امداد، آموزش و مراقبت‌های بهداشتی در مناطق بحران زده و یا فقیرنشین می‌پردازد.

### با خیال راحت پرواز کنید

لحظه‌ای به کابین یک هواپیمای بوئینگ فکر کنید. چه یک خلبان باشید یا نه، خواهید دید که با وجود انبوهی از کلیدها و نمایشگرها و دستگاه‌های پیشرفته، کار کردن با این هواپیما بسیار پیچیده خواهد بود. برای همین بوئینگ اهمیت منابع آموزشی را فراموش نکرده و راهنماها و آموزش‌هایی برای تعمیر و نگهداری هواپیما، هدایت و یا فرایند ساخت آن منتشر کرده است. اما می‌دانیم، که بسیاری از مشکلات نیز تنها با یک دفترچه راهنما حل خواهند شد! از رفع مشکلات فنی گرفته تا تامین قطعات یدکی و ضمانت هواپیما، همه در برنامه خدمات پس از فروش بوئینگ قرار می‌گیرند. بوئینگ نیاز مشتریان به یک پشتیبانی جامع را درک می‌کند و برای همین اطمینان یافته که آن‌ها بالاترین سطح خدمات و پشتیبانی را دریافت می‌کنند. امروزه بوئینگ یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های صنعتی در جهان است و در سال ۲۰۲۲، با درآمدی بیش از ۱۶۷ میلیارد دلار در رتبه چهارم فهرست معتبر فورچون ۵۰۰ قرار گرفت. ■

بوئینگ یکی از بزرگ‌ترین سازندگان در عرصه هوافضا و نامی آشناست که در خلق هواپیماهای خارق‌العاده حرف اول را می‌زند. اما تنها علت این قدرت، فناوری پیشرفته و هواپیماهای برتر آن نیست و زمانی که دقیق‌تر می‌شویم در پشت صحنه این شرکت موفق عوامل بسیار زیادی را می‌بینیم که هر کدام مانند یک پلکان بوئینگ را به بالا هل داده‌اند.

### در مسیر فضایی شدن

بوئینگ بیش از هر چیز، به مشتریان خود اهمیت می‌دهد. با این رویکرد، بوئینگ محصولاتی می‌سازد که کاملاً نیازهای بازار را برآورده می‌کنند. بوئینگ ۷۸۷ دریم‌لاینر، مثال جالبی است؛ چرا که برای توسعه آن، تحقیقات گسترده‌ای برای درک نیازهای ایرلاین‌ها و مسافران انجام شد. بوئینگ با دریافت نظرات و پیشنهادات مشتریان، توانست هواپیمایی ایجاد کند که بازدهی بالایی سوخت، راحتی مسافران و عملکرد عملیاتی را دارا بود. ارتباطات وسیله پیشرفت هستند و بوئینگ این را به خوبی می‌داند! با این استاندارد، این شرکت با مشتریان، تامین‌کنندگان و شرکای خود همکاری نزدیکی دارد. یک نمونه از این همکاری‌های موفق، مشارکت با ناسا برای توسعه سیستم پرتاب فضایی اس‌ال‌اس است. تخصص عمیق ناسا در اکتشافات فضایی را تصور کنید. حال اگر این تخصص با قابلیت‌های مهندسی هوافضای بوئینگ ترکیب شود، فناوری قدرتمندی ایجاد خواهد شد که ماموریت‌های آینده سفر به ماه، مریخ و فراتر از آن را امکان‌پذیر می‌کند.

### واقعیت اما مجازی

شرکتی که نوآوری نداشته باشد، محکوم به ورشکستگی است!

تخصص عمیق ناسا در اکتشافات فضایی را تصور کنید. حال اگر این تخصص با قابلیت‌های مهندسی هوافضای بوئینگ ترکیب شود، فناوری قدرتمندی ایجاد خواهد شد که ماموریت‌های آینده سفر به ماه، مریخ و فراتر از آن را امکان‌پذیر می‌کند



لحظه‌ای یک ابرکارخانه را تصور کنید. کارخانه‌ای بسیار بزرگ. آیا دودها و آلودگی‌های ایجادشده را هم می‌بینید؟ پس قطعاً آن کارخانه میکروسافت نیست، چرا که میکروسافت طبیعت و اصول اخلاقی را فراموش نکرده و مشتریان آگاه و دوست‌دار طبیعت را نیز با خود همراه می‌کند.

## پنجره‌ای رو به آینده

### ۳ درس که باید از میکروسافت یاد بگیریم

در صنعت پرسرعت و رقابتی فناوری امروز، شکی نمانده که بازاریابی موثر برای باقی ماندن در بازار دیجیتال، حیاتی است. میکروسافت به عنوان یکی از رهبران جهانی در نرم‌افزار، سخت‌افزار و خدمات، استراتژی بازاریابی جامعی را با موفقیت اجرا کرده که این شرکت را به موفقیتی بی‌نظیر سوق داده است در حالی که امروزه حتی فکر رقابت با این غول فناوری محال به نظر می‌رسد. در باب موفقیت بازاریابی میکروسافت، همین بس که بیش از ۷۰ درصد مردم جهان، از نسخه‌های مختلف ویندوز استفاده می‌کنند. این اما تنها موفقیت میکروسافت نیست و در دنیای پنهان سخت‌افزارها، این شرکت در جهان پیشتاز بوده است. حال برای لحظه‌ای یک ابرکارخانه را تصور کنید. کارخانه‌ای بسیار بزرگ. آیا دودها و آلودگی‌های ایجاد شده را هم می‌بینید؟ پس قطعاً آن کارخانه میکروسافت نیست. چرا که میکروسافت طبیعت و اصول اخلاقی را فراموش نکرده و مشتریان آگاه و دوست‌دار طبیعت را نیز با خود همراه می‌کند.

از شرکتها، از قدرت نرم‌افزارهای آفیس برای انجام کارهای حرفه‌ای در جلسات خود استفاده می‌کنند. شاید شما هم تبلیغات گسترده میکروسافت را دیده باشید. اما تبلیغات، تنها روش بازاریابی نیست و این برند با سازمان‌ها و رهبران مختلف صنعت همکاری می‌کند تا دامنه دسترسی آن‌ها را تقویت کرده و روابط متقابل سودمندی ایجاد کند. از جذب نخبگان و محققان گرفته، تا خرید یا همکاری با شرکت‌های نوظهوری که حرفی برای گفتن دارند.

#### برندسازی

زمان نمی‌ایستد. زمانه نیز همین‌طور. در عصر امروزی، چاپ بروشور و تبلیغات در روزنامه‌ها، دیگر جوابگو نیست. با ظهور اینترنت و پلتفرم‌های دیجیتال، میکروسافت نیز بیکار ننشست و از فرصت‌های جدید روز، برای تبلیغات خود استفاده کرد. از رسانه‌های اجتماعی گرفته، تا تلویزیون و نمایشگرهای در سطح شهر، و حتی متاورس. لحظه‌ای که کمپانی نوکیا فکر کنید. به احتمال زیاد موبایل‌های سفت و نشکن به ذهن‌تان خطور می‌کند. این تأثیر برندسازی است و می‌تواند ذهن مخاطب را فریب دهد. اگر لحظه‌ای آپدیت‌های مداوم و ظاهراً بی‌تأثیر سیستم عامل ویندوز را فراموش کنیم، میکروسافت نیز برندی مطمئن و بروز را در ذهن مخاطب ساخته است. برندی که نامش خاطرات زیبای دوران سی‌دی‌ها را با خود به همراه دارد و حس‌های قدیمی و نوستالژی را برایمان زنده می‌کند. البته میکروسافت آینده را هم فراموش نکرده و به هوش مصنوعی سرمایه‌گذاری‌های زیادی اختصاص داده است. شاید نام هوش مصنوعی نو ورودی به اسم چت جی‌بی‌تی به گوش‌تان خورده باشد. چت‌باتی انقلابی که شرکت اوپن‌ای‌آی آن را ساخته و میکروسافت کمک‌های مالی زیادی در این راه کرده است. ساریات تصویرساز بینگ نیز از مثال‌های دیگر آینده‌نگری میکروسافت است. اما این همه ماجرا نیست و ده‌ها تکنولوژی دیگر در آینده‌های نزدیک شکوفا خواهند شد که میکروسافت را به موفقیتی حتی بزرگ‌تر از امروز خواهند رساند. باید منتظر ماند و دید که چه پیش می‌آید. ■

#### بزرگ اما متواضع

می‌دانیم که بیشتر شرکت‌های شکست‌خورده، دوران اوجی داشته‌اند و پس از آن سقوط کرده‌اند. اما به چه دلیل؟ شرکتها در دوران اوج، اغلب به محصول کنونی خود اکتفا کرده و پیشرفت را ضروری نمی‌بینند. فرض کنید میکروسافت پس از خلق ابتدایی‌ترین سیستم عامل‌ها، به خود مغرور می‌شد. پس شاید امروز دیگر میکروسافتی وجود نداشت. پس میکروسافت با استفاده از فناوری‌های پیشرفته و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، محصولات و خدمات جدید ارائه می‌دهد هیچ‌گاه به خودش مغرور نمی‌شود. سیستم عامل ویندوز شاید بزرگ‌ترین موفقیت میکروسافت باشد. سیستم عاملی خاطره‌انگیز که قابلیت ساده برنامه سازی در آن، دنیایی از نرم‌افزارها و بازی‌ها را ایجاد کرده، که همه نوع آشناری را به خود جذب می‌کند. رابط کاربری روان، استفاده از آن را برای عموم ساده کرده است. بسیاری

#### مشتریان حرف اول را می‌زنند!

شاید بپرسید راز اصلی موفقیت میکروسافت چیست؟ جواب واضح است: مشتری‌محور بودن! میکروسافت از هیچ هزینه‌ای دریغ نکرده تا سلاقی و رفتارهای مصرف‌کننده را کشف کند و در میان انبوه سلاقی مختلف، بهترین را پیدا کند. با رویه اولویت‌گذاری مشتریان اعتماد و وفاداری آن‌ها را نسبت به خود جلب کرده است. در روزهای اولیه، میکروسافت باور داشت که با تمرکز بر برتری فنی نرم‌افزاری و سخت‌افزاری خود، توجه مشتریان را به خود جلب خواهد کرد. اما این کافی نبود. شاید همه مردم یک ابرسیستم محاسباتی نیاز نداشته باشند و به دنبال یک چیز ساده‌تر بگردند. همان موقع‌ها میکروسافت به اهمیت مشتری‌محور بودن پی برد و سیستمش را متناسب با نیاز کاربران تنظیم کرده است. برای همین است که هنوز پابرجاست!



شرکت کاتسکو هم‌چنین به خاطر ارائه نمونه‌های رایگان از محصولات مختلف در سراسر فروشگاه‌های خود شناخته شده است. با وجود نمونه‌های رایگان، مشتریان می‌توانند قبل از خرید، محصولات جدید را امتحان کنند و بهترین انتخاب را داشته باشند. کاتسکو نیز از این فرایند سود می‌برد و روز به روز محبوب‌تر می‌شود.

## شکار گنج

### کاتسکو چگونه رقبا را کنار زد و در خرده‌فروشی بر سکوی اول ایستاد؟

رستوران‌ها، نانوايي‌ها و پارکينگ‌های رایگان هستند. این امکانات لذت خریدتان را چند برابر خواهند کرد. به علاوه کاتسکو، برخلاف بسیاری از فروشگاه‌های خرده‌فروشی سنتی، فرصت خرید عمده را برایتان فراهم می‌کند و حتی شما را به این نوع خرید تشویق می‌کند! چرا که در وهله اول، خرید عمده، معاملات بزرگ‌تری بین کاتسکو و تأمین‌کنندگان می‌سازد. از طرفی با خریدهای بزرگ‌تر، امکان تخفیف بیشتر فراهم می‌شود و در نهایت خریداران، کاتسکو و حتی تأمین‌کنندگان از این اتفاق سود خواهند برد!

#### خرید در یک چشم به هم زدن!

بیشتر فروشگاه‌های زنجیره‌ای تنوع فراوانی دارند و مشتریان را با گزینه‌های بی‌شمار غرق می‌کنند. شاید توجیه آن‌ها درست باشد! آن‌ها قصد دارند تا تمام نیازهای مشتریان خود را برطرف کنند. اما گاهی باید متفاوت اندیشید. کاتسکو، طیف نسبتاً محدودی از محصولات را ارائه می‌دهد که بر اساس نیازها و خواسته‌های مشتریان انتخاب شده‌اند. اما چگونه این استراتژی کار می‌کند؟ با انتخاب محدود، و طیف محصولاتی که دائماً در حال تغییرند، خریداران می‌دانند که محصولات ارائه شده تنها برای مدت زمان کمی در دسترس هستند. برای همین حتی اگر واقعاً به محصول نیاز هم نداشته باشند باز هم آن را می‌خرند چرا که تصور از دست دادن یک کالای ارزان و منحصر به فرد ناراحت‌کننده خواهد بود. کیفیت محصولات چطور؟! هر محصولی قبل از این که به قفسه‌ها برسد، از هفت خان آزمایش‌های کاتسکو می‌گذرد. چرا که کاتسکو برندی قابل اعتماد در ذهن مشتریان ایجاد کرده و در هر شرایطی، بهترین محصولات را در اختیارشان می‌گذارد. این فرایند، تولیدکنندگان را وادار به بهبود محصولات خود می‌کند، چرا که برای ورود به بازار بزرگ کاتسکو، باید امتحاناتی سخت را بگذرانند!

#### ماجرای جوی

یکی از چیزهای منحصر به فرد که فقط در فروشگاه کاتسکو آن را می‌توانید تجربه کنید محیط خرید «جستجوی گنج» آن است. مشتریان هرگز نمی‌دانند که در بازدیدهای خود از شرکت کاتسکو چه چیزی پیدا خواهند کرد، زیرا این فروشگاه دائماً انتخاب محصولات خود را تغییر می‌دهد. این کار حس هیجان و کشف را در بین مشتریان ایجاد و تجربه خرید آن‌ها را لذت‌بخش‌تر و به یادماندنی‌تر می‌کند. شرکت کاتسکو هم‌چنین به خاطر ارائه نمونه‌های رایگان از محصولات مختلف در سراسر فروشگاه‌های خود شناخته شده است. با وجود نمونه‌های رایگان، مشتریان می‌توانند قبل از خرید، محصولات جدید را امتحان کنند و بهترین انتخاب را داشته باشند. کاتسکو نیز از این فرایند سود می‌برد و روز به روز محبوب‌تر می‌شود. این برند به جای تکیه زیاد بر روش‌های تبلیغاتی سنتی، بر روی رفع نیاز مشتریان تمرکز می‌کند و بر این باور است که با ارائه امکانات استثنایی و تجربه خرید منحصر به فرد، مشتریان خود برای برند تبلیغ می‌کنند. آن‌ها تجربیات مثبتشان را با دوستان، خانواده و همکاران خود به اشتراک می‌گذارند و باعث رشد کاتسکو می‌شوند. این شرکت سال‌هاست جایگاه خود را به عنوان یک پیشرو حفظ کرده است و در مسیر پیشرفت به راه خود ادامه می‌دهد. ■

شرکت کاتسکو، یک خرده‌فروشی محبوب است که با استراتژی‌های منحصر به فردش خود را از بقیه رقبا متمایز کرده. کاتسکو به انتخاب اول بسیاری از مردم برای خرید تبدیل شده است. اما چگونه به این جایگاه رسیده؟

#### حق عضویت

بله، درست است! کاتسکو از شما حق عضویت دریافت می‌کند! اما چرا؟ در حقیقت، این حق عضویت اهداف مختلفی را برآورده کرده و نقش مهمی در استراتژی کلی شرکت کاتسکو ایفا می‌کند. برای مثال، با پرداخت هزینه‌ای برای دسترسی، مشتری احساس تعلق به یک باشگاه انحصاری را پیدا خواهد کرد. تقریباً مشابه احساسی که افراد نسبت به شرکت‌های اپل و یا اسپاتیفای دارند و بعضاً به همین دلیل، این شرکت‌ها را لاکچری و باکلاس در نظر می‌گیرند. بعد از مدتی نیز، مشتریان به این شرکت‌ها احساس وفاداری پیدا کرده و به احتمال زیاد به خرید از آن‌ها ادامه خواهند داد. اما ایجاد حس رضایت در مشتریان، تنها دلیل دریافت حق عضویت نیست و این هزینه‌ها منبع درآمدی ثابت و قابل اطمینان برای شرکت محسوب می‌شود. دلیل دیگر دریافت حق عضویت نیز، رقابت ساده‌تر با سایر فروشگاه‌هاست؛ چرا که این هزینه ناچیز، در نهایت قیمت خرید محصول را کاهش می‌دهد!

#### دوسر سود

اگر در فروشگاه‌های کاتسکو گشتی زده باشید، متوجه می‌شوید که آن‌ها معمولاً بزرگ و پر از محصولات هستند. خرید و حتی قدم زدن در این محیط، برای شما لذت‌بخش خواهد بود. علاوه بر این، فروشگاه‌های شرکت کاتسکو دارای امکانات رفاهی مانند

کیفیت محصولات  
چطور؟! هر  
محصولی قبل از  
این که به قفسه‌ها  
برسد، از هفت  
خان آزمایش‌های  
کاتسکو می‌گذرد.  
چرا که کاتسکو  
برندی قابل  
اعتماد در ذهن  
مشتریان ایجاد  
کرده و در هر  
شرایطی، بهترین  
محصولات را  
در اختیارشان  
می‌گذارد



همانطور که می‌دانید در بازار امروز صرفاً محصول یا خدمات با کیفیت نمی‌تواند ضامن موفقیت یک برند باشد. اغلب کمپانی‌های موفق و معروف چیزی فراتر از کیفیت را به مشتری ارائه داده‌اند و به احتمال زیاد چیزی که واقعاً پاتاگونیا را از سایر برندها متمایز ساخته تعهدش نسبت به حفاظت از محیط زیست است.

## به سیاره ما رأی دهید

نگاهی به کمپین‌های خلاقانه پاتاگونیا در مسیر جهانی شدن



پاتاگونیا یکی از موفق‌ترین شرکت‌های آمریکایی است که یوان کونراد آن را در سال ۱۹۷۳ تاسیس کرد. این برند در ابتدا به تولید تجهیزات کوهنوردی و دیگر فعالیت‌های فضای باز مشغول بود اما خیلی زود رقبا را کنار زد و به یکی از پیشروترین برندهای مد و پوشاک ورزشی در جهان تبدیل شد و طرفداران زیادی را در سرتاسر دنیا به دست آورد. همانطور که می‌دانید در بازار امروز صرفاً محصول یا خدمات با کیفیت نمی‌تواند ضامن موفقیت یک برند باشد. اغلب کمپانی‌های موفق و معروف، چیزی فراتر از کیفیت را به مشتری ارائه داده‌اند و به احتمال زیاد چیزی که واقعاً پاتاگونیا را از سایر برندها متمایز ساخته، تعهدش نسبت به حفاظت از محیط زیست است.

### این ژاکت را نخر!

پاتاگونیا از مواد پایدار

۱

مانند پلی‌استر بازیافتی و پنبه ارگانیک در تولید محصولات خود استفاده می‌کند. این مواد از منابع تجدیدپذیر تهیه می‌شوند و تأثیر کمتری بر محیط زیست دارند. آن‌ها همیشه منابع اولیه و روش‌های تولید را با مصرف‌کنندگان به اشتراک می‌گذارند و اعتمادشان را جلب می‌کند و این تازه شروع راه است. پاتاگونیا در شبکه‌های اجتماعی خود، پست‌ها و ویدئوهایی را منتشر می‌کند که در مورد مسائلی مانند تغییرات آب و هوایی و جنگل‌زدایی است و از این طریق سعی دارد جامعه را نسبت به خطرات آگاه سازد. تیم بازاریابی پاتاگونیا در طی این سال‌ها کمپین‌های تأثیرگذاری را راه‌اندازی کرده. برای مثال «این ژاکت را نخر» یکی از موفق‌ترین کمپین‌های این برند بود که در سال ۲۰۱۱ شروع شد. این کمپین برای ازبین بردن مصرف‌گرایی در بین مردم راه‌اندازی شد و آن‌ها را به سمت خرید آگاهانه سوق داد. پاتاگونیا برخلاف سایر برندها به جای این که مشتریان را به خرید محصولات بیشتر ترغیب کند، از آنها خواست اثرات زیست محیطی خرید خود را در نظر داشته باشند و آگاهانه خرید کنند. این کمپین بر دوام و طول عمر محصولات پاتاگونیا تأکید کرد و به این نکته اشاره کرد که خرید کمتر و استفاده طولانی‌تر از کالاها باعث کاهش زباله‌های تولیدی می‌شود.

### تعمیر به جای تعویض

برای جلب توجه مردم به بحران تغییرات آب و هوایی، پاتاگونیا کمپین «کمتر بخر، بیشتر استفاده کن» را نیز راه‌اندازی کرد. در این کمپین مردم تشویق می‌شدند از برندها کیفیت بالاتری را تقاضا کنند تا بتوانند از کالاها مدت بیشتری استفاده کنند. اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود... پاتاگونیا طرحی را ارائه کرد که مورد استقبال زیادی قرار گرفت، در این طرح مشتریان به جای دور انداختن دستگاه‌های

۲

فرسوده یا آسیب‌دیده خود، آن را برای شرکت ارسال می‌کردند و پس از چند روز، شرکت دستگاه را تعمیر می‌کرد و دوباره آن را برای مشتری ارسال می‌کرد. این برنامه رضایت و اعتماد مردن را بیش از پیش افزایش داد، چون که این فرصت برای مشتریان فراهم شده بود تا طول عمر محصولات خود را افزایش دهند و نیازی به تعویض مداوم آن و صرف هزینه بیشتر نداشته باشند.

### انتخاب آگاهانه

جالب است بدانید در نزدیکی انتخابات ۲۰۱۸ ایالات متحده، پاتاگونیا فروشگاه‌های خود را تعطیل کرد و نظرات تمام نامزدهای انتخابات را در مورد حفاظت از محیط زیست، منتشر کرد تا تمام مردم با چشم باز رأی بدهند. همان موقع‌ها بود که ده میلیون دلاری را که از فروش خود در جمعه سیاه به دست آورده بود به سازمان‌های حمایت از محیط زیست اهدا کرد و بسیاری از کارش شگفت‌زده شدند. تعهد پاتاگونیا به حفاظت از محیط زیست باعث شده است که این شرکت به یکی از محبوب‌ترین برندهای دنیا تبدیل شود. بازاریابی سبک زندگی سالم در سال‌های آینده نیز به رشد خود ادامه خواهد داد. این امر به دلیل افزایش اهمیت ارزش‌ها و اخلاقیات در جامعه است. مصرف‌کنندگان امروزی به دنبال برندهایی هستند که با ارزش‌هایشان مطابقت داشته باشد. آنها می‌خواهند از محصولاتی استفاده کنند که به محیط زیست آسیب نرسانند و از این طریق به ایجاد تغییر مثبت در جهان کمک کنند. پاتاگونیا با پشتیبانی در این زمینه نشان داد که چگونه می‌توان با تمرکز بر ارزش‌ها و ایجاد ارتباط عمیق با مخاطبان، موفقیت تجاری و اجتماعی را به دست آورد و با موفقیت به الگویی برای تمام کسب و کارها تبدیل شد. ■

۳

جالب این جاست که خالقان این فروشگاه‌ها یعنی بن کوهن و جری گرینفیلد، ابتدا قصد داشتند تا یک شیرینی‌پزی افتتاح کنند! اما خوشبختانه یا متأسفانه، آن‌ها توانایی تهیه تجهیزات گران‌قنادی را نداشتند و اولین فروشگاه خود را در یک پمپ بنزین راه‌اندازی کردند.



## بن و جری: سلاطین سرد

### از یک دهه کوچک تا بزرگ‌ترین شرکت بستنی‌سازی در جهان

جری با برندها و سازمان‌های موفق دیگر مثل نوتلا، برای خلق طعم‌های نو، همکاری می‌کند. همان‌گونه که دو خواننده محبوب می‌توانند با اجرای در کنار هم، شاهکاری را خلق کنند، دنیای خوراکی نیز چنین ترکیبات خارق‌العاده‌ای دارد! این چنین است که طعم‌های جدید و دوست‌داشتنی عصر ما آفریده می‌شوند.

#### کنجکاو

هنگام عرضه محصولات جدید، بن و جری از رویکردی استراتژیک و جالب استفاده می‌کند. آن‌ها اهمیت سروصدا کردن قبل از عرضه جهانی محصول را می‌دانند و مشتریان را برای امتحان این طعم جدید، هیجان‌زده می‌کنند. یکی از شیوه‌های ایجاد این هیجان، رسانه‌های اجتماعی است. بن و جری تیزرهایی جذاب و چشم‌نواز از بستنی‌های خود پخش می‌کند که با تماشای آن‌ها، هر بیننده آرزوی چشیدن آن‌ها را در دل خود احساس می‌کند! این برند بزرگ‌ترین شرکت تولید بستنی در جهان به شمار می‌رود. از طرفی با قیمت‌های پایین و تعدد فروشگاه‌ها در شهرها و از همه مهم‌تر، طعم بی‌نظیر محصولات آن، هر عابری و سوسه می‌شود تا طعم آن‌ها را بچشد و دیری نخواهد گذشت که خرید بستنی از بن و جری، به فعالیت محبوب او تبدیل می‌شود! اما بن و جری پا را از این فراتر گذاشته و به تبلیغات گسترده در سطح جهان می‌پردازد. بن و جری حضوری فعال در دنیای مجازی دارند. از وبسایت گرفته، تا اکانت‌های آنان در شبکه‌های اجتماعی و کمپین‌های بازاریابی دیجیتال، بن و جری برند موفق خود را تبلیغ می‌کند. آن‌ها فعالانه از طریق پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی، مثل اینستاگرام و توییتر با مصرف‌کنندگان خود در ارتباط هستند. یکی از برنامه‌های جذاب آن‌ها برگزاری مسابقاتی است که یک سال اعتبار خرید رایگان راه‌دیه می‌دهند! این تعامل نه تنها به برندسازی شرکت کمک می‌کند، بلکه ارتباط آن‌ها را با مخاطبان خود عمیق‌تر می‌سازد. جری گرینفیلد در جایی گفت: تجارت می‌تواند منبعی از تغییرات رو به جلو باشد. وقتی توسط ارزش‌هایتان هدایت می‌شوید، به ضررتان تمام نخواهد شد، بلکه به کسب و کارتان کمک خواهد کرد. تفکر غالب این است که نمی‌توانید کسب و کاری موفق داشته باشید و در عین حال از آن برای کمک به جامعه استفاده کنید. ما ارزش‌هایی را به کمپانی اضافه کردیم تا به این هدف برسیم. اگر جامعه را حمایت کنید، جامعه نیز شما را حمایت خواهد کرد. ■

بن و جری، نام شرکت بستنی‌فروشی زنجیرهای موفق است که به عنوان اولین برند در حوزه کسب و کار خود، به درآمد یک میلیارد یورو در سال ۲۰۲۱ رسید! جالب این جاست که خالقان این فروشگاه‌ها یعنی بن کوهن و جری گرینفیلد، ابتدا قصد داشتند تا یک شیرینی‌پزی افتتاح کنند! اما خوشبختانه یا متأسفانه، آن‌ها توانایی تهیه تجهیزات گران‌قنادی را نداشتند و اولین فروشگاه خود را در یک پمپ بنزین راه‌اندازی کردند. سرمایه اولیه آن‌ها نیز چیزی حدود ۱۲۰۰۰ دلار بود که یک‌سوم آن را نیز قرض گرفته بودند، یعنی سرمایه‌ای به اندازه یک خودروی معمولی! ۴۰ سال از تأسیس این فروشگاه‌ها گذشته، و روز به روز بر محبوبیت این مجموعه اضافه می‌شود. مهم نیست چند دهه بگذرد، طعم دوست‌داشتنی بستنی، برای همیشه محبوب خواهد بود! این شرکت به خاطر بستنی‌های فوق‌العاده، نام‌های جالب و خلاقیت منحصر به فرد خود، در جهان شناخته شده است. امروزه بن و جری بیش از ۶۰۰ شعبه موفق در ۴۳ کشور دنیا دارد. هم‌چنین این شرکت، مناسبتی تحت عنوان «قیف رایگان» دارد که در آن روز، تمامی شعبات آن در جهان، بستنی رایگان به مردم عرضه می‌کنند!

#### طعم‌هایی که اسم ندارند!

بن و جری دائماً در حال آزمایش ترکیبات و مواد نو برای ایجاد طعم‌های جدید است. یکی از مهم‌ترین دلایل موفقیت آن‌ها، خلق دائم طعم‌های منحصر به فردی است که مشتریان سخت‌پسند را راضی نگه می‌دارد. بن و جری خود را متعهد می‌دانند که مرزهای خلاقیت در طعم را جلو ببرند. ممکن است برای شما پیش آمده باشد، که بعد از استنشام یک عطر و یا چشیدن طعمی، ناگهان به خاطرهای در سال‌های گذشته خود برگردید! حافظه اعجاب‌آور انسان بعضی خاطرات خود را در صندوقچه‌هایی ذخیره می‌کند که کلید آن‌ها را گم کرده است! اما بن و جری کلیدسازهایی ماهر هستند! آن‌ها می‌دانند که چگونه طعم‌هایی را با هم ترکیب کنند تا احساس دوست‌داشتنی نوستالژی در مشتریان زنده شود. فارغ از این که در چه حالی قرار دارید، بن و جری اینجاست تا شما را سر حال بیاورد! آن‌ها تنوعی فوق‌العاده از شیرین تا ترش و ملس و تلخ دارند و گستره بزرگ بستنی‌های آن‌ها، طعم‌هایی را نیز در بر می‌گیرد که هنوز اسمی برایشان پیدا نشده است! ولی داستان به این جا ختم نمی‌شود، چرا که دنیای طعم‌ها نیز تمامی ندارد! بن و

بن و جری خود را متعهد می‌دانند که مرزهای خلاقیت در طعم را جلو ببرند. ممکن است برای شما پیش آمده باشد، که بعد از استنشام یک عطر و یا چشیدن طعمی، ناگهان به خاطرهای در سال‌های گذشته خود برگردید! حافظه اعجاب‌آور انسان بعضی خاطرات خود را در صندوقچه‌هایی ذخیره می‌کند که کلید آن‌ها را گم کرده است! اما بن و جری کلیدسازهایی ماهر هستند!

# ..... آینده‌پژوهی .....



## شلیک به صلح

هزینه‌های دفاعی چین افزایش یافته است

[ آینده اوکراین ]

## مهم‌ترین جنگ

در تدارک جنگی طولانی با چین در آینده

پس از حمله اولیه یا شروع درگیری مسلحانه، یک یا هر دو طرف تخصص به دنبال یک مزیت قاطع هستند. در این سناریو ممکن است دشمن به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای تحریک شود. هر یک از این سناریوها محتمل است و سیاستگذاران ایالات متحده باید این تحلیل‌ها را جدی بگیرند.

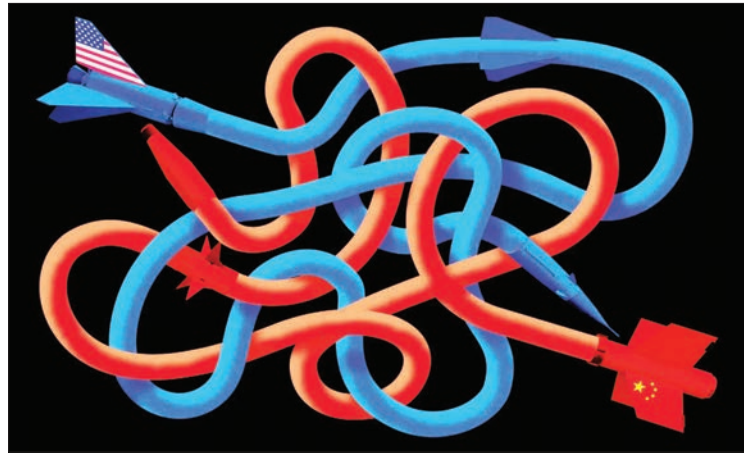
با این حال، یک احتمال بسیار متفاوتی هم وجود دارد که نه تنها محتمل بلکه هیچ بعید نیست: یک جنگ کلاسیک طولانی‌مدت بین چین و ائتلافی به رهبری ایالات متحده. هر چند آثار مخرب این قبیل جنگ‌ها از جنگ هسته‌ای کمتر است اما ممکن است هزینه‌های هنگفتی روی دست هر دو طرف بگذارد. جنگ کلاسیک یا نبرد متقارن به جنگی می‌گویند که در آن از جنگ‌افزارهای متعارف نظامی و تاکتیک‌های تعریف‌شده و مشخص و معین نظامی استفاده می‌کنند و میان دو یا چند کشور صورت می‌گیرد. رویارویی دو طرف در جنگ کلاسیک «باز» است و نیروهای دو طرف تعریف‌شده‌اند. در جنگ کلاسیک استفاده از جنگ‌افزارهای نامتعارف مانند شیمیایی و میکروبی و هسته‌ای معمول نیست.

## نبردهای بدون بمب

رویارویی نظامی چین و ایالات متحده اولین جنگ قدرت‌های بزرگ پس از جنگ جهانی دوم و اولین جنگ بین دو قدرت بزرگ هسته‌ای خواهد بود. با توجه به تمرکز قدرت اقتصادی و توانایی‌های فناورانه پیشرفته در ژاپن و کره جنوبی و تایوان — دموکراسی‌های پیشرفته‌ای که یا از متحدان نزدیک یا از شرکای ایالات متحده‌اند — چنین جنگی بسیار مخاطره‌آمیز خواهد بود. اگر جنگ آغاز شود، عقب‌نشینی برای هر یک از طرفین احتمالاً بسیار دشوار خواهد بود. با این حال، روشن نیست که این جنگ به تشدید تنش هسته‌ای می‌انجامد یا نه.

چین و ایالات متحده هم، نظیر اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده در اواخر قرن بیستم، قادرند یکدیگر را در عرض چند ساعت نابود کنند. در جنگ سرد، ترس از ایجاد یک مشاجره هسته‌ای انگیزه قوی مسکو و واشنگتن برای اجتناب از هرگونه مواجهه نظامی مستقیم بود. البته، موازنه قدرت هسته‌ای پکن و واشنگتن به طرز چشمگیری با موازنه قدرت مسکو و واشنگتن در جنگ سرد فرق دارد، چرا که قدرت نظامی ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی متوازن بود. زرادخانه هسته‌ای چین در برابر زرادخانه‌های ایالات متحده ناچیز است، هر چند پکن در دهه آینده به دنبال توسعه زرادخانه‌هایش است. با وجود این، در حال حاضر هم زرادخانه چین آنقدر بزرگ است که پکن، در صورت حمله به چین، توان هسته‌ای کافی برای اقدامی تلافی‌جویانه را داشته باشد.

با این حال، تصور بر این است که جنگ احتمالی آمریکا و چین هسته‌ای نخواهد بود. در بیش از هفت دهه درگیری‌های پس از جنگ جهانی دوم از سلاح‌های هسته‌ای هیچ استفاده‌ای نشده است.



در دهه گذشته، چشم‌انداز تاخت‌وتاز نظامی چین در منطقه هند-آرام (Indo-Pacific) دیگر نه موضوعی فرضی بلکه از موضوعات اصلی تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان دفاعی ایالات متحده شده است. شی‌جین‌پینگ، رهبر چین، به‌طور قابل توجهی ساختارهای نظامی کشورش را با سرعت بیشتر گسترش داده است. در عین حال، چین بیش از پیش در گستره وسیعی از اقیانوس آرام، ادعاهای توسعه‌طلبانه‌اش را پیش برده و به آب‌های متحدان کلیدی ایالات متحده و شرکای مهم امنیتی این کشور، از جمله ژاپن و فیلیپین و تایوان، تجاوز کرده است. شی، بیش از پیش تأکید دارد که تایوان باید دوباره به چین بپیوندد، و از تمسک به زور در رسیدن به این هدف خودداری کرده است. در شرایطی که حواس ایالات متحده پرت جنگ‌های بزرگ در اروپا و خاورمیانه است، برخی در واشنگتن می‌ترسند که پکن فرصت را غنیمت بشمارد و بخشی از این جاه‌طلبی‌های ریبویونیستی را با آغاز یک عملیات نظامی محقق سازد، آن‌هم پیش از آنکه غرب بتواند واکنشی نشان دهد.

تحلیل‌گران آمریکایی تایوان را نقطه بحرانی می‌دانند و چندین نظریه را در مورد نحوه اجرای چنین حمله‌ای بررسی کرده‌اند. در نظریه اول چین تایوان را فتح کرده است و «کار از کار گذشته است». ارتش آزادی‌بخش خلق چین طبق این فرضیه از موشک‌ها و حملات هوایی علیه نیروهای تایوانی و نیروهای ایالات متحده در منطقه استفاده می‌کند و سیگنال‌ها و راه‌های ارتباطی را مختل می‌سازد و از حملات سایبری در تضعیف توانایی دفاعی آن‌ها بهره می‌برد. چین در صورت موفقیت می‌تواند به سرعت کنترل را در دست بگیرد. راه دوم این است که ائتلافی به رهبری ایالات متحده حمله اولیه چین به تایوان را خنثی کند. اما با توجه به اینکه چین و ایالات متحده هر دو زرادخانه‌های هسته‌ای دارند، بسیاری از تحلیل‌گران نگران نتیجه سوم و فاجعه‌بارتری هستند. در این نسخه



اندرو اف کرپنیویچ

استاد دانشگاه کلرادو

منبع: فارن افروز

چرا باید خواند:

وضعیت چین در

روابط بین‌المللی برای

سیاست‌گذاران و

فعالان اقتصادی ایرانی

که شریک اول تجاری

آن‌ها چین است بسیار

اهمیت دارد.

با توجه به تمرکز قدرت اقتصادی و توانایی‌های فناورانه پیشرفته در ژاپن و کره جنوبی و تایوان — دموکراسی‌های پیشرفته‌ای که یا از متحدان نزدیک یا از شرکای ایالات متحده‌اند — چنین جنگی بسیار مخاطره‌آمیز خواهد بود. اگر جنگ آغاز شود، عقب‌نشینی برای هر یک از طرفین احتمالاً بسیار دشوار خواهد بود.

ادامه جنگ خواهد داشت. با توجه به مخاطرات زیاد، نمی‌توان روی هیچ یک از طرفین حساب کرد که تسلیم شود.

بر خلاف جنگ سرد، که اتحادهای سفت و سختی از دو ابرقدرت حمایت می‌کردند — ناتو به رهبری ایالات متحده و پیمان ورشو به رهبری اتحاد جماهیر شوروی — وضعیت کنونی در منطقه هند-آرام یک درهم ریختگی ژئوپلیتیکی است. چین هیچ متحد رسمی ندارد، اگرچه از روابط نزدیک با کره شمالی و پاکستان و روسیه برخوردار است. اما ایالات متحده مجموعه‌ای از ائتلاف‌ها و مشارکت‌های دوجانبه در منطقه دارد که واشنگتن در مرکز و متحدانش یعنی استرالیا و ژاپن و فیلیپین و کره جنوبی و تایوان و تایلند حول آن قرار دارند. با این حال، این متحدان آسیایی، بر خلاف اعضای ناتو، هیچ تعهد دفاعی مشترکی ندارند. بنابراین، در صورت تجاوز چین به منطقه هند-آرام واکنش‌های شرکای آمریکا در منطقه قطعی نیست.

آنچه در مراحل اولیه جنگ اتفاق می‌افتد در تعیین قدرت طرفین مهم است. طرفی که به عنوان متجاوز معرفی شود ممکن است کشورهای بی‌طرف را که جنگ را از منظر اخلاقی می‌بینند، از خود دور کند. از سوی دیگر، کشورهایی که بیشتر دیدگاه سیاسی واقع‌گرا دارند، ممکن است با هر طرفی که به موفقیت زود هنگام دست یابد متحد شوند (مثل ایتالیا در جنگ جهانی دوم). پس از دفاع اولیه موفق اوکراین در برابر تهاجم روسیه در بهار ۲۰۲۲، بسیاری از کشورهای غربی، از جمله کشورهای سنتاً بی‌طرفی مانند فنلاند و سوئد، به حمایت از کیف پرداختند. به همین ترتیب، اگر چین نتواند سریعاً به اهداف خود در جنگ احتمالی برسد، کشورهای سنتاً بی‌طرفی مانند اندونزی و سنگاپور و ویتنام ممکن است برای مقاومت در برابر تاخت‌وتاز نظامی پکن با هم متحد شوند.

### اقدامات بازدارنده

به محض شروع جنگ، هم چین و هم ایالات متحده باید با خطرات ناشی از زرادخانه‌های هسته‌ای خود مقابله کنند. مانند زمان صلح، دو طرف باید سخت به دنبال اجتناب از بروز فاجعه هسته‌ای باشند.



برای نمونه، در جنگ سرد، دو ابرقدرت هسته‌ای درگیر جنگ‌های نیابتی در آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین شدند که گرچه هر دو طرف هزینه‌های انسانی و نظامی بالایی متحمل شدند، از سلاح‌های هسته‌ای استفاده نکردند. حتی در جنگ‌هایی که فقط یک طرف سلاح هسته‌ای در اختیار داشت، طرف مسلح از مزیت این سلاح‌ها استفاده نکرد. ایالات متحده در جنگ‌های خونین و طولانی کره و ویتنام شرکت داشت اما از برگ برنده هسته‌ای خود بهره نبرد. اسرائیل نیز در جنگ یوم کیپور در سال ۱۹۷۳ از سلاح‌های هسته‌ای علیه مصر یا سوریه استفاده نکرد. همین روند در مورد روسیه نیز در جنگ با اوکراین صادق بوده است، ولو این درگیری به اواخر سال دوم رسیده و روسیه بهای هنگفتی پرداخت کرده است، چه مالی چه جانی.

### دلایل جنگ

جنگ چین و ایالات متحده به شیوه‌های مختلفی ممکن است آغاز شود. با توجه به جاه‌طلبی چین برای تسلط بر منطقه هند-آرام، چنین جنگی به احتمال زیاد ممکن است مجمع‌الجزایر اقیانوس آرام را درگیر کند که از جزایر کوریل در شمال ژاپن شروع می‌شود و به جزایر ریوکیو و تایوان و فیلیپین و بخش‌هایی از اندونزی می‌رسد. همان‌طور که بسیاری در واشنگتن استدلال کرده‌اند هدف اصلی تایوان است، با توجه به موقعیت راهبردی جزیره تایوان که در حد فاصل ژاپن و فیلیپین قرار دارد، و نقش کلیدی این کشور در اقتصاد جهانی و موقعیت آن به‌عنوان هدف اصلی اهداف توسعه‌طلبانه پکن. ارتش چین بیش از پیش در تنگه تایوان فعال شده است.

اما تنگه تایوان تنها جایی نیست که جنگ ممکن است از آنجا آغاز شود. چین به تاخت‌وتاز نظامی خود در حریم هوایی ژاپن و اقدامات تحریک‌آمیز خود در مناطق انحصاری اقتصادی فیلیپین و ویتنام ادامه داده است و احتمال وقوع یک حادثه جنگ‌افروز را افزایش داده است. علاوه بر این، تنش‌ها میان کره شمالی و کره جنوبی همچنان بالا است. اگر درگیری در شبه‌جزیره کره آغاز شود، ایالات متحده ممکن است به این منطقه نیروهای کمکی اعزام کند، که باعث می‌شود پکن فرصتی برای تسویه حساب در سایر نقاط مجمع‌الجزایر مذکور پیدا کند.

حتی ممکن است جنگ با چین در جنوب آسیا آغاز شود. چین، در طول دهه گذشته، چندین بار با هند در امتداد مرز مشترکشان درگیر شده است. جنوب آسیا یا آسیای جنوبی، بخش جنوبی قاره آسیا است که از سمت غرب آسیا و آسیای مرکزی و شرق آسیا و جنوب شرق آسیا احاطه شده است. جنوب آسیا در موضوعات جغرافیایی و قومی و فرهنگی کاربرد دارد. کشورهای جنوب آسیا عبارتند از افغانستان و بنگلادش و بوتان و هند و مالدیو و نپال و پاکستان و سریلانکا. اگر هند قربانی تاخت‌وتاز نظامی چین شود، واشنگتن علاقه زیادی به دفاع از قدرت و شریک نظامی بزرگ خود خواهد داشت که بزرگ‌ترین دموکراسی جهان است.

القصة، اگر جنگ در هر یک از این مکان‌ها رخ دهد، ممکن است چین و ایالات متحده را وارد درگیری مسلحانه مستقیم کند. و اگر چنین جنگی در بگیرد بعید است به این زودی‌ها پایان یابد. اما حتی اگر واشنگتن و شرکای آن بتوانند از تصرف تایوان به دست ارتش آزادی‌بخش خلق چین جلوگیری کنند، پکن ممکن است تمایلی به پذیرش شکست نداشته باشد. و مانند ایالات متحده، ابزاری برای

ائتلافی به رهبری ایالات متحده ممکن است چه راهبردی در یک جنگ محدود اما گسترده با چین دنبال کند؟ به طور کلی، سه راهبرد کلی در جنگ وجود دارد: نابودی، فرسایش، از یاد آمدن. هر راهبرد را می‌توان به صورت جداگانه یا ترکیبی دنبال کرد

در جنگ چین و ایالات متحده، راهبرد نابودی خطرات غیر قابل جبرانی دارد. از آنجا که هر دو طرف تسلیحات هسته‌ای دارند، قسمی راهبرد نابودی مبتنی بر یک حمله نظامی گسترده با هدف از بین بردن توانایی دشمن ممکن است خیلی راحت به نوعی انتحار توافقی متقابل تبدیل شود

ایالات متحده و شرکای ائتلافی این کشور اگر به دنبال پیروزی در جنگ با چین هستند نه تنها باید راهبردی برای خنثی‌سازی پیروزی سریع پکن اتخاذ کنند بلکه باید راهبردی هم برای حفظ دفاع خود در یک جنگ طولانی داشته باشند

با این حال، در گرماگرم جنگ، چنین احتمالی را نمی‌توان از بین برد. رهبران هر دو قدرت بزرگ باید درجه بالایی از خویشتن‌داری داشته باشند. هم واشنگتن و هم پکن، برای جلوگیری از گسترش جنگ، باید خطوط قرمز یکدیگر را به رسمیت بشناسند. با توجه به احتمال گسترش غیرقابل کنترل فاجعه هسته‌ای، دور از انتظار نیست اگر فرض کنیم هم چین و هم ایالات متحده در مورد نحوه و مکان تشدید عملیات نظامی احتیاط کنند. اما الزام هر دو طرف به اجتناب از تشدید تنش هسته‌ای در عین حال بستر را آماده درگیری طولانی‌تری می‌کند، زیرا هر دو طرف منابع بسیار مهمی برای استفاده در جنگ بلندمدت دارند. به این ترتیب، مهار جنگ از یک وجه امکان گسترش آن را در سایر وجوه تسهیل می‌کند.

### جنگ اراده‌ها

ائتلافی به رهبری ایالات متحده ممکن است چه راهبردی در یک جنگ محدود اما گسترده با چین دنبال کند؟ به طور کلی، سه راهبرد کلی در جنگ وجود دارد: نابودی، فرسایش، از پاد آمدن. هر راهبرد را می‌توان به صورت جداگانه یا ترکیبی دنبال کرد. راهبرد نابودی بر استفاده از یک رویداد واحد یا مجموعه‌ای از اقدامات سریع برای از بین بردن توانایی یا اراده دشمن تأکید می‌گذارد، مانند کارزار شش هفته‌ای حمله رعدآسا آلمان علیه فرانسه در سال ۱۹۴۰. در مقابل، راهبرد فرسایش به دنبال کاهش قدرت دشمن است. با این راهبرد نیروهای نظامی در بلندمدت دیگر نمی‌توانند مقاومت مؤثری انجام دهند. این راهبرد اولیه متفقین در برابر متحدین در جنگ جهانی دوم بود. در نهایت، راهبرد از پاد آوردن دشمن به دنبال تضعیف غیرمستقیم نیروهای دشمن است، مانند محروم کردن آن‌ها از دسترسی به منابع حیاتی از طریق محاصره، تخریب زیرساخت‌های اصلی حمل و نقل، یا تخریب تأسیسات صنعتی مهم. نمونه کلاسیک آن جنگ داخلی ایالات متحده بود. در جنگ چین و ایالات متحده، راهبرد نابودی خطرات غیر قابل جبرانی دارد. از آنجا که هر دو طرف تسلیحات هسته‌ای دارند، قسمی راهبرد نابودی مبتنی بر یک حمله نظامی گسترده با هدف

از بین بردن توانایی دشمن ممکن است خیلی راحت به نوعی انتحار توافقی متقابل تبدیل شود. این خطر همچنین تلاش‌های هر یک از طرفین برای دنبال کردن قسمی راهبرد فرسایشی را که ممکن است به تشدید تنش هسته‌ای بیانجامد، مختل می‌کند. البته چین و ایالات متحده، در استفاده از این راهبردها، باید به دقت در نظر بگیرند که کجا را برای جنگ انتخاب می‌کنند.

در مراحل اولیه جنگ، اهداف نظامی ممکن است برای هر دو طرف اولویت داشته باشند، زیرا ارتش آزادی‌بخش خلق چین تلاش می‌کند یک پیروزی سریع به دست آورد در حالی که ائتلاف ایالات متحده بر ایجاد یک دفاع موفق متمرکز است. در این صورت، اهداف اقتصادی مانند بنادر تجاری و کشتی‌های باری و زیرساخت‌های نفت و گاز در زیر دریا در ابتدا اولویت کمتری خواهند داشت. هر چند با طولانی شدن جنگ، هر یک از طرفین بیش از پیش می‌کوشد از طریق جنگ اقتصادی و اطلاعاتی، پتانسیل جنگ‌افروزی طرف مقابل را از بین ببرد.

پایان دادن به جنگ در نوع خود چالشی مهم خواهد بود. با دورنمای یک پیروزی قاطع نظامی دور از دسترس هر یک از طرفین، چنین جنگی ممکن است چندین سال یا بیشتر طول بکشد و فقط زمانی پایان باید که هر دو طرف مسیر مذاکره را بر خطر نابودی ارجح بدانند، صلیح ناخوشایند بر سر جنگی که می‌توانست به جنگی بسیار پرهزینه و به‌ظاهر بی‌پایان تبدیل شود.

### لاک پشت‌ها، نه خرگوش‌ها

بنابراین، ایالات متحده و شرکای ائتلافی این کشور اگر به دنبال پیروزی در جنگ با چین هستند نه تنها باید راهبردی برای خنثی‌سازی پیروزی سریع پکن اتخاذ کنند بلکه باید راهبردی هم برای حفظ دفاع خود در یک جنگ طولانی داشته باشند. در حال حاضر، تحقق هدف اول همچنان دشوار است. ایالات متحده و متحدانش — چه رسد به شرکای بالقوه‌ای مانند هند و اندونزی و سنگاپور و ویتنام — به نظر می‌رسد رویکرد منسجمی در بازدارندگی یا شکست چین در جنگ ندارند. اگر چین جزایر کلیدی را تصرف کند، بازپس‌گیری آن‌ها هزینه‌های قابل توجه روی دست ایالات متحده و شرکای آن خواهد گذاشت. و اگر چین موفق شود، ممکن است آتش‌بس فوری را به‌عنوان ابزاری برای تحکیم دستاوردهای خود پیشنهاد کند. در نظر برخی از اعضای ائتلاف تحت رهبری ایالات متحده، چنین پیشنهادی ممکن است جایگزین جذابی برای یک جنگ پرهزینه به نظر برسد.

وانگهی، یک جنگ طولانی احتمالاً هزینه‌های زیادی روی دست تجارت جهانی و زیرساخت‌های حمل و نقل و انرژی و شبکه‌های ارتباطی بگذارد و فشار غیر قابل تحملی بر جمعیت انسانی در بسیاری از نقاط جهان وارد کند. حتی اگر دو طرف از فاجعه هسته‌ای اجتناب کنند، و حتی اگر قلمروهای ایالات متحده و شرکای اصلی ائتلاف با این کشور تا حدی دست‌نخورده باقی بمانند، مقیاس و دامنه تخریب احتمالاً بسیار فراتر از چیزی است که مردم آمریکا و متحدانش تجربه کرده‌اند. علاوه بر این، چینی‌ها ممکن است از این نظر مزایای قابل توجهی داشته باشند: چین با جمعیت بسیار زیاد و رهبری مستبد و صبر و مدارای تاریخی مردمان این کشور در تحمل سختی‌ها، چه بسا آمادگی بیشتری در تحمل یک جنگ طولانی داشته باشد. ■





آژانس حفاظت محیط زیست ایالات متحده آمریکا تخمین زد که آمریکایی‌ها در سال ۲۰۲۱ حدود ۵۱ میلیون تن پلاستیک و حدود ۱۴۰ کیلوگرم به ازای هر نفر بیرون ریخته‌اند. با این آمار و ارقام، انرژی و نگرانی‌ای که در سال کم‌خرید کرده بودم، پوچ به نظر می‌رسید.



۱۰۰ تنی کاناپه‌ها و جعبه‌شیرینی‌ها و همه چیز را در لایه‌های ضخیمی فشرده می‌کردند. در این لایه‌ها هر نشانه‌ای از زندگی مدرن که تصورش را کنید وجود داشت. نتیجه: گورستان زباله‌ای که هزاران سال بر جای خواهد ماند.

سپس نیرو ما را به منطقه کوچکی از سایت برد که به جمع‌آوری زباله‌ها و پسماند بازیافتی و تجزیه‌پذیر اختصاص داشت. در ایستگاه آخر هم از یک نیروگاه برق دیدن کردیم که با موتورهای قدیمی کار می‌کردند. نیروی این موتورها از متان آزاد شده از زباله‌های در حال تجزیه تأمین می‌شد. این نیروگاه برق لازم ۲۵۰۰ خانه را در سال تولید می‌کند. در پایان این بازدید نمی‌توانستم از کارایی محل دفن زباله، مهندسی و مدیریت این حجم انبوه زباله، تعریف نکنم. سایت آراپاهو به چرخه بی‌پایان مصرف شهر من امکان می‌دهد بدون وقفه ادامه یابد و در عین حال احتمال آسیب‌های زیست محیطی فوری را کاهش دهد. اما هر جایی منابع لازم را برای مدیریت این حجم عظیم زباله ندارد. محض نمونه، غنا هر هفته حدود ۱۵ میلیون قلم لباس دست دوم از کشورهای چون بریتانیا و ایالات متحده و چین وارد می‌کند. بسیاری از این لباس‌ها سر از زباله‌دانی‌های غیررسمی در می‌آورند و پس از باران‌های فصلی، میلیون‌ها تکه لباس درهم و پوسیده به سواحل محلی می‌رسند.

درست است که قدران کار نیرو و همکارانش بودم اما احساس تهوع هم داشتم. مشاهده زباله‌هایی که حاصل مصرف جمعی ماست سخت و دشوار است — ضایعاتی که به معنای دقیق کلمه کوه زباله‌ها را می‌سازند. مصرف انبوه مزایای پرشماری داشته است: شغل و ثروت، ایمنی و امنیت فیزیکی. راه‌های جدید ارتباط. سفر آسان به تقریباً هر جای دنیا. چراغ‌هایی که تاریکی را از شب دور نگاه می‌دارند. موسیقی دائم در دسترس است.

اما هزینه‌ها هم تا امروز سرسام‌آور بوده است. نابرابری اقتصادی و جنگ بر سر منابع تجدیدپذیر بی‌شمار آدم کشته است. افزایش بیش از حد محصولات در دهه‌های اخیر باعث تسریع انتشار آلاینده‌ها و جنگل‌زدایی و تخریب اقلیم شده است. ذخایر آب را کاهش داده و به انقراض سریع حیوانات دامن زده است. «زباله‌دان‌های عظیم» در سراسر

## [ آینده محیط‌زیست ]

# فرهنگ یک‌بار مصرف

## آیا اعتیاد ما به مصرف‌گرایی چاره‌ای دارد؟

یک صبح سرد زمستانی داشتم از کمربندی شهر دنور، از کنار پایگاه نیروی هوایی بالکی، رد می‌شدم که در افق چندتایی برآمدگی تیمانند دیدم که مثل نوک کوه‌های بیخ بیرون زده بودند. نزدیک‌تر که شدم دیدم باسیم‌خاردار محصور شده‌اند و فهمیدم که به مقصد رسیده‌ام.

وارد سایت دفع زباله آراپاهو دنور شدم. من در بازدید عمومی از این سایت که یک خبرنگار محلی ترتیب داده بود شرکت داشتم. ده نفر دور راهنمای ما، داک نیرو که فردی میانسال بود، جمع شدند. نیرو صحبت‌های خود را آغاز کرد. او گفت این سایت ۲۴ ساعت شبانه‌روز و شش روز هفته باز است. هر روز ۸۰۰ کامیون وارد این سایت می‌شود که در سال می‌شود حدود ۲ میلیون تن زباله. کامیون‌هایی را می‌دیدم که به سمت باسکول می‌روند. کامیون پشت کامیون.

نیرو ما را با یک ون به منطقه‌ای برد که داشتند محوطه‌ای جدید می‌ساختند: شالوده کوه جدیدی از زباله. وسعت آن ۱۰ هکتار بود و با خاک رس و شیشه خرد شده پوشانده شده بود تا از نشت مایعی که در اثر تجزیه زباله وارد آب‌های زیرزمینی می‌شود، جلوگیری کند. این محوطه پس از تکمیل با زباله پر می‌شود و ظرف دو سال به ارتفاع ۹۰ متر می‌رسد.

سپس، نیرو ما را به یک منطقه دفن زباله فعال برد. وارد ترافیک کامیون‌ها شدیم و یک جاده خاکی شیب‌دار و ناهموار را تا بالای تپه رانندگی کردیم. صفی از کامیون‌ها دور ما توقف می‌کردند که بارشان را خالی کنند، هر چیزی که تصورش را کنید در بار زباله آن‌ها وجود داشت. باد زباله‌ها را مثل برف در هوا پراکنده می‌کرد، چون تراکتورهای



چیپ کولر

کارشناس اقتصاد محیط‌زیست

منبع: گاردین

چرا باید خواند:

مصرف‌گرایی و

فرهنگ یک‌بار مصرف

در کشورهای جهان

افزایش یافته و

نشانه‌های آن را در

ایران نیز می‌توان دید.

تجربه کشور های

دیگر در مواجهه با این

فرهنگ برای ما نیز

می‌تواند آموزنده باشد.

وقتی سال  
کم خرید ما پس از  
تنها شش ماه در  
آستانه شکست  
قرار گرفت، با  
صحبت‌های تند  
و تیز اما خنده‌آور  
چلسی فاگان  
علیه مینیمالیسم  
آشنا شدم. فاگان  
چندین استدلال  
علیه تمامی اشکال  
مینیمالیسم  
مطرح می‌کند.  
او می‌نویسد که  
مینیمالیسم شکلی  
از تبعیض طبقاتی  
است، یک مد  
برای ثروتمندان،  
زیرا افرادی که  
در فقر واقعی  
زندگی می‌کنند  
نمی‌توانند نگران  
میزان و تعداد  
خریده‌هایشان  
باشند

اقیانوس‌های جهان شناورند، با بی‌نهایت تکه میکروپلاستیک که وارد شبکه‌های غذایی ما می‌شوند. حتی اگر وجوه مثبت مصرف انبوه را تا به امروز بپذیریم، باید اذعان کرد که اوضاع خوبی نیست و وضعیت ناپایدار است. با این حال، به نظر می‌رسد که قادر نیستیم جلو خودمان را بگیریم در آغاز سال ۲۰۲۱، من و همسرم و دخترمان در یک جلسه خانوادگی با خود گفتیم آیا می‌توانیم مصرف خانواده‌مان را محدود کنیم. من از طیفی از باصطلاح مینیمالیست‌ها الهام گرفته بودم و می‌خواستم سبک زندگی آن‌ها را امتحان کنم. به زندگی افرادی چون لورن سینگر نظر کرده بودم که در بروکلین «سبک زندگی بدون زباله» داشت و در هشت سال زباله‌های خود را به قدری کم کرده بود که می‌توانست آن‌ها در یک شیشه مربا جا دهد. در مورد یک خانواده چهار نفره در لس‌آنجلس هم خوانده بودم که مصرف هر گونه پلاستیکی را کنار گذاشته بودند. همچنین نکاتی از زندگی لارا جوانا جارویس، مادر دو فرزند در همپشایر انگلستان، آموخته بودم که به مدت یک سال چیزی نخرید و ۲۵ هزار پوند پس‌انداز کرد.

از همسر و دخترم پرسیدم: «چه کاری از دست ما برمی‌آید؟» مقاله‌ای از فوربس را نشان‌شان دادم با عنوان یک سال «بدون خرید». پرسیدم: «نظرتان در این مورد چیست؟» دختر نه ساله‌ام به نشانه تأیید سرش را تکان داد و گفت: «من می‌خواهم محیط زیست را نجات دهم». همسرم نیز مشتاقانه این ایده را پذیرفت و گفت: «می‌خواهم کمتر مصرف‌گرا باشم، چون گاهی اوقات آدم فکر می‌کند از وسایل و اشیاء لذت می‌برد. اما بعد از مصرف دیگر خبری لذت و شادی نیست». شروع خوبی داشتیم.

انگیزه‌های زیادی برای این نوع زندگی راهبردی وجود دارد: حس زیبایی‌شناختی (زمانی که مردم فضاهایی با چیزهای کمتر را دوست دارند)، ثبات و پایداری (با توجه به نگرانی‌های زیست‌محیطی)، عقل معاش (صرفه‌جویی در پول)، آگاهی و هشیاری و تجربه انگیزه دخترم محیط زیست بود، همسرم آگاهی و هشیاری. و من هم به زیبایی‌شناسی مینیمال گرایش دارم. اما بیشتر از خرید بی‌انتهای همیشگی خسته شده بودم و از این احتمال که مصرف بیش از حد ما دارد سیاره زمین را نابود می‌کند وحشت داشتم.

پس از لحظه‌ای سکوت، همسرم در صحبت‌هایش تجدید نظر کرد: «خب، شاید اسپیکری که موسیقی پخش می‌کند، لذت و شادی به

همراه داشته باشد». او نکته‌های داشت. زندگی بدون وسایل و اشیاء غیرممکن است. وسایل و اشیاء می‌توانند تجربه‌های لذت و شادی به ما بدهند. وسایل و اشیاء ما را، گذشته و هویت ما را به یکدیگر وصل می‌کنند. از این گذشته، انسان‌ها مدت‌هاست به وسایل و اشیاء وابسته بوده‌اند. فی‌البداهه گفتیم: «اگر یک سال نه بدون هیچ خریدی بلکه یک سال کم‌خرید داشته باشیم چه؟ علاوه بر ملزومات، امسال هر کدام فقط پنج چیز بخریم». به توافق رسیدیم و فهرستی از اقلام تهیه کردیم که جزو آن پنج مورد نیستند: غذا، اقلام مدرسه و محل کار، اقلام بهداشتی و قطعات خودرو (در صورت نیاز). اگر برای کسی هدیه‌ای می‌خریدیم جزو پنج مورد حساب می‌شد. همه با کمال میل موافقت کردیم.

تلاش خانواده من نسخه‌ای از مینیمالیسم بود، جنبشی روبه‌رشد در بسیاری از جوامع مصرف‌گرا که هدفی نداشت جز زندگی با کمترین‌ها. هستند کسانی که از آوردن چیزهای بیشتر به زندگی‌شان امتناع می‌ورزند. الیزابت چای، ۴۰ ساله در پورتلند اورگان، از ۲۰۲۰ چیزی جز غذا و نوشیدنی و لوازم بهداشتی نخریده است. برخی نیز از خرید هر چیز پلاستیکی خودداری می‌کنند. برخی ممکن است دیگر از وسایل یکبار مصرف مانند بشقاب‌های کاغذی صرف نظر کنند. افرادی هم هستند که به اخلاق بازمصرفی متعهدند (یعنی استفاده مجدد از مواد برای جبران کمبود یا صرفه‌جویی)، که کمتر چیزی را دور می‌اندازند. در سال‌های اخیر، اپلیکیشن «نکستدور» محبوبیت زیادی پیدا کرده است: همسایه‌ها از آن استفاده می‌کنند و وسیله و ابزار به هم قرض می‌دهند و اقلام مورد نیازشان را مبادله می‌کنند. در ۱۱ کشور و تقریباً از هر سه خانواده یک خانواده در ایالات از این نرم‌افزار استفاده می‌کنند. همین کار را یک گروه فعال در شبکه‌های اجتماعی به نام «هیچ چیز نخرید» از سال ۲۰۱۳ انجام می‌دهد. در نهایت، کسانی هم هستند که میزان مصرفشان را کاهش می‌دهند، مانند تلاش خانواده من برای یک سال کم‌خرید. برخی اسباب و وسایلشان به ۱۰۰ عدد کاهش دادند.

تا آوریل، یک کتاب پیاپی و یک دوچرخه جدید برای دخترم خریدیم. بودیم. سوراخی هم در پنجه یکی از کفش‌های ورزشی‌ام باز شد. چارم‌های نداشتمم جز خرید یک جفت کفش جدید. بالاخره آمادگی جسمانی‌ام به آن بستگی داشت. همسرم هم دو کتاب به دوستی هدیه داده بود. اما بعد همه چیز خراب شد. چند عدد مازیک اتفاقی با تقریباً همه لباس‌هایم در ماشین لباس‌شویی شسته شدند. با این حال، در برابر خرید لباس جدید مقاومت کردم. اما یک ماه بعد، تصمیم گرفتیم خانه بزرگ‌تری تهیه کنیم و می‌دانستیم برای نقل مکان به خانه جدید هر کدام باید بیش از پنج وسیله بخریم.

وقتی سال کم‌خرید ما پس از تنها شش ماه در آستانه شکست قرار گرفت، با صحبت‌های تند و تیز اما خنده‌آور چلسی فاگان علیه مینیمالیسم آشنا شدم. فاگان چندین استدلال علیه تمامی اشکال مینیمالیسم مطرح می‌کند. او می‌نویسد که مینیمالیسم شکلی از تبعیض طبقاتی است، یک مد برای ثروتمندان، زیرا افرادی که در فقر واقعی زندگی می‌کنند نمی‌توانند نگران میزان و تعداد خریدهایشان باشند. فاگان به جمله‌های مینیمالیستی اشاره می‌کند: «پولتان را بابت مزخرفات ایکنه‌آ دور نریزید!». «با این میزان ناهار خوری ۴ هزار دلاری که قبلاً مال یک رمان‌نویس ناکام در اسکندیناوی بود، شما هرگز به میلمان دیگری نیاز نخواهید داشت!». فاگان نتیجه می‌گیرد که هر شکلی از مینیمالیسم، «شکل دیگری از مصرف‌فاحش است».



هستند کسانی که از آوردن چیزهای بیشتر به زندگی‌شان امتناع می‌ورزند. الیزابت چای، ۴۰ ساله در پورتلند اورگان، از ۲۰۲۰ چیزی جز غذا و نوشیدنی و لوازم بهداشتی نخریده است. برخی نیز از خرید هر چیز پلاستیکی خودداری می‌کنند.

وزن کل پلاستیک موجود در اقیانوس‌های جهان را تخمین زدند: حدود ۲۵۰ هزار تن.

ابعاد و مقیاس این بحران به حدی است که تلاش‌هایی نظیر تلاش خانواده من در کاهش میزان تولید زیاله - به‌ویژه پلاستیک - در جهان مسخره به نظر می‌رسد. آژانس حفاظت محیط زیست ایالات متحده آمریکا تخمین زد که آمریکایی‌ها در سال ۲۰۲۱ حدود ۵۱ میلیون تن پلاستیک و حدود ۱۴۰ کیلوگرم به ازای هر نفر بیرون ریخته‌اند. با این آمار و ارقام، انرژی و نگرانی‌ای که در سال‌های کم‌خرید صرف کرده بودم، پوچ به نظر می‌رسید.

اریکسن بر این باور است که مسئولیت اصلی حل بحران زیست‌محیطی با کسب‌وکارها و دولت‌هاست. کسانی که مواد و مصالح را تولید می‌کنند، و کسانی که مسئول نظارت بر آن هستند، می‌توانند در مقیاس لازم تغییر واقعی ایجاد کنند. اریکسن معتقد است که راهبرد کلی باید شامل حرکت از «اقتصاد خطی» به «اقتصاد چرخشی» باشد. اقتصاد چرخشی یا اقتصاد دورانی (Circular Economy) نظامی اقتصادی است که هدف آن به‌حداقل رساندن پسماندها و بیشترین استفاده از منابع است. همانطور که در سال ۲۰۱۷ نوشت، این تغییری است از اقتصاد یکبار مصرف و دورریختنی به مدلی با سیستم‌های طراحی و بازیابی و تولید مجددی که مواد مصنوعی مانند پلاستیک را در یک حلقه بسته نگه می‌دارد.

در هر صورت، تغییرات در سطح جمعی باید ساختاری باشد - یعنی تغییرات در سطح سیاست‌های عمومی جدید، قوانین، معاهدات بین‌المللی، زیرساخت‌ها، برنامه‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری‌ها، بدون شک ایده اقتصاد چرخشی محدودیت‌های عملی دارد و ممکن است کسب‌وکارها این ایده را به نفع خودشان مصادره کنند. اما تصور اینکه جهان می‌تواند به‌سادگی سرمایه‌داری و اقتصاد جهانی را به موقع از بین ببرد و سیاره ما را نجات دهد، ساده‌لوحانه است. این لحظه اضطراری نیاز به اقدام فوری دارد و در حال حاضر باید به معنای همکاری با شرکت‌هایی باشد که دنیای مدرن ما را می‌سازند. با این حال، این اقدامات به معنای تسلیم و رضا نیست. همه ما باید دینمان را ادا کنیم و صاحبان قدرت را وادار به ایجاد تغییرات واقعی و معنادار کنیم، درست همانطور که باید به دنبال ایجاد تغییر واقعی و معنادار در زندگی خودمان هم باشیم. ■

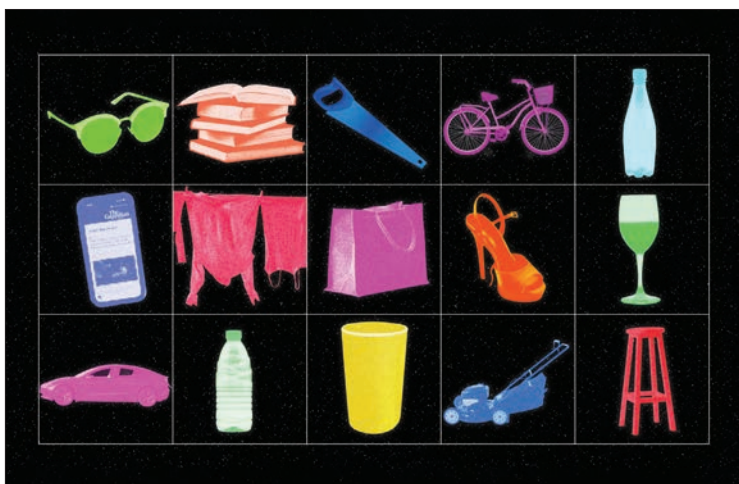
«زیاله‌دان‌های عظیم» در سراسر اقیانوس‌های جهان شناورند، بابتی نهایت تکه میکروپلاستیک که وارد شبکه‌های غذایی ما می‌شوند. حتی اگر وجوه مثبت مصرف انبوه را تا به امروز بپذیریم، باید اذعان کرد که اوضاع خوبی نیست و وضعیت ناپایدار است. با این حال، به نظر می‌رسد که قادر نیستیم جلو خودمان را بگیریم

برخی نیز بر این باورند که حمله به خود مصرف‌گرایی بعید است که به حل مشکلات مصرف بیش از حد کمکی کند. مصرف‌گرایی به نمادی از آزادی و برابری دموکراتیک تبدیل شده است - طبق این ایده در دنیای امروز، هر کسی می‌تواند هر چیزی را مصرف کند، و بنابراین به فردی که می‌خواهد تبدیل شود. درخشش نمادین مصرف را نمی‌توان به این سادگی‌ها خاموش کرد. مردم وسیله‌ها و اشیاء را دوست دارند. دانیل میلر، انسان‌شناس، رفتار خریداران را در لندن مطالعه کرد و متوجه شد که بسیاری از مردم مصرف را نه عملی لذت‌بخش که عملی برای تأمین ضروریات خود و خانواده‌شان می‌دانند. اقلامی که در خانه‌ها مصرف می‌شوند نشان از افکار و نیازهای افراد خانواده دارند.

درست است که این استدلال‌ها علیه مینی‌مالیسم - به‌ویژه نقد‌های تند و تیزشان - به نظر درست است، اما متوجه شدم که حداقل با امتحان کردن سبک زندگی مینی‌مالیستی، چقدر درباره نیازهای خانواده‌ام و نسبت‌م با وسایل و اشیاء آموختم. وقتی از همسرم درباره این انتقادات پرسیدم، او توضیح داد که تجربه خرید کمتر باعث شده است که قبل از هر خرید قدری تأمل کند و از خودش بپرسد که آیا واقعاً به این کالا نیاز دارد یا می‌توان از راه دیگری آن را به دست آورد. و باعث شده است که یاد بگیرد دلیل نمی‌شود که چون فقط شخصی توانایی خرید چیزی را دارد حتماً باید آن را بخرد. با نظرات او موافق بودم. ما هنوز به پاسخ‌های بزرگ‌تری نیاز داریم - پاسخ‌هایی که صرفاً مصرف فردی را هدف نگیرند، بلکه نشان دهند جهان بزرگ‌تر مصرف‌گرایی ما چگونه کار می‌کند.

در اوایل یک روز تابستانی در سال ۲۰۰۸، فایق مارکوس اریکسن در ۶۰ مایلی غرب لس‌آنجلس در اقیانوس آرام، داشت غرق می‌شد. تندبادهایی به سرعت پنجاه گره دریا را متلاطم کرد و کشتی او را لت و پار کرد. این نباید تعجب‌آور می‌بود. اریکسن ۸ سال پیش از آن، زمانی که از آب‌سنگ مرچانی می‌دوی واقع در اقیانوس آرام، قطعه زمینی مسطح در لبه غربی مجمع‌الجزایر هاوایی، بازدید کرده بود تحت تأثیر بحران پلاستیک قرار گرفته بود. آنجا صدها هزار لانه آلباتروس لایسان (پرنده‌ای دریایی) وجود دارد، با راهنمایی هایدی اوهمن زیست‌شناس بازدید اریکسن از این منطقه روی مقدار پلاستیکی متمرکز بود که پرنده‌گان به جای غذا می‌خورند. آلباتروس مادر از انبوه پلاستیکی که جزیره و آب‌های آن را پر کرده است - نظیر مسواک، ظروف، سیم، فنک سیگار - به جوجه‌هاشان غذا می‌دهند که حس سیری کاذب ایجاد می‌کند. هرچند اکثر این پرنده‌گان می‌میرند و لاشه پوسیده آن‌ها از هم می‌پاشد و باز می‌شود و شکم‌های پر از پلاستیکشان نمایان می‌شود.

البته اریکسن مرد عمل است. او در سال ۲۰۰۳ حدود ۲ هزار مایل را در می‌سی‌سی‌پی با قایقی ساخته‌شده از ۲۳۲ بطری پلاستیکی دو لیتری پارو زد تا توجه عموم را به آلودگی آبراه جلب کند. بعد از آن بود که اریکسن خواست ببیند تمام پلاستیک‌های رودخانه‌های آمریکای شمالی از کجا سر می‌آورند. او به «زیاله‌دان بزرگ اقیانوس آرام» - مجموعه‌ای از زیاله‌های انسانی در ابعادی بزرگ‌تر از مساحت کشور پرو که در یک جریان دایره‌ای اقیانوسی به دام افتاده‌اند - سفر کرد، با راهنمایی ناخدا چارلی مور که کاشف این منطقه است. اریکسن متوجه شد که آنجا بیش از آنکه یک زیاله‌دان باشد سوپ غلیظی است از پلاستیک‌های تکه‌تکه‌شده. او متوجه شد که پاک‌سازی قطعات کوچک پلاستیکی که در حیات دریایی نفوذ کرده‌اند تقریباً غیرممکن است. اریکسن در سال ۲۰۱۴ پس از ۲۴ سفر به همراه گروهی از دانشمندان



# مسئول حل بحران تغییر اقلیم چه کسانی خواهند بود؟

مدیر یک شرکت نفتی عرب بر صندلی ریاست کنفرانس تغییرات اقلیمی ۲۰۲۳



جاستین ورنلد

گزارشگر ارشد حوزه خاورمیانه

منبع: تایم

چرا باید خواند:

تغییر اقلیم موضوعی

جدی است که همه

کشورهای جهان

زاتحت تاثیر قرار

می دهد. ایران نیز از

این اثرگذاری پری

نیست.

عین حال می گوید جهان آماده نیست به طور کامل از خیر نفت و گاز بگذارد. او می گوید: «باید واقعیت را بپذیریم. نمی توانیم قبل از ساختن یک سیستم انرژی جدید، جهان را از سیستم انرژی فعلی جدا کنیم». رئیس «COP» در اکثر سال ها تا حد زیادی نقش کارگذار یا مأمور اجرایی را داشت و به کشورهای عضو سفر می کرد تا زمینه های مشترکی در مناطق بی ثبات از نظر سیاست اقلیم پیدا کند. اما الجابر رهیافت بسیار متفاوتی در پیش گرفته است. او از شرکت های نفت و گاز دعوت کرده و راه حل های اقلیمی بخش خصوصی را در اولویت قرار داده است. از نظر الجابر، موفقیت «COP۲۸»، فارغ از تلاش های گسترده تر برای مبارزه با تغییرات اقلیم، در گرو پذیرش بخش خصوصی به تغییر شرایط بازار است. او می گوید: «تغییر پارادایمی در پیش خواهد بود. این روند سیاسی باید با سرمایه خصوصی و ذهنیت تجاری به نحو احسن کامل شود».

ما باید همزمان با مدیریت وابستگی مستمر سیستم اقتصادی مان به سوخت های فسیلی، شروع به حذف تدریجی نفت و گاز کنیم. الجابر حرف اشتباهی نمی زند که این تصمیم مستلزم واقع گرایی است. اما هیچ کس نمی داند که نسخه واقع گرایی او به کجا ختم خواهد شد. در ابوظبی ملاقاتی هم با جان کری داشتیم، وزیر خارجه سابق ایالات متحده که اکنون در مقام نماینده جو بایدن در زمینه تغییر اقلیم فعالیت می کند. او ضمن حمایت از الجابر به مشکلات هم اذعان داشت. کری می گوید: «ممکن است رهیافت او کارساز باشد ممکن است نباشد».

گروه الجابر سفری به پارک خورشیدی محمد بن راشد آل مکتوم، یکی از بزرگترین پارک های خورشیدی جهان، ترتیب داد تا فعالیت های امارات را در زمینه اقلیم به نمایش بگذارد. در طول پرواز به سوی این مزرعه خورشیدی چشمگیر، منظره ای خیره کننده می بینیم از آسمان خراش ها در بیابانی که ۶۰ سال پیش جامعه ای فقیر بود. از آنجا بر فراز خلیج فارس پرواز می کنیم که می توان برخی از سکوهای نفتی دریایی امارات را در دور دست دید، که به تولید نزدیک به ۳ میلیون بشکه نفت این کشور در روز کمک می کند.

الجابر در مرکز این اکوسیستم انرژی قرار دارد. او در ۵۰ سالگی شرکت ملی اندوک را اداره می کند، رئیس شرکت دولتی «مصدر» (فعال در زمینه انرژی) است، و اکنون پروژه های انرژی های تجدیدپذیر را در بیش از ۴۰ کشور جهان اجرا می کند. او می گوید که در سال ۲۰۱۶، چند ماه پس از امضای توافقنامه پاریس، تا حدی با هدف «محافظت از آینده» کسب و کار سوخت های فسیلی آن هم در بحبوحه گذار جهانی از مصرف سوخت های فسیلی، به سمت مدیر اندوک منصوب شد. او می گوید: «آن ها خواهان یک وقفه هوشمندانه و مترقی بودند».

اما مترقی مفهومی نسبی است. الجابر نه اندوک را متعهد به کاهش تولید نفت خود کرده است و نه مسیری برای تبدیل شدن به شرکت انرژی های تجدیدپذیر ترسیم کرده است. بلکه این شرکت بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار در پروژه های توسعه سرمایه گذاری می کند، از جمله افزایش ظرفیت تولید نفت خام خود به ۵ میلیون بشکه در روز تا سال

اگر می خواهید بدانید امارات متحده عربی چه جور جایی است، یک کاپوچینو در هتل امارات پالاس ابوظبی نوش جان کنید. یک فنجان قهوه با کیفیت، حدود ۲۵ دلار. نکته اصلی این فنجان قهوه تکه های طلایی است که روی آن پاشیده می شود. هر طرف این هتل مجلل، که از گران ترین هتل هایی است که تا به حال ساخته شده، پر زرق و برق است: سنگ مرمر از کف تا سقف، بیش از ۱۰۰۰ لوستر کریستالی، تزئینات طلایی، رستوران های ستاره دار میشلین. درست در آن طرف خیابان منبع ثروت عظیمی هست که بانی ساخت این هتل است و امارات متحده عربی را از یک منطقه متروک بیابانی تبدیل کرده است به کشوری با سرانه تولید ناخالص داخلی بالاتری از ایالات متحده: «شرکت نفت ملی ابوظبی» یا همان اندوک.

اواخر اکتبر بود که به ابوظبی سفر کردم. نه برای نوشیدن کاپوچینوهای طلایی، بلکه برای مصاحبه با سلطان احمد الجابر، وزیر کشور امارات متحده عربی، مدیر عامل شرکت ملی نفت ابوظبی، دکترای اقتصادی که مدیر انرژی های تجدیدپذیر است، و ریاست کنفرانس تغییرات اقلیم سازمان ملل را که در ماه دسامبر در دبی برگزار می شد، برعهده داشت. این کنفرانس، موسوم به کنفرانس «COP۲۸»، در حالی برگزار می شود که اجماع علمی در پایان گرم ترین سال ثبت شده خواستار کاهش مصرف سوخت های فسیلی است. آن هم در شرایطی که همچنان در صنعت سوخت های فسیلی سرمایه گذاری می شود. به گزارش «ژانس بین المللی انرژی» (IEA) فقط در سال جاری بیش از یک تریلیون دلار بودجه جدید در این صنعت سرمایه گذاری شده است الجابر، رئیس کنفرانس «COP۲۸» و مدیر یکی از بزرگترین شرکت های سوخت فسیلی جهان، وظیفه دارد این واقعیت ها را با هم تطبیق دهد. او به من می گوید: «کاهش تدریجی سوخت های فسیلی اجتنابناپذیر است. ضروری است. باید این واقعیت را بپذیریم». اما در



گروه الجابر سفری به پارک خورشیدی محمد بن راشد آل مکتوم، یکی از بزرگترین پارک‌های خورشیدی جهان، ترتیب داد تا فعالیت‌های امارات را در زمینه اقلیم به نمایش بگذارد. در طول پرواز به سوی این مزرعه خورشیدی چشمگیر، منظره‌ای خیره‌کننده می‌بینیم از آسمان خراش‌ها در بیابانی که ۶۰ سال پیش جامعه‌ای فقیر بود.

گرفته تا امور مالی خصوصی تحت فشار قرار دهد که در انرژی پاک سرمایه‌گذاری کنند.

زمانی که او در سپتامبر به مجمع عمومی سازمان ملل رفت و از شهر نیویورک بازدید کرد، از محدوده شهر منتهن بیرون آمد تا سری به بازار بورس نیویورک بزند. شیخ راشد بن سعید آل مکتوم، از بنیانگذاران امارات متحده عربی، گفته بود: «هر چیزی که برای تجار خوب است برای دبی هم خوب است». به نظر می‌رسد الجابر همین رهیافت را در زمینه اقلیم دارد. در سال گذشته، او با رؤسای شرکت‌های بزرگی چون مایک بلومبرگ و رهبران سیاسی مانند اولاف شولز صدراعظم آلمان و رهبران مذهبی نظیر پاپ فرانسیس ملاقات کرده است.

سؤال کلیدی در مورد «COP28» این است که آیا سایر بازیگران بازار نیز با الجابر همراه خواهند شد یا نه. تولیدکنندگان بزرگ نفت جهان تنها مانع توافق گسترده در «COP28» نیستند. ایالات متحده و اروپا در گذشته در برابر اقداماتی که ممکن است آن‌ها را مسئول آثار مخرب انتشار گازهای گلخانه‌ای بدانند، مقاومت کرده‌اند. هند و چین در گذشته در برابر حذف تدریجی زغال سنگ مقاومت کرده‌اند. روی کاغذ، امارات متحده عربی به لطف روابط خوبی که با تقریباً همه بازیگران دارند، موقعیت خوبی برای پر کردن برخی از این شکافها دارد. مقامات کشورهایی که آماده گفتگو هستند عمدتاً الجابر را بازیگر خوش‌نیتی می‌دانند. ماروس سفکوویچ، مسئول نظارت بر سیاست اقلیم در اتحادیه اروپا، می‌گوید: «من معتقدم که او کاملاً فردی متعهد است». تینا استگی، فرستاده جمهوری جزایر مارشال به کنفرانس اقلیم می‌گوید: «آن‌ها چالشی غیرقابل تصور در پیش دارند، اما انتظارات ما بالاست». البته این بدان معنا نیست که «COP28» موفقیت‌آمیز خواهد بود.

پس از بازگشت از ابوظبی به سؤالی فکر کردم که تقریباً برای همه کسانی که دغدغه اقلیم دارند سؤال است: «آیا ریگی به کفش الجابر است؟» با وجود همه دشواری‌های موقعیتی که در آن قرار دارد، او را فردی ثابت‌قدم دیدم. واقع‌گرایی در نظر الجابر به معنای پذیرش این نکته است که فاصله‌گیری از سوخت‌های فسیلی فقط زمانی ممکن است که اقتصاد تغییر کند. اما می‌دانیم که نفت برای او سودآور است. پس بهتر است امیدوار باشیم هر چه زودتر اقتصاد تغییر کند. ■

۲۰۳۰. کسری از این پول، یعنی ۱۵ میلیارد دلار، به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای اختصاص می‌یابد، گازهایی که حاصل استخراج نفت است. گفته می‌شود این پروژه‌ها نتایج مثبتی داشته است: سکوی نفتی در دریای اکتون با برق کار می‌کنند و ابزارهای دیجیتال به ادنوک امکان می‌دهند از مناطقی که در آن‌ها انرژی هدر می‌رود نقشه‌برداری کند. و این شرکت ساخت پروژه‌های جذب کربن را با بودجه کلان آغاز کرده است. او در مقام رئیس «COP28» از دیگر شرکت‌های نفتی خواسته است تا با تعهدات مشابه شرکت ادنوک به دبی بیایند و انتشار گاز متان، این گاز گلخانه‌ای قوی، را مهار کنند و از فعالیت‌هاشان کربن‌زدایی کنند.

الجابر رهیافت خود را «واقع‌گرایانه» می‌داند. نفت تقاضای بالایی دارد و حتی در متهورانه‌ترین سناریوهای کربن‌زدایی هم نمی‌توان تا اواسط قرن حاضر عرضه نفت و گاز را متوقف کرد. او بر این باور است که بهتر است از نفت تولیدکنندگی استفاده کنیم که کمترین میزان کربن را تولید کرده باشد. این به‌ویژه در امارات و عربستان سعودی مهم است، جایی که نفت آنقدر ارزان است که احتمالاً بیش از نفت هر جای دیگری در سبد انرژی جهانی باقی خواهد ماند.

بی شک کربن‌زدایی از نفت و گاز کافی نیست و برخی بر این باورند که تأکید بر کربن‌زدایی صرفاً سرپوشی است بر آثار مخرب این صنعت. شرکت‌ها در فرایند تولید نفت و گاز ۱۵ درصد از گازهای آلاینده را در بخش انرژی تولید می‌کنند، اما مشکل اصلی محصولی است که آن‌ها می‌فروشند. در ماه سپتامبر، در ارزیابی سازمان ملل اعلام شد که «حذف تدریجی تمامی سوخت‌های فسیلی» برای دستیابی به اهداف توافق پاریس «ضروری» است.

بنابراین نقدهای بی‌امان به رهیافت الجابر، در مقام مدیر یک شرکت سوخت فسیلی، جای تعجب ندارد. بیش از ۱۰۰ عضو پارلمان اروپا و کنگره ایالات متحده در ماه مه اعلام کردند که الجابر فرایند «COP» را «شدیدا به خطر انداخته» و از او خواستند که استعفا دهد. در تابستان امسال، آل گور در یک سخنرانی تد گفت که ذی‌نفعان سوخت فسیلی «با وقاحت کنترل فرایند COP را به دست گرفته‌اند». آل گور درباره الجابر گفت: «او پسر خوبی است. پسر باهوشی است. اما تضاد منافع تضاد منافع است».

بفوق الجابر، بیاید یک دقیقه واقع‌بین شویم. آیا مدیر یک شرکت نفت و گاز از یک دولت نفتی کاندیدای ایده‌آلی برای گذار از سوخت‌های فسیلی است؟ نگرانی‌ها، بدون اغراق، موجه و منطقی است. اما اگر الجابر را صرفاً عامل شرکت‌های فعال در زمینه سوخت‌های فسیلی بدانیم، پس‌زمینه ماجرا را از دست می‌دهیم. بازارها، از زمان شیوع ویروس کرونا، ارزش سوخت‌های فسیلی را مجدداً بالا برده‌اند. جنگ در اوکراین باعث شد برخی قهرمانان نجات اقلیم خواهان استخراج بیشتر نفت و گاز برای مبارزه با روسیه شوند. طرح جدید بایدن در زمینه اقلیم تحت عنوان «قانون کاهش تورم» راه نجاتی برای شرکت‌های نفتی فراهم می‌کند. ویکی هولوب، مدیر عامل شرکت اکسیدنتال پترولیوم در اوایل سال جاری در یک کنفرانس صنعتی گفت: «این قانون به ما مجوز می‌دهد تا ۶۰، ۷۰، ۸۰ سالی به فعالیت ادامه دهیم».

الجابر این شکاف را می‌شناسد. راهبرد او برای غلبه بر این شکاف مشخصاً بر تغییر اقتصاد نظری یا به‌اصطلاح ریاضی (شاخه‌ای از علم اقتصاد) متمرکز است که انرژی پاک را به محلی برای سرمایه‌گذاری بهتر بدل کند. او تلاش کرده است همه صنایع را از صنعت آب و برق

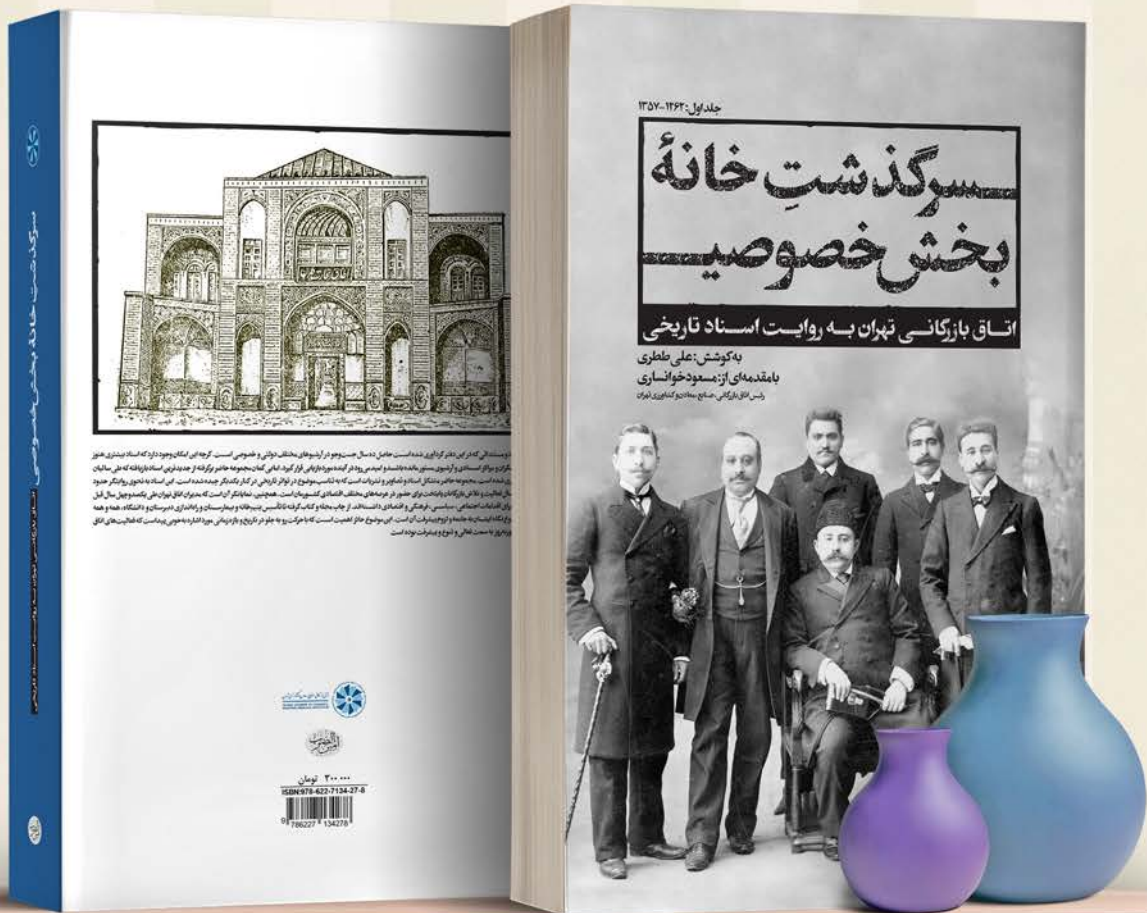


زمانی که الجابر در سپتامبر به مجمع عمومی سازمان ملل رفت و از شهر نیویورک بازدید کرد، از محدوده شهر منتهن بیرون آمد تا سری به بازار بورس نیویورک بزند. شیخ راشد بن سعید آل مکتوم، از بنیانگذاران امارات متحده عربی، گفته بود: «هر چیزی که برای تجار خوب است برای دبی هم خوب است.»



# سرگذشت خانه بخش خصوصی

اتاق بازرگانی تهران به روایت اسناد تاریخی



آینده نگار



[www.tccim.ir](http://www.tccim.ir)

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

توییتر: [twitter.com/TCCIM](https://twitter.com/TCCIM) اینستاگرام: [instagram.com/TCCIM.pr](https://www.instagram.com/TCCIM.pr)

تلگرام: [t.me/TehranChamber](https://t.me/TehranChamber) آپارات: [www.aparat.com/TCCIM](https://www.aparat.com/TCCIM)

کد پستی: ۱۵۱۱۹۱۷۶۱۳ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۸۱۸

# چهره‌ها

[ این صفحه‌ها به معرفی برندگان جوایز نوبل اقتصاد در دهه‌های گذشته می‌پردازد ]



## نخستین افتخار اقتصادی آمریکا

پل سامولسون  
نخستین اقتصاددان آمریکایی بود  
که جایزه نوبل گرفت



به تازگی با فولاد و توسعه آشنا شده بود. با این حال، پل برای همیشه آن‌جا نماند. سال ۱۹۲۳ به همراه خانواده به شیکاگو رفت و پیشرفت‌ش هم دقیقاً از همین شهر پرهیاهو آغاز شد. وقتی به سن جوانی رسید، برای ادامه تحصیل به دانشگاه شیکاگو راه پیدا کرد و توانست در سال ۱۹۳۵ مدرک لیسانس هنر خود را دریافت کند. با این حال، هشت صبح روز دوم ژانویه سال ۱۹۳۲ در کلاس و مقابل سایر دانشجویان گفته بود که یک اقتصاددان به دنیا آمده است و به این ترتیب سفر او در دنیای اقتصاد از همین‌جا آغاز شد

### رشد در دوران رکود

در دهه ۳۰ میلادی یعنی در فاصله سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۹، آمریکا با مشکلات بزرگ اقتصادی روبه‌رو شده بود، همان مشکلاتی که با عنوان «رکود بزرگ» شناخته می‌شود. در آن دوره، اقتصاد این کشور رو به افول گذاشته بود. چالش‌های اقتصادی باعث شد سامولسون جوان به فکر راهکارهایی برای بهبود شرایط اقتصادی در کشورش باشد. او می‌خواست بدانند چه عواملی در اقتصاد دست به دست هم داده‌اند تا این کشور را به آن مرحله برسانند. وقتی اثرات رکود اقتصادی بر زندگی مردم را مشاهده می‌کرد، بیشتر انگیزه می‌گرفت تا این مشکلات و چالش‌های اقتصادی را حل کند و سعی می‌کرد به شکلی مصمم‌تر در این مسیر گام بردارد. در دانشگاه شیکاگو این فرصت پیش روی پل قرار گرفت تا با اندیشه‌های روز علم اقتصاد آشنا شود و به این ترتیب نگاهی به اقتصاد، وسیع‌تر و گسترده‌تر شد. فرانک نایت و جیکوب وینر از جمله اصلی‌ترین چهره‌هایی بودند که او را با اندیشه‌های اقتصادی آشنا کردند. به این ترتیب علاقه‌مندی‌های او در عالم اقتصاد شکل گرفت.

مطالعات سامولسون در دانشگاه شیکاگو پس از کسب مدرک کارشناسی به پایان رسید و پس از آن برای دریافت مدرک دکتری

«بازار سهام ۹۰ مورد از پنج رکود اقتصادی را پیش‌بینی کرده است!» این جمله‌ای است که پل سامولسون، اقتصاددان آمریکایی سال‌ها پیش به شوخی مطرح کرد. منظور سامولسون این بود که بازار سهام همیشه با نوسانات بسیاری همراه است و در نتیجه نمی‌تواند به درستی درباره وقوع بحران و رکود اقتصادی، هشدار بدهد. اگر بخواهیم به هشدارهای حاصل از بازار سهام توجه کنیم، احتمالاً همیشه احساس می‌کنیم که قرار است رکود اقتصادی رخ دهد، اما در عمل بسیار بعید است چنین اتفاقی رخ دهد. پیش‌بینی اقتصاد واقعاً امر پیچیده‌ای است که نمی‌توان آن را به شاخص‌های موجود در بازار سهام محدود کرد. این همان مسئله‌ای است که سامولسون، نوبلیست آمریکایی سعی داشت روی آن تأکید کند. با این حال، تأکید روی این مسئله تنها دستاورد زندگی پل نبود. این اقتصاددان که برای نخستین بار برای آمریکایی‌ها افتخار آفرینی کرد و دومین نوبل اقتصاد تاریخ را به خانه برد، نظریات ارزشمندی دارد که دنیای اقتصاد برای همیشه مدیون آن خواهد بود.

### آغاز سفر در دنیای اقتصاد

پل آنتونی سامولسون روز پانزدهم می ۱۹۱۵ در ایالت ایندیانا در آمریکا به دنیا آمد. او را به عنوان یکی از اثرگذارترین اقتصاددان‌های آمریکایی می‌شناسند که توانست در زمینه اقتصاد، نامش را در قلمروها به ثبت برساند. توسعه بسیاری از نظریه‌های اقتصادی، به لطف این اقتصاددان صورت گرفته است. برخی می‌گویند یکی از کسانی که اقتصاد به معنای امروزی‌اش را شکل داده، همین چهره است.

پدرش، فرانک سامولسون، داروساز بود و مانند بسیاری از چهره‌های سرشناس آمریکایی، از خانواده‌های یهودی بود که در زمان جنگ جهانی اول از لهستان به آمریکا مهاجرت کرده بودند. در آن زمان، شهر گاری مقصد نهایی این خانواده بود، شهری که

### نسیم بنایی

دبیربخش چهره‌ها

مسئله دیگری که پل سامولسون در زمینه اقتصاد نئوکلاسیکی مطرح کرد، اقتصاد خرد بود. او در واقع به نوعی، پایه‌های اقتصاد خرد را بنا نهاد. این چهره توانست در دورانی که اقتصاد کلان حرف اول را می‌زد، پای اقتصاد خرد را هم به میان آورد. به این ترتیب شاهد ترویج برخی از نخستین نظریه‌ها و مدل‌های اقتصاد خرد در این دوره هستیم

از آن‌جا که خودش هم فردی کنجکاو بود و اقتصاد را اصلی‌ترین چالش‌هایش می‌دانست، دست از این حیطه نکشید و به پیشرفت و پژوهش در آن مسیر ادامه داد. به این ترتیب مجموعه‌ای از عوامل دست به دست هم دادند تا پل به یکی از معروف‌ترین و بانفوذترین اقتصاددان‌های قرن بیستم تبدیل شود.

### نویسنده ۳۰ ساله!

یکی از معروف‌ترین آثار پل ساموئلسون، کتابی است با عنوان «علم اقتصاد: مقدمه‌ای بر تحلیل» که نخستین بار در سال ۱۹۴۸ منتشر شد و پس از آن مورد استفاده دانشجویان علم اقتصاد قرار گرفت. این کتاب، کاملاً جامع است و همه سرفصل‌ها و اصول اقتصادی را پوشش داده و به همین دلیل دانشجویان رشته اقتصاد می‌توانند برای تکمیل دانش اقتصادی خود از آن نهایت بهره را ببرند. داستان جالبی که در مورد این کتاب وجود دارد این است که ساموئلسون وقتی فقط ۳۰ سال داشت و در ابتدای مسیر جوانی‌اش بود، این کتاب را نوشت. در واقع او فردی جوان بود که خیلی زودتر از تصور پیشرفت کرده بود.

کسانی که کتاب‌های ساموئلسون را خوانده‌اند می‌گویند این چهره اقتصادی، توانایی بسیاری در ایجاد رابطه قدرتمند با مخاطبان‌ش دارد. در واقع، مخاطب کتاب‌های او، صرفاً افرادی اقتصادخوانده نیستند، بلکه هر کسی با کوچک‌ترین دانش اقتصادی، می‌تواند از این کتاب بهره‌برد و درس‌های تازه‌ای بیاموزد. این رویکرد ساموئلسون تا پایان عمرش ادامه داشت و همه کتاب‌هایش را به همین شکل به رشته تحریر درآورد. به همین دلیل، نسل‌ها بعد، هنوز می‌توانند به سادگی منظور او را از خلال کتاب‌هایش دریابند و درس بگیرند. هر چند قصه‌های زندگی او عجیب و غریب نیستند، اما توانمندی او در برقراری ارتباط از طریق متون کتاب‌هایش، همیشه عجیب و در عین حال تحسین‌برانگیز بوده است.

### مروری عمیق‌تر بر چند کتاب

اهالی اقتصاد به خوبی می‌دانند که پل ساموئلسون جزو پرکارترین نویسندگان در حوزه اقتصاد بوده و در طول فعالیت اقتصادی خود، کتاب‌های بسیاری به رشته تحریر درآورده است. در این بخش، چهار مورد از کتاب‌ها و آثار برجسته او را مرور کرده‌ایم که بیشتر در دنیای امروز شناخته می‌شود.

#### مبانی تحلیل اقتصادی (۱۹۴۷)

اگر به دنبال آشنایی با تحلیل‌های اقتصادی و همچنین شیوه‌های بهره‌گیری از ریاضیات در تحلیل‌های اقتصادی هستید، باید این کتاب را بخوانید. ساموئلسون ابزارهای ریاضیاتی را به خدمت نظریه اقتصادی درآورده و اقتصاد ریاضیاتی را پایه‌ریزی کرده است. به این ترتیب اگر به دنبال آشنایی با اقتصاد ریاضیاتی هستید و همچنین می‌خواهید با این نسل از اقتصاددان‌ها آشنا شوید، باید همین کتاب را بخوانید.

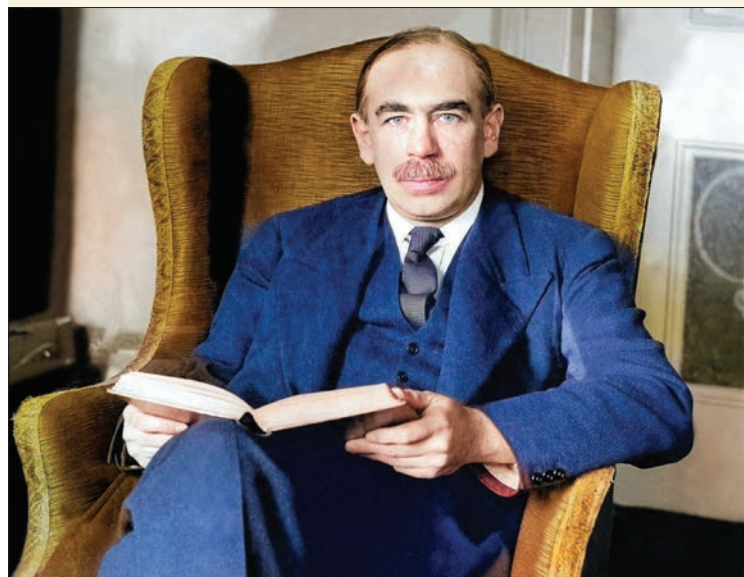
#### علم اقتصاد: مقدمه‌ای بر تحلیل (۱۹۴۸)

به محض اینکه ساموئلسون این کتابش را روانه بازار نشر کرد، استاد‌های دانشگاه از آن به عنوان کتابی استاندارد برای آموزش در کلاس‌های درس خود بهره گرفتند.

به دانشگاه هاروارد رفت. سال ۱۹۴۱ توانست از این دانشگاه معتبر، مدرک دکتری خود را در اقتصاد دریافت کند. در آن زمان، به عنوان اقتصاددانی برجسته در کنار جوزف شومپتر، یکی دیگر از اقتصاددان‌های سرشناس زمان خود در هاروارد مشغول به کار شد. فضای آکادمیکی که پیرامونش را احاطه کرده بود، باعث شد خودش را بیش از پیش در دنیای اقتصاد غرق کند و به این ترتیب انگیزه بیشتری به دست آورد تا بتواند پیشرفت کند. به مرور توانست وارد عمق نظریه‌های اقتصادی شود. رساله دکتری‌اش را به «مبانی اقتصاد تحلیلی» اختصاص داد و به این ترتیب مشخص شد که قصد دارد خودش را وقف تحلیل و پژوهش اقتصادی کند و واقعیت این است که ساموئلسون صرفاً براساس یک انتخاب شخصی و فردی وارد دنیای اقتصاد نشد. شرایط اقتصادی آن زمان در آمریکا، او را به این سمت هدایت کرد و او برای اینکه راهکاری برای حل بحران در آن زمان پیدا کند، سر از دنیای اقتصاد درآورد.

### همیشه وفادار به کینز

آن‌ها که آثار پل ساموئلسون را خوانده‌اند به خوبی می‌دانند که این چهره همیشه به یک اقتصاددان وفادار بوده است: جان مینارد کینز. همیشه مسئله هم باعث شده گاهی مورد نقد قرار بگیرد. اقتصاد کینزی که به مسئله مداخله دولت در مدیریت اقتصاد می‌پردازد و تمرکزش روی دوران بحران و رکود اقتصادی است، جزو اصلی‌ترین علاقه‌مندی‌های ساموئلسون بود. او توانست این اندیشه اقتصادی را به اندیشه‌های محبوب در میان مردم تبدیل کند. اقتصاد کینزی به عنوان یک اندیشه دست راستی، از طرف برخی منتقدان، مورد نقد قرار گرفته و در نتیجه آثار ساموئلسون هم مورد نقد واقع شده است. آن دسته از اندیشه‌هایی که بازار محور هستند یا نگاهی کلاسیک و سنتی به اقتصاد دارند، مکرراً نگاه کینزی را مورد بحث قرار داده‌اند. برخی از تحلیل‌گران می‌گویند تاکید بیش از اندازه روی نقش و مداخله دولت می‌تواند منجر به انحراف مسیر اقتصاد شود. با این حال، آثار ساموئلسون باعث شد افراد بیشتری نظریه‌ها و اندیشه‌های کینزی را بپذیرند. در حال حاضر، اقتصاددان‌ها معتقدند باید اندیشه‌ها و عوامل مختلف را با هم مورد بررسی قرار داد و نمی‌توان روی یک مورد تعصب به خرج داد.



این چهره یعنی جان مینارد کینز از محبوب‌ترین افراد نزد ساموئلسون بود. پل ساموئلسون اندیشه‌های اقتصاد کینزی را توسعه داد.



چالش‌های اقتصادی باعث شد ساموئلسون جوان به فکر راهکارهایی برای بهبود شرایط اقتصادی در کشورش باشد. او می‌خواست بدانند چه عواملی در اقتصاد دست به دست هم داده‌اند تا این کشور را به آن مرحله برسانند. وقتی اثرات رکود اقتصادی بر زندگی مردم را مشاهده می‌کرد، بیشتر انگیزه می‌گرفت تا این مشکلات و چالش‌های اقتصادی را حل کند و سعی می‌کرد به شکلی مصمم‌تر در این مسیر گام بردارد.



پل ساموئلسون مدتی به عنوان مشاور در کنار جان اف کندی، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا فعالیت می‌کرد.

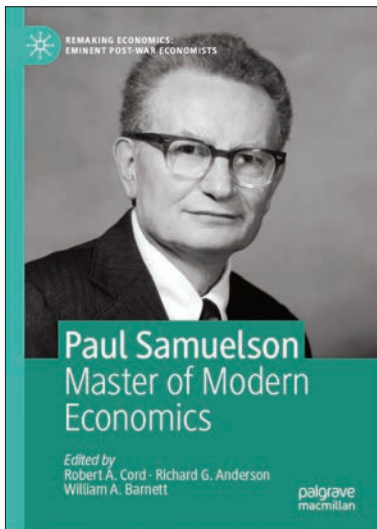
زمینه تحلیل اقتصاد کلان به شمار می‌آید. در نهایت اینکه در اقتصاد نئوکینزی، سیاست‌های دولتی برای ثبات‌بخشی به اقتصاد مطرح شد که بسیار مورد بحث بود و پای سیاست‌های پولی و مالی را به میان می‌کشید. این مسئله در عین حال می‌تواند به تعدیل نوسانات در زمینه اشتغال هم کمک کند. به این ترتیب دینامیک اقتصاد نئوکینزی به لطف این چهره شکل گرفت.

### در خدمت کندی

بسیاری از افرادی که سر از دنیای آکادمیک درمی‌آورند و در آن به چهره‌های بزرگ تبدیل می‌شوند، دیگر به سمت دولت نمی‌روند. با این حال، پل ساموئلسون یکی از همان موارد استثنایی بود که تلاش می‌کرد از طریق حضور در کنار افراد دولتی، به بهبود وضعیت مردم کمک کند. جالب اینجاست که در این زمینه به موفقیت‌های بسیاری هم دست پیدا کرد. او مدتی به عنوان مشاور اقتصادی جان اف کندی، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا مشغول به کار بود. تخصص او باعث شد توصیه‌های ارزشمندی برای ریاست‌جمهوری داشته باشد و در نتیجه آمریکا را از بسیاری از چالش‌های اقتصادی نجات دهد.

سال ۱۹۶۱ بود که پل ساموئلسون به شورای مشاوران اقتصادی راه پیدا کرد و به این ترتیب توانست توانمندی‌های اقتصادی‌اش را به خدمت دولت درآورد. نگرش کینزی او باعث شد در آن دوره، ثبات‌بخشی به اقتصاد

هم‌از همین منظر صورت بگیرد که اتفاقاً موفقیت‌آمیز بود و اقتصاد آمریکا را در مسیر پیشرفت قرار داد. تخصص او در زمینه اقتصاد کلان و سیاست‌گذاری مالی باعث شد تصمیم‌های جدی در زمینه سیاست‌های بودجه‌ای در نظر گرفته شود که در نهایت به رونق



کتاب «پل ساموئلسون: استاد اقتصاد مدرن» از طرف انتشارات مک‌میلان روانه بازار نشر شده و به این اقتصاددان پرداخته است.

هدف اصلی این کتاب، متقاعد کردن مخاطب در زمینه اقتصاد کینزی است. در واقع ساموئلسون تلاش دارد خواننده را به پذیرش اندیشه‌های کینزی وادار کند و این کار را به شکلی هنرمندانه انجام می‌دهد. نسل دانشجویان می‌توانند در سرتاسر جهان برای آشنایی با ایده‌های کینزی از این کتاب نهایت استفاده را ببرند.

### برنامه‌ریزی خطی و اقتصاد تحلیلی (۱۹۵۸)

این کتاب به کمک دو اقتصاددان دیگر نوشته شده و تلاشی است تا برنامه‌ریزی خطی برای دانشجویان معرفی شود. تمرکز این کتاب روی فنون ریاضیاتی برای افزایش بهره‌وری منابع در نظام‌های اقتصادی است. دانشجویانی که به دنبال آشنایی بیشتر با مفهوم برنامه‌ریزی خطی هستند و همچنین می‌خواهند در فرایند تصمیم‌گیری، از این تکنیک بهره بگیرند، می‌توانند از این کتاب استفاده کنند.

### یک ریاضی‌دان روزنامه می‌خواند (۱۹۹۵)

ریاضی برای پل همه‌چیز بود. او در کتابی که اواخر عمر خود نوشته، از کاربرد ریاضیات در تحلیل مفاهیم اقتصادی گفته است. این اقتصاددان توضیح داده که برای تحلیل اطلاعات موجود در رسانه‌ها و اخبار روزنامه‌ها، چطور می‌توان از ریاضیات بهره گرفت و به بهترین تعبیر و تفسیر رسید. هدف اصلی کتاب این است که نگاهی انتقادی به خواننده بیخشد. به این ترتیب آن دسته از خوانندگانی که به دنبال آشنایی با استدلال ریاضیاتی هستند و می‌خواهند درک خود را از محتوای رسانه‌ها بالا ببرند، می‌توانند نگاهی به این کتاب بیندازند.

هرچند این‌ها همه آثار پل ساموئلسون نیستند اما می‌توان آن‌ها را اصلی‌ترین آثار این اقتصاددان دانست که در حال حاضر هم در برجسته‌ترین دانشگاه‌های اقتصادی تدریس می‌شوند.

### طلایه‌دار اقتصاد نئوکینزی

علاقه پل ساموئلسون به جان مینارد کینز بر هیچ‌کس پوشیده نیست. او تا جایی در پیشبرد اندیشه‌های کینزی پیش رفت که حتی می‌گویند خودش به پایه‌ریز «اقتصاد نئوکینزی» تبدیل شد. این اندیشه عملاً از اواسط قرن بیستم ظهور پیدا کرد و به نوعی در میانه نظریه‌های اقتصاد کینزی و نظریه‌های اقتصاد نئوکلاسیک قرار گرفته است. نخستین مسئله‌ای که پل ساموئلسون در زمینه اقتصاد نئوکینزی مطرح کرد، بحث عرضه و تقاضا بود. او در واقع به اهمیت نوسانات کوتاه‌مدت در زمینه تقاضا اشاره کرد و به این ترتیب نشان داد که سیاست‌های پولی تا چه اندازه می‌توانند اهمیت داشته باشند.

مسئله دیگری که پل ساموئلسون در زمینه اقتصاد نئوکینزی مطرح کرد، اقتصاد خرد بود. او در واقع به نوعی، پایه‌های اقتصاد خرد را بنا نهاد. این چهره توانست در دورانی که اقتصاد کلان حرف اول را می‌زد، پای اقتصاد خرد را هم به میان آورد. به این ترتیب شاهد ترویج برخی از نخستین نظریه‌ها و مدل‌های اقتصاد خرد در این دوره هستیم. او در کنار اقتصاددانی به نام جان هیکس، مدل آس-آل-ام را طراحی کرد که چهارچوبی برای تعیین نرخ بهره به ما می‌دهد. در حال حاضر این مدل یکی از ابزارهای اساسی در



پل سامولسون، نوبلیست  
آمریکایی در ۹۴ سالگی از  
دنیا رفت.

اقتصادی و رشد در آمریکا ختم شد.

### نوبل برای توسعه اقتصاد

سال ۱۹۷۰ سالی بود که برای دومین بار نوبل اقتصاد به اقتصاددان‌ها تعلق می‌گرفت. در این سال برای نخستین بار یک آمریکایی یعنی پل سامولسون موفق به دریافت این جایزه پرافتخار شد. آکادمی اعلام کرد سهم و نقشی که پل در توسعه نظریه‌های مدرن اقتصادی داشته باعث شده شایسته دریافت این جایزه شود. آثار این اقتصاددان از جنبه‌های مختلف به علم اقتصاد کمک کرده و بابت همین قضیه، نوبل دریافت کرده است. عمدتاً این پنج مورد را از اصلی‌ترین دلایل دریافت جایزه نوبل اقتصاد این چهره می‌دانند:

۱ شکل‌دهی ریاضیاتی: پل سامولسون یکی از مهم‌ترین چهره‌هایی بود که در زمینه بهره‌گیری از روش‌های

ریاضیاتی در تحلیل‌های اقتصادی، ایفای نقش کرد. برخی می‌گویند نقش او در این زمینه، حیاتی بوده است. کتاب او با عنوان «مبانی اقتصاد تحلیلی» که نخستین بار در سال ۱۹۴۷ منتشر شد، به نظریه‌های اقتصادی سروشکلی تازه بخشید و آن‌ها را به نوعی نظام‌مند کرد.

۲ نفوذ در عرصه چاپی: کتاب چاپی او با عنوان «علم اقتصاد:

مقدمه‌ای بر تحلیل» نخستین بار در سال ۱۹۴۸ روانه بازار نشر شد و خیلی زود به عنوان یکی از استانداردهای کتاب‌ها برای آموزش، مورد استفاده استادان اقتصاد در کلاس‌های درسشان قرار گرفت. کتاب به شکلی شفاف و روشن همه مبانی را مطرح می‌کند و کاملاً تحت تاثیر اقتصاد کینزی است. به این ترتیب اصول اقتصادی با این کتاب شکل گرفت.

۳ اقتصاد کینزی: سامولسون یکی از معدود چهره‌هایی

است که نقش پررنگی در محبوب‌سازی و توسعه اقتصاد کینزی ایفا کرد. در این شکل از اقتصاد، تمرکز روی نقش مداخلات دولت در ثبات‌بخشی به اقتصاد قرار گرفته است. سهم او در این زمینه بسیار پررنگ است و در زمان رکود بزرگ اقتصادی، اهمیتی ویژه داشت.

۴ کالاهای عمومی: پژوهش‌های سامولسون از جمله

مقاله‌اش در سال ۱۹۵۴ در رابطه با چالش‌های مرتبط با کالاهای عمومی و مصرف جمعی بسیار مهم و موثر بوده است. همین آثار او به بهبود درک مداخله دولت و سیاست‌گذاری‌های عمومی کمک شایانی کرد.

۵ نظریه تجارت بین‌الملل: اقتصاد بین‌الملل هم تا حدود

زیادی از مدل‌هایی که او در این زمینه ارائه کرده، بهره گرفته و در این زمینه توسعه یافته است. پل کمک کرد رابطه میان الگوهای تجاری را درک کنیم و بتوانیم با در نظر گرفتن عوامل مختلف در کشورهای متفاوت از آن بهره بگیریم. به این ترتیب همه این موارد دست به دست هم دادند تا پل سامولسون به اقتصاددانی تبدیل شود که شایسته دریافت جایزه نوبل اقتصاد است و در نهایت هم این جایزه را دریافت کرد.

### سال‌های پابانی

کسانی که پل سامولسون را می‌شناسند، می‌گویند او تا آخرین لحظه عمرش در مسیر پیشرفت بود و دست از یاد گرفتن برنمی‌داشت. او جزو کسانی است که در دانشگاه ام‌آی‌تی درس می‌داد و نقش پررنگی در مطرح شدن این دانشگاه داشت. این چهره اقتصادی، تا آخرین روز عمرش سرگرم نوشتن بود و مدام پژوهش‌هایش را در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌داد تا از آن نهایت بهره را ببرند. علاوه بر آن، گاهی به دعوت‌ها پاسخ مثبت می‌داد و در مقابل مردم هم سخنرانی می‌کرد. در نهایت او در روز سیزدهم دسامبر ۲۰۰۹ در ۹۴ سالگی از دنیا رفت. هرچند سن بالایی داشت، اما تا آخرین لحظه عمرش از توانایی ذهنی بسیار بالایی برخوردار بود و همچنان در حال پیشرفت و یادگیری بود. ■

## مروری بر چند نقل قول از پل سامولسون

نخستین اقتصاددان آمریکایی که موفق به دریافت جایزه نوبل شد، گاهی سخنانی ماندگار بر زبان می‌آورد که هنوز هم در میان مردم استفاده می‌شود. برخی از این نقل قول‌ها را مرور کردیم. سرمایه‌گذاری شبیه به تماشای خشک شدن نقاشی یا تماشای رشد چمن است. اگر به دنبال هیجان هستید، ۸۰۰ دلار بردارید و مستقیم به لاس‌وگاس بروید. مهم نیست چه کسی قوانین یک کشور را می‌نویسد یا حتی معاهدات پیشرفته‌اش را طراحی می‌کند، مهم این است که من کتاب‌های اقتصادی‌اش را می‌نویسم! اقتصاد همیشه انتخاب میان گزینه‌هاست. شاید این گیلان نوشیدنی را دوست نداشته باشم، اما به هر حال آن را برمی‌دارم و می‌نوشم. پرسش‌های خوب همیشه بارزتر از پاسخ‌های آسان هستند. نظر افراد درباره مسئله‌ای که متخصص آن نیستند یا مدرکی برای حرفشان نمی‌آورند، برایم مهم نیست.

## گندآب‌ها در مزارع

چرا کشاورزان از پساب‌ها استفاده می‌کنند؟



**پژوهش: پیش‌بینی عوامل مؤثر بر قصد کشاورزان در استفاده ایمن از پساب‌های شهری در مزارع ایران**  
پژوهشگران: ساسان اسفندریاری، آرش دوراندیش، علی فیروز زارع

است و به جنبه‌های دیگری مانند مدیریت محصول، نوع آبیاری، فاصله آخرین آبیاری تا برداشت و شیوه‌های پس از برداشت محصول که در کاهش ورود آلاینده‌ها به سیستم تأثیر می‌گذارند بستگی دارد، به طوری که در ارتباط با مدیریت محصول، سازمان جهانی بهداشت برای مصرف پساب با توجه به میزان آلودگی میکروبی، گروه‌های مختلف

دوسوم از فاضلاب شهری در سراسر جهان هیچ تصفیه‌ای را قبل از استفاده دریافت نمی‌کنند. فاضلاب تصفیه‌نشده، جزئی تصفیه‌شده یا مخلوط‌شده به‌طور گسترده برای اهداف کشاورزی استفاده می‌شود. این امر

**ساعت یزدانجو**

دبیر بخش ژورنال

عمدتاً به این دلیل است که بسیاری از شهرها، به ویژه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، نمی‌توانند هزینه‌های تصفیه فاضلاب را تأمین کنند. بنابراین برخی اقدامات برای استفاده ایمن از پساب شهری در سطح مزرعه به خصوص در کشورهای در حال توسعه باید انجام شود.

استفاده از پساب شهری در کشاورزی مستلزم استفاده ایمن از آن در سطح مزرعه

تهران منتشر شده است. ایده اصلی این مطالعه تعیین عوامل مؤثر بر استفاده ایمن از پساب شهری در مزرعه توسط ۲۱۷ کشاورز ایرانی در مشهد است. در این راستا از نظریه گسترده رفتار برنامه‌ریزی‌شده با افزودن درک خطر و دانش به‌عنوان چارچوب نظری مطالعه استفاده شده است. نتایج تحلیل الگوسازی معادلات ساختاری نشان داد که سه زیر مؤلفه از الگوی اصلی نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده یعنی نگرش، هنجار ذهنی و کنترل رفتار در گذشته از نظر آماری روابط مثبت و معناداری با قصد مشارکت کشاورزان در استفاده ایمن از پساب داشتند و به طور کلی ۶۳ درصد از واریانس آن را توضیح دادند. بنابراین سیاست‌گذاران با تأکید بر دانش کشاورزان می‌توانند رفتارهای ایمن را در استفاده از پساب شهری در مزرعه را ترویج دهند.

استفاده نامحدود از پساب شهری با کیفیت محدود در مزرعه، سلامت کشاورزان و مصرف‌کنندگان محصولات آبیاری‌شده با پساب را به خطر می‌اندازد. اگر کشاورزان پارامترهای مربوط به استفاده ایمن از پساب شهری مانند الگوی کشت متناسب با کیفیت پساب، استفاده از روش آبیاری مناسب و رعایت فاصله آخرین آبیاری با پساب تا برداشت محصول را اجرا کنند، میزان آلودگی به حداقل می‌رسد. ساسان اسفندریاری، آرش دوراندیش و علی فیروز زارع مطالعه‌ای در این زمینه انجام داده‌اند که نتایجش در مقاله‌ای با عنوان «پیش‌بینی عوامل مؤثر بر قصد کشاورزان در استفاده ایمن از پساب‌های شهری در مزارع ایران» در شماره ۳ دوره ۲-۵۴ فصلنامه علمی پژوهشی «مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران» در دانشگاه

تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده تئوری اجتماعی شناختی است که رفتار ارادی افراد را توضیح می‌دهد. در این تئوری رفتار، عامل مرکزی است که توسط قصد افراد تعیین می‌شود و نیات رفتاری نیز به‌نوبه خود توسط نگرش، هنجار ذهنی و کنترل رفتار درک‌شده پیش‌بینی می‌شوند.

آبیاری سنجیده‌اند. در واقع، تعداد زیادی از مطالعات تجربی جنبه‌های رفتاری، روانی و اجتماعی کشاوران نسبت به پذیرش فاضلاب تصفیه‌شده شهری را بررسی کرده‌اند و به طور خاص اکثر آن‌ها بر مصرف‌کنندگان محصولات آبیاری‌شده با پساب متمرکز شده‌اند. از آنجایی که اطلاعات محدودی در مورد عوامل مؤثر بر رفتارهای ایمن کشاوران استفاده‌کننده از پساب در سطح مزرعه وجود دارد، این مطالعه عواملی که ممکن است بر رفتار استفاده‌کننده از پساب کشاوران تأثیر بگذارد، شناسایی می‌کند.

روان‌شناسی محیط‌زیست و تئوری‌های این حیطه، به عنوان ابزاری مناسب برای درک رفتار افراد، جایگاه خاصی در منابع تحقیقاتی دارند. تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده از مفیدترین تئوری‌های روان‌شناسی اجتماعی است که می‌تواند رفتارهای حامی محیط‌زیست را پیش‌بینی کند. این تئوری تاکنون برای طیف وسیعی از رفتارها مانند تصفیه فاضلاب و حفاظت از محیط‌زیست به کار برده شده است. بنابراین، طبق تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده، مطالعه حاضر دارای دو هدف اصلی در ارتباط با رفتار کشاوران استفاده‌کننده از پساب است. تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده، توسعه یافته تئوری عمل منطقی است. در واقع تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده تئوری اجتماعی شناختی است که رفتار ارادی افراد را توضیح می‌دهد. در این تئوری رفتار، عامل مرکزی است که توسط قصد افراد تعیین می‌شود و نیات رفتاری نیز به‌نوبه خود توسط نگرش، هنجار ذهنی و کنترل رفتار درک‌شده پیش‌بینی می‌شوند. در تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده، نگرش به صورت مستقیم نمی‌تواند رفتار را تعیین کند بلکه به صورت غیرمستقیم از طریق نیات رفتاری رفتار را تعیین می‌کند. متغیر دیگر این تئوری، هنجار ذهنی یا فشار اجتماعی درک شده برای مواجه شدن یا نشدن با رفتار است. هنجار ذهنی به فشار اجتماعی درک‌شده برای انجام دادن یا ندادن یک رفتار و انگیزه فرد، به رعایت مواردی همچون فشار اجتماعی اشاره دارد. به عبارت دیگر به ادراک افراد از این که دیگران تا چه حد رفتار او را تایید یا رد می‌کنند، توجه دارد. سومین متغیر در این تئوری، کنترل رفتاری درک شده است که توانایی درک‌شده توسط فرد برای موفقیت انجام رفتار را نشان می‌دهد. در واقع کنترل رفتار درک‌شده سهولت یا دشواری درک‌شده یک رفتار توسط فرد است. ■

#### مسئله

استفاده از فاضلاب شهری تصفیه‌شده به عنوان یکی از مؤثرترین راه‌ها برای مقابله با کمبود آب و حفاظت از محیط‌زیست در نظر گرفته می‌شود اما استفاده نادرست از فاضلاب می‌تواند خطرات بالقوه‌های برای محیط‌زیست، ایمنی محصولات کشاورزی و سلامت انسان ایجاد کند.

گیاهی مانند گیاهان خوراکی به‌صورت خام، پخته یا فرآوری‌شده و گیاهان صنعتی را پیشنهاد داده است. بنابراین انتخاب بهترین الگوی کشت متناسب با کیفیت پساب در کاهش آلودگی محصول نقش بسزایی دارد. همچنین انتخاب روش‌های آبیاری مناسب برای کاهش خطرات آلودگی مرتبط با محصولات آبیاری‌شده با پساب ضروری است. از آن‌ها می‌توان برای کنترل سطح آلودگی توسط پساب استفاده کرد. مطالعات مختلف نشان داده‌اند که توقف آبیاری با

پساب قبل از برداشت محصول، باعث از بین رفتن آلودگی می‌شود، به طوری که به ازای هر روز آبیاری نشدن، میزان آلودگی به‌طور قابل توجهی کاهش پیدا می‌کند. بنابراین این پارامترها گزینیه‌های جایگزینی برای کاهش ورود آلاینده‌ها به محصولات در سطح مزرعه

در نظر گرفته می‌شوند که می‌توانند در کشورهای در حال توسعه که پساب شهری کیفیت لازم برای استفاده نامحدود در کشاورزی را ندارد، بسیار مفید باشند. اجرای این پارامترها در سطح مزرعه به رفتار کشاوران بستگی دارد، به طوری که اگر کشاوران از پساب شهری به‌طور ایمن استفاده کنند، خطر آلودگی بسیار کاهش پیدا می‌کند. این در حالی است که رفتار کشاوران، علاوه بر موضوعات اقتصادی و اجتماعی به عوامل روان‌شناختی که می‌تواند مسئولیت کشاوران را افزایش دهد بستگی دارد زیرا این عوامل اساس تصمیم‌گیری کشاوران را تشکیل می‌دهند. از این رو، بررسی عوامل مؤثر بر رفتار ایمن کشاوران در سطح مزرعه که می‌تواند به بهبود سلامت محصولات آبیاری‌شده با پساب شهری کمک کند، ضروری است.

اکثر مطالعات در مورد استفاده از پساب شهری در کشاورزی، معطوف به مسائل پذیرش آن توسط کشاوران است و با استفاده از مشوق‌ها سعی در ترغیب کشاوران به استفاده از آن داشته‌اند و نگرش کشاوران نسبت به استفاده از فاضلاب تصفیه‌شده برای

## دستاوردهای تحقیق: نیاز به آموزش بیشتر کشاوران

محدودیت‌هایی هزینه‌های مزارع کشاوران را افزایش می‌دهد و کشاوران نمی‌توانند محصول مورد نظر خود را کشت کنند. به طور خاص، برخی از کشاوران ممکن است مایل به رعایت این مقررات نباشند. نتایج تجزیه و تحلیل الگوی معادلات ساختاری نشان داد اجزای اصلی نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده تأثیر مثبت و معنی‌داری بر قصد کشاوران در استفاده ایمن از پساب در مزرعه داشتند. همچنین نتایج نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده توسعه‌یافته نشان داد که با افزودن درک خطر و دانش، قدرت پیش‌بینی الگو در مورد قصد رفتاری کشاوران در جهت استفاده ایمن از پساب افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، علاوه بر متغیرهای نگرش، کنترل رفتار درک‌شده و هنجار ذهنی، دو متغیر درک خطر و دانش می‌توانند متغیرهای اصلی پیش‌بینی‌کننده رفتارهای مسئول در استفاده ایمن از پساب باشند. بنابراین، برجسته‌کردن درک خطر کشاوران و افزایش دانش کشاوران می‌تواند اثرات منفی استفاده از پساب در مزرعه را تا حد زیادی کاهش دهد. بر اساس یافته‌ها، با توجه به اهمیت دانش، این مطالعه پیشنهاد می‌کند که ارائه‌دهندگان دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت به کشاوران باید محتوای مربوط به استفاده ایمن از پساب را افزایش دهند. بنابراین برگزاری جلسات و دوره‌های آموزشی - ترویجی مرتبط با استفاده ایمن از پساب در مزرعه و تشویق کشاوران به شرکت در این دوره‌ها ضروری است. در ایران، چنین محتوایی را می‌توان از طریق مراکز ترویج کشاورزی که توسط دولت حمایت می‌شوند به کشاوران آموزش داد.

مطالعه حاضر از الگویی مفهومی برای بررسی عوامل مؤثر بر رفتار استفاده ایمن از پساب توسط کشاوران استفاده کرد. ابزار اصلی در این تحقیق پرسشنامه با دو قسمت کلی بود. بخش اول شامل خصوصیات کشاوران و مزارع آنها بود. بخش دوم شامل مجموعه‌ای از سوالات طراحی‌شده برای اندازه‌گیری متغیرهای اصلی و توسعه‌یافته نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده بود. این مطالعه در حوزه آبریز کشف‌رود واقع در شمال شرقی ایران، استان خراسان رضوی، شهر مشهد انجام شده است که تامین آب آن از منابع زیرزمینی و سطحی است، به طوری که منابع موجود، کفاف تامین آب شرب شهری و کشاورزی را نمی‌دهد و در سال‌های اخیر با مشکل کمبود آب مواجه شده است. شهر مشهد از نظر کشاورزی یک شهرستان مهم در استان خراسان رضوی است و بسیاری از کشاوران حوزه شهری به‌طور رسمی و غیررسمی از پساب شهری استفاده می‌کنند. این در حالی است که پساب را به علت کیفیت محدود، نمی‌توان به صورت نامحدود استفاده کرد و سازمان‌های ذیربط مانند شرکت آب منطقه‌ای خراسان رضوی و اداره کل محیط‌زیست این استان محدودیت‌هایی را برای استفاده از پساب لحاظ کرده‌اند. دولت قوانینی را برای استفاده ایمن از پساب در مزارع تعریف کرده است و با نظارت بر عملکرد کشاوران، جریمه‌هایی را برای کشاورانی که از پساب به طور ایمن استفاده نمی‌کنند در نظر گرفته است، به طوری که کشاوران موظف به رعایت الگوی کشت و روش آبیاری متناسب با کیفیت پساب هستند. با این حال، چنین

در بسیاری از کشورها برای محاسبه رفاه بازار کار از فرم جدید شاخص ترکیبی به نام شاخص رفاه بازار کار استفاده شده است. شاخص ترکیبی رفاه اقتصادی از چهار جزء جریان مصرف حقیقی، جریان ثروت حقیقی، توزیع درآمد و امنیت اقتصادی تشکیل شده است.

# اثر قیمت حامل‌های انرژی بر رفاه اقتصادی

## نظام تخصیص یارانه‌ها از مشکلات بزرگ اقتصاد کشور است

پژوهش: تحلیل اثر شدت و قیمت حامل‌های انرژی بر رفاه اقتصادی در ایران  
پژوهشگران: شهریار زروکی، یوسف محنت‌فر، فاطمه ملاتبار فیروزجایی

اگر نتوان یارانه پنهان را به یک عامل اقتصادی دیگر سرریز کرد، افزایش قیمت‌ها مستقیماً قدرت خرید مردم را کم می‌کند و موجب کاهش رفاه اقتصادی می‌شود. شوک‌های جهانی قیمت نفت خام معمولاً بدان دلیل است که نفت خام مستقیماً توسط مصرف‌کنندگان مصرف نمی‌شود و به‌دردت مستقیماً از آن به‌عنوان نهاده تولید توسط شرکت‌های خارج از صنعت پالایش استفاده می‌شود

میانگین ناچیز است و تأثیر پایداری بر تورم نخواهد داشت. با این وجود، تأثیر کوتاه‌مدت تا میان‌مدت طبق گروه درآمدی متفاوت است. اندازه و مدت زمان تأثیر تغییرات قیمت انرژی بر تورم داخلی به عوامل بنیادین اقتصادی مانند شدت انرژی، انعطاف‌پذیری دستمزدها و اعتبار بانک مرکزی بستگی دارد که می‌تواند رفاه اقتصادی جامعه را تحت تأثیر قرار دهد که این دو عامل انتهایی در تقویت تأثیر شوک‌های قیمت انرژی مهم است از طرفی شدت انرژی می‌تواند رشد اقتصادی، درآمد و رفاه اقتصادی را از طریق کانال‌های متعدد تحت تأثیر قرار دهد. اولین کانال این است که شدت انرژی به‌عنوان یک نهاده تولیدی منجر به تغییرات در درآمد خانوارها می‌شود. دومین کانال تأثیرگذار بدان صورت است که افزایش شدت انرژی منجر به افزایش نیازمندی به نیروی کار است که در نتیجه تقاضای نیروی کار،

رفاه به شرایط چندجانبه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی اطلاق می‌شود و از اهداف اصلی آن می‌توان به حفظ منزلت افراد، متعهد بودن در برابر جامعه و پیشرفت توانایی‌های تمام افراد در زمینه‌های مختلف فردی و اجتماعی اشاره کرد. در نظریه‌های اقتصادی، انحراف قیمت نسبی از مقادیر تعادلی موجب می‌شود تخصیص منابع در اقتصاد به‌درستی صورت نگیرد. در ایران قیمت حامل‌های انرژی توسط دولت تعیین می‌شود و به‌طور معمول کمتر از قیمت جهانی است. اقتصاد ایران در چهل سال اخیر همواره تورم بالایی را تجربه کرده است؛ ولی در این دوران قیمت انرژی همپای با تورم افزایش پیدا نکرده و این خود علتی بر رشد چشمگیر میزان یارانه‌های پرداختی به حامل‌های انرژی در کشور است. این عامل سبب کاهش قیمت حقیقی حامل‌های انرژی شده است و از این مجرا در افزایش قابل توجه مصرف انرژی مؤثر است. افزایش قیمت‌ها یک یارانه پنهان است که باعث کاهش رفاه می‌شود و تنها در صورتی که افزایش قیمت‌ها غیرقابل پیش‌بینی باشد، اثرات بازتوزعی دارد. اگر نتوان یارانه پنهان را به یک عامل اقتصادی دیگر سرریز کرد، افزایش قیمت‌ها مستقیماً قدرت خرید مردم را کم می‌کند و موجب کاهش رفاه اقتصادی می‌شود. شوک‌های جهانی قیمت نفت خام معمولاً بدان دلیل است که نفت خام مستقیماً توسط مصرف‌کنندگان مصرف نمی‌شود و به‌دردت مستقیماً از آن به‌عنوان نهاده تولید توسط شرکت‌های خارج از صنعت پالایش استفاده می‌شود. با این حال، ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که تأثیر تغییرات قیمت سوخت به‌طور



اول معادل ۹۷۸ رسیده است و از میانگینی معادل ۱۲۳۰۱ در کل دوره برخوردار است. نتایج حاصل از برآورد الگوی پژوهش در چهار قالب و بر اساس رهیافت خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی در بلندمدت نشان می‌دهد که قیمت حقیقی انرژی (کل و غیربرق)، شدت انرژی برق و درآمد سرانه اثر مثبت بر رفاه اقتصادی دارند؛ در حالی که قیمت حقیقی انرژی برق، شدت انرژی (کل و غیر برق) و تورم با اثری منفی بر رفاه اقتصادی همراه است. نرخ بیکاری اثر معناداری بر رفاه اقتصادی ندارد. در مجموع پیشنهاد می‌شود که دولت برای بهبود سطح رفاه جامعه سیاست‌هایی را در راستای افزایش درآمد سرانه، اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، توسعه انرژی‌های کارآمد و افزایش بهره‌وری به منظور کاهش شدت انرژی به کار گیرد.

شهریار زروکی، یوسف محنت‌فر و فاطمه ملاتبار فیروزجایی تحقیقی را در زمینه تأثیر قیمت انرژی بر رفاه اقتصادی انجام داده‌اند که حاصل آن را در مقالهای با عنوان «تحلیل اثر شدت و قیمت حامل‌های انرژی بر رفاه اقتصادی در ایران» در شماره ۷۸ فصلنامه علمی پژوهشی «مطالعات اقتصاد انرژی» منتشر کرده‌اند. هدف این پژوهش تحلیل اثر شدت حامل‌های انرژی (برق، غیر برق، کل) و قیمت آن بر رفاه اقتصادی در اقتصاد ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۰ بوده است. در این راستا نخست برای محاسبه رفاه اقتصادی از شاخص ترکیبی رفاه استفاده شده است. میانگین شاخص رفاه طی زبر دوره‌ها دارای نوسان است، به نحوی که در طول برنامه ششم به بیشترین سطح خود معادل ۱۶۳۶۳ و کمترین سطح خود در برنامه

رفاه را می توان با ابزارهای پولی مانند رضایت خاطری که مصرف کننده از پرداخت پول و کسب چیزهایی که لازم دارد کسب می کند، به دست آورد. اما ثروت هدف رفاه نیست بلکه ابزاری است برای رسیدن به منافعی که رفاه را دربردارند

دستمزدها و درآمد خانوار را افزایش می دهد. سومین کانال مهم این است که شدت انرژی، به ویژه انرژی های مدرن مانند برق و گاز طبیعی، بر آموزش و سلامت تأثیر می گذارد و در نتیجه باعث افزایش رفاه اقتصادی جامعه می شود.

امروزه از شاخص شدت انرژی به منظور واکاوی تغییر اثربخشی انرژی و کاهش وابستگی به خارج و کنترل عواقب محیط زیستی افزایش مصرف انرژی در داخل استفاده می شود. یکی از مواردی که کشورها می توانند با استفاده از آن پیش بینی و برنامه ریزی دقیق تری از مصرف انرژی از لحاظ سیاسی و اقتصادی داشته باشد، برآورد شدت انرژی است. این مسئله به ویژه در کشورهای صادرکننده نفت مانند ایران که انرژی عامل تولید و کالای مصرفی است و مهم ترین منبع تأمین درآمد ارزی دولت است، بیش از پیش حائز اهمیت است.

اقتصاد رفاه جدید با ظهور مکتب ترتیب گرایی در قرن متولد شد. اقتصاددانان و اندیشمندان بسیاری از دیرباز تاکنون در مورد مفهوم رفاه اظهار نظر کرده اند. برخی پژوهشگران رفاه را بیان دیگری از مطلوبیت تعریف کرده اند. از نظر آنان از آنجا که مفهوم رفاه در جامعه شناسی و روان شناسی نیز یک مفهوم اساسی شناخته می شود، بنابراین درک این مفهوم وظیفه مشترک علوم اجتماعی تلقی می شود. برخی از محققان معتقد بودند که رفاه را می توان با ابزارهای پولی مانند رضایت خاطری که مصرف کننده از پرداخت پول و کسب چیزهایی که لازم دارد کسب می کند، به دست آورد. اما ثروت هدف رفاه نیست بلکه ابزاری است برای رسیدن به منافعی که رفاه را دربردارند.

در بسیاری از کشورها برای محاسبه رفاه بازار کار از فرم جدید شاخص ترکیبی به نام شاخص رفاه بازار کار استفاده شده است. شاخص ترکیبی رفاه اقتصادی از چهار جزء جریان مصرف

**مسئله**  
**اقتصاد ایران در چهل سال اخیر همواره تورم بالایی را تجربه کرده ولی قیمت انرژی همپای با تورم افزایش پیدا نکرده و این خود علتی بر رشد چشمگیر میزان پارانه های پرداختی به حامل های انرژی است.**

حقیقی، جریان ثروت حقیقی، توزیع درآمد و امنیت اقتصادی تشکیل شده است. جهت محاسبه ابعاد مختلف شاخص ترکیبی وزن های خاصی در نظر گرفته می شود. در جمع پذیری اجزای چهارگانه این فرض وجود دارد که ترجیحات برای پیامدهای مختلف نسبت به اجزای جداپذیر است و وزن های تخصیص داده شده به هر جزء نسبت به جزء دیگر متفاوت است. رفاه اقتصادی جامعه به چهار بعد مصرف، ثروت، نابرابری و ناامنی اقتصادی بستگی دارد؛ چون افراد نسبت به

آینده خود مطمئن نیستند و بیمه کامل ندارند و می خواهند از وضعیت اقتصادی آینده خود اطمینان پیدا کنند. استفاده از شاخص های منفرد مانند تولید ناخالص داخلی امروزه کمتر مورد استفاده قرار می گیرد؛ زیرا نمی تواند تصویر جامعی از رفاه را نمایان کند. به همین دلیل استفاده از شاخص های ترکیبی در دهه های اخیر بیشتر مورد توجه بوده است. ایراد دیگری که بر شاخص منفرد رفاه اقتصادی (که از تولید ناخالص داخلی به عنوان معیار اندازه گیری رفاه استفاده می کند) وارد است، این موضوع است که هنگام استفاده از این شاخص، انتظار بر این خواهد بود تا کشورهایی که رشد تولید ناخالص بالاتری دارند، از رفاه بیشتری نیز برخوردار باشند؛ در حالی که این موضوع همیشه صادق نیست. ■

## دستاوردهای تحقیق: نوسان شدید میانگین قیمت حقیقی انرژی

است؛ همچنین میانگین قیمت انرژی غیر برق و کل در برنامه ششم به بیشینه خود به ترتیب معادل ۱۲۰۴ و ۱۲۴۳ و در برنامه اول به کمترین سطح خود معادل ۳۱۹ و ۳۴۰ رسیده است. میانگین درآمد سرانه در برنامه ششم نسبت به دوران قبل از انقلاب منفی ۲۸ درصد کاهش رشد داشته است و بیشترین و کمترین میزان درآمد سرانه به ترتیب معادل ۱۰۲ و ۲۲ میلیون ریال به ترتیب مربوط به سال ۱۳۵۵ و ۱۳۶۷ است. نتایج در بلندمدت نشان می دهد که شاخص قیمت حقیقی انرژی (کل و غیر برق) و شدت مصرف برق با اثر مثبت بر رفاه اقتصادی همراه است. هم چنین شدت انرژی (کل و غیر برق) و قیمت حقیقی برق و تورم اثر منفی بر رفاه اقتصادی دارد. اندازه ضرایب برآوردی شاخص قیمت حقیقی انرژی (کل و غیر برق) و شدت مصرف برق بیانگر اثرپذیری (کشش) کم میزان رفاه اقتصادی از این عامل است. درآمد سرانه ضمن اثرگذاری مثبت بر رفاه اقتصادی دارای بالاترین اثرگذاری از لحاظ اندازه می باشد. پیرو نتایج حاصله دولت باید جهت بهبود رفاه اقتصادی سیاست هایی نظیر سیاست افزایش درآمد سرانه، به کارگیری هم زمان سیاست انبساطی مالی و انقباضی پولی برای کنترل و مهار تورم، اصلاح قیمت حامل های انرژی، سرمایه گذاری در انرژی های تجدیدپذیر مانند پنل خورشیدی، جذب سرمایه گذاری خارجی، اصلاح الگوی مصرف و افزایش بهره وری برای کاهش شدت انرژی را پیش بگیرد.

پژوهش حاضر به بررسی تحلیل اثر شدت مصرف حامل های انرژی (برق، غیر برق، کل) و قیمت آن بر رفاه اقتصادی در ایران براساس رهیافت خودرگرسیون با وقفه های توزیعی در چهار قالب پرداخته است. برای این منظور ابتدا میزان رفاه اقتصادی با استفاده از شاخص ترکیبی رفاه اقتصادی محاسبه شد. نتایج محاسبه شاخص ترکیبی رفاه نشان می دهد که طی دوره مورد بررسی از میانگینی معادل ۱۳۳۰۱ برخوردار است. روند حرکتی بیانگر آن است که از برنامه دوم توسعه میانگین نسبی شاخص ترکیبی رفاه افزایشی بوده است و به بالاترین سطح خود در برنامه ششم با مقدار ۱۶۳۸۳ می رسد و کمترین آن مربوط به برنامه اول بوده و برابر با ۹۷۸ است. بررسی میانگین سایر متغیرها نشان می دهد میانگین شدت انرژی (برق، غیر برق، کل) در دوره مورد بررسی روند صعودی طی کرده است، به طوری که میانگین شدت انرژی (برق، غیر برق، کل) در برنامه ششم توسعه به بیشینه خود به ترتیب به میزان معادل ۵۲۳، ۲۱۶۸ و ۳۲۰۲۱ رسید و کمینه آن در دوران قبل از انقلاب به ترتیب معادل ۰۰۲۵، ۴۸۲ و ۵۰۸ (تن معادل نفت خام به میلیارد ریال) است. میانگین قیمت حقیقی انرژی (برق، غیر برق، کل) در دوره مورد بررسی به شدت دارای نوسان بوده است، به طوری که میانگین قیمت برق در برنامه اول، سوم و پنجم نسبت به زیر دوره قبل روند کاهشی داشته است و بیشترین میانگین قیمت برق مربوط به برنامه دوم و کمترین آن مربوط به برنامه چهارم

نتایج این تحقیق نشان داد که یک رابطه معنادار بین ارزش در معرض ریسک و بازده اضافی با در نظر گرفتن عامل احساسات وجود دارد. این رابطه به گونه‌ای است که تغییرات ارزش در معرض ریسک در دوره احساسات بالا بیشتر از دوره با احساسات کم بوده است.

## سرمایه‌گذاران بورس، در معرض احساسات

هیجانات داخلی و خارجی خرید و فروش سهام را تحت تأثیر مداوم خود قرار داده است



**پژوهش: بررسی رابطه ارزش در معرض ریسک و بازده مقطعی با در نظر گرفتن نقش احساسات سرمایه‌گذار در بورس اوراق بهادار تهران**  
**پژوهشگران: حامد باقی‌زاده، احسان طیبی ثانی، محمدابراهیم آقابابائی**

نظریه مالی سنتی قیمت سهام در بازار را نشان‌دهنده ارزش بنیادی سهام می‌داند و بر پایه فرضیه بازار کارا تأکید می‌کند سرمایه‌گذاران ریسک‌گریزند و رفتاری عقلایی دارند و تغییرات قیمت سهام به تغییرات سیستماتیک در ارزش‌های بنیادی شرکت مربوط است و رفتاری بیخردانه و احساسی سرمایه‌گذار تأثیری در بازده ندارد. اما شواهد حکایت از آن دارد که سرمایه‌گذاران برای تعیین ارزش سهام از روش‌های کمی استفاده نمی‌کنند و قضاوت‌ها مبتنی بر تصورات ذهنی، اطلاعات غیرعلمی و شرایط روانی و احساسی در بورس است.

در پارادایم جدید از علوم مالی با عنوان مالی رفتاری از عواملی همچون تورش‌های رفتاری، هیجانات و احساسات به‌عنوان عوامل سیستماتیک مؤثر بر عملکرد سرمایه‌گذار یاد می‌شود. عوامل احساسی و درونی نقش عمده‌ای در تصمیمات فردی دارند و می‌توانند در بازارهای مالی تأثیر قابل توجهی از خود بر جای بگذارند. با شکل‌گیری پارادایم مالی رفتاری، محققان عوامل معرفی کردند که تحت تأثیر آن‌ها سرمایه‌گذاران عقلایی رفتار نمی‌کنند و تصمیم‌گیری عقلانی ندارند. یکی از مهم‌ترین این عوامل احساسات سرمایه‌گذاران است. یکی از موضوعاتی که در تحقیقات مربوط به اندازه‌گیری احساسات بازار مورد بررسی قرار گرفته است، کاربردپذیری اندازه احساسات در پیش‌بینی بازده بازار است. احساسات و عواطفی که در زمان تصمیم‌گیری وجود دارند، اغلب منجر به بروز رفتاری می‌شود متفاوت از رفتارهای غالب که با سنجش هزینه‌ها و منافع بلندمدت فعالیت‌ها تعیین می‌شود. از آنجایی که تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران در بردارنده ریسک و عدم اطمینان است، تأثیر احساسات بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران منطقی به نظر می‌رسد و بازده سهام تحت تأثیر تمایلات احساسی سرمایه‌گذاران قرار

پیشنهاد می‌شود به‌منظور افزایش آگاهی سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه ایران که غالباً از قشر ناآگاه به مسایل مالی و اطلاعات سرمایه‌گذاری اولیه در بورس هستند، دوره‌های آموزشی همگانی مربوط به مدیریت ریسک تدوین شود تا سرمایه‌گذاران با افزایش بینش سرمایه‌گذاری خود، از سرمایه‌گذاری‌های هیجانی در دوره‌های احساسات بالا پرهیز کنند تا کمتر دچار آسیب‌ها و ضررهای مالی ناشی از سرمایه‌گذاری‌های غلط شوند

می‌گیرد. شواهد حکایت از آن دارد که سرمایه‌گذاران برای تعیین ارزش سهام از روش‌های کمی استفاده نمی‌کنند و قضاوت‌ها مبتنی بر تصورات ذهنی و اطلاعات غیرعلمی و شرایط روانی و احساسی در بورس است. از آنجایی که کشور ما هم تحت تأثیر وقایع گوناگون سیاسی و اقتصادی است و طبیعتاً این وقایع به‌صورت مستقیم بر احساسات سرمایه‌گذاران تأثیر می‌گذارد، باید مطالعه کرد که آیا رابطه بین ریسک و بازده تحت تأثیر این احساسات دستخوش تغییرات گسترده می‌شود و آیا صنایع مختلف و سهم‌های گوناگون تأثیر متفاوتی را از تغییرات احساسی سرمایه‌گذاران می‌پذیرند.

یکی از کاربردهای اندازه‌گیری احساسات پیش‌بینی بازده و ریسک بازار است بنابراین برای تصمیم‌گیری و کنترل ریسک و بازده، درک تأثیر احساسات سرمایه‌گذاران بر رابطه ریسک و بازده بسیار اهمیت می‌یابد. برخی محققان به بررسی رابطه ارزش در معرض ریسک و بازده مورد انتظار طی سال‌های ۱۹۵۸ تا ۲۰۰۱ در شرکتهای مالی بازار سهام پرداخته‌اند.

و ارزش در معرض ریسک در دوره احساسات بالا و پایین از دور رویکرد رگرسیونی استفاده کرده‌اند. جامعه آماری این پژوهش تعداد ۱۳۰ شرکت بازار بورس اوراق بهادار تهران است که با استفاده از روش حذف سیستماتیک انتخاب شده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین ارزش در معرض ریسک و بازدهی اضافی با در نظر گرفتن عامل احساسات وجود دارد. این رابطه به گونه‌ای است که تغییرات ارزش در معرض ریسک در دوره احساسات بالا بیشتر از دوره با احساسات کم بوده است و در دوره احساسات بالا، معاملات سرمایه‌گذاران صرفاً تحت تأثیر احساسات است و با ریسک بالایی همراه است.

در پارادایم جدید از علوم مالی با عنوان علوم رفتاری، عوامل احساسی نقش عمده‌ای در تصمیمات فردی دارند و می‌توانند در بازارهای مالی تأثیرات قابل توجهی بر جای بگذارند. در همین حوزه، حامد باقی‌زاده، احسان طیبی ثانی، محمدابراهیم آقابابائی پژوهشی انجام داده‌اند که با عنوان «بررسی رابطه ارزش در معرض ریسک و بازده مقطعی با در نظر گرفتن نقش احساسات سرمایه‌گذار در بورس اوراق بهادار تهران» در شماره ۴۲ فصلنامه علمی پژوهشی «سیاست‌های مالی و اقتصادی» به چاپ رسیده است. آن‌ها شاخص احساسات بازار سرمایه ایران را با مدل‌سازی علمی به دو دوره احساسات پایین و احساسات بالا تفکیک کرده‌اند. به‌منظور بررسی رابطه بین بازده مقطعی

عوامل احساسی و درونی نقش عمده‌ای در تصمیمات فردی دارند و می‌توانند در بازارهای مالی تأثیرات قابل توجهی از خود بر جای بگذارند. در این تحقیق به بررسی اثرگذاری سطوح مختلف احساسات سرمایه‌گذاران بر رابطه بین ارزش در معرض ریسک و بازده پرداخته شده است

آن‌ها نشان داده‌اند که اندازه سهم، نقدینگی، ارزش در معرض ریسک می‌توانند تغییرات مقطعی در بازده مورد انتظار را توضیح دهند و علاوه بر این بیان کردند که رابطه مثبت و قوی میان میانگین بازدهها و ارزش در معرض ریسک برای افق‌های سرمایه‌گذاری مختلف و سطوح مختلف اطمینان وجود دارد.

برخی دیگر از محققان به بررسی نقش گرایش‌های احساسی سرمایه‌گذاران در پیش‌بینی بازده آتی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شاخص‌های گرایش‌های احساسی سرمایه‌گذاران به‌طور معناداری هم از نظر اقتصادی و هم از نظر آماری قابلیت پیش‌بینی‌کنندگی بازده آتی و بازده مقطعی آتی را دارد. همچنین گرایش‌های احساسی از قابلیت پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی نیز برخوردار است. بنابراین گرایش‌های احساسی سرمایه‌گذاران تأثیرگذاری معناداری بر بازده و جریان‌های نقدی آتی دارد.

جامعه آماری این پژوهش شامل تمام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش روش حذفی سیستماتیک یا روش هدفمند بوده است بنابراین شرکت‌هایی که حائز شرایط باشند در نمونه انتخاب می‌شوند. در این پژوهش شرکت‌های نمونه باید از تمامی ویژگی‌ها و شرایط زیر برخوردار باشند:

۱. شرکت‌های بورسی پذیرفته‌شده در بورس باشند.
۲. تمام اطلاعات مورد نیاز پژوهش برای شرکت مورد بررسی وجود داشته باشد.
۳. در دوره مربوط به قلمرو زمانی تحقیق، نماد شرکت فعال و بیش از شش ماه توقف معاملاتی مداوم نداشته باشد.
۴. شرکت‌هایی که در طول دوره مورد بررسی، در هر سال حداقل ۱۴۰ روز معاملاتی داشته باشند.

بر اساس این غربالگری، تعداد ۱۳۰ شرکت از ۲۶ صنعت مختلف انتخاب شدند. داده‌های قیمت روزانه و ماهانه این شرکت‌ها در دوره زمانی فروردین ۱۳۹۲ تا انتهای اسفند ۱۳۹۸ به‌منظور محاسبه ریسک در معرض بازدهی جمع‌آوری شدند و علاوه بر این، به‌منظور استفاده از مدل‌های

**مسئله**  
**با شکل‌گیری پارادایم مالی رفتاری، محققان عوامل معرفی کردند که تحت تأثیر آن‌ها سرمایه‌گذاران عقلایی رفتار نمی‌کنند و تصمیم‌گیری عقلایی ندارند. یکی از مهم‌ترین این عوامل احساسات سرمایه‌گذاران است.**

قیمت‌گذاری، اطلاعات ترازنامه‌ای این شرکت‌ها از سایت‌های بورس تهران و کدال جمع‌آوری شد و برای محاسبه بازده بازار نیز داده‌های مربوط به شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ذکر شده جمع‌آوری شد.

در درجه اول در دوره زمانی مورد مطالعه، بازار بر اساس شاخص احساسات ماهانه سرمایه‌گذار به دو دوره احساسات بالای سرمایه‌گذار و احساسات پایین سرمایه‌گذار تقسیم شد. ماهی که شاخص احساسات سرمایه‌گذار از میانگین بالاتر بود دوره احساسات بالای سرمایه‌گذار و ماهی که شاخص احساسات پایین‌تر از میانگین بود، دوره احساسات پایین سرمایه‌گذار تعریف شد. به‌منظور برآورد شاخص احساسات در این پژوهش از مدل علمی بیکر و وورر استفاده شد.

عامل احساسات در بازار سرمایه ایران با متغیرهای گردش مالی، شاخص نسبت صرف سود سهام و سهم حقوق صاحبان سهام رابطه منفی دارد. در زمان خوش‌بینی بازار سرمایه‌گذاران به سودهای تقسیمی شرکت‌ها توجه کمتری نشان می‌دهند اما در زمان بدبینی توزیع سود نقدی شرکت‌ها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. افراد به طمع کسب سودهای بیشتر در زمان خوش‌بینی سعی در نگهداری سهام خود دارند اما در زمان‌های بدبینی افراد از ترس ضررهای احتمالی زیاد و با توجه به اهمیت بیشتر ضرر نسبت به سود برای سرمایه‌گذاران در بازارهای مالی، رو به فروش‌های احساسی می‌آورند و گردش معاملات را متأثر می‌کنند. بنابراین منطق رابطه منفی TURN را می‌تواند این‌گونه بیان کرد: در زمان‌هایی که بازار دچار احساسات مثبت است مدیران شرکت‌ها به‌واسطه رشد زیاد سهامشان ترجیح می‌دهند از طریق بازار بدهی بان‌خ‌هایی کمتر از درصد رشد قیمت شرکتشان تأمین مالی کنند، بنابراین این کار اثری معکوس بر شاخص احساسات دارد. ■

## دستاوردهای تحقیق: سرمایه‌گذاران ایرانی، مدام در معرض احساسات

بین سهامداران وجود ندارد و معاملات آن‌ها صرفاً تحت تأثیر احساسات بوده و با ریسک بسیار بالایی همراه است. در نتیجه پیشنهاد می‌شود که در دوره احساسات بالا تا جای ممکن از انجام معامله در بازار سرمایه ایران خودداری شود. یا در غیر این صورت، سرمایه‌گذاری با افق زمانی بلندمدت باشد تا ریسک سرمایه‌گذاری کاهش یابد و ضررهای احتمالی وارد بر سرمایه‌گذاران به حداقل میزان خود برسد. علاوه بر این، نتایج تحقیق گویا آن است که تخمین مقادیر ارزش در معرض ریسک در سطح اطمینان ۹۹ درصد نسبت به سطح اطمینان ۹۵ درصد دارای اعتبار بیشتری است. پیشنهاد می‌شود به‌منظور افزایش آگاهی سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه ایران که غالباً از قشر ناآگاه به مسایل مالی و اطلاعات سرمایه‌گذاری اولیه در بورس هستند، دوره‌های آموزشی همگانی مربوط به مدیریت ریسک تدوین شود تا سرمایه‌گذاران با افزایش بینش سرمایه‌گذاری خود، از سرمایه‌گذاری‌های هیجانی در دوره‌های احساسات بالا پرهیز کنند تا کمتر دچار آسیب‌ها و ضررهای مالی ناشی از سرمایه‌گذاری‌های غلط شوند.

در پارادایم جدید از علوم مالی با عنوان مالی رفتاری از عواملی همچون تورش‌های رفتاری، هیجانات و احساسات به‌عنوان عوامل سیستماتیک مؤثر بر عملکرد سرمایه‌گذار یاد می‌شود. عوامل احساسی و درونی نقش عمده‌ای در تصمیمات فردی دارند و می‌توانند در بازارهای مالی تأثیرات قابل توجهی از خود بر جای بگذارند. در این تحقیق به بررسی اثرگذاری سطوح مختلف احساسات سرمایه‌گذاران بر رابطه بین ارزش در معرض ریسک و بازده پرداخته شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که یک رابطه معنادار بین ارزش در معرض ریسک و بازده اضافی با در نظر گرفتن عامل احساسات وجود دارد. این رابطه به‌گونه‌ای است که تغییرات ارزش در معرض ریسک در دوره احساسات بالا بیشتر از دوره احساسات کم بوده است. نوسانات ارزش در معرض ریسک در دوره احساسات بالا به‌نوعی بوده است که حداقل و حداکثر مقادیر ارزش در معرض ریسک شرکت‌های مورد مطالعه تنها به فاصله یک دوره زمانی اتفاق افتاده است. این نتایج نشان می‌دهد که در دوره احساسات بالا، هیچ منطق سرمایه‌گذاری



# ..... کتاب ضمیمه ۱ ..... .....

## مرد شماره یک برندها

درباره غلامعلی سلیمانی

کارآفرین و صاحب هلدینگ سولیکو  
و برند محصولات لبنی کاله



## سوسن سیرجانی

دبیر بخش کتاب ضمیمه

سال ۱۳۴۸ پسر جوانی وارد اتاق رییس دانشگاه ملی شد. این پسر شهریه دانشگاه خودش را نتوانسته بود پرداخت کند و رییس برای همین او را احضار کرده بود. اما آنقدر دلیل عدم پرداخت شهریه پسر محکم بود که

رییس نتوانست مقاومت کند و دستور داد تا تحصیل او رایگان شود. سال‌ها بعد آن پسر جوان که دیگر صاحب دهه کارخانه و برند در ایران بود، هربار که خاطرات آن روز در دفتر رییس دانشگاه ملی برایش زنده می‌شد، آن اتفاق و اعتماد رییس دانشگاه به خودش را یکی از دلایلی می‌دانست که توانست استقلال مالی‌اش را حفظ کند و به دنبال کارآفرینی و خلاقیت باشد. غلامعلی سلیمانی همان پسر جوان است، که حالا ۵ دهه از شروع فعالیت اقتصادی او می‌گذرد. سلیمانی صاحب هلدینگ سولیکو، برند کاله و یکی از چهره‌های تاثیرگذار صنعت مواد غذایی در ایران است. او هر روز به توسعه کار و کارآفرینی فکر می‌کند و تنوع محصولات برایش یکی از راه‌های موفقیت محسوب می‌شود.

## تولد تا ورود به دانشگاه

سال ۱۳۲۵ در شهر آمل استان مازندران، یک وکیل دادگستری که او را با نام فامیل سلیمانی می‌شناختند، به همراه خانواده خود زندگی می‌کرد. در آن روزها تازه جنگ جهانی دوم تمام شده بود و آرامشی نسبی به کشور برگشته بود. پس از تغییراتی که در دوره پهلوی اول در ساختار قضایی ایران داده شد، و کلاز موقعیت خوبی برخوردار شدند. بنابراین این خانواده در سطح بالای جامعه آن روزهای ایران قرار می‌گرفتند. غلامعلی یکی از پسران این خانواده در همان سال پایان جنگ به دنیا آمد. پسری باهوش که از کودکی استعدادش را در حساب و کتاب و کتاب به خانواده نشان داده بود.

در دوره پهلوی اول قانونی تصویب شده بود که وکلای دادگستری معمولاً باید تحصیلات خود را در این زمینه به پایان می‌رساندند تا به آنها اجازه کار داده می‌شد و یا با مطالعه و تجربه‌ای که کسب کرده بودند باید می‌توانستند با امتیاز بالا در امتحانی که از سوی وزرات دادگستری برگزار می‌شد، پذیرفته می‌شدند. به هر حال این روند و گرایش پدر خانواده سلیمانی به کسب علم و موقعیت اجتماعی او، باعث شده بود که شرط اصلی‌اش برای فرزندان خانواده ادامه تحصیل باشد. این علاقه و اصرار تا جایی بود که اگر کسی از عدم علاقه به درس خواندن حرف می‌زد، پدر ناراحت می‌شد. او با جدیت تحصیل فرزندانش را دنبال می‌کرد و از آنها می‌خواست که حتماً به دانشگاه بروند.

سال ششم تحصیل در مدرسه، درس‌ها برای غلامعلی نوجوان سخت شده بود. فشار درس و نگرانی از ناراحتی خانواده درباره دلزدگی او از درس خواندن، باعث شد که غلامعلی تصمیمی بگیرد. او پس از اینکه به سوالات یکی از امتحان‌هایش در مدرسه براساس انتظارش نتوانست پاسخ بدهد، به خانه آمد و اعلام کرد که دیگر ادامه تحصیل نمی‌دهد. اما پدرش از او خواست ایمانش را حفظ کند و این شروع راهی بود که ایمان را به عنوان یکی از ارکان اصلی زندگی در وجود غلامعلی پایه‌گذاری کرد. ایمانی که در سال‌های کار و کارآفرینی و مشکلات زندگی به طرز معجزه‌آسایی به کمک او آمد.

زمانی که امتحانات پایان دبیرستان برگزار شد، غلامعلی که حالا ۱۸ ساله شده بود، تصمیم گرفت با خانواده خداحافظی کند و برای داشتن یک زندگی مستقل و آمادگی برای ورود به دانشگاه، به پایتخت برود. غلامعلی سلیمانی سال ۱۳۴۳ با به تهران گذاشت. او در اولین قدم در یک کلاس زبان انگلیسی ثبت‌نام کرد و در تلاش بود تا برای امتحان ورودی به دانشگاه‌ها آماده شود. بالاخره بعد از دو سال کنکور دادن، سال ۱۳۴۶ غلامعلی در رشته ریاضی دانشگاه ملی یا همان دانشگاه شهید بهشتی کنونی پذیرفته شد.

## اولین قدم‌ها در راه استقلال

دانشگاه ملی یک دانشگاه خصوصی بود و با امکانات و اساتید برتری که داشت، از دانشجویها بنا به رشته‌ای که در آن تحصیل می‌کردند، مبلغی شهریه می‌گرفت. شهریه رشته ریاضی که غلامعلی در آن درس می‌خواند سالی چهار هزار تومان بود. زمانی که غلامعلی در دانشگاه قبول شد، پدرش به او این اطمینان را داد که پرداخت شهریه او را برعهده می‌گیرد تا غلامعلی نگران هزینه تحصیل نباشد. اما در همان سال اول، با معرفی دانشگاه موقعیت شغلی برای غلامعلی سلیمانی پیدا شد که افکار او را به طور کامل تغییر داد. او اجازه پیدا کرد که در مدرسه تدریس کند و به ازای یک روز در هفته حضور در کلاس، ماهی ۳۰۰ تومان حقوق گرفت. این حقوق برای غلامعلی بسیار ارزش بود و باعث شد که او حس استقلال را تجربه کند. اولین حقوق خرج خرید کت و شلوار می‌شد و این موضوع در ذهن غلامعلی جوان ماند تا او را تشویق به پول‌درآوردن کند.

وقتی زمان ثبت‌نام در سال دوم دانشگاه فراسید، غلامعلی تصمیم گرفت از پدرش دیگر پول نگیرد و به با درآمدی هم که داشت نمی‌توانست شهریه دانشگاه را بپردازد. بنابراین سراغ یکی از دوستانش به نام نصرت رفت که در آن روزها در بانک صادرات کار می‌کرد. او درخواست وام از بانک داشت اما نصرت از بانکی که در آن مشغول بود نتوانست اقدام کند. در نهایت با مشورت و کمک‌های نصرت، غلامعلی توانست از بانک دیگری مبلغ چهار هزار تومان وام بگیرد و شهریه سال دوم دانشگاهش را پرداخت کند. او مجبور بود برای بازپرداخت وامش مبلغی از درآمد خودش را کنار بگذارد. فشار اقتصادی برایش به وجود آمده بود اما او در تلاش بود استقلالش حفظ شود و به همین دلیل با پدرش مسله وام را در میان نگذاشت. پس از مدتی که پدر ماجرای وام و تدریس‌های خصوصی غلامعلی برای بازپرداخت وام را متوجه شد، با پسرش قهر کرد. او نمی‌خواست غلامعلی به جز درس به چیز دیگری فکر کند.

بازگرداندن پول وام کار غلامعلی را سخت کرده بود. به همین دلیل سال سوم و چهارم دانشگاه دیگر وام نگرفت و نتوانست شهریه دانشگاه را پرداخت نکند. رئیس وقت دانشگاه ملی، پروفیسور پویان، زمانی که متوجه شد که او شهریه دانشگاه را پرداخت نمی‌کند، از غلامعلی خواست پیش او بیاید تا دلیل انجام این کار را توضیح دهد. وقتی رییس دانشگاه دلیل پرداخت نکردن شهریه را از غلامعلی پرسید او با اعتماد به نفس بالا گفت که نمی‌تواند شهریه را بپردازد. ظاهر غلامعلی به افرادی که پول پرداخت شهریه را نداشته باشند، نمی‌خورد. به همین دلیل پروفیسور شک کرد و از او درباره خانواده‌اش و اینکه پدر و مادر دارد یا نه پرسید. غلامعلی هم در جواب گفت: «دارم، اما خرجم را از آن‌ها جدا کرده‌ام. خودم هزینه زندگی و تحصیلم را می‌دهم. برای همین درآمدم برای اینکه هم کرایه خانه بدهم، هم مخارج زندگی و هم شهریه‌ی دانشگاه، کافی نیست.» پروفیسور پویان با شنیدن اینکه این پسر جوان اصرار دارد در هر شرایطی استقلالش را حفظ کند، حتی به قیمت اخراج از دانشگاه، دستور داد که دیگر غلامعلی شهریه ندهد. علاوه بر این هم دوباره او را برای تدریس در مدارس معرفی کرد و یک وام تحصیلی ماهیانه ۳۰۰ تومانی هم برای او در نظر گرفت. این اتفاق باعث شد با مخارجی که غلامعلی داشت، باز هم در هر ماه بتواند مبلغی را پس‌انداز کند.

## سال‌های آزمون و خطا

غلامعلی از سوی دانشگاه حمایت شده بود و همین موضوع انگیزی مضاعفی برای او ایجاد کرد که به موقع تمام واحدهای درسی را بگذراند و دوره چهارساله لیسانس ریاضی به پایان برد. او پس از خروج از دانشگاه در سال ۱۳۵۰ به سربازی رفت. اما دوران سربازی باعث نشد که او





دیگرش که به تازگی از ایران ایر استعفا داده بود. در این مراودات دو شرکت تاسیس شد. یکی شرکتی به نام Marketing Service and Research که مدیریت آن بر عهده دوست آمریکایی‌اش بود و دیگری شرکتی به نام پارسو (PARSIO) که در حوزه واردات و صادرات بود و مدیریتش را خود غلامعلی بر عهده داشت. این شرکت بیشتر روی نمایندگی‌های ماشین‌آلات و واردات مواد اولیه تمرکز داشت و در دفتری در خیابان تخت‌جمشید با طالقانی کنونی راه‌اندازی شد. در کنار این دایی غلامعلی با ۹ شرکت دیگر آمریکایی کنسرسیومی را تشکیل داده بودند و پس از راه‌اندازی آن ساختمانی دو طبقه در خیابان گاندی اجازه کردند و هر سه شرکت را به آن مکان انتقال دادند. اما همه این فعالیت‌ها در نهایت با شکست روبرو شد و غلامعلی ماند و سیصد هزار تومان بدهی. البته تنها کاری که در تمام این مسیرهای آزمون و خطا، غلامعلی هیچ‌وقت آن را ترک نکرد، تدریس خصوصی بود.

#### اولین قدم‌ها در صنایع غذایی

آن زمان شرکت پارسو که در کار واردات و صادرات انواع اقلام بود، پودر سیر هم وارد می‌کرد و به پنج شرکت تولیدکننده سوسیس و کالباس، مانند آرزومانیان، نبرد اصفهان و شرکت گیلان (میکائیلیان) می‌فروخت. شرکت گیلان با دیدن کار غلامعلی به او پیشنهاد همکاری داد. اما او می‌خواست برای خودش کار کند و تنها راهی که می‌توانست این همکاری را بپذیرد شراکت در سهام کارخانه بود. شرکت گیلان پذیرفت و بخشی از سهام کارخانه را به نام غلامعلی سلیمانی کردند و از او خواستند بخش محصولات و تامین مواد اولیه را برعهده بگیرد. برای پخش و نگهداری مواد اولیه، به یک انبار و سردخانه احتیاج بود. همین موضوع غلامعلی را به این فکر انداخت که دفتری اجاره کند.

در آن روزها خواهر غلامعلی تازه همسر خود را از دست داده بود و خانهای داشت در خیابان آذربایجان که می‌خواست به قیمت ۱۷ هزار تومان اجاره بدهد. او سراغ خواهرش

از کار دور بماند و در همان یک روز تعطیلی که در هفته داشت برای تدریس به دانشسرا می‌رفت. از سوی دیگر پس از تمام شدن ساعت اداری پادگان تدریس خصوصی انجام می‌داد و به این شکل حتی یک روز هم بدون اینکه برای پول درآوردن و استقلال خود تلاش کند، نمی‌گذراند.

یکی از دلایل اصلی که غلامعلی رشته ریاضی را در دانشگاه انتخاب کرد، این بود که از دای‌اش شنیده بود در سفارت‌خانه‌های خاورمیانه حسابدارها را کنار گذاشته‌اند و فقط با دو نفر و یک کامپیوتر کار همه‌ی آن‌ها را پیش می‌برند. در آن سال‌ها رشته کامپیوتر، یک رشته جدید و پرطرفدار در کشورهای غربی بود و همه این مسایل غلامعلی را ترغیب کرد که برای ادامه تحصیل در رشته کامپیوتر به آمریکا برود. اما همان دایی‌اش که او را با دنیای جدید آشنا کرده بود، غلامعلی را از این تصمیم منصرف کرد. دایی او فارغ‌التحصیل دانشگاه آکسفورد بود و در آن زمان در سفارت آمریکا کار می‌کرد. او می‌دانست که غلامعلی اهل کار است و اگر هم می‌خواهد ادامه تحصیل بدهد برای این است که بازگردد و وارد بازار کار شود. به همین دلیل به او گفت کاری که پس از بازگشت از آمریکا می‌خواهی شروع کنی، همین الان شروع کن. حتی خودش هم به غلامعلی جوان پیشنهاد شراکت داد تا کسب و کاری راه‌اندازی کنند. این شراکت با پیشنهاد راه‌اندازی ساندریج‌فروشی از سوی دایی غلامعلی قرار بود شکل بگیرد، اما هیچ‌وقت عملی نشد. پس از مدتی هم غلامعلی یک دفتر کوچک در پاساژ سعیدی گرفت و در آنجا شروع به فروش قطعات یدکی ماشین و ماشین‌آلات کشاورزی کرد. فعالیت در حوزه خرید و فروش لوازم یدکی باعث شد پای غلامعلی به سفارت‌خانه‌های آمریکا و انگلیس و حتی اتاق بازرگانی ژاپن باز شود. او می‌خواست کارش را گسترش بدهد و علاوه بر محصول چینی، محصولات ژاپنی و غربی هم وارد کند. اما پس از مدتی متوجه شد چندین برای این حوزه کاری ساخته نشده.

از راه‌های دیگری که غلامعلی رفت، شراکت با یک دوست آمریکایی ساکن ایران و دوست





رفت و ملک را به قیمت ۲۰ هزار تومان اجاره کرد. او برای پرداخت اجاره، به سراغ شرکت گیلان رفت و از آن‌ها دوازده چک بیست هزار تومانی گرفت و پلاک ۹۹ خیابان آذربایجان را اجاره و تبدیل به سردخانه کرد. در این مکان از کارخانه‌ی گیلان و آروماین جنس می‌گرفت، انبار می‌کرد و سپس کالاها را به مقصدهای مختلف می‌فرستاد.

### همبرگر سازی در تهران

سال ۱۳۵۷ و در بحبوحه پیروزی انقلاب، کارهای تولیدی با مشکل و بحران روبرو شده بود. اوضاع به شکلی بود که بسیاری از کارخانه‌داران یا سفارش‌هایشان را پس می‌فرستادند، یا اصرار داشتند که ماشین‌آلات خود را بفروشند. در این میان برخی از کارخانه‌دارانی که قبلاً از غلامعلی سلیمانی ماشین‌آلات خریده بودند، برای فروش دستگاه‌هایشان با او تماس می‌گرفتند. یکی از آن‌ها کسی بود که دو دستگاه همبرگرزنی داشت و می‌خواست آن‌ها را بفروشد. در آن زمان، سلیمانی همچنان با شرکت پارسیو همکاری می‌کرد. بنابراین سلیمانی تصمیم گرفت خودش دست به کار تولید بزند. با فروشنده دستگاه همبرگرزنی تماس گرفت و دو دستگاهش را به طور قسطی خرید. از سوی دیگر برای اینکه بتواند تولید همبرگر را شروع کند، دو دستگاه میکسر هم به طور قسطی از بازار تهران تهیه کرد و همه این دستگاه‌ها را به زیرزمین دفتر خیابان آذربایجان منتقل کرد.

دستگاه‌ها آماده بود و چند کارگر هم استخدام شدند اما غلامعلی نمی‌دانست چطور باید همبرگر درست کند. برای همین از دوستانش که در این زمینه فعالیت داشتند، فرمول را یاد گرفت و برای تهیه همبرگر استفاده کرد. بالاخره او موفق شد در اولین روز کاری‌اش با کمک چهار کارگر، از پنج صبح تا دوازده شب حدود ۱۹۵ همبرگر بزند. روزهای انقلاب بود و همه در حال راه کردن کارخانه‌های خود بودند، اما غلامعلی سلیمانی تازه یک کار جدید را راه‌اندازی کرده بود. به گفته خودش، در آن زمان سوسیس و کالباس کم بود و پخش‌کننده‌های دوره‌گرد زیاد بودند. آن‌ها صبح زود جلوی شرکت می‌آمدند و همبرگرهای تازه را برای فروش می‌بردند. بعد از دو ماه، تولید روزانه همبرگر را به ۴۰ هزار عدد رساند و حتی به شهرستان‌ها هم می‌فرستاد. البته اگر چه همبرگرزنی کار جدیدی بود و غلامعلی می‌توانست در آن پیشرفت کند، اما در ابتدا سود بسیار بالایی برای غلامعلی نداشت.

### راه‌اندازی چند کارخانه

غلامعلی سلیمانی در سال‌های ابتدایی انقلاب در صنایع غذایی پدیده‌ای بود. بسیاری از تولیدکننده‌ها با مشکل روبرو بودند اما او کارخانه پشت کارخانه راه‌اندازی می‌کرد. اولین کارخانه غلامعلی در شیراز افتتاح شد. اما چرا شیراز؟ ماجرا از این قرار بود که شرکت گیلان یا همان میکائیلیان که غلامعلی با آنها کار می‌کرد در جریان انقلاب دچار مشکلات مالی زیادی شده بود. آنها چند دستگاه سوسیس و کالباس‌زنی داشتند که به غلامعلی برای فروش سپرده بودند. در این میان صاحب کارخانه رامک که در زمان پخش محصولات شرکت گیلان با غلامعلی آشنا شده بود. او ملاک بود و زمین‌های متعددی داشت که می‌شد آنها را اجاره کرد. داشتن ماشین‌آلات

تولید سوسیس و کالباس و کسی که زمین به غلامعلی اجاره بدهد، وسوسه راه‌اندازی یک کارخانه را در سر سلیمانی انداخت.

او دوستی داشت که پیش از آن در کارخانه‌های پیچک و یک و یک کار می‌کرد و تجربه مدیریت واحدهای تولیدی مواد غذایی را داشت. این دوست می‌توانست گزینه خوبی برای اداره کارخانه‌ی باشد که در ذهن غلامعلی

بود. صاحب کارخانه رامک زمینی در شیراز به آنها اجاره داد و به این شکل کارخانه سوسیس و کالباس‌سازی با نام «دمس» در شیراز افتتاح شد. البته در ابتدای کار آن‌ها نمی‌دانستند چطور باید سوسیس و کالباس تولید کنند. از یکی از نزدیکان میکائیلیان خواستند به شیراز بیایند و طرز تهیه سوسیس و کالباس را به آن‌ها یاد بدهد. سلیمانی هم تمام ماشین‌آلات همبرگر سازی تهران را به شیراز منتقل کرد.

بعد از سوسیس و کالباس نوبت تن ماهی بود. از آنجایی که دفتر خیابان آذربایجان مجوز رسمی نداشت، پس از انقلاب کار هر روز غلامعلی این بود که راهی وزارت صنایع شود و تا ظهر برای گرفتن مجوز کارخانه‌ی تهران تلاش کند، اما اوضاع روزهای ابتدایی انقلاب پیچیده‌تر از این حرف‌ها بود. در رفت و آمدها به وزارت صنایع، معاون وزیر از سلیمانی خواست برای حل اختلاف وزارتخانه و شیلات ایران به جنوب کشور برود و محصولات دریایی را تولید کند. غلامعلی چندان اطلاعی درباره ماهی و محصولات دریایی نداشت اما به شرط دادن مجوز تأسیس کارخانه در بوشهر این دستور را پذیرفت.

او به شهرهای مختلف بوشهر رفت و در این سفر متوجه حجم بالای ماهی دور ریخته شده در این کارخانه‌ها شد. غلامعلی از وزارت صنایع خواست که به او مجوز وارد کردن دستگاه جداکننده‌ی گوشت از استخوان را بدهند. او خودش پیش از انقلاب نماینده‌ی واردکننده این دستگاه‌ها بود و شرکتی به نام پائولی و شرکت دیگری این دستگاه‌ها را تولید می‌کردند. بالاخره وزارت صنایع با درخواستش موافقت کردند و او خط تولید کنسرو ماهی تن در بوشهر را راه‌اندازی کرد.

پس از راه‌اندازی کارخانه بوشهر، باید غلامعلی فکری اساسی به حال کارگاه همبرگرزنی تهران می‌کرد. در وزارت صنایع متوجه شد که چون دفتر آذربایجان پیش از انقلاب به اسم کارگاه فعال بوده به آن مجوز نمی‌دهند. همین موضوع باعث شد به فکر گسترش و تغییراتی در این کارگاه بیافتد. او مجوز تأسیس شرکت فراورده‌های گوشتی تهران را از وزارت صنایع در سال ۱۳۵۹ گرفت و یک آهن‌گری در احمدآباد مستوفی را تبدیل به کارخانه سوسیس و کالباس کرد. پس از آن تمام دستگاه‌های دفتر خیابان آذربایجان به اضافه تعدادی دستگاه جدید که از آلمان خریده بود را به احمدآباد برد. اینها مقدمه راه‌اندازی برند مشهور سولیکو در سال ۱۳۶۰ بود که هنوز هم در حال تولید انبوه سوسیس، کالباس و همبرگر است.

### نوآوری در روزهای جنگ

در دهه ۶۰ و در بحبوحه جنگ ایران و عراق مشکل تأمین گوشت وجود داشت. از سوی دیگر سازمان گوشت مقدار زیادی قلوه‌گاه روی دستش مانده بود. غلامعلی سلیمانی با تجربه زیادی که در زمینه مواد غذایی داشت، راه حلی برای این کار پیدا کرد و آن ترکیب ماهی قزل‌آلا با دنبه بود. این ترکیب





گوشتی با پروتئین بالا تولید می‌کرد. این کار هم کمبودها گوشت را جبران می‌کرد و هم دور ریزها را کاهش می‌داد. اما به خاطر جدید بودن این محصول در ایران و جهان، وزارت بهداشت از دادن مجوز به این محصول خودداری می‌کرد که با تلاش‌های بسیار زیاد سلیمانی این مجوز هم کسب و تولید انبوه این ماده غذایی آغاز شد.

غلامعلی در سه شهر ایران یعنی

تهران، شیراز و بوشهر کارخانه تاسیس کرده بود. اما سراغ شهر پدری خود نرفته بود. بالاخره اما در پایان دهه ۶۰ تصمیم گرفت که بخشی از تولید سوسیس و کالباس را به آمل ببرد. در آنجا از آشنایی زیرزمینی خرید و ماشین‌آلات سوسیس و کالباس‌زنی را در آن راه انداخت. در مقابل این زیرزمین زمینی برای تأسیس کارخانه بود. زمین را هم قسطی خرید و کم‌کم کارخانه‌اش را راه‌اندازی کرد. اما کار او در آمل تمام نشده بود. رفت و آمدهای او به کارخانه محصولات پروتئینی آمل او را در معرض یک تصمیم بزرگ قرار داد.

### تولد کاله

روزی غلامعلی در سفری به آمل، پیروزی را دید که یک دبه شیر را در جوی آب خالی می‌کند. وقتی علت را پرسید زن جواب داد که شیر را برای فروش آورده بوده و چون نخریدند آن را دور می‌ریزد. این اتفاق فکری را در ذهن غلامعلی شکل داد که با شیرهایی که می‌ماند ماست درست کنند بفروشند. یکی از دوستانش در آمل باغی داشت و برادرش هم در جهاد کار می‌کرد. از آنها خواست از زنان سرپرست خانوار روستاهای اطراف شیر بخرند و آن را تبدیل به ماست کنند. غلامعلی به آنها قول داد که خودش پول حمل و نقل را تأمین می‌کند و ماست‌ها را خواهد فروخت. کار آنها از سه لیتر شیر شروع شد.

پس از مدتی مقدار زیادی شیر روی دست دوست غلامعلی ماند و او دیگر نمی‌توانست کار را ادامه دهد. به همین دلیل غلامعلی خودش ماست‌بندی را خرید و کار را دست گرفت. این ماست‌بندی کوچک که کارش را با سه لیتر شروع کرد، در واقع پایه شکل‌گیری برند کاله بود که در سال ۱۳۷۰ به طور رسمی افتتاح شد و به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های سولیکو شناخته می‌شود. نکته جالب این است که در ابتدای مسیر کاله بسیاری فکر می‌کردند غلامعلی سلیمانی از پس تأمین هزینه‌ها و اداره کاله بر نمی‌آید و به زودی آن را رها خواهد کرد. حالا پس از سه دهه فعالیت مستمر، آن سه لیتر شیر به بیش از ۳ میلیون لیتر رسیده. منبع جذب شیر هم دیگر تنها شهر آمل نیست، بلکه حالا از شانزده استان به مازندران شیر فرستاده می‌شود تا چرخ صنعت کاله بچرخد. به گزارش یورو مانیتور (Euro Monitor)، در

سال ۲۰۱۴ این برند به‌عنوان ۴۸امین شرکت در تولید مواد غذایی انتخاب شد و ۷ سال تنها صادرکننده نمونه در فرآورده‌های لبنی در ایران بوده است.

### داستان پنیر

صاحب چند برند مواد غذایی بودن، باعث شده بود که غلامعلی درباره همه اصول تغذیه‌ای ایرانی‌ها فکر کند و مطالعات گسترده‌ای درباره شیوه استفاده از لبنیات در ایران انجام دهد. پیش از دهه هشتاد مردم ایران تنها از پنیر در صبحانه استفاده می‌کردند و خیلی به ندرت و تنها زمانی که غذاهای ایتالیایی مصرف می‌کردند

سراغ استفاده پنیر در غذا می‌رفتند. غلامعلی سلیمانی که مدام به دنبال نوآوری و توسعه در کارش بود، فکر کرد که انواع دیگر پنیرها را هم باید وارد سفره مردم ایران کند. او به دنبال راهی برای شروع تولید پنیرهای دیگر بود که روزی کتابی از طرف یکی از دوستانش که ایتالیایی بود به دستش رسید. در این کتاب درباره پنیری نوشته شده بود که نامش پنیر

پروسس بود. این پنیر چهار هزار سال پیش در جنوب ایران تهیه شده و پس از آن به شمال ایران آمده بود. از آنجا هم به اروپا رفته بود.

غلامعلی فکر کرد، وقتی خاستگاه چیزی در ایران باشد مطمئناً هنوز هم نشان‌هایی از آن در روستاها و اقوام پیدا خواهد شد. پس از مطالعه و جستجو متوجه شد این همان پنیری است که وقتی او کودک بوده اهالی سنگسر آن را از پنیر خراب شده استخراج می‌کردند و به آن نام پنیر آرشه داده بودند. وقتی با متخصصان حاضر در کاله درباره این پنیر صحبت کردند آنها به غلامعلی این اخطار دادند که تولید این پنیر در کارخانه در حجم بالا نیازمند تخصص و دستگاه‌های ویژه است. اما او تصمیم داشت این محصول را به خط تولیدش اضافه کند پس با هر سختی بود قرار شد ماشین‌آلات لازم را وارد کند. اما با مشکل ارز روبرو شد.

غلامعلی سلیمانی مجبور شد با ارز آزاد ماشین‌های دست دوم بخرد و با کمک یک متخصص آلمانی بالاخره به خواسته‌اش یعنی تولید پنیر پروسس رسید. اما مازندران‌ها این پنیر را دوست نداشتند و معتقد بودند این نوع پنیر در زمان شاه مجانی بوده و انگار بسیار بی‌کیفیت است. غلامعلی تصمیم گرفت پنیر را در بندرعباس عرضه کند. پنیر را در قوطی‌های کوچک بسته‌بندی و در نماز جمعه در میان مردم پخش کرد. هر کس از پنیر خوشش می‌آمد، سراغ فروشگاه عرضه‌کننده‌اش را می‌گرفت. این شد که پنیر پروسس از بندرعباس وارد بازار شد و امروز یکی از پنیرهای پرفروش کاله است. پس از پنیر پروسس، غلامعلی به آروزهای چند ساله خود رسید و تولید انواع و اقسام پنیرهای مختلف مانند پنیر گودا، پنیر تبریز، پنیر چدار، پنیر پارمزان و... در کارخانه کاله آغاز شد

### یک تصادف و یک درد بزرگ

همیشه همه مسیر زندگی افراد به موفقیت و شادی پیروزی ختم نمی‌شود. روزهای سخت هم به سراغ آدم می‌آید. اما غلامعلی مواجهه‌اش با روزهای بسیار سخت زندگی هم مانند طرح‌هایی بود که برای توسعه کارخانه‌ها و محصولاتش داشت. سال ۱۳۸۹

وقتی غلامعلی سلیمانی برای ثبت‌نام پسرش در دانشگاه به آمریکا سفر کرد، در یک سانحه رانندگی دچار آسیب جدی شد و ۲۱ روز در کما بود. او با وزن هشتاد کیلوگرم به بیمارستان رفته بود و پس از ماه‌ها مراقبت و درمان در دو بیمارستان، با ۴۵ کیلوگرم وزن مرخص شد و به ایران برگشت. او تنها ایمان قوی‌ای را که داشت دلیل نجات از این سانحه و بازگشت به زندگی عادی می‌داند.

اما این اتفاق تنها بدشانسی غلامعلی در زندگی شخصی‌اش نبود. یک سال پس از آن حادثه رانندگی، پسر غلامعلی که در آمریکا شروع به



غلامعلی سلیمانی درباره علاقه‌ای که به تنوع محصولات دارد می‌گوید: «من از ابتدا دنبال نوآوری بودم. هر چیزی که در اروپا می‌دیدم می‌خواستم اینجا تولید کنم. بعضی از محصولاتم مورد استقبال هم واقع نمی‌شد، اما باز هم جنس نو تولید می‌کردیم. این یک خواسته است. برای من مهم نبود بازار این را قبول می‌کند یا نه. فکر می‌کنم هر کس ذائقه‌ای دارد. من عشقم تولید و نوآوری است. این تنوع تولید باعث ضرر من هم می‌شود. اما برای من مهم نیست. ضرر را هم قبول می‌کنم تا لذت ببرم.»

#### بازنشستگی در کار نیست

از اواسط دهه ۹۰ دیگر غلامعلی پس از ۴۰ سال کار، پا به ۷۰ سالگی گذاشته و زمان استراحتش رسید. اما از نظر او بازنشستگی یعنی مردن. در این میان اتفاقاتی هم افتاده که باعث شده او سعی کند همچنان با جدیت کارهای هلدینگ و کارخانه‌هایش را دنبال کند. مثلاً یکی از بدترین این اتفاقات در سال ۱۳۹۸ برای کارخانه کاله در عراق افتاد. کارخانه فراورده‌های لبنی و گوشتی کاله در شهر کر بلا دچار حریق شد و حدود ۹۰ درصد آن در آتش‌سوزی تخریب شد. اما با این وجود، هلدینگ سولیکو در بیانیه‌ای اعلام کرد: «هیچ چیز ما را متوقف نمی‌کند و ما از نو می‌سازیم.» همچنین اعلام کرد تا راه‌اندازی مجدد کارخانه لبنی کاله در عراق، تمام نیروهای شاغل در این کارخانه، در سایر بخش‌های سازمان همکاری خود را با کاله ادامه خواهند داد و هیچ‌گونه نگرانی در مورد آینده شغلی آن‌ها وجود ندارد.

غلامعلی سلیمانی در سال ۲۰۱۵ به عنوان نخبه اقتصادی در جهان اسلام و یکی از افراد تأثیرگذار در حوزه اقتصاد از سوی مرکز تجارت بین‌الملل سازمان همکاری‌های اسلامی در مالزی معرفی شد. همچنین علاوه بر افتخارات بین‌المللی فراوانی که در این سال‌ها نصیب او شده، در سال ۱۳۹۶ تندیس و نشان امین‌الضرب از طرف اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی به او اهدا شد. او حالا ۷۷ ساله است اما می‌گوید: «تا زنده‌ام باید برای این کشور کارخانه بسازم. تفریح چه در ایران، چه خارج از ایران کار است. هر روز صبح که از خواب بلند می‌شوم، با خود فکر می‌کنم امروز باید پنج مشکل را حل کنم. اگر بتوانم این کار را بکنم، شب به خودم می‌گویم خدا را شکر! ما زنده‌ایم که مشکلات و موانع را حل کنیم.»

تحصیل کرده بود، طی یک اتفاق آسیب دید و قطع نخاع شد. در ابتدا حتی پزشکان از زنده ماندن آن قطع امید کردند. غلامعلی با ایمان قوی‌اش از خدا خواست که تنها پسرش را زنده نگه‌دارد او هرطور که باشد او را نگهداری خواهد کرد. این درد بزرگ همواره با غلامعلی است اما به گفته خودش هیچ‌وقت بابت این موضوع گلایه و اعتراضی نداشته.

#### تحول در شبکه توزیع و آغاز صادرات

با افزایش تعداد کارخانه‌ها و گسترده‌شدن محصولات تغییراتی در شبکه توزیع محصولات انجام گرفت و سیستم پخش مویرگی و فروش و توزیع مستقیم به فروشگاه‌ها در اوایل دهه ۸۰ ایجاد شد و دامنه پخش محصولات به ۳۱ منطقه ایران گسترش پیدا کرد. حتی غلامعلی سلیمانی برای اینکه در پخش مواد هم به خودکفایی برسد و به برای ارائه خدمات حرفه‌ای پخش، شرکتی به نام بانی‌چاو را در سال ۱۳۹۰ تأسیس کرد. از ابتدای دهه ۹۰ و با افزایش تحریم‌ها علیه ایران، دولت اعلام کرد که توان پرداخت ارز را ندارد و تولیدکننده خودش باید ارز را تأمین کند. این موضوع فکر صادرات گسترده به کشورهای دیگر را در ذهن غلامعلی شکل داد. او در اولین صادراتش ۸ هزار دلار ارز مورد نیاز شرکت خود را تأمین کرد. این روند ادامه یافت و رشد صادرات گروه سولیکو تنها از راه محصولاتش به ۲۸۰ میلیون دلار رسید. صادرات سولیکو تا اندازه‌ای به ارزآوری برای این شرکت کمک کرد که آن‌ها توانستند علوفه و خوراک دام‌هایشان را با این ارز وارد کنند.

امروز سولیکو یکی از بزرگ‌ترین هلدینگ‌های صنعت غذاست که ۱۴ کارخانه دارد. همچنین دارای ۳۰ دفتر تجاری در کشورهای مختلف عراق، امارات متحده عربی، آمریکا، آلمان، انگلستان و روسیه است که وظیفه مهم صادرات و همچنین تأمین بخشی از زنجیره تولید محصولات را به عهده دارند. سولیکو با داشتن بیش از ۱۸۰۰ رده محصولی و نرخ روبه رشد صادرات، فروش سالیانه‌اش را به بیش از یک میلیارد دلار رسانده و همیشه یکی از سه صادرکننده برتر ایران بوده است. همچنین بیش از ۲۰ برند در حوزه‌های لبنی، غذاهای آماده، نوشیدنی و شیرینی در زیرمجموعه این هلدینگ قرار دارد.



دریافت تندیس امین‌الضرب

# ..... کتاب ضمیمه ۲ ..... .....

## تجارت خانوادگی

درباره برادران عمید حضور و فرزندان شان  
صاحبان گروه صنعتی کفش بلا و کار آفرینان امروز

امسال همه بچه ها به فروشگاههای کفش **بلا** میان  
چون **بلا** بهترین عیدی را برایشان تهیه دیده



♦♦ دستگاه مینی رولز  
ماشین خود بچه ها



کفش قشنگ و مینی رولز در فروشگاههای کفش **بلا**

## سوسن سیرجانی

دبیر بخش کتاب ضمیمه

در سال‌های ابتدایی حکومت پهلوی اول، مرد جوانی به نام حسن در یک زیرپله کوچک در بازار تهران، دکان خرازی داشت. او به سختی تلاش می‌کرد تا با این کار چرخ زندگی خود، مادر و خواهر و برادرانش را بچرخاند. اما همان دکان کوچک خرازی شروع مسیری بود که در دهه ۵۰ تمام ایران، فامیلی آن مرد جوان یعنی عمیدحضور را می‌شناختند. فرزندان حسن، پس از او راه پدر را ادامه دادند و صاحب یکی از برندهای مشهور در زمینه تولید کفش در ایران شدند. بسیاری از نسل‌های قدیمی هنوز هم خاطراتی از محصولات گروه صنعتی کفش بلا دارند. حتی ممکن است در کمدها و انباری‌های قدیمی رد و نشانی از محصولات چرمی بلا پیدا شود. اما بلا و برادران عمیدحضور سرگذشتی پر فراز و نشیب داشتند. هنوز هم در برخی خیابان‌ها مغازه‌هایی با این برند وجود دارد، اما این بلا آن بلایی نیست که روزگاری دومین توزیع‌کننده بزرگ کفش در ایران بود.

## قصه بزرگ خاندان

در سال ۱۲۹۳ در زمان سلطنت احمدشاه و شروع جنگ جهانی اول، برخی از شهرهای ایران مخصوصاً آنها که در حاشیه کویر بودند، از ناامنی زیادی رنج می‌بردند. دستگاه حاکم هم چندان به این مسایل توجه نمی‌کرد. از طرفی جنگ، اشغال، شیوع بیماری‌ها و فقر باعث شده بود زندگی در شهری مانند کاشان بسیار سخت باشد. عده زیادی از افراد پولدار و تجار شهر در این دوران از شهر کوچ کردند. در همان روزها نوجوان ۱۲ ساله‌ای بود به نام حسن که پس از مرگ پدر مجبور شده بود به سختی زندگی مادر و خواهر و برادرانش را بگرداند. حسن تصمیم گرفت به دنبال کار و وضعیت زندگی بهتر همراه خانواده‌اش به تهران مهاجرت کند.

حسن بدون هیچ سرمایه و مهارتی با به تهران گذاشت و کارش را با دوره‌گردی شروع کرد. اما به سختی کار می‌کرد و پس از مدتی خانهای برای خانواده خود اجاره کرد. او نزدیک به ۷ سال با خرده‌فروشی و دوره‌گردی مشغول بود و در این مدت توانست علاوه بر کمک به اقتصاد خانواده، مبلغی پول هم پس‌انداز کند. همین قناعت و تلاش باعث شد که در سال ۱۳۰۰ بتواند یک مغازه زیرپله در بازار بخرد و در آن کالاهای خرازی بفروشد. مغازه‌ای که هم‌جواری آن با مغازه یک پسر جوان به نام سید جلال باعث دوستی میان آن دو شد. دوستی که بعدها در مسیر کاری حسن موثر بود.

چهار سال کار در همان مغازه کوچک، برای حسن هم اعتبار به همراه داشت و هم جمع‌آوری سرمایه برای پیشرفت در کار. سال ۱۳۰۴ رضا پهلوی بر تخت سلطنت نشست و شرایط سیاسی و اجتماعی کشور تغییرات اساسی کرد. در همان سال حسن مغازه‌ای در تیمچه حاج‌الدوله بازار خرید. در خرده‌فروشی او، برخی از کالاهای خرازی جدید مثل چتر و کفش‌های خارجی توزیع می‌شد. این حجره، برای خانواده حسن بسیار بارز بود و تا سال‌ها بعد آن را به همان شکل، به عنوان نماد خانوادگی حفظ کردند.

در آن دوران، حسن را به نام فامیلی که برای خود انتخاب کرده بود یعنی عمیدحضور، در بازار تهران می‌شناختند. کم‌کم مادر هم به فکر سر و سامان دادن به زندگی پسر بزرگ خود افتاد و دختری به نام ربابه را به عقد او درآورد. آنها با هم در اولین خانهای که حسن توانست آن را بخرد در چهارراه مولوی زندگی می‌کردند. سال ۱۳۰۷ اولین فرزند حسن و ربابه به دنیا آمد و نام او را امیر گذاشتند. پس از امیر، ۴ پسر دیگر به نام‌های منصور، هاشم، محسن و اسماعیل و یک دختر به نام منیر به این خانواده اضافه شد. منیر در کودکی از دنیا رفت و خانواده عمیدحضور پس از ۱۳ سال زندگی در مولوی به خانهای بزرگ‌تر در خیابان خراسان نقل مکان کردند.

حسن عمیدحضور تا سال ۱۳۱۹ در اوج موفقیت‌های تجاری بود. پسرانش بزرگ شده بودند و همه به سن مدرسه رسیدند. او چون خودش نتوانسته بود درس بخواند تاکید داشت که بچه‌ها تحصیلات عالی داشته باشند. اما امیر پس از ورود به دبیرستان دیگر نمی‌خواست ادامه تحصیل بدهد و بالاخره با وساطت آشنایان، پدر را راضی کرد که وارد بازار شود و کار کند. سال‌های جنگ جهانی دوم اوضاع اقتصادی کشور پیچیده بود و کار حسن عمیدحضور هم مختل شده بود. اما او نتوانست چندان آرامش پس از جنگ را ببیند. چون سال ۱۳۲۷ بیمار شد و پس از مدتی هم درگذشت. او پیش از مرگش وصیت کرد که امیر وصی او است و تا رسیدن به سن قانونی همه فرزندان، کسی اجازه فروش اموال را ندارد. از طرفی هم برای همسرش سهم مساوی با فرزندان تعیین کرد و در ۴۶ سالگی خانواده را تنها گذاشت.

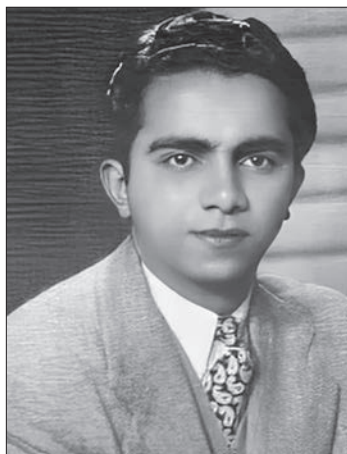
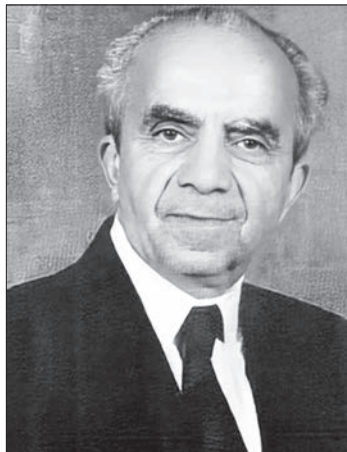
## سرنوشت برادران پس از مرگ پدر

امیر که از ۱۱ سالگی در کنار پدر روش کار در بازار را یاد گرفته بود، وقتی حسن عمیدحضور درگذشت ۲۰ سالش بود و در کنار مسئولیت زندگی با همسر جوانش، مسئولیت مادر و برادرانش هم بر عهده او افتاد. منصور برادر دوم امیر در آن زمان ۱۲ سالش بود و در کنار درس، به مغازه پدری رفت و در کنار برادر بزرگ خود مشغول کار شد. اهالی بازار فکر می‌کردند که این دو برادر نتوانند مسیر پدر را به درستی ادامه دهند. اما در همان روزها یکی از تجار ثروتمند بازار به نام اسد صادق‌زاده حریری به آنها اعتماد کرد و پیشنهاد یک همکاری به امیر عمیدحضور داد.

حریری می‌خواست کسب و کارش را توسعه دهد و پسرانش علاقه‌ای به تجارت نداشتند. قرار شد تامین سرمایه با حریری باشد و کار توسط برادران عمیدحضور انجام شود، سود هم میان آنها تقسیم شود. این شراکت شکل جدیدی از کار را به امیر و منصور آموزش داد. آنها برای توسعه تجارت خود به سفرهای خارجی می‌رفتند و با روش‌ها و محصولات جدید آشنا می‌شدند. یکی از اولین سفرهای آنها به چکسلواکی، پایتخت کفش جهان در آن زمان بود. در کنار محصولات خارجی، برادران عمیدحضور در سال‌های ابتدایی تولیدات کفش کارخانه‌های مهشید، مهندس عنایت، کفش ملی و سایر واحدهای تولیدی را می‌خریدند و در سراسر کشور توزیع می‌کردند.

در اوایل سال ۱۳۳۷، پسر سوم خانواده عمیدحضور یعنی هاشم، ۱۸ ساله شده بود و پس از گرفتن دیپلمش، تصمیم گرفت برای ادامه تحصیل به انگلستان برود. امیر به عنوان کسی که حکم پدری برای برادرانش داشت با این موضوع مخالف بود، اما منصور می‌گفت: «پدر ما، کسب و کارش زمانی آغاز شد که زادگاهش، کاشان را ترک گفت. ما هم برای رشد تجارتمان، باید عازم کشف دنیای جدید شویم.» در این میان ربابه خانم، مادر خانواده پیشنهاد داد که محسن، پسر چهارم خانواده را هم با هاشم راهی انگلیس کنند. امیر چندان با این موضوع موافق نبود اما روی حرف مادر نمی‌توانست حرف بزند. آن دو برادر عازم انگلیس شدند، اما محسن کوچک‌تر بود و خیلی زود دل‌تنگ خانواده شد. او پس از مدتی کوتاه به ایران برگشت و سعی کرد در کنار امیر و منصور به کار تجارت بپردازد.

بنابر وصیت پدر تا زمانی که همه فرزندان به سن قانونی نرسیده بودند، امیر و منصور اجازه فروش دارایی را نداشتند. اسماعیل، کوچک‌ترین فرزند خانواده متولد ۱۳۲۵ بود. این یعنی تا اوایل دهه ۴۰ امیر و منصور نمی‌توانستند تغییری در کسب و کار ایجاد کنند. از طرفی اسماعیل از همه برادران عمیدحضور باهوش‌تر و درس‌خوان‌تر بود و همیشه جزو سه نفر اول در مدرسه قرار می‌گرفت. او دیپلمش را در دبیرستان هدف که یکی از مشهورترین مدرسه‌های آن زمان تهران بود، گرفت و سپس از آن برای ادامه







تحصیل به آمریکا رفت.

### بلا متولد می شود

تا اوایل دهه چهل و زمانی که نمی شد تغییری در کسب و کار خانوادگی داد، امیر و منصور عمیدحضور تنها در بخش عمدفروشی کفش فعالیت می کردند. در آن

زمان فردی به نام رحیم ایروانی که تامین کننده اصلی کفش ایران بود، برند جدیدی را معرفی کرده بود به نام «کفش ملی». برحسب اتفاق زمانی که ایروانی به انگلیس رفته بود، هاشم عمیدحضور را می بینید و درباره کسب و کارش با او صحبت می کند. پس از این ملاقات، هاشم نامهای برای امیر و منصور می نویسد و در آن با جزئیات برنامه های ایروانی را شرح می دهد. علاوه بر آن فهرستی از ماشین آلات خریداری شده برای راه اندازی کفش ملی و روش های ورود به حوزه صنعت تولید کفش را هم توضیح می دهد. در آخر این نامه هاشم به برادرانش توصیه می کند که باید مانند ایروانی از حمایت های دولت استفاده کرد.

امیر همچنان بر توزیع اصرار داشت، اما منصور معتقد بود رونق و سودآوری در تولید است نه توزیع. به همین دلیل منصور شرکت و کارخانجات لاستیک و کفش سازی جم را که در واقع اولین شرکت صنعتی خانواده عمیدحضور محسوب می شود در اوایل سال ۱۳۴۲ ثبت کرد. اما هنوز چیزی از این ماجرا نگذشته بود که امیر از حرفش کوتاه آمد و چند ماه بعد شرکت بلا را صاحبان قبلی آن خریداری کردند. شرکت بلا سال ۱۳۴۱ توسط یک ارمنی به نام مرادیانس به ثبت رسیده بود اما وارد مرحله تولید نشده بود. برادران عمیدحضور زمین بزرگی در غرب تهران خریدند و هم قسم شدند تا در کنار هم کار کنند تا سود کارشان بیشتر باشد. کار برادران عمیدحضور در صنعت تولید کفش سخت بود، آنها خودشان را باید در مقابل کفش ملی قرار می دادند. این موضوع کار ساده ای نبود چون ایروانی شبکه گسترده ای از سیاستمداران، بانکداران و تکنوکراتها را به حامیان خود بدل کرده بود و به شدت در مقابل هر رقیب نوپایی مقاومت می کرد.

### بازگشت هاشم و اسماعیل

هاشم در سال ۱۳۴۳، پیش از دفاع از پایان نامه دوره فوق لیسانس به ایران سفر کرد. اما دیگر به انگلیس برگشت و به اصرار خانواده در ایران ماند. تحصیلات عالی او در رشته اقتصاد باعث شد در وزارت اقتصاد و دارایی مشغول به کار شود. او تا سال ۱۳۴۸ در بخش کارشناسی روابط ایران و اروپای شرقی وزارت اقتصاد فعالیت کرد. او به عنوان کارشناس و مدیر میانی در اکثر مذاکرات و انعقاد همکاری های فنی، اقتصادی و بازرگانی با اروپای شرقی و شوروی مشارکت داشت. او برای اولین بار در این دوران همراه با علینقی عالیخانی وزیر اقتصاد برای عقد قراردادهای تجاری، سفر کرد.

اسماعیل هم پس از گرفتن مدرک فوق لیسانس اقتصاد، در سال ۱۳۵۱، دکترای خود را از دانشگاه کلرمونت کالیفرنیا در همین رشته گرفت. او مدتی در صندوق بین المللی پول در آمریکا، کار کرد. اما به دعوت جمشید آموزگار وزیر دارایی و مسئول تیم مذاکرات نفتی، به عنوان مشاور نفتی پس از اتمام تحصیلش به ایران برگشت. هاشم و اسماعیل با وجود کار در بخش دولتی، به برادران خود در گروه صنعتی بلا، کمک فکری می کردند. اما این کمک فکری پس از مدتی فقط منحصر به اسماعیل شد، چون هاشم در سال ۱۳۵۶، به اصرار برادرانش از کار دولتی کناره گرفت و به گروه بلا پیوست. او نقش موثری در توسعه فعالیت گروه بلا و مخصوصاً کارخانه جم در همان یک سال مانده به انقلاب داشت.

### توسعه تجارت خانوادگی

طبق گفته برادران عمیدحضور مادر این خانواده همیشه نقطه اتصال و اتحاد آنها بوده و اصرار مادر بر این بود که با دیگران شریک نشوند. وقتی گروه بلا رشد کرد و در هر خیابان، شعبه ای از کفش بلا وجود داشت، مادر ترسیده بود و به فرزندانش هشدار می داد که آهسته تر حرکت کنند. اما گروه صنعتی بلا رشد کرد و در میانه دهه ۵۰، علاوه بر کفش، چرم، کارت و جوراب هم تولید می کرد.

محصولات کفش بلا، انواع کفش های پلاستیکی، لاستیکی، گالاش، پوتین، ورزشی، دمپایی، کفش تنیس مردانه و... بود. یکی از محصولات بلا، کتانی تخت پلاستیکی بود. پس از چند سال از مواد PVC برای تولید کفش استفاده کردند؛ چون محصول نهایی سبک و راحت از کار درمی آمد. در شش سال

اول کار یعنی تا سال ۱۳۴۷، بلا فروشگاه پخش نداشت، تا اینکه در خرداد همان سال در سرچشمه و بعدها در چهارراه گلوبندک، فروشگاه کفش بلا به بهره برداری رسید. فعالیت های اداری و بخشی از توزیع کفش را در این پاساژ انجام می دادند. شرکت بلا، بخشی از تولید را به صورت انحصاری به بنکدارهای فروخت و مقداری از آن را خودش در بازار تهران و شهرستان ها پخش می کرد. به تدریج از سال ۱۳۴۹ فروشگاهها در سطح تهران و شهرستان ها گسترش پیدا کرد. گروه بلا در سال ۱۳۵۷، دومین شرکت بزرگ تولید انواع کفش ماشینی، دارای ۱۸۹ نمایندگی فروش در سطح کشور بود، ۵۹ فروشگاه در تهران و ۱۳۰ فروشگاه در شهرستان ها

### یک گروه صنعتی

پس از توسعه صنعت کفش، عمیدحضورها به فکر شرکت در صنایع دیگر هم افتادند. این صنایع طیف گسترده ای از تولید کارتن، سرمایه گذاری در بانکها و حتی کارهای کامپیوتری را در بر می گرفت. آنها تولید جوراب گیلان را در سال ۱۳۵۰ شروع کردند و در کارهای کامپیوتری در شرکتی به نام دیتا سنتر در سال ۱۳۵۳ وارد شدند. «کارتن کار» هم یکی از کارخانه های مهمی بود که زیر نظر گروه صنعتی بلا کار می کرد.

در سال ۱۳۵۲، برخی تجار مذهبی که خانواده عمیدحضور هم در میان آنها بود، برای گرفتن انحصار کارتن سازی در ایران از دست یهودیان، تصمیم گرفتند کارخانه ای در شهر قم راه اندازی کنند. در تیر ۱۳۵۵، هاشم و اسماعیل عمیدحضور که از سهامداران اصلی این شرکت بودند پیشنهاد دادند سرمایه شرکت افزایش یابد. در اواسط دهه ۵۰، گروه صنعتی بلا، صاحب ۴۲۵۳۲ سهم از ۵۰ هزار سهم شرکت کارتن کار بود. این افزایش سرمایه، در سال ۱۳۶۶ موجب شد سهامداران سابق شرکت، علیه عمیدحضورها شکایت کنند؛ مبنی بر اینکه افزایش صوری سرمایه از ۲۲۰ میلیون ریال به ۵۰۰ میلیون ریال در غیاب و بدون اجازه سایر سهامداران بوده است. بعد از این ادعا، مبلغ افزایش سرمایه به صاحبان سهام مسترد شد. سرانجام پس از حدود هشت سال، در سال ۱۳۷۳، شعبه یک دادگاه حقوقی، حکم کرد که برخلاف ادعای شاکیان، افزایش سرمایه شرکت در سال ۱۳۵۵، با اجازه اکثریت صاحبان سهام صورت گرفته و جعل و تزویری در افزایش سرمایه شرکت رخ نداده است. به هرحال شرکت کارتن کار، در سال ۱۳۵۴ یکی از بزرگترین کارخانجات گروه صنعتی بلا بود و حدود ۲۰۰ پرسنل داشت. سایر موسسات گروه صنعتی بلا هم طی ۱۵ سال، فعالیتشان را گسترش دادند و بیش از ۲۵۰۰ پرسنل داشتند. گسترش قابل توجه فعالیت شرکتها در پنج سال آخر پیش از پیروزی انقلاب، به علت افزایش درآمدهای نفتی در کشور بود.

### شیوه مدیریت پرسنل

امیر و منصور به همان شیوه اداره حجره در بازار به پرسنل خود رسیدگی می کردند و حتی تا مدت ها آنها را بیمه نکرده بودند. اما شیوه سنتی مدیریت پرسنل به این شکل بود که مثلاً اگر کسی بیشتر تلاش می کرد، از تنخواه به او پاداش می دادند. حتی برای تشویق اگر وامی به کسی داده می شد، بازپرداخت آن را می بخشیدند. برای ازدواج خانواده های نیازمند و جهیزیه آنها اقدام می کردند یا در ایام عید مواد غذایی بین افراد پخش می کردند. یا در مثالی دیگر تا پیش از بیمه شدن کارمندان، در زمان بیماری های سخت، پول درمان را مدیریت بر عهده می گرفت. همه این اقدامات در جهت امور رفاهی کارکنان بود، اما براساس همان فرمول های قدیمی حجره های بازار و نه با متد خاص مدیریتی یک واحد صنعتی بزرگ.

البته از سال ۱۳۵۲، مخصوصاً با بازگشت اسماعیل از آمریکا و اصرار بر تغییر شیوه های مدیریتی قدیمی گروه بلا به این نتیجه رسید که اگر می خواهد فعالیت شرکتها، پرسنل و فعالیت صنعتی را توسعه بدهد، ناگزیر باید شیوه های مدیریتی جدید را اعمال کند. همین

موضوع باعث شد گروه صنعتی بلا از اوایل سال ۱۳۵۲، از برخی افراد برجسته دانشگاهی برای سازماندهی مدیریتی، دعوت به کار کند. آنها شروع به تغییراتی در الگوی اداره شرکتها کردند، اما مدیریت جدید به دلیل فرصت اندک و فشار بدهی‌ها، در سال‌های آخر حضور عمیدحضورها، نتوانستند آن‌طور که باید به موفقیتی در این زمینه برسند.

### روزهای افت یک برند

گروه صنعتی بلا و برادران عمیدحضور همیشه هم در جهت موفقیت و با سیر صعودی در فروش و تولید روبرو نبودند. عملاً از اواسط دهه ۵۰، بلا با مشکلات عمیق و متعددی درگیر بود که در نهایت هم با پیروزی انقلاب و تغییرات اساسی در ساختار شرکت گره خورد. این افت از جایی شروع شد که تعدادی از شرکت‌های گروه بلا، با بدهی‌های زیادی روبرو شدند. از طرفی در خانواده و میان برادران هم اختلاف نظرهایی وجود داشت درباره فروش برخی واحدها و فروشگاهها برای بازپرداخت بدهی‌ها. در ابتدای سال ۱۳۵۷ بدهی معادل ۷۰۰ میلیون تومان از این گروه صنعتی گزارش شده. در کنار بدهی‌ها، گرفتن اعتبارات کوتاهمدت برای کارخانهها از بانک ملی هم مشکل دیگر این گروه صنعتی بود و همین موضوع باعث شد که به مدت دو سال مدیریت بسیاری از واحدها تحت نظر بانک ملی قرار بگیرد.

بدشانسی دیگری هم در مسیر عمیدحضورها قرار گرفت و آن آتش‌سوزی بخش بسیار بزرگی از انبار کارخانه در سال ۱۳۵۶ بود. چون مدیریت سنتی بود و هنوز به شکل یکپارچه به یک شیوه مدیریتی صنعتی نرسیده بودند، ناتوانی کوتاهمدت در عرضه کفش بلا و جم، باعث زیان و عدم بازپرداخت به موقع بدهی‌های دیگر شد. از اواسط سال ۱۳۵۶، به دلیل کمبود نقدینگی تعدادی از کارخانههای کفش تحت فشار قرار داشت. حتی به گفته نزدیکان برادران عمیدحضور و کارگران کارخانهها، در همین دوره، تنش‌هایی بین برادران به وجود آمده بود. این تنش‌ها گاهی در نحوه رفتار با کارکنان هم تاثیر می‌گذاشت.

در این دوره، دکتر اسماعیل عمیدحضور، تمام تلاشش را به کار بسته بود تا بتواند با بانکها همکاری کند و مسئله بدهی‌ها حل شود. اما پس از چند ماه، وقوع انقلاب آن تلاش‌ها را ناکام گذاشت. در مورد ناتوانی شرکت در بازپرداخت بدهی‌ها، دو روایت متفاوت هم وجود دارد. یک روایت بر نحوه استفاده از اعتبارات کوتاهمدت و نقش آن است. اما یک روایت دیگر از تصمیم امیر در سرمایه‌گذاری در خارج از کشور و خروج ارز می‌گوید که باعث ایجاد ناتوانی در بازپرداخت بدهی‌ها شد. در اواسط دهه ۵۰ حکومت پهلوی تصمیم گرفت ۴۹ درصد سهام به کارگران و مردم واگذار شود و همچنین سیاست قیمت‌گذاری بر روی کالاها را به راه انداخت. این مسایل باعث خروج فعالان اقتصادی زیادی از ایران شد که احتمالاً امیر هم در ادامه همین روند تصمیم به خروج گرفته بود.

### انقلاب و مصادره بلا

برادران عمیدحضور جز تولید و تجارت به چیزی فکر نمی‌کردند و حتی در فعالیت صنفی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، مشارکت نداشتند. اما سال ۱۳۵۸ و در ادامه مصادره‌هایی که انجام شد، برادران عمیدحضور هم دیگر اجازه استفاده از اموالشان را نداشتند. از دیگر اتفاقات بد برای این گروه صنعتی این بود که در زمانی که فضای احساسی پس از انقلاب بر اوضاع اقتصادی غالب شده بود، نام گروه بلا به شرکت فخرالاسلام تغییر یافت. شرکت‌های تولیدی کفش بلا، از جمله مهپوش، جم، چرم زوک و جوراب گیلان، از دهه ۷۰ به بعد پس از کنترل دولت، با زیان‌های بسیاری مواجه شدند. آنهایی که به موسسات عمومی غیردولتی واگذار شدند، تا حدی توانستند به فعالیت خود ادامه دهند، اما شرکت‌هایی که در دست سازمان‌های دولتی بودند، تعطیل شدند. تنها بازمانده گروه صنعتی بلا هم‌اکنون شرکت بازرگانی

مربوط به فروشگاه‌ها است که فعلاً فعال است.

### سرنوشت برادران پس از مصادره

امیر عمیدحضور به واسطه اختلافات و بدهی که شرکت با آن مواجه شده بود، پس از شروع موج انقلاب در دی‌ماه ۱۳۵۷ به آمریکا مهاجرت کرد. امیر تا زمان مرگش به همراه پسرانش، در زمینه تجارت فرش، صنایع آب و ملک‌داری از فعالان موفق ایرانی در آمریکا بود. امیر عمیدحضور پس از ۳۵ سال فعالیت تجاری صنعتی در مهرماه ۱۳۷۹، در سن ۷۲ سالگی در آمریکا درگذشت.

منصور به دلیل رابطه با پدر همسرش حاجی ترخانی، تصور نمی‌کرد با همه روابطی که با انقلابیون مذهبی داشت، در سال ۱۳۵۹، از ورود او به کارخانه‌اش جلوگیری کنند. از طرفی ممنوع‌المعامله بودن، کنترل کارخانه توسط سازمان صنایع و از همه بیشتر اندوهی که بابت از دست دادن سه دهه تلاش مستمر در کار صنعتی برای او به وجود آمده بود، باعث شد که در سال ۱۳۶۱، زمانی که تنها ۴۶ سال داشت، بر اثر سکته قلبی در تهران فوت کند. محسن عمیدحضور هم مانند برادر دوم خود در ایران ماند. او از ابتدا هم نقش پررنگی در گروه صنعتی بلا نداشت و در نهایت در بهمن ۱۳۸۴، درگذشت. هاشم عمیدحضور هم پس از انقلاب به خارج از کشور رفت و از همان دهه ۶۰ با دخترانش در جنوب فرانسه، در زمینه تجارت کفش فعالیت دارد.

اسماعیل عمیدحضور با سابقه تحصیلی و کاری که در آمریکا داشت، از دیگر برادران در آن سوی آبها موفق‌تر بود. او اولین تاجری بود که Nintendo را به بازار آمریکا آورد. او بعدها شعبه آمریکایی شرکت گروندیک را خریداری کرد و تغییراتی در خط تولید آن ایجاد کرد. او حالا سال‌ها است که در زمینه تولید و تجارت تجهیزات الکترونیکی، کار می‌کند و به موفقیت‌های زیادی هم رسیده.

### جوانان امروز خاندان عمیدحضور

جوانان نسل سوم خاندان عمیدحضور تحت تربیتی قرار داشتند که مدام به فکر کارآفرینی و توسعه کسب و کار خود بودند. خروج از ایران هم باعث نشد این تفکر و نوع تربیت تغییر پیدا کند. البته شاید بتوان درباره نسل سوم این خانواده تاثیر شانس را هم در نظر گرفت. ماجرای این شانس به ساختمان ۱۶۵ خیابان یونیورسیتی در نزدیکی دانشگاه استنفورد بازمی‌گردد که مالک آن سعید و رحیم عمیدحضور بودند و آن را در سال‌های اوج توسعه تکنولوژی به معتبرترین شرکت‌های جهان از جمله گوگل اجاره دادند. آنها بعد از مدتی به این نتیجه رسیدند که بهتر است وارد سرمایه‌گذاری در شرکت‌های نوپا در حوزه تکنولوژی شوند که با سرعتی بسیار خیره‌کننده رشد می‌کردند.

سعید و رحیم عمید حضور یا عمیدی، شرکتی را به نام «پلاگاند پلی» راه‌اندازی کرده‌اند که چندین سال است، در شهر کالیفرنیا پا گرفته و فعالیت اصلی‌اش حمایت از شرکت‌های تکنولوژی محور و ایده‌های نوین است. در واقع شرکت پلاگاند پلی یک شتاب‌دهنده محسوب می‌شود که در حوزه بازار ایده و خلاقیت کار می‌کند و با شناسایی استارت‌آپ‌ها و یا ایده‌ها روی آنها سرمایه‌گذاری و حمایت می‌کند تا یک شرکت نوپا بتواند رشد داشته باشد و در نهایت در سود این شرکت شریک می‌شوند. شرکت شتاب‌دهنده برادران عمیدی هم‌اکنون در بیش از ۲۰ کشور دنیا فعالیت دارد و بیش از ۳۰۰ استارت‌آپ تحت حمایت آنها است. پلاگاند پلی همچنین با دانشگاه‌های معتبر جهان همکاری دارد تا استعداد‌های جوان و آینده‌دار را شناسایی کنند و تحت حمایت خود قرار دهند. ■



# تاسیس

# مرکز تماس اتاق تهران



اطلاع از خدمات: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

توییتر: [twitter.com/TCCIM](https://twitter.com/TCCIM) اینستاگرام: [instagram.com/TCCIM.pr](https://www.instagram.com/TCCIM.pr)

تلگرام: [t.me/TehranChamber](https://t.me/TehranChamber) آپارات: [www.aparat.com/TCCIM](https://www.aparat.com/TCCIM)

کدپستی: ۱۵۱۱۹۱۷۶۱۳ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۸۱۸

مارا بشنید



یادکست

آینده نگر

یادکست

کارنامه

سرگذشت کارآفرینان

روابط عمومی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

[www.tccim.ir](http://www.tccim.ir)

اینستاگرام: [instagram.com/TCCIM.pr](https://www.instagram.com/TCCIM.pr)

توییتر: [twitter.com/TCCIM](https://twitter.com/TCCIM)

آپارات: [www.aparat.com/TCCIM](http://www.aparat.com/TCCIM)

تلگرام: [t.me/TehranChamber](https://t.me/TehranChamber)

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۸۱۸

کدپستی: ۱۵۱۱۹۱۷۶۱۳

